[illegible]

[illegible] جو خیرہ فارسی و اُردو مذہب امامیہ کی ترویج کرتے ہیں تا کہ جس فن کی جو کتاب ... [illegible]

کتب موجودہ کارخانہ سے خریداروں کو آگاہی کا ذریعہ حاصل ہو

کتب فارسی و اُردو مذہب امامیہ

[illegible]

نوادر روزگار سے ہے کہ سوائے کتب جناب علماء اور علماء کے جسکا مثل آج تک بزبان اُردو شائع نہیں ہوا تھا حالات و قصص انبیا میں بہ ایات صحیحہ مثل کتاب حیات القلوب جو تصنیف عالم ربانی ملا محمد باقر بن محمد تقی المجلسی الاصفہانی کی ہے متعلق جلد اوّل میں بحوالہ اسکے اس جلد میں احوال حضرت آدم علیٰ نبینا و علیہ السلام تا حضرت عیسیٰ علیہ السلام مع قصص حضرت دانیال و حضرت یونس و اصحاب کہف و اصحاب اخدود و حضرت جرجیس و اخبار پیغمبران بنی اسرائیل و بادشاہان اہل یمن تا قصہ ہاروت و ماروت بشرح و بسط مفصل چھپ کر تیار ہے۔

جلد ثانی کہ منجملہ نوادر کتب کے ہے نہایت مبسوط و طولانی مختص بہ احوال سعادت اشتمال جناب سرور کائنات حضرت محمد مصطفےٰ صلی اللہ علیہ و آلہ از ظہور ولادت و بعثت و جملہ معجزات و غزوات و سائر واقعات و عجائبات و غرائبات تا فضائل بعضے از اصحاب کرام و ذوی الاحترام۔

جلد ثالث بیان امامت و اثبات امامت ائمہ اثنا عشر صلوات اللہ علیہم بہ براہین و نص قرآنی و احادیث

[illegible]

اعمال اور وظائف میں نوادرات سے ہے پورے سال کے بارہ مہینوں کے اعمال نہایت مبسوط اس میں جمع ہیں تصنیف جناب ملا محمد باقر مجلسی علیہ الرحمۃ تصحیح علماء مذہب امامیہ کاغذ سفید و چھپائی خوش خط عمدہ و لکھائی بھی عمدہ ہے

بنا الاسلام فی احکام الصیام یہ کتاب فیض انتساب بزبان فارسی تصنیف عالم اجل و محقق بے بدل ... العصر والزمان جناب مفتی مولوی سید محمد عباس صاحب قبلہ کی ہے

اس کتاب لاجواب میں روزہ داروں کے مراتب اور ثواب اور روزے کے آداب نہایت مبسوط اور مفصل تحریر فرمائے ہیں اور روزہ خوروں کی شقاوت اور خباثت کو کس خوبصورتی سے بیان فرمایا ہے جسکے پڑھنے سے ماہ رمضان المبارک کی عظمت و جلالت اور روزہ داروں کی قدر و منزلت صاف معلوم ہو جاتی ہے احادیث صحیحہ سے جناب سیدہ کے ہر فقرہ کا ثبوت دیا ہے اور دلائل عقلی و نقلی و نصوص قرآنی سے صوم اور صائم کی عظمت ظاہر فرمائی ہے۔

فهرست ابواب و فصول حلیة المتقین که مشتمل است بر چهارده باب و خاتمه و هر بابی متضمن است بدوازده فصل

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۳	باب اول در آداب لباس	۱۷	فصل دوم در بیان آنچه انگشتر از آن سازند
〃	فصل اول در فضیلت تجمل و زینت کردن	۱۸	فصل سیوم در فضیلت عقیق
۵	فصل دوم در بیان جامه های حرام	۲۰	فصل چهارم در فضیلت یاقوت و زبرجد و زمرد
۶	فصل سیوم در پوشیدن پنبه و کتان	〃	فصل پنجم در فضیلت فیروزه و جزع یمانی
۷	فصل چهارم در بیان رنگهائی که در جامه سنت است یا مکروه	۲۱	فصل ششم در فضیلت در نجف و بلور و حدید چینی و سائر نگین ها
۸	فصل پنجم در بعضی آداب جامه پوشیدن	۲۲	فصل هفتم در بیان آنچه سزاوار است که در نگین نقش کنند
۹	فصل ششم در پوشیدن لباسی که مخصوص زنان یا کافران است	۲۷	فصل هشتم در زیور طلا و نقره پوشیدن و بزنان و اطفال پوشانیدن
〃	فصل هفتم در آداب عمامه بر سر بستن	〃	فصل نهم در آداب سرمه کشیدن
۱۰	فصل هشتم در آداب زیر جامه پوشیدن	۲۹	فصل دهم در آداب نظر در آئینه کردن
۱۱	فصل نهم در آداب جامه نو بریدن و پوشیدن	۳۰	فصل یازدهم در فضیلت خضاب کردن مردان و زنان
۱۲	فصل دهم در سائر آداب جامه پوشیدن و کندن	۳۲	فصل دوازدهم در کیفیت خضاب
۱۴	فصل یازدهم در رنگ نعلین و موزه و کفش	〃	باب سیوم در آداب خوردن و آشامیدن
۱۵	فصل دوازدهم در آداب پوشیدن نعل و موزه و کفش	〃	فصل اول در بیان ظرفهائی که در خوردن و آشامیدن و غیر آن استعمال توان نمود
۱۶	باب دوم در آداب حلی و زیور پوشیدن و سرمه کشیدن و در آئینه نظر کردن و خضاب کردن	۳۳	فصل دوم در تجویز خوردن طعامهای لذیذ
〃	فصل اول در فضیلت انگشتر بدست کردن و آداب آن	۳۴	و مذمت حرص و افراط در آن
		۳۶	فصل سیوم در بیان بعضی از آداب و اوقات طعام خوردن

صفحه	مضمون
۳۹	فصل چهارم در سائر آداب طعام خوردن
۴۴	فصل پنجم در بیان دعاهای وقت طعام
۴۷	فصل ششم در بیان آداب بعد از طعام
۴۹	فصل هفتم در فضیلت نان و سویق و گوشت و روغن و سائر آنچه از حیوانات حاصل می شود و سرکه و شیرینی ها
۵۶	فصل هشتم در فوائد حبوب و سبزیها و میوها و سائر ماکولات
۶۴	فصل نهم در فضیلت ضیافت مؤمنان و آداب آن
۶۷	فصل دهم در فضیلت خلال و آداب آن
〃	فصل یازدهم در فضیلت آب و انواع آن
۶۹	فصل دوازدهم در آداب آب خوردن
۷۱	باب چهارم در فضیلت تزویج و آداب مجامعت و معاشرت زنان و کیفیت تربیت فرزندان و معاشرت ایشان
〃	فصل اول در فضیلت تزویج کردن و نهی از رهبانیت
۷۳	فصل دوم در اوصاف زنان و صفات پسندیده و ناپسندیدهٔ ایشان
۷۵	فصل سیوم در آداب نکاح و ارادهٔ آن
۷۶	فصل چهارم در آداب زفاف و مجامعت
۸۲	فصل پنجم در آداب نماز و دعا در شب زفاف و در وقت مقاربت با زنان
۸۳	فصل ششم در بیان حق زن و شوهر بر یکدیگر و احکام آن

صفحه	مضمون
۸۶	فصل هفتم در بیان ادعیه طلب فرزند و فضیلت آن
۹۰	فصل هشتم در بیان احکام ایام حمل و آداب روز ولادت و نام نهادن طفل
۹۴	فصل نهم در عقیقه کردن و سر تراشیدن و آداب آنها
۹۷	فصل دهم در ختنه کردن و سوراخ کردن گوش
۹۹	فصل یازدهم در آداب شیر دادن و تربیت کردن فرزندان
۱۰۲	فصل دوازدهم در بیان حق پدر و مادر و وجوب رعایت حرمت ایشان
۱۰۶	باب پنجم در بیان مسواک کردن و شانه کردن و ناخن و شارب گرفتن و سر تراشیدن و امثال آن
۱۰۷	فصل اول در فضیلت مسواک کردن و فوائد آن
۱۰۹	فصل دوم در فضیلت سر تراشیدن و آداب آن
〃	فصل سیوم در آداب موی سر نگاه داشتن
۱۱	فصل چهارم در فضیلت شارب گرفتن
۱۱۱	فصل پنجم در آداب ریش بلند کردن
۱۱۲	فصل ششم در فضیلت موی سفید و کراهت کندن آن
۱۱۳	فصل هفتم در کندن موی بینی و نهی از بازی کردن با ریش
〃	فصل هشتم در فضیلت ناخن گرفتن
〃	فصل نهم در آداب و اوقات ناخن گرفتن
۱۱۵	فصل دهم در مدفون کردن مو و ناخن و غیره

صفحه	مضمون
۱۱۶	فصل یازدهم در فضیلت شانه کردن موی سر و ریش
〃	فصل دوازدهم در آداب اوقات شانه کردن
۱۱۹	باب ششم در آداب بوی خوش و گل بوئیدن و روغن مالیدن
〃	فصل اول در بیان سبب پیدا شدن بوهای خوش
〃	فصل دوم در فضیلت بوی خوش و آداب آن
۱۲۰	فصل سیوم در کراهت رد کردن بوی خوش
〃	فصل چهارم در فضیلت مشک و عنبر و عود و زعفران
۱۲۱	فصل پنجم در فضیلت غالیه
〃	فصل ششم در فضیلت و آداب روغن بر بدن مالیدن
۱۲۲	فصل هفتم در فوائد روغن بنفشه
۱۲۳	فصل هشتم در فوائد روغن بان و زنبق
〃	فصل نهم در فضیلت سائر روغنها
〃	فصل دهم در فضیلت بخور و انواع و آداب آن
۱۲۴	فصل یازدهم در فضیلت گلاب و گل سرخ و انواع گلها
۱۲۵	فصل دوازدهم در آداب گل بوئیدن
۱۲۶	باب هفتم در آداب حمام رفتن و سر و بدن شستن و دارو کشیدن و آداب بعضی از اغسال
〃	فصل اول در فضیلت حمام

صفحه	مضمون
۱۲۶	فصل دوم در آداب داخل شدن و بیرون آمدن
۱۲۸	از حمام و دعاهای که باید خواند
〃	فصل سیوم در بیان آنچه در حمام نباید کرد و آنچه تجویز شده است
۱۲۹	فصل چهارم در فضیلت شستن سر و بدن و دفع کردن بوهای بد از جامه و تن
۱۳۰	فصل پنجم در فضیلت شستن سر با برگ سدر و خطمی
۱۳۱	فصل ششم در فضیلت دارو کشیدن
〃	فصل هفتم در ازاله موی زیر بغل
۱۳۲	فصل هشتم در رعایت زمانی که نوره را تاخیر میتوان کرد
〃	فصل نهم در دعاهای وقت نوره کشیدن
۱۳۳	فصل دهم در اوقات نوره کشیدن و سائر آداب آن
۱۳۴	فصل یازدهم در فضیلت حنا مالیدن بعد از نوره
۱۳۵	فصل دوازدهم در آداب غسل جمعه و سائر اغسال و شمار غسلهای واجب و مستحب
۱۳۸	باب هشتم در آداب خواب رفتن و بیدار شدن و بیت الخلا رفتن
〃	فصل اول در بیان اوقات خواب
۱۳۹	فصل دوم در وضو ساختن پیش از خواب
۱۴۰	فصل سیوم در مکان خوابیدن و آداب پیش از خواب
۱۴۱	فصل چهارم در سائر آداب خوابیدن
〃	فصل پنجم در آیات و ادعیه که پیش از خواب باید خواند

صفحه	مضمون
١٤٥	فصل ششم در دفع ترسیدن بخواب و خواب پریشان دیدن و محتلم شدن
١٤٦	فصل هفتم در ذکر ادعیه دفع بیداری و برای بیدار شدن در آخر شب
١٤٧	فصل هشتم در بیان نماز و دعا از برای خوابهای نیک دیدن و آداب بیدار شدن
١٤٩	فصل نهم در بیان سبب خواب راست و دروغ و تعبیر خواب
١٥٦	فصل دهم در آداب بیداری و مذمت بسیار خوابیدن
١٥٧	فصل یازدهم در آداب بیت الخلا
١٥٩	فصل دوازدهم در بیان احوال و اوضاع و مکانهای بول و غایط کردن که نهی از آن وارد شده
١٦١	باب نهم در آداب حجامت و تنقیه و خواص بعضی از ادویه و معالجه بعضی از امراض و ذکر برخی از ادعیه و احراز
〃	فصل اول در ثواب بیماری و صبر کردن بر آن و شدت ابتلای مؤمنان
١٦٣	فصل دوم در فضیلت و آداب حجامت
١٦٧	فصل سیوم در بیان انواع تداوی که از ائمه وارد شده و جواز رجوع با طباء
	فصل چهارم در معالجه انواع تب
	فصل پنجم در ذکر ادعیه جامعه و ادویه مرکبه نافعه
١٨٢	فصل ششم در معالجه درد سر و شقیقه و زکام و صرع و اختلال دماغ و تصرف جن

صفحه	مضمون
١٨٤	فصل هفتم در معالجه سائر امراض سر و روی و گلو
١٩٠	فصل هشتم در معالجه خنازیر و قروح و جروح و ثالول و بثور و خوره و پیسی و بهق و غیره
١٩٤	فصل نهم در معالجه امراض اندرونی و قولنج و بادها و آزار معده و سرفه
١٩٨	فصل دهم در معالجه اوجاع مفاصل و بواسیر و امراض مثانه و غیره
٢٠٣	فصل یازدهم در بیان بعضی از تعویذات برای دفع سحر و سموم گزندگان و سائر بلاها
٢٠٩	فصل دوازدهم در فوائد تربت شریف حضرت امام حسین ع و خواص بعضی از ادویه مفرده
٢١٤	باب دهم در آداب معاشرت با مردمان و حقوق اصناف ایشان
〃	فصل اول در بیان حقوق خویشان و غلامان
٢١٨	فصل دوم در حقوق همسایگان و یتیمان و مردان قبیله و عشیره
٢٢١	فصل سیوم در حقوق صداقت و اخوت
٢٢٣	فصل چهارم در حقوق مؤمنان بر یکدیگر و حسن معاشرت با خلق
٢٢٦	فصل پنجم در قضای حاجت مؤمنان و سعی نمودن در کارهای ایشان و شاد کردن ایشان
٢٣١	فصل ششم در دیدن مؤمنان و عیادت بیماران ایشان
٢٣٤	فصل هفتم در آداب طعام دادن و جامه پوشانیدن مؤمنان و سائر اعانتهای ایشان و یاری کردن مظلومان

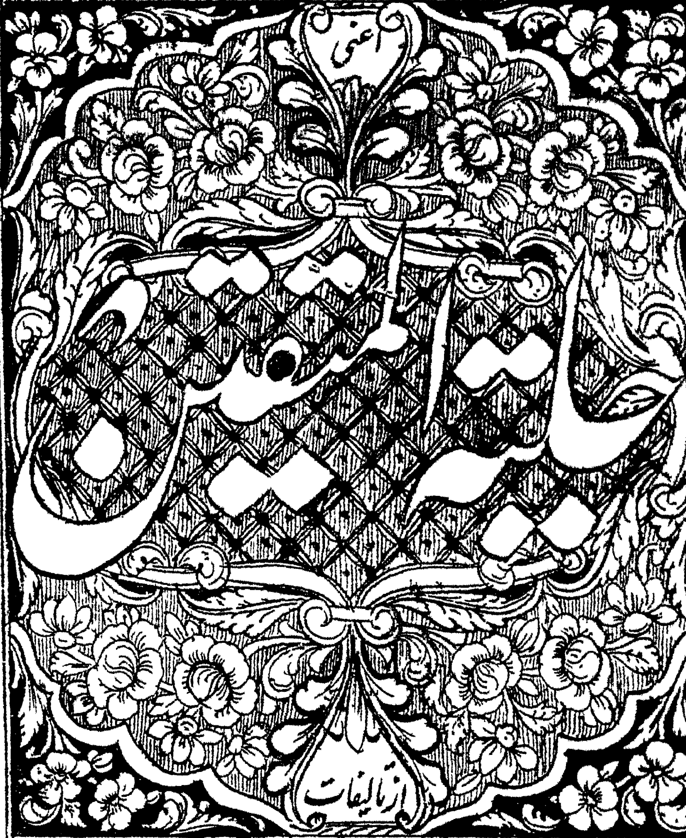
مضمون	صفحه
فصل هشتم در حقوق فقرا و مظلومان و ضعیفان و پیران و اصحاب بلا و آداب معاشرت با ایشان	۲۳۶
فصل نهم در رعایت حقوق مؤمنان در غیبت ایشان	۲۴۲
فصل دهم در آداب معاشرت با ظالمان و قلیلی از احوال ایشان	۲۴۶
فصل یازدهم در آداب معاشرت با کافران و مخالفان	۲۵۳
فصل دوازدهم در بیان حقوق مردگان بر زندگان	۲۵۴
باب یازدهم در آداب مجالس از سلام کردن و مصافحه و معانقه و آداب عطسه کردن و آداب نشستن و برخاستن و امثال آن	۲۶۴
فصل اول در فضیلت سلام کردن و آداب آن	
فصل دوم در فضیلت مصافحه و معانقه و غیره و آداب هر یکی از آن.	۲۶۷
فصل سیوم در آداب نشستن در مجلس	۲۷۰
فصل چهارم در آداب ملاقات کردن صاحب خانه با کسیکه بخانه او مے آید	۲۷۲
فصل پنجم در بیان مجالسی که در انجا داخل شدن روا است و جماعتی که همنشینی ایشان سزاوار است	۲۷۳
فصل ششم در آداب عطسه و آروغ و آب دهان انداختن	۲۷۷
فصل هفتم در مزاح کردن و خندیدن و سرگوشی کردن و آداب صحبت داشتن و راز مجلس پنهان داشتن	۲۷۹
فصل هشتم در سائر آداب مجالست و حقوق اصحاب مجالس بر یکدیگر	۲۸۱
فصل نهم در فضیلت ذکر خدا کردن در مجالس	۲۸۳
فصل دهم در فضیلت ذکر حضرت رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام کردن در مجالس و مباحثه علوم ایشان نمودن و احادیث فضائل ایشانرا یاد کردن	۲۸۴
فصل یازدهم در مشورت کردن با برادران مؤمن و آداب آن	۲۸۷
فصل دوازدهم در آداب نامه نوشتن	۲۸۸
باب دوازدهم در آداب خانه داخل شدن و بیرون رفتن	۲۸۹
فصل اول در گشادگی خانه	״
فصل دوم در مذمت تکلف بسیار در خانه کردن و بسیار بلند ساختن آن	۲۹۰
فصل سیوم در نقاشی کردن و صورت صاحب روحی کشیدن که سایه داشته باشد	۲۹۱
فصل چهارم در آداب فرش خانه	۲۹۲
فصل پنجم در عبادت کردن در خانه	۲۹۳
فصل ششم در نگاهداشتن حیوانات در خانه خصوصاً کبوتر و خروس	۲۹۴
فصل هفتم در نگاهداشتن گوسفند و بز در خانه	۲۹
فصل هشتم در بیان احوال سائر طیور و ذکر بعضی از حیوانات که کشتن آنها روا است یا روا نیست	۲۹۶

صفحه	مضمون
٣٠٠	فصل نهم در منع از نگاه داشتن سگ در خانه
٣٠٢	فصل دهم در آداب چراغ افروختن در خانه خریدن
٣٠٤	فصل یازدهم در بیان سائر آداب خانه
٣٠٦	فصل دوازدهم در آداب خانه داخل شدن و بیرون رفتن
٣٠٨	باب سیزدهم در آداب پیاده رفتن و سوار شدن و بازار رفتن و تجارت کردن و زراعت کردن و حیوانات نگاه داشتن
"	فصل اول در سوار شدن اسپ و استر و شتر و انواع هریک
٣١٠	فصل دوم در آداب نگاه داشتن چهارپایان و رعایت حقوق آنها
٣١٢	فصل سیوم در آداب زین و لجام
٣١٣	فصل چهارم در ادعیه و آداب سواری
٣١٦	فصل پنجم در آداب پیاده رفتن
٣١٧	فصل ششم در نگاه داشتن شتر و گاو و گوسفند
٣١٨	فصل هفتم در آداب خریدن و نگاه داشتن حیوانات
٣٢٠	فصل هشتم در بیان مجملی از احوال حیوانات
٣٢٢	فصل نهم در فضیلت تجارت کردن و طلب حلال نمودن
٣٢٥	فصل دهم در بیان آداب تجارت
٣٣١	فصل یازدهم فضیلت زراعت کردن و درخت کشتن
٣٣٢	فصل دوازدهم در آداب زراعت کردن و درخت کشتن
٣٣٤	باب چهاردهم در آداب سفر
"	فصل اول در بیان سفرهای نیک و بد و ایام و ساعات نیک و بد از برای سفر

صفحه	مضمون
٣٣٥	فصل دوم در دفع نحوست ایام سفر به تصدق کردن و دعا خواندن
٣٣٧	فصل سیوم در آداب غسل و نماز و دعا در وقت بیرون رفتن
٣٤١	فصل چهارم در سائر آداب بیرون رفتن و بیان چیزی چند که باید با خود بردن
٣٤٤	فصل پنجم در فضیلت توشه برداشتن در سفر
٣٤٥	فصل ششم در رفیق با خود بردن در سفر و آداب معاشرت ایشان
٣٤٧	فصل هفتم در بیان سائر آداب سفر
٣٤٩	فصل هشتم در آداب راه رفتن و فرود آمدن
٣٥٠	فصل نهم در بیان دعاها که در راه و در منزلها باید خواند
٣٥٣	فصل دهم در آداب سفر دریا و گذشتن از نهرها و جسرها
٣٥٥	فصل یازدهم در آداب مشایعت و استقبال مسافران و آداب برگشتن از سفر
٣٥٦	فصل دوازدهم در آداب اسپ تاختن و تیر انداختن و احکام گروبندی
٣٦٢	خاتمه کتاب در بیان بعضی از آداب متفرقه و فوائد نافعه

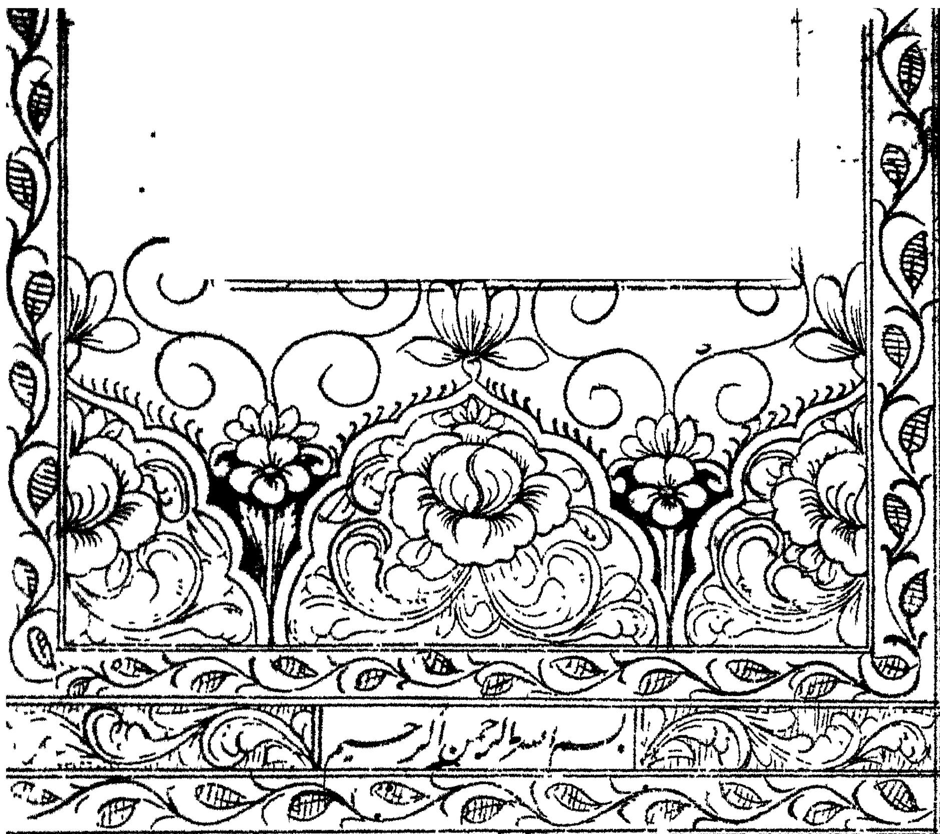
اللهم حلنا بحلیة المتقین وزینة العابدین

هزاران هزار شکر ایزد منان خلاق انس وجان که درین زمان میمنت نشان کتاب لاجواب مشتمل بر مکارم اخلاق و محاسن آداب



قبلهٔ ارباب یقین و قدوة المحدثین زین السالکین مولانا محمد باقر مجلسی علیه الرحمه بنگرانی تصحیح نظر ثانی عبد مذنب حاجی محمد علی مدرس مدرسه ایمانی

در مطبع نامی گرامی منشی نولکشور بمقام لکهنؤ زیور طبع پوشید



الحمد لله الذی حلّی انبیائه المرسلین باحسن حلیة المتقین وبعث نخبة اصفیائه محمداً صلّی الله علیه واله لتتمیم مکارم اخلاق المومنین واکمل فی اوصیائه المنتجبین افضل خصال النبیّین فصلوات الله علیه وعلیهم عدد انفاس المسبّحین من الملائکة والناس اجمعین ولعنة الله علی اعدائهم ملأ السموات والارضین

اما بعد چنین گوید تراب اقدام مومنین وخادم طلبه علوم ائمه طاهرین محمد باقر بن محمد تقی حشرهما الله مع موالیهما الطاهرین صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین که چون عمدهٔ امتیاز بنی نوع انسان از سائر انواع حیوان تخلق باخلاق حسنه وتزین بآداب مستحسنه است وبمقتضای حدیث شریف نبوی صلی الله علیه وآله بعثت لاتمم مکارم الاخلاق تمام آداب پسندیده واخلاق حمیده در شرع انور ودین اظهر آنحضرت ظاهر ومبین گردیده وچون مختصری از مکارم اخلاق در کتاب عین الحیوة بیان شده بود جمعی از سالکان مسالک سعادت وناهجان مناهج متابعت اهلبیت رسالت صلی الله علیه وآله از این ذرهٔ حقیر التماس نمودند که رساله در بیان محاسن آداب که از طریقه ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین باسانید معتبره باین قلیل البضاعة رسیده باشد بر وجه اختصار تحریر نماید که بسبب عموم نفع نسبت باهل ایمان وبیان مضامین اخبار را در لباس لغت فارسی قریب الفهم جلوه در آورد لهذا

با ضیق مجال و کثرت اشتغال رعایت حقوق اخوت ایمانی لازم دانسته و بمقتضای حدیث الدّالّ علی الخیر کفاعله امیدوار گردیده اجابت ملتمس ایشان نمود و بر چهارده باب و خاتمه مرتب گردانید **باب اول** در آداب لباس **باب دوم** در آداب حلی و زیور پوشیدن و سرمه کشیدن و در آئینه نظر کردن و خضاب کردن **باب سوم** در آداب خوردن و آشامیدن **باب چهارم** در فضیلت تزویج و آداب مجامعت و معاشرت زنان و کیفیت تربیت فرزندان و معاشرت ایشان **باب پنجم** در آداب مسواک کردن و ناخن و شارب گرفتن و سر تراشیدن و شانه کردن و امثال اینها **باب ششم** در آداب بوی خوش کردن و گل خوش بوئیدن و روغن مالیدن **باب هفتم** در آداب حمام رفتن و دارو کشیدن و امثال آن **باب هشتم** در آداب خواب رفتن و بیدار شدن و بیت الخلا رفتن **باب نهم** در آداب حجامت و تنقیه و ذکر بعضی از ادعیه لطیفه و خواص بعضی از ادویه و معالجه بعضی از امراض **باب دهم** در آداب ملاقات و معاشرت مومنان و حقوق اصناف ایشان **باب یازدهم** در آداب مجالس و سلام و عطسه و مصافحه و معانقه و امثال اینها **باب دوازدهم** در آداب خانه داخل شدن و بیرون رفتن **باب سیزدهم** در آداب سوار شدن و راه رفتن و بازار رفتن و تجارت و زراعت نمودن و چارپایان نگاهداشتن **باب چهاردهم** در آداب سفر **خاتمه** در بیان بعضی از فوائد متفرقه و هر یک از این ابواب را بر دوازده فصل مشتمل ساخت و بکتاب حلیة المتقین مسمی گردانید مامول از ناظران درین رساله شافیه و عاملان باین عجاله وافیه آنکه این مجرم خطا پیشه را بدعای مغفرت و استدعای رحمت یاد نمایند و خطاهای لفظ و معنی این معترف بعجز و قصور را مواخذه نمایند والله الموفق والمعین

باب اول در بیان آداب جامه و کفش پوشیدن

فصل اول در فضیلت تجمل و زینت کردن

بدانکه موافق احادیث معتبره بسیار زینت کردن و جامهای پاکیزه و فاخره پوشیدن هرگاه که از حلال بهم رسد و مناسب حال او باشد سنت ست و موجب خوشنودی پروردگار است و اگر از حلال بهم نرسد بهرچه میسر شود باید قناعت نماید و تحصیل زیادتیهای لباس را مانع عبادت الهی نگرداند و اگر حق تعالی روزی را بر او فراخ گرداند در خور آن بخورد و بپوشد و صرف نماید و به برادران مومن بدهد و اگر روزی بر او تنگ شود قناعت نماید و بحرام و شبهه خود را آلوده نکند چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول ست که هرگاه خدای تعالی نعمتی به بنده کرامت فرماید و اثر آن نعمت بر او ظاهر شود او را دوست خدا مینامند و یاد کننده نعمت پروردگار خود خواهد بود و اگر بر او ظاهر نشود او را دشمن خدا نامند و تکذیب کننده نعمت پروردگار خود خواهد بود و در حدیث دیگر از آنحضرت صلی الله علیه و آله منقول ست که هرگاه حق تعالی به بنده نعمتی

کرامت فرماید دوست میدارد که اثر آن نعمت بر او ظاهر گردد و به بیند از حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه منقول
است که باید از برای برادر مومن خود زینت کند چنانچه برای بیگانه زینت میکند که خواهد شما را
به نیکوترین زینتی به بیند و بسند معتبر منقول ست که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در تابستان بر
روی حصیر می نشستند و در زمستان بر روی پلاس و در خانه جامهای کنده میپوشیدند و چون بیرون
می آمدند برای مردم زینت میکردند و از حضرت صادق علیه السلام منقول ست که حق تعالی زینت
و اظهار نعمت را دوست میدارد و ترک زینت و اظهار بدحالی را دشمن میدارد و دوست میدارد که اثر نعمت خود
را در بنده خود به بیند بانیکه جامهٔ خود را پاکیزه کند و خود را خوشبو دارد و خانهٔ خود را نیکو دارد و ساحتهای
خانه را بروبد حتی آنکه چراغ پیش از فرو رفتن آفتاب روشن کردن فقر را زائل میکند و روزی را زیاده
میکند و از حضرت امیرالمومنین علیه السلام منقول ست که حق تعالی جمعی را خلق کرده است که برای
شفقت بر ایشان دنیا را تنگ کرده است بر ایشان و محبت دنیا را از دل ایشان برداشته است پس
بسوی آخرت که حق تعالی ایشان را بسوی آن خوانده است راغب گردیده اند و بر تنگی معاش و مکروهات دنیا
صبر میکنند مشتاقند بانچه نزد خداست از کرامت ابدی و جان خود را در رضای خدا باخته اند و آخر کار ایشان
شهادت است پس چون نشاه آخرت در روز حق تعالی از ایشان خوشنود باشد و میدانند که مرگ راه ایشان است
که همه را در پیش است پس توشه برای آخرت خود اندوخته اند و طلا و نقره جمع نکرده اند و جامهای کنده پوشیده
و بقوت ضروری قناعت مینمایند و زیادتی ها را در راه خدا میدهند که توشهٔ آخرت ایشان باشد و از برای
خدا با نیکان دوستی و از برای خدا با بدان دشمنی مینمایند ایشانند چراغهای راه هدایت و ایشانند
متنعم بنعیم آخرت و یوسف بن ابراهیم گوید که بخدمت حضرت ابی عبدالله علیه السلام رفتم و جامهای
خز پوشیده بودم پرسیدم که چه میفرمائید در جامهٔ خز فرمود باکی نیست بدرستیکه چون حضرت امام
حسین صلوات الله علیه شهید شد جامهٔ خز پوشیده بود و چون حضرت امیرالمومنین علیه السلام عبدالله
بن عباس را فرستاد که با خوارج نهروان سخن گوید بهترین جامهای خود را پوشید و به بهترین بوهای
خوش خود را خوشبو کرد و بر بهترین اسپان سوار شد و برابر ایشان رفت گفتند تو از بهترین
مردمی چرا لباس جباران را پوشیده و بر اسپان ایشان سوار شده عبدالله بن عباس این آیهٔ کریمه را خواند قُل
مَن حَرَّمَ زِینَةَ اللهِ الَّتِی اَخرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّیِّبَاتِ مِنَ الرِّزقِ یعنی بگو

ای محمد که حرام کرده است زینتی که حق تعالی برای بندگان خود بیرون آورده است و روزیهای طیب و نیکو را
پس حضرت فرمود که جامهای نفیس بپوش و زینت کن خود را که خدا نیکوست و نیکو را دوست میدارد اما
باید که از حلال باشد و در حدیث معتبر وارد شده است که سفیان ثوری که از مشایخ صوفیه است
بمسجد الحرام آمد دید که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نشسته و جامهای پر قیمت نیکو پوشیده
است گفت والله بروم و او را برین جامه ها سرزنش کنم پس نزدیک آمد و گفت ای پسر رسول خدا صلی الله
علیه و آله پیغمبر چنین جامه ها نپوشیده و هیچ یک از پدرانت چنان جامه ها نپوشیده اند حضرت فرمودند که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله در زمانی بودند که روزی بر مردم تنگ بود امروز بر مردم روزی فراخ
است سزاوارترین مردم بصرف کردن نعمتهای خدا نیکانند پس این آیه خواندند که گذشت و فرمودند
که ما سزاوارترین مردمیم تصرف کردن در آنچه خدا عطا کرده است ای ثوری این جامه را که مى بینی
برای مردم پوشیده ام پس دامن جامه را بالا کردند و بنمودند جامه گنده که در زیر پوشیده بودند و
فرمودند که این جامه گنده را برای خود پوشیده ام و این جامهٔ نیکو را برای مردم پس دست زدند و جامهٔ
بالای سفیان را دور کردند و در زیر جامهٔ گنده کنه جامهٔ نازکی پوشیده بود فرمودند که جامهٔ پائین را برای
لذت نفس خود پوشیدهٔ و جامهٔ بالا را برای فریب دادن مردم پوشیدهٔ و در حدیث معتبر از عبد الله
بن هلال منقولست که گفت عرض کردم بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام که چه بسیار خوش می آید
مردم را احوال کسیکه طعامهای بدمزه و ناگوار میخورد و جامهای گنده میپوشد و اظهار شکستگی
و خشوع مینماید فرمود که مگر نمیدانی که حضرت یوسف پیغمبر و پیغمبرزاده بود و قباهای دیبا و طلاباف
میپوشید و در مجالس آل فرعون می نشست و حکم در میان مردم میکرد و مردم را با لباس او کاری
نبود و از و عدالت در حکم میخواستند امام میباید که آنچه گوید راست گوید و هرگاه وعده کند وفا کند و حکم
بعدالت کند خدای تعالی حلالی بر کسی حرام نکرده است و اندک و بسیار حرام را حرام کرده است پس خواندند
این آیه را قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللّٰهِ الخ و بسیار از اخبار مناسب این فصل را در کتاب عین الحیوة ایراد کرده‌ام

فصل دوم در بیان جامهای که حرام است پوشیدن آنها بدانکه مردان را جامهٔ حریر محض پوشیدن
و جامهای طلاباف پوشیدن حرام است و احوط آنست که عرقچین و کیسه و چیزهائی که عورت را بآن
نتوان پوشید هم از حریر نباشد و باز احوط آنست که اجزای جامه مانند سجاف و ... هم حریر نباشد و بهمه

آنست که چیزیکه با ابریشم مخلوط کنند یا پشم یا ریسمان یا کتان باشد و اولی آنست که بقدر ده یک
یا زیاده باشد و اگر مجموع تار یا مجموع پود غیر حریر باشد بهتر خواهد بود و باید که پوست حیوان مرده
نباشد هر چند که دباغت کرده باشند بنا بر اشهر بین الاصحاب و پوست حیوانی چند که قابل تذکیه نیست نباشد
و در نماز باید که پوست و پشم و مو و شاخ و دندان و سایر اجزای حیوانی که گوشت ایشان حرام است
نباشد و در سمور و سنجاب و خز که الحال معروفست خلافست و احوط اجتناب است اگرچه اظهر در سنجاب
و خز آنست که نماز در اینها جایز است و بهتر آنست که با جامه که در زیر آن جامه ها یا در بالای آنها پوشیده باشند
نماز نکنند مبادا که موئی چسپیده باشد و بهتر آنست که ولی اطفال غیر بالغ را نیز منع نماید از پوشیدن طلا
و حریر و بسند معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
فرمودند یا علی انگشتری طلا در دست مکن که آن زینت تست در بهشت و جامه حریر مپوش که آن پوشش
تست در بهشت و در حدیث دیگر فرمود که جامه حریر مپوش که حق تعالی بسبب این در روز قیامت پوستت
را با آتش دوزخ میسوزاند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که آیا جایز است مرد را که اهل
خود را بطلا زینت کند گفت بلی زنان و کنیزان را اما پسران را نه و در حدیث دیگر وارد شده است که
آنحضرت فرمود که پدرم امام محمد باقر علیه السلام فرزندان و زنان خود را بزیور طلا و نقره زینت میفرمود
و باکی نیست و ممکنست که مراد از فرزندان دختران باشند و احتمال دارد که شامل پسران نابالغ
هم باشد و احوط اجتناب است **فصل سوم** در پوشیدن پنبه و کتان و پشم و بهترین جامه ها جامه ایست
که از پنبه بافته باشند و بعد از آن کتانست و جامه پشمینه را همیشه پوشیدن و لباس خود قرار دادن کراهت
دارد اما گاهی برای قناعت یا دفع سرما پوشیدن بد نیست چنانچه بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه منقولست که بپوشید جامه پنبه که آن پوشش رسول خداست صلی الله علیه و آله
و پوشش ما اهلبیت است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله جامه مو و پشم نمی پوشیدند مگر از
برای علتی و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که نباید پوشید جامه
پشم و مو مگر از برای عذری و در روایت دیگر از حسین بن کثیر منقولست که حضرت صادق علیه السلام
را دیدم که پیراهن کنده پوشیده و جامه پشمینه بر بالای آن پوشیده گفت فدای تو شوم مردم کراهت دارند
از پوشیدن جامه پشمینه حضرت فرمود که پدرم میپوشید و حضرت امام زین العابدین علیه السلام

نیز میپوشیدند و هرگاه بنماز می ایستادند گنده ترین جامها میپوشیدند و ما نیز چنین میکنیم و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقول ست که فرمود پنج چیز است که تا مردن ترک نمیکنم بر روی زمین
با غلامان چیز خوردن و بر الاغ بی جل سوار شدن و بز را بدست خود دوشیدن و سلام بر اطفال کردن
و جامهٔ پشمینه پوشیدن و وجه جمع میان این احادیث آنست که اگر پوشیدن شال از برای خود قرار دهند
و بآن ممتاز شوند از دیگران مذموم است اما اگر گاهی برای قناعت یا شکستگی یا دفع سرما بپوشند
قصور ندارد و مؤید این معنی است آنچه در حدیث ابوذر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که در آخر زمان گروهی بهم رسند که جامهٔ پشمینه در تابستان و زمستان بپوشند و گمان کنند که
ایشان را باین سبب بر دیگران فضیلتی و زیادتی هست آنجماعت را لعنت کنند ملائکهٔ آسمانها و زمینها
و از حضرت امیر المؤمنین صلی الله علیه و آله منقول ست که کتان از پوشش پیغمبران ست و از حضرت
صادق علیه السلام منقول ست که پوشیدن کتان بدن را فربه میکند و در حدیث دیگر منقول ست که حضرت
علی بن الحسین علیهما السلام جامهٔ خز را بپنجاه درهم یا پانصد درهم میخریدند و در زمستان میپوشیدند و چون
زمستان میگذشت میفروختند و قیمتش را تصدق میفرمودند فصل چهارم در بیان رنگهای
که در جامه سنت است یا مکروه است بهترین رنگها در جامه سفید است و بعد از آن زرد و بعد از آن
سبز و بعد از آن سرخ نیم رنگ و کبود و عدسی و مکروه است سرخ تیره خصوصاً در نماز و پوشیدن
جامهٔ سیاه کراهت شدید دارد در همه حال مگر در عمامه و عبا و موزه و اگر عمامه و عبا هم سیاه نباشد
بهتر است و در چند حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول ست که بپوشید جامهٔ سفید
که آن نیکوترین و پاکیزه ترین رنگهاست و مردهای خود را در آن کفن کنید و از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام مرویست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله در اکثر اوقات جامهٔ سفید
میپوشیدند و حفص مؤذن روایت کرده است که دیدم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را
که در میان قبر و منبر نماز میکردند و جامهٔ زردی برنگ سیاه پوشیده بودند و در حدیث حسن از زراره
منقول ست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام بیرون آمد و جبهٔ خز زرد و عمامهٔ خز زرد و ردای
خز زرد پوشیده بود و در حدیث معتبر منقول ست که حکم بن عتیبه بخدمت امام محمد باقر علیه السلام رفت
دید که جامهٔ سرخ تیره که بگل کافشه رنگ کرده بودند پوشیده است حضرت فرمود که درین جامه

چه میگوئی گفتم گفت که چه کنیم در چیزیکه شما بپوشید و باشید اما جوانان شوخ که در میان ما این جامه را بپوشند
ما ایشان را عیب میکنیم حضرت فرمود که زینت خدا را که حرام کرده است بعد از آن فرمود که باین سبب
این جامه را پوشیده ام که تازه داماد شده ام و در حدیث حسن از حضرت امام همام
جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که جامهٔ سرخ تیره پوشیدن کراهت دارد مگر برای داماد
و در حدیث معتبر از یونس منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام را دیدم که طیلسان کبود
پوشیده بودند و از حسن زیات منقول است که دیدم حضرت ابی جعفر صلوات الله علیه را که
جامهٔ برنگ گل سرخ پوشیده بود و محمد بن علی روایت کرده است که حضرت امام موسی علیه السلام
را دیدم که جامهٔ عدسی پوشیده بودند و از ابی العلا منقول است که حضرت صادق علیه السلام را دیدم
در حال احرام بردیمانی سبز پوشیده بودند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که جبرئیل در روز
آخر ماه مبارک رمضان بر حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نازل شد بعد از نماز عصر چون
برآسمان رفت حضرت رسول صلی الله علیه وآله حضرت فاطمه صلوات الله علیها را طلب نمود و
فرمود که شوهر خود علی را طلب پس چون حاضر شد حضرت رسول امیر المؤمنین علیه السلام را در جانب
راست نشانید و دستش را گرفته بر دامن خود گذاشته و حضرت فاطمه علیها السلام را در جانب چپ
نشانید و دستش را گرفت و در دامن خود گذاشت پس فرمود که میخواهید شما را خبر دهم بآنچه جبرئیل
مرا بآن خبر داده گفتند بلی یا رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود که جبرئیل علیه السلام گفت که در قیامت
من در جانب راست عرش خواهم بود و خدای تعالی دو جامه بمن پوشاند یکی سبز و دیگری سرخ برنگ گل
و تو یا علی در جانب راست من باشی و دو جامه چنین در تو پوشانند پس راوی عرض کرد که مردم
رنگ سرخ چنین را مکروه میدانند حضرت فرمود که چون حق تعالی حضرت عیسی علی نبینا و علیه السلام
را بآسمان برد دو جامه چنین بر او پوشانید و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقول است که مپوشید جامهٔ سیاه که این
پوشش فرعون است و در حدیث معتبر منقول است که شخصی از حضرت صادق پرسید که در کلاه سیاه نماز بکنم فرمود که نماز
در آن مکن که لباس اهل جهنم است و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقول است که مکروه است سیاه مگر در سه چیز در
موزه و عمامه و عبا فصل پنجم در بعضی آداب جامه پوشیدن بدانکه جامه های دراز پوشیدن و دامن
جامه را دراز کردن و جامه را از روی تکبر بر خاک کشیدن مکروه و مذموم است و از حضرت امام جعفر

صادق علیه السلام منقول است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه رفت به بازار و سه جامه برای
خود خرید بیک اشرفی پیراهن را تا نزدیک به بند پا و لنگ را تا نیمه ساق و ردا را از پیش تا پستان و از
عقب تا پائین تر از کمر پس دست بآسمان برداشت و پیوسته حمد الهی مینمود بر این نعمت تا بخانه
بازگشت و حضرت صادق علیه السلام فرمود که جامه آنچه از غوزک پا میگذرد در آتش جهنم است
و از امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که حق تعالی به پیغمبرش فرمود که وثیابک فطهر که ترجمه
لفظش آنست که جامهای خود را پس پاک گردان حضرت فرمود که جامهای آنحضرت پاک بود و لیکن
مراد الهی آنست که جامه را کوتاه کن که آلوده نشود و در روایت دیگر یعنی بردار که بر زمین کشیده نشود و در روایت
حسن از حضرت امام محمد باقر منقول است که حضرت رسول شخصی را وصیت فرمود که زنهار پیراهن و ازار خود را
بلند میاویز که این از تکبر است و خدا تکبر را دوست نمیدارد و در حدیث معتبر منقول است که حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه چون پیراهن می پوشیدند آستین را میکشیدند آنچه از سر انگشتان میگذشت میبریدند
و حضرت رسول صلی الله علیه و آله بابوذر فرمودند که هر که از روی تکبر جامه اش را بر زمین کشد
حق تعالی روز قیامت نظر رحمت باو نفرماید و ازار مرد تا نصف ساق است و تا بند پا هم جائز است
و زیاده در آتش است **فصل ششم** در پوشیدن لباسی که مخصوص زنان یا کافران باشد
حرام است مردان را پوشیدن لباسیکه مخصوص زنان باشد مانند لچک و نیم تنه و مقنعه و چنین
حرام است زنان را پوشیدن لباسی که مخصوص مردان باشد مانند کلاه و قبا و عمامه و هیچ یک را
جائز نیست پوشیدن لباسی که مخصوص کافران باشد مانند زنار و کلاههای فرنگی و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقول است که جائز نیست زنان را که شبیه بمردان شوند زیرا که رسول خدا
صلی الله علیه و آله لعنت کرد مردانی را که شبیه بزنان شوند و لعنت کرد زنانی را که شبیه بمردان شوند
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که خدای عز و جل وحی فرمود به پیغمبری از پیغمبران
که بگو بمؤمنان که مپوشند جامهای دشمنان مرا و مخورند طعامهای دشمنان مرا و بمسلک دشمنان من
سلوک ننمایند که ایشان نیز مانند آنها دشمنان من خواهند بود **فصل هفتم** در آداب عمامه بستن عمامه
بستن سنت است و با عمامه تحت الحنک بستن بهتر است و یک طرف عمامه را از پیش و دیگری را از عقب
انداختن بر روش سادات مدینه منوره سنت است و شیخ شهید علیه الرحمه گفته است که عمامه

ایستاده پیچیدن سنّت است و از رسول صلی الله علیه و آله منقول ست که عمامه تاج عربان ست هرگاه
که عمامه را بطرف کنند خدا عزت شان را برطرف میکند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقول ست که هرکه عمامه بپیچد بر سر و تحت الحنک نه بندد و باو دردی برسد که دوا نداشته
باشد پس ملامت نکند مگر خود را و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول ست که حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم عمامه بستند و یک طرف عمامه را بطرف پیش انداختند و دیگری را بعقب و حضرت جبرئیل
علیه السلام نیز چنین کردند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که ملائکه در روز بدر
عمامهای سفید بر سر داشتند و حلقه ها انداخته بودند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقول ست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر سر حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه
عمامه بدست مبارک خود پیچیدند و یکسر عمامه را از پیش رو آویختند و طرف دیگر بقدر چهار انگشت
کوتاه تر از عقب سر آویختند پس فرمودند برو رفت فرمودند بیا آمد آنگاه فرمودند که چنین است والله
تاجهای ملائکه و در فقه رضوی علیه السلام مذکور است که هرگاه عمامه بر سر گذاری این دعا بخوان
بِسْمِ اللهِ اَللّٰهُمَّ ارْفَعْ ذِكْرِي وَاَعْلِ شَأْنِي وَاَعِزَّنِي بِعِزَّتِكَ وَاَكْرِمْنِي بِكَرَمِكَ
بَيْنَ يَدَيْكَ وَبَيْنَ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ تَوِّجْنِي بِتَاجِ الْكَرَامَةِ وَالْعِزِّ وَالْقَبُولِ
و در مکارم الاخلاق از کتاب نجات نقل کرده است که این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ سَوِّمْنِي
بِسِيمَاءِ الْاِيمَانِ وَتَوِّجْنِي بِتَاجِ الْكَرَامَةِ وَقَلِّدْنِي حَبْلَ الْاِسْلَامِ وَلَا
تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْاِيمَانِ مِنْ عُنُقِي و گفته است که باید که عمامه را ایستاده بپیچد و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله چند قسم کلاه داشتند که بر سر میگذاشتند و در کلاههای دراز که برطله
میگویند وارد شده است که پوشیدن آنها از زیّ یهود است و علما گفته اند که مکروه است و از
بعضی احادیث ظاهر میشود که پائین کلاه را شکستن و برگردانیدن مکروه است و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقول ست که هرگاه کلاههای ترک دار در میان امت من بسیار
شود زنا کردن در میان ایشان شایع شود و کلاه ترکدار ظاهرا مانند قادوق و کلاه یکتاشی
و امثال آن باشد **فصل هشتم** در آداب زیر جامه پوشیدن از حضرت ابی عبدالله صلوات الله علیه
منقول است که حق تعالی وحی فرمود بحضرت ابراهیم علیه السلام که زمین بمن شکایت میکند

از دیدن عورت تو پس میان عورت خود و زمین حجابی قرار ده پس زیر جامه تا زانو بعمل آورد و بپوشید و از جامع بزنطی روایت شده است که هر که زیر جامه را ایستاده بپوشد تا سه روز حاجتش بر آورده نمیشود و در فقه رضوی مذکور است که زیر جامه را نشسته بپوش و ایستاده مپوش که مورث هلاکت و زرداب و غم و الم میشود و در وقت پوشیدن این دعا بخوان بسم الله اللهم استر عورتي ولا تهتكني في عرصات القيمة واعف فرجي ولا تخلع عني زينة الايمان و در مکارم الاخلاق از کتاب نجات نقل کرده است که این دعا بخواند اللهم استر عورتي وآمن روعتي واعف فرجي ولا تجعل للشيطان في ذلك نصيبا ولا له الى ذلك وصولا فيضع معالم المكائد ويهيجني لارتكاب محارمك و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که پیغمبران علیهم السلام پیراهن را پیش از زیر جامه میپوشیدند و در روایت دیگر وارد شده است که ایستاده در رو بقبله در و با آدم مپوش و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که زیر جامه را ایستاده پوشیدن مورث اندوه است

فصل نهم در آداب جامه نو بریدن و پوشیدن بسند صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون کسی جامه نو بپوشد این دعا بخواند اللهم اجعله ثوب يمن وتقى وبركة اللهم ارزقني فيه حسن عبادتك وعملا بطاعتك واداء شكر نعمتك الحمد لله الذي كساني ما اواري به عورتي واتجمل به في الناس و بسند معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که رسول خدا صلی الله علیه و آله این دعا را تعلیم من نمود که در وقت پوشیدن جامه نو بخوانم الحمد لله الذي كساني من اللباس ما اتجمل به في الناس اللهم اجعلها ثياب بركة اسعى فيها لمرضاتك واعمر فيها مساجدك پس فرمود که یا علی هر که این دعا را بخواند چون جامه را بپوشد آمرزیده شود و در حدیث دیگر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که سزاوار است که کسیکه جامه نو بپوشد دست بر آن بمالد و بگوید الحمد لله الذي كساني ما اواري به عورتي واتجمل به في الناس واتزين به بينهم و از حضرت ابی عبد الله صلوات الله علیه منقول است

هر که آبی در ظرف نو بکند و سی و دو مرتبه سوره انا انزلناه بر آن بخواند و بر جامهٔ نو بپاشد در هنگام پوشیدن
پیوسته در فراخی روزی باشد تا تاری از آن جامه باقی باشد و در حدیث دیگر از آنحضرت مرویست
که چون جامهٔ نو بپوشی بگو لا اله الا الله محمد رسول الله تا از آفتها نجات یابی و چیزی را که دوست داری
بسیار او را یاد مکن که آنرا سهم میشکند و چون بکسی کاری داشته باشی در غایبانه او را دشنام مده
که در دل او اثر میکند و بسند معتبر منقول است که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام چون جامهٔ نو
میپوشیدند چهار را در جانب راست میگذاشتند و چون رخت نو میپوشیدند قدح آبی میطلبیدند
و سوره قل هو الله احد و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون هر یک را ده نوبت در آن ظرف میخواندند
و آب آنرا بر جامه میپاشیدند و میفرمودند که هر که چنین کند پیوسته در فراخی روزی باشد مادامیکه تاری
از آن جامه باقیست و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که چون خدای
تعالی جامهٔ نو بکسی عطا فرماید و بپوشد باید که وضو بسازد و دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت سورهٔ
حمد و آیة الکرسی و قل هو الله احد و انا انزلناه فی لیلة القدر بخواند پس حمد کند خداوندیرا که عورت
او را پوشانیده و در میان مردم او را زینت ساخته و بسیار بگوید لا حول و لا قوة الا بالله
العلی العظیم پس اگر چنین کند در آن جامه معصیت خدا نکند و بعدد هر تاری که در آن جامه
هست ملکی خدا را بپاکی یاد کند و برای او استغفار کند و بر او ترحم کند و بسند معتبر از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که هر که جامهٔ نو ببرد و آب در ظرفی کند و سی و شش مرتبه سورهٔ انا انزلناه را بخواند و
هر گاه که بآیهٔ تنزل الملائکة برسد اندکی از آب نرم بر جامه بپاشد پس دو رکعت نماز بکند و دعا
کند و بگوید الحمد لله الذی رزقنی ما اتجمل به فی الناس و اواری به عورتی
و اصلی فیه لربی و خدا را شکر کند پیوسته در فراخی نعمت باشد تا آنکه جامه کهنه شود فصل
دوم در سایر آداب جامه پوشیدن و کندن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که نهی فرمود از عریان شدن در شب و روز و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول
است که هر گاه مرد عریان شود شیطان بسوی او نظر میکند و طمع میکند در آنکه او را بمعصیت
در آورد و فرمود که سزاوار نیست مرد را که جامهٔ خود را از ران خود دور کند در وقتیکه در میان جماعتی
نشسته باشد و فرمود که چون جامهٔ خود را از بدن بیرون آورید بسم الله بگوئید تا جنیان نپوشند

و اگر نگوید جنبان آن جامه را میپوشند تا صبح و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول
است که سزاوار نیست زن مسلمان را که روپاک و پیراهنی بپوشد که تنها باشد و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که عرض مقنعهٔ حضرت فاطمه صلوات الله علیها آنقدر
بود که تا نصف بازوی آنحضرت میرسید و همه زنان را باید که چنین کنند و از حضرت صادق
علیه السلام بسند معتبر منقولست که ادنای اسراف آنست که جامهٔ اندرون و بیرون
یکی باشد و در حدیث دیگر منقول است که اسحق بن عمار از آن حضرت پرسید که میتواند بود
که مومن ده پیراهن داشته باشد فرمود که بلی گفت که بیست پیراهن فرمود که بلی این اسراف نیست
اسراف آنست که جامهٔ که باید برای زینت نگاهداشت بعوض جامهٔ که در وقت دیگر پوشند بپوشی
و در روایت دیگر از حضرت امام موسی علیه السلام سوال کردند که کسیکه ده پیراهن داشته باشد
اسراف است فرمود که نه بلکه از برای محافظت جامه این بهتر است بلکه اسراف آنست که جامهٔ
نگاهداشتنی را در جاهای کثیف باشد بپوشی و از حضرت باقر منقول است که کوتاه کردن
جامه راحت جامه است و بیشتر باقی میماند و فرمودند که جامهٔ پاکیزه پوشیدن دشمن را منکوب میکند
و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که شستن جامه اندوه و غم را برطرف میکند
و موجب قبول نماز میگردد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که جامهٔ پوشد باید که پاکیزه
باشد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول است که شش چیز است که از
اخلاق قوم لوط است کمان گلوله انداختن و سنگ ریزه انداختن بیکدیگر و فندران خاییدن
دامنها و جامه بر زمین کشیدن از روی تکبر بندهای قبا و پیراهن را گشودن و بسند معتبر منقولست
که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد دید که گریبان جامه را پینه کرده اند آن شخص
متعجب نظر میکرد حضرت فرمود که چرا چنین نظر میکنی گفت که از پینهٔ جامه تعجب میکنم کتابی در پیش
حضرت گذاشته بود فرمود که بخوان را نجا نوشته بود که ایمان ندارد کسیکه حیا ندارد و مال نیست کسی را که تقدیر معیشت
خود را باندازه نمیکند و جامهٔ نو نیست کسی را که جامهٔ کهنه ندارد و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که آنقدر
پینه بر جامهٔ خود زدم که شرم کردم از آن کسیکه برای من پینه میزد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که
گریبان جامه را پینه زند و کفش را پینه زند و چیزی که برای خانه خود خرد خود بردارد و بنجا شر مرد از تکبر ایمن

گردد فصل یازدهم در رنگ نعلین و موزه و کفش و چگونگی آنها بهترین رنگها در نعل و کفش
رنگ زرد است و بعد از ان سفید و بهترین رنگها در موزه و چکمه رنگ سیاه است و در
سفر سرخ خوبست و در حضر کراهت دارد و در نعل سنت است که پیش و عقبش بلند
باشد و میانش تهی تا باشد و همه اش بزمین نچسپد و غیر این مکروه است و ظاهرا کفش نیز
این حکم داشته باشد که کفش سرپائی مکروه است و بسند معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات الله
علیه منقول ست که کفش نیکو پوشیدن بدن را از بلاها نگاه میدارد و معین ست بر تمامی
نماز و وضو و در حدیث دیگر فرمود که هر که خواهد عمرش دراز شود چاشت بامداد بخورد و کفش نیکو
بپوشد و رداء بالاپوش راسبک کند و با زنان بسیار جماع نکند و حضرت صادق علیه السلام
فرمود که اول کسیکه نعلین پوشید حضرت ابراهیم علیه السلام بود و در حدیث معتبر از آنحضرت
منقول ست که نعلین هموار پوشیدن که همه اش بزمین برسد پوشش یهود انست و بر مذمت
این قسم نعلین احادیث بسیار وارد شده است و در احادیث معتبره وارد شده است
که نعل سیاه مپوش که چشم را ضعیف میکند و ذکر را سست میکند و مورث
اندوه و غم است و بر تو باد بنعل زرد که چشم را جلا میدهد و ذکر را سخت میکند و غم را برطرف میکند
که پوشش پیغمبران ست و در حدیث دیگر وارد شده است که پوشیدن نعل سیاه موجب خیلا
و تکبر است و هر که بپوشد در قیامت با جباران محشور شود و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول
است که هر که نعل زرد را بپوشد تا آنرا پوشیده باشد در سرور و شادی باشد زیرا که حق تعالی در
وصف بقره بنی اسرائیل میفرماید که صَفْرَآءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِيْنَ یعنی زرد بسیار
زردیکه شاد گرداند نظر کننده گانرا و بسند معتبر از سدیر صراف منقول است که بخدمت حضرت
امام جعفر علیه السلام رفتم و نعل سفید پوشیده بودم فرمود که ایا دانسته این نعل را پوشیدی پس
فرمود که هر که داخل بازار شود و نعل سفیدی بخرد و کهنه نکند آنرا مگر آنکه کسب کند مالی را از جائے
که گمان نداشته باشد راوی گوید که سدیر مرا خبر داد که هنوز آن نعل کهنه نشده بود که صد
اشرفی از جائی بدستم آمد که گمان نداشتم و در حدیث دیگر وارد شده است که هر که نعل زرد
یا سفید بپوشد اورا مال و فرزندان بهم رسد و هر که نعل سیاه بپوشد هیچیک را نیابد و در

حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که موزه پوشیدن نور چشم را زیاد میکند و در
روایت دیگر فرمود که مداومت پوشیدن موزه امان میدهد از مرض سل و از مرگ بد و داود رقی
روایت میکند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را دیدم در سفر که موزه سرخ پوشیده بودند پرسیدم
که این موزه سرخ چیست فرمود که این را برای سفر گرفته ام و از برای گل و باران خوب است اما در
حضر هیچ رنگ بهتر از سیاه نیست فصل دوازدهم در آداب پوشیدن نعل و موزه و کفش بسندهای
معتبر از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام منقول است که چون نعل پوشی ابتدا بپای
راست بکن و در وقت کندن ابتدا بپای چپ کن و فرمودند که هر که با یکپای کفش براه رود یعنی یک
پا در کفش باشد و دیگری برهنه شیطان بر و دست یابد و دیوانه شود و از عبد الرحمن بن کثیر منقول
است که گفت در خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام براهی میرفتم بند نعل آنحضرت گسیخت من بند
دیگر از آستین خود بدر آوردم و نعل را باصلاح آوردم حضرت دست بر دوش من انداخته بودند پس
فرمود که هر که مومنی را بردارد برای اصلاح نعل او چون در قیامت از قبر بیرون آید حق تعالی او را
بر ناقه گرم روی سوار کند تا در بهشت را بگوید و از یعقوب سراج منقول است که براهی در خدمت
آنحضرت میرفتم بند نعل آنحضرت پاره شد حضرت پای برهنه روانه شدند عبد الله بن یعقوب بند نعل
خود را کشود و به نزد آنحضرت آورد قبول نفرمود و گفت که صاحب مصیبت اولی تر است که بران صبر
نماید و عبد الرحمن بن ابی عبد الله روایت کرده است که در خدمت آنحضرت بدیدن شخصی رفتیم چون
داخل شدیم نعلها از پا بیرون آوردند و فرمودند که نعلها را از پا بیرون کنید که کندن نعل راحت قدم
است و منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از راه رفتن با یکپای نعل
و از ایستاده پوشیدن نعل و دور نیست که کراهت ایستاده پوشیدن مخصوص نعلی باشد که بندهایش
را باید بست و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که سه چیز است که هر که کند بیم آن هست که دیوانه
شود غائط کردن در میان قبرها و با یک موزه راه رفتن و در خانه تنها خوابیدن و از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقول است که مداومت نمودن بر پوشیدن موزه امان میدهد از خوره و در
فقه الرضا علیه السلام مذکور است که چون خواهی موزه و کفش بپوشی ابتدا بپای راست بکن و بگو
بسم الله و الحمد لله اللهم صل علی محمد و آل محمد اللهم و وطئ قدمی

فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ وَثَبِّتْهُمَا عَلَی الْإِیْمَانِ وَلَا تُزَلْزِلْهُمَا یَوْمَ تَزَلْزَلُ الْأَقْدَامُ اللّٰهُمَّ وَقِنِیْ مِنْ جَمِیْعِ الْآفَاتِ وَالْعَاهَاتِ وَمِنَ الْأَذٰی و چون بکنی بگو اللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنِّیْ کُلَّ غَمٍّ وَهَمٍّ وَلَا تَنْزِعْ عَنِّیْ حُلَّةَ الْإِیْمَانِ و در مکارم الاخلاق از کتاب نجات نقل نموده که موزه و نعل را نشسته بپوش و در وقت پوشیدن بگو بِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَطِّئْ قَدَمَیَّ فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ وَثَبِّتْهُمَا عَلَی الصِّرَاطِ یَوْمَ تَزِلُّ فِیْهِ الْأَقْدَامُ و در وقت کندن ایستاده بکن و بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ رَزَقَنِیْ مَا أَقِیْ بِهِ قَدَمَیَّ مِنَ الْأَذٰی اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْهُمَا عَلٰی صِرَاطِكَ وَلَا تُزِلَّهُمَا عَنْ صِرَاطِكَ السَّوِیِّ

باب دوم در آداب حلی و زیور پوشیدن مردان و زنان و سرمه کشیدن و در آئینه نظر کردن و خضاب کردن **فصل اول** در فضیلت انگشتری بدست کردن و آداب آن سنت موکده است مردان را و زنان را انگشتر در دست راست کردن و در بعضی از احادیث تجویز فرموده‌اند که در دست چپ بکنید اما اگر نقش شریفی یا نگین شریفی داشته باشد باید که در وقت استنجا بیرون آورد و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که اگر خواهی انگشتر را بدست راست کن و اگر خواهی بدست چپ و بسند معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله انگشتر در دست راست میکردند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در دست راست میکردند انگشتر را و از سلمان فارسی رضی الله عنه مرویست که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که یا علی انگشتر در دست راست بکن تا از مقربان باشی فرمود که یا رسول الله کدامند مقربان فرمودند که جبرئیل و میکائیل پرسید که چه انگشتر در دست کنم فرمود که عقیق سرخ بدرستیکه آن اقرار کرده برای خدا بیگانگی و برای من به پیغمبری و برای تو یا علی بآنکه تو وصی منی و برای فرزندان تو بامامت و برای دوستان تو بهشت و برای شیعیان فرزندان تو بجنت الفردوس و در حدیث معتبر منقول است که از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام سوال کردند که بچه علت حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله انگشتر در دست راست میکردند فرمودند زیرا که آنحضرت پیشوای اصحاب یمین است که در قیامت نامه‌های شان را بدست راست میدهند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله در دست راست میکردند انگشتر را و این علامت

برای شیعیان ما که باین علامت ایشان را بشناسند بمحافظت کردن بر وقت فضیلت نماز
پنجگانه و بدادن زکوة و بقسمت کردن مال خود را با برادران مومن خود و بامر نیکیها کردن و نهی
از بدیها کردن و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول ست که حضرت جبرئیل علیه السلام
بحضرت رسول صلی الله علیه و آله گفت که هر که انگشتر را در دست راست کند و غرضش متابعت
سنت تو باشد و ببینم او را در قیامت که متحیر مانده است دستش را بگیرم و بجد تا امیر المومنین علیه السلام
برسانم و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که از سنت پیغمبران است انگشتر
در دست راست کردن و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که هر که انگشتری
در دست چپ داشته باشد که نام خدا در و باشد باید که در وقت استنجا بدر آورد
و در دست دیگر کند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله نهی فرمود از انگشتر کردن در انگشت شهادت و انگشت میان و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که انگشتر را به بند پائین انگشت برسانید و در روایتی وارد
شده است که انگشتر را بسر انگشتان کردن عمل قوم لوط است و در فقه الرضا علیه السلام
مذکور است که در وقت انگشتر در دست کردن بگو اَللّٰهُمَّ سَمِّنِی بِسِیمَاءِ الْاِیمَانِ وَاخْتِمْ
لِی بِخَیْرٍ وَاجْعَلْ عَاقِبَتِی اِلَی الْخَیْرِ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِیزُ الْاَكْرَمُ و ابن طاوس رحمه الله
روایت کرده است که این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ سَوِّمْنِی بِسِیمَاءِ الْاِیمَانِ وَتَوِّجْنِی بِتَاجِ
الْكَرَامَةِ وَقَلِّدْنِی حَبْلَ الْاِسْلَامِ وَلَا تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْاِیمَانِ مِنْ عُنُقِی

فصل دوم در بیان آنچه انگشتر از آن سازند سنت است که انگشتر از نقره باشد
و مردان را انگشتر طلا در دست کردن حرام است و انگشتر آهن و فولاد و برنج مردان را
و زنان را مکروه است چنانچه منقول ست از حضرت صادق علیه السلام بسند معتبر که انگشتر
رسول صلی الله علیه و آله از نقره بود و در چندین حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول خدا
صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که یا علی انگشتر طلا در دست مکن
که آن زینت تست در آخرت و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول است که
انگشتر غیر نقره در دست مکنید بدرستیکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که پاک نیست

دستیکه دران انگشتر آهن باشد و در حدیث دیگر فرمود که پاک نکند خدا دستی را که دران انگشتر آهن
باشد و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که نماز کند مرد و
انگشتر آهن ... فرمود از انگشتر برنج در دست کردن و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که انگشتر حضرت رسول صلی الله علیه و آله از نقره بود و نگین نداشت و بران نقش نموده بودند محمد
رسول الله **فصل سوم در فضیلت عقیق** منقول است که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله
چهار انگشتر در دست میکردند انگشتر یاقوت برای شرافت و زینتش و فیروزه برای نصرت و یاریش
و حدید چینی برای قوت و عقیق برای حرز و دفع دشمنان و بلاها و در حدیث صحیح از حضرت علی
بن موسی الرضا علیه السلام مرویست که عقیق فقر و درویشی را برطرف میکند و در دست کردن
عقیق از نفاق بیزار میکند و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقول [illegible]
بهره او تمامتر بیرون می آید و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است
که انگشتر عقیق در انگشت کنید که مبارک است و هر که انگشتر عقیق در دست داشته باشد امید هست
که عاقبتش مقرون بخیر و نیکی باشد و از ربیعة الرای منقول است که در دست حضرت امام زین العابدین
علیه السلام انگشتر عقیق دیدم پرسیدم که اینچه نگین است فرمود که عقیق رومی است و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که انگشتر عقیق در دست داشته باشد حاجتش برآورده است
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که انگشتر عقیق موجب ایمنی است در سفر و در حدیث
دیگر از آنحضرت منقول است که هر که انگشتری بگیرد و نگینش عقیق باشد پریشان نشود و عاقبت کارش
البته نیکو باشد و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که حاکم آدمی شخصی فرستاده بود بسبب جریمه
حضرت صادق علیه السلام فرمود که انگشتر عقیقی باو برسانید چنان کردند و بهیچ باو نرسید و در
حدیث دیگر منقول است که شخصی به نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و شکایت کرد که دزد
در راه بمن رسید و اموال مرا برد حضرت فرمود که چرا انگشتر عقیق در دست نداشتی که آن از همه بدی
نگاه میدارد آدمی را و بسند معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که انگشتر عقیق در دست کنید
که مادامیکه آدمی آن انگشتر را با خود دارد اندوهی باو نمیرسد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که انگشتر
عقیق در دست کنید که آن اول گواهی است که اقرار کرده است برای خدا بیگانگی و برای پیغمبر

به پیغمبری و از برای تو یا علی بامامت و در حدیث معتبر منقول است از بشیر دهّان که عرض کردم که
کدام یک از نگینها را بر انگشتر خود بنشانم فرمود که چرا غافلی از عقیق سرخ و عقیق زرد و عقیق سفید
که اینها سه کوهند در بهشت اما کوه عقیق سرخ پس مشرف است بر خانهٔ حضرت رسول صلی الله علیه
و آله اما کوه عقیق زرد پس مشرف است بر خانهٔ حضرت فاطمه صلوات الله علیها اما کوه عقیق سفید پس
مشرف است بر خانهٔ امیر المؤمنین علیه السلام و همه یک خانه است و از زیر هر کوهی نهری جاریست
از برف سردتر و از عسل شیرین‌تر و از شیر سفیدتر و نمیخورند از آن نهرها مگر آل محمد و شیعیان ایشان و هر
سه نهر از کوثر می‌آید و بکوه امیر میرزد و این هر سه کوه تسبیح و تقدیس و تمجید الهی میکنند و از برای محبان
آل محمد طلب آمرزش میکنند پس هر که از شیعیان آل محمد یکی از این عقیقها را در دست داشته
باشد نبیند مگر خیر و نیکی و فراخی روزی و سلامتی از جمیع بلاها و امان یابد از شر پادشاه ظالم و از
هر چه آدمی از آن میترسد و در حدیث دیگر منقول است که شخصی را برابر حضرت امام محمد باقر علیه السلام
گذرانیدند که تازیانهٔ بسیار زده بودند حضرت فرمود که انگشتر عقیق او کجا است اگر با او میبود تازیانه
نمیخورد و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دستی بسوی آسمان بدعا
بلند نمیشود که خدا دوست‌تر دارد از دستیکه در آن انگشتر عقیق بوده باشد و در حدیث معتبر از حضرت امام حسین
صلوات الله علیه منقول است که چون حضرت موسی علیه السلام بر کوه طور با حق سبحانه تعالی
مناجات کرد بزمین نظر کرد حق تعالی از نور روی او عقیق را آفرید پس فرمود که قسم خوردم بذات
مقدس خود که عذاب نکنم بآتش جهنم دستی را که انگشتر عقیق در آن باشد اگر اعتقاد و ولایت علی
بن ابیطالب علیه السلام داشته باشد و در حدیث دیگر منقول است که جبرئیل علیه السلام نازل
شد بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و گفت یا محمد پروردگار سلام میرساند و میگوید که انگشتر را
بدست راست بکن و نگینش را از عقیق بکن و بگو بعلی بن ابیطالب پسر عمت که انگشتر در دست
راست بکند و نگینش را عقیق بکند حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پرسید که یا رسول الله عقیق
کدام است فرمود کوهی است در یمن که برای خدا اقرار کرده است بیگانگی و برای من به پیغمبری
و برای تو و اولاد تو بامامت و برای شیعیان او تو به بهشت و برای دشمنان تو بجهنم و از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقول است که نماز کسیکه انگشتر عقیق در دست داشته باشد بر نماز جماعتیکه غیر

عقیق در دست داشته باشند بچهل درجه زیادتی دارد و سلیمان اعمش روایت کند که در خدمت حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام بودم در خانه منصور عباسی پس شخصی را بیرون آوردند که تازیانه خورده بود
حضرت فرمود که ای سلیمان ببین که انگشترش چه نگین دارد گفتم یا ابن رسول الله عقیق نیست
فرمود که ای سلیمان اگر عقیق میبود تازیانه نمیخورد گفتم یا ابن رسول الله دیگر بفرما فرمود که اسے
سلیمان انگشتر عقیق امان می بخشد از دست بریدن گفتم دیگر بفرما فرمود که ای سلیمان امان می
بخشد از خون گفتم دیگر بفرما فرمود که ای سلیمان خدای عزوجل دوست میدارد که بلند کند بدعا
بسوی او دستی را که دران نگین عقیق باشد گفتم دیگر بفرما فرمود که عجب دارم از دستیکه دران نگین
عقیق باشد چگونه خالی میماند از دینار و درهم گفتم یا ابن رسول الله دیگر بفرما فرمود که نگاهدارنده
آدمی است از هر بلائی گفتم یا ابن رسول الله دیگر بفرما فرمود که ایمن میکرداند از فقر گفتم یا ابن رسول الله
روایت بکنم این حدیث را از جدت حسین بن علی از پدرش امیرالمومنین صلوات الله علیهما فرمود
بلی و در روایت دیگر منقول است که دو رکعت نماز که با انگشتر عقیق باشد بهتر است از هزار
رکعت که بی آن باشد **فصل چهارم** در فضیلت یاقوت و زبرجد و زمرد در سه حدیث معتبر
از حضرت علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه منقول است که انگشتر یاقوت در دست کنید
که پریشانی را زائل میکند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که سنت است
انگشتر یاقوت در دست داشتن و از حضرت امام موسی صلوات الله علیه منقول است که انگشتر
زمرد در دست کردن موجب آسانیست که دران هیچ دشواری نباشد و در حدیث دیگر از
حضرت امام رضا علیه السلام بهمین لفظ وارد شده است اما بلفظ زبرجد فرمود که انگشتر زمرد در
دست داشتن فقر را بتونگری مبدل میکند و فرمود که هر که انگشتر یاقوت زرد در دست کند
فقیر نشود **فصل پنجم** در فضیلت فیروزه و جزع یمانی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقول است که هر که انگشتر فیروزه در دست کند دستش فقیر نشود و از حسن بن علی
بن مهران منقول است که بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام رفتم در انگشت
آنحضرت انگشتری دیدم که نگینش فیروزه و نقشش الله الملک بود و من نظر بسیار کردم
دران انگشتر فرمود که چه نظر میکنی گفتم که حضرت امیرالمومنین علیه السلام انگشتر فیروزه داشت

است که نقش الله الملک بود فرمود که آیا می‌شناسی گفتم نه فرمود که همان انگشتر است و این سنگی است
که جبرئیل برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هدیه آورده است از بهشت و آنحضرت بحضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام داد تا بما رسید و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که انگشتر جزع یمانی
در دست کنید که رد میکند مکر متمردان شیاطین را و از حضرت امام رضا منقول است که حضرت امیرالمؤمنین
علیه السلام فرمود که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیرون آمدند و انگشتر جزع یمانی در دست
کرده بودند و با ما نماز کردند چون از نماز فارغ شدند انگشتر را بمن دادند و فرمودند که این انگشتر را در دست
راست خود کن و با آن نماز کن که نماز در جزع یمانی برابر هفتاد نماز است و تسبیح و استغفار میگوید و ثوابش
برای صاحبش نوشته میشود و علی بن محمد ضمیری گفت که دختر جعفر بن محمود را خواستم و او را بسیار دوست
میداشتم و از او فرزندان بوجود نیامد رفتم بخدمت حضرت امام علی نقی علیه السلام و این مطلب را عرض
نمودم پس حضرت تبسم کرد و فرمود که بگیر انگشتری که نگینش فیروزه باشد و بر آن نقش کن این آیه را رَبِّ
لَا تَذَرْنِی فَرْدًا وَأَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثِینَ چنان کردم یکسال نگذشت که از آن زن پسری بوجود آمد
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که خداوند عالمیان میفرماید که من شرم میکنم
از دستیکه بسوی من بلند شود بدعا و در آن دست انگشتر فیروزه باشد پس آنرا ناامید برگردانم

فصل ششم

در فضیلت دُر نجف و بلور و حدید چینی و سایر نگینها بسند معتبر از مفضل بن عمر منقول است که گفت روزی
بخدمت حضرت صادق علیه السلام رفتم و انگشتر دُر نجف در دست داشتم فرمود که ای مفضل این نگین
سیرگاه دیدهای مردان مؤمن و زنان مؤمنه است یا دور گرداننده دردها است از دیدهای ایشان و من
دوست میدارم برای هر مؤمن که پنج انگشتر در دست داشته باشد یاقوت و آن فاخرترین همه است و عقیق
و آن خالص تر است برای خدا و برای ما اهلبیت و فیروزه و آن چشم را قوت میدهد و سینه را گشایش
میدهد و قوت دل را زیاده میکند و چون پی کاری رود آنرا در دست کند پس چون برگردد حاجتش
برآورده شده باشد و حدید چینی و آنرا دوست نمیدارم که همیشه در دست داشته باشد ولیکن مستحب است
در دست کردن آن در وقتیکه بدیدن کسی برود که از او ترسد از اهل شر برای آنکه شر او ساکن شود
و حدید چینی شیاطین را دور میکند باین سبب دوست میدارم که داشته باشد و پنجم آن دُر نجف اشرف است
که خداتعالی ظاهر میسازد در دستیکه هر که آنرا در دست کند بهر نظر کردنی آن خداتعالی زیارت حج یا عمره

در نامهٔ عمل او بنویسد که ثوابش ثواب پیغمبران و صالحان باشد و اگر خدا رحم نمیکرد بر شیعیان ما هر آینه هر نگینی
از آن بقیمت بسیار میرسید و لیکن خدا ارزان کرده است برای ایشان که توانگران و فقیران ایشان
توانند در دست کرد ابو طاهر میگوید این حدیث را بحضرت امام حسن عسکری علیه السلام عرض کردم فرمود
که این حدیث جدم حضرت صادق علیه السلام است گفتم شما هیچ چیز را بر عقیق سرخ اختیار نمیفرمائید فرمود
بلی برای فضیلت بسیاری که در آن وارد شده است بدرستیکه پدرم خبر داد مرا که اول کسیکه انگشتر عقیق در دست
کرد حضرت آدم علیه السلام بود دید که بر ستون عرش نوشته است أَنَا اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِي وَمُحَمَّدٌ
صَفْوَتِي مِنْ خَلْقِي أَيَّدْتُهُ بِأَخِيهِ عَلِيٍّ وَنَصَرْتُهُ بِهِ تا آخر نامهای پنجگانه آل عبا پس چون حضرت آدم
از آن درخت میوه تناول نمود و بر زمین آمد متوسل شد بسوی خدا باین نامهای مبارک و برکت این نامها خدا
توبه اش را قبول نمود پس حضرت آدم انگشتری از نقره ساخت و نگینش از عقیق سرخ کرد و این نامهای
پنجگانه را بر او نقش کرد و آن انگشتر را در دست راست خود کرد پس این سنتی شد که پرهیزگاران از فرزندانش
همه بسنت او عمل نمودند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که نیکو نگینی است بلور و از
حسین بن عبد الله مرویست که سوال کرد از حضرت امام علی نقی صلوات الله و سلامه علیه و آله که آیا
خوب است انگشتر کردن سنگریزه که از چاه زمزم بیرون آورند فرمود بلی اما چون خواهد که استنجا کند
از دست بیرون آورد یعنی اگر در دست چپ باشد **فصل هفتم** در بیان آنچه سزاوار است که در نگین نقش
کنند حسین بن خالد بخدمت حضرت امام رضا علیه التحیة و الثنا عرض کرد که جایز است شخصی
استنجا کند و در دستش انگشتری باشد که نقش نگینش لا اله الا الله باشد حضرت فرمود خوب نمیدانم این را
از برای او گفت مگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و پدران شما با انگشتر استنجا میکردند فرمود بلی
و لیکن ایشان انگشتر را در دست راست میکرده اند پس از خدا بترسید و افترا بر ایشان نبندید پس فرمود
که نقش نگین حضرت آدم علیه السلام لا اله الا الله محمد رسول الله بود و با خود از بهشت آورده بود و
حضرت نوح علیه السلام چون بکشتی سوار شد حقتعالی باو وحی فرستاد که ای نوح چون از غرق شدن
بترسی هزار مرتبه لا اله الا الله بگو پس دعا کن تا من ترا و مومنان را از غرق نجات دهم پس چون کشتی براه افتاد باد تندی
وزید و حضرت نوح از غرق شدن ترسید و او را مجال آن نشد که هزار مرتبه لا اله الا الله بگوید بزبان
سریانی گفت هولیا الفا الفا یا ماریا اتقن پس طوفان بند شد کشتی براه افتاد پس حضرت نوح فرمود

یعنی که خدا مرا از آن نجات بخشید سزاوار است که همیشه با من باشد و بانگشتر خود بر جمله اعری نقش کرد
لا اله الا الله الف مرة یا رب اصلحنی و حضرت ابراهیم علیه السلام را چون در کفه منجنیق گذاشتند
که در آتش اندازند حضرت جبرئیل بخشم آمد حقتعالی باو وحی کرد که چه چیز باعث غضب تو گردیده است
گفت پروردگارا خلیل تست و در این وقت هیچکس نیست که ترا بیگانگی پرستد بغیر از او دشمن خود و دشمن
او را بر او مسلط گردانیدی پس خداوند عالم باو وحی فرستاد که ساکت باش که کسی تعجیل در امور میکند که
چون تو بنده عاجزی باشد که ترسد از دستش بدر رود پس آن بنده من است هرگاه خواهم او را بگیرم
پس جبرئیل خاطرش مطمئن شده و بجانب ابراهیم علیه السلام ملتفت شد و گفت آیا ترا حاجتی و کاری
هست در این وقت فرمود هست اما بتو نه پس حقتعالی انگشتری باو فرستاد که در آن شش حرف نقش شده بود
لا اله الا الله محمد رسول الله لا حول و لا قوة الا بالله فوضت امری الی الله اسندت ظهری الی الله
حسبی الله پس خدا وحی نمود که این انگشتر را در دست کن که آتش را بر تو سرد و سلامت میگردانم
و نقش نگین حضرت موسی علیه السلام دو حرف بود که از توریت بیرون آورده بود اصبر توجر
اصدق تنج یعنی صبر کن تا مزد یابی راست گو تا نجات یابی و نقش نگین حضرت سلیمان این بود
سبحان من الجم الجن بکلماته و نقش نگین حضرت عیسی علیه السلام این دو حرف بود که از انجیل
برآورده بود طوبی لعبد ذکر الله من اجله و ویل لعبد نسی الله من اجله یعنی خوشا حال بنده
که خدا یاد کرده شود بسبب او و وای بر بنده که خدا فراموش شود از خاطرها بسبب او و نقش نگین حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم این بود لا اله الا الله محمد رسول الله و نقش نگین حضرت امام
حسن علیه السلام العزة لله بود و نقش نگین حضرت امام حسین علیه السلام ان الله بالغ امره
بود و حضرت علی بن الحسین انگشتری پدر بزرگوار خود در دست میکردند و حضرت امام باقر علیه السلام
نیز انگشتر حضرت امام حسین علیه السلام را در دست میکردند و نقش نگین حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام الله ولیی و عصمنی من خلقه بود و نقش نگین حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
حسبی الله بود پس حضرت امام رضا علیه السلام دست دراز کردند و نمودند انگشتری نیز خود را که در دست
داشتند و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که نقش نگین حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم محمد رسول الله بود و نقش نگین حضرت امیر المؤمنین علیه السلام الله

الْمُلْکُ بود و نقش نگین حضرت امام محمد باقر علیه السلام اَلْعِزَّةُ لِلّٰهِ بود و در حدیث معتبر منقول است که از حضرت
پرسیدند که آیا کراهت دارد که کسی در نگین غیر نام خود و پدر خود چیزی نقش کند حضرت فرمود که نقش
انگشتر من اَللّٰهُ خَالِقُ کُلِّ شَیْءٍ است و نقش نگین انگشتر پدرم اَلْعِزَّةُ لِلّٰهِ بود و نقش انگشتر حضرت امام زین العابدین
علیه السلام اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْعَلِیِّ بود و نقش انگشتر امام حسن و امام حسین علیهما السلام حَسْبِیَ اللّٰهُ بود و نقش نگین
امیر المومنین علیه السلام اَللّٰهُ الْمَلِکُ بود و در روایت معتبر دیگر منقول است که نقش نگین حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام این کلمات بود اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتِیْ فَقِنِیْ شَرَّ خَلْقِکَ و در حدیث صحیح دیگر از حضرت
امام رضا علیه التحیة والثنا منقول است که نقش نگین حضرت امام جعفر صادق علیه السلام اَنْتَ ثِقَتِیْ
فَاعْصِمْنِیْ مِنَ النَّاسِ بود و نقش نگین حضرت امام موسی کاظم علیه السلام حَسْبِیَ اللّٰهُ بود و در زیرش گل گلی بود
و در بالایش هلالی نقش کرده بود و در حدیث صحیح دیگر منقول است که نقش نگین حضرت امام رضا
علیه السلام مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ بود و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام رضا منقول است که نقش
نگین حضرت امام زین العابدین علیه السلام این بود خَزِیَ وَ شَقِیَ قَاتِلُ حُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ و عبد الله بن سنان
میگوید که حضرت صادق علیه السلام انگشتری رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بمن نمود نگین
سیاهی داشت و در دو سطر نوشته بود مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ و در حدیث معتبر منقول است که
حضرت رسول صلی الله علیه وآله نهی فرمود از آنکه صورت چیزی از حیوانات بر انگشتر نقش کنند
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که عقل مرد را در سه چیز امتحان میتوان کرد در درازی
ریش و نقش انگشتر و کنیتش و در حدیث دیگر منقول است فرمود هر که نقش کند بر انگشترش مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ
اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ ایمن شود از فقر شدید و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که نقش نگین حضرت
امام محمد باقر علیه السلام این بود که ظَنِّیْ بِاللّٰهِ حَسَنٌ وَ بِالنَّبِیِّ الْمُؤْتَمَنِ وَ بِالْوَصِیِّ ذِی الْمِنَنِ وَ
بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ و در روایت دیگر از امام محمد باقر علیه السلام منقول است که انگشتر حضرت
امیر المومنین علیه السلام از نقره بود و نقش نگینش نِعْمَ الْقَادِرُ اللّٰهُ بود و در بعضی روایات وارد است
که نقش نگین حضرت امیر المومنین علیه السلام اَلْمُلْکُ لِلّٰهِ بود و در روایات دیگر ائمه انگشتری داشتند
از حدید صینی سفید و صاف و این کلمات را بر آن نقش فرموده بودند در هفت سطر و رنگها داده بودند
و درست میکردند و کلمات اینست اَعْدَدْتُ لِکُلِّ هَوْلٍ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ لِکُلِّ کَرْبٍ لَا حَوْلَ

وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ وَلِکُلِّ مُصیبَةٍ نازِلَةٍ حَسْبِیَ اللهُ وَلِکُلِّ ذَنْبٍ کَبیرٍ اَوْ صَغیرٍ اَسْتَغْفِرُ اللهَ
وَلِکُلِّ هَمٍّ وَغَمٍّ سانِحٍ ما شاءَ اللهُ وَلِکُلِّ نِعْمَةٍ مُتَجَدِّدَةٍ اَلْحَمْدُ لِلهِ وَما بِکُمْ
مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللهِ و از حضرت اسماعیل بن موسی منقول است که انگشتر حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام تمامش از نقره بود و بر آن این نقش بود یا ثِقَتی قِنی شَرَّ جَمیعِ خَلْقِکَ و از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقول است که هر که در انگشتر خود آیه از قرآن نقش کند آمرزیده شود و ابن طاوس
علیه الرحمه بروایت قاسم بن علی روایت کرده از صافی خادم حضرت امام علی نقی صلوات الله
علیه وآله که رخصت طلبیدم از آنحضرت که بزیارت جدش امام رضا علیه السلام بروم فرمود باید که با خود
انگشتری داشته باشی که نگینش عقیق زرد باشد و نقش نگین ما شاءَ اللهُ لا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ اَسْتَغْفِرُ اللهَ
باشد و بر روی دیگر نگین مُحَمَّدٌ وَعَلِیٌّ نقش کرده باشد چون این انگشتر را با خود داشته باشی امان یابی از شر
راه زنان و برای سلامتی تو تمامتر است و دین ترا حفظ کننده تر است خادم گوید بیرون آمدم و انگشتر
که حضرت فرموده بود بهم رسانیدم و برگشتم که وداع کنم چون وداع کردم و دور شدم فرمود که مرا برگردانند
چون برگشتم فرمود ای صافی گفتم لبیک ای آقای من فرمود باید که انگشتری فیروزه هم با خود داری که میان
طوس و نیشابور شیری بر خواهد خورد و بتو و قافله راه منع خواهد کرد از رفتن و تو پیش برو و این انگشتر را بشیر بنما
و بگو که مولای من میگوید که دور شو از راه باید که بر یک طرف نگین فیروزه اَللهُ الْمَلِکُ نقش کنی و بر طرف
دیگر اَلْمُلْکُ لِلهِ الْواحِدِ الْقَهّارِ زیرا که نقش انگشتر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام اَللهُ الْمَلِکُ بود
چون خلافت بآنحضرت برگشت اَلْمُلْکُ لِلهِ الْواحِدِ الْقَهّارِ نقش کرد و نگینش فیروزه بود و چون
چنین کنی امان میبخشد از حیوانات درنده و باعث ظفر و غلبه میشود در جنگها خادم گفت رفتم بسفر
و بخدا سوگند در همان مکان که حضرت فرموده بودند شیری بسر راه آمد آنچه فرموده بود بعمل آوردم شیر
برگشت و چون از زیارت برگشتم آنچه گذشته بود بخدمت آنحضرت عرض کردم فرمود که یک چیز ماند که
نقل نکردی اگر خواهی من نقل کنم گفتم ای آقای من شاید که فراموش کرده باشم فرمود شبی در طوس
نزدیک روضه امام رضا علیه السلام خوابیده بودی گروهی از جنیان بزیارت قبر میرفتند آن نگین را
در دست تو دیدند و نقش آنرا خواندند پس آنرا از دست تو بر آوردند و بردند بنزد بیماری که داشتند
و آن انگشتر را در آبی شستند و آنرا به بیمار دادند بیمارشان صحت یافت پس انگشتر را بر گردانیدند و تو

در دست راست کرده بودی و ایشان در دست چپ کرده چون بیدار شدی بسیار تعجب کردی تو بعینه را

خواب دیدی و بر بالین خود یاقوتی یافتی که آن را برداشتی و احوال همراه گرفت بر بیان آن و اظهار اهتمام شرفی خواب

خود گفت و این یاقوت هدیهٔ آن جنیان است که برای تو آورده بودند خادم گفت که یا حضرت علیه دوم بار این

را شنیدم از خود هم و ایضا سید ابن طاوس روایت کرده است که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

آمد و گفت که من گریختم از حاکم شهر خود و ترسیدم که دشمنان او را با من بخشم آورند و این ترسیدم از آن که مرا بکشند

حضرت فرمود که انگشتری بساز که نگین آن حدید چینی باشد و بر روی نگین سه سطر نقش کن سطر اول أَعُوذُ

بِجَلَالِ اللّٰهِ و سطر دوم أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ و سطر سوم أَعُوذُ بِرَسُولِ اللّٰهِ و در زیر نگین دو سطر

نقش کن سطر اول آمَنْتُ بِاللّٰهِ وَكُتُبِهِ و سطر دوم وَإِنِّي وَاثِقٌ بِاللّٰهِ وَرُسُلِهِ و در دور نگین نقش کن

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ مُخْلِصًا و این صورت نگین است

أَعُوذُ بِجَلَالِ اللّٰهِ
أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ
أَعُوذُ بِرَسُولِ اللّٰهِ

و در دست کن این انگشتر را در هر حاجتی که بر تو دشوار شود و بهر وقتی

که از احدی از مردم بترسی بدست گیر تا حاجتهایت بر آورده شود

در روایت با معنی مثل شود و زنی که زائیدن بر او دشوار شود

بر ران او ببندند که بمشیت الهی بزودی وضع حمل او میشود و هم چنین دفع میکند از چشم بد و خنده کن که نجاتی

و چون بر آن نگین بسیار بخوری بکام و بیت الخلا ببر و خوب بسیار نگه داشت نما زیرا که از اسرار خداست و شما

شیعیان که از دشمنان خود میترسید باید که برابر جان خود این انگشتر را داشته باشید و از دشمنان پنهان کنید

و تعلیم مکنید مگر بکسی که اعتماد بر او داشته باشید راوی حدیث گوید که من تجربه کردم و اثرش یافتم و از حضرت امام

محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که هر که صبح کند و در دستش انگشتری عقیق باشد که در انگشت دست

راست کرده باشد پیش از آنکه نظرش بر کسی افتد نگین آنرا بجانب کف دست بگرداند و بآن نظر کند

و سوره إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ تا آخر بخواند پس بگوید آمَنْتُ بِاللّٰهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَكَفَرْتُ

بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَآمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَظَاهِرِهِمْ وَبَاطِنِهِمْ وَأَوَّلِهِمْ

وَآخِرِهِمْ چون چنین کند خداوند عالمیان او را نگاه دارد در آن روز از شر آنچه از آسمان نازل میشود

و آنچه بالا میرود بسوی آسمان و آنچه در زمین فرو میرود و آنچه بیرون میآید از زمین و در حرز و حمایت

دوستان خدا باشد تا شام و در حدیث دیگر منقول است که هر که انگشتری از عقیق بسازد و در نگین آن

نقش کرده باشد محمد نبی الله علی ولی الله خدا او را از مرگ بد نگاه دارد و نمیرد مگر بر دین حق و

فصل هشتم در زیور طلا و نقره پوشیدن و بزنان و اطفال پوشانیدن در حدیث صحیح منقول است
که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که آیا جایز است پسران نابالغ را زیور طلا پوشانیدن
فرمود که حضرت امام زین العابدین علیه السلام زینت میکرد زنان و اطفال خود را بزیور طلا و نقره و در
حدیث صحیح دیگر از آنحضرت پرسیدند درین باب فرمود که پدرم امام محمد باقر علیه السلام زنان و فرزندان
خود را از زیور طلا و نقره می پوشانیدند و در حدیث صحیح دیگر پرسیدند از آنحضرت از زیور کردن زنان بطلا
و نقره فرمودند باکی نیست و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که سر غلاف شمشیر حضرت رسول خدا
صلی الله علیه و آله و سلم و دسته اش از نقره بود و در میان حلقه های نقره داشت و زره آنحضرت سه حلقه نقره
در پیش و دو حلقه نقره در عقب داشت و از حضرت امام رضا علیه التحیة و الثنا منقول است که ذوالفقار
که جبرئیل علیه السلام برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از آسمان آورد زیورش از نقره بود و در
حدیث حسن از آنحضرت منقول است که باکی نیست از زیور کردن شمشیر بطلا و نقره و در حدیث دیگر
فرمود که زیور شمشیر حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تمام از نقره بود و قبضه اش و دسته اش و در
حدیث معتبر دیگر فرمود که باکی نیست بزینت کردن قرآنها و شمشیرها بطلا و نقره و بسند موثق دیگر از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که همیشه زنان زیور می پوشیدند و در حدیث معتبر دیگر
از فضل بن یسار منقول است که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم از کرسی که در آن طلا
باشد آیا میتوان نگاه داشت حضرت فرمود که اگر طلا باشد نه و اگر آب طلا بر آن مالیده باشند باکی نیست
و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که سزاوار نیست که زن خود را معطل بگذارد و زینت نکند اگر چه
گردن بندی باشد که در گردن ببندد و سزاوار نیست که دستش از خضاب خالی باشد اگر چه بمالیدن
حنا باشد هر چند سالدار باشد و در روایت معتبر وارد شده است که جایز نیست که زنان دندانها را بطلا
بیک دیگر ببندند و آنکه در باب زیور طلا احوط و اولی آنست که مردان اجتناب نمایند اگر چه در شمشیر
و مصحف باشد **فصل نهم** در آداب سرمه کشیدن در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم سرمه سنگ بچشم می کشیدند در وقت خواب طاق طاق و در
حدیث معتبر از حسن بن جهم منقول است که گفت حضرت امام رضا علیه السلام میلی از آهن بمن نمودند

و حقه‌دانی از استخوان بود و فرمود که اینها از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بود بر این میل سرمه کشی
پس سرمه کشیدیم و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سرمه کشیدن در شب چشم را نفع میرساند
و در روز زینت است و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که سرمه سنگ
در دیده کشیدن دهان را خوشبو میکند و مژگان را محکم میکند و بسند موثق از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که سرمه کشیدن دهان را شیرین میکند و در حدیث دیگر فرمود که سرمه کشیدن موی مژگان را میرویاند و بینائی را
تند میکند و اعانت میکند بر طول دادن سجود و در حدیث دیگر فرمود که سرمه کشیدن موی مژگان را میرویاند
و چشم را جلا میدهد و آب بختن چشم را ازاله میکند و در روایت دیگر فرمود که سرمه کشیدن قوت جماع را زیاد
میکند و فرمود که هر که در شب سرمه سنگ که مشک نداشته باشد در دیده کشد چشمش هرگز آب سیاه نیاورد
و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که هر که سرمه کشد باید طاق بکشد و اگر
چنین نکند هم باکی نیست و در حدیث صحیح دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
پیش از خواب سرمه می‌کشیدند چهار میل در دیده راست و سه میل در چشم چپ و در حدیث دیگر معتبر از
حضرت صادق علیه السلام منقول است که چهار چیز است که روشنائی میکند نظر کردن در روی
نیکو و در آب جاری و در سبزه‌زار و سرمه کشیدن در وقت خواب و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقول است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که سرمه کشد و حضرت صادق علیه السلام
فرمود که سرمه کشیدن در وقت خواب امان می‌بخشد از آب آوردن چشم و از حضرت امام رضا علیه السلام
باسناد منقول است که هر که را ضعف در باصره بهم رسد هفت میل از سرمه سنگ در وقت خواب در چشم
کشد چهار در چشم راست و سه در چشم چپ و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم در هر چشم سه میل سرمه می‌کشیدند در وقت خوابیدن و در روایت دیگر وارد شده
است که سه میل در چشم راست و دو میل در چشم چپ می‌کشیدند و حضرت صادق علیه السلام فرمود
که بر شما باد مسواک کردن که چشم را جلا میدهد و بر شما باد بسرمه کشیدن که دهان را خوشبو میکند زیرا که چون
آدمی مسواک میکند بلغم نازل می‌شود از چشم و جلا میدهد و چون سرمه میکشد بلغم از چشم برطرف میشود و به
دهان نازل میشود و دهان خوشبو میشود و در فقه الرضا مذکور است که چون اراده نمائی که سرمه بکشی
میل را بدست راست بگیر و در سرمه‌دان بزن و بگو بسم الله و چون میل در چشم کشی بگو اللهم نوّر

بصری واجعل منه نورا ابصر به حقک واهدنی الی طریق الحق وارشدنی الی سبیل
الرشاد اللهم نور علی دنیای وآخرتی و در مکارم الاخلاق روایت کرده است که این دعا خواند
در وقت سرمه کشیدن اللهم انی اسئلک بحق محمد وآل محمد ان تصلی علی محمد وآل
محمد وان تجعل النور فی بصری والبصیرة فی دینی والیقین فی قلبی والاخلاص
فی عملی والسلامة فی نفسی والسعة فی رزقی والشکر لک ابدا ما ابقیتنی فصل
دهم در آداب نظر به آئینه کردن بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول
صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که خداوند عالمیان واجب میگرداند بهشت را از برای جوانی بسیار
نظر در آئینه کند وحمد بسیار گوید برآنکه خدا او را بصورت نیکو آفریده و او را معیوب نگردانیده است ودر
بعضی روایات مذکور است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نظر میکردند در آئینه وموی سر
مبارک وریش را شانه میکردند واز برای اصحاب خود وزنان خود خود را میساختند ومیفرمودند که
خدا می‌پسندد ودوست میدارد از بنده اش که چون بنزد برادران مؤمن برود از برای ایشان زینت
کند وخود را بسازد واز حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه وآله منقول است که چون کسی نظر
در آئینه کند باید بگوید الحمد لله الذی خلقنی فاحسن خلقی وصورنی فاحسن صورتی وزان
منی ماشان من غیری واکرمنی بالاسلام ودر فقه الرضا وغیر آن مذکور است که چون خواهی
در آئینه نظر کنی آئینه را بدست چپ بگیر وبگو بسم الله پس چون در آن نظر کنی دست راست را
پیش سر بگذار وبر رو بکش وریش خود را بدست بگیر ودر آئینه نظر کن وبگو الحمد لله الذی
خلقنی بشرا سویا وزاننی ولم یشنی وفضلنی علی کثیر من خلقه ومن علی بالاسلام
ورضیه لی دینا پس آئینه از دست بگذار وبگو اللهم لا تغیر ما بنا من نعمک واجعلنا
لانعمک من الشاکرین ولالآئک من الذاکرین ودر روایت دیگر وارد شده است که آئینه
بدست چپ بگیری وچون روی خود را در آئینه دیدی بگو الحمد لله الذی احسن واکمل
خلقی وحسن خلقی وخلقنی خلقا سویا ولم یجعلنی جبارا شقیا الحمد لله الذی
زان منی ماشان من غیری اللهم کما احسنت خلقی فصل علی
محمد وآل محمد وحسن خلقی وتمم نعمتک علی

وَزَيِّنِّي فِي عُيُونِ خَلْقِكَ وَجَمِّلْنِي فِي عُيُونِ بَرِيَّتِكَ وَارْزُقْنِي الْقَبُولَ وَالْمَهَابَةَ وَالرَّأْفَةَ
وَالرَّحْمَةَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و در روایت دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که یا علی چون در آئینه نظر کنی بگو اللّٰهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ
خُلُقِي وَارْزُقْنِي **فصل یازدهم** در فضیلت خضاب کردن مردان و زنان بدانکه مردان را خضاب
موی سر و ریش سنت مؤکده است و زنان را خضاب موی سر و دست و پا سنت مؤکده است و مردان را
خضاب دست و پا کراهت دارد مگر اندک رنگی و بعد از نوره که بر جمیع بدن سنت است حنا را
بعد از آن بر دست بمالند که رنگ ناخن بسرخی مایل شود چنانچه بسندهای معتبر از حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که چهار چیز است که از سنتهای پیغمبران است بوی خوش کردن
و نزدیکی زنان و مسواک کردن و خضاب کردن بحنا و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که یک
درهم که در خضاب خرج شود بهتر است از هزار درهم که در راه خدا صرف شود و در آن چهارده خصلت
است باد را از گوشها دور میکند و غبار را از چشم جلا میدهد و بینی را نرم میکند و دهان را خوشبو میکند
و بن دندان را محکم میکند و گند زیر بغل را دفع میکند و کم میکند وسوسه شیطان را و ملائکه بسبب آن
شاد میشوند و سبب خوشحالی مؤمنان و خشم کافران میشود و زینت است و بوی خوش است و موجب
خلاصی از عذاب قبر میشود و نکیر و منکر شرم میکنند از آن و در حدیث دیگر فرمود که موی سفید
خود را رنگ کنید و شبیه مشوید بیهودان و حسن بن جهم گفت که بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام
رفتم دیدم که آنحضرت خضاب ریش برنگ سیاه کرده بودند پس فرمود که خضاب کردن ثواب
عظیم است و خود را ساختن موجب عفت زنان است و جمعی از زنان دست از عفت
برداشتند بسبب آنکه شوهران ایشان خود را برای ایشان نساختند و شخصی عرض کرد که بما رسیده
است که حنا موی سفید را زیاده میکند حضرت فرمود که موی سفید خود زیاده میشود بی حنا و در
حدیث دیگر فرمود که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم آمد و حضرت
نظر کرد که موی سفید در ریش او بهم رسیده است فرمود که این موی سفید نور است پس فرمود
که هر که در اسلام یک موی سفید در ریش او بهم رسد از برای او نوری باشد در قیامت پس آن
شخص بحنا خضاب کرد و بنزد آنحضرت آمد چون آنحضرت او را دیدند فرمودند که هم نور است

در اسلام پیر رفت و خضاب سیاه کرد و آمد پس آنحضرت فرمود که نور است و اسلام است و ایمان است
و محبوب میگرداند بسوی زنان و خوف و بیم می افکند در دل کافران و در حدیث معتبر منقول است که گروهی بخدمت
حضرت امام حسین علیه السلام آمدند دیدند که آنحضرت بسیاهی خضاب کرده است درین باب از آنحضرت
سؤال کردند دست بر ریش گذاشت فرمودند که امر کرده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در یکی از جنگها که مسلمانان
بسیاهی خضاب کنند تا باعث قوت ایشان شود بر کافران و در حدیث حسن منقول است که از حضرت صادق
علیه السلام پرسیدند که خضاب سر و ریش آیا سنت است فرمود که بلی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام برای آن
خضاب نمیفرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده بود که یا علی موی ریش تو از خون سر تو
خضاب خواهد شد انتظار آن خضاب میکشید و حضرت امام حسین علیه السلام و حضرت امام باقر علیه السلام هر دو
خضاب میکردند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که من برای آن خضاب
نمیکنم که هنوز صاحب تعزیه ام در مصیبت وفات حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و در احادیث بسیار منقول است
که حضرت رسول خضاب میفرمودند و در حدیث معتبر منقول است که حضرت صادق علیه السلام نظر کردند بمردی
که از حمام بیرون آمده بود و دستهایش خضاب بسته بود حضرت فرمودند که آیا ترا خوش میآید که خدا ترا چنین
خلق کند گفت نه والله و لیکن بما خبر رسیده است که هر که داخل حمام شود باید که اثر حمام بر او دیده شود یعنی حنا
حضرت فرمود غلط فهمیده بلکه مراد آنست که چون سلامت از حمام بدر آید بشکر این نعمت دو رکعت نماز گزارد
و در حدیث حسن منقول است که حضرت صادق علیه السلام فرمودند که از جمله علامات بدی که در آخر الزمان
ظاهر شود آنست که آثار زنان در مردان عیان ظاهر شود و مردان خضاب کنند و خود را شبیه کنند
بروش زنان و ظاهر آنست که مراد خضاب دست و پا باشد زیرا که خضاب سر و ریش سنت است و از
علامات مردان است و در حدیث معتبر منقول است از آنحضرت که باکی نیست که در حمام خلوق بدست
و پا مالد بجهت ترکهائی که در دست و پا بهم رسد از بابت دوا اما خوشم نمیآید که همیشه این کار کنند و خلوق
بوی خوشی بوده است که زعفران داشته است و رنگ از آن در بدن میمانده است و در حدیث دیگر
از ابی الصباح منقول است که گفت اثر حنا در دست حضرت امام محمد باقر علیه السلام دیدم یعنی اثر
ضعیفی که از حنا مالیدن بعد از نوره میماند چنانچه بعد از این مذکور خواهد شد و در حدیث معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که سزاوار نیست مرد که دستش را از خضاب خالی بگذارد اگرچه بمالیدن

حنا باشند هرچند پیر باشند و فرمود که امر کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زنان شوهردار و بی شوهر را
بخضاب کردن اما شوهردار برای شوهرش و اما غیر شوهردار از برای آنکه دستش بدست مردان نماند
فصل دوازدهم در کیفیت خضاب و احکام آن در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقول است که باکی نیست در خضاب کردن بوسمه برای مرد پیر و در حدیث صحیح موثق از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقول است که فرمود خضاب کردن بوسمه دندانهائی مرا سست کرد و درهم
شکست و در چندین حدیث معتبر وارد شده است که چون حضرت امام حسین علیه السلام شهید شد
خضاب بوسمه در ریش مبارک آنحضرت بود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که خضاب کردن
بوسمه موجب انس زنان است و مهابتی از آن در دل کافران بهم میرسد و در حدیث حسن از آنحضرت
منقول است که خضاب کردن بحنا ابرو را زیاده میکند و سفیدی مو را هم زیاده میکند و در حدیث صحیح
و حسن منقول است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام خضاب بحنا میفرمودند خضاب سرخ رنگین و در حدیث
دیگر فرمود که خضاب بحنا بوهای بد را برطرف میکند و آبرو را میافزاید و دهان را خوشبو میکند و فرزندان را
خوش رو میگرداند و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که هرگاه زنی را علت حیضش قطع شده
باشد بحنا خضاب کند تا حیضش برگردد و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام حسین علیه السلام
و حضرت امام محمد باقر علیه السلام خضاب بحنا و وسمه با هم میکردند و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
و سلم منقول است که بهترین خضابها نزد حقتعالی رنگ سیاه است و در حدیث دیگر از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم رخصت فرمود زنان را که سر خود را
بسیاهی خضاب کنند بدانکه مشهور میان علما آنست که جنب را خضاب کردن مکروه است و همچنین
مکروه است در حالی که خضاب بسته باشد جنب شدن و از بعضی اخبار معتبره ظاهر میشود که چون حنا رنگ خود را
داده باشد بعد از آن جنب شدن باکی نیست و همچنین مکروه است زن حائض را خضاب کردن باب
سوم در آداب خوردن و آشامیدن فصل اول در بیان ظرفهائیکه در خوردن و آشامیدن و سایر
استعمالات توان استعمال نمود و آنچه از آن نهی شده است جایز نیست خوردن و آشامیدن از ظرف
طلا و نقره و در استعمال غیر اکل و شرب خلاف است و احوط اجتناب است و همچنین بدنگاه داشتن برای
زینت احوط اجتناب است و بعضی گفته‌اند طعامی را که در ظرف طلا و نقره کنند حرام میشود اگرچه طعام را

در جائی دیگر کنند اگرچه دلیلی ندارد امّا احوط اجتناب است و جمعی باطل میدانند وضو و غسل را که از ظرف
طلا و نقره و بسیار از معاصرین منع کرده‌اند سرمه‌دان و خنجر و سر قلیان و قندیلها که هر دو ظرفش گشوده باشند که ...
مشرف می‌آیند و ظرف مصحف و دعا و آئینه را از نقره و طلا گرفتن بلکه چوب ... را بنقره گرفتن خلافست
و احوط در همه اجتناب است اگرچه حرمت اینها بر فقیر ثابت نیست و در حلقهٔ قلیان که از نقره و طلا
... احتیاط بیشتر باید کرد و مکروه است از ظرف نقره کوب و طلا کوب چیزی خوردن و آشامیدن و
اگر بخورد بهتر آنست که دهن را بموضع طلا و نقره نرساند و اشهر میان علما آنست که جایز نیست
استعمال پوست مگر پوست حیوانی که در حال حیات پاک باشد و آنرا بعنوان شرع کشته باشند
یا از دست مسلمانی گرفته باشند و حرام است استعمال پوست حیوان مرده و همچنین پوستی که یافته
باشند اگرچه گمان باشد که از دست مسلمانی افتاده است مثل کفش در مسجد مسلمانان و بعضی گفته‌اند که
جایز است استعمال میته در عملی که مشروط بطهارت نباشد مثل آب به زراعت و حیوانات دادن
و امثال اینها و این قول قویست و احوط اجتناب است و همچنین بعضی جایز دانسته‌اند استعمال پوستی
که ظن بهم رسد که آنرا مسلمانی کشته است یا از دست مسلمان افتاده است و خالی از قوتی نیست
و احوط اجتناب است و پوست حیوان طاهری که گوشت آنرا نخورند و قابل تزکیه باشند استعمال
پوستهای آن کرد امّا پیش از دباغی کردن مکروه است استعمال آن و ظرفی که در آن شراب کرده باشد
هرچه نجاست در آن نفوذ نکند مثل شیشه و مس شستن پاک میشود و همچنین هرچه کاشی داشته
باشد و منفذی نداشته باشد که شراب در جرم آن جا کند و در مثل سبو و کدو و خم بی کاشی و امثال
اینها خلافست و اشهر آنست که به آب کشیدن پاک میشود خصوصاً وقتیکه آنقدر در آب بگذارند که
آب در آن نفوذ کند و اثر شراب در آن نماند و احوط اجتناب است و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله منقول است که هر که در دنیا از ظرف طلا و نقره آب بخورد در آخرت از ظروف طلا
و نقره در بهشت محروم می‌شود و بسند معتبر منقول است که محمد بن اسمعیل بن بزیع از حضرت امام رضا
علیه السلام سوال کرد از ظرف طلا و نقره حضرت اظهار کراهیت کردند گفت بما روایت رسیده
است که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام آئینه داشتند که بنقره گرفته بودند حضرت فرمودند
الحمد لله همین حلقه داشت از نقره و آن آئینه را حال نیست و فرمود که برادرم عباس را ختنه

گرد طبقهای آن چوبی ساخته بودند و آنرا بنقره گرفته بودند که قبضهٔ نقره اش نزدیک بده درهم بود که سه صد و
دینار مجمری باشد حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که آنرا شکستند و در حدیث معتبر از حضرت
موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که ظروف طلا و نقره متاع جماعتی است که یقین بآخرت ندارند و در حدیث
دیگر از عمرو بن ابی المقدام منقول است که ظرفی آوردند نزد امام جعفر صادق علیه السلام که آب بخورند
پاره از نقره بر آن چسبانیده بودند دیدم که حضرت بدندان خود آنرا از آن ظرف میکندند و در حدیث
موثق از آنحضرت منقول است که مکروه است آب خوردن از ظروف که نقره کوب یا بعضی از آن
نقره باشد و روغن مالیدن از روغن دان چنین و شانه کردن از شانه دان چنین مکروه است و در حدیث
معتبر از آنحضرت منقول است که کراهیت دارد خوردن چیزی که در سفالیکه از مصر می آورند پخته باشند
و در روایت موثق از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که طعام مخورید در ظرفهای سفالی که
از مصر میآورند و از بزیع بن عمر منقول است که بخدمت حضرت امام محمد تقی علیه السلام آمدم دیدم که
حضرت طعام میخوردند در میان کاسه سیاهی که در میان آن برنگ زرد سورهٔ قل هو الله احد نقش
کرده بودند **فصل دوم** در تجویز خوردن طعامهای لذیذ و مذمت حرص و اسراف در آن بدان که
از احادیث اهلبیت علیهم السلام ظاهر میشود که طعامهای لذیذ خوردن و بمردم خورانیدن و تکلف
در خوبی و پاکیزگی آنها خوب است و طعامهای لذیذ را بر خود حرام کردن خوب نیست اما باید که از حلال
باشد و آنقدر نخورد که او را از عبادت الهی باز دارد و مانند حیوانات پیوسته همتش مصروف خوردن
و آشامیدن نباشد بلکه باید که منظور و مقصود او از خوردن و آشامیدن تحصیل قوت عبادت باشد
و باید که آنقدر صرف کند که نسبت بحال او اسراف نباشد که خدا مسرفانرا دوست نمیدارد و بسند
معتبر منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بسیار بود که نانهای فرنی نفیس و حلواهای لذیذ
بمردم میخورانیدند و میفرمودند که هرگاه خدا بر ما توسعه میدهد ما نیز توسعه میکنیم و هرگاه خدا بر ما تنگ میگیرد
ما نیز تنگ میگیریم و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که سه چیز است که حقتعالی مومن را
در قیامت بآنها حساب نکند طعامی که بخورد و جامه که بپوشد و زن صالحه که یاور او باشد و فرج
او را از حرام نگاهدارد و ابو خالد کابلی میگوید که بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام رفتم حضرت
چاشت طلبیدند من خوردم با آنحضرت هرگز نیکوتر و پاکیزه تر طعامی از آن نخورده بودم پس فرمود

را چگونه دیدی طعام ما را گفتم فدایت شوم هرگز این چنین طعامی نخورده بودم و لیکن یادم آمد آن آیه که
در کتاب خداست ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ که ترسم همین نعمت است که البته سوال کرده خواهد شد
در روز قیامت از نعمت الهی حضرت فرمود که مراد از نعیم درین آیه مذهب تشیع و ولایت اهلبیت
علیهم السلام است که در روز قیامت از شما سوال خواهند کرد و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که حقتعالی از آن کریم‌تر است که سؤال کند از مؤمن از خوردنی و آشامیدنی که در دنیا
بر او حلال کرده باشد و بسند حسن از آنحضرت منقول است که طعام بعمل بیاور و نیکو بعمل بیاور و اصحاب
خود را بیاور و با ایشان بخور و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که با سیری چیزی خوردن
موجب پیسی است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که سه چیز است که خدا دشمن
میدارد صاحب آنها را خواب کردن بدون بیداری شب و خنده کردن در غیر محل تعجب و خوردن
طعام در هنگام سیری و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که مؤمن در یک شکم
چیزی میخورد و کافر در هفت شکم چیزی میخورد یعنی بسیار میخورد و در حدیث دیگر منقول است که ابوجحیفه
بخدمت آنحضرت آمد و آروغ میزد از سیری حضرت فرمود که آروغ خود را منع کن که هر که در دنیا سیرتر
است در قیامت گرسنه‌تر است پس ابوجحیفه بعد از آن طعام سیر نخورد تا از دنیا رفت و در حدیث
دیگر فرمود که هیچ چیز را خدا دشمن نمیدارد مانند شکم پر از طعام و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
منقول است که حضرت عیسی علیه السلام بشهری رسید که مردی و زنی فریاد میکردند و با یکدیگر نزاع
داشتند از سبب آن پرسید مرد گفت که این زن زن منست و صالحه است و عیبی ندارد اما
من او را دوست نمیدارم و میخواهم از او جدائی اختیار کنم فرمود که بهمه حال سبب این کراهیت را بگو
چیست گفت که رویش کهنه و بی طراوت شده است بی آنکه پیر شده باشد حضرت عیسی علیه السلام بآن
زن فرمود میخواهی که آب در رویت برگردد و تازه شود گفت بلی فرمود طعام که میخوری سیر مخور زیرا که
طعام زیاده در معده که بجوش آمد آب رو را میبرد آن زن چنین کرد و رویش بحالت طراوت برگشت
و محبوب شوهر شد و از حضرت امام موسی کاظم منقول است که اگر مردم میانه رو باشند در طعام
خوردن بدن ایشان صحیح باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است
که پنج خصلت است که مورث برص و پیسی است نوره کشیدن در روز جمعه و چهارشنبه و وضو

و غسل کردن آبی که در آفتاب گرم شده باشد و در حالت جنابت چیزی خوردن و در حال حیض
از آن جماع کردن و در وقت سیری چیزی خوردن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است
که آدمی را چاره نیست از طعامی که بدان قوت یابد و هرگاه طعامی خورد باید که یک حصه شکم را برای
طعام قرار دهد و یک حصه برای آب و یک حصه برای نفس زدن و سعی نکند در فربه کردن خود چنانچه
حیوانات را برای کشتن فربه میکنند و فرمود که هرگاه شکم سیر شد باعث طغیان و فساد میشود و فرمود که
هر دردی و بیماری از بسیار خوردن بهم میرسد مگر تب که آن گاهی است که بناگاه میرسد و در حدیث
دیگر منقول است که حضرت عیسی علیه السلام فرمود که ای بنی اسرائیل تا گرسنه نشوید چیزی مخورید و هرگاه
گرسنه شوید پس سیر مخورید زیرا که چون سیر شدید گردنهای شما گنده میشود و پهلوهای شما فربه میشود و پروردگار
خود را فراموش میکنید و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که کفران نعمت الهی
است اینکه کسی گوید که فلان طعام را خوردم و مرا آزار داد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقول است که در ظرفی شیر و عسل بهم بنزد آنحضرت آوردند که تناول نمودند و بر زمین گذاشتند گفتند
یا رسول الله آیا حرام میکنی خوردن این را فرمودند نه اما تواضع و شکستگی میکنم برای خدا و پالوده بسیار
طیب و خوشبو بنزد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آوردند انگشتی بر آن فرو بردند و بدهان گذاشتند
فرمودند که حرام نیست اما نمیخواهم خود را عادت فرمایم بچیزی که عادت نکرده ام و در حدیث دیگر وارد
است فرمودند چیزی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نخورده است نمیخواهم بخورم و در حدیث دیگر
از آنحضرت منقول است که همیشه این امت با خیر و نعمت باشند مادام که لباس عجم را نپوشند و
طعامهای عجم را نخورند پس چون چنین کنند خدا ایشان را ذلیل و خوار گرداند و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقول است که نیکو نان خورشی است سرکه و همین بس است در اسراف که نعمتی را نزد او
بیاورند و هوس دارد و نخورد **فصل سوم** در بیان بعضی از آداب و اوقات طعام خوردن سنت است
که چاشت بامداد بخورد و در میان روز دیگر چیزی نخورد و بعد از نماز خفتن بار دگر طعام بخورد و لقمه
کوچک بردارد و نیکو بخاید و نظر بر روی مردم نکند و طعام بسیار گرم نخورد و در طعام گرم ندمد
بلکه بگذارد تا سرد شود و بعد از آن بخورد و نان را بکارد نبرد و استخوان را پاک نکند بکمتر از سه انگشت و
چیزی نخورد و از پیش خود بخورد و دست در پیش دیگران دراز نکند و کاسه و انگشتان را بلیسد و در حالت

جنابت مکروه است طعام و آب خوردن و اگر وضو بسازد یا دست بشوید و مضمضه و استنشاق کند یا دست

و رو را بشوید و مضمضه بکند یا دست بهار ابشوید کراهتش ضعیف میشود و در حدیث دیگر وارد است که اگر چیزی بخورد در حال

جنابت بی آنکه اینها را بعمل آورد بیم آنست که پیس شود و در حدیث معتبر منقول است که پسر برادر

شهاب بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از درد پا و امتلا و فساد معده

حضرت فرمود که چاشت و شام بخور و در میان چیزی مخور زیرا که خداوند عالمیان در وصف طعام

اهل بهشت میفرماید لهم رزقهم فیها بکرة و عشیا ترجمه اش اینست که مهیا است برای بهشت

روزی ایشان در بهشت در بامداد و پسین جفتن و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

منقول است که طعام خوردن پیغمبران بعد از روزها بعد از نماز خفتن است پس از ترک مکنید

که ترکش موجب خرابی بدن است و در حدیث دیگر منقول است که ترک طعام خوردن طرف

شب آدمی را پیر میکند و فرمود که چون آدمی پیر شود باید که در شب پیش از خواب البته چیزی بخورد

که بهتر بخواب میرود و دهانش خوشبو میشود و خلقش نیکو میشود و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است

که چیزی خوردن شب را ترک مکنید اگرچه پاره نان خشکی باشد که باعث قوت جماع است و از

حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که ترک کند طعام خوردن را در شب شنبه و یکشنبه

پیهم از قوتی طرف شود که تا چهل روز باز نگردد و فرمود که طعام شب نافعتر از طعام روز است

و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که در بدن آدمی رگی هست که آن عشا نام دارد هر که در طرف

شب چیزی نخورد آن رگ او را نفرین میکند تا صبح میگوید که خدا ترا گرسنه بدارد هم چنانکه مرا

گرسنه داشتی و خدا ترا تشنه بدارد چنانچه مرا تشنه داشتی پس البته ترک مکنید عشا را اگرچه لقمه نان

یا دم آبی باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که سزاوار نیست که مؤمن ش

از خانه بیرون رود تا آنکه چاشت بخورد که باعث زیادتی عزت اوست و در حدیث دیگر فرمود

که اگر خواهی پی حاجتی بروی نان با نمک بخور که بیشتر باعث عزت تست و حاجت زودتر بر می آید

و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که طعام گرم را بگذارید تا سرد شود و بدرستیکه طعام

نزدیک رسول صلی الله علیه و آله و سلم آوردند فرمود که بگذارید تا سرد شود که خدا آتش را طعام

نگردانیده است و برکت در طعام سرد است و از حضرت امام رضا علیه التحیة و الثنا منقول است

که طعام گرم برکت ندارد و شیطان دران بهره دارد و در حدیث موثق از سلیمان بن خالد منقول
است که گفت حاضر شدم شب بر سفرهٔ امام جعفر صادق علیه السلام در تابستان خوانی آوردند که دران
نانی بود و کاسه آوردند که دران ثرید و گوشت بود و پس دست دران گذاشتند و برداشتند و فرمود
که امان میطلبیم بخدا از آتش دوزخ تاب این گرمی نداریم و صبر بران نمیتوانیم کرد چگونه تاب آوریم
و صبر کنیم بر آتش جهنم این را مکرر فرمودند تا طعام سرد شد چنانکه میتوانست خورد پس تناول فرمود
و ما هم خوردیم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که نهی فرمود از دمیدن
در خوردنی و آشامیدنی و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مکروه است دمیدن
در گرمیها و افسونها و در طعام و در موضع سجده و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقول است که
اگر از برای سرد کردن بدمد قصوری ندارد و حمل بر ضرورت و حالت استعجال میتوان کرد و از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که مخورید از بالای ثرید و از پهلوهایش بخورید که برکت در بالای
طعام است و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هرگاه یکی از
شما طعام خورد باید که از پیش خود بخورد و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت کاسه طعام را
می لیسیدند و میفرمودند که هرگاه کاسه را بلیسد چنانست که مثل آن طعام را تصدق کرده باشد و
منقول است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بتمام انگشتان طعام تناول میفرمودند و میگفتند
که هرگاه که کاسهٔ طعام را بلیسد ملائکه بر او صلوات میفرستند و دعا میکنند برای او بفراخی روزی او
و حسنات مضاعف برای او مینویسند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که در
وقت طعام خوردن دو زانو بروش بندگان می نشستند و دست بر زمین میگذاشتند و به
انگشت چیزی تناول مینمودند و میفرمودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین طعام تناول
میفرمودند نه بروش متکبران و جباران که بدو انگشت چیزی بخورند و بسند معتبر منقول است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هرگاه کسی طعام خورد و انگشتان خود را بمکد
و بلیسد خداوند عالمیان میفرماید که خدا برکت دهد ترا و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که آنحضرت کراهت داشتند از این که دست راست را بدستمال پاک کنند در وقتیکه چیزی از طعام دران
باشد یا آنکه خود می مکیدند یا طفلی که در پهلوی آنحضرت میبود میدادند که می مکید بر انگشت طعام

و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است کسی که خواهد که طعام او را ضرر نرساند تا گرسنه نشود و معده پاک نشود چیزی نخورد و چون خواهد بخورد بسم الله بگوید و نیکو بخاید و دست از طعام وقتی بکشد که هنوز خواهش طعام داشته باشد و بسند معتبر منقول است از حضرت علی بن الحسین علیه السلام که استخوان را پاک نخایید که جنیان را از آن بهره است و چون پاک کنید ایشان از خانهٔ شما چیزی میبرند که بهتر از آن باشد و بسند معتبر از حضرت امام حسین علیه السلام منقول است که در خوردن دوازده خصلت است که بر هر مسلمان واجب است که بداند چهار از آن فرض است و چهار دیگر سنت و چهار دیگر تادیب است اما فرض آنست که منعم خود را بشناسد و داند که نعمت از جانب پروردگار است و راضی باشد بآنچه خدا باو عطا کرده است و بسم الله بگوید و خدا را شکر کند و اما سنت پس دست شستن پیش از طعام خوردن و بر جانب چپ نشستن و به سه انگشت چیزی خوردن و انگشتان را لیسیدن و اما تادیب پس از پیش خود خوردن و لقمه را کوچک برداشتن و بسیار خاییدن و در روی مردم کم نگاه کردن و در حدیث معتبر منقول است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بحضرت امام حسین علیه السلام فرمود که میخواهی ترا تعلیم نمایم چهار چیز که اگر بجا آوری از طبابت طبیبان مستغنی شوی گفت بلی یا امیر المؤمنین فرمود که منشین بر طعام مگر وقتیکه گرسنه باشی و بر مخیز از طعام مگر وقتیکه خواهش داشته باشی و نرم بخایی و هر گاه که خواهی که بخوابی به بیت الخلا برو و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که وقتیکه طعام میخوردند بسم الله میگفتند و از پیش دیگری چیزی بر نمیداشتند و پیش از مهمانان شروع بطعام میکردند و با انگشت مهین و انگشت شهادت بعد از آن با انگشت میانین طعام میخوردند و گاهی انگشت چهارم هم ضم میکردند و گاهی بتمام انگشتان میخوردند و هرگز بدو انگشت چیزی نمیخوردند و میفرمودند که این خوردن شیطان است **فصل چهارم** در سائر آداب طعام خوردن سنت است که بدست راست چیزی بخورد و دو زانو بنشیند و خوابیده چیزی نخورد اما اگر بدست چپ تکیه کند باکی نیست و چهار زانو نشستن مکروه است و اگر پا را بر روی زانو بگذارد بدتر است و تنها خوردن مکروه است و با خدمتگاران و غلامان چیزی خوردن و بر روی زمین چیزی خوردن سنت است و مشهور آنست که در وقت راه رفتن چیزی خوردن مکروه است و پیش از طعام و بعد از طعام دست شستن سنت است و در شستن پیش از طعام سنت است که بدستمال خشک نکند و اول صاحب خانه دست بشوید و بعد از و هر که

راست او دست و بترتیب بشویند تا آخر مجلس و در شستن بعد از طعام از جانب چپ صاحب خانه
ابتدا کند و خود آخر همه بشوید و سنت است که همه در یک طشت بشویند و آب را بریزند و بر سر خوانی که شراب
دران خورند چیزی خوردن حرام است و بعضی گفته اند هر حرامی که خورند یا کنند در ان مجلس چیزی خوردن
حرام است حتی بر سر سفرهٔ جماعتی که غیبت مسلمانان کنند بحرام و سنت است که در اول و آخر طعام
نمک بخورند و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم لعنت فرمود سه کس را کسی که توشهٔ خود را تنها بخورد و کسیکه در سفر تنها برود و کسیکه
در خانه تنها بخوابد و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که چون در طعام چهار چیز جمع شود آن تمام
است هر گاه از حلال باشد و بسیار دست دران دراز شود و نام خدا در اولش گرفته شود و در آخرش
حمد الهی بگویند و در حدیث صحیح منقول است که چون خوان طعام نزد حضرت امام رضا علیه السلام حاضر
میشد کاسه میطلبیدند و از طعامهائیکه لذیذتر بود از هر طعامی قدری بر میگرفتند و دران کاسه میگذاشتند و میفرمودند
که بمساکین و درویشان بدهند و در احادیث معتبره از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که حضرت
یعقوب علیه السلام بمفارقت فرزند برای آن مبتلا شد که روزی گوسفند فربهی کشت و بریان نمود
و مرد صالح روزه داری در نزدیک خانهٔ او بود و بوی آنرا شنید و غافل شد که باو بخوراند پس جبرئیل
علیه السلام در همان شب آمد و گفت مهیای بلا باش از جانب خدای تعالی و در همان شب حضرت
یوسف علیه السلام آن خواب را دید پس بعد از آن حضرت یعقوب علیه السلام در وقت چاشت
میفرمود که ندا میکردند تا یک فرسخ راه که هر که چاشت میخواهد بطعام حضرت یعقوب علیه السلام
حاضر شود و در شب نیز چنین ندا میکردند و در حدیث دیگر منقول است که چون خوان طعام حاضر
شود هر سائلی که بیاید رد مکنید و بسند صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که ملعونست کسی که بنشیند
بر سر خوانیکه دران شراب خورند و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد پس نخورد
چیزی را بر سر سفرهٔ که دران شراب خورند و در فقه امام رضا علیه السلام منقول است که مخور طعام بر سر خوانی که بنشینند قومی که بر سر آن
شراب خورند و در چندین حدیث وارد شده است که چیزی در حالت جنابت خوردن سبب فقر و بیچیزی میشود و در احادیث بسیار
وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از خوردن و آشامیدن بدست چپ مگر آنکه مضطر باشد
و دست راستش علتی داشته باشد و بسندهای معتبر منقول است از حضرت صادق علیه السلام که حضرت رسول

صلی الله علیه وآله هرگز تکیه کرده بر پهلوی راست و بر پهلوی چپ چیزی تناول نفرمود تا از دنیا
رحلت نمود و بروش بندگان می نشست و بروش بندگان چیزی میخورد از جهت تواضع و
فروتنی نزد پروردگار خود و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که تکیه کرده و خوابیده چیزی
نخورند و در حدیث حسن منقول است که روزی عباد بصری که از مشایخ صوفیه و علمای عامه است
در خدمت حضرت صادق علیه السلام نشسته بود و حضرت طعام تناول میفرمودند و دست چپ خود را
بر زمین گذاشته بود عباد گفت مگر نمیدانی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم نهی فرموده است
از تکیه بر دست کردن در وقت طعام خوردن حضرت لحظه دست برداشتند و باز بر زمین گذاشتند
دست را باز عباد اعاده آن سخن کرد تا سه مرتبه پس حضرت فرمود که والله که حضرت رسول
صلی الله علیه وآله هرگز این نهی نفرمود و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است
که هرگاه بخوردن طعام نشینید بروش بندگان دو زانو بنشینید و یک پا را بر روی پای دیگر بگذارید
و چهار زانو منشینید که این نشستن را و صاحبش را خدا دشمن میدارد و ظاهر این حدیث آنست
که چهار زانو که نهی واقع شده است آنست که بروش جباران یکپای را بر بالای ران بگذارد
و در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم چون بر سر خوان می نشستند از پیش خود
طعام میخوردند و بروشیکه در تشهد نماز می نشستند بهمان روش می نشستند و زانوی راست را
بر بالای زانوی چپ و پای راست را بر شکم پای چپ میگذاشتند و میفرمودند که من بنده ام
بروش بندگان می نشینم و بروش بندگان میخورم و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مکروه است آدمی را که از
دست چپ چیزی بخورد یا بیاشامد یا چیزی با آن بردارد و حال آنکه تواند از دست راست برداشتن
و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که باکی نیست در حال راه رفتن
چیزی خوردن و در حدیث دیگر فرمود که روزی حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم پیش از نماز
صبح بیرون آمدند و پاره نانی در دست داشتند که در میان شیر فرو برده بودند و میخوردند و بنماز
میآمدند و بلال اقامت نماز میگفت پس با مردم نماز کردند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که مخور چیزی در حالت راه رفتن مگر آنکه مضطر باشی و در حدیث معتبر بسیار از
حضرت امیر المؤمنین [illegible] علیه السلام منقول است که هرکه خواهد که خیر خانه او بسیار شود

دست را پیش از طعام خوردن بشوید و فرمودند که دست شستن پیش از طعام و بعد از طعام فقر را
زائل میکند و روزی را زیاده میکند و چرک را از جامه دور میکند و چشم را جلا میدهد و درد را از بدن
دور میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دستها را همه در یکظرف بشوئید که اخلاق شما
نیکو شود و در حدیث معتبر از آنحضرت منقول است که در دست شستن پیش از طعام اول صاحب خانه
بشوید که دیگرانرا دشوار نباشد دست شستن و چون از طعام فارغ شوند ابتدا از کسی کنند که در جانب
راست درگاه نشسته است و در روایت دیگر انیست که دست پیش از طعام اول صاحب خانه
بشوید و بعد از ان هرکه در جانب راست او نشسته است و در شستن بعد از طعام ابتدا بدست چپ
صاحب خانه میکنند و خود آخر همه دست می شوید زیراکه او اولی است باآنکه صبر کند بر آلودگی دست
و در حدیث حسن از مرازم منقول است که دیدم حضرت موسی علیه السلام را که چون دست را
پیش از طعام می شستند دست را بدستمال پاک نمیکردند و بعد از طعام دست را که می شستند
بدستمال پاک میکردند و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که دست را
که برای طعام خوردن بشوئی دست را بدستمال پاک مکن زیراکه تا تری دست هست برکت در طعام
هست و فرمود که بعد از دست شستن دست را بر رو مالیدن کلف را از رو برطرف میکند
و روزی را زیاده میکند و از مفضل بن عمر منقول است که شکایت کردم بآنحضرت از آزار چشم
حضرت فرمود که چون بعد از طعام دست بشوئی دستها را برابروها بمال و سه نوبت بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ الْمُنْعِمِ الْمُفْضِلِ مفضل گوید که چنین کردم هرگز آزار چشم ندیدم و از حضرت
امام رضا علیه السلام منقول است که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم بعد از طعام
دست می شستند آب در دهان میکردند و مضمضه میفرمودند و حضرت صادق علیه السلام فرمود
که در اشنان که بآن دست میشوئید سعد داخل کنید که دهانرا خوشبو میکند و بر قوت جماع می افزاید
و منقول است که چون حضرت امام رضا علیه التحیة والثنا باشنان دست می شستند اشنانرا
در دهان میکردند و میخائیدند و می انداختند و منقول است که حضرت امام محمد تقی علیه السلام
بعد از انکه چاشت تناول فرمودند و دست شستند دستها را بر سر و رو مالیدند پیش از انکه بدستمال
پاک کنند و فرمودند اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ لَا يَرْهَقُ وَجْهَهُ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ و در روایت

دیگر از حضرت رسول صلّی الله علیه و آله منقول است که چون دست را بعد از طعام بشوئی بر رو و دیده ها بمال
پیش از آنکه بدستمال پاک کنی و بگو اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ الزِّینَةَ وَالْمَحَبَّةَ وَاَعُوذُ بِکَ مِنَ الْمَقْتِ
وَالْبِغْضَةِ و از حضرت امام رضا منقول است که هر که دستش پاکیزه باشد باکی نیست که طعام بخورد بدون
آنکه دستش بشوید و از فضل بن یونس منقول است که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بمنزل من آمدند
و چون طعام حاضر شد دستمال آوردم که در دامن ایشان بیندازم قبول نفرمودند و فرمودند که این طریقهٔ
عجمانست و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون بعد از طعام دست بشوئی با آن تری که
در دست باشد دیده های خود را مسح کن که این امان است از درد چشم و در روایت دیگر منقول است
که چون حضرت رسول صلّی الله علیه و آله و سلّم از دست شستن بعد از طعام فارغ می شدند دست را
بر رو می کشیدند و این دعا میخواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی هَدَانَا وَاَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَکُلَّ بَلَاءٍ صَالِحٍ
اَوْلَانَا و در حدیث موثق منقول است که حضرت رسول صلّی الله علیه و آله و سلّم بحضرت امیر المومنین علیه السلام
فرمودند که یا علی در اوّل و آخر طعام نمک بخور که هر که در طعام افتتاح و اختتام بنمک کند خدا دفع کند
از و هفتاد نوع از انواع بلا را که آسان تر آن خوره باشد و در روایت حسن دیگر که عافیت یابد از
هفتاد و دو نوع از انواع بلا که از جمله آنها دیوانگی و خوره و پیسی است و در روایت حسن دیگر از درد گلو و درد
دندان و درد شکم و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در نمک شفا از هفتاد
نوع از انواع درد هست و اگر مردم بدانند که چه نفعها در نمک هست مداوا نکنند مگر با آن و فرمود که خدای
تعالی وحی نمود بموسی علیه السلام که امر کن قوم خود را که افتتاح و اختتام بنمک کنند و اگر نه کنند
و ببلائی مبتلا شوند ملامت نکنند مگر خود را و در روایت دیگر از آنحضرت منقول است که حضرت رسول صلّی الله
علیه و آله و سلّم را در اثنای نماز عقربی گزید حضرت نعل بر آورده او را کشت و چون فارغ شد حضرت فرمود
لعنت خدا بر تو نه نیکوکار را میگذاری و نه بدکار را مگر آنکه آزار میرسانی پس نمک پاره طلبیدند و بر موضع
عقرب گزیده مالیدند و فرمودند که اگر مردم منفعتهای نمک را بدانند محتاج بتریاک فاروق و غیر آن
نشوند و در بعضی روایات معتبره وارد است که ابتدا بسرکه نیز خوب است و عقل را زیاده میکند و در روایت
دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که ما ابتدا بنمک و اختتام بسرکه میکنیم و در روایت
دیگر از آنحضرت منقول است که هر که نمک بپاشد بر اوّل لقمه که میخورد رو به توانگری آورد و در حدیث

دیگر منقول است که آنحضرت فرمود که من روزی به مجلس سفاح که یکی از خلفای بنی عباس بود
رفتم در وقتی که سفره اش گسترده بود پس دست مرا گرفت و بنزد خود کشید و پایی من در کنار سفره
واقع شد پس آنقدر غمگین شدم که خدا داند زیرا که این کفران نعمت است و در روایت دیگر از آن
حضرت منقول است که طول دهید بر سفره نشستن که این ساعتی است که از عمر شما حساب نمیشود و در
حدیث معتبر منقول است از یاسر خادم حضرت امام رضا علیه السلام که چون آنحضرت بر سفره می نشستند
هیچ کوچک و بزرگ را نمیگذاشتند مگر آنکه بر سفره می طلبیدند حتی مهتر و حجام و از ابراهیم بن عباس
مرویست که آنحضرت چون خلوت میشد و سفره میاوردند غلامان خود را همه بر سر خوان می طلبیدند
حتی دربانان و خدمتکاران و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که چون طعام
خورید نعل و کفش را از پا بیرون کنید که سنت نیکوست و بیشتر راحت می یابد پاهای شما و در اخبار معتبر
وارد شده است که یک امتیاز انسان از حیوانات دیگر اینست که بدست چیزی میتواند خورد پس باید
که بدست چیزی بخورد و باسانید معتبره منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم چون با جماعتی
چیزی میخوردند یعنی مهمانان پیش از همه دست دراز میکردند و بعد از همه دست میکشیدند برای آنکه
ایشان بیشتر چیزی بخورند و منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بر خوان هرگز
نمیخوردند بلکه بر سفره میخوردند و از فحوای اخبار چنین معلوم میشود که در آن زمان خوان چهار پایه دار بلند
میساختند از روی تکبر که برای طعام خوردن خم نباید شد والله اعلم و در حدیث موثق منقول است
از سماعة بن مهران که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم که وقت نماز میشود و طعام حاضر است
بکدام یک ابتدا کنم فرمود که اگر اول وقت نماز باشد اول طعام بخورید و اگر پاره گذشته باشد و بیم آن
باشد که از طعام خوردن وقت فضیلت بدر رود ابتدا بنماز کنید **فصل پنجم** در بیان دعاهای
وقت طعام خوردن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که چون خوان را میگذارند چهار
هزار ملک بر دور آن احاطه میکنند اگر بنده بسم الله گفت ملائکه میگویند که خدا برکت فرستد بر شما و در طعام شما
پس با شیطان میگویند که بیرون رو ای فاسق که ترا بر ایشان تسلطی نیست و بعد از فارغ شدن طعام
اگر گفتند الحمد لله ملائکه میگویند که ایشان جماعتی اند که نعمت خدا را یافتند پس ادا کردند شکر پروردگار
خود را و اگر بسم الله نگفتند در اول ملائکه بشیطان میگویند که بیا ای فاسق و با ایشان طعام بخور

واگر خوان را برداشتند وایشان حمد الهی نکردند ملائکه میگویند که ایشان گروهی بودند که خدا بایشان نعمت داد
وایشان پروردگار خود را فراموش کردند ودر حدیث معتبر از ابی عبدالله علیه السلام منقول است
که چون خوان بگذارید بگوئید بِسْمِ اللهِ وچون شروع بخوردن کنید بگوئید بِسْمِ اللهِ عَلٰى اَوَّلِهِ
وَآخِرِهِ وچون خوان را بردارید بگوئید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ واز حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول است
که هر که نام خدا را در اول طعام برد وحمد خدا را در آخر طعام بگوید هرگز از آن طعام از او سوال نکنند
وبسند حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگاه مسلمانی خواهد که طعام بخورد چون
لقمه بردارد وبگوید بِسْمِ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ پیش از آنکه لقمه بدهانش برسد خدا گناهانش را
بیامرزد ودر حدیث دیگر منقول است که چون سفره نزد حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم
می گستردند این دعا را میخواندند سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ مَا اَحْسَنَ مَا تَبْتَلِيْنَا سُبْحَانَكَ مَا اَكْثَرَ
مَا تُعْطِيْنَا سُبْحَانَكَ مَا اَكْثَرَ مَا تُعَافِيْنَا اَللّٰهُمَّ اَوْسِعْ عَلَيْنَا وَعَلٰى فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِيْنَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمَاتِ ودر روایت معتبر دیگر منقول است که چون طعام نزد حضرت امام
زین العابدین علیه السلام میگذاشتند این دعا میخواندند اَللّٰهُمَّ هٰذَا مِنْكَ وَمِنْ فَضْلِكَ
وَعَطَائِكَ فَبَارِكْ لَنَا فِيْهِ وَسَوِّغْنَاهُ وَارْزُقْنَا خَلَفًا اِذَا اَكَلْنَاهُ وَرُبَّ مُحْتَاجٍ
اِلَيْهِ رَزَقْتَ فَاَحْسَنْتَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِيْنَ وچون خوان بر میداشتند
این دعا میخواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ حَمَلَنَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقَنَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلَنَا
عَلٰى كَثِيْرٍ مِّمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيْلًا واز حضرت صادق علیه السلام منقول است
که نام خدا را بر طعام ببرید وچون فارغ شوید بگوئید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ ودر
حدیث دیگر منقول است که چون خوان را بر میداشتند حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم این
دعا میخواندند اَللّٰهُمَّ اَكْثَرْتَ وَاَطَبْتَ وَبَارَكْتَ فَاَشْبَعْتَ وَاَرْوَيْتَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ
يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ ودر حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که فرمود پدرم
بعد از طعام این دعا میخواند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اَشْبَعَنَا فِيْ جَائِعِيْنَ وَاَرْوَانَا فِيْ ظَامِئِيْنَ وَآوَانَا فِيْ
ضَاحِيْنَ وَحَمَلَنَا فِيْ رَاجِلِيْنَ وَآمَنَنَا فِيْ خَائِفِيْنَ وَاَخْدَمَنَا فِيْ عَانِيْنَ ودر حدیث کالصحیح از
زراره منقول است که با حضرت صادق علیه السلام طعام میخوردم بسیار میگفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ

جعلنی باشتیه؟ و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که روزی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام میفرمود که من ضامنم از برای کسیکه بسم الله در طعام بگوید که از آزارش نکند ابن کوا گفت که یا امیر المؤمنین علیه السلام شب طعام خوردم و بسم الله گفتم و آزار کشیدم حضرت فرمود شاید چند رنگ طعام خورده باشی و بر بعضی بسم الله گفته باشی و بر بعضی نگفته باشی ای احمق و در حدیث صحیح منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام عرض کرد که از طعام آزار میکشم فرمود که مگر بسم الله نمیگوئی گفت میگویم و باز آزار میکشم فرمود که هرگاه سخن میگوئی باز بسم الله میگوئی گفت نه فرمود که باین سبب آزار میکشی هرگاه که از سخن فارغ میشوی و عود بخوردن میکنی بسم الله بگو و در حدیث صحیح دیگر منقول است از آنحضرت که هرگاه چند ظرف باشد بر هر ظرفی یک بسم الله بگو راوی گفت اگر فراموش کنم چه کنم فرمود که بگو بِسْمِ اللهِ عَلَى أَوَّلِهِ وَآخِرِهِ و در حدیث معتبر دیگر منقول است که آنحضرت بعد از طعام این دعا میخواندند اللَّهُمَّ هٰذَا مِنْكَ وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولِكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که خدا را یاد کنید در هنگام طعام خوردن و حرف بسیار نگوئید که آن طعام و نعمت روزی خداست و بر شما واجب است که در وقت صرف کردن آن شکر خدا و یاد خدا و حمد خدا کنید و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون ملائکه نزد حضرت ابراهیم علیه السلام آمدند و گوساله بریانی برای ایشان آورد و گفت بخورید گفتند نمیخوریم تا نگوئی که قیمت این نعمت چیست حضرت ابراهیم فرمود که چون شروع بخوردن کنید بگوئید بسم الله و چون فارغ شوید بگوئید الحمد لله حضرت جبرئیل و کروبیون سه ملک دیگر گفت لازم است و سزاوار که حق تعالی چنین شخصی را خلیل خود گرداند بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که طعام خورنده شکر کننده بهتر است از روزه دار خاموش و در حدیث دیگر منقول است که حضرت صادق علیه السلام بجماعه فرمود که ای جماعه بخورید و حمد خدا کنید و مخورید که خاموش باشید و منقول است بسند صحیح از حضرت علی بن الحسین علیه السلام که بعد از طعام این دعا میخواندند الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَكَفَانَا وَأَيَّدَنَا وَآوَانَا وَأَنْعَمَ عَلَيْنَا وَأَفْضَلَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که فرمود که هرگز از امتلای طعام آزار نکشیدم

زیرا که هیچ لقمه بدهان نبردم مگر آنکه نام خدا بر آن گفتم و در حدیث معتبر دیگر منقول است که آنحضرت فرمود که من ضامنم که هر که این کلمات بگوید هیچ طعام او را آزار نکند اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ خَیْرِ الْاَسْمَآءِ مِلْاءَ الْاَرْضِ وَالسَّمَآءِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الَّذِیْ لَا یَضُرُّ مَعَهُ دَآءٌ و در روایت دیگر منقول است که شخصی از ضعف معده بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد حضرت فرمود چون از طعام فارغ میشوی دست بر شکم بمال و بگو اَللّٰهُمَّ هَنِّئْهُ اَللّٰهُمَّ سَوِّغْنِیْهِ اَللّٰهُمَّ اَمْرِئْنِیْهِ ؎ و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که چون خوان حاضر شود اگر یکی از حاضران بسم الله گوید از دیگران مجزیست

فصل ششم

در آداب بعد از طعام در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که هرگاه چیزی خوردی بر پشت بخواب و پای راست بر پای چپ گذار و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که بخورید آنچه از خوان بر زمین افتد که خوردن آن شفای هر درد است بامر الهی برای کسیکه بآن طلب شفا نماید و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد تهیگاه فرمود که بر تو باد آنچه در خوان بر زمین می افتد بخور پس چندکسی که صاحب این درد بودند بآن عمل نمودند زائل شد درد ایشان و در حدیث دیگر معویة بن وهب گوید که در خدمت آنحضرت طعام خوردیم چون خوان را برداشتند برچیدند آنچه از خوان افتاده بود و تناول فرمودند بعد از آن فرمودند که خوردن این فقر و درویشی را برطرف میکند و فرزند را زیاد میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که هر که پارهٔ نانی بیابد و بردارد و بخورد یک حسنه از برائی او نوشته میشود و هر که پارهٔ نانی از میان جائی کثیفی یا نجسی بیابد پس بردارد و بشوید آنرا و بخورد برائی او هفتاد حسنه بوده باشد و در حدیث معتبر دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم روزی بخانه عائشه آمدند پارهٔ نانی دیدند که بر زمین افتاده است برداشتند و تناول فرمودند و فرمودند که ای عائشه گرامی بدار نعمتهائی خدا را بر خود که نعمت الهی از جماعتی که گریخته است دیگر بسوئی ایشان برنمیگردد و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که در خانه طعامی بخورد و از آن طعام چیزی بیفتد آنرا بردارد و بخورد و اگر در صحرا باشد برائی مرغان و حیوانات بگذارد و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که اگر در صحرا باشد بردار اگر همه یک ران گوسفند باشد و از عبدالله ارجانی منقولست که گفت در خدمت حضرت صادق علیه السلام

بودم دیدم که بعد از طعام میگردد و آنچه بر زمین افتاده برمیدارد حتی کنجد و امثال آنرا گفتم فدای تو شوم
اینها را هم برمیچینید فرمودند که اینها روزی تست مگذار از برای دیگری که اینها شفا میدهد از همه دردی
و در حدیث دیگر منقول است که خوردن آن فقر را برطرف میکند از خورنده آن و فرزندان و فرزندان او
او تا فرزندان هفتم و در روایت دیگر هر که بخورد خدا نگاه دارد او را از دیوانگی و خوره و پیسی و زرداب
و حماقت و در حدیث دیگر منقول است که هر که پارهٔ نانی یا خرمائی ببیند که بر زمین افتاده است
پس بردارد و پاک کند و بخورد در شکمش قرار نگیرد مگر آنکه بهشت بر او واجب شود و بسندهای معتبر
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که آنچه از خوان و سفره میریزد مهر حور العین
است و بسندهای معتبر دیگر منقول است که روزی حضرت امام حسین علیه السلام داخل بیت الخلا
شدند لقمهٔ نانی دیدند که افتاده است برداشتند و بغلامی از غلامان خود دادند و فرمودند که
هرگاه بیرون آیم این را بمن ده پس چون بیرون آمدند پرسیدند چه شد لقمهٔ نان گفت خوردم فرمودند
که ترا آزاد کردم از برای خدا شخصی پرسید از سبب آزاد کردن غلام حضرت فرمود که از جدم
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که هر که لقمهٔ نانی بیابد و او را پاک کند یا بشوید پس او
بخورد در شکمش قرار نگیرد مگر آنکه خدا او را از آتش جهنم آزاد گرداند و من نمیخواهم که در بندگی بگذارم
کسی را که خدا او را از آتش جهنم آزاد گردانیده است و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که نیم خوردهٔ مؤمن شفای هفتاد درد است و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت فرمود
که من انگشتان خود را بعد از طعام آنقدر میلیسم که خادم من گمان میکند که این از حرص است و
همچنین نیست بدرستیکه حقتعالی نعمت فراوان عطا فرمود بر اهل ثرثار بحدیکه از مغز گندم نان نقی میپختند
و بآن استنجا میکردند و بر مقعد اطفال خود میمالیدند تا آنکه کوه عظیمی از آن نانها جمع شد روزی مرد
صالحی گذشت دید که زنی از ایشان نجاست از طفل خود پاک میکند گفت که از خدا بترسید و نعمت
خدا را از خود برمگردانید آن زن گفت که ما را از گرسنگی میترسانی تا این نهر جاریست از گرسنگی
نمیترسیم پس حقتعالی بر ایشان غضب کرد و باران آسمان و گیاه زمین را بر ایشان باز داشت
تا آنکه محتاج شدند بآن نانها که استنجا کرده بودند و بترازو در میان خود قسمت میکردند و بسند
معتبر یاسر و نادر خادمان حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که آنحضرت می فرمودند

خادمان خود که اگر من بالای سر شما باشم در وقت طعام خوردن باید که بر مخیزید تا فارغ شوید و بسیار
بودی که یکی از ما ها را می طلبیدند می گفتند که چیزی بخورند پیغمبر می فرمودند که بگذارید تا فارغ شوند و در وقت
طعام خوردن ما را خدمت پیغمبر می فرمودند **فصل هفتم** در فضیلت نان و سویق و گوشت و روغن و سایر
آنچه از حیوان حاصل می شود و سرکه و شیر و سبزیها بروایت معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقول است گرامی دارید نان را که کار کرده اند در او ملائکه از ما بین عرش تا زمین و بسیاری از اهل زمین
تا آنکه برای شما بعمل آمده است بعد از آن فرمود که روزی حضرت دانیال نزد کشتی بانی آمد و گرده
نانی باو داد که مرا از آب بگذران کشتی بان نان را انداخت و گفت که این نان را چه کنم پیش از این نان
در زیر پای مردم افتاده است و پا بر آن میمالیدند پس دانیال دست بسوی آسمان بلند کرد و گفت
پروردگارا نان را گرامی دار بتحقیق که دیدی که این بنده چه کرد با نان و چه گفت پس خداوند عالمیان
وحی نمود بآسمان که باران مبار بر ایشان و وحی نمود برای زمین که گیاه مرویان برای ایشان تا آنکه
کار ایشان بجائی رسید که از گرسنگی یکدیگر را می خوردند پس دو زن که هر یکی فرزندی داشتند
روزی بدیگری گفت که بیا که من و تو امروز فرزند خود بخوریم و فردا فرزند ترا بخوریم پس چون نوبت بفرزند زن دیگر
رسید اباکرد از خوردن فرزند و نزاع کردند و مخاصمه نزد حضرت دانیال آوردند حضرت فرمود
که کار باینجا رسیده است گفتند بلی و بدتر پس دست بآسمان برداشت و گفت پروردگارا عود کن
بر ما بفضل خود و رحمت خود و عقاب مکن اطفال و بیگناهان را بگناه کشتیبان پس حقتعالی وحی کرد
بآسمان که باران ببارد و بزمین حکم رسید که برویان برای خلقم آنچه در این مدت از ایشان فوت
شده است بدرستیکه من رحم کردم بر ایشان بطفل صغیر و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که نان را در زیر کاسه مگذارید و در حدیث دیگر فرمود که نان را گرامی دارید گفتند گرامی
داشتن نان کدام است فرمود که چون نان حاضر شود دیگر انتظار چیزی دیگر نکشید و از
حضرت رسول صلی الله مرویست که نان را بو مکنید بروش درندگان که نان مبارک است و
بآن نماز می کنید و روزه میدارید و حج خانه پروردگار خود می کنید و در روایت دیگر فرمود
که خداوندا برکت بده از برای ما در نان و در میان ما و نان جدائی میفکن که اگر نان نباشد ما نماز
نمی کنیم و روزه نمیداریم و فرائض خدا را ادا نمیتوانیم کرد و در حدیث صحیح دیگر فرمود که چون نان

و گوشت حاضر شود ابتدا بنان کنید و در خانهٔ گرسنگی را بنان به بندید پس گوشت بخورید و بسند صحیح از حضرت
امام رضا علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که گردهای نانرا کوچک
کنید که با هر گرده برکت است و در حدیث دیگر معتبر منقول است که نانرا بر دوش عجان بکارد مبرید
ولیکن بدست بشکنید و در بعضی روایات وارد شده است که اگر نانخورش نباشد نانرا بکارد میتوان
برید و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که فضیلت نان جو بر نان گندم بسیار است
مانند فضیلت ما اهل بیت بر سائر مردم و هیچ پیغمبری نیست مگر آنکه دعا کرده است برای خورندگان جو
یا خورش جو و برکت فرستاده است بر جو و داخل هیچ شکمی نمیشود مگر آنکه هر دردی که در آن هست بیرون میکند
و نان و طعام جو قوت پیغمبران علیهم السلام و نیکوکاران است و حقتعالی نگردانیده است قوت پیغمبران را مگر در نان جو
فرمود که داخل شکم صاحب مرض سل نمیشود چیزی که نافع تر از نان برنج باشد و در حدیث دیگر از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که برای صاحب اسهال نان برنج نیکو است و همچنین است
برای صاحب سل و درد و بیماری از بدن دور میکند و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که پیوسته
خوراک حضرت رسول صلی الله و آله و سلم نان جو بود تا از دنیا مفارقت کردند و در حدیث صحیح از حضرت
امام رضا علیه السلام منقول است که نیکو خوراکیست سویق یعنی آرد بو داده گرسنه را سیر میکند و طعام را
هضم میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سویق بوحی الهی ساخته شده است گوشت را
میرویاند و استخوانرا محکم میکند و خوراک پیغمبران است و فادوت خشک پیسی را زائل میکند و بازیت
خوردن گوشت را میرویاند و استخوانرا سخت میکند و پوست را نازک میکند و قوت جماع را زیاده میکند و اگر سه کف سویق خورده
شود بلغم و صفرا را دور میکند و در حدیث دیگر فرمود سویق هفتاد نوع بلا را دفع میکند و هر که چهل صباح بخورد
کتفین او پر میشود از قوت و در حدیث دیگر فرمود که سویق خشک تشنگی را زائل میکند و معده را قوت
میدهد و صفرا را فرو می نشاند و معده را پاک میکند و شفای هفتاد درد است و هیجان خون و حرارت را
برطرف میکند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که زنی که خون حیضش بند نشود
باید سویق خورانند که تا بند شود و در حدیث صحیح دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است
که بهترین نانخورشهای دنیا و آخرت گوشت است مگر نشنیده که حقتعالی در وصف بهشت فرمود
لَحْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ یعنی بخورید گوشت مرغ از آنچه خواهش داشته باشید آنرا و در حدیث معتبر

منقول است که عبدالاعلی و مسمع بآنحضرت عرض کردند که نزد ما روایت می کنند از حضرت رسول
صلی الله علیه وآله وسلم که خدا دشمن میدارد خانه پر گوشت را فرمود که راست میگویند اما آن معنی ندارد که ایشان
فهمیده اند بلکه معنیش آنست که خدا دشمن میدارد خانه که گوشت مردم در آنجا بخورند بغیبت و در حدیث
دیگر از آنحضرت منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم گوشت بسیار میخوردند و دوست
میداشتند و فرمود که پدرم گوشت را بسیار دوست میداشت و روزیکه فوت شد شش درهم برای
خریدن گوشت جدا کرده بود و حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که ما گروه پیغمبران گوشت را
دوست میداریم و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که گوشت خوردن در بدن
گوشت میرویاند و کسیکه چهل روز گوشت نخورد کج خلق میشود و هر که کج خلق شود اذان در گوشش بگویند
و فرمود که هر که چهل روز بگذرد و گوشت نخورد توکل بر خدا کند و قرض کند و بخورد که قرضش ادا می شود
و در حدیث صحیح منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام آمد و عرض کرد که اهل بیت ما
گوشت گوسفند نمیخورند و میگویند که سودا بحرکت میآورد و از آن درد سر و دردهای دیگر بهم میرسد
حضرت فرمود که اگر خدای عز و جل گوشتی بهتر از گوشت گوسفند میدانست فدای اسماعیل ع گوسفند
قرار نمیکرد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که بنی اسرائیل بحضرت موسی علی نبینا و ع
شکایت کردند از پیسی که در میان ایشان بسیار شده بود حقتعالی وحی نمود بحضرت موسی علیه السلام
که امر کن ایشانرا که گوشت گاو را با چغندر بخورند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مرق
گوشت گاو پیسی را زائل میکند و فرمود که شیر گاو دواست و روغن گاو شفاست و گوشت گاو
درد است و در چندین حدیث معتبر منقول است که هر که یک لقمه چربی گوشت بخورد بقدر آن درد
از بدنش بیرون رود و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که اردک گاومیش مرغانست چون
لجن میخورد و مرغ خانگی خوک مرغانست زیرا که فضله آدمی میخورد و دراج حبشی مرغان است چرا نمیخوری
کبوتر بچه را که تازه بپرواز آمده باشد و زنگی بزیادتی قوت پاکیزه خود ایشانرا تربیت کرده باشند و در
احادیث معتبر وارد شده است که هر که خواهد که خشمش کم شود و اندوهش زائل گردد گوشت دراج
بخورد و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که گوشت کبک ساق پا را قوی میگرداند
و تب را دور میکند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که گوشت اسفرود

مبارک است و پدرم آنرا دوست میداشت و میفرمود که برای صاحب یرقان بریان کنید
و باو بخورانید و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که گوشت آهو بره را خوردن باکی نیست
و از برای دفع بواسیر و دفع درد پشت نافع است و اعانت میکند بر بسیاری جماع و از حضرت امام
رضا علیه السلام سؤال کردند از گوشت گورخر فرمود که چون وحشی است خوردنش جایز است اما نخوردنش بهتر
بهتر است و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که باکی نیست در خوردن گوشت و شیر و روغن گاو میش و در
حدیث حسن منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از خوردن گوشت خام
و فرمود که این خوردن حیوانات درنده است بلکه باید خورد تا آنکه آتش یا آفتاب آنرا تغییر دهد و در حدیث
صحیح منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند از خوردن گوشت خام فرمود که طعام
درندگان است و در احادیث بسیار منع وارد شده است که از گوشت قدید که در سایه خشک کرده
باشند و در حدیث دیگر وارد شده است که دیار الحرکت میاورد و معده را سست میکند و در بعضی
احادیث تجویز خوردنش هم وارد شده است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سه چیز است
که بدن را خراب میکند و بسیار باشد که آدمی را بکشد خوردن گوشت قدید بو کرده و با استلای معده بحمام
رفتن و جماع با زنان پیر کردن و بروایت دیگر با استلای محاجت با زنان کردن و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است
که سه چیز است که خوردنی نیستند و بدن را فربه میکنند و سه چیز است که خوردنی اند و بدن را لاغر میکنند و دو چیز است که به هیچ
نفع میرسانند و هیچ چیز ضرر نمیرسانند و دو چیز است که بهمه جهت ضرر میرسانند و هیچ جهت نفع
نمیرسانند اما آنها که خوردنی نیستند و فربه میکنند پیراهن کتان پوشیدن و بوی خوش کردن و نوره کشیدن
و اما آنها که خوردنی اند و لاغر میکنند گوشت خشک و پنیر و شکوفه خرما و اما آن دو چیز که بهمه جهت
نفع میرسانند آب نیم گرم و انار و اما آن دو چیز که بهمه جهت ضرر میرسانند گوشت خشک کرده و پنیر
و در احادیث بسیار وارد شده است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گوشت دست
و کتف گوسفند را دوست میداشتند و از گوشت ران گوسفند کراهیت میداشتند برای آنکه بمحل بول
نزدیک است و بچندین سند منقول است که حضرت آدم علیه السلام گوسفندی قربانی کرد و برای
پیغمبران از فرزندان خود و برای هر پیغمبری عضوی نام برد و از آنجمله برای پیغمبر آخر الزمان دست گوسفند را
نام برد و باین سبب آنحضرت آنرا دوست میداشت و بر همه اعضای گوسفند تفضیل میداد و در حدیث

حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که گوشتی که با شیر پخته باشند مرقیست که مخصوص پیغمبران است
و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که هرگاه ضعف بر مسلمانی مستولی شود گوشت را با شیر بپزد و بخورد
و در حدیث دیگر منقول است که یکی از پیغمبران بحقتعالی شکایت کرد از ضعف و سستی بدن حق وحی باو رسید که گوشت با شیر طبخ کن
و بخور که بدن را قوت میدهد و در روایت معتبر دیگر منقول است که محبوب ترین طعامها نزد حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وسلم آش انار بود و بسند صحیح منقول است که حضرت صادق علیه السلام زبیبیه
دوست میداشتند و آن آشی با قلیه بوده است که مویز در آن میکردند و احادیث بسیار در مدح مرق
گوشت که نان در آن ترید میکردند وارد شده است و احادیث بسیار در مدح کباب منقول است که
ضعف را زائل میکند و رنگ را سرخ میکند و تب را دور میکند و در حدیث معتبر منقول است که اصبغ
بن نباته گفت روزی بخدمت امیر المومنین علیه السلام رفتم در پیش آنحضرت گوشت بریانی گذاشته بودند
فرمود که نزدیک بیا و بخور گفتم یا امیر المومنین علیه السلام مرا ضرر میکند فرمود که نزدیک بیا که دعائی ترا
تعلیم میکنم که چون آن دعا را بخوانی هیچ چیز ترا ضرر نرساند بگو بِسْمِ اللهِ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ مِلْاءَ الْأَرْضِ
وَالسَّمَاءِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ وَلَا دَاءٌ و مدح کله نیز در حدیث وارد
شده است که محل تزکیه است و بجز اکاه از همه عضاء نزدیکتر است و از کثافات دورتر و از حضرت امیر المومنین
علیه السلام منقول است که هریسه با خوردن هریسه تا چهل روز قوت عبادت میدهد و از جمله مائده است که خداوند عالمیان
بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نازل گردانید و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که پیغمبری
از پیغمبران شکایت کرد بحق تعالی از ضعف و کمی قوت جماع حقتعالی اورا امر فرمود بخوردن هریسه و در
حدیث دیگر از آنحضرت علیه السلام منقول است که خداوند عالمیان هریسه فرستاد برای پیغمبرش هریسه از
هریسه های بهشت که دانه اش در باغهای بهشت روئیده بود و حوران بهشت بدست خود بعمل آورده بودند
پس چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم تناول فرمودند قوت چهل مرد بر قوت آن حضرت افزود
و این چیزیست که خدا میخواست که پیغمبرش را باین خوشحال گرداند و مدح مثلثه وارد شده است و آن طعامی
بوده است که یک قفیز برنج و یک قفیز نخود و یک قفیز باقلا را میکوفتند و میپختند و میخوردند و گاهی بعوض باقلا دانه دیگر میکردند
و مدح تلبین نیز بسیار وارد شده است و آن حلوائی روانی بوده است که از آرد و شیر و عسل بعمل میآوردند و از
هارون بن موفق منقول است که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام روزی مرا طلبید در خدمت آنحضرت

طعام خوردم و حلوائی بسیار آورده بودند گفتم چه بسیار است حلوا فرمود که ما و شیعیان ما از شیرینی
خلق شده ایم پس دوست میداریم حلوا را و از عبد الاعلی منقول است که روزی در خدمت حضرت صادق
علیه السلام طعام خوردم مرغی آوردند که میانش را از روغن و خرما پر کرده بودند و در حدیث موثق
منقول از یونس بن یعقوب است که او گفت ما در مدینه بودیم که حضرت صادق علیه السلام نزد ما کسی
فرستاد که برای ما پالوده بسازید و کم بفرستید ما کاسهٔ کوچک بخدمت آنحضرت فرستادیم و در حدیث
دیگر از آنحضرت علیه السلام منقول است که هر که در شب ماهی بخورد و بعد از آن خرما یا عسل نخورد تا صبح
در بدن او رگ فالج متحرک شود و فرمود که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چون ماهی
تناول می فرمودند می گفتند اَللّٰهُمَّ بَارِکْ لَنَا فِیهِ وَاَبْدِلْنَا خَیْرًا مِنْهُ یعنی بارخدایا برکت ده برای ما
درین ماهی و عوض این بهتر از این عطا کن بما و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقول است که بر شما باد
بخوردن ماهی که اگر بی نان بخورید کافی است و اگر با نان بخورید گوارا است و از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقول است که مداومت منمائید بر خوردن ماهی که بدن را میکاهاند و در روایت دیگر
منقول است که ماهی تازه پیه چشم را میگدازد و در حدیث صحیح وارد است که شخصی بخدمت حضرت
امام حسن عسکری علیه السلام نوشت که هرگاه حجامت میکنم صفرا بهیجان میاید و اگر نمیکنم خون آزار
میکند حضرت جواب نوشتند که حجامت بکن و بعد از آن ماهی تازه که بآب نمک کباب کرده باشند
بخور پس آن مرد چنین کرد همیشه در عافیت بود و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که زردهٔ تخم مرغ سبک است خواهش گوشت را زائل میکند و مفسدهٔ گوشت ندارد و شخصی بخدمت
حضرت امام رضا علیه السلام شکایت کرد از کمی فرزند فرمود که استغفار بکن و تخم مرغ با پیاز بخور
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که پیغمبری بخدا تعالی شکایت کرد از کمی نسل او
وحی رسید که تخم با گوشت بخور و در حدیث دیگر فرمود که زردهٔ تخم سبک است و سفیدهٔ آن سنگین است
و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که بسیار خوردن تخم مرغ زیاده میکند فرزند را
و احادیث دیگر در مدح سرکهٔ زیت وارد شده است که خوراک پیغمبران است و ائمه علیهم السلام تناول
میفرمودند و در مدح سرکه احادیث معتبر وارد شده است که منقول است که بهترین نانخورشها نزد
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم سرکه بود و میفرمودند که خانهٔ که سرکه در آن باشد بی نانخورش نیست

و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که نیکو نانخورشی است سرکه که صفرا را فرو می‌نشاند و دل را زنده
میکند و از حضرت صادق علیه السلام بطریق متعدده منقول است که سرکه که از شراب بعمل آورده باشند
کرم معده را میکشد و بن دندانها را محکم میکند و عقل را قوی میکند و شهوت زنا را قطع میکند و فرمود که بنی اسرائیل
در اول و آخر طعام سرکه میخوردند و ما در اول طعام نمک و در آخر طعام سرکه میخوریم و در احادیث بسیار
مدح خوردن روغن زیت و بر خود مالیدن آن وارد شده است و منقول است که نانخورش
پیغمبران و برگزیدگانست و مدح میوهٔ زیتون نیز بسیار وارد شده است و منقول است که دفع بادها
میکند و بچندین سند از ائمه طاهرین علیهم السلام منقول است که مردم طلب شفا نموده اند بچیزی مانند
عسل و آن شفای هر درد است و خوردن عسل و تلاوت قرآن و خائیدن کندر بلغم را میگدازد و در
مدح شکر احادیث بسیار وارد شده است و مراد از آن یا نبات است یا قند یا از قبیل نقل چیزی که
از شکر می ساخته اند و منقول است که حضرت موسی علیه السلام در وقت خواب تناول می فرمودند
و منقول است که بهمه جهت نافع است و دفع بلغم میکند و در روایتی وارد شده است که اگر کسی هزار درهم داشته باشد
و بغیر آن چیزی نداشته باشد و همه را شکر یا خرما بخرد مسرف نخواهد بود و در مدح روغن خصوصا روغن گاو
احادیث بسیار وارد شده است و از برای پیران که پنجاه سال یا زیاده داشته باشند منع از خوردن
روغن وارد شده است و منقول است که روغن گاو شفا است و در حدیث معتبر وارد شده است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم هرچه میخوردند و میآشامیدند می‌گفتند اَللّٰهُمَّ بارِكْ لَنا فیهِ
وَاَبْدِلْنا خَیْرًا مِنْهُ یعنی خداوندا برکت ده برای ما در این که خوردیم و بعوض آن بهتر از آن بما عطا کن
و چون شیر تناول میکردند میفرمودند اَللّٰهُمَّ بارِكْ لَنا فیهِ وَزِدْنا مِنْهُ یعنی خداوندا برکت ده ما را
در این که آشامیدیم و از این بیشتر بما عطا کن و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که شیر یک
گوسفند سیاه بهتر است از شیر دو گوسفند سرخ و شیر یک گاو سرخ بهتر است از شیر دو گاو سیاه
و منقول است که شیر خوراک پیغمبران است و شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد
که شیر خوردم و آزار کشیدم حضرت فرمود که شیر آزار نمی کند ولیکن با چیز دیگر خورده و آزار کشیده از آن
و شخصی بآنحضرت شکایت نمود از ضعف بدن حضرت فرمود که شیر بخور که گوشت را میرویاند و استخوانرا
محکم میکند و حضرت امام موسی کاظم فرمود که هر که آب پشتش متغیر شود یعنی فرزند از و حاصل نشود شیر

با عسل بخورد و بسند موثق کالصحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که بر شما باد بشیر گاو که او از همه
درختی میخورد و خاصیت هر گیاه در شیر او هست و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که شیر گاو دواست
و در حدیث دیگر منقول است که برای فساد معده نافع است و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود
که بول شتر نافعتر است از شیر او و حقتعالی در شیر شتر شفا قرار داده است و در روایت دیگر منقول است
که شیر شتر شفای همه دردهاست و در روایتی چند مدح شیر الاغ و خاصیت آن وارد شده است و در حدیث
معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقول است که هر که خواهد ماست باو ضرر نرساند آب نیان
بخورد و حضرت امام باقر علیه السلام فرمود که دوست میدارم پنیر را و در روایتی وارد شده است که
در طرف چاشت مضر است و در طرف شام نافع و موجب تولد فرزند میشود و از حضرت امیرالمؤمنین
علیه السلام منقول است که خوردن مغز گردکان در تابستان حرارت اندرون را بحرکت می آورد و دملها
در بدن احداث میکند و در زمستان گرده‌ها را گرم میکند و سرما را دفع میکند و در چند روایت وارد شده
که پنیر و مغز گردکان را چون باهم بخورند دواست و هر یک را که تنها بخوری درد است

فصل ششم

در فوائد حبوب و سبزیها و میوه‌ها و سائر ماکولات و غیره از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است
که نیکو طعامی است برنج روده‌ها را میگشاید و بواسیر را قطع میکند و در چند روایت وارد شده است
که بیماران خود را به برنج دوا میکنیم و در حدیث موثق منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر
علیه السلام آمد و از درد شکم شکایت نمود حضرت فرمود که برنج را بشو و در سایه خشک کن و اندکی بریان کن
و نرم بکوب و هر صبح یک کف بخور و در روایت دیگر منقول است که آنحضرت را درد شکم بود فرمود
که برنج را با سماق بپزند و چون تناول نمود برطرف شد و در حدیث معتبر منقول است که حضرت امام
رضا علیه السلام نخود بریان کرده پیش از طعام و بعد از طعام تناول میفرمودند و در روایت دیگر از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هفتاد پیغمبران برکت فرستاده است و در
روایت معتبر بسیار وارد شده است که خوردن عدس دل را نرم میکند و آب دیده را جاری میکند و در
روایت معتبر منقول است که خوردن باقلا ساق پا را پر مغز میکند و دماغ را زیاده میکند و تولید خون
زیاد میکند و در روایت دیگر مرویست که باقلا را با پوست بخورید که معده را دباغی میکند و منقول است
که خوردن لوبیا بادهای اندرونی را دفع میکند و منقول است که شخصی بخدمت امام موسی کاظم علیه السلام

حکایت کرد از بهق فرمود که باش و رطعام خود داخل کن و در حدیث معتبر منقول است که اگر چند
طعام نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله می آوردند که در میان آنها خرما بود ابتدا بخوردن خرما
می نمود و حضرت علی بن الحسین ع دوست میداشت کسی را که خرما را دوست میداشت بجهت آنکه
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم خرما را دوست میداشت و از سلیمان جعفری منقول است
که رفتم بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام و نزد آنحضرت خرمائی برنی گذاشته بودند و آنحضرت
باستمام از روی خواهش میخوردند فرمود که ای سلیمان نزدیک بیا و بخور پس گفتم فدایت شوم
بسیار بجد تناول می نمائی فرمود که بلی دوست میدارم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و امام حسن ع و امام حسین علیهما السلام و امام زین العابدین ع و امام محمد باقر و امام جعفر صادق
علیهم السلام و پدرم همگی خرما را دوست میداشتند من دوست میدارم و شیعیان ما دوست میدارند
زیرا که از طینت ما خلق شده اند و دشمنان ما شراب را دوست میدارند زیرا که ایشان از آتش
خلق شده اند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که هر روز هفت دانه خرمای عجوه
که خرماهای اطراف مدینه است بخورد ناشتا هیچ زهری و هیچ سحری و شیطانی با و ضرر نرساند و در
حدیث دیگر فرمود که هر که هفت دانه عجوه در هنگام خواب بخورد کرمهای شکمش را میکشد و در احادیث
معتبره منقول است که پنج میوه است که از بهشت آمده است انار املیسی و سیب شامی و به و انگور رازقی
و رطب مشان و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کراهیت دارد
پوست میوه را کندن و در حدیث دیگر فرمود که بر روی هر میوه زهری است پس چون بیاورند
برای شما با آب فرو برید و بخورید و در حدیث صحیح دیگر منقول است که از حضرت موسی بن جعفر
علیهما السلام پرسیدند از انجیر و خرما و سائر میوه یا دو دانه خوردن با هم چون است فرمود که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله نهی فرموده از این پس اگر تنها باشی هر نوعی که خواهی بخور و اگر با جمعی از مسلمانان
خوری چنین مکن و یک دانه یک دانه بخور و در حدیث دیگر فرمود که اگر خواهی دو تا دو تا بخوری
رفیق خود را اعلام کن و از او رخصت بگیر و بخور و در روایت معتبر منقول است که روزی امام رضا
علیه السلام دیدند که غلامان میوه را نیم خورده می اندازند فرمود که سبحان الله اگر شما مستغنی شده اید
دیگران مستغنی نیستند بکسی که محتاج باشد بخورانید و در حدیث موثق از حضرت صادق علیه السلام

منقول است که دو چیز است که بد دوست میباید خورد انگور و انار و حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام فرمود که سه چیز است که ضرر نمیرساند انگور رازقی و نیشکر و سیب و در احادیث معتبره از
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون نوح علیه السلام از کشتی فرود آمد از دیدن استخوان
مرده با غم عظیم او را عارض شد پس حقتعالی با و وحی کرد که انگور سیاه بخور تا غمت از دل زائل شود
و در حدیث دیگر فرمود که پیغمبری از پیغمبران بخدا شکایت نمود از اندوه و غم باو وحی رسید که انگور بخور
و در حدیث حسن منقول است که حضرت علی بن الحسین علیهما السلام انگور را بسیار دوست میداشتند
روزی روزه بودند چون وقت افطار شد ام ولد آنحضرت خوشه انگوری بنزدیک آنحضرت
گذاشت پس سائلی رسید حضرت آن انگور را بسائل دادند پس ام ولد پنهانی رفت و آن انگور را
از سائل خریده بنزد حضرت گذاشت پس سائل دیگر رسید باز حضرت آنرا بسائل دادند باز کنیز رفت
و خرید و آورد تا چهار مرتبه پس مرتبه چهارم تناول فرمود و منقول است که ابو عکاشه بخدمت حضرت
محمد باقر علیه السلام آمد انگوری بنزد او گذاشتند حضرت فرمود که مرد پیر و طفل خورد یک دانه یکدانه
میخورند کسیکه میترسد که سیر نشود سه دانه و چهار دانه میخورد و تو دو دو دانه میخور که مستحب است
و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که بیست و یک دانه مویز سرخ ناشتا
خوردن جمیع مرضها را دفع میکند مگر مرض مرگ را و بسند از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که مویز طائف عصبهای بدن را محکم میکند و کلال و ماندگی را میبرد و نفس را خوشحال میکند و در حدیث
معتبر از آنحضرت منقول است که میوه صد و بیست قسم است و بهتر از همه انار است و فرمود که
بر شما باد بخوردن انار که گرسنه را سیر میکند و سیر را هضم طعام میکند و فرمود که هیچ میوه نزد حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم محبوب تر از انار نبود و نمیخواست که کسی با او در خوردن شریک
باشد و در احادیث معتبر بسیار وارد شده که در هر اناری یک دانه از بهشت در هست و چون
کافری میخورد ملکی میآید و آن دانه را بر میدارد که او نخورد باین سبب مستحب است که یک انار را
تنها تمام بخورند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر مومنی که یک انار تنها بخورد خدا
شیطان را از روشنی دلش چهل روز دور گرداند و هر مومن که دو انار تمام تنها بخورد خدا شیطان را از روشنی
دل او صد روز دور کرداند و هر مومن که سه انار تمام تنها بخورد خدا شیطان را از روشنی دل او یکسال

دور گرداند و هر که یک سال شیطان از او دور شود گناه نمیکند و هر که گناه نکند داخل بهشت میشود
و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که بخورید انار شیرین را که هیچ حبه از آن در معده مؤمن
نمی افتد مگر آنکه دردی را برطرف میکند و وسوسه شیطان از او برطرف شود و در حدیث حسن منقول است
که هر که یک انار بناشتا بخورد دلش تا چهل روز روشن باشد و در حدیث دیگر فرمود که انار را با پیه اش
بخورید که معده را دباغی میکند و شعور را می افزاید و فرمود که انار ترش و شیرین شایسته تر است در شکم
و از حضرت موسی کاظم علیه السلام منقول است که هر که روز جمعه یک انار ناشتا بخورد تا چهل روز دلش روشن
میکند و اگر دو تا بخورد ناشتا تا هشتاد روز و اگر سه تا بخورد تا صد و بیست روز وسوسه شیطان از او دور گرداند
و هر که وسوسه شیطان از او دور گردد معصیت خدا نکند و هر که معصیت خدا نکند داخل بهشت شود
و در حدیث دیگر فرمود که دود چوب درخت انار حشرات و گزنده های زمین را بر می اندازد و بسند
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سیب معده را جلا میدهد و حضرت امام موسی
علیه السلام فرمود که سیب خوردن نافع است برای هر زهر و سحر و استیلای اجنه و غلبه بلغم و هیچ چیز
منفعتش بهتر از آن نیست و در حدیث معتبر وارد شده است که خوردن سیب دفع تب و رعاف
و طاعون میکند و در روایت معتبر وارد شده که سویق سیب خشک نیز قطع رعاف میکند و فرمود
که هیچ دوائی برای دفع زهرها بهتر از سویق سیب نیست و فرمود که اگر مردم بدانند که چه نفعها
در سیب هست هر آینه بیماران خود را دوا نکنند مگر بسیب و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست
که بخورید سیب که دباغی میکند معده را و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است
که خوردن به دل ضعیف را قوی میگرداند و معده را پاک میکند و دل را زیرک میکند و مرد ترسان را
شجاع میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که رنگ را صاف میکند و فرزند را نیکو
می کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که یک به ناشتا بخورد آب منی او پاکیزه شود و فرزندش
وجیه می شود و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که یک به بخورد حق تعالی حکمت را بر زبانش
گویا کند تا چهل صباح و فرمود که خدا هیچ پیغمبری را نفرستاده است مگر آنکه بوی به با او بوده و فرمود
که به غم و اندوه را میبرد چنانچه دست عرق جبین را میبرد و در حدیث حسن از حضرت امام رضا علیه السلام
منقول است که انجیر گند دهان را زایل میکند و استخوان را سخت میکند و مو را میرویاند و درد را میبرد و با آن

بدوائی دیگر حاجت نیست و شبیه‌ترین میوه‌ها است بمیوه‌های بهشت و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه و آله منقول است که بخورید امرود را که جلا میدهد دل را و دردهائی اندرون را ساکن
میکند بامر الهی و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که امرود دباغی میکند
معده را و قوت میدهد معده را و با سیری خوردن نافع‌تر است از ناشتا خوردن و از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه و آله منقول است که خوردن انجیر سده‌ها را نرم میکند و برای بادهای قولنج نافع
است و در روز بخورید و بسیار بخورید و در شب بخورید و بسیار مخورید و منقول است که وضع بواسیر
و نقرس میکند و قوت مجامعت را می‌افزاید و از زیاد قندی منقول است که گفت رفتم بخدمت حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام و دیدم نزد آنحضرت ظرف آبی گذاشته‌اند و در میان آن آلوئی بسیار ریخته‌اند
پس فرمود که حرارتی بر من غالب شده بود و آلوی تازه حرارت را فرو می‌نشاند و صفرا را ساکن میگرداند و
آلوی خشک خون را ساکن میکند و دردهای کهنه را از بدن برطرف میکند و در حدیث معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که از شخصی سؤال نمودند که اطبای شما چه میگویند در باب ترنج
گفت میگویند که پیش از طعام بخورید فرمود که من میگویم بعد از طعام بخورید و در حدیث دیگر فرمود
که بخورید ترنج را که آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم میخوردند آنرا و فرمود که نان خشک هضم میکند
ترنج را و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خوش
می‌آمد نگاه کردن بسوی ترنج سبز و سیب سرخ بدانکه عرب لیمو و نارنج را هم ترنج میگویند و در بعض
احادیث موز وارد شده است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سنجد گوشتش
گوشت را میرویاند و پوستش پوست را میرویاند و استخوانش استخوان را میرویاند و خوردن سنجد
گرده‌ها را نرم میکند و معده را دباغی میکند و امان میدهد از بواسیر و تقطیر بول و ساقها را قوت
میدهد و رگ خوره را قطع میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بخورید خربزه را
که در آن ده خصلت است دردی و فسادی در آن نیست و خوردنی است و آشامیدنی است
و میوه است و گل است و اشنان است که دهان را پاک میکند و نان خورش است و قوت جماع را
زیاده میکند و مثانه را میشوید و ادرار بول میکند و ریگ مثانه را دفع میکند و از حضرت امام رضا
علیه السلام منقول است که خربزه خوردن بناشتا مورث فالج است و حضرت رسول صلی الله علیه

و آله وسلم با خربوزه میل میفرمودند و دوست میداشتند و گاه گاهی شکر و قند با خربوزه میخوردند و بسند
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم
میوه تازه میدیدند میبوسیدند و بهر دو دیده میمالیدند و میگذاشتند و میگفتند اللّٰهمّ کما اریتنا
اوّلها فی عافیةٍ فارنا آخرها فی عافیةٍ یعنی خداوندا چنانچه نمودی بما اولش را در عافیت پس بنما
بما آخرش را در عافیت و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است
که هر که میوه بخورد و اول بسم الله بگوید باو ضرر نرساند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگز خوانی
نزد حضرت امیر المومنین علیه السلام نمی آوردند مگر آنکه سبزی در آن بود و فرمود که دلهای مؤمنان
سبز است و بسبزی مایل است و فرمود که هر که شب بخوابد و هفت برگ کاسنی در معده او باشد
در آن شب از قولنج ایمن باشد و فرمود کسی که خواهد که مال و فرزندش زیاد شود بسیار بخورد برگ
کاسنی را و در حدیث دیگر فرمود که نیکو سبزیست کاسنی و هیچ برگی نیست از آن مگر آنکه قطرهٔ آبی
از بهشت بر روی آن هست پس در وقت خوردن حرکت مدهید که قطرهٔ آبش بریزد و فرمود
که کاسنی بهترین سبزیهاست و فرزند را بسیار نیکو میکند و پسری آورد و فرمود که فضیلت آن بر سایر
سبزیها مانند فضیلت ماست بر جمیع خلایق و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که خوردن کاسنی
شفای همه دردهاست و هیچ دردی در اندرون فرزند آدم نیست مگر آنکه کاسنی آنرا از بیخ میکند
شخصی را تب عارض شد و صداع داشت حضرت فرمود که کاسنی را بکوبید و بر روی کاغذی پهن کنید
و روغن بنفشه بر آن بریزید و بر پیشانیش بگذارید که تب و صداع را برطرف میکند و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که کاسنی سبزی رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم است و بادروج سبزی
امیر المومنین علیه السلام است و برگ خرفه سبزی حضرت فاطمه علیها السلام است و احادیث
بسیار در تعریف بادروج مرویست و آنکه باید که در اول طعام خورده شود که فتح سده میکند
و اشتهای طعام را زیاد میکند و بلغم را می برد و آروغ را خوشبو میکند و امانست از خوره و خون
و چون در شکم ساکن میشود همه دردها را زایل میکند و در روایت معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام
منقول است که شخصی را علت سپرز عارض شده بود فرمود که سه روز بادتره بخوراند چنان کردند
بصحت مبدل گشت و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که بخور تره را که در آن چهار خصلت است

اندوهان را برطرف میکند و باد را دفع میکند و بواسیر را قطع میکند و هر که مداومت نماید بران از خوره
ایمن است و منقول است که حضرت امیر المومنین علیه السلام تره را با نمک سائیده تناول میکردند
و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
وسلم فرمود که برشما باد بخوردن کرفس که خوراک حضرت الیاس و یسع و یوشع بن نون است و از
حضرت امام موسی کاظم علیه السلام مرویست که خوردن سیب و گشنیز امورث فراموشی است و از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که بر روی زمین سبزی شریف تر و نافع تر از برگ
خرفه نیست و آن سبزی حضرت فاطمه علیها السلام است و در حدیث دیگر فرمود که برشما باد بخوردن
کاهو که خون را صاف میکند و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که تره
تیزک بعد از نماز جمعه بسیر بخورد تا صبح نفس او را کشد بسوی خوره و در حدیث دیگر فرمود که کاسنی
و بادروج از ماست و تره تیزک از بنی امیه است و در روایت دیگر از خادم حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام منقول است که هرگاه آنحضرت امر میکردند مارا بخریدن سبزی میفرمود که تره تیزک را بسیار
بخریم فرمود که چه بسیار احمق اند بعضی مردم میگویند که تره تیزک در کنار رودخانه جهنم میروید و حال آنکه حقتعالی
میفرماید که آتش افروز جهنم مردم اند و سنگهای بتان و سنگهای کبریت پس چگونه تواند بود که سبزی
در جهنم بروید و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حق تعالی دفع کرد از یهودان خوره را
بخوردن چغندر و بردن آوردن رگهای گوشت و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که نیکو
سبزیست چغندر و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که بخورانید بیماران خود را برگ چغندر که
در آن شفا است و دردی در آن نیست و مضرت ندارد و بیمار از خواب راحت میبرد و اصلش
سودا را حرکت می آورد و در حدیث دیگر فرمود که داخل شکم صاحب ذات الجنب نشده است
چیزی مثل برگ چغندر یعنی از جهت تداوی او و در حدیث معتبر منقول است از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله وسلم که دمیلان داخل منّیست که بر بنی اسرائیل نازل شده و برای من از بهشت
آمده آبش شفای چشم است و در چندین حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
وسلم دوست میداشتند کدو را میان دیگ و میان صحن بر میچیدند و میفرمودند زنان خود را
که کدو در طعام بسیار کنید و وصیت نمود بحضرت امیر المومنین علیه السلام که یا علی بر تو باد بخوردن

کدو که دماغ و عقل را زیاد میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که تره سه خصلت
دارد برگش دفع بادها میکند و تخمش طعام را هضم میکند و ریشه اش دفع بلغم میکند و در روایت دیگر
فرمود که برگش مورث ادرار بول است و در روایت دیگر تخمش ادرار بول میکند و در حدیث
معتبر از حضرت امام جعفر و امام موسی علیهما السلام منقول است که خوردن گزر قوت جماع را زیاد
میکند و امان میدهد از قولنج و دفع بواسیر میکند و در چهار حدیث معتبر وارد شده است که
بخورید شلغم را و مداومت بر خوردنش بکنید که هیچکس نیست مگر آنکه رگ خوره در او هست و شلغم
آن رگ را میگدازد و در حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم خیار را
با نمک میخوردند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خیار را از سرش ابتدا بخوردن کنید
که باعث زیادتی برکت آن میشود و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که بخورید بادنجان
که درد را میبرد و آن درد نیست و احادیث در منافع و مدحش بسیار است و از حضرت صادق
علیه السلام بچندین سند منقول است که پیاز گند دهان را میبرد و بلغم را زائل میکند و سستی و ماندگی را
برطرف میکند و بندهای پی را محکم میکند و بن دندان را محکم میکند و قوت مجامعت را می افزاید
و نسل را زیاده میکند و تپ را می برد و بدن را زکی میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
منقول است که چون داخل شهری شوید پیاز آن شهر بخورید که طاعون آن شهر را از شما دور
میکند و در حدیث حسن از امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه
و آله وسلم فرمود که هرکه سیر بخورد بواسطهٔ بوی بدش داخل مسجد ما نشود اما اگر بمسجد نرود باکی
نیست که آنرا بخورد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سیر و پیاز و ترهٔ خام و پخته
خوردن باکی نیست اما کسی که بخورد داخل مسجد نشود زیرا که کراهیت دارد بسبب آزار کسیکه در
پهلوی او می نشیند و احادیث در مدح صعتر که آنرا آویشم میگویند وارد شده است که تقویت معده
میکند و اگر صبح ناشتا سفوف کند و بخورد رطوبات معده را برطرف میکند و در حدیث معتبر از
حضرت صادق علیه السلام منقول است که حقتعالی حضرت آدم را از خاک آفرید پس خوردن خاک را
بر فرزندانش حرام گردانید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هرکه گل بخورد
و بمیرد در خون خود شریک است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که بزرگترین

وامهای شیطان خوردن خاک و گلست دردها را در بدن حادث میکند و خارش در تن و بواسیر
ازان بهم میرسد و دردهای سودائی ازان متولد می شود و قوت را از ساق و قدم میبرد و هر چه از قوتش
بسبب آن کم شده است و از اعمال خیر کاسته است در قیامت او را بدان حساب و عذاب می کنند
و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که چهار چیز است که از وساوس شیطان است خوردن
گل و گل را بدست خورد کردن و ناخن را بدندان گرفتن و ریش را خائیدن و در احادیث معتبره
وارد شده است که خوردن هر گلی حرام است مانند مردار و خون و گوشت خوک مگر خاک قبر حضرت
امام حسین علیه السلام که خوردن آن بقدر یک نخود شفا است از هر دردی و امانست از هر خوفی

فصل نهم در فضیلت ضیافت مومنان و آداب آن از حضرت امام بحق جعفر صادق علیه السلام
منقول است که چون برادر مومن بخانه تو بیاید با و تکلیف خوردنی بکن و اگر قبول نکند تکلیف
آشامیدنی بکن و اگر اینهم قبول نکند تکلیف دست و رو شستن بآب یا بعرق خوشبو بکن و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که از جمله گرامی داشتن آدمی برادر مومن را آنست که
تحفه او را قبول کند و آنچه حاضر داشته باشد برای او تحفه بیاورد و چیزیکه نداشته باشد برای او
تکلف نکند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هلاک شد کسیکه حقیر شمارد آنچه را حاضر دارد از برای
آوردن نزد برادر مومن خود و هلاک شد کسی که حقیر شمارد آنچه برادر مومن نزد او می آورد و بسند
صحیح حسن از آنحضرت منقول است که هرگاه برادر مومن تو ناطلبیده بنزد تو آید آنچه حاضر داری برای
او بیاور و اگر طلبیده باشی او را برای او تکلف کن و در حدیث حسن از هشام منقول است که با ابن
ابی یعفور بخدمت حضرت صادق علیه السلام رفتیم آنحضرت چاشت طلبیده هشام گفت که من
کمتر چیزی میخورم حضرت فرمود مگر نمیدانی که محبت مومن نسبت به برادر مومن او بقدر آنست
که از طعام او میخورد یعنی هر چند او را بیشتر دوست میدارد طعامش را بیشتر میخورد و درین باب احادیث
بسیار وارد شده است و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که سخی و صاحب همت از طعام
مردم میخورد تا مردم از طعام او بخورند و بخیل طعام مردم را نمیخورد که مبادا مردم از طعام او بخورند
و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که ولیمه مهمانی در پنج چیز سنت است در عروسی و در عقیقه
و ختنه کردن پسر و خانه نو بنا کردن یا خریدن و در وقتیکه از سفر بخانه خود برگردد و در حدیث دیگر

وقتی که از سفر حج برگردد و منقول است که آن حضرت نهی فرمود از ولیمه که مخصوص توانگران باشد
و فقرا را در آن طلبند و در احادیث معتبر وارد شده است که هر که داخل شهری شود مهمان برادران
و اهل دین خود است تا از آن شهر بیرون رود و سزاوار نیست که مهمان روزه دارد مگر برخصت صاحب خانه
که مبادا طعامی برای او بعمل بیاورند و ضایع شود و سزاوار نیست اهل خانه را روزه داشتن مگر
برخصت مهمان که مبادا بسبب روزه داشتن ایشان شرم کند و طعام نخورد و بسند معتبر منقول است
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم که حد ضیافت سه روز است و بعد از سه روز تصدق و تبرع است
که نسبت باو میکنی فرمود که اینقدر مهمان نماند نزد برادر مؤمن خود که او را درهم بشکند که دیگر چیزی
نداشته باشد که خرج شما کند و ابن ابی یعفور روایت کرده است که در خانه حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام مهمانی دیدم که برخاست پی کاری حضرت او را منع کردند و خود برخاستند و آن کار را بجا
آوردند و فرمودند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نهی فرمود از خدمت فرمودن مهمانان
و در حدیث دیگر منقولست که مهمانی در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام بود و دست دراز کرد
که چراغ را اصلاح کند حضرت او را منع کردند و خود اصلاح چراغ کردند و فرمودند که ما اهل بیت
خدمت نمیفرمائیم مهمانان خود را و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که از جمله ضعف
و سستی آنست که کسی بتو احسان کند و تو بعوض مکافات او نکنی و از خلاف آداب است
خدمت فرمودن بمهمان پس چون مهمان بیاید او را اعانت و یاری کنید در فرود آمدن و وقتیکه
خواهد که بار کند و برود او را مدد مکنید بر رفتن که این دلیل بر خست نفس است و در وقت رفتن توشه همراهش
بکنید و توشه نیکو و خوشبو بعمل بیاورید که این دلیل جوانمردیست و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله وسلم منقولست که از جمله حق مهمان آنست که همراه او بروی تا در خانه و از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقول است که چون شخصی بخانه کسی برود در هر جا که صاحب خانه بفرماید بنشیند که
صاحب خانه امور مخفی خانه خود را بهتر میداند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول
است که هشت کس اند که اگر ایشان را ذلتی و خواری برسد ملامت نکنند مگر خود را کسی که بر سفره
برسد که او را نطلبیده باشند و کسیکه بر صاحب خانه تحکم کند و کسیکه طلب خیر از دشمنان خود بکند
و کسی که طلب فضل و احسان از لئیمان و بخیلان کند و کسیکه خود را داخل در رازی که میان دو کس باشد

بی رخصت ایشان بکند و کسیکه استخفاف کند بپادشاهان و صاحب حکم و کسیکه در مجلسی بجائی بنشیند
که فراخور او نباشد و کسیکه با شخصی سخن گوید که گوش بسخن او نکند و در حدیث دیگر فرمود که طعام خود
ضیافت کن کسی را که از برای خدا او را دوست میداری و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که
یک برادر مؤمن را که از برای خدا او را دیدن کنم و سیر کنم بهتر است نزد من از آنکه ده مسکین را سیر کنم
و فرمود که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله با مهمانان طعام تناول می فرمودند پیش از همه
شروع میکردند و بعد از همه دست میکشیدند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که کسی با جماعتی
آب دهد باید که خودش بعد از همه آب بخورد و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که
چون برادر مؤمن بخانهٔ تو بیاید مپرس که امروز چیزی خورده و لیکن هرچه داری نزد او بیار که جوانمردی است
که هرچه دارد حاضر سازند و در حدیث دیگر فرمود که اگر کسی هزار درهم صرف طعامی کند و مؤمنی از آن
بخورد اسراف نکرده است و در احادیث معتبره وارد شده است که هرکه ایمان بخدا و روز قیامت
دارد باید که مهمان خود را گرامی دارد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که از جملهٔ حق مهمان
آنست که او را گرامی دارند و خلال از برای او مهیا کنند و در احادیث بسیار وارد شده است که
هرگاه مهمان می آید و چون طعام خورد خدا صاحبان خانه را می آمرزد و در روایت دیگر چون بیرون
میرود گناهان تو و عیال تو بیرون می برد و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که یک لقمه که برادر مؤمن نزد من بخورد دوست تر میدارم از بنده آزاد کردن و حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که سه مؤمن را طعام دهم نزد من بهتر است از هفت بنده آزاد کردن
و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که هر مؤمنی که صدای مهمانی بشنود و شاد شود گناهانش
آمرزیده شود اگرچه میان زمین و آسمان را پر کرده باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقول است که هر خانه که مهمان به آن خانه نمیرود ملائکه داخل آن خانه نمی شوند و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که از حقوق واجبهٔ مؤمن بر مؤمن آنست که چون بضیافت او را طلبد قبول کند و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که وصیت میکنم حاضران و غائبان امت خود را که دعوت
مسلمانان را قبول کنند بضیافت اگرچه پنج میل راه باشد که این امور است که در دین لازم است و هر میل
یک ثلث فرسخ است و فرمود که اگر مرا برای دست گوسفندی بطلبند میروم و فرمود که بدترین

عجز با آنست که شخصی برادر مسلمش را بطعام بخواند و او قبول نکند **فصل دهم** در فضیلت خلال و آداب
آن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که جبرئیل علیه السلام برای حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم مسواک و خلال و حجامت آورد و فرمود که خلال بن دندانها را محکم میکند و روزی را زیادتی کند
و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که خلال مکنید بچوب ریحان و بچوب درخت انار که هر دو رگ خوره را بحرکت
می آورند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که بنی خلال کند تا شش روز حاجتش بر آورده نشود
و فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بهر چه می یافتند خلال میکردند بغیر از برگ درخت خرما و نی
و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از خلال کردن بچوب
درخت انار و نی و فرمود که بحرکت می آورد عرق خوره را و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست
که خلال کردن بچوب گز مورث فقر و پریشانیست و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم امر میکردند ما را که چون خلال کنیم آب نخوریم تا سه نوبت مضمضه کنیم دهن را بآب و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که از جمله حق مهمان آنست که خلال از برای او مهیا کنی و فرمود
که خلال کنید که ملائکه هیچ چیز را دشمن نمیدارند مانند آنکه ببینند که در دندان بنده طعامی هست و در حدیث
صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر چه از طعام در بن دندان مانده باشد بخورید
و آنچه میان دندان مانده باشد بیندازید و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که هر چه را
بزبان از میان دندان بدر می آوری بخور و آنچه را بخلال بدر می آوری خواهی بخور و خواهی بینداز
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که آنچه بخلال بیرون می آورد فرو نبرد که جراحت های
اندرون هم میرساند و احادیث بسیار وارد شده است که هر چه را بخلال بیرون می آوری بینداز و در
حدیث معتبر وارد شده است اندرون و بیرون دهان را بعد از طعام بسعد و اشنان شستن **فصل یازدهم**
در فضیلت آب و انواع آن در احادیث معتبره وارد شده است که بهترین آشامیدنی های دنیا و آخرت
آبست و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که محظوظ و متلذذ نباشد از آب دنیا خدا
او را متلذذ نگرداند از آشامیدنیهای بهشت و شخصی از آنحضرت پرسید که آب چه مزه دارد فرمود که مزه
زندگانی حقتعالی میفرماید که از آب آفریدیم ما هر چیز صاحب حیاتی را آیا ایمان نمی آورند بخدا کافران
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که فرمود در تفسیر آیه کریمه ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ

یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ یعنی پس سؤال کرده خواهید شد در روز قیامت از نعمتهای دنیا فرمود که مراد از
نعمتها رطب و آب سرد است و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که آب زمزم بهترین آبهاست
بر روی زمین و بدترین آبها بر روی زمین آبیست که در برهوت است که در بلاد یمن است که ارواح
کافران در آن وارد می شوند در شب و معذب می باشند و در حدیث دیگر فرمود که آب زمزم دوا است
از برای هر دردی که برای آن بخورند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که آب زمزم شفا است از هر دردی
و دردهای دیگر برای هر مطلبی که بخورند آن مطلب حاصل میشود و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقول است که فرمود بخورید آب باران بدرستیکه بدنرا پاک میکند و بیماریهارا و دردها را از بدن دفع میکند
و از حضرت صادق علیه السلام نهی وارد شده است از خوردن تگرگ و در روایت دیگر وارد شده
است که خوردن تگرگ برای دندان نافع است و صدوق روایت کرده است که شخصی از یاران ما
در مکه بیمار شد تا آنکه بحالت مرگ افتاد بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم حال او را
فرمود که اگر من بجای شما می بودم از آب ناودان کعبه باو آبی میخورانیدم پس با طلب کردیم نزد هیچکس
نیافتیم ناگاه ابری بلند شد و رعد و برق ظاهر گردید و باران آمد قدحی گرفتم و از آب ناودان پر کردم
و آوردم نزد بیمار و از آن آب آشامید در ساعت شفا یافت و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که گمان
ندارم که طفلی را که کامش از آب فرات بردارند مگر آنکه دوست ما اهلبیت باشد و فرمود که پیوسته دو ناودان
از آب بهشت در آن میریزند و فرمود که اگر میان من و آب فرات راه بسیار باشد برای شفا نزد آن
میروم و در حدیث دیگر فرمود که اگر نزدیک فرات میبودم دوست میداشتم که هر صبح و شام نزد
آن بروم و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که اگر اهل کوفه کام فرزندان خود را بآب فرات
بردارند هر آینه همه شیعه ما شوند و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است که ملکی در هر شب
می آید و سه مثقال از مشک بهشت در آب فرات می اندازد و هیچ نهری در مشرق و مغرب عالم برکتش
زیاده از نهر فرات نیست و در احادیث بسیار وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
نهی کرد از شفا طلبیدن از آبهای گرم که در کوهها می باشند و بوی گوگرد میدارد و فرمود که گرمی آنها
از گرمی جهنم است و حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرمودند که ولایت و دوستی ما را بر همه آبها
عرض کردند هر آب که قبول کرد شیرین شد و نیکو و هر آب که قبول نکرد تلخ و شور شد و حضرت امام محمد باقر

علیه السلام کراهیت داشتند از آنکه کسی طلب شفا کند از آب تلخ و آبی که از آن بوی گوگرد شنیده شود
و نفرین نمودند که حضرت نوح در وقت طوفان همه آبها را طلبید همه اجابت او کردند مگر آب تلخ و آب
گوگرد پس نفرین و لعنت کرد هر دو را و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله فرمود که آب نیل مصر
دلها را می میراند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که آب سرد حرارت را فرو می نشاند و صفرا را
ساکن میکند و طعام را در معده میگدازد و تپ را زائل میکند و فرمود که آب جوشانیده برای همه دردی
نافع است و بهیچ جهت ضرر ندارد و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که خوردن آب سرد لذتش
بیشتر است و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که آب جوشانیده که هفت مرتبه بجوشانند و از ظرف
بظرف دیگر بگردانند تپ را زائل میکند و قوت میدهد ساق و قدم را و از ابن ابی طیفور طبیب منقول است
که بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام رفت و آنحضرت نهی کرد از خوردن آب حضرت فرمود
که خوردن آب بد نیست طعام را در معده میگدازد و غضب را فرو می نشاند و عقل را زیاد میکند و صفرا را
کم میکند و شخصی دیگر بخدمت حضرت صادق علیه السلام رفت حضرت خرما تناول میفرمودند و بعد از آن آب
میخوردند گفت که اگر آب بعد از خرما نخورید بهتر است فرمود خرما را برای آن میخورم که لذت آب بیابم

فصل دوازدهم در آداب خوردن آب از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر بنده
که آب بخورد و حضرت امام حسین و اهل بیتش علیهم السلام را یاد کند و لعنت کند بر کشندگان آنحضرت حقتعالی
صد هزار حسنه برای او بنویسد و صد هزار گناه از او محو نماید و صد هزار درجه برای او بلند کند و چنان باشد
که صد هزار بنده آزاد کرده باشد و حقتعالی در قیامت او را خوشحال و مطمئن خاطر محشور گرداند و اگر این نحو
بگوید خوبست صَلَوَاتُ اللهِ عَلَى الْحُسَيْنِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَصْحَابِهِ وَلَعْنَةُ اللهِ عَلَى قَتَلَةِ
الْحُسَيْنِ وَأَعْدَائِهِ و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که گاه باشد که شخصی یک شربت آب
بخورد و خدا او را بهمان آب خوردن به بهشت برد باینکه آب بخورد و هنوز خواهش داشته باشد که از آب
لب بردارد و حمد خدا بگوید پس باز بخورد و هنوز سیر نشده از لب بردارد و حمد خدا بگوید پس باز بخورد پس خدا
بسبب این بهشت برد و واجب گرداند و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم چون آب میخوردند اینرا میخواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي سَقَانَا عَذْبًا زُلَالًا وَلَمْ يَسْقِنَا
مِلْحًا أُجَاجًا وَلَمْ يُؤَاخِذْنَا بِذُنُوبِنَا و در روایت دیگر از آنحضرت منقول است که هرگاه کسی

آب خوردن بسم الله بگوید و دمی بخورد و الحمد لله بگوید پس باز بسم الله بگوید و دمی بخورد و الحمد
لله بگوید پس باز بسم الله بگوید پس بعد از خوردن الحمد لله بگوید مادام که آن آب در شکم او باشد
تسبیح خدا گوید و ثوابش از و باشد و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه خواهی شب آب خوری ظرف آب را
حرکت ده و بگو یا ماء ماءُ زمزم و ماءُ فراتٍ یقرئانک السلام و در روایت دیگر فرمود که هر که در شب
آب بخورد سه مرتبه بگوید علیک السلام من ماءِ زمزم و ماءِ الفرات آب خوردن شب باو ضرر
نرساند و در حدیث دیگر منقول است که در وقت آب خوردن این دعا بخواند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ سَقَانِیْ
فَاَرْوَانِیْ وَ اَعْطَانِیْ وَ اَرْضَانِیْ وَ عَافَانِیْ وَ کَفَانِیْ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِیْ مِمَّنْ تَسْقِیْهِ فِی الْمَعَادِ مِنْ حَوْضِ
مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ اٰلِهٖ وَ سَلَّمَ وَ تُسْعِدُهٗ بِمُرَافَقَتِهٖ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که آب بسیار مخور که هر دردی را بسوی تو میکشد و تا تاب درد داری دوا مخور.
و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که بالای طعام آب بسیار خوردن ضرر رساند اما در غیر آن حال
آب بسیار نخورد و فرمود که اگر کسی بقدر دو کف طعام بخورد و آب بعد از آن نخورد عجب دارم که چرا
معده اش شق نمی شود و مشهور میان علما آنست که آب ایستاده خوردن مکروه است و سنت است
که بسه نفس آب خورده شود و در احادیث بسیار وارد شده است که آب ایستاده خوردن خوب است
و آب بیک نفس خوردن خوب است اما بهتر آنست که بسه نفس خورده شود و در روز ایستاده بخورد و در
شب نشسته چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که آب ایستاده خوردن در روز طعام را گوارا کند
و در شب ایستاده خوردن آب باعث غلبه زرداب و صفرا می شود و در حدیث دیگر فرمود که آب ایستاده
خوردن در روز بیشتر باعث قوت و صحت بدن میشود و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است
که آب ایستاده مخورید که باعث دردی میشود که دوا نداشته باشد مگر آنکه خدا عافیت دهد و در حدیث صحیح
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که آب ایستاده مخورید و بر دور قبر مگردید و در آب
ایستاده که جاری نباشد بول مکنید پس هر که چنین بکند و بلائی باو برسد ملامت نکند مگر خود را ابن بابویه
علیه الرحمه گفته است که مراد از این احادیث آب خوردن شب است و بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که آب را بسه نفس خوردن بهتر است از یک نفس خوردن و در حدیث دیگر منقول است
که شخصی بخدمت آنحضرت عرض کرد که اگر کسی دم از آب برندارد تا سیر آب شود چون است حضرت فرمود

حضرت فرمود که مگر لذت هست در غیر این گفت که مردم میگویند که این شرب بهیم است یعنی شتر
تشنه حضرت فرمود که شرب بهیم آنست که در وقت آشامیدن نام خدا نبرد و در روایت دیگر منقول
است که اگر آنکسی که آب بتو میدهد بندهٔ تو باشد به سه نفس آب بخورد و اگر آزاد باشد بیک نفس بخور و از
حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله دوست میداشتند
آب خوردن در قدح شامی و میفرمودند که پاکیزه ترین ظرفهای شماست و برای آنحضرت قدحها از
شام هدیه می آوردند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام از کوزهٔ سفالی
آب میخوردند و در روایت دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم گذشتند بر جائی
که دهان بآب گذاشته بودند و میخوردند حضرت فرمودند که بدست خود بخورید که بهترین ظرفهای شماست
و در احادیث معتبره از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که آداب آب خوردن آنست
که در ابتدا بسم الله بگوئی و چون فارغ شوی الحمد لله بگوئی و از پیش دسته کوزه و از جائی که شکسته
باشد یا رخنه داشته باشد نخوری که این دو موضع جای شیطان است و حضرت رسول صلی الله علیه و
آله وسلم نهی فرمود از دمیدن بدهان در آب و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دمیدن در آب
وقتی مکروه است که دیگری حاضر باشد که خواهد از آن بخورد که مبادا او را خوش نیاید و در حدیث دیگر
از آنحضرت نهی وارد شده است از آب خوردن بدست چپ و فرمود که آب را بمکید و کم کم بخورید
و دهان را پر مکنید که باعث درد شکم و درد جگر میشود و منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
وسلم گاهی در قدحهای آبگینه که از شام می آوردند آب تناول میکردند و گاهی در قدح چوب و گاهی
در پوست و گاهی در خزف و گاهی که ظرفی حاضر نبودی آب در کف میکردند و می آشامیدند

باب چهارم در بیان فضیلت تزویج و آداب مجامعت و معاشرت زنان و کیفیت تربیت
فرزندان و معاشرت ایشان **فصل اول** در فضیلت تزویج کردن و نهی از رهبانیت بسندهای
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که از اخلاق پیغمبران است دوست داشتن زنان
و فرمود که گمان ندارم کسی را که در ایمانش چیزی زیاده شود مگر آنکه او را محبت زنان زیاده می شود
و فرمود که هر که محبت زنان او را زیاده میشود فضیلت ایمانش بیشتر می شود و در حدیث صحیح از حضرت
امام رضا علیه السلام منقول است که سه چیز است که از سنت پیغمبران است بوی خوش کردن و

وموهائی زیادتی بدن را ازاله کردن وزنان بسیار داشتن با بسیار مقاربت با ایشان کردن و بسند
بسیار از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که فرمود که از دنیائی شما اختیار کردم
زنان وبوئی خوش را وروشنی دیدهٔ من در نماز است و در حدیث معتبر منقول است که سکین نخعی
اختیار عبادت کرده وترک زنان وبوئی خوش وطعامهائی لذیذ کرده بود و دربن باب نامه
بحضرت صادق علیه السلام نوشت آنحضرت در جواب نوشتند اما زن پس میدانی که حضرت رسول
صلی الله علیه وآله وسلم چند عدد از زنان میداشتند اما طعام لذیذ پس حضرت رسول صلی الله علیه وآله
وسلم گوشت وعسل تناول می فرمودند وحضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که هر که زنی بعقد
خود درمی آورد نصف دین خود را حفظ کرده است از خدا بپرهیزد در نصف دیگر فرمود بدترین مردها
عزبان اند وفرمود که چه چیز مانع است مؤمن را از آن که زنی بگیرد شاید که او را فرزندی روزی شود که
سنگین کند زمین را بگفتن لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وفرمود که هر که دوست دارد سنت مرا باید که کدخدا شود وحضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که خوشم نمی آید که دنیا وآنچه در دنیا است داشته باشم ویک شب بی زن
بخوابم پس فرمود دو رکعت نماز که کدخدا میگذارد بهتر است از عزبی که شبها تمام نماز گذارد و روزها روزه
دارد وحضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که هر که ترک کدخدائی کند از ترس پریشانی پس بتحقیق
که گمان بد بخدا برده است زیرا که حقتعالی میفرماید اِنْ یَّکُوْنُوْا فُقَرَآءَ یُغْنِهِمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ یعنی اگر
ایشان فقیران باشند بی نیاز میگرداند ایشان را خدا از فضل خود و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که زن عثمان بن مظعون آمد بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم وگفت یا رسول الله
عثمان روزها روزه میباشد وشبها نماز میکند ونزد من نمی آید حضرت غضبناک نزد عثمان آمدند وفرمودند
که ای عثمان خدا مرا برهبانیت نفرستاده است ولیکن بدین مستقیم سهل وآسان فرستاده است روزه
میگیرم ونماز میکنم وبا زنان خود نزدیکی میکنم پس هر که دین مرا میخواهد باید که بسنت من عمل نماید
واز جمله سنت من نکاح زنان است و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که سه زن آمدند بخدمت
حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم یکی گفت که شوهرم گوشت نمی خورد ویکی گفت شوهرم بوئی خوش
نمی بوید ویکی گفت که شوهرم با زنان نزدیکی نمیکند پس حضرت بیرون آمدند واز روی غضب ردائی
خود را بر زمین می کشیدند تا بر منبر برآمدند وحمد وثنائی الهی گفتند وفرمودند که چرا جماعتی از اصحابم گوشت

نمیخورند و بوئی خوش نمی بویند و نزدیک زنان نمیروند من گوشت میخورم و بوئی خوش می بویم و بنزد
زنان میروم هر که سنت مرا نخواهد از من نیست و در حدیث دیگر منقول است که زنی آمد بخدمت
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و شکایت کرد که شوهر من نزد من نمی آید حضرت فرمود که خود را
خوشبو کن تا نزدیک تو بیاید گفت هیچ بوئی خوشی نگذاشتم مگر آنکه خود را بآن خوشبو کردم او از من
دوری میکند حضرت فرمود که اگر میدانست که چه ثواب دارد در آمدن نزد تو دوری نمیکرد پس فرمود که چون
متوجه جانب تو میشود دو ملک با او احاطه میکنند و ثواب آن دارد که شمشیر کشیده در راه خدا جهاد کند
پس چون با تو مجامعت کند گناهان از و میریزد چنانچه میریزد برگ از درخت پس چون غسل میکند
از گناهان بدر میرود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که دو رکعت نماز که کدخدا میکند برابر است
با هفتاد رکعت که عزب بکند

فصل دوم

در اصناف زنان و صفات پسندیده و ناپسندیده ایشان
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که زن بمنزله قلاده است که بر گردن خود می آویزی پس
ببین که چگونه قلاده برائی خود میگیری و فرمود که زن صالحه و غیر صالحه هیچ یک قیمت ندارد زن صالحه طلا و نقره
قیمت او نیست بلکه او بهتر است از طلا و نقره و زن غیر صالحه بخاک هم نمی ارزد بلکه خاک بهتر
از وست و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که دختر بکفو و مانند خود بدهید و از کفو و مانند خود بخواهید
و از برائی نطفه خود زنی را بگزینید که شایسته آن باشد که فرزند از و بهم رسانید و در حدیث صحیح از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که هر که زنی بخواهد برائی حسن و جمال یا برائی مال از هر دو محروم ماند
و اگر برائی دینداری و صلاح او بخواهد حقتعالی مال و جمال او را روزی میکند و حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرمود که زن پاکیزه بخواهید که فرزند بسیار آورد و زن عقیم که فرزند نیاورد مخواهید که من
مباهات میکنم بشما با امتهائی پیغمبران دیگر در روز قیامت مگر نمیدانی که فرزندان در زیر عرش الهی
از برای پدران خود طلب آمرزش می نمایند و حضرت ابراهیم علیه السلام ایشانرا نگاهداری میکند و حضرت ساره ایشان
تربیت میکند در بالای کوهی از مشک و عنبر و زعفران و در حدیث دیگر فرمود که دختران پاکیزه بخواهید که دهانهائی ایشان
خوشبوتر و رحمهائی ایشان گشاده تر و خشک تر است و پستانهائی ایشان پر شیرتر و فرزند آورنده ترند مگر نمیدانید
که من مباهات میکنم بسیاری شما در روز قیامت حتی بفرزندی که ناتمام از شکم افتاده باشد او
می آید خشمناک بر در بهشت می ایستد پس حقتعالی میفرماید که داخل بهشت شو میگوید که نمیروم تا پدر

و مادر من پیش از من نروند پس حقتعالی بملکی امر کند که پدر و مادرش را بیاور و داخل بهشت کن پس
بطفل خطاب میفرماید که ایشان را داخل بهشت کردم برائی زیادتی رحمت من نسبت بتو و از حضرت
امیر المومنین علیه السلام منقول است که بخواه زن گندم گون فراخ پیشانی سیاه چشم بزرگ سرین میانه
بالا پس اگر نمیخواهی او را مهر از من بگیر و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلّی الله علیه و آله و سلّم
چون بخواستگاری زنی میفرستادندی میفرمودند که گردنش را ببو کنند که خوشبو باشد و عقب پاشنه اش پر گوشت
باشد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که از سعادت آدمی است که زن سفیدی داشته باشد
و حضرت صادق علیه السلام فرمود که چون خواهید زنی را خواستگاری نمائید : دمویش پرسید چنانچه
از رویش می پرسید که مو نصف حسن است و بسند معتبر از حضرت رسول صلّی الله علیه و آله و سلّم منقول است
که بهترین زنان شما زنی است که فرزند بسیار آورد و دوست شوهر باشد و صاحب عفت باشد
و در میان خویشان خود عزیز باشد و نزد شوهرش ذلیل باشد و از برائی شوهر خود زینت و نظافت کند و از
دیگران شرم کند و عفت ورزد و هرچه شوهرش گوید بشنود و آنچه فرماید اطاعت کند و چون شوهر با او
خلوت کند آنچه از او خواهد مضائقه نکند اما با شوهر در نیاویزد که او را بتکلیف بر جماع بدارد و بعد از آن فرمود
که بدترین زنان شما زنیست که در میان قوم خود خوار باشد و بر شوهر مسلط باشد و فرزند نیاورد و کینه ور
باشد و از اعمال قبیحه پروا نکند و چون شوهر غائب شود زینت کند و خود را بدیگران نماید و چون شوهرش
بیاید خود را مستور نماید و سخنش را نشنود و اطاعت او نکند و چون شوهر با او خلوت کند مانند شتر صعب
مضائقه بکند از آنچه شوهر با او اراده دارد و عذرش را قبول نکند و از تقصیرش در نگذرد و در حدیث
دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت رسول صلّی الله علیه و آله و سلّم آمد و گفت زنی دارم که هرگاه
بخانه میروم مرا استقبال میکند و چون بیرون می آیم مشایعت میکند و چون مرا غمگین می بیند میگوید
چه غم داری اگر برای روزی غم میخوری خدا تعالی متکفل روزی تو و دیگران شده است و اگر برای
آخرت غم میخوری خدا غم ترا زیاده کند حضرت فرمود که خدا کارکنان دارد و این زن از کارکنان
خداست و نصف ثواب شهید دارد و در حدیث دیگر فرمود که خوبی زن آنست که خرجش کم باشد
و زائیدنش دشوار نباشد و شومی زن آن باشد که مهرش گران و زائیدنش دشوار باشد و حضرت رسول
صلّی الله علیه و آله و سلّم فرمود که بهترین زنان شما زنان قریش اند مهربان ترین زنانند بشوهران و رحیم ترین

ایشانند بعز زنان و مانند بشوهران و باعفت اند از دیگران و مصداق قریش و دین [illegible]
سادات اند و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که خداوند عالمیان میفرماید که چون خواهم
که جمع کنم برای مسلمانی نیکی های دنیا و آخرت را باو میدهم دل شکسته خاشع و زبان ذکر کننده و بدن
صبر کننده بر بلا و زن مومنه که هرگاه نظر باو کند شاد شود و چون غائب شود شوهر خود را نگاهداری کند
و مال شوهر را ضایع نکند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در بنی اسرائیل
شخصی بود بسیار عاقل و مال بیشمار داشت و یک فرزند داشت از زن عفیفه و در شکل و شمائل شبیه باو
بود و دو فرزند دیگر داشت از زن دیگر که عقلی نداشت چون وقت فوت او شد گفت همه مال من
یکی از شما است چون مرد هر یک از ایشان دعوی کردند که مال از من است بنزد قاضی رفتند قاضی گفت
که بنزد آن سه برادر که بعقل مشهوراند بروید پیش یکی از آنها رفتند مرد پیری دیدند گفت بروید بنزد فلان
برادر که از من بزرگتر است بنزد او که رفتند نه پیر بود و نه جوان او گفت که بنزد برادر بزرگتر از من
بروید چون نزد او رفتند او را جوان دیدند پس اوّل سوال کردند که بچه سبب برادر کوچک تو از همه پیرتر بود
و تو که از همه بزرگتری از همه جوانتری گفت اما آن برادر کوچک زن بد میدارد و بر بدیهائی او
صبر میکند که مبادا ابتلائی دیگر مبتلا شود که صبر نتواند کرد باین سبب از همه پیرتر است و اما برادر دیگرم
زنی دارد که گاهی خوشحال میکند او را و گاهی غمگین میکند بدین سبب میانه حال مانده است و من زنی
دارم که همیشه مرا خوشحال میکند و هرگز آزرده ام نمیکند باین سبب جوان مانده ام پس برادران حال
خود را نقل کردند گفت اوّل بروید و استخوان پدر خود را بدر آورید و بسوزانید بعد از آن بیائید تا در میان شما
حکم کنم چون رفتند برادر کوچک شمشیری برداشت و برادرانش کلنگها برداشتند چون بسر قبر رسیدند
آن برادران کلنگ بر قبر زدند که قبر را بشکافند برادر کوچک شمشیر کشید که نمیگذارم که قبر پدرم بشکافید
من از حصه خود گذشتم و مال را بشما گذاشتم بروید چون بنزد قاضی آمدند قاضی مال را به پسر کوچک داد
و بآنها گفت اگر شما فرزندان او می بودید چنانچه برادر کوچک را شفقت فرزندی مانع شد از بر آوردن
و سوختن استخوانهای پدر شما را هم مانع میشد

فصل سوم در آداب نکاح و اراده آن

در حدیث حسن از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که هرگاه کسی اراده خواستگاری کند دو رکعت نماز بگذارد و حمد الهی بگوید
و این دعا بخواند اللّهُمَّ اِنِّی اُرِیدُ اَنْ اَتَزَوَّجَ فَقَدِّرْ لِی مِنَ النِّسَاءِ اَعَفَّهُنَّ فَرْجاً وَ اَحْفَظَهُنَّ لِی فِی نَفْسِهَا

وَمَالِي وَأَفْسَحَهُنَّ رِزْقاً وَأَعْظَمَهُنَّ بَرَكَةً وَقَدِّرْ لِي وَلَداً طَيِّباً تَجْعَلُهُ خَلَفاً صَالِحاً
فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ مَوْتِي و در حدیث معتبر منقول است که سنت است که در شب تزویج واقع
شود و در حدیث موثق منقول است که بحضرت امام محمد باقر علیه السلام خبر رسید که شخصی زنی خواسته
در ساعتی که هوا گرم بوده است در میان روز حضرت فرمود که گمان ندارم که در میان آنها اتفاق
و الفت بهم رسد پس بزودی از هم جدا شدند و در حدیث معتبر دیگر منقول است که عقد کردن در ماه
شوال خوب است و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که
عقد کند یا زفاف کند و ماه در عقرب باشد نیکو عافیت نبیند و در روایت دیگر منقول است
که هر که در تحت الشعاع عقد یا زفاف کند بداند که فرزندی که از و منعقد شود پیش از تمام شدن سقط
میشود و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که روز جمعه روز خواستگاری
و نکاح است و بدانکه مؤمنان را طلبیدن و مهمانی کردن در نکاح سنت است و پیش از عقد
نکاح خطبه خواندن سنت است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که از سنت
پیغمبران است طعام دادن در وقت تزویج و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم چون میمونه را
تزویج کردند ولیمه و حیس بمردم خورانیدند و آن چنگالی بوده است که از خرما و روغن و کشک ساخته
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که ولیمه روز اول لازم است و روز دوم
نیک است و روز سوم ریا و سمعه است و منقول است که حضرت امام محمد تقی علیه السلام چون
دختر مأمون را عقد کردند این خطبه را خواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اِقْرَاراً بِنِعْمَتِهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
اِخْلَاصاً بِوَحْدَانِيَّتِهِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ بَرِيَّتِهِ وَعَلَى الْاَصْفِيَاءِ مِنْ عِتْرَتِهِ
اَمَّا بَعْدُ فَقَدْ كَانَ مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ عَلَى الْاَنَامِ اَنْ اَغْنَاهُمْ بِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ فَقَالَ
سُبْحَانَهُ وَاَنْكِحُوا الْاَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَاِمَائِكُمْ اِنْ يَكُونُوا
فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ و سایر خطبه های طولانی در کتب مبسوطه
مذکور است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و در آداب صیغه نکاح رساله جدا تالیف کرده ام
فصل چهارم در بیان آداب زفاف و مجامعت بدانکه زفاف کردن در وقتیکه ماه در برج
عقرب یا تحت الشعاع باشد مکروه است و جماع کردن در فرج زن در وقتیکه حایض باشد

یا خون نفاس داشته باشد حرام است و از مابین ناف تا زانو از ایشان تمتع بردن مکروه است و بعد از
پاک شدن و پیش از غسل کردن جماع را بعضی حرام میدانند و احوط اجتناب است مگر آنکه ضرورتی
باشد پس امر کند زن را که فرج را بشوید و با او مقاربت کند و زن مستحاضه اگر غسل و سائر اعمال مستحاضه
که او را می باید کرد اگر بجا آورد با او جماع میتوان کرد و در وطی و بر زن خلاف است بعضی حرام
میدانند و اکثر علما مکروه میدانند و احوط اجتناب است و بهتر آنست که با زن حره که جماع کند
و آزاد باشد منی خود بیرون فرج نریزد و بعضی علماء حرام میدانند بی رخصت زن و در کنیز باکی نیست
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که نباید مرد را دخول کردن بزن خود در شب چهار
شنبه و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که هرگاه جماع نمیسید با زن خود و ریخت النشاع
پس با خود قرار بدهید افتادن فرزند را از شکم پیش از آنکه تمام شود و حضرت صادق علیه السلام فرمود
که جماع مکن در اول ماه و میان ماه و آخر ماه که باعث آن میشود که فرزند سقط شود و نزدیک است
که اگر فرزندی بهم رسد دیوانه باشد یا صرع داشته باشد نمی بینی که کسی را که صرع میگیرد اکثر آنست که یا در
اول ماه یا در میان ماه یا در آخر ماه میباشد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هرگاه
جماع کند با زن خود در حیض پس فرزندی که بهم رسد مبتلا شود بخوره یا پیسی پس ملامت نکند مگر نفس خود را
و حضرت صادق علیه السلام فرمود که دشمن ما اهلبیت نیست مگر کسیکه ولد الزنا باشد یا مادرش
در حیض باو حامله شده باشد و در چندین حدیث معتبر منقول است از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم که چون کسی خواهد که با زن خود مجامعت کند بروش مرغان بزود او نرود بلکه اول با او دست
بازی و خوش طبعی بکند و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در وقت جماع
سخن مگوئید که فرزندیکه بهم رسد لال باشد و در آنوقت نظر بفرج زن مکنید که بیم آنست که فرزندی که
بهم رسد کور باشد و در روایت دیگر از آنحضرت منقول است که باکی نیست نگاه کردن بفرج زن در وقت
جماع و در چندین حدیث معتبر وارد شده است که مرد و زن در حالتیکه خضاب بحنا و غیر آن بسته باشد
جماع نکنند و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام پرسیدند که اگر در حالت جماع جامه از بدن مرد و زن
دور شود چونست فرمودند باکی نیست باز پرسیدند که اگر کسی فرج زنش را ببوسد چونست فرمود که باکی
نیست و از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که اگر کسی زن خود را عریان کند و با و نظر کند چونست فرمود

که مکر لذتی بهتر ازین میباشد پرسیدند که اگر کسی بدست و انگشت با فرج زن خود و کنیز خود بازی کند
چونست فرمود که باکی نیست اما بغیر از اجزای بدن خود چیزی دیگر در انجا نکند پرسیدند که آیا میتواند
که در آب جماع بکند فرمود که باکی نیست و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند از جماع کردن در حمام
فرمود که باکی نیست حضرت صادق علیه السلام فرمود که مرد با زن و کنیز خود جماع نکند در خانه که طفلی
باشد آن طفل زناکار میشود یا فرزندی که بهم رسد زناکار میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
وسلم منقول است که فرمود بحق آن خدائی که جانم در قبضه قدرت اوست که اگر شخصی با زن خود جماع کند
و در آنخانه شخصی بیدار باشد که ایشانرا ببیند یا سخن و یا صدای نفس ایشانرا بشنود فرزندیکه از ایشان
بهم رسد رستگار نباشد و زناکار باشد و چون حضرت امام زین العابدین علیه السلام اراده مقاربت زنان می نمودند
خدمتگاران را دور میکردند و درها را میبستند و پردها را می انداختند و از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که کسی که با کنیزی جماع کند و خواهد که با کنیز دیگر پیش از غسل جماع کند وضو بسازد و در حدیث
صحیح وارد شده است که باکی نیست که مرد با کنیز خود وطی کند و در خانه دیگری باشد که ببیند و بشنود
و مشهور میان علماء اینست که باکی نیست که مرد مابین دو کنیز خود بخوابد اما مکروه است که در میان
دو زن آزاد بخوابد و در حدیث موثق از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که باکی نیست
که مرد در میان دو کنیز خود بخوابد اما مکروه است که در میان دو زن آزاد بخوابد و در حدیث موثق
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که باکی نیست که مرد در میان دو کنیز و دو آزاد بخوابد فرمود
که کراهت دارد که مرد رو بقبله جماع کند و در حدیث دیگر از آنحضرت پرسیدند که آیا مرد عریان جماع
میتواند کرد فرمود که نه و رو بقبله و پشت بقبله جماع نکند و در کشتی جماع نکند و حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام فرمود که دوست نمیدارم که کسی که در سفر آب نیابد برای غسل کردن جماع کند مگر آنکه خوف
ضرری داشته باشد بر خود و بعضی علماء قائل بحرمت شده اند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
نهی فرمود از آنکه کسی محتلم شده باشد پیش از آنکه غسل کند جماع کند و فرمود که اگر بکند فرزندی که بهم رسد
دیوانه باشد ملامت نکند مگر خود را و حضرت صادق علیه السلام فرمود که مکروه است جنب شدن در وقتیکه
آفتاب طلوع میکند و زرد میباشد و هم چنین در زردی آفتاب وقت فرو رفتن و حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که مستحب است در شب اول ماه مبارک رمضان

جماع کردن و از ابو سعید خدری منقول است که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله وسلم وصیت نمود بحضرت امیر المومنین علیه السلام که یا علی چون عروس داخل خانه تو شود کفشش را بکن تا بنشیند و پاهایش را بشو و آن آب را از در خانه تا منتهای خانه بپاش چون چنین کنی خدا تعالی هفتاد هزار نوع پریشانی را از خانهٔ تو دور گرداند و هفتاد هزار نوع برکت داخل خانهٔ تو کند و هفتاد هزار نوع رحمت بر تو فرستد که بر سر عروس فرود آید تا آنکه آن برکت بهر گوشه از خانه برسد و این گردد عروس از دیوانگی و خوره و پیسی تا در آن خانه باشد و منع کن عروس را تا هفت روز از خوردن شیر و سرکه و گشنیز و سیب ترش پس حضرت امیر المومنین علیه السلام گفت یا رسول الله بچه سبب او را منع کنم از اینها فرمود که زیرا که رحم بسبب خوردن اینها سرد و عقیم می شود و فرزندی آورد و حصیری که در ناحیهٔ خانه افتاده باشد بهتر است از زنی که فرزند از و بوجود نیاید پس فرمود که یا علی جماع مکن با زن خود در اول ماه و در میان ماه و آخر ماه که دیوانگی و خوره و خبط دماغ رو می یابد بآن زن و فرزندانش یا علی جماع مکن بعد از پیشین که اگر فرزندی بهم رسد احول خواهد بود یا علی در وقت جماع سخن مگو که اگر فرزندی بهم رسد ایمن نیستی که لال باشد و نگاه نکند احدی بفرج زن خود و چشم بپوشد در آن حالت که نظر کردن در آن حالت باعث کوری فرزند میشود یا علی بشهوت و خواهش زن دیگری با زن خود جماع مکن که اگر فرزند بهم رسد مخنث یا دیوانه باشد یا علی هر که جنب با زن خود در فراش خوابیده باشد قرآن نخواند میترسم که آتشی از آسمان بهر دو نازل شود و بسوزاند ایشانرا یا علی جماع مکن با زن خود مگر آنکه تو دستمالی برای خود داشته باشی و او از برای خود دستمال داشته باشد و هر دو خود را بیک دستمال پاک نکنند که دشمنی در میان شما پیدا میشود و آخر بجدائی می شد یا علی ایستاده با زن خود جماع مکن که از فعل خرانست و اگر فرزندی بهم رسد مانند خران خبث خواب بول کند یا علی در شب عید فطر جماع مکن که چون فرزندی بوجود آید شر بسیار از و بوجود آید یا علی در شب عید قربان جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید شش انگشت یا چهار انگشت در دست داشته باشد یا علی در زیر درخت میوه دار جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد جلاد و کشنده مردم بود یا رئیس گروه ظلم بود یا علی در برابر آفتاب جماع مکن مگر آنکه پرده بیاویزی که اگر فرزندی بهم رسد همیشه در بدحالی و پریشانی بود تا بمیرد یا علی در میان اذان و اقامت جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید راغب باشد در خون ریختن یا علی چون زنت حامله شود با او جماع مکن بی وضو که اگر چنین کنی فرزندی که بهم رسد کور دل و بخیل باشد

یا علی در شب نیمهٔ شعبان جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد شوم باشد و در رویش نشان سیاهی باشد یا علی
در روز آخر شعبان جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد عشار و یاور ظالمان باشد و هلاک بسیاری از
مردم بدست او بشود یا علی بر پشت بام خانه جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد منافق و ریا کننده
و صاحب بدعت باشد یا علی چون بسفر بروی در آن شب جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید مالش را
بناحق صرف کند و اسراف کنندگان برادر شیاطین اند و اگر بسفری روی که سه روز راه باشد جماع
مکن که اگر فرزندی بهم رسد یاور ظالمان باشد یا علی در شب دوشنبه جماع بکن که اگر فرزندی بوجود آید
حافظ قرآن و راضی بقسمت خدا باشد یا علی اگر جماع کنی در شب سه شنبه فرزندی که بهم رسد بعد از
سعادت اسلام او را شهادت روزی شود و دهانش خوشبو و دلش رحیم و دستش جوانمرد و زبانش
از غیبت و بهتان پاک باشد یا علی اگر جماع کنی در شب پنجشنبه فرزندیکه بهم رسد حاکمی از احکام شرع
یا عالمی از علما باشد و اگر در روز پنجشنبه وقتیکه آفتاب در میان آسمان باشد نزدیکی کنی با زن خود
فرزندی که بهم رسد شیطان نزدیک او نشود تا پیر شود خدا او را سلامتی در دنیا و دین روزی کند
یا علی اگر جماع کنی در شب جمعه فرزندی که بهم رسد خطیب و سخن گو باشد و اگر در روز جمعه بعد از نماز عصر
جماع کنی فرزندی که بهم رسد از دانایان مشهور باشد و اگر جماع کنی در شب جمعه بعد از نماز خفتن امید است
که آن فرزند از ابدال باشد یا علی در ساعت اول شب جماع مکن که اگر فرزندی که بهم رسد ایمن نیستی که
ساحر باشد و دنیا را بر آخرت اختیار نماید یا علی این وصیت را از من بیاموز چنانچه من از جبرئیل
آموختم و در حدیث معتبر منقول است که در روز عقد حضرت فاطمه علیها السلام حقتعالی امر کرد سدرة المنتهی را
که آنچه دارد فرو ریزد برای نثار حضرت فاطمه علیها السلام پس آنچه داشت از مروارید و مرجان و جواهر
بر اهل بهشت نثار کرد پس حوران آن نثارها را ربودند و تا روز قیامت مفاخرت می کنند و بهدیه
یکدیگر میفرستند و میگویند که این نثار حضرت فاطمه علیها السلام است و در شب زفاف اشتر
اشهب حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را آوردند و قطیفه بر روی آن انداختند و حضرت
فرمود که ای فاطمه سوار شو و سلمان لجام اشتر را می کشید و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
از عقب روان شدند در اثنای راه صدای ملائکه بگوش مبارک آنحضرت میرسید و جبرئیل با هزار
ملک و میکائیل با هزار ملک فرود آمدند و گفتند که ما را حقتعالی بجهت زفاف حضرت فاطمه علیها السلام

فرستاده است پس جبرئیل و میکائیل الله اکبر میگفتند و ملائکه با ایشان موافقت میکردند و باین
سبب سنت شده است که در زفاف الله اکبر میگویند و در روایت دیگر منقول است که شخصی خدمت
حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که ما طعامها بعمل می‌آوریم و بسیار پاکیزه و خوشبو میکنیم و بوی
طعام عروسی از هیچ طعامی نمی‌آید فرمود زیرا که هر طعام عروسی نسیم بهشت می‌وزد چون آن طعامی
که از برای حلال مهیا میکنند و در احادیث معتبره وارد شده است که سنت آنست که عروسی
در شب واقع شود و طعام چاشت پخته شود و در بعضی اخبار وارد شده است که نثار عروسی را میتوان
برداشت اما چون غارت میکنند و از یکدیگر میربایند کراهت دارد و علما گفته‌اند که وقتی جائز است
برداشتن که بقرائن معلوم شود که صاحبانش راضی‌اند که مردم بردارند و از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقول است که هرگاه نثار العروسی بطلبند دیر بروید زیرا که دنیا را بیاد شما می‌آورد
و چون شما را بجنازه بخوانند زود بروید چون آخرت را بیاد شما می‌آورد و در حدیث دیگر منقول است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از جماع کردن در زیر آسمان و بر سر راه که مردم تردد
کنند و فرمود که هر که در میان راه جماع کند خدا و ملائکه و مردم او را لعنت کنند و حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که بیاموزید از کلاغ سه خصلت را پنهان جماع کردن و بامداد بطلب
روزی رفتن و بسیار حذر کردن و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله فرمود که هرگاه کسی
خواهد که با زن خود نزدیکی کند تعجیل نکند که زنان را کارها میباشد پیش از جماع و هرگاه کسی زنی را ببیند
و خوشش آید پس برود و با اهل خود جماع بکند که آنچه با این هست با آنهم هست و شیطان از دل خود راه
ندهد و اگر زن نداشته باشد دو رکعت نماز بگذارد و حمد خدا بسیار بگوید و صلوات بر محمد و آل او بفرستد
پس از فضل خدا زنی سوال کند که البته خدا باو عطا میفرماید آنچه او را از حرام باز دارد و در حدیث معتبر
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که چون مرد و زن جماع کنند عریان نشوند
مانند دو خر زیرا که اگر چنین کنند ملائکه از ایشان دور می‌شوند و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقول است که جائز نیست جماع کردن با دختر پیش از آنکه نه سالش تمام شود
پس اگر بکند و عیبی بآن دختر برسد ضامن است و در حدیث دیگر منقولست که مکروه است جماع
کردن میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب و از وقت فرو رفتن آفتاب تا برطرف شدن سرخی طرف مغرب و در روزیکه در آن روز

آفتاب بگیرد و در شبی که در آن شب ماه بگیرد و در شب یا روزی که در آن روز باد سیاه یا سرخ یا زرد
حادث شود و در شب یا روزی که در آن زلزله حادث شود و الله که اگر کسی جماع کند درین اوقات
پس او را فرزندی بهم رسد نبیند در آن فرزند چیزی که دوست دارد زیرا که آیات غضب الهی را سهل
شمرده است و در فقه الرضا مسطور است که چون بعد از غسل دادن میت پیش از آنکه غسل مس میت
کنی خواهی که جماع کنی اول وضو بساز و بعد از آن جماع کن و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست
که هرگاه کسی را دردی بهم رسد یا حرارت در مزاجش غالب شود پس با زن خود جماع کند تا ساکن شود
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که با زن خود در حالت خضاب جماع کند فرزندی که
بهم رسد مخنث باشد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که زن آزاد را برابر زن آزاد دیگر جماع مکن
اما کنیز را در برابر کنیز دیگر جماع کردن باکی نیست و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست
که حضرت صادق علیه السلام هرگاه که بعد از جماع و پیش از غسل اراده بنزدیکی میکردند اول وضو
می ساختند و در روایت دیگر منقول است که اگر کسی انگشتری با او باشد که بر آن نام خدا نقش کرده
باشند جماع نکند **فصل پنجم** در آداب نماز و دعا در شب زفاف و در وقت مقاربت زنان و در حدیث
صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون عروس را نزد تو بیاورند بگو که پیش از آن
وضو بسازد و تو هم وضو بساز و دو رکعت نماز کن و بگو که او را نیز امر کنند که دو رکعت نماز بگذارد پس حمد
الهی بگو و صلوات بر محمد و آلش بفرست پس دعا کن و امر کن زنان را که با او آمده اند که آمین گویند
و این دعا را بخوان اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي اِلْفَهَا وَوُدَّهَا وَرِضَاهَا وَاَرْضِنِي بِهَا وَاجْمَعْ بَيْنَنَا بِاَحْسَنِ
اِجْتِمَاعٍ وَاَيْسَرِ ائْتِلَافٍ فَاِنَّكَ تُحِبُّ الْحَلَالَ وَتَكْرَهُ الْحَرَامَ بعد از آن فرمود که الفت از جانب
خداست و دشمنی از جانب شیطان است که میخواهد که آنچه را خدا حلال گردانیده مکروه طبع مردم
گرداند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون در شب زفاف
نزد عروس بروی موی پیشانیش را بگیر و رو بقبله آور و بگو اَللّٰهُمَّ بِاَمَانَتِكَ اَخَذْتُهَا وَبِكَلِمَاتِكَ
اسْتَحْلَلْتُهَا فَاِنْ قَضَيْتَ لِي مِنْهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ مُبَارَكًا تَقِيًّا مِنْ شِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَا
تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكًا وَلَا نَصِيبًا و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که دست
بر بالای پیشانیش بگذار و بگو اَللّٰهُمَّ عَلٰى كِتَابِكَ تَزَوَّجْتُهَا وَفِي اَمَانَتِكَ اَخَذْتُهَا وَبِكَلِمَاتِكَ

استحللت فرجها فان قضیت لی فی رحمها شیئا فاجعل مسلما سویا ولا تجعله شرکا
شیطانا راوی پرسید که فرزند چگونه شریک شیطان میشود فرمود که اگر در وقت جماع نام خدا برند
شیطان دور میشود و اگر نبرند ذکر خود را با ذکر آن شخص داخل میکند پس جماع از هر دو میباشد و نطفه یکی است
پرسیدند که بچه چیز میتوان دانست که شیطان در کسی شریک شده است فرمود که هر که ما را
دوست میدارد شیطان با او شریک نشده است و هر که دشمن ما است شریک او شده است
درین مضمون احادیث از طرق عامه و خاصه بسیار وارد شده است و از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقول است که در وقت زفاف این دعا بخواند اللهم بکلماتک استحللتها وبامانتک
اخذتها اللهم اجعلها ولودا ودودا لا تفرک تأکل مما راح ولا تسأل عما سرح و در
روایت معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که این دعا بخواند بکلمات الله استحللت
فرجها وفی امانة الله اخذتها اللهم ان قضیت لی فی رحمها شیئا فاجعله بارا تقیا
واجعله مسلما سویا ولا تجعل فیه شرکا للشیطان و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است
که حضرت شریک شدن شیطان را در نطفه آدمی بیان کردند و بسیار عظیم شمردند راوی گفت که چه
باید کرد که این واقع نشود فرمود که هرگاه اراده جماع داشته باشی بگو بسم الله الرحمن الرحیم
الذی لا اله الا هو بدیع السموات والارض اللهم ان قضیت منی فی هذه اللیلة
خلیفة فلا تجعل للشیطان فیه شرکا ولا نصیبا ولا حظا واجعله مؤمنا مخلصا مصفی من
الشیطان ورجزه جل ثناؤک و در حدیث دیگر فرمود که چون خواهد که شیطان شریک نشود
بگوید بسم الله و پناه برد بخدا از شر شیطان و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است
که چون کسی اراده جماع داشته باشد بگوید بسم الله وبالله اللهم جنبنی الشیطان وجنب الشیطان ما رزقتنی
پس اگر فرزندی بوجود آید شیطان هرگز باو ضرر نرساند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقول است که چون اراده جماع کنی این دعا بخوان اللهم ارزقنی ولدا واجعله تقیا زکیا
لیس فی خلقه زیادة ولا نقصان واجعل عاقبته الی خیر

فصل ششم در بیان حق
شوهر بریکدیگر و احکام ایشان از حضرت محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام منقول است
بتحقیق حق تعالی برای زنان غیرت جائز نداشته است و از برای مردان غیرت قرار داده است

لهذا برای مردان چهار زن و از متعه و کنیز آنچه خواهد حلال گردانیده است و از برای زن بغیر یک
شوهر حلال نگردانیده است اگر شوهر دیگر طلب کنند یا اراده آن نماید نزد خدا تعالی زناکار است
و غیرت و رشک نمی برند مگر زنان بد و زنان مومنه صاحب رشک نمی باشند و در حدیث معتبر
دیگر حضرت صادق علیه السلام فرمود که رشک بردن زنان از بسیاری دوستی ایشان است
نسبت بشوهران و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که گفتن مرد بازن که ترا
دوست میدارم هرگز از دل او بدر نمیرود و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
که زنی آمد بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم و گفت یا رسول الله چیست حق شوهر بر زن
حضرت فرمود که لازم است اطاعت شوهر نماید و نافرمانی او نکند و از خانه او بی رخصت او تصدق
نکند و روزه سنت بی رخصت او نگیرد و هر وقت که اراده نزدیکی او کند مضایقه ننماید اگرچه بر پشت
پالان شتر باشد و از خانه شوهر بی رخصت او بدر نرود و اگر بدر رود بی رخصت او ملائکه آسمان و زمین
و ملائکه غضب و ملائکه رحمت همه او را لعنت کنند تا بخانه برگردد و گفت یا رسول الله حق که بر مرد
عظیم است فرمود که حق پدر گفت حق که بر زن عظیم است فرمود که حق شوهر پرسید که من بر شوهر
آنقدر حق ندارم که او بر من دارد فرمود نه از صد یکی نیز آن زن گفت قسم میخورم بآن خدائی که
ترا بحق فرستاده است که هرگز شوهر نکنم و در حدیث دیگر منقول است که زنی بخدمت حضرت رسول
صلی الله علیه و آله آمد و سوال کرد از حق شوهر بر زن فرمود که زیاده از آن است که توان گفت
پس فرمود که از جمله حقها آنست که روزه سنت بی رخصت او ندارد و از خانه بی رخصت او بدر
نرود و به نیکوترین بویهای خوش خود را خوشبو کند و به نیکوترین جامه ها خود را بپوشد و به بهترین
زینت ها خود را بیاراید و هر بامداد و شام خود را بر او عرض کند که اگر اراده جماع داشته باشد ابا نکند و در
حدیث دیگر فرمود که هیچ چیز بی رخصت او بکسی ندهد و اگر بدهد گناهش از برای آن زن است و ثوابش
از برای شوهر و هیچ شب نخوابد که شوهر از او خشمناک باشد زن گفت هرچند شوهر بر او ظلم کرده باشد
فرمود که بلی و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر زنی که شب بسر آرد و شوهر از او آزرده باشد
نمازش مقبول نباشد تا شوهر از او راضی شود و هر زنی که بوی خوش برای غیر شوهر خود بکند نمازش
مقبول نشود تا آن بوی خوش را از خود بشوید و فرمود که سه کس اند که هیچ عمل ایشان بالا نمیرود غلام

گریخته و زنی که شوهرش از و راضی نباشد و کسیکه جامهٔ خود را از روی تکبر بلند آویخته باشد و در احادیث
معتبره وارد شده است که جهاد مردان آنست که جان و مال خود را در راه خدا صرف کنند تا کشته
شوند و جهاد زنان آنست که بر آزار شوهران و غیرت آوردن ایشان صبر کنند و حضرت رسول
صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که اگر امر میکردم که کسی برای غیر خدا سجده کند هر آینه میگفتم که زنان برای
شوهران سجده کنند و فرمود که زن نماز خود را طول ندهد برای آنکه منع کند شوهر خود را از آنچه از و
میخواهد و فرمود که هر زنی که شوهر او را برای مجامعت بطلبد و او تاخیر کند تا شوهر بخواب رود پیوسته ملائکه او را
لعنت کنند تا شوهر بیدار شود و در حدیث صحیح منقول است که زن از مال خود هیچ چیز بی رخصت شوهر نمیتواند داد
مگر حج یا زکوة یا نیکی به پدر و مادر خود یا صله و احسان بخویشان و در حدیث صحیح از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که هر زنی که بشوهر بگوید که من هرگز از تو نیکی ندیده ام ثواب عملهایش همه برطرف شود
و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که حق زن بر مرد آنست که او را سیر کند و بدنش را بپوشاند
و اگر بدی بکند بر و ببخشد و عفو کند و در حدیث دیگر منقولست که روی ترش نکند نزد او و یک روز نه
یک روز روغن برائی مالیدن بدن باو بدهد و هر سه روز یکمرتبه گوشت از برای او بیاورد و رنگ مانند
وسمه و حنا هر شش ماه یک بار باو بدهد و در هر سال چهار جامه اش بدهد دو از برای زمستان و دو از
برای تابستان و باید که خانه اش خالی نگذارد از روغن برائی مالیدن سر و از سرکه و زیت و روزی
یک من کهنه قوت باو بدهد و میوها که همه کس آنرا میخورند باو بخوراند و در عیدها زیاده از اوقات دیگر خوردنی
از برائی او بگیرد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بترسید از خدا در حق دو ضعیف یتیمان
و زنان و حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که بهترین شما آن کسی است که با زنان بهتر
سلوک کند و فرمود که عیال مرد اسیران اویند و محبوبترین نزد خدا کسی است که احسان با اسیران
خود بیشتر کند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که موجب هلاک صاحب مردیست که در شهری که
زنش در آن شهر باشد و شب در خانه دیگر بخوابد و نزد او نیاید و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام وصیت
نمود بحضرت امام حسن علیه السلام که زنهار مشورت با زنان مکن که رای ایشان ضعیف است و عزم ایشان
سست است و ایشان را پیوسته در پرده بدار و بیرون مفرست و تا توانی چنان کن که بغیر از تو مردی را نشناسند و با ایشان خدمتی
که بغیر از آنچه تعلق بایشان دارد مگذار که این از برائی حال ایشان و خوشنودی ایشان و حسن و جمال

ایشان بهتر است زیرا که زن گلست خدمتگار نیست و همین خودش گرامی دارد و سخن او را حجت
دیگران قبول مکن و خود را بدست او بسپار مده و در حدیث معتبر از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
وسلم منقول است که زنانرا در غرفه و بالاخانه جا مدهید و چیز نوشتن بایشان میاموزید و سوره
یوسف بایشان تعلیم مکنید و چرخ رشتن ایشانرا بیاموزید و سوره نور بایشان تعلیم کنید و حضرت
رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نهی فرمود از آنکه زنانرا بزین سوار کنند و فرمود که در نیکی اطاعت
زنان مکنید تا آنکه بطمع نیفتند در امر کردن شما به بدیها و بخدا پناه برید از بدان ایشان و از نیکان ایشان
در حذر باشید و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که رازی با ایشان مگوئید در بارهٔ خویشان
با شما آنچه گویند اطاعت مکنید و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که مردیکه کارهای او را زنی
تدبیر کند ملعون است و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم چون اراده جنگ داشتند با زنان خود
مشورت میکردند آنچه ایشان می گفتند خلاف ایشان میکردند و حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
وسلم فرمود که هرکه اطاعت زن خود بکند خدا او را سرنگون بجهنم اندازد گفتند یا رسول الله این اطاعت
کدام است فرمود که از او رخصت طلبد برای سیر و حمام و عروسیها و عیدگاه و نوحه‌ها برود و او رخصت بدهد و
جامه های نازک از او طلبد که در بیرون بپوشد و برای او بگیرد و در حدیث دیگر فرمود که زن مثل
استخوان کج پهلوست که او را بحال خود بگذاری منتفع میشوی و اگر خواهی راست کنی میشکند
پس صبر کن بر ناخوشیهای ایشان بدانکه از جمله حقوق زن بر مرد آنست که هر چهار ماه یک نوبت
با او جماع کند اگر حاضر باشد و عذری نداشته باشد و این واجب است و اگر چند زن داشته باشد پیش
یک زن یک شب بخوابد واجب است که پیش زنهای دیگر هر یک یک شب بخوابد و جمعی را اعتقاد
آنست که مطلقا واجب است که پیش هر زنی از چهار شب یک شب بخوابد خواه یک زن داشته باشد
خواه زیاده و این احوط است و در کنیز و متعه اینها واجب نیست اما بهتر آنست که کنیزی که داشته باشد
خود دفع شهوت او بکند یا او را بشوهر دهد و در بعضی اخبار وارد شده است که اگر نکند و آنها زنا کنند
گناهش بر او است و مشهور میان علما آنست که اگر کسی زنی داشته باشد و زن دیگر بخواهد اگر باکره
است تا هفت شب مخصوص او است و اگر غیر باکره است تا سه شب

فصل هفتم

در بیان دعاهای
طلب فرزند و فضیلت آنها از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که فرزند صالح

گلیست از گلهای بهشت و فرمود که از سعادت آدمی فرزند صالح است و فرمود که فرزند بسیار بهم رسانید
که من بسیاری شما در قیامت مباهات خواهم کرد و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود
که بیماری که بفرزند میرسد کفارهٔ گناه پدر و مادر اوست و در حدیث صحیح منقول است که روزی جبرئیل
علیه السلام نازل شد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امیر المومنین علیه السلام ناله
میکردند جبرئیل از سبب آن پرسید حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که دو طفل ما آزار داشتند
و بگریهٔ ایشان متاذی شدیم جبرئیل علیه السلام گفت که یا محمد صلعم حقتعالی برای فرزندان شما شیعه چند بر انگیزد
که چون اطفال ایشان گریه کنند تا هفت سال گریهٔ ایشان لا اله الا الله باشد و چون هفت سال بگذرد
گریهٔ ایشان طلب آمرزش باشد برای پدر و مادر پس چون بحد بلوغ برسند پدر و مادر ایشان شریک در ثواب باشند
و در گناه شریک نباشند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که زن از روزی که
حامله می شود تا روزی که وضع حملش می شود و تا فرزند را از شیر باز میگیرد مثل ثواب کسی دارد که در سرحد
کافران مرابطه نماید و دفع ضرر ایشان از مسلمانان کند و اگر درین مابین بمیرد ثواب شهیدان دارد و در
حدیث صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که حضرت عیسی ع بقبری گذشت که
صاحبش را عذاب میکردند پس در سال دیگر بهمان قبر گذشتند صاحبش را عذاب نمیکردند از آن حال
سوال کرد از پروردگار خود وحی باو رسید که درین سال فرزند شایسته از و بحد بلوغ رسیده و راهی را اصلاح
کرد و یتیمی را جا داده باین سبب او را از کردهٔ فرزندش آمرزیدیم پس حضرت فرمود که میراثی که از برای خدا
از بنده میماند فرزندیست که بعد از و بعبادت خدا قیام نماید و در روایت دیگر منقول است که کسیکه بی فرزند
بمیرد گویا هرگز در میان مردمان نبوده است و کسی که بمیرد و فرزندی از و بماند گویا نمرده است و در حدیث صحیح
معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که حقتعالی بر دختران مهربان تر است
از پسران و هر مردی که شادی برساند بزنی که با و خویشی داشته باشد و محرم او باشد خدا تعالی او را در
قیامت شاد گرداند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که دختران حسنات اند و پسران نعمت اند و خدا بر حسنه
ثواب میدهد و از نعمت سوال میکند و آنحضرت به یکی از اصحاب خود فرمود که شنیده ام که دختری بهم رسانیده
نمیخواهی او را چه ضرر دارد بتو گلیست که او را بو میکنی و روزیش بر خداست و حضرت رسول صلعم پدر دختران
بود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت ابراهیم از پروردگار خود سوال کرد که دختری او را روزی کرد

که بعد از مرگ بر او گریه کند و فرمود که هر که آرزوی مرگ دختران خود کند و بمیرد ثواب نداشته باشد
و در قیامت نزد خدا عاصی باشد و در حدیث دیگر منقول است که شخصی نزد حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم نشسته بود خبر باو رسید که دختری برای او متولد شده است رنگش متغیر شد حضرت فرمود که
زمین او را برمیدارد و آسمان بر او سایه می‌افکند و خدا روزیش میرساند و گلیست که از او بو می‌کنی پس باصحاب
خود رو کردند و فرمودند که هر که یک دختر دارد بارش گران است و هر که دو دختر دارد بفریاد او رسید
بفریاد او برسید و هر که سه دختر داشته باشد جهاد و سائر آزارها از او بردارید و هر که چهار دختر داشته باشد
ای بندگان خدا او را یاری کنید ای بندگان خدا او را قرض دهید ای بندگان خدا بر او رحم کنید
و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقول است که هر که سه دختر یا سه خواهر خود را نفقه دهد بهشت او را
واجب شود بعد از آن فرمود که هر که دو تا را یا یکی را هم نفقه دهد بهشت او را واجب شود و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هرگاه کسی را دیر فرزند بهم رسد این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ لَا تَذَرْنِي فَرْداً وَ اَنْتَ
خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَحِيداً وَحْشاً فَيَقْصُرُ شُكْرِي عَنْ تَفَكُّرِي بَلْ هَبْ لِي عَاقِبَةَ صِدْقٍ ذُكُوراً وَ اِنَاثاً
آنَسُ بِهِمْ مِنَ الْوَحْشَةِ وَ اَسْكُنُ اِلَيْهِمْ مِنَ الْوَحْدَةِ وَ اَشْكُرُكَ عِنْدَ تَمَامِ النِّعْمَةِ يَا وَهَّابُ يَا عَظِيمُ
يَا مُعَظِّمُ ثُمَّ اَعْطِنِي فِي كُلِّ عَافِيَةٍ شُكْراً حَتَّى تُبَلِّغَنِي مِنْهَا رِضْوَانَكَ فِي صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ اَدَاءِ
الْاَمَانَةِ وَ وَفَاءٍ بِالْعَهْدِ و در حدیث حسن دیگر فرمود که برای طلب فرزند این دعا را در سجده
بخوان رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً اِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْداً وَ اَنْتَ
خَيْرُ الْوَارِثِينَ و در روایت دیگر فرمود که هر که خواهد که زنش حامله شود بعد از نماز جمعه دو رکعت نماز
بگذارد و رکوع و سجود را طول بدهد پس بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِمَا سَئَلَكَ بِهِ زَكَرِيَّا رَبِّ لَا تَذَرْنِي
فَرْداً وَ اَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ اَللّٰهُمَّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً اِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ اَللّٰهُمَّ
بِاسْمِكَ اسْتَحْلَلْتُهَا وَ فِي اَمَانَتِكَ اَخَذْتُهَا فَاِنْ قَضَيْتَ فِي رَحِمِهَا وَلَداً فَاجْعَلْهُ غُلَاماً مُبَارَكاً
زَكِيّاً وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكاً وَ لَا نَصِيباً و در روایت دیگر منقول است که ابرش کلبی بحضرت
امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد که مرا فرزند نمیشود فرمود که در هر روز یا هر شب صد نوبت استغفار کن
و بهتر آنست که اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ بگوید و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است
که صبح و شام هفتاد نوبت سُبْحَانَ اللهِ پس ده نوبت اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ بگوید پس سی مرتبه

سُبْحَانَ اللّٰه بگوید پس یک نوبت اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ بگوید روایی گوید که جمعی
کثیر این عمل مداومت نمودند فرزندان بسیار بهم رسانیدند و در هر یک از اینها بگفتن اَسْتَغْفِرُ اللّٰه تنها
اکتفا میتوان کرد و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که از برای
فرزندان در سحر استغفار صد مرتبه بکن و اگر شبی فراموش کنی در وقت دیگر قضا کن و شخصی دیگر بآن
حضرت شکایت کرد که مرا فرزند نمی شود فرمود که چون اراده جماع کنی بگو اَللّٰهُمَّ اِنْ رَزَقْتَنِی ذَکَرًا
سَمَّیْتُهُ مُحَمَّدًا و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام شکایت
کرد که من همیشه بیمارم و مرا فرزند نمی شود فرمود که در خانهٔ خود صدا باذان گفتن بلند کن چنان کرد
بیماریش صحت یافت و فرزندان بسیار بهم رسانید و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقول است که شخصی شکایت کرد که مرا فرزند نمی شود فرمود که چون خواهی که بنزد زن بروی این
سه آیه بخوان که انشاء اللّٰه ترا فرزندی کرامت میکند وَذَا النُّونِ اِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ
اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَیْهِ فَنَادٰی فِی الظُّلُمَاتِ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَکَ اِنِّی کُنْتُ مِنَ
الظَّالِمِینَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّیْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَکَذٰلِکَ نُنْجِی الْمُؤْمِنِینَ وَزَکَرِیَّا اِذْ نَادٰی رَبَّهُ
رَبِّ لَا تَذَرْنِی فَرْدًا وَاَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثِینَ و در حدیث دیگر فرمود که هر کرا فرزند نشود نیت کند
که اگر مرا فرزند شود علی نام خواهم کرد اگر چنین کند خدا او را پسری روزی کند و از حضرت امام زین
العابدین منقول است که هر که این دعا را بسیار بخواند هرچه خواهد از مال و فرزند و خیر دنیا و آخرت باو
عطا فرماید رَبِّ لَا تَذَرْنِی فَرْدًا وَاَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثِینَ وَاجْعَلْ لِی مِنْ لَدُنْکَ وَلِیًّا یَرِثُنِی فِی
حَیٰوتِی وَیَسْتَغْفِرُ لِی بَعْدَ مَوْتِی وَاجْعَلْهُ خَلْقًا سَوِیًّا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّیْطَانِ فِیهِ نَصِیبًا
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْتَغْفِرُکَ وَاَتُوبُ اِلَیْکَ اِنَّکَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ و از برای فرزند هفتاد مرتبه
این دعا بخواند از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگاه زنی را حمل باشد و چهار ماه برو گذرد
روی او را بقبله کن و آیة الکرسی بخوان و دست بر پهلوی او بزن و بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّی قَدْ سَمَّیْتُهُ مُحَمَّدًا
یعنی خدایا من او را محمد نام کردم چون چنین کند خدا آن فرزند را پسر گرداند پس اگر او را محمد نام کند
مبارک باشد و اگر او را محمد نام نکند و نام دیگر بگذارد خدا اگر خواهد از و بگیرد و اگر خواهد باو ببخشد و در
چند حدیث معتبر وارد شده است که هر که زن او حملی داشته باشد و عزم کند که او را محمد یا علی نام کند او را

پسر شود و در حدیث دیگر آنست که او را علی نام کن که عمرش طولانی‌تر باشد و در کتاب طب الائمه
روایت کرده که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از کمی فرزند حضرت
فرمود که سه روز بعد از نماز صبح و خفتن هفتاد مرتبه سُبْحَانَ اللهِ و هفتاد مرتبه أَسْتَغْفِرُ اللهَ بگو و بعد از آن
این آیه بخوان اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ
بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا پس در شب سیوم با زن خود جماع کند که
خدا پسری که خلقتش درست باشد بتو عطا فرماید و در کتاب نوادر الحکمه روایت کرده است که شخصی
بنزد امام محمد باقر علیه السلام آمد و گفت یا ابن رسول الله هفت دختر بهم رسانیده ام و روی پسر
تا حال ندیده ام حضرت فرمود که وقتیکه میان پای زن بنشینی دست راست خود را بر جانب راست
ناف زن بگذار و سوره انا انزلنا هفت نوبت بخوان و بعد از آن جماع کن و چون اثر حمل ظاهر
شود در شب هادست بر جانب راست ناف او بگذار و هفت مرتبه سوره انا انزلناه را بخوان آن مرد
گفت چنین کردم حقتعالی مرا هفت پسر بهم روزی کرد و از حضرت امام حسن علیه السلام منقول است
که هر که فرزند خواهد باید که استغفار بسیار بگوید **فصل هشتم** در بیان احکام ایام حمل و آداب روز
ولادت و نام نهادن طفل از حضرت صادق علیه السلام منقول است که زن حامله به بخورد تا فرزند
خوشبوتر و رنگ فرزندش صاف‌تر باشد و بسند معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم فرمود اول چیزیکه زن زائیده بخورد باید که رطب باشد چنانچه حق سبحانه تعالی بحضرت مریم
فرمود بعد از زائیدن حضرت عیسی علیه السلام رطب بخور گفتند اگر وقت رطب نباشد چه کنند
فرمود که نه دانه خرمای مدینه بخورد و اگر نباشد نه دانه از خرماهائی که باشد بخورد بدرستیکه حقتعالی میفرماید که بعزت
و جلال خودم سوگند که هر زن تازه زائیده که رطب بخورد فرزند او را بردبار گردانم و در حدیث معتبر
از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که بزنان حامله کندر بخورانید بدرستیکه چون
طفل در شکم مادر کندر غذا شود دلش محکم و عقلش زیاده میشود و اگر پسر باشد شجاع می شود و اگر دختر باشد
سرینش بزرگ می شود و بسبب این نزد شوهر عزیز میباشد و در حدیث معتبر منقول است که حضرت علی بن
الحسین علیهما السلام چون وقت ولادت زن می شد میفرمود که زنان را از خانه بیرون کنند که اول نظر
بر عورت طفل نیفکنند و منقول است که چون بآن حضرت بشارت فرزند میدادند نمی پرسیدند که پسر است

یا دختر بلکه اوّل می‌پرسید که خلقتش درست است پس اگر می‌گفتند که درست است و عیبی
در خلقتش نیست می‌فرمود اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ لَمْ یَخْلُقْ مِنِّیْ شَیْئاً مُشَوَّهاً یعنی سپاس مر خداوندی را
که از من نیافرید فرزندی که قبیح و معیوب باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
چون فرزند متولد شود بقدر عدسی از جاوشیر بگیرید و در آب حل کنید و دو قطره در بینی راست و یک قطره
در بینی چپ او بریزید و در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامت بگوئید پیش از آنکه نافش ببرند
که اگر چنین کنند هرگز ترس باو نمی‌رسد و ام الصبیان باو ضرر نمی‌رساند و در حدیث دیگر فرمود که قابله یا
دیگری را بگویند که اقامت در گوش راستش بگوید که هرگز ضرر جنیان باو نرسد و دیوانه نشود و حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که کام طفل را بآب فرات بردارید و بگوشش اقامت بگوئید و در
روایت دیگر وارد شده است که کامش را بآب فرات و تربت قبر امام حسین علیه السلام بردارید
و اگر آب فرات نباشد آب باران بردارید و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که
کام فرزندان خود را بخرما بردارید که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله چنین کرد با حسن و حسین و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که فرزندی از او متولد شود باید که اذان در گوش راست و
اقامت در گوش چپ او بگوید که نگاهدارنده اوست از شر شیطان و از حدیث ولادت
حسنین علیهما السلام ظاهر می‌شود که مکروه است طفل را در ابتدای ولادت در جامه زرد
پیچیدن و سنت است در جامه سفید پیچیدن و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کام
طفل خود را بتربت امام حسین علیه السلام بردارید که امان می‌دهد او را از دردها و بلاها و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که شخصی را تهنیت فرمود برای پسری که خدا باو عطا کرده بود و گفت
رَزَقَکَ اللّٰهُ شُکْرَ الْوَاهِبِ الْوَهَّابِ وَبَارَکَ لَکَ فِی الْمَوْهُوْبِ وَبَلَغَ بِهٖ اَشُدَّهٗ وَرَزَقَکَ
بِرَّهٗ یعنی خدا روزی کند ترا شکر آن خداوندی که فرزند را بتو بخشیده است و برکت دهد برای تو در آنچه
بتو بخشیده و او را بنهایت قوت برساند و روزی کند ترا نیکی او یعنی بتو نیکوکار باشد و نزدیک باین
عبارت بسند بسیار از حضرت امام حسن علیه السلام وارد شده است و ابن بابویه رحمه الله در کتاب
سرائر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که هرگاه دشوار شود بر زن زائیدن
بنویس از برای او این آیات را بر پوست و بریسمانی ببند بر ران راستش و چون وضع حملش شود باز کن

آیات اینست بسم الله الرحمن الرحیم کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة
من نهار بلاغ کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها اذ قالت امرأة عمران رب
انی نذرت لک ما فی بطنی محررا و مؤلف کتاب طب الائمة علیهم السلام روایت کرده است
که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام آمد و گفت زن من از درد زائیدن مشرف شده
است بمردن حضرت فرمود که برو این آیه را بخوان فاجاءها المخاض الی جذع النخلة قالت
یا لیتنی مت قبل هذا وکنت نسیا منسیا فناداها من تحتها الا تحزنی قد جعل ربک تحتک
سریا وهزی الیک بجذع النخلة تساقط علیک رطبا جنیا پس آواز بلند بگو والله اخرجکم
من بطون امهاتکم لا تعلمون شیئا وجعل لکم السمع والابصار والافئدة لعلکم
تشکرون کذلک اخرج ایها الطلق اخرج باذن الله چون بخوانی در ساعت نجات
یابد بسیار و بسند دیگر از آنحضرت روایت کرده است که از برای دشوار زائیدن این آیات را
در ظرف پاکیزه بمشک و زعفران بنویسد و آب چاه بشوید و بخورد آن زن بدهد و برشکم و فرجش بپاشد
کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها کانهم یوم یرون ما یوعدون
لم یلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل یهلک الا القوم الفاسقون لقد کان فی
قصصهم عبرة لاولی الالباب ما کان حدیثا یفتری ولکن تصدیق الذی
بین یدیه وتفصیل کل شیء وهدی ورحمة لقوم یؤمنون و بسند دیگر از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده که این آیات را برای حامله بر کاغذی بنویسد در وقتیکه داخل
شود در ماهی که در آن ماه وضع حمل او بشود و چیزی بر آن بپیچد اما گره بر آن نزند و برشکم آن زن ببندد
چون چنین کند درد و آزار زائیدن باو نرسد و بعد از زائیدن بزودی بگشاید و یک ساعت
باو نگذارد و آیات اینست اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما
وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون وآیة لهم اللیل نسلخ منه النهار فاذا هم
مظلمون والشمس تجری لمستقر لها ذلک تقدیر العزیز العلیم والقمر قدرناه منازل
حتی عاد کالعرجون القدیم لا الشمس ینبغی لها ان تدرک القمر ولا اللیل سابق النهار
وکل فی فلک یسبحون وآیة لهم انا حملنا ذریتهم فی الفلک المشحون وخلقنا لهم من

وَمِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ
وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ
آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ
كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنُطْعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ وَيَقُولُونَ
مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ
يَخِصِّمُونَ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ
مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ و در پشت کاغذ این آیات را بنویسد كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ
لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا
لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که راست‌ترین
نامها نامی است که دلالت بر بندگی خدا کند مثل عبدالله و بهترین نامها نام پیغمبران است و از حضرت امیرالمؤمنین
صلوات الله علیه و آله منقول است که فرزند را در شکم نام بگذارید و اگر نام نگذارید و سقط شود
در قیامت با پدر خود بگوید که مرا چرا نام نگذاشتی و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم محسن فرزند
حضرت فاطمه را در شکم نام گذاشت محسن آن فرزند است که بعد از رسول خدا شهید شد در شکم بود که او را
عمر شهید کرد و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که اول نیکی که پدر با فرزند خود کند آن است
که او را نام نیک بگذارد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که چهار فرزند از برای او
بوجود آید و هیچیک را بنام من مسمی نسازد مرا جفا کرده است و در حدیث دیگر از حضرت امام موسی
علیه السلام منقول است که فقر و پریشانی داخل خانه نمی‌شود که در آن خانه نام محمد یا احمد یا علی
یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله یا فاطمه بوده باشد و در حدیث معتبر منقول است
که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت مرا پسری بهم رسیده است چه نام کنم
او را فرمود که نام کن او را به بهترین نامها نزد من که آن حمزه است و از جابر منقول است که گفت با حضرت
امام محمد باقر علیه السلام بودم شخصی نیز طفلی بیرون آمد حضرت از او پرسیدند چه نام داری گفت محمد
پرسیدند چه کنیت داری گفت ابوعلی حضرت فرمود که خود را از شر شیطان و حفظ محکمی در آورده
بدرستیکه هرگاه شیطان بشنود که کسی آواز کند یا محمد یا علی آب میشود چنانچه قلعی آب میشود و تا آنکه بشنود کسی را

آواز میکنند بنام یکی از دشمنان ما شاد میشوند و فخر میکنند و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گفت که خدا مرا پسری داده است فرمود که مبارک باشد چه نام
کردی او را گفت محمد حضرت سر را بجانب زمین فرود آوردند و مکرر اسم محمد را میگفتند تا آنکه نزدیک
شد که روی مبارک ایشان بزمین برسد پس فرمود که جان خودم و فرزندانم و زنانم و پدر و مادرم و جمیع
اهل زمین فدای حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم باد اما چون او را چنین نام کردی پس او را دشنام
مده و او را مزن و بد مرسان بدانکه هیچ خانه نیست که در آن اسم محمد باشد مگر آنکه هر روز آن خانه را تقدیس
و مطهر گردانند و در چندین حدیث وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نهی
فرموده است از نام گذاشتن باسم حکم و حکیم و خالد و مالک و نهی فرموده از چهار کنیت ابو عیسی و ابو الحکم و ابو المالک
و ابو القاسم در وقتیکه نام و کنیت هر دو موافق حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم باشد و فرمود که
دشمن ترین نامها نزد خدا حارث و مالک و خالد است و در حدیث وارد شده است که یاسین نام
مکنید که مخصوص حضرت پیغمبر است و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که هر
گروهی که جمع شوند برای مشورت و در میان ایشان کسی باشد که نامش محمد یا حامد یا احمد یا محمود
باشد البته که آنچه خیر است برای ایشان بر آن قرار میگیرد و فرمود فرزندی را که محمد نام کنید او را گرامی
دارید و جا از برای او در مجلس بگشائید و رو بروی او ترش مکنید و فرمود هر اهل بیتی که در میان ایشان
نام پیغمبری باشد حق تعالی هر روز در صبح و پسین ملکی میفرستد که دعا کند برای ایشان بتقدیس
حق پاک و در فقه الرضا مذکور است که نام را در روز هفتم تعیین کنید بدانکه از جمله اعمالی که در روز ولادت
سنت مؤکده است غسل دادن طفل است و بعضی واجب میدانند و احوط آنست که نیت کند
که غسل میدهم این طفل را از برای رضای خدا و سر و گردنش را اول بشوید بعد از آن جانب راستش و بعد از آن
جانب چپش را **فصل نهم** در عقیقه کردن و سر تراشیدن و آداب هر یک از آنها بدان که عقیقه
فرزند سنت مؤکده است برای کسیکه قادر بر آن باشد و بعضی از علما واجب میدانند و بهتر آنست که
در روز هفتم واقع شود و اگر تاخیر کند از روز هفتم تا بلوغ طفل بر پدر سنت است و بعد از بلوغ تا آخر عمر
بر خودش سنت است و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که عقیقه واجب است بر کسیکه
او را فرزندی بهم رسد و در احادیث بسیار منقول است که هر فرزندی در گرو عقیقه است یعنی اگر

بکند او در معرض مردن و انواع بلاها است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که عقیقه
لازم است بر کسیکه غنی باشد و کسی که فقیر باشد بعد از آن که بهم رساند بکند و اگر بهم نرساند بر او چیزی نیست
و اگر عقیقه برای فرزند نکنند و هر وقتیکه قربانی برای او بکنند قربانی از عقیقه مجزی است و در
حدیث دیگر منقول است که از آنحضرت پرسیدند که ما طلب کردیم گوسفند برای عقیقه بدست ما
نیامد چه میفرمائید که تصدق کنیم قیمتش را فرمود که طلب کنید تا بیابید که خدا دوست میدارد خورانیدن
طعام و ریختن خون را و در حدیث دیگر وارد شده است که پرسیدند از حضرت فرزندی که بمیرد در روز هفتم
عقیقه اش میباید کرد فرمود که اگر پیش از ظهر بمیرد عقیقه ندارد و اگر بعد از ظهر بمیرد عقیقه دارد و در حدیث
معتبر از عمر بن یزید منقول است که بخدمت آنحضرت عرض کرد که نمیدانم که پدرم برای من عقیقه کرده است
یا نه فرمود که عقیقه بکن پس او در پیری خود را عقیقه کرد و در حدیث حسن از آنحضرت منقول است
که فرزند را روز هفتم نام بگذارید و عقیقه بکنید و سرش را بتراشید و موی سرش را بنقره بکشید و آن نقره را تصدق
بکنید و یک ران عقیقه را برای قابله که مدد کرده است در زائیدن بفرستید و باقی را بخورد مردم
بدهید و تصدق بکنید و در حدیث موثق دیگر فرمود که هرگاه پسری یا دختری برای تو متولد شود عقیقه
میکنی در روز هفتم گوسفندی یا شتری و نام بگذار و سرش را بتراش در روز هفتم و بوزن موی سرش
طلا یا نقره تصدق کن و در حدیث دیگر وارد شده است که ربع گوسفند را بقابله بدهند و اگر بی قابله
زائیده باشد از برای مادر بدهند که بهر که خواهد بدهد و اقلا بخورد ده کس از مسلمانان بدهند هر چند زیاده باشد
بهتر است و خود از گوشت عقیقه نخورد و اگر قابله زن یهودیه باشد قیمت ربع گوسفند را باو بدهند
و مشهور میان علما آنست که عقیقه شتر یا گوسفند یا بز میباشد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در روز ولادت امام حسین علیه السلام اذان در گوش ایشان
گفتند و حضرت فاطمه صلوات الله علیها در روز هفتم عقیقه برای ایشان کردند و بقابله پای گوسفند را دادند
با یک اشرفی و باید که اگر شتر باشد پنج ساله یا در شش باشد و یا بیشتر و اگر بز باشد یکساله یا در دو باشد
یا بیشتر و اگر گوسفند باشد اقلا ششماهه یا در هفت باشد و اگر هفت ماه تمام باشد بهتر است و باید که
خصیه اش را نکشیده باشند و بهتر آنست که نمالیده باشند و مغز شاخش شکسته باشد و گوشش بریده
باشد و بسیار لاغر نباشد و کور نباشد و لنگ بسیار نباشد که بمذبح راه رفتن دشوار باشد اما در حدیث معتبر از حضرت

صادق علیه السلام منقول است که عقیقه از باب قربانی نیست هر گوسفندی که باشد خوب است غرض که
گوشتش هرچند که فربه باشد بهتر است و مشهور میان علما آنست که سنت است که عقیقه پسر نر باشد
و عقیقه دختر ماده باشد و گمان فقیر آنست که از برای هر دو گوسفند نر خوب است موافق احادیث بسیار
و از برای هر دو گوسفند ماده هم خوب است و سنت است که پدر و مادر از گوشت عقیقه نخورند بلکه
بهتر آنست که از طعامی که در آن گوشت را پخته باشند نخورند و خوردن مادر کراهتش بیشتر است
و بهتر آنست که عیال پدر و مادر هم که در خانه ایشان می باشند از آن گوشت و طعام نخورند و سنت است
که استخوانها را نشکنند بلکه از بندها جدا کنند و سنت است که بپزند و خام تصدق نکنند و اقلش
آنست که با آب و نمک بپزند بلکه محتمل است که این بهتر باشد و اگر خام تصدق کنند و این هم خوب است
و اگر حیوان عقیقه بهم نرسد قیمتش را تصدق کردن فائده ندارد بلکه باید صبر کنند تا بهم رسد و شرط نیست که
جماعتی که بخورند گوشت عقیقه را همه فقیر باشند اما صلحا و فقرا را طلبیدن بهتر است و مشهور آنست که سنت
است اول سر بتراشند و آخر عقیقه را بکشند و در حدیث وارد شده است که سر تراشیدن و عقیقه را
کشتن و موی سر را بطلا یا نقره کشیدن و تصدق نمودن در یک جا و یک وقت میباید کرد و در سر تراشیدن
سنت است که همه سر را بتراشند و زلف و کاکل نگذارند و در روایتی وارد شده است که طفلی را نزد
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آوردند که از برای او دعا کنند و آن طفل کاکل داشت حضرت
از برای او دعا نکردند و فرمودند که کاکلش را بتراشند و در روایتی وارد شده است که حضرت رسول خدا
صلی الله علیه و آله و سلم برای امام حسن و امام حسین علیهما السلام دو گیسو در دو جانب چپ سر ایشان
گذاشتند و در روایت دیگر در میان سر و ممکن است که این مخصوص ایشان باشد یا آنکه در تراشیدن
اول کراهیت داشته باشد و در روایتی وارد شده است که سنت است که زعفران بعد از سر
تراشیدن بر سر او بمالند و در احادیث بسیار نهی وارد شده است از مالیدن خون عقیقه بر سر طفل
که این از عمل جاهلیت است و در روایت معتبر منقول است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
که در وقت کشتن گوسفند عقیقه این دعا بخواند بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَللّٰهُمَّ عَقِيقَةٌ عَنْ فُلَانٍ نام او را
بگیرد و بگوید لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَدَمُهَا بِدَمِهِ وَعَظْمُهَا بِعَظْمِهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا وِقَاءً لِآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى
اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و در روایت معتبر دیگر فرمود که این دعا بخواند بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ

وَاللّهُ اَکْبَرُ اِیْمَاناً بِاللّهِ وَثَنَاءً عَلَی رَسُولِ اللّهِ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَالْعِصْمَةُ لِاَمْرِهِ
وَالشُّکْرُ لِرِزْقِهِ وَالْمَعْرِفَةُ بِفَضْلِهِ عَلَیْنَا اَهْلَ الْبَیْتِ پس اگر پسر باشد بگوید اَللّهُمَّ اِنَّکَ
وَهَبْتَ لَنَا ذَکَراً وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِمَا وَهَبْتَ وَمِنْکَ مَا اَعْطَیْتَ وَکُلَّمَا صَنَعْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا
عَلَی سُنَّتِکَ وَسُنَّةِ نَبِیِّکَ وَرَسُولِکَ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَاخْسَأْ عَنَّا الشَّیْطَانَ الرَّجِیمَ
لَکَ سُفِکَتِ الدِّمَاءُ لَا شَرِیکَ لَکَ وَالْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ اَللّهُمَّ لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ
وَدَمُهَا بِدَمِهِ وَعَظْمُهَا بِعَظْمِهِ وَشَعْرُهَا بِشَعْرِهِ وَجِلْدُهَا بِجِلْدِهِ اَللّهُمَّ اجْعَلْهَا
وِقَاءً لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ و بجای فلان ابن فلان نام طفل و پدرش را بگوید و در حدیث موثق دیگر
فرمود که این دعا بخواند یَا قَوْمِ اِنِّی بَرِیءٌ مِمَّا تُشْرِکُونَ اِنِّی وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ
السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ حَنِیفاً مُسْلِماً وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِکِینَ اِنَّ صَلٰوتِی وَنُسُکِی وَمَحْیَایَ
وَمَمَاتِی لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ لَا شَرِیکَ لَهُ وَبِذٰلِکَ اُمِرْتُ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِینَ اَللّهُمَّ مِنْکَ
وَلَکَ بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ وَاللّهُ اَکْبَرُ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنْ فُلَانِ ابْنِ
فُلَانٍ بجای این نام فرزند و پدرش را ببرد پس آن را بکشد **فصل دوم** در ختنه کردن پسران و دختران
و سوراخ کردن گوش ایشان و آداب هر یک بدانکه در روز هفتم سنت مؤکد است ختنه کردن پسران
و اگر در روز هفتم نکنند هم سنت است بعد از آن تا بالغ شدن طفل و بعد از بالغ شدن بر خودش واجب
است و بعضی گفته اند نزدیک به بلوغ بر ولی طفل واجب است و ختنه کردن دختران نیز سنت مستحب
است که اندکی ببرند و بسیار نبرند و سوراخ کردن نرمه گوش است و بالای گوش چپ از برای
پسران سنت است و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ختنه کنید
فرزندان خود را در روز هفتم که بیشتر پاکیزه میکند بدن طفل را و گوشت در بدن او زودتر میروید و زمین
کراهیت دارد از بول کسی که ختنه اش نکرده باشند و فرمود که گوش پسر را سوراخ کردن و در روز هفتم
ختنه کردن از سنت است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که زمین نجس
می شود از بول کسی که ختنه اش نکرده باشند تا چهل روز و در حدیث صحیح دیگر فرمود که زمین ناله میکند
بسوی خدا از بول او و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که پسر را در روز
هفتم ختنه کردن سنت است و اگر پس اندازند هم باکی نیست و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله

علیه و آله فرمود که کسی که مسلمان شود ختنه اش کنند اگرچه هشتاد ساله داشته باشد و در چند حدیث وارد شده است که ختنه کردن مردان سنت است و زنان را سنت نیست اما باعث این می شود که نزد شوهران گرامی باشند و چیزی از این بهتر نمی باشد و در روایتی از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که ختنه مکنید زنان را اگر بعد از هفت سال و در حدیث معتبر منقول است که چون زنان بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم هجرت کردند زنی آمد که او را ام حبیبه می گفتند و زنان را ختنه میکرد حضرت فرمود که ای ام حبیبه آنکاری که داشتی هنوز داری گفت بلی یا رسول الله مگر آنکه نهی فرمائی و من ترک کنم حضرت فرمود که نه بلکه حلال است بیا تا ترا بیاموزانم که چه باید کرد چون ختنه کنی زنان را بسیار مبر و اندکی بگیر که رو را نورانی و رنگ را صاف تر میگرداند و نزد شوهر عزیز میباشد پس ام عطیه خواهر او آمد که زنان را مشاطگی میکرد حضرت با او فرمود که چون زنان را مشاطگی کنی برای جلا دادن پارچه های جامه بر روی ایشان مالیدن خوب نیست آبروی ایشان می برد و موی دیگر را بموی ایشان پیوند مکن و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در وقت ختنه کردن پسران این دعا بخوانند و اگر در آن وقت میسر نشود تا بالغ شدن طفل هر وقت که میسر شود بر آن طفل بخوانند که از حرارت آهن را مانند کشتن و غیره آن دفع میکند دعا این است اللّٰهُمَّ هٰذِهِ سُنَّتُكَ وَسُنَّةُ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاتِّبَاعٌ مِنَّا لَكَ وَلِنَبِيِّكَ بِمَشِيَّتِكَ وَاِرَادَتِكَ وَقَضَائِكَ لِأَمْرٍ اَرَدْتَهُ وَقَضَاءٍ حَتَمْتَهُ وَاَمْرٍ اَنْفَذْتَهُ فَاَذَقْتَهُ حَرَّ الْحَدِيدِ فِي خِتَانِهِ وَحِجَامَتِهِ لِأَمْرٍ اَنْتَ اَعْرَفُ بِهِ مِنِّي اللّٰهُمَّ فَطَهِّرْهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَزِدْ فِي عُمْرِهِ وَادْفَعِ الْآفَاتَ عَنْ بَدَنِهِ وَالْأَوْجَاعَ عَنْ جِسْمِهِ وَزِدْهُ مِنَ الْغِنَى وَادْفَعْ عَنْهُ الْفَقْرَ فَاِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا نَعْلَمُ و از حسین بن خالد منقول است که از حضرت امام رضا علیه السلام سوال کرد که تهنیت و مبارکباد فرزند را چه روز باید گفت فرمود که چون حضرت امام حسن علیه السلام متولد شد جبرئیل برای تهنیت بحضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد در روز هفتم و امر کرد که او را نام بگذارد و سر را بتراشد و عقیقه از برای او بکند و گوشش را سوراخ کند و همچنین در ولادت حضرت امام حسین علیه السلام در روز هفتم جبرئیل آمده و با اینها امر کرد و ایشان را دو گیسو بود در جانب چپ سر و در گوش راست در بالای گوش سوراخ کردند و در گوش چپ در بالای گوش و از حضرت صاحب الامر علیه السلام

منقول است که اگر پسری را ختنه کنند و باز غلاف بروید و سر حشفه را پنهان کند باید که باز دیگر ختنه
کنند او را زیرا که زمین ناله میکند بسوی خدا از بول کسیکه حشفه اش در غلاف باشد تا چهل صباح
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کسی را که ختنه نکرده باشد پیش نمازی مردم نکند
و گواهی او مقبول نیست و اگر بمیرد بر روی نماز نکنند زیرا که بهترین سنتهای پیغمبر را ترک کرده است
مگر آنکه از ترس مردن ترک کرده باشد و در حدیث دیگر منقول است که اول زنی را که ختنه کردند
هاجره بود مادر حضرت اسمعیل که ساره مادر اسحاق از روی غضب او را ختنه کرد و باعث زیادتی خوبی او
شد و از آن روز سنت جاری شد که زنان را ختنه کنند **فصل یازدهم** در آداب شیر دادن و تربیت
فرزندان و رعایت ایشان بدانکه منتهای شیر دادن فرزندان دو سال است و مشهور میان
علما آنست که بی عذری زیاده از دو سال شیر دادن جایز نیست مگر آنکه آزاری داشته باشد و مضطر
باشد و از بیست و یک ماه کمتر ندهد مگر آنکه ضرورتی باشد که دایه بهم نرسد یا قادر بر اجرت او نباشد
و مادرش شیر نداشته باشد یا آزاری داشته باشد و بعضی علما واجب میدانند که مادر بفرزند بخوراند
شیر اول که بپستانش می آید و آنرا شیر پک می نامند و گفته اند که اگر آن شیر را ندهند طفل یا نمیماند یا قوت
نمی یابد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که نافع ترین و مبارک ترین شیرها برای
فرزند شیر مادر است و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام دیدند
که مادر اسحاق فرزند خود را شیر میدهد فرمودند که ای مادر اسحاق از یک پستان شیر مده از هر دو پستان
شیر بده که یکی بعوض طعام است و یکی بعوض آب و فرمود که هرچه کمتر از بیست و یک ماه شیر دهند
بفرزند خود ظلم است و در حدیث صحیح دیگر فرمود که دایه گبر شیر ندهد بفرزند شما دایه یهودی و نصرانی
میتوان گرفت اما فرزند را بایشان نباید داد که بخانه خود ببرند و منع می باید کرد ایشان را از خوردن
شراب و گوشت خوک و سایر چیزهای که حرام است در دین مسلمانان و ایشان حلال میدانند و در
احادیث معتبره نهی کرده اند از شیری که از زنا بهم رسیده باشد و در بعضی اخبار وارد شده است که
اگر کنیزی زنا کند و فرزند بهم رساند اگر صاحب کنیز حلال کند کنیز خود را و آن مردی که زنا کرده است آن شیر را
بفرزند میتوان داد و در اخبار نهی وارد شده است از شیر زنی که خودش از زنا بهم رسیده باشد و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرموده اند از شیر زن احمق یا زنی که چشمش معیوب باشد زیرا که شیر

در فرزند تاثیر میکند و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که دایه بگیرید که بصورت و سیرت
نیکو باشد زیرا که شیر در طفل سرایت میکند و طفل شبیه می شود بدایه در صورت و سیرت و از
حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرزند خود را تا هفت سال بگذار که بازی کند
و بعد از ان تا هفت سال دیگر سعی کن در تربیت او اگر نیک شود دیگر سعی کن و اگر نه امید
چیزی از و نیست و در حدیث دیگر فرمود که هفت سال او را بگذار که بازی کند و بعد از ان
تا هفت سال دیگر خط و سواد او را بیاموز و هفت سال دیگر حلال و حرام خدا او را بیاموز
و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که طفل را تا هفت سال نگهدار و تربیت بدنش
باید کرد و هفت سال دیگر آداب باو باید آموخت و هفت سال دیگر بخدمتش باید فرمود
تا بیست و سه سال قدش بلند میشود و تا سی و پنج سال عقلش زیاده میشود بعد از ان او را تجربه ها
حاصل میشود و در روایت دیگر وارد شده است که پسران که شش ساله شوند می باید که
با یک دیگر ایشانرا در یک لحاف نخوابانند و در روایت دیگر وارد شده است که پسران
و دختران که ده ساله شوند باید که رخت خواب ایشانرا جدا کنند و حضرت صادق علیه السلام
فرمود که فرزندان خود را از و احادیث یاد بدهید که مخالفان مذهب ایشانرا گمراه نکنند
و در احادیث معتبره وارد شده است که تادیب کنید فرزند خود را بر محبت علی ابن ابیطالب
علیه السلام اگر قبول نکنند نظر کنید در امر مادر شان یعنی این علامت فرزند زناست که قبول
محبت امیر المومنین علیه السلام نمیکند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که محبت ما اهل بیت
را در دل خود بیابد مادرش را بسیار دعا کند که با پدرش خیانت نکرده است و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که حق فرزند بر پدر آنست که او را بنام نیکو بخواند
و نیکو تادیب نماید و بکسب نیکو او را بدارد و در حدیث دیگر منقول است که سکونی بخدمت
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد و گفت من غمگین ام فرمود که سبب غم تو چیست
گفت خدا بمن دختری داده است فرمود که ای سکونی زمین او را بر میدارد و روزیش
بر خدا است و زندگانی میکند بغیر عمر تو و روزی ترا نمیخورد و پس فرمود که او را چه نام کرده
گفت فاطمه حضرت فرمود که آه آه و دست بر پیشانی گذاشتند و گفتند که رسول خدا

صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که حق فرزند بر پدر اگر پسر باشد آنست که دایهٔ نیک برای او بگیرد
و نامش نیک تعیین کند و قرآن باو بیاموزد و او را ختنه کند و شناگری او را یاد دهد و اگر
دختر باشد مادر برای او دایهٔ نیک قرار دهد و نامش را نیک کند و سورهٔ نور بیاموزد و سورهٔ یوسف
نیاموزاند و در بالاخانه او را جا ندهد و زود او را بخانهٔ شوهر فرستد پس فرمود که چون فرزند
خود را فاطمه نام کرده او را دشنام مده و لعن مکن و مزن و از حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه و آله منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که بفرزندان خود
بیاموزانید شناکردن و تیر انداختن را و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که شوخی و کج خلقی
طفل در کودکی علامت آنست که در بزرگی دانا و بردبار خواهد بود و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله وسلم مرویست که پدر و مادر را نیز گناه عقوق فرزندی باشد و عاق فرزندان می شوند
چنانچه فرزندان عاق پدر و مادر میشوند فرمود که خدا رحم کند پدر و مادری را که یاری کنند فرزندان
خود را در نیکی کردن بایشان و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که خدا رحم کند کسیرا که اعانت نماید فرزند خود را بر نیکی او راوی
عرض کرد که چگونه اعانت کند فرمود که کار آسانی که از و بعمل آید قبول کند و کاری که بر او دشوار
باشد نکند از و در گذرد و تکلیف های دشوار باو نکند و سفاهت و تندی باو نکند و در حدیث
دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کرد که با کی نیکی کنم
فرمود با پدر و مادرت گفت ایشان مرده اند فرمود با فرزندان خود نیکی کن و در حدیث دیگر
فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که دوست دارید اطفال خود را و رحم کنید
بایشان و اگر وعده کنید بایشان وفا کنید بآن زیرا که ایشان گمان میکنند که شما روزی میدهید ایشانرا و حضرت امام
موسی علیه السلام فرمود که خدا غضب نمیکند برای چیزی مانند آنکه غضب کند از برای ظلم بر زنان
و طفلان و در حدیث صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که هر که فرزند خود را
ببوسد خدا حسنه برای او بنویسد و هر که فرزند خود را شاد کند در قیامت خدا او را شاد کند و هر که
قرآن بیاموزاند بفرزندان خود در قیامت پدر و مادر او را طلب کنند و دو حله بایشان بپوشانند
که از نور آن دو جامه روی اهل بهشت روشن شود و در حدیث دیگر فرمود که شخصی بخدمت

حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم آمد و گفت کہ ہرگز اطفال خود را نبوسیدہ ام چون او رفت حضرت فرمود کہ این مرد نزد من از اہل جہنم است و در حدیث دیگر فرمود کہ ہر کہ طفلی داشتہ باشد باید کہ با او طفلانہ بازی کند و حضرت صادق علیہ السلام فرمود کہ خدا رحم میکند بندۂ خود را بسبب آنکہ بسیار دوست میدارد فرزند خود را و در حدیث دیگر فرمود کہ حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم دید شخصی را کہ دو پسر داشت یکی را بوسید و یکی را نبوسیدہ حضرت فرمود کہ چرا ہر دو را مثل ہم مہربانی نکردی بدانکہ بہتر آنست کہ در میان فرزندان زیادتی قرار ندہند مگر آنکہ یکی عالم تر و صالح تر باشد باین سبب او را زیادتی دہد و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام مرویست کہ چون پسر سہ سالہ شود باو بگوئید کہ ہفت مرتبہ بگوید لَا اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ و چون سہ سال و ہفت ماہ و بیست روز از عمر او بگذرد بگوئید کہ ہفت مرتبہ بگوید مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰہِ پس چون چہار سال تمام شود بگوئید باو کہ ہفت مرتبہ بگوید صَلَّی اللّٰہُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِہٖ پس چون پنج سالش تمام شود او را امید ارند کہ خدا را سجدہ کند پس چون شش سالش تمام شود نماز بیادش بدہند و چون ہفت سالش تمام شود وضو و نماز خوب بیاد او بدہند و امر بنماز کنند او را و چون نہ سالش تمام شود وضو و نمازش را خوب بیاد او بدہند و بر ترک وضو و نمازش بزنند پس چون وضو و نماز را یاد گرفت خدا پدر و مادرش را می آمرزد و در روایت دیگر منقول است کہ حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیہ وآلہ نہی فرمود از آنکہ حربۂ آہن باطفال بپوشانند یا بدست ایشان بدہند و در حدیث معتبر دیگر فرمود کہ از چربی و کسافت دست و روی اطفال را در شب پیش از خواب بشوئید کہ شیطان می آید و ایشانرا بو میکند و در خواب می ترسند و ملائکہ نویسندگان اعمال متاذی میشوند و از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقول است کہ ہر کہ ببازار رود و تحفہ بخرد و بردارد و برای عیال خود بخانہ آورد چنانست کہ تصدقی برای جمعی از فقرا برداشتہ و بایشان رسانیدہ است باید کہ اول بدختران بدہد پیش از پسران بدرستیکہ ہر کہ دختری را خوشحال کند چنانست کہ بندۂ از فرزندان اسماعیل آزاد کردہ است و کسی کہ دیدہ پسر را روشن کند و او را شاد کند چنانست کہ از ترس خدا گریستہ باشد و ہر کہ از ترس خدا گرید خدا او را داخل بہشت گرداند و از حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام منقول است کہ باطفال خود بخورانید قاودت را کہ گوشت در بدن ایشان

میرویاند و استخوان ایشانرا محکم میکند و در حدیث دیگر فرمود که انار بخورانید پسرانرا که زود زود بقوت برساند ایشانرا و زود بحد بلوغ و جوانی میرساند و در کتاب طب الائمه از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که اگر طفل گریه بسیار کند یا زنی در خواب ترسد یا کسی را از دردی بیداری بروستولی شود این آیه را بخواند فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا و در احادیث معتبره وارد شده است که دختری که شش ساله شود مرد نامحرم او را نبوسد و در دامن ننشاند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام بمجلسی بودند دختری را بمجلس آوردند مردم می بوسیدند و در دامن مے نشاندند چون نوبت بحضرت امام رسید پرسیدند که چند سال دارد گفتند که پنج سال است حضرت او را دور کردند و نبوسیدند و بدامن ننشانیدند و در حدیث دیگر وارد شده است که دختری که شش سالش تمام شود مادر او را برهنه در پهلوی خود نخواباند که بمنزله زنان است و در حدیث دیگر وارد شده است که دختری که از شش سال بگذرد پسران او را نبوسند و پسری که از هفت سال بگذرد زنان او را نبوسند و در احادیث معتبره وارد شده است که ملعون است کسی که عیال خود را ضایع گذارد و خرج ندهد ایشانرا یعنی با قدرت و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که عیال آدمی اسیران اویند پس کسیکه خدا نعمتی باو کرامت کند باید که بر اسیران خود توسع کند و اگر نکند بزودی آن نعمت از او زائل شود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که خرج دو دختر یا دو خواهر یا دو عمه یا دو خاله را بکشد حاجب و مانع او باشد از آتش جهنم و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که در بهشت درجه ایست که بآن درجه نمیرسند مگر سه کس امام عادل و شخصی که احسان بخویشان خود بکند و صاحب عیالی که بر خرج عیال و آزار ایشان صبر کند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که پنج کس اند که نفقه دادن ایشان واجب است فرزند و پدر و مادر و بنده و زن و فرزندشان فرزند فرزندان هم میشود هر چند پائین روند و پدر و مادر شامل جد و جده پدری و مادری است هر چند بالا روند **فصل دوازدهم** در بیان حق پدر و مادر بر فرزند و وجوب رعایت حرمت ایشان بدانکه رعایت حرمت پدر و مادر از عمده شرایع دین است و ایشانرا از خود راضی داشتن از جمله اشرف طاعات است و عاق ایشان بودن و ایشانرا از خود آزرده داشتن

از جمله گناهان کبیره است و حق تعالی در قرآن فرموده که اگر پدر و مادر تو کافر باشند و ترا امر کنند
که کافر شو درین باب اطاعت ایشان مکن اما در دنیا با ایشان نیکو مصاحبت کن و در حدیث
معتبر منقول است که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و گفت مرا وصیتی بکن
حضرت فرمود که ترا وصیت میکنم که بخدا شرک نیاوری هر چند ترا باتش بسوزانند مگر آنکه بزبان
حرفی بگوئی و دلت ثابت بر ایمان باشد و ترا وصیت میکنم که اطاعت پدر و مادر بکنی و با ایشان نیکی
کنی خواه زنده باشند خواه مرده هر چند ترا گویند که از زن و مال خود بگذری بکن که این از جمله ایمان است
و در حدیث دیگر منقول است که شخصی از آنحضرت پرسید که حق پدر بر فرزند چیست فرمود که نام او را نگوید
و پیش او راه نرود و پیش از آنکه پدر بنشیند او نه نشیند و کاری نکند که مردم به پدرش دشنام دهند و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که چه مانع است احدی از شما را که احسان نماید به پدر و مادر خود خواه زنده
باشند خواه مرده یا آنکه بعد از مردن نماز برای ایشان بکند و روزه برای ایشان بدارد و حج به نیابت
بکند و آنچه میکند ثوابش به آنها عاید می شود و هم بخودش بسبب آن نیکی که با ایشان کرده است خدا
ثواب بسیار باو میدهد و در حدیث حسن فرمود که شخصی نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
آمد و گفت یا رسول الله با که نیکی کنم فرمود که با مادرت تا سه مرتبه پرسید و چنین فرمود و در مرتبه
چهارم فرمود که با پدرت و در حدیث دیگر فرمود که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم آمد و گفت یا رسول الله بسیار رغبت دارم بجهاد حضرت فرمود که جهاد کن در راه خدا
اگر کشته شوی زنده خواهی بود نزد خدا و روزی در بهشت خواهی یافت و اگر بمیری مزدت
بر خدا است و اگر زنده برگردی از گناهان بدر آئی مانند روزی که از مادر متولد شده گفت
یا رسول الله پدر و مادر پیری دارم که با من انس دارند و نمیخواهند که من از ایشان جدا شوم حضرت
فرمود که پس باید که با پدر و مادر خود باشی بحق آنخدائی که جانم بدست قدرت اوست که انسی که
یک شبانه روز ایشان با تو داشته باشند بهتر است از یکسال در راه خدا جهاد کردن و حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که کسی جزای حق پدر را نمیتواند ادا کرد مگر در دو چیز یکی آنکه
پدر بنده باشد و او بخرد و آزاد نماید دوم آنکه بر او قرضی باشد و او ادا کند و در حدیث دیگر فرمود
که گاه هست که کسی نیکوکار است با پدر و مادر در زندگی ایشان و بعد از مردن قرض ایشانرا ادا

نمیکند پس خدا او را عاق پدر و مادر مینویسد و گاه هست که کسی عاق ایشان است در زندگی
ایشان پس چون مردند قرض شان را ادا میکند و استغفار از برائی ایشان میکند پس خدا او را نیکوکار
مینویسد و در حدیث دیگر فرمود که سه چیز است که خدا هیچ وجه در ان رخصتی نداده است اول
ندادن امانت از هر که باشد خواه نیکوکار خواه بدکار دوم وفا بعهد و پیمان خود نکردن خواه نیکوکار
باشد خواه بدکار سوم نیکی با پدر و مادر نکردن خواه نکوکار باشند خواه بدکار باشند و در حدیث
دیگر فرمود که ادنای عقوق پدر و مادر آنست که اف بر روی ایشان بگوئی و در حدیث دیگر فرمود
که چون روز قیامت شود پرده از پردهای بهشت بگشایند پس هر صاحب جانی بوی آن از پانصد
ساله راه بشنود مگر کسیکه عاق پدر و مادر باشد و در حدیث دیگر فرمود کسی که از روی غضب و خشم
نظر به پدر و مادر بکند در وقتیکه بر او ظلم کنند ایشان خدا هیچ نماز او را قبول نمیکند و در حدیث دیگر
فرمود که از عقوق است آنکه کسی تند نظر کند بسوی پدر و مادر و در حدیث معتبر منقولست که حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که پدرم دید که شخصی پسرش با او راه میرود و تکیه بر دست پدر کرده
است پدرم دیگر با آن پسر سخن نکرد تا زنده بود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که با پدران خود نیکی کنید
تا فرزندان شما با شما نیکی کنند و از زنان دیگران عفت کنید تا زنان شما با شما عفت کنند
و فرمود که هر که خواهد که سکرات مرگ بر او آسان شود باید که با خویشان خود احسان کند و با پدر
و مادر خود نیکی کند اگر چنین کند سختیهای مرگ را حقتعالی بر او آسان کند و هرگز در زندگی او باو پریشانی
نرسد و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول هست که چهار خصلت است که هر که
از مؤمنان در او آن خصلتها جمع شود حقتعالی در اعلای علیین مراتب بهشت در بلندترین غرفه
عزت و شرف او را جا دهد کسیکه یتیمی را پناه دهد و متوجه احوال او شود و برای او بجای پدر باشد
و کسی که ضعیف شکسته را رحم کند و یاری نماید و کارهای او را متکفل شود و کسیکه خرج پدر و مادر خود را
بکشد و با ایشان مدارا کند و نیکی با ایشان کند و ایشان را هرگز آزرده نکند و کسیکه با بندهٔ خود یاری نماید
و سفاهت و تندی نکند و اعانت کند او را در خدماتی که باو میفرماید و کاری که باو دشوار باشد نفرماید
و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سه دعا است که البته مستجاب است
دعای پدر و مادر برای فرزند نیکوکار و نفرین ایشان بر فرزندی که عاق باشد و نفرین مظلوم بر ظالم و دعا

مظلوم برای وسیلهٔ انتقام او از آن ظالم بکشد و دعائی مؤمنی که برای برادر مؤمن کند که او را از برای
رعایت ما اهل بیت شریک در مال خود ساخته باشد و نفرین مؤمنی بر کسیکه برادر مؤمنش باو محتاج
شده باشد و قدرت داشته باشد که او را اعانت کند و نکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقول است که هر فرزند نیکوکاری که از روی شفقت و مهربانی بسوی پدر و مادرش نظر کند
بهر نگاه کردنی ثواب یک حج مقبول برای او نوشته شود گفتند یا رسول الله هر چند روزی صد مرتبه
نظر کند فرمود که خدا بزرگتر و کریم‌تر است و در حدیث دیگر فرمود که نگاه کردن بر روی عالم عبادت
است و نظر کردن بسوی امام عادل عبادت است و نظر کردن بسوی پدر و مادر از روی مهربانی و ترحم
عبادت است و نظر کردن بروی برادر مؤمنی که از برای خدا دوست داری او را عبادت است
و فرمود که سه گناه است که عقوبتش زود در دنیا باین کس میرسد عقوق پدر و مادر و ظلم کردن بر مردم
و کفران نعمت خدا و خلق کردن و در حدیث دیگر از حضرت امام باقر علیه السلام منقول است
که در میان بنی اسرائیل عابدی بود که او را جریح می‌نامیدند در صومعهٔ خود پیوسته بعبادت مشغول
بود روزی مادرش نزد او آمد او مشغول نماز بود او را آواز داد او جوابش نداد بار دیگر آمد و او را
طلب کرد باز مشغول نماز شد و جوابش نداد پس بار سوم آمد و او را طلب کرد باز باو سخن نگفت
و مشغول نماز شد مادرش گفت از خدای بنی اسرائیل میخواهم که ترا باین گناه بگیرد روزی دیگر زن
زناکاری که در بنی اسرائیل بود آمد و نزد صومعهٔ او نشست و فرزند زائید و گفت این فرزند از جریح
است که با من زنا کرد و این فرزند از او بهم رسید در میان بنی اسرائیل شهرت کرد که آنکه مردم را
بر زنا ملامت میکرد خود زنا کرده پادشاه فرمود که او را بدار کشند پس مادرش آمد و بر روی خود میزد
جریح گفت خاموش باش که این بلا بنفرین تو متوجه من شده است چون مردم این را شنیدند از سبب
آن واقعه پرسیدند عابد نقل کرد آنچه گذشته بود گفتند چون بدانیم که تو راست میگوئی گفت آن
طفل را بیاورید چون بیاوردند عابد از آن طفل پرسید که فرزند کیستی طفل بامر الهی بسخن آمد و گفت که فرزند
فلان کس که شبانی گوسفندان فلان میکند پس از کشتن نجات یافت و سوگند خورد که تا زنده باشد
خدمت مادر بکند و از او جدا نشود و احادیث در باب پدر و مادر زیاده از آن است که استیفا
توان نمود

باب پنجم در بیان آداب مسواک کردن و شانه کردن و ناخن و شارب گرفتن

و سر تراشیدن و امثال آن **فصل اول** در بیان فضیلت مسواک کردن در احادیث معتبره
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مسواک کردن از سنت پیغمبران است و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که پیوسته جبرئیل مرا امر بمسواک میکرد تا آنکه ترسیدم که دندانهای
مرا ساییده شوند یا بریزند و در روایت دیگر فرمود که جبرئیل آنقدر مرا امر بمسواک میکرد که گمان بردم که بر
امت من واجب خواهد کرد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که در مسواک دوازده خصلت
است از سنت پیغمبران پاک کننده دهان است و جلا دهنده چشم است و موجب خوشنودی
پروردگار است و بلغم را دفع میکند و حافظه را زیاده میکند و دندانها را سفید میکند و حسنات را
مضاعف میکند و پوست انداختن و پوسیدن دندان را میبرد و بن دندان را محکم میکند و اشتهای
طعام را زیاده میکند و ملائکه بآن خوشحال میشوند و در حدیث دیگر فرمود که آب ریختن چشم را
برطرف میکند و نورش را زیاده میکند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که من دندانهای
شما را زرد می بینم چرا مسواک نمیکنید و در حدیث دیگر منقول است که بحضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه وصیت فرمود که بر تو باد بمسواک کردن برای هر نمازی و بسند معتبر منقول است از حضرت
امام موسی و امام رضا علیهما السلام که سنتهای حنیفه حضرت ابراهیم علی نبینا و علیه السلام
ده است پنج در سر و پنج در بدن اما آنها که در سر است پس مسواک کردن و شارب گرفتن و موی
سر را دو حصه کردن که جای مسح گشوده شود و مضمضه کردن یعنی آب در دهن کردن و گردانیدن
و ریختن و استنشاق کردن یعنی آب در بینی کردن و بالا کشیدن و اما آن پنج که در بدن است
پس ختنه کردن و پشت زهار تراشیدن و موی بغلها را کندن و استنجا کردن و ناخن گرفتن
و در روایت دیگر منقول است که آن پنج که در سر است موی شارب گرفتن و ریش را بلند گذاشتن
و موی سر را تراشیدن و مسواک کردن و خلال کردن و آن پنج که در بدن است موهای بدن را ازاله
کردن و ختنه کردن و ناخن گرفتن و غسل جنابت کردن و استنجا بآب کردن و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقول است که اگر این نبود که بر امت من دشوار میشد هر آینه واجب میگردانیدم
بر ایشان که در وقت هر نماز مسواک کنند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون بنماز
شب برخیزی مسواک بکن که ملک می آید و دهان خود را بر دهان تو میگذارد و هرچه از قرآن و دعا

و ذکر میخوانی باسمان میبرد پس باید که دهان تو خوشبو باشد و علی بن جعفر از برادر خود حضرت امام موسی علیه السلام پرسید که آیا میتواند کسی که نماز شب برخیزد و با انگشت مسواک کند داد تواند که مسواک بهم رساند حضرت فرمود که اگر ترسد که صبح طالع شود باکی نیست و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام دو سال پیش از فوت ترک مسواک کردند بسبب آنکه دندانهای آنحضرت بسیار ضعیف شده بود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که سه چیز است که حافظه را زیاده میکند و دردهای بدن را می برد کندر خائیدن و مسواک کردن و قرآن خواندن و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که از سنت پیغمبران است بوی خوش کردن و با زنان نزدیکی کردن و مسواک و خضاب بجا کردن و از امام محمد باقر علیه السلام منقول است که خانه کعبه بخدا شکایت کرد از نفسهای بدبوی کافران حقتعالی باو وحی فرمود که ای کعبه قرار گیر که بعوض ایشان جماعتی را بسوی تو خواهم فرستاد که دندانهای خود را بشاخ درختان پاک کنند پس چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله مبعوث شد جبرئیل علیه السلام مسواک و خلال برای آن حضرت آورد و در حدیث معتبر منقول است که شخصی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سوال کرد از مسواک کردن بعد از وضو حضرت فرمود که مسواک را پیش از وضو می باید کرد و اگر کسی فراموش کند تا وضو بسازد و بعد از وضو مسواک کند پس سه مرتبه مضمضه کند بعد از مسواک کردن و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول است که اگر کسی با وضو مسواک کند و بنماز بایستد ملکی می آید و دهان را بر دهان او میگذارد و آنچه میگوید بخاطر نگاه میدارد و اگر مسواک نکند بکناری می ایستد و قرآنش میشنود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که دو رکعت نماز که با مسواک باشد بهتر است از هفتاد رکعت نماز که بی مسواک باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که مسواک کند باید که بعد از آن مضمضه کند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم مسواک را بعرض دندانها میمالیدند حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که مسواک کردن در بیت الخلا مورث گند دهان است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که مسواک کردن در حمام دندانها را میریزد و فرمود که مسواک را ترک مکن در هر سه روز اگرچه بیک مالیدن باشد

فصل دوم در فضیلت سر تراشیدن و آداب آن از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که سه چیز است
که هر که لذت آنرا یابد هرگز ترک نمیکند مو را از بیخ گرفتن و جامه را کوتاه کردن و وطی کنیزان
و حضرت صادق علیه السلام فرمود که موی سر را از بیخ بگیر تا چرک نگیرد و جانوران در آن جا
نکنند و گردنت گنده شود و دیده ات جلا یابد و بدنت راحت یابد و نیز فرمود که من هر جمعه
سر می تراشم و در حدیث دیگر فرمود که موی پشت سر تراشیدن غم را زائل میکند و در حدیث
صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که چون موی سر بلند شود چشم را ضعیف میکند
و نور چشم را کم میکند و مویش را ازاله کردن چشم را جلا میدهد و در فقه الرضا منقول است که چون
خواهی که موی سر را بتراشی رو بقبله کن و ابتدا کن از پیش سر از جانب پیشانی و بتراش تا دو استخوان
که از پهلوی گوش بلند شده اند و در حین شروع این دعا بخوان بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَلٰى مِلَّةِ
رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسُنَّتِهِ حَنِيفاً مُسْلِماً وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ اللّٰهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ
شَعْرَةٍ نُوراً سَاطِعاً يَوْمَ الْقِيٰمَةِ پس چون فارغ شوی بگو اللّٰهُمَّ زَيِّنِّي بِالتُّقَى وَجَنِّبْنِي الرَّدٰى
وَجَنِّبْ شَعْرِي وَبَشَرِي الْمَعَاصِيَ وَجَمِيعَ مَا تَكْرَهُ مِنِّي فَإِنِّي لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعاً وَلَا ضَرّاً
و در روایت دیگر منقول است که در وقت شروع این دعا بخواند بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَلٰى
مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللّٰهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً يَوْمَ الْقِيٰمَةِ و چون
فارغ شود بگوید اللّٰهُمَّ زَيِّنِّي بِالتَّقْوٰى وَجَنِّبْنِي الرَّدٰى **فصل سیوم** در آداب موی سر نگاه
داشتن مردان و زنان بدانکه زنان را بی ضرورتی و عذری موی سر تراشیدن حرام است و
مردان را یکی از دو چیز سنت است یا آنکه موی سر را بتراشند و این بهتر است و یا آنکه موی سر را بگذارند
و تربیت کنند بآنکه بشویند و شانه کنند و موی پیش سر را دو حصه کنند که در میانه سر خط موی ظاهر
شود و چون در اول اسلام موی سر تراشیدن عیب عظیم بود در میان عرب پیغمبر و امام نمی باید
که کاری بکنند که در نظرها قبیح نماید حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم موی سر را بقدر چهار
انگشت میگذاشتند و در حج و عمره می تراشیدند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم منقول است که هر که موی سر را بلند بگذارد و نیکو رعایت و تربیتش کند یا آنکه از سر دور گرداند
و در چندین حدیث وارد شده است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا حضرت

رسول صلی الله علیه وآله وسلم موی سر را دو حصه میکردند و میانش را می شگافتند فرمود که
آنحضرت موی را چندان بلند میگذاشتند که احتیاج باین شود بلکه آنقدر بلند میگذاشتند که بنرمهٔ
گوش میرسید و هیچیک از پیغمبران موی سر را میگذاشتند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که
موی سر را بلند بگذارد و میانش را نگشاید حقتعالی در قیامت باره از آتش کشاید و در حدیث
وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله نهی فرمود از آنکه زنی بعد بلوغ رسیدن
جمیع موهای سر را در پیش سر یا در میان سر یا در اطراف سر بدوش مردان گره زند و در حدیث
دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نهی فرمود از کاکل گذاشتن و موی
در پیش سر گره زدن و نقش خضاب کردن و فرمود که زنان بنی اسرائیل هلاک شدند بسبب
آنکه موی سر را در پیش گره می زدند و نقش خضاب میکردند و محتمل است که مراد از نقش خضاب
آن باشد که متعارف است در میان زنان عرب که سوزن بدست و بدن میزنند و سرمه
و غیر آن دران میریزند که رنگش بماند و احتمال دارد که نقشهای حنا را هم شامل باشد و در
حدیث دیگر منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند از زنی که موی بالای
پیشانی خود را می بریدند و موهای رو را میکنند از برای زینت یا آنکه گیس خود را با گیسوی
می بافد فرمود که باکی نیست و در حدیث دیگر فرمود که اگر با پشم یا موی حیوانات یا موی بهمان
زن خودش بباقد باکی نیست اما با موی زن دیگر بباقد و موی زن دیگری را با موی خود پیوند
نکند بدانکه اگر با موی حیوانی پیوند کرده باشند که گوشتش حرام باشد در حال نماز با دنبی باید
باشد که دران نماز کردن درست نیست اگر پشم و موی که پیشتر مذکور شد که دران نماز میتوان کرد
فصل چهارم در فضیلت شارب گرفتن یعنی موی لب بالا گرفتن سنت موکده است
هر چند بیشتر بگیرند بهتر است و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که شارب
خود را دراز نکنید که شیطان دران پنهان می شود و جا میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که شارب گرفتن دفع غم و وسواس میکند و از سنت رسول است و حضرت رسول صلی الله
علیه وآله وسلم فرمود که سنت است شارب گرفتن تا آنکه برسد بدم لب بالا و حضرت صادق
علیه السلام شارب را آنقدر میگرفتند که بته موی میرسید و از حضرت صادق علیه السلام منقول است

که ناخن و شارب گرفتن از جمعه تا جمعه دیگر امان میدهد از خوره و در حدیث دیگر وارد شده است
که شخصی بخدمت آنحضرت آمد و عرض کرد که دعائی تعلیم من کن که باعث زیادتی روزی شود حضرت
فرمود که شارب و ناخن بگیر و باید که در روز جمعه باشد و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقول است
که هر که ناخن و شارب را در هر جمعه بگیرد و در وقت گرفتن بگوید بسم الله و بالله و علی سنة محمد
و آل محمد بعدد هر ریزه که از موی و ناخن او بریزد حقتعالی ثواب یک بنده از فرزندان اسماعیل
آزاد کردن باو عطا کند و بیمار نشود مگر به بیماری مرگ و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقول است که هر که در روز سه شنبه و پنجشنبه شارب و ناخن بگیرد عافیت یابد از درد دندان و چشم
و در حدیث دیگر فرمود که شارب را از ته بگیرید و ریش را بلند بگذارید و به یهودان و گبران خود را
شبیه مکنید و فرمود که از ما نیست هر که شارب را نگیرد **فصل پنجم** در آداب ریش بلند گذاشتن
بدانکه سنت موکده است ریش را میانه گذاشتن بسیار بلند بسیار کوتاه و زیاده از یک قبضه گذاشتن
مکروه است و احتمال حرمت نیز دارد و مشهور میان علما آنست که تراشیدن ریش حرام است
اما بر دو طرف لب پائین را تراشیدن جائز است و احوط آنست که اصلاح بسیار تند
که شبیه بتراشیدن باشد نکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که آنچه از ریش زیاده
از یک قبضه است در آتش است و در حدیث دیگر منقول است که دست بر ریش بگیرد و آنچه زیاده
از یک قبضه است ببرد و از محمد بن مسلم مذکور است که گفت دیدم که مصلحی اصلاح ریش حضرت
امام محمد باقر علیه السلام میکرد حضرت باو فرمود که ریش را دور کن و از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بشخصی گذشتند که ریش درازی داشت
فرمودند که چه میشد این مرد اگر ریش خود را باصلاح می آورد چون این خبر باو رسید ریش خود را میانه
ساخت و بخدمت آن حضرت آمد فرمود که چنین کنید ریش ها را و در حدیث معتبر منقول است
که حضرت امام محمد باقر علیه السلام پهلوهای رو را تنک میکردند و مویش را از زیر ذقن را هم میچیدند
و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت ریش را تنک میکردند و انبوه نمیگذاشتند و علی بن جعفر
از حضرت امام موسی رضا علیه السلام پرسید که از روی ریش می توان گرفت حضرت فرمود
که از عارض یعنی از پهلوهای رو بگیر و از پیش نه و در حدیث دیگر است که حضرت امیرالمؤمنین

صلوات الله علیه فرمود که در زمان پیش گروهی بودند که ریش را می تراشیدند و شارب را می تابیدند
حقتعالی ایشان را مسخ کرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که چون حقتعالی
توبه آدم علیه السلام را قبول فرمود سر بسجده گذاشت و چون سر برداشت رو بآسمان کرد و گفت
پروردگارا حسن و جمال مرا زیاده کن پس بعد از آن ریش بسیار سیاهی بر رویش روئید و پیشتر ریش را
نداشت گفت پروردگارا این چیست باو وحی آمد که این زینت تو و زینت مردان فرزندان تست
تا روز قیامت **فصل ششم** در بیان فضیلت موی سفید و حکم کندن آن از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه و آله منقول است که پیش از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام موی سفید در سر
و ریش بهم نمی رسید گاه بود که کسی بمجلسی می آمد و پدر و فرزندانش در ان مجلس حاضر بودند میان پدر
و فرزندان فرق نکرده می پرسید که کدام یک پدر شماست پس چون زمان حضرت ابراهیم علیه السلام
شد دعا کرد که خداوندا برای من موی سفید قرار ده که از فرزندان خود ممتاز شوم پس موی سر و ریشش
سفید شد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که اول کسیکه موی سفید در محاسن او بهم رسید
حضرت ابراهیم علیه السلام بود و چون نظر کرد موی سفید در ریش خود دید گفت پروردگارا این چه
چیز است خطاب باو رسید که این باعث وقار آدمی است گفت پروردگارا وقار مرا زیاده
گردان و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون حضرت ابراهیم موی سفید
در محاسن خود دید گفت حمد و سپاس خداوند را سزاست که مرا باین سن رسانیده و در یک
چشم زدن معصیت او نکرده ام و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که موی سفید را
مکنید که آن نور مسلمانی است و هر که یک موی سفید در ریش او پیدا شود در اسلام نوری باشد
از برای او در قیامت و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که سه کس اند که خدای تعالی
در روز قیامت با ایشان سخن نمیگوید و نظر رحمت بسوی ایشان نمی افکند و اعمال ایشان را نمی پسندد
و برای ایشان عذاب الیم مهیا است کسی که موی سفید خود را بکند و کسی که با ذکر خود دست بازی
کند که او را منی بیاید و یا جاهای دیگر بدن خود بمالد و کسیکه دیگران باو لواطه کنند و این حدیث
دور نیست که محمول بران باشد که برای غرض فاسدی موی سفید را بکند زیرا که در حدیث صحیح از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که باکی نیست موی سفید را بریدن و کندن اما

بریدنش را دوست ترمیدارم از کندن و در حدیث دیگر هم وارد شده است از آنحضرت که کندن و بریدن هر دو باکی نیست و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه تجویز بریدن موی سفید فرمود اما کندنش را مکروه میدانست و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که موی سفید در پیش سر میمنت و مبارک است و در عارضها علامت سخاوت و جوانمردیست و در جای زلف علامت شجاعت است و در پشت سر شوم است و ظاهر امراد ابتدای سفید شدن است فصل هفتم در کندن موی بینی و بازی کردن با ریش در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که باید هر کس موی شارب و موی بینی را بگیرد و باحوال بدن خود پرداز که اینها باعث زیادتی جمال اوست و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که موی بینی را گرفتن رو را نیکو میکند و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که چهار چیز است که از وسواس شیطان است گل خوردن و گل را بدست ریزه کردن و ناخن را بدندان گرفتن و ریش را خائیدن و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بسیار دست بر ریش مگذار که ریش را معیوب و بدنما میکند فصل هشتم در فضیلت ناخن گرفتن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که ناخن گرفتن درد های بزرگ را منع میکند و روزی را فراخ میگرداند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که برای این امر کرده اند بناخن گرفتن که چون بلند شود شیطان در آن جا میکند و مورث فراموشی است و حضرت صادق علیه السلام فرمود که سنت مؤکده است ناخن گرفتن و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم مردان را میفرمود که ناخن را بته بگیرید و زنان را میفرمود که اندکی بلند بگذارید که زینت شما است و در روایت دیگر وارد شده است که چند روز وحی بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نازل نشد از سبب آن پرسیدند فرمود که چگونه از من باز نه ایستد و حال آنکه شما ناخن نمیگیرید و چرک انگشتان را ازاله نمی کنید فصل نهم در بیان آداب و اوقات ناخن گرفتن منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نهی فرمود از گرفتن ناخن بدندان و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که ناخن گرفتن در روز جمعه ایمن میگرداند از

خوره و پیسی و کوری واگر احتیاج بگرفتن نداشته باشی بسائی که ازان ریزه بریزد و در
چند حدیث دیگر فرمود که شارب و ناخن در هر جمعه بگیر و اگر نباشد بسوهان و غیره آن حک کن
تا دیوانگی و خوره و پیسی بتو نرسد و در حدیث دیگر فرمود هرکه در هر جمعه ناخن و شارب بگیرد پیوسته
در طهارت باشد تا جمعهٔ دیگر و در حدیث دیگر فرمود که ناخن و شارب گرفتن و سر بخطمی شستن
در هر جمعه فقر را بر طرف و روزی را زیاده میکند و در حدیث دیگر منقول است که بآنحضرت عرض
کردند که خبر بما رسیده است که تعقیب خواندن بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب نافع تر است برای
زیادتی روزی از سفر کردن بشهرها حضرت فرمود میخواهی بتو تعلیم کنم چیزی که ازین هم نافع تر باشد
گفتم بلی فرمود که ناخن و شارب را در هر روز جمعه بگیر اگرچه بسائیدن باشد و در حدیث دیگر منقول
است که حضرت امام رضا علیه السلام شخصی را دیدند که آزار چشم داشت فرمود که میخواهی بتو چیزی
بیاموزانم که اگر بجا آوری هرگز آزار چشم نه بینی گفت بلی فرمود که هر پنجشنبه ناخن بگیر آن شخص
چنین کرد هرگز درد چشم ندید و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هرکه برین مداومت
کند آزار چشم نه بیند هرگز و در حدیث معتبر وارد شده است که در ناخن گرفتن ابتدا بانگشت
کوچک دست چپ بکند و وسطی بگیرد و بسیار نگیرد و بانگشت کوچک دست راست ختم کند
و در حدیث دیگر وارد شده است که هرکه در روز چهارشنبه ناخن بگیرد و ابتدا کند بانگشت کوچک
دست راست و ختم کند بانگشت کوچک دست چپ اورا امان دهد از درد چشم و در حدیث
دیگر وارد شده است که اگر در روز پنجشنبه ابتدا کند بناخن انگشت کوچک دست راست و تا
انگشت مهین بگیرد پس ابتدا کند بانگشت کوچک دست چپ و تا انگشت مهین بگیرد امان
یابد از درد چشم و در زیست که اگر در روز چهارشنبه بگیرد ابتدا بانگشت دست چپ کردن بهتر باشد
واگر در روز پنجشنبه گیرد در هر دستی ابتدا بانگشت کوچک آن دست بکند و اگر در روز جمعه یا سائر
روزهای دیگر گیرد ابتدا بانگشت کوچک دست چپ کند و ختم بانگشت کوچک دست راست
نماید خوب است و اگر در همه وقت ابتدا بانگشت کوچک دست چپ کند هم خوب است
چنانچه علی ابن بابویه گفته است و در حدیث دیگر منقول است که هرکه ناخنهای خود را در روز
پنجشنبه بگیرد و یک ناخن را برای روز جمعه بگذارد خدا پریشانی را از و زائل گرداند و از حضرت

امام رضا علیه السلام منقول است که در روز سه شنبه و پنجشنبه ناخن بگیر و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که ناخنهای خود را در روز جمعه بگیرد حقتعالی درد را از سر انگشتان او بیرون کند و دوا را در آن داخل کند و کسیکه در روز شنبه یا پنجشنبه ناخن و شارب بگیرد از درد دندان و درد چشم عافیت یابد و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که ناخنها را در روز جمعه گرفتن هر دردی را برطرف میکند و در روز پنجشنبه گرفتن روزی را زیاده میکند و در حدیث دیگر منقول است که بحضرت امام موسی علیه السلام عرض کردند که اصحاب ما میگویند که البته در روز جمعه ناخن باید گرفت فرمود که اگر خواهی در روز جمعه بگیر و اگر خواهی در روزهای دیگر یعنی اگر نگرفته باشی و دراز باشد صبر نباید کرد تا روز جمعه چنانچه در حدیث دیگر وارد شده است که هرگاه بلند شود بگیر و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در روز جمعه ناخن بگیر دریشه کردن بن ناخنها از و برطرف شود و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر که پنجشنبه ناخن بگیر د فرزندانش درد چشم نبینند و اگر کسی خواهد که ثواب پنجشنبه و جمعه هر دو بیابد در روز پنجشنبه بگیرد و یکی را برای جمعه بگذارد یا همه در روز پنجشنبه بگیرد و در جمعه سوهانی بران بمالد که ریزه چند بریزد و در وقت ناخن گرفتن بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ عَلٰی سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ چنانچه در باب شارب گرفتن گذشت و آنچه مشهور است که در ناخن گرفتن دست راست اول انگشت شهادت را بگیرد و بعد از ان انگشت کوچک و بعد از ان انگشت مهین و بعد از ان انگشت میان و بعد از ان انگشت دیگر و در دست چپ اول انگشت مهین و پس انگشت کوچک را بگیرد پس انگشت میان پس انگشت مهین پس انگشت کوچک پس انگشت شهادت در اخبار اهل سنت چنین وارد شده است و آنچه قبل ذکر کرده ایم از اخبار شیعه است و عمل بآن کردن اولی است فصل دوم در دفن کردن مو و ناخن و سایر چیزها که دفن باید کرد از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که در تفسیر این آیه کریمه اَلَمْ نَجْعَلِ الْاَرْضَ كِفَاتًا اَحْيَآءً وَّ اَمْوَاتًا یعنی آیا نگردانیدیم زمین را محل انضمام و اجتماع و پنهان شدن در حالتیکه زنده اند و در حالتیکه مرده اند حضرت فرمود که مراد از حال زندگی دفن کردن مو و ناخن است و در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه

و آن امام فرمود ما را که چهار چیز را دفن کنیم مو و دندان و ناخن و خون و از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله وسلم منقول است که هفت چیز است که از آدمی جدا می شود و آنها را دفن می باید کرد مو
و ناخن و خون و خون حیض و بچه دان و دندان و نطفه که پاره خون شده باشد **فصل یازدهم**
در فضیلت شانه کردن موی سر و ریش در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقول است که جامه پاکیزه پوشیدن دشمن را سرکوب میکند و روغن بر بدن مالیدن بدحالی و
پریشانی را زائل میکند و سر را شانه کردن تب را می برد و ریش را شانه کردن دندانها را محکم میکند
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که سر را بسیار شانه کردن تپ را دور میکند
و روزی را می آورد و قوت جماع را زیاده میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که
شانه کردن فقر را زائل میکند و درد را می برد و در حدیث دیگر فرمود که روزی را زیاده میکند و مو را
نیکو کند و حاجت را روا میکند و پشت را محکم میکند و بلغم را قطع میکند و در روایت دیگر موجب
بسیاری فرزندان میشود و در حدیث دیگر فرمود که شانه کردن عارض دندانها را محکم میکند و شانه
کردن پائین ریش طاعون را از آن کس دور میکند و شانه کردن زلف وسواس سینه را می برد و شانه
کردن سر بلغم را قطع میکند **فصل دوازدهم** در آداب و اوقات شانه کردن و انواع شانه ها در حدیث
معتبر منقول است که در میان جا نماز حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شانه بود که هرگاه از نماز
فارغ می شدند شانه میکردند و در حدیث حسن از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است در تفسیر
این آیه کریمه خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ یعنی بگیرید زینت خود را نزد هر مسجدی حضرت فرمود که
مراد از زینت شانه کردن پیش از هر نماز است و در حدیث دیگر نزد هر نماز واجب و سنت و در
حدیث دیگر فرمود که هرگاه سر و ریش را شانه کنی شانه را بر سینه خود بکش که اندوه و درد و بیماری را
می برد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که ریش خود را هفتاد نوبت شانه کند و
بسمله بگوید شیطان تا چهل روز نزد او نیاید و در حدیث دیگر فرمود که شانه در حمام مکن که مو را
تنک میکند و در حدیث دیگر فرمود که کسیکه اراده شانه کردن داشته باشد شانه بدست راست
بگیرد و در حالتی که نشسته باشد و بر بالای سر بگذارد و پیش سر را شانه کند و بگوید اللّٰهُمَّ حَسِّنْ شَعْرِي
وَبَشَرِي وَطَيِّبْهُمَا وَاصْرِفْ عَنِّي الْوَبَاءَ پس عقب سر را شانه کند و بگوید اللّٰهُمَّ لَا تَرُدَّنِي عَلَى عَقِبِي

وَاصْرِفْ عَنِّي كَيْدَ الشَّيْطَانِ وَلَا تُمَكِّنْهُ مِنْ قِيَادِي فَيَرُدَّنِي عَلَى عَقِبِي پس از آن پیشانی را شانه کند و بگوید اَللّٰهُمَّ زَيِّنِّي بِزِينَةِ الْهُدَى پس ریش را از طرف بالا بزیر شانه کند و شانه را بر سینه بکشد و بگوید اَللّٰهُمَّ سَرِّحْ عَنِّي الْهُمُومَ وَالْغُمُومَ وَوَحْشَةَ الصُّدُورِ وَوَسْوَسَةَ الشَّيْطَانِ پس از پایین ریش بطرف بالا شانه کند و سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ بخواند و در روایت دیگر وارد شده است که چون خواهی ریش را شانه کنی از زیر ریش بطرف بالا چهل مرتبه شانه کن و سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ بخوان و از طرف بالا بجانب پایین هفت مرتبه شانه کن و سوره وَالْعَادِيَاتِ بخوان پس بگو اَللّٰهُمَّ سَرِّحْ تا آخر دعا و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که هفت مرتبه شانه بر سر و ریش و سینه بکشد درد بنزدیک او نیاید و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که ایستاده شانه مکن که باعث ضعف دل می شود و نشسته بکن که دل را قوی میکند و پوست را محکم میکند و در حدیث دیگر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم باب شانه میکردند یعنی شانه را باب فرو می بردند و میمالیدند و در روایت دیگر وارد شده است که در وقت شانه کردن ریش سنت است که این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَلْبِسْنِي جَمَالًا فِي خَلْقِكَ وَزِينَةً فِي عِبَادِكَ وَحَسِّنْ شَعْرِي وَبَشَرِي وَلَا تَبْتَلِنِي بِالنِّفَاقِ وَارْزُقْنِي الْمَهَابَةَ بَيْنَ بَرِيَّتِكَ وَالرَّحْمَةَ مِنْ عِبَادِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که ایستاده شانه کند صاحب قرض شود و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که ایستاده شانه کردن باعث فقر و پریشانی می شود و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم ریش را از طرف پایین چهل مرتبه و از طرف بالا هفت مرتبه شانه میکردند و میفرمودند که روزی را زیاده میکند و بلغم را قطع میکند و از قاسم بن ولید منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم از روغن دان و شانه که از استخوان فیل باشد فرمود که باکی نیست و از حسن جاصم منقول است که بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام رفتم دیدم که حضرت شانه استخوان فیل در دست داشتند و بآن شانه میکردند گفتم فدایت شوم جمعی در عراق میگویند که شانه کردن از استخوان فیل حلال نیست اند گفت چرا پدرم یک شانه یا دو شانه از این داشت پس فرمود که شانه کنید باستخوان فیل که تب را می برد و در حدیث بسیار وارد شده است که

ابه علیه السلام بشانهٔ استخوان فیل شانه میکردند و در روایتی از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که بشانهٔ نقره و نقره نشان شانه کردن مکروه است **باب ششم** در آداب بوی خوش
کردن و گل بوییدن و روغن مالیدن **فصل اوّل** در بیان سبب پیدا شدن بویهای خوش
در زمین در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون آدم و حوا علیهما السلام
از بهشت بزمین آمدند حضرت آدم بر کوه صفا قرار کرده و حضرت حوا بر کوه مروه و حضرت حوا
چون در بهشت از بوی خوش آنجا گیسوی خود را شانه کرده بود و بسته بود چون بزمین آمد گفت
چه امید داشته باشم از مشاطگی که در بهشت کرده ام و حال آنکه خدا از من در خشم است پس گیسوهای
خود را گشود پس آن بوی خوش که از گیسوی او بود همه و ریخت باد مشرق و مغرب برده و بیشتر را در
زمین هند فرو ریخت باین سبب اکثر بویهای خوش در هند میروید و در حدیث دیگر از آنحضرت
منقول است که چون حضرت آدم علیه السلام از آن درختیکه نهی شده بود از خوردن آن تناول نمود
جامه ها و زیورهای بهشت همه از و فرو ریخت پس برگی از برگهای بهشت را گرفت و عورت
خود را بآن پوشانید چون بزمین آمد باد جنوب بوی خوش آن برگ را بهند رسانید و درختها
و گیاههای هند را خوشبو گردانید باین سبب گیاههای خوشبو در هند میباشد و اول جانوری
که از آن برگ بهشت یا از آن گیاهها خورد آهوی مشک بود چون از آن برگ خورد بوی خوش
در گوشت و خون او جاری شد تا آنکه جمع شد در پیش نافش و از آن مشک بهم رسید **فصل دوم**
در بیان فضیلت بوی خوش و آداب آن در احادیث معتبره وارد شده است که عطر و بوی
خوش کردن از جملهٔ اخلاق پسندیدهٔ پیغمبران است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که بوی خوش دل را قوی میکند و قوت جماع را می افزاید و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام
منقول است که سزاوار نیست مرد را که ترک کند بوی خوش را هر روز و اگر قادر نباشد یک روز نه
یکروز و اگر قادر نباشد در هر جمعه و این را البته ترک نکند و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است
که بوی خوش بر شارب مالیدن از اخلاق پیغمبران است و گرامی داشتن ملائکه است که اعمال آدمی را
می نویسند بسبب آنکه ایشان را خوش می آید و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در اول
روز بوی خوش بر خود بمالد تا شب عقلش با او باشد و فرمود که نماز با بوی خوش بهتر است از هفتاد نماز

بی بوی خوش و فرمود که سه چیز است که خدا پیغمبران را داده است بوی خوش و زنان و مسواک
و در حدیث دیگر فرمود که لازم است هر بالغی را که در هر جمعه شارب و ناخن بگیرد و چیزی از بوی خوش
بریزد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم چون روز جمعه میرسید و بوی خوش نزد آن حضرت
نبود رو پاک بعضی از زنان می‌طلبیدند که بوی خوش داشت تر میکردند و بر روی مبارک خود میمالید
و در حدیث دیگر منقول است که امام جعفر صادق علیه السلام هر موضعی که سجده میفرمودند معطر میساختند
بعد از آن می شناختند آن موضع را از بوی خوش آنحضرت و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم میفرمودند که جبرئیل مرا گفت
که یک روز در میان خود را خوشبو کن و در روز جمعه البته ناچار است ترک مکن و فرمود که در روز
جمعه البته خود را خوشبو کنید اگر چه از بوی خوش زنان باشد و روزی عثمان بن مظعون نزد حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض نمود که میخواهم که بوی خوش و چیزی چند از لذتها ترک کنم
حضرت فرمود که ترک بوی خوش مکنید که ملائکه بوی خوش مومن را می بویند و در هر جمعه البته
ترک مکن و فرمود که هر چه صرف نمائی در بوی خوش اسراف نیست و در حدیث دیگر منقول است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم زر در بوی خوش زیاده از طعام صرف میکردند و فرمودند
که بوی خوش زنان باید که رنگش ظاهر و بویش مخفی باشد و بوی خوش مردان باید که بویش ظاهر و رنگش
مخفی باشد و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که ناخن بگیرید در روز سه شنبه و حمام
بروید در روز چهارشنبه و حجامت بکنید در روز پنجشنبه و به بهترین بوهای خوش خود را خوشبو
کنید در روز جمعه و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چهار چیز است که دل را میگشاید
و غم را زائل میکند بوی خوش کردن و عسل خوردن و سواری کردن و بسبزه نظر کردن و حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که باید زن مسلمان پیوسته برای شوهر خود خوشبو کند
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم سه خصلت
بود که در دیگری نبود اول آنکه آنحضرت را سایه نبود دوم آنکه از هیچ راهی نمیگذشت مگر آنکه دو روز
یا سه روز که کسی از آن راه میگذشت میدانست که آنحضرت از آن راه عبور نموده‌اند از بوی خوش که در آن
راه مانده بود سوم آنکه هر سنگی و درختی که میگذشت آن حضرت را سجده میکردند و عبور آنحضرت معلوم بود
بسبب بوی خوشی که آن حضرت میکردند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است

که هر زنی که بوی خوش کند و از خانه بیرون آید تا بوی خوش هست لعنت الهی بر او باشد تا بخانه برگردد
فصل سیم در کراهت رد کردن بوی خوش از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا کسی
عیب دارد که بوی خوش را که برای او بیاورند رد کند و قبول نکند فرمود که سزاوار نیست او را که رد کند کرامت را
و در حدیث دیگر فرمود که نزد حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه آوردند روغن خوشبوی
حضرت گرفتند و بر خود مالیدند و در آن روز روغن مالیده بودند بعد از آن فرمودند که ما هرگز بوی
خوش را رد نمیکنیم و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم رد نمیکردند
بوی خوش و شیرینی را که از برای آنحضرت می آوردند و از حسن بن جهم منقول است که گفت رفتم بخدمت
حضرت امام رضا علیه السلام برای من حقه بیرون آورد که در آن مشک بود آورد و فرمود که بردار و بر خود بمال
قدری برداشتم و مالیدم فرمود که دیگر بردار و در گریبان گردن خود بمال برداشتم و مالیدم پاره دیگر
که مانده بود فرمود که این را هم بر آنجا بمال مالیدم بعد از آن فرمود که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
میفرمود که رد نمیکند کرامت را مگر خر گفتم کرامت کدام است فرمود که بوی خوش و بالشی که برای
نشستن و تکیه کردن تواضع کنند و مانند آن **فصل چهارم** در فضیلت مشک و عنبر و زعفران
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که بوی خوش مشک است و عنبر و زعفران و عود
و در حدیث معتبر دیگر منقول است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام مشکدانی از قلعی داشتند
و هر وقت که اراده رخت پوشیدن میکردند آنرا می طلبیدند و از مشک بر خود میمالیدند و در حدیث
دیگر وارد شده است که شیشه پر از مشک میگذاشتند در جای نماز و هرگاه بنماز برمیخواستند
بر خود میمالیدند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آنقدر مشک
بر خود میمالیدند که رنگ مشک از فرق مبارک ایشان ظاهر بود و در حدیث صحیح منقول است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مشکدانی داشتند از عاج هرگاه وضو میساختند با دست
آنرا برمیگرفتند و چون بیرون می آمدند میدانستند بسبب بوی خوش که می آیند بمسجد و در حدیث دیگر مرویست
که حضرت امام رضا علیه السلام حقه بیرون می آوردند از آبنوس و در آنخانه ها بود که در یک خانه بوی
خوشی بود و یکی از آنها مشک بود و در حدیث صحیح منقول است که علی بن جعفر از حضرت امام موسی
علیه السلام سؤال کرد آیا مشک و سایر بوهای خوش که بر خود میمالند داخل بیت الله کرد فرمود که من میکنیم

باکی نیست و در روایت دیگر منقول است که باکی نیست که مشک را داخل طعام کنند و در روایت
دیگر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم خود را بمشک و عنبر خوشبو میکردند
و احادیث در مدح خلوق بسیار وارد شده است و آن بوی خوشی بوده است که از چندین چیز
بعمل می آوردند و یک جزوش زعفران بوده است و در بعضی اخبار وارد شده است که
مداومت بران نکنند و در روایت دیگر وارد شده است که شب تا صباح بر بدن نگذارند و دور
نیست که این نهی برای آن باشد که رنگش در بدن بسیار نماند فصل پنجم در فضیلت غالیه بسند
موثق منقول است که اسحق بن عمار بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که من با تجار
سودا میکنم و غالیه بر خود میمالم برای آنکه فقیر ندانند حضرت فرمود که غالیه کم و بسیارش مساوی است
کسی که اندک غالیه گاه گاه بر خود بمالد کافی است او را اسحق گفت که من بفرموده آنحضرت عمل
نمودم و سالی بده درهم غالیه میخرم و تمام سال بآن خوشبو میشوم و در حدیث دیگر منقول است که
علی بن الحسین علیهما السلام شبی از خانه بیرون آمدند و جبه خز و عبای خز پوشیده بودند و ریش
خود را بغالیه خوشبو کرده بودند پرسیدند از آنحضرت که درین شب باین هیئت برای چه بیرون
آمدید فرمود که میخواهم عبادت کنم و حوران بهشت را از خدا خواستگاری نمایم یعنی برای عبادت
زینت و بوی خوش کردن سنت است و در حدیث صحیح منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام
فرمود که روغنی برای آنحضرت بعمل آوردند که دران مشک و عنبر داخل کردند فرمود که در کاغذی آیة الکرسی
و سوره حمد و معوذتین و آیه چند از آیات حفظ نوشتند و در میان غلاف شیشه آن روغن گذاشتند
و پیوسته بر ریش خود میمالیدند و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود
که روغن را با مشک برای آنحضرت بعمل آوردند به هفت صد درهم برآمد فضل بن سهل وزیر مامون
بحضرت نوشت که مردم شما را درین باب عیب می کنند حضرت در جواب نوشتند که مگر نمیدانی
که یوسف پیغمبر خدا بود و جامه طلاباف می پوشید و بر کرسیهای طلا می نشست و با اینها از حکمتش
چیزی کم نمی شد پس حضرت فرمود که باز غالیه ساختند بچهار هزار درهم فصل ششم در فضیلت آداب
روغن بر بدن مالیدن از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که روغن مالیدن بشره را
نرم میکند و دماغ را زیاده میکند و مجاری آب را در بدن آسان میکند و خشونت جلد یا بدحالی و تنگی عورتی را

برطرف میکند و رو را نورانی میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که روغن مالیدن
توانگری را ظاهر میکند و در حدیث دیگر فرمود که فقر را زائل میگرداند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقول است که در شب روغن مالیدن در عروق بدن جاری میشود و بشره را سیراب میکند و رو را
سفید میکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که بر مومنی روغن بمالد حقتعالی برای او بعدد هر موئی نوری
بنویسد که در قیامت باو عطا فرماید و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون
روغن را بر کف دست بریزی بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ الزَّیْنَ وَالزِّیْنَةَ وَالْمَحَبَّةَ وَاَعُوْذُبِكَ
مِنَ الشَّیْنِ وَالشَّنَانِ وَالْمَقْتِ پس کف را در بالای سر بگذارد و از انجا ابتدا کند بروغن مالیدن
و در روایت دیگر وارد شده است که چون روغن را بر کف بریزی بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ الزَّیْنَ
وَالزِّیْنَةَ فِی الدُّنْیَا وَاَعُوْذُبِكَ مِنَ الشَّیْنِ وَالشَّنَانِ فِی الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ و در چند حدیث
نهی وارد شده است از مداومت بروغن مالیدن در هر روز و در روایتی وارد شده است
که ماهی یک بار بمالند و در روایت دیگر هفته یک مرتبه یا دو مرتبه اما زنان را هر روز مالیدن
بزیست فصل هفتم در فوائد روغن بنفشه در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که روغن بنفشه سید و بهترین روغنهای شما است و در حدیث دیگر فرمود که فضیلت روغن بنفشه
بر سائر روغنها مثل فضیلت ما است بر سائر مردم و در حدیث دیگر مثل فضیلت شیعیان ما است
بر سائر خلق و در حدیث دیگر فرمود که مثل فضیلت اسلام است بر سائر ادیان فرمود که نیکو
غنیمتیست روغن بنفشه بسیار بمالید که درد از سر و چشم میبرد و در حدیث دیگر فرمود که از ناحیه شما
چیزی نمی آید که ما بیشتر دوست داریم از روغن بنفشه و در روایت دیگر از عقبه منقول است که شخصی
از شتر افتاده بود و دماغش آفت یافته بود حضرت صادق علیه السلام فرمود که روغن بنفشه در
دماغش بچکانند چنان کردند شفا یافت بعد از ان فرمود که ای عقبه روغن بنفشه در زمستان گرم است
و در تابستان سرد است و برای شیعیان ما نرم است و برای دشمنان ما خشک است اگر
مردم فضیلت آنرا بدانند هر اینه هر اوقیه از ان قیمتش یک اشرفی شود حضرت امیر المومنین صلوات الله
علیه و آله فرمود که روغن بنفشه در بینی بچکانند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که اگر
مردم فوائد این روغن را بدانند هر آینه از ان بسیار بخرند و در حدیث دیگر فرمود که گرمی تپ را

ببوسند بروغن بنفشه و در حدیث دیگر منقول است که درد سر را زائل میکند و دماغ را باصلاح می آورد
فصل هشتم در فوائد روغن بان و زنبق بدانکه بان فستق هندی است که آن برگی است که از ان
روغن میگیرند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که نیکو روغنی است روغن بان و در حدیث
دیگر منقول است که شخصی بآنحضرت شکایت کرد از ترکهائی که در دست و پایش بهم میرسید فرمود که
پنبه را بگیر در روغن بان برو بریز و بر ناف خود بگذار یا روغن را بریز در ناف آن شخص یک مرتبه
آن کار کرد آن آزار از و زائل شد و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است
که هر که روغن بان بر خود بمالد و در پیش روی شیطان بخوابد بقدرت الهی باو ضرر نتوان رسانید
و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که بر خود بمالید روغن بان را که امان است
از هر دردی و پیغمبران آنرا استعمال میفرمودند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است
که هیچ چیز برای بدن بهتر از روغن زنبق نیست و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام موسی
و امام رضا علیهما السلام در بینی میچکانیدند و در روایت دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم منقول است که در روغن زنبق منافع بسیار است در آن شفا از هفتاد درد است و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام نیز مرویست که روغن زنبق منافع بسیار دارد و ظاهر نیست که مراد
زنبق سفید باشد که آنرا رازقی نیز میگویند و در بسیاری از احادیث بلفظ رازقی وارد شده است
فصل نهم در فوائد سائر روغنها منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بحضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که یا علی روغن زیت بخور و بر بدن بمال که هر که بخورد و
بمالد شیطان تا چهل صباح نزدیک او نیاید و در بعضی از اخبار وارد شده است که روغن گل خیری
روغن لطیف است و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت امام موسی علیه السلام روغن گل
خیری بر بدن خود میمالیدند و در حدیث موثق منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
در وقتیکه صداع ایشان را عارض میشد روغن کنجد در بینی میچکانیدند و در حدیث معتبر دیگر منقول است
که آنحضرت دوست میداشتند که روغن کنجد در بینی بچکانند فصل دهم در فضیلت بخور و انواع و آداب
آن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سزاوار است مرد را که هرگاه قادر باشد جامه های
خود را بدود خوشبو دارد و از حضرت امام رضا علیه السلام مردم بوی بخور بسیار میشنیدند و مرا ازم

روایت کرده است که با حضرت امام موسی علیه السلام بحمام رفتم چون حضرت بیرون آمدند در
رخت کن عود سوز طلبیدند و خود را خوشبو گردانیدند پس فرمود که مرا نیز خوشبو گردانید
و در روایت دیگر وارد شده است که چون زنان حضرت امام موسی کاظم علیه السلام میخواستند که
بخور کنند اول یک دسته از خرمای صیحانی که نوعی است از خرمای مدینه میگرفتند و خرما و پوست را
ازان واندود میکردند و در آتش می انداختند چون اندکی دود میکرد بعد ازان بوئی خوش می انداختند
و جامه را بر بخور میداشتند و میگفتند این بیشتر باعث خوشبوی میشود و از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقول است که عود خالص بویش در بدن تا چهل روز میماند و عودی که با بوهائی خوش دیگر
پرورده باشند بویش تا بیست روز میماند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام
با عود هندی خالص بخور میکردند و بعد ازان گلاب و مشک بر خود میمالیدند و در روایت دیگر
وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم بعود قماری بخور میکردند و در حدیث
دیگر از آنحضرت منقول است که بر شما باد بعود هندی که دران هفت نوع از شفاست و در روایت
دیگر منقول است که تحفه که برای مرد روزه دار آورند آنست که ریشش را بروغن بمالند و جامه اش
بر بخور بدارند و تحفه زن روزه دار آنست که گیسویش را شانه کنند و جامه اش را بخور بدارد و سید ابن
طاؤس علیه الرحمه روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم در وقت بخور
کردن این دعا میخواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ بِنِعْمَتِهٖ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ اَللّٰهُمَّ طَیِّبْ عَرْفَنَا وَذَكِّ
رَوَائِحَنَا وَاَحْسِنْ مُنْقَلَبَنَا وَاجْعَلِ التَّقْوٰی زَادَنَا وَالْجَنَّةَ مَعَادَنَا وَلَا تُفَرِّقْ بَیْنَنَا وَبَیْنَ
عَافِیَتِكَ اِیَّانَا وَكَرَامَتِكَ لَنَا اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ و گفته اند که در روایت دیگر منقول است
که در وقت بخور و بوی خوش کردن این دعا بخواند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ اَللّٰهُمَّ اَمْتِعْنِیْ بِمَا رَزَقْتَنِیْ
وَلَا تَسْلُبْنِیْ مَا خَوَّلْتَنِیْ وَاجْعَلْ ذٰلِكَ رَحْمَةً وَلَا تَجْعَلْهُ وَبَالًا عَلَیَّ اَللّٰهُمَّ طَیِّبْ ذِكْرِیْ بَیْنَ خَلْقِكَ
كَمَا طَیَّبْتَ بَشَرِیْ وَسَوَادِیْ بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ عِنْدِیْ فصل یازدهم در بیان فضل گلاب و گل سرخ
و انواع گلها از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که گلاب بر رو پاشیدن آب رو را زیاده میکند
و پریشانی را برطرف میکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که گلاب بر رو بمالد در آن روز بدحالی نرسد
و پریشانی با او نرسد و چون گلاب بر دست بمالد حمد خدا کند و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از

حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در اول روز ماه مبارک رمضان یک کف گلاب برو بریزد
در آن روز ایمن گردد از خواری و پریشانی و هر که در آخر روز بر سرش یک کف گلاب بریزد در آن سال
از مرض سرسام و ذات الجنب ایمن گردد و بسند معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول
است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم هر دو کف را از گل سرخ پر کرده بمن عطا فرمودند
چون نزدیک بشام خود بردم فرمودند که این بهترین گلهای بهشت است بعد از گل مورد و در حدیث
دیگر از آنحضرت منقول است که چون مرا بآسمان بردند از عرق من قطره چند بر زمین ریخت و گل سرخ
از آن روئید پس آن گل بدریا افتاد ماهی خواست که بردارد و غوص گرمی است در دریا که سه پرهای
دارد و دم باریک و دراز خواست که بردارد در میان ایشان نزاع شد پس حقتعالی ملکی را فرستاد
که در میان ایشان محاکمه کرد و نصف را بماهی داد و نصف را بغوص پس باین سبب پنج برگ سبز که
در زیر گل می باشد دو تا بشکل دم ماهی است که آن بر طرف پری دارد و دو تا بشکل دم غوص است که باریک
است و از هیچ طرف پری ندارد و یک طرف پری دارد و طرف دیگر ندارد که شکلش مثل نصف
دم ماهی است و نصف دیگر بشکل دم غوص است و در روایت دیگر منقول است که چون آنحضرت را
بمعراج بردند زمین از مفارقت آنحضرت محزون شد باین سبب کبر در زمین روئید و چون برگشتند
شاد شد و گل سرخ در آن روئید پس هر که خواهد که بوی حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم را
استشمام کند گل سرخ را ببوید و در روایت دیگر از طرق عامه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم وارد شده است که گل سفید از عرق من روئیده شب معراج و گل سرخ از عرق جبرئیل و گل زرد
از عرق براق و در روایتی وارد شده است که بوئیدن نرگس و روغنش را مالیدن فضائل بسیار دارد و
چون حضرت ابرهیم را در آتش انداختند حقتعالی آتش را برو برد و سلام کرد در میان آتش
از برای آنحضرت نرگس بهم رسید و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که نیکو گلیست مرزنگوش در زیر عرش میروید و آبش باعث شفای
چشم است و در روایت دیگر منقول است که بسیار ببوئید مرزنگوش را که قوت شامه را می افزاید
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که گل بیست و یک نوع دارد و سید و بهترین همه گل
مورد است فصل دوازدهم در آداب گل بوئیدن در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام

و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هرگاه بشما گلی بدهند
ببوسید و بر دیدهای خود بگذارید که آن از بهشت آمده است و در حدیث معتبر از مالک جهنی روایت
کرده است که گلی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام دادم گرفتند و بوئیدند و بر هر دو دیده
گذاشتند پس فرمودند که هر که گلی را بگیرد و ببوید و بر دیدهای خود بگذارد پس بگوید اللهم صل
علی محمد و آل محمد هنوز بر زمین نگذاشته باشد که گناهش آمرزیده شود و از حضرت امام
علی نقی علیه السلام منقول است که هر که گل را ببوید و بر دیده ها گذاشته صلوات بر محمد و ائمه علیهم السلام
بفرستد حقتعالی بسی او از حسنات بقدر ریگ بیابان عالج که در مابین که شام و عراق کشیده است
بنویسد و از گناهان او بعدد ریگ آن بیابان محو نماید باب نهم در آداب بحمام رفتن و سر و بدن
شستن و داروکشیدن و آداب بعضی از اغسال **فصل اوّل** در فضیلت حمام منقول است که عمر
گفت که بدخانه ایست حمام که عورت را ظاهر میکند و پردهٔ آدمی را میدرد و حضرت امیر المومنین صلوات الله
علیه و آله فرمود که نیکو خانه ایست حمام که جهنم را بیاد می آورد و چرک را از بدن می برد و از حضرت
امام موسی علیه السلام منقول است که حمام یک روز در میان گوشت بدن را زیاده میکند و در هر روز
رفتن پیه گرده ها را میگدازد و بدن را لاغر میکند و از سلیمان جعفری منقول است که گفت بیمار شدم
تا آنکه گوشتم همه تحلیل رفت بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام رفتم فرمود که میخواهی گوشت بدنت
برگردد گفتم بلی فرمود که یک روز در میان بحمام برو که گوشت بدنت عود میکند و نهار هر روز مرو
که باعث مرض سل می شود و در حدیث دیگر فرمود کسیکه خواهد که فربه شود یک روز در میان
بحمام برود و دیگر روز نرود و کسیکه گوشت زیاده داشته باشد و خواهد که لاغر شود هر روز بحمام
برود و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که بهترین دواهای شما حقنه و حجامت کردن
و دارو در بینی چکانیدن و حمام است و در روایت دیگر وارد شده است که دوای بلغم حمام است
و در چند روایت وارد شده است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که زنش را بحمام
نفرستد و علما تاویل کرده اند بدو وجه اوّل آنکه این در بلادی است که در آن بلاد باعتبار گرمی هوا
احتیاج ندارند بحمام رفتن دوّم آنکه مراد این است که زن خود را رخصت ندهد که برای سیر کردن
بحمامها برود **فصل دوّم** در آداب داخل شدن و بیرون آمدن از حمام و دعاها که باید خواند در آنجا

معتبره بسیار وارد شده است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که بی لنگ داخل حمام نشود
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که با لنگ داخل بحمام شود حقتعالی گناهان
او را بپردهٔ ستر خود بپوشاند و در حدیث دیگر فرمود که هر که داخل حمام شود و دیدهٔ خود را از نظر
کردن بعورت دیگران بپوشاند حقتعالی او را از جحیم جهنم ایمن میگرداند و حضرت رسول صلی الله
علیه و آله وسلم نهی فرمود از غسل کردن در زیر آسمان بی لنگ و از داخل شدن در نهرها بی لنگ
و فرمود که در نهرها ساکنان اند از ملائکه و نهی فرمود از داخل شدن بحمام بی لنگ و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که داخل حمام مشو مگر آنکه اندک چیزی در معدهٔ تو باشد که حرارت
معده را از تو فرو نشاند و این بیشتر باعث قوت بدن است و داخل حمام مشو در وقتیکه معدهٔ تو
پر باشد از طعام و در حدیث دیگر منقول است که هرگاه آنحضرت ارادهٔ حمام رفتن میکردند اندک
چیزی تناول میفرمودند راوی گفت که مردم میگویند که ناشتا بحمام رفتن بهتر است فرمود که نه بلکه
اندک چیزی میباید خورد که صفرا را فرو می نشاند و حرارت اندرون را ساکن گرداند و در روایت
دیگر فرمود که حمام رفتن ناشتا بلغم را پاک میکند و بعد از چیزی خوردن صفرا و سودا را پاک میکند و فرمود
که اگر خواهی که گوشت بدنت زیاده شود بعد از چیزی خوردن بحمام برو و فرمود که اگر خواهی که گوشت
کم شود ناشتا برو و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در وقتیکه در رخت کن حمام
جامه را از خود میکنی بگو اَللّٰهُمَّ انْزِعْ عَنِّیْ رِبْقَةَ النِّفَاقِ وَثَبِّتْنِیْ عَلَی الْاِیْمَانِ پس چون داخل
خانهٔ اول حمام شوی بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ شَرِّ نَفْسِیْ وَاَسْتَعِیْذُ بِکَ مِنْ اَذَاهَا و چون
داخل خانهٔ دوم شوی بگو اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّی الرِّجْسَ النَّجِسَ وَطَهِّرْ جَسَدِیْ وَقَلْبِیْ و بگیر از
آب گرم و بر سر بریز و بعضی از آن آب را بر پا بریز و اگر توانی که جرعهٔ از آن آب بخوری بخور که مجرای
بول را پاک میکند و در خانهٔ دوم ساعتی صبر کن پس چون داخل خانهٔ سوم شوی بگو نَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ النَّارِ
وَنَسْئَلُهُ الْجَنَّةَ و مکرر این را بگو تا هنگام بیرون آمدن از خانهٔ گرم و زنهار آب سرد و خربزه در حمام
مخور که معده را فاسد میکند و آب سرد بر خود مریز که بدن را ضعیف میکند و چون از حمام بیرون آئی
آب سرد بر پا بریز که درد را از بدنت می کشد پس چون مشغول جامه پوشیدن شوی بگو اَللّٰهُمَّ اَلْبِسْنِیْ
التَّقْوٰی وَجَنِّبْنِی الرَّدٰی پس چون اینها که گفتم بکنی از همه دردی ایمن شوی و از حضرت امیرالمؤمنین

صلوات الله علیه و آله منقول است که چون بعد از بیرون آمدن تو از حمام برادر مومن گوید تو طاب
حمامك و حميمك تو در جواب بگو انعم الله بالك و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت
امام حسن صلوات الله علیه از حمام بیرون آمد شخصی بآنحضرت گفت طاب استحمامك حضرت او را منع
کردند پس گفت طاب حمامك باز او را منع کردند پس گفت طاب حميمك باز منع کردند او را گفت
پس چه گویم فرمود که بگو طاب ما طهر منك و طهر ما طاب منك یعنی خدا طیب و پاکیزه و نیکو
گرداند به نیکی معنوی بسبب مغفرت گناهان و توفیق طاعت آنچه پاک شده است در حمام از اعضای بدن تو
و پاک گرداند از لوث گناهان و جهالت و ضلالت آنچه پاکیزه و نیکو است از تو که آن دل و نفس و عقل
و سایر قوی و اعضای شریفه باشد و در روایت دیگر منقول است که کسیکه از حمام بیرون آید باو بگویند
انقی الله غسلك و او در جواب بگوید طهركم الله و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هرگاه
از حمام بیرون می آئید عمامه بر سر ببندید فرمود که بعد از بیرون آمدن از حمام پاها را بشوئید که درد شقیقه را
زائل میکند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام هرگاه که
از حمام بیرون می آمدند در زمستان و تابستان عمامه بسر می پیچیدند و میفرمودند که امان است از درد سر
و در روایتی وارد شده است چون کسی داخل حمام شود و حرارت بر او غالب آید آب سرد بر خود بریزد
تا حرارتش ساکن شود و از حضرت امام موسی علیه السلام وارد شده است که در روز چهارشنبه بحمام بروید
فصل سوم در بیان آنچه در حمام نباید کرد و آنچه تجویز شده است منقول است از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله میفرمودند که در حمام بر پشت مخوابید که پیه گرده ها
میگدازد و سفال و آجر بر پای خود مسائید که مورث خوره است و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود که مرد با پسر خود بحمام نرود که نظر کند بعورت او و جائز نیست فرزند را که نظر کند بعورت پدر و مادر
خود و پدر و مادر را جائز نیست که نظر کند بعورت فرزند خود و فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
لعنت فرمود که کسیکه نظر بعورت کسی کند در حمام یا بی لنگ رود که دیگران بعورت او نظر کنند
و در حدیث دیگر فرمود که بر پهلوی مخواب در حمام که پیه گرده ها را میگدازد و لاغر میکند آدمی را و در حمام
شانه مکن که مو تنک میشود و سر را بگل مشو که غیرت را می برد و سفال بر بدن ممال که مورث پیسی است
و لنگ بر رو ممال که آب رو را می برد. ابن بابویه علیه الرحمه گفته است که مراد گل مصر و سفال شام است

و در حدیث صحیح منقول است که از حضرت امام موسی علیه السلام پرسیدند از قرآن خواندن در حمام و جماع کردن در حمام فرمود که باکی نیست و در روایت حسن دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند که آیا حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله نهی فرمود از قرآن خواندن در حمام حضرت فرمود که وقتی نهی فرمود که کسی عریان باشد پس اگر لنگ بسته باشد باکی نیست و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که باکی نیست مرد را که در حمام قرآن بخواند اگر غرضش رضای خدا باشد نه خوشخوانی و در حدیث دیگر منقول است که روزی آنحضرت میخواستند بحمام بروند حمامی گفت که اگر میخواهی حمام را برای شما خلوت کنم فرمود که در کار نیست مؤمن را کار بیش از این سبکتر میباشد که حمام را برای او قورق کنند و حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند که هر که از حمام سفالی بردارد و بر بدن خود بمالد و پیسی باو برسد ملامت نکند مگر خود را و کسیکه غسل کند از آبی که از غسل مردم جمع شده باشد در حمام و خوره باو برسد ملامت نکند مگر خود را و در حدیث موثق از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که زنهار در حمام بر پهلو مخواب که پیه گرده ها را آب میکند و بر پشت مخواب که درد اندرون بهم میرسد و شانه مکن که موها را میریزاند و مسواک مکن که دندان را میریزاند و سر را بگل مشو که رو را بدنما و سمج میکند و لنگ را بر سر و رو ممال که آب رو را میبرد و کفها و پا را بسفال مسائی که باعث پیسی میشود و از آبی که در حوضهای کوچک در حمامهای سنیان جمع شود از غسل مردم غسل مکن که در آن غساله یهود و نصرانی و گبر و دشمن ما اهل بیت که از همه بدتر است جمع میشود و خدا خلقی از سگ نجس تر خلق نکرده است و کسیکه عداوت ما اهل بیت دارد از سگ نجس تر است و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که بول کردن در حمام مورث فقر و پریشانی است و در حدیث دیگر فرمود که باکی نیست که مردم با کنیزانشان بحمام بروند اما باید که لنگ بسته باشند و مانند خران برهنه نباشند که نظر بر عورت یکدیگر کنند و در روایتی وارد شده است که در حمام سلام نکنند و آن در صورتیست که لنگ نبسته باشند زیرا که در احادیث بسیار وارد شده است که ائمه علیهم السلام در حمام سلام کرده اند بر مردم

فصل چهارم در فضیلت شستن سر و بدن و دفع بوهای بد از خود کردن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که کافی است آب از برای خوشبو کردن بدن و فرمود که هر که جامه بپوشد باید که پاکیزه باشد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که شستن جامه ها غم را می برد

و آزار چشم را دفع میکند و شستن جامه غم و اندوه را می برد و پاکیزگی است برای نماز و فرمود که خود را پاکیزه کنید با آب از بوهای بد که مردم از آن متاذی میشوند و بپی اصلاح بدن خود باشید بدرستیکه خدا دشمن میدارد از بندگانش آن کثیف گندیده را که پهلوی هر که بنشیند از و متاذی شود و فرمود که آب دار بوی خوش گردانید و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که حقتعالی غضب کرد بر بنی اسرائیل مگر وقتیکه ایشانرا داخل مصر کرد و راضی نشد از ایشان مگر وقتیکه ایشانرا از مصر بیرون کرد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که سر خود را بگل مصر مشوئید و از کوزه که در مصر میسازند آب مخورید که خواری و مذلت می آرد و غیرت را می برد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که دوست نمیدارم که سر خود را از گل مصر بشویم از ترس آنکه مرا ذلیل گرداند و غیرت مرا ببرد و از جابر جعفی منقول است که شکایت کرد بحضرت امام محمد باقر علیه السلام از آن که گرمی در سرم است و بسیاری ریزد و جامه ام را چرکین میکند فرمود که مورد را بکوب و آبش را بگیر و با سرکه که از شراب لعل آورده باشند و بسیار تند باشد بهم بزن آنقدر که کف کند پس سر و ریش را آن بقوت تمام بمال و بشوی پس بروغن شیر تازه سر و ریش را چرب کن که آن علت زائل میشود فصل پنجم در فضیلت شستن سر با سدر و خطمی در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که ناخن و شارب گرفتن و سر را با خطمی شستن فقر و درویشی را زائل میکند و روزی را زیاده میکند و در حدیث موثق دیگر فرمود که شستن سر با خطمی در هر جمعه امان میدهد از پیسی و دیوانگی و در روایت دیگر فرمود که هر که ناخن و شارب بگیرد و سر را با خطمی بشوید در روز جمعه ثواب کسی دارد که یک بنده آزاد کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که شستن سر با خطمی دل را می گشاید و سودا و اندوه را برطرف میکند و در حدیث موثق از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که شستن سر با سدر روزی را زیاده میکند و در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که چون حقتعالی حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم را امر کرد که اسلام را ظاهر گرداند آنحضرت که مسلمانان بسیاری کافران را دید بسیار غمگین شد حقتعالی حضرت جبرئیل را با یک برگ سدره از درخت سدرة المنتهی فرستاد که سر را بآن بشوید پس بآن شستن اندوه آن حضرت برطرف شد و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که شستن سر با خطمی امان میدهد از درد سر

و بیزار میگرداند از پریشانی و سر را پاک میکند از گرمی و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله وسلم سر خود را با سدره می شستند و میفرمودند که بشوئید سر خود را با برگ سدره
که هر ملک مقرب و هر پیغمبر مرسل آنرا بپاکی یاد کرده است و هر که سرش را بآن بشوید حقتعالی از و وسوسهٔ
شیطان را هفتاد روز دور گرداند و هر که هفتاد روز وسوسهٔ شیطان از و دور شود معصیت خدا نکند
و هر که معصیت خدا نکند داخل بهشت شود و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله وسلم منقول
است که شستن سر بخطمی چرک و جانوران سر را برطرف میکند **فصل ششم** در فضیلت کشیدن داروی
در حدیث حسن از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که داروکشیدن پاک کنندهٔ
بدن است و در حدیث صحیح منقول است که عبد الرحمن بن ابی عبد الله گفت که با حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام بحمام رفتم فرمود که داروبکش گفتم چند روزیست که کشیده ام فرمود که دیگر بکش
که پاک کنندهٔ بدن است و برین مضمون چندین حدیث وارد شده است و در حدیث دیگر منقول
است که حضرت شخصی را تکلیف داروکشیدن کردند او گفت که سه روز است که داروکشیدم فرمود که
باز بکش که پاک میگرداند ترا و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که دارو
کشیدن دفع دلگیری و پریشانی خاطر میکند و بدن را پاک میکند و از حضرت امام موسی علیه السلام
منقول است که گفت موهای بدن را از خود بیندازید که نجس و کثیف است و در حدیث صحیح از آنحضرت
منقول است که موی بدن چون بلند میشود آب پشت را قطع میکند یعنی فرزند بوجود نمی آید و بندها را
سست میکند و ضعف و تنگی نفس می آورد و نوره کشیدن آب پشت را زیاده میکند و بدن را قوی میکند
و پیه گرده ها را زیاده میکند و بدن را فربه میکند و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چهار
چیز است که از اخلاق پیغمبران است بوی خوش کردن و سر تراشیدن و نوره مالیدن و بسیار جماع
کردن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که موی شارب و زیر بغل و پشت زهار
را بلند مگذارید که شیطان در آنجاها پنهان می شود **فصل هفتم** در ازاله موی زیر بغل در حدیث معتبر از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که دراز مگذارید موی زیر بغل را که شیطان در آنجا پنهان
میشود و در حدیث معتبر دیگر منقول است که حضرت صادق علیه السلام زیر هائی بغل را دارو میکشیدند
و میفرمودند که کندن موی بغل دوش را سست میکند و در حدیث دیگر منقولست که دارو کشیدن

زیر بغل بهتر است از تراشیدن و تراشیدن بهتر است از کندن و در حدیث دیگر وارد شده است که بسیار بود که آنحضرت از برای ازالهٔ موی زیر بغل بحمام میرفتند و همین آن موضع را دارو میکشیدند و بیرون می آمدند و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که موی زیر بغل را کندن گند بغل را برطرف میکند و پاک کننده است و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است

فصل هشتم در غایت زمانی که نوره را تاخیر میتوان کرد و در حدیث معتبر از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر مردی که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که موی پشت زهار را زیاده از چهل روز نگذارد و حلال نیست زنی را که ایمان بخدا و روز قیامت داشته باشد اینکه ترک کند ازالهٔ موی زهار را زیاده از بیست روز و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در هر جمعه دارو می‌کشیدند موی پشت زهار را و میان دو پارا در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سنت در نوره کشیدن آن است که هر پانزده روز یک مرتبه بکشد و اگر کسی بیست و یک روز هم یک مرتبه بکشد خوب است و در روایت دیگر هشت روز بگذرد که نوره نکشیده باشد قرض کند بر خدا و نوره بکشد و هر که چهل روز برو بگذرد که نوره نکشد او مومن و مسلمان نیست و او را هیچ کرامت نزد خدا نیست و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد موی زهار را زیاده از چهل روز نگذارد پس اگر چیزی نیابد بعد از چهل روز قرض کند و نگذارد و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که دوست میدارم از برای مومن که هر پانزده روز نوره بمالد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که باید که پشت زهار را یک هفته بیشتر نگذارد و کسیکه نوره را زیاده از یک ماه ترک کند نمازش مقبول نیست

فصل نهم در دعاهای وقت نوره کشیدن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که پیش از نوره کشیدن اندکی نوره بردارد و ببوید و بر سر بینی بگذارد و بگوید صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ كَمَا أَمَرَنَا بِالنُّورَةِ و از نسوزاند نوره و از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام منقول است که هر که وقت نوره مالیدن بر بدن این دعا بخواند خدا او را از چرکها و کثافتهای دنیوی و از گناهان پاک گرداند و بعوض آن موهای پاکیزه عطا فرماید که در آن مو گناه نکند و بعد هر موی از پشمش ملکی خلق کند که از برای او تسبیح الهی بکند تا روز قیامت بدرستیکه یک تسبیح از تسبیح ملائکه ثوابش

برابر است با ثواب هزار تسبیح اهل زمین دعا این است اَللّٰهُمَّ طَیِّبْ مَا طَهُرَ مِنِّی وَطَهِّرْ مَا طَابَ
مِنِّی وَابْدِلْنِی شَعْراً طَاهِراً لَا یَعْصِیکَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی تَطَهَّرْتُ ابْتِغَاءَ سُنَّةِ الْمُرْسَلِینَ
وَابْتِغَاءَ رِضْوَانِکَ وَمَغْفِرَتِکَ فَحَرِّمْ شَعْرِی وَبَشَرِی عَلَی النَّارِ وَطَهِّرْ خَلْقِی وَطَیِّبْ خُلُقِی
وَزَکِّ عَمَلِی وَاجْعَلْنِی مِمَّنْ یَلْقَاکَ عَلَی الْحَنِیفِیَّةِ السَّمْحَةِ مِلَّةِ اِبْرَاهِیمَ خَلِیلِکَ وَدِینِ مُحَمَّدٍ
صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ حَبِیبِکَ وَرَسُولِکَ عَامِلاً بِشَرَائِعِکَ تَابِعاً لِسُنَّةِ نَبِیِّکَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ
وَآلِهِ آخِذاً بِهِ مُتَأَدِّباً بِتَأْدِیبِکَ وَتَأْدِیبِ رَسُولِکَ وَتَأْدِیبِ اَوْلِیَائِکَ الَّذِینَ غَذَوْتَهُمْ
بِاَدَبِکَ وَزَرَعْتَ الْحِکْمَةَ فِی صُدُورِهِمْ وَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِعِلْمِکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِمْ

فصل دهم در اوقات نوره کشیدن و سائر آداب آن از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که یک مرتبه در تابستان دارو کشیدن بهتر است در فضیلت و نفع از ده مرتبه که در زمستان بکشند
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله مرویست که احتراز کنید از نوره مالیدن در روز
چهارشنبه که روز نحس مستمر است و جهنم در روز چهارشنبه خلق شده است و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقول است که پنج چیز است که مورث پیسی است نوره در روز جمعه و چهارشنبه
مالیدن و وضو و غسل کردن بآبی که در آفتاب گرم شده باشد و در حالت جنابت چیزی خوردن
و جماع در وقت حیض با زنان کردن و در حال سیری چیزی خوردن و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقول است که هر که در روز جمعه نوره بکشد و پیس شود ملامت نکند مگر خود را و دور نیست که این دو
حدیث محمول بر تقیه باشد یا آنکه یکی از طریق اهل سنت است زیرا که حدیث گذشت که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم در روز جمعه دارو می کشیدند و در حدیث معتبر دیگر منقول است که بخدمت حضرت
صادق علیه السلام عرض کردند که مردم میگویند که نوره کشیدن در روز جمعه مکروه است حضرت فرمود
که چنین نیست که تو گمان کرده چه چیز پاک کننده تر است از نوره کشیدن در روز جمعه و در حدیث
دیگر منقول است که علی ابن یقطین خواست که بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام بنویسد که آیا
مرد در حالت جنابت دارو میتواند کشید و فراموش کرد حضرت از باب اعجاز باو نوشتند که باکی
نیست نوره باعث زیادتی پاکیزگی جنب است و از حضرت صادق علیه السلام نیز پرسیدند فرمود
که باکی نیست و در حدیث حسن منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که کسی که دارو

کنند ایستاده بول بتوانند کرد فرمود که باکی نیست و در روایت دیگر منقول است کسی که بوقت
دارو مالیدن برای بول نشیند بیم آنست که بعلت فتق مبتلا شود و بشیر بنهال با حضرت امام
محمد باقر علیه السلام بحمام رفت حضرت لنگی بستند از ناف تا زانو و خدمتگار حمام را طلبیدند که آنچه
بالا و پائین لنگ بود دارو مالید بعد از ان او را بیرون کردند و از ناف تا زانو خود کشیدند و با بشیر گفتند
که هرگاه دارو بکشی چنین کن و در بعضی احادیث تجویز این وارد شده است که غیر عورتین را دیگری
بمالد و بسند حسن منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا جائز است که کسی آرد را
با روغن زیت مخلوط کند و بعد از نوره بر بدن بمالد برای آنکه رفع بوی نوره شود فرمود که باکی نیست
و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام موسی علیه السلام چنین میکردند و در حدیث دیگر منقول
است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آرد را بعد از نوره بر بدن بتوان مالید فرمود که
باکی نیست راوی گفت که مردم میگویند که اسرافست حضرت فرمود که در چیزی که اصلاح بدن کنند
اسراف نیست من بسیار وقت است که میفرمایم که آرد پخته را با روغن زیت مخلوط میکنند
و در بدن میمالم اسراف در چیزی میباشد که مال را تلف کند و بدن ضرر برساند فصل یازدهم در
فضیلت حنا مالیدن بعد از نوره حسین ابن موسی روایت میکند از پدرش که حضرت موسی بن جعفر
علیهما السلام هرگاه اراده حمام میکردند میفرمودند که حمام را بسیار گرم میکردند بمرتبه که داخل نمیتوانست
شد پس میفرمودند که نمدها بر زمین حمام می انداختند و بعد از ان داخل میشدند روزی از حمام بیرون آمدند
شخصی از آل زبیر بآن حضرت رسید و اثر حنا در دست آنحضرت دید گفت این رنگ چیست که در دست
تست فرمود که رنگ حناست که پدرانم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده اند
که هر که بحمام رود و دارو بکشد و بعد از دارو حنا از سر تا پا بمالد او را امان باشد از دیوانگی و خوره و پیسی
و آکله تا نوره کشیدن دیگر و در حدیث معتبر منقول است که حکم بن عتیبه دید که حضرت صادق علیه السلام
حنا بر دست نهادند و بر ناخنهای خود گذاشتند فرمودند که ای حکم چه میگوئی درین باب گفت چه توانم گفت
در کاری که شما بکنید اما این کار را پیش ما جوانان میکنند حضرت فرمود که ای حکم ناخنها بعد از نوره سفید
میشود بنا خن مردگان مانند شان را میگردانیم بحنا و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام
محمد تقی علیه السلام از حمام بیرون آمدند و از سر تا پای مبارکش مانند گل سرخ شده بود

از حنا و حضرت صادق علیه السلام فرمود که حنا مالیدن بوی بد را می برد و آب رو را زیاده میکند و دیار را خوشبو میکند و فرزند را نیکو میکند و هر که بعد از داروا از سر تا پا حنا بمالد فقر و پریشانی از و برطرف میشود فصل دوازدهم در آداب غسل جمعه و سایر اغسال بدانکه غسلهای واجب بنابر مشهور میان علما شش است غسل جنابت و حیض و استحاضه و نفاس و مس میت و غسل میت و مستحب است که در وقت غسل جنابت این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَزَكِّ عَمَلِي وَتَقَبَّلْ سَعْيِي وَاجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْرًا لِي اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ و اگر این دعا بخواند بهتر است: اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي وَاَجْرِ عَلٰى لِسَانِي مِدْحَتَكَ وَالثَّنَاءَ عَلَيْكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِي طَهُورًا وَشِفَاءً وَنُورًا اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و بعضی این دعا را بعد از غسل ذکر کرده اند و در تفسیر حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیه مذکور است که هر که بعد از وضو یا غسل جنابت این دعا بخواند گناهان از و بریزد چنانچه برگ از درختان بریزد و بهر قطره از قطرات وضو و غسل او حقتعالی ملکی خلق فرماید که تقدیس و تسبیح و تهلیل و تکبیر الهی کند و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و ثوابش از و باشد و گناهانش آمرزیده شود و دعا این است سُبْحَانَكَ اَللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُكَ وَاَتُوبُ اِلَيْكَ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاَشْهَدُ اَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّكَ وَخَلِيفَتُكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ عَلٰى خَلْقِكَ وَاَنَّ اَوْلِيَاءَهُ خُلَفَاؤُكَ وَاَوْصِيَاؤُهُ اَوْصِيَاؤُكَ اما غسلهای سنت شصت و دو غسل است و از جمله آنها غسل جمعه است و بعضی از علما واجب میدانند و احوط آنست که تا مقدور باشد ترک نکند و در احادیث معتبره وارد شده است که غسل جمعه واجب است بر مردان و زنان در سفر و حضر مگر آنکه رخصت داده اند زنان را که ترک کنند در سفر برای کمی آب و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که غسل جمعه پاکیزه کننده و کفاره گناهان است از جمعه تا جمعه دیگر و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که هر که غسل جمعه بکند و بگوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ این غسل و دعا پاک گرداند او را تا جمعه دیگر و بهتر آنست که این دعا را نیز بخواند اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَاَنْقِ غُسْلِي وَاَجْرِ عَلٰى لِسَانِي مَحَبَّةً مِنْكَ و باز بگوید اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي

مِنْ كُلِّ آفَةٍ تَمْحَقُ بِهَا دِينِي وَتُبْطِلُ بِهَا عَمَلِي و در فقه الرضا مذکور است که چون از غسل جمعه فارغ شوی بگوی اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَانْقِ غِلِّي وَاَجْرِ عَلٰى لِسَانِي ذِكْرَكَ وَذِكْرَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَالْمُتَطَهِّرِينَ و وقت آن از صبح صادق است روز جمعه تا نماز پیشین و مشهور آنست که هرچند نزدیک تر است به پیشین بهتر است و اگر خوف داشته باشد که در روز جمعه آب یافته نشود در روز پنجشنبه میتواند کرد و اگر فوت شود بعد از پیشین تا شام روز جمعه میتواند کرد و نیت قضا در کار نیست و از صبح روز شنبه تا شام بقصد قضا میتواند کرد و در فقه الرضا مذکور است که در روزهای دیگر هفته هم میتوان کرد و ظاهرا کسی از علما باین قائل نشده است و سنت است غسل کردن در شبهای طاق ماه مبارک رمضان خصوصا در شب اول و شب نیمه و شب هفدهم و آن شبی است که مومنان و کافران در بدر جمع شده اند و در روز آن شکست اعظم فتحهای اسلام واقع شد و شب نوزدهم آن شبی است که تقدیرات سال در آن شب نوشته میشود بنا بر بعضی از احادیث و شب بیست و یکم آن شبی است که اوصیا و انبیا در آن شب شهادت یافته اند و حضرت عیسی در آن شب باسمان رفته و حضرت موسی علیه السلام از دنیا رفته و احتمال قوی دارد که شب قدر بوده باشد و شب بیست و سوم و آن شب قدر است باحتمال قوی و قول اکثر و در آن شب دو غسل است یکی مقارن غروب آفتاب و دیگر در آخر شب و در بعضی از روایات وارد شده است که در شبهای دهه آخر هر شب غسل بکند و سنت است غسل در شب عید فطر و روز عید و روز عید قربان و اظهر آنست که درین دو روز غسل را تا شب میتوان کرد و لیکن افضل آنست که پیش از نماز عید واقع سازد و در روز هشتم ذی الحجه و در روز عرفه نزد زوال و شب نیمه رجب و منقول است از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم که هر که ماه رجب را دریابد و غسل کند در اول ماه و میان ماه و آخر ماه از گناهان بدر آید مثل روزی که از مادر متولد شده باشد و روز مبعث و آن بیست و هفتم رجب است و اکثر علما گفته اند اگرچه حدیثی بخصوص بنظر نرسیده است و شب نیمه ماه شعبان و روز عید غدیر خم که هیجدهم ذی الحجه است و روز مباهله که بیست و چهارم ذی الحجه است و بعضی گفته اند روز بیست و پنجم است و روز دحو الارض بنا بر مشهور و آن روز بیست و پنجم ذی قعده است و درین غسل نیز حدیثی بنظر نرسیده است و روز نوروز بنا بر مذهب بعضی و در حدیث معلی بن خنیس بر آن دلالت دارد

و مشهور آنست که روزی است که آفتاب به برج حمل منتقل میشود و همچنین سنت است غسل برای
احرام حج یا عمره و بعضی واجب میدانند و احوط آنست که ترک نکند و غسل زیارت حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین از نزدیک و دور و غسل استخاره مطلقا
خصوصا نمازهای خاص استخاره و برای نمازهای مخصوص که در طلب حاجت وارد شده است و غسل توبه
از گناهان و باز سنت است غسل از برای قضای نماز کسوف هرگاه عمدا ترک کرده باشد و قرص تمام
گرفته باشد و بعضی گفته اند که واجب است و احوط آنست که ترک نکند و بعضی گفته اند که بواسطه قضا
غسل کند اگر عمدا ترک کرده باشد اگرچه تمام قرص نگرفته باشد و از برای ادا غسل میکند اگر تمام گرفته باشد
و این قول قوی است و سنت است غسل از برای دخول حرم و از برای داخل شدن مکه معظمه و از برای داخل
شدن خانه کعبه و از برای طواف و از برای داخل شدن حرم مدینه و از برای داخل شدن شهر مدینه منوره
و از برای داخل شدن مسجد رسول صلی الله علیه و آله و سلم و از برای کشتن وزغ و غسل فرزندی که متولد
شود چنانچه گذشت و غسل روز ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بنا بر قول بعضی و آن
هفدهم ماه ربیع الاول است و آنچه بنظر رسیده غسل از برای زیارت است در آن روز و سنت است
غسل از برای طلب باران و از برای کشتن چلپاسه و غسل بعد از کشتن است و همچنین هرگاه شخصی برود
برای دیدن کسیکه او را بدار کشیده باشند غسل سنت است بعد از دیدن و بعضی واجب دانسته اند و اکثر
علما گفته اند که هرگاه سعی بعد از سه روز باشد سنت است خواه بحق او را کشته باشند خواه بباطل و بعضی
از علما گفته اند که سنت است اعاده غسل هرگاه بعنوان ناقص بر وجه ضرورت بعمل آمده باشد مثل جبیره
و تقیه و هم چنین گفته اند که هرگاه جامه میان دو کس مشترک باشد و منی در آن بیابند و معلوم نباشد که از
کدام یک بوده است هر دو را غسل کردن سنت است و نیز گفته اند برای کفن کردن میت سنت است
و ظاهر حدیث آنست که همان غسل مس میت است که سنت است که پیش از کفن کردن بجا آورد
و همچنین سنت است غسل هرگاه کسی مرده را بعد از غسل دست بمالد و بعضی گفته اند که هرگاه شخصی جنب
مرده باشد سنت است که غسل جنابت بدهند او را پیش از غسل میت یا بعد از آن و از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون خواهی که غسل روز عید فطر بجا آوری در زیر سقفی بکن
چون خواهی که شروع کنی بگو اَللّٰهُمَّ اِیمَانًا بِكَ وَتَصْدِیقًا بِكِتَابِكَ وَاتِّبَاعَ سُنَّةِ نَبِیِّكَ

نداشت انشاء الله تعالی در کتاب عبادت نوشته خواهد شد والله الموفق **باب ششم** در آداب خواب رفتن و بیدار شدن و بیت الخلا رفتن **فصل اول** در بیان اوقات خواب بدانکه خواب کردن بعد از طلوع صبح تا طلوع آفتاب و میان نماز شام و خفتن بعد از عصر مکروه است و پیش از ظهر در وقت گرمی هوا و بعد از نماز ظهر تا عصر خواب قیلوله است و سنت است و از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه منقول است که ای ابی حمزه ثمالی فرمود که خواب مکن پیش از طلوع آفتاب که من از برای تو دوست نمیدارم زیرا که حق تعالی روزی بندگانرا درین وقت قسمت میکند و هر که درین وقت خواب است محروم میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که زمین بسوی خدا ناله و فریاد میکند از سه چیز از خون حرامی که بران ریخته شود و یا غسلی که از زنا کند بر روی آن یا خواب کردن بران پیش از طلوع آفتاب و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خواب بامداد شوم است و روزی را منع میکند و رنگ را زرد میکند و رو را قبیح و متغیر میکند و این خواب را هر شومی است بدرستیکه حقتعالی روزی را ازما بین طلوع صبح تا طلوع آفتاب قسمت می نماید پس زنهار این خواب را مکنید و فرمود که مرغ بریان و ترنجبین بر بنی اسرائیل درین وقت نازل میشد هر که در خواب بود بهرهٔ او نازل نمیشد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که در جای نماز خود بنشیند از طلوع صبح تا طلوع آفتاب خدا او را مستور گرداند از آتش جهنم و در حدیث دیگر فرمود که مثل ثواب حج کنندهٔ خانه کعبه داشته باشد و گناهانش آمرزیده شود اما در چند حدیث تجویز وارد شده است که اگر نماز کند و قدری تعقیب بخواند و پیش از بر آمدن آفتاب بخوابد باکی نیست چنانچه در حدیث صحیح منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام شخصی فرمود که فردا بعد از طلوع آفتاب بیا که من بعد از نماز صبح خوابی میکنم و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که شخصی فرمود که چون نماز صبح کردی و ذکر خدا خواندی اگر پیش از طلوع آفتاب بخوابی باکی نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که خواب اول روز سفاهت است و خواب قیلوله نعمت است و خواب بعد از نماز عصر حماقت است و خواب میان نماز شام و خفتن از روزی محروم میگرداند و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است

که خواب کردن پیش از طلوع آفتاب و پیش از نماز خفتن پریشانی و فقر می آورد و در روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد که من حافظه قوی داشتم و اکنون فراموشی بر من غالب شده است فرمود که آیا خواب قیلوله میکردی و حال ترک کرده گفت بلی فرمود که باز خواب قیلوله بکن چنان کرد حافظه اش بر گشت و در روایت دیگر وارد شده است که قیلوله کنید که شیطان قیلوله نمیکند و منقولست که نیکو یاوری است خواب قیلوله بر بیداری و عبادت شب **فصل دوم** در وضو ساختن پیش از خواب از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که وضو بسازد و به رخت خواب برود رخت خواب برای او حکم مسجد داشته باشد و اگر در میان رخت خواب بیادش آید که وضو ندارد از لحاف خود تیمم کند و اگر با وضو یا تیمم بخوابد تا صباح بیاد خداست چنانست که نماز میکند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که نخوابد مسلمان در حالتیکه جنب باشد نخوابد مگر با وضو و اگر آب نیابد برای وضو و غسل بهم رسد تیمم کند بخاک زیرا که روح مومن را در وقت خواب باسمان می برند و حقتعالی او را قبول می نماید و برکت بر وی می فرستد پس اگر اجلش رسیده است او را در گنجهای رحمت خود می سپارد و اگر اجلش نرسیده است او را با امینان خود از ملائکه بسوی بدن او برمیگرداند و در حدیث معتبر دیگر منقولست که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم باصحاب خود فرمود که کدام یک از شما تمام سال روزه میدارد سلمان گفت که من فرمود که کدام یک از شما هر روز ختم قرآن میکند سلمان گفت که من فرمود که کدام یک از شما همه شب را احیا میکند سلمان گفت که من پس عمر بخشم آمد و گفت این مردی است از فارس میخواهد که بر ما که از قریشیم فخر کند دروغ میگوید در اکثر روزها روزه نیست و در اکثر شبها بخواب است و در اکثر روز خاموش است حضرت فرمود که او مانند لقمان حکیم است از او سوال کن تا جواب گوید عمر پرسید سلمان گفت که در هر سال من ماهی سه روز روزه میدارم و حقتعالی میفرماید که هر که حسنه کند ده برابر او ثواب بدهیم این روزه سال میشود با آنکه ماه شعبان را همه روزه میگیرم و بماه رمضان پیوند میکنم و اما بیداری شب هر شب با وضو میخوابم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که میفرمود که هر که با وضو بخوابد چنانست که تمام شب را بعبادت احیا کرده باشد و اما ختم قرآن در هر روز سه مرتبه

ایمان و روکامل شده است یا علی بحق آن خداوندی که مرا براستی فرستاده است سوگند میخورم که اگر تمام
اهل زمین دوست میداشتند ترا چنانچه اهل آسمان ترا دوست میدارند خدا هیچکس را از آتش عذاب
نمیکرد و جهنم ساکت شده که گویا هرگز بآتش نگذاشتند **فصل سیوم** در مکان خوابیدن و
آداب پیش از خوابیدن مشهور میان علما آنست که خوابیدن در مساجد مکروه است و ظاهر
حدیث آنست که مکروه نیست مگر در مسجد الحرام و مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و در آنها
تجویز واقع شده است و در احادیث معتبر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
سه کس را لعنت کرد کسی را که تنها چیزی بخورد و تنها بسفر برود و در بیوت تنها بخوابد و فرمود که اگر
تنها بخوابد بیم آنست که دیوانه شود و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که هرکه در خانه تنها بخوابد
یا در بیابانی تنها بخوابد بگوید اَللّٰهُمَّ آنِسْ وَحْشَتِي وَ اَعِنّي عَلىٰ وَحْدَتِي و در حدیث دیگر منقول است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از خوابیدن بر بامی که دیوار نداشته باشد فرمود
که هرکه بر بامی بخوابد که دیوار نداشته باشد از امان خدا بدر میرود و در احادیث معتبره از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که مکروه است کسی را که تنها بخوابد یا بر بامی که دیوار نداشته باشد بخوابد و فرمود که
مرد و زن درین حکم مساوی اند پرسیدند که اگر سه طرف دیوار داشته باشد چون است فرمود نه بلکی هر چهار طرف
می باید دیوار داشته باشد و در بعضی از روایات وارد شده است که حد بلندی دیوار دو ذراع است
و در بعضی از احادیث یک ذراع و یک شبر هم وارد شده و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله نهی فرمود
از خوابیدن بر سر راه و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی وارد شده است از آنکه کسی
با دست چرب آلوده بخوردنی بخوابد و اگر چنین کند شیطان بر دست یابد و دیوانه شود ملامت نکند

که بر دست راست رو بقبله بخوابد و دست راست را در زیر رو بگذارد و بر دست چپ خوابیدن
و برو خوابیدن مکروه است چنانچه از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که
خواب بر چهار قسم است پیغمبران بر پشت میخوابند و دیدهای ایشان بخواب نمیرود و منتظر وحی پروردگار
خود می باشند و مؤمن بر دست راست میخوابد رو بقبله و پادشاهان و فرزندان ایشان بر دست
چپ میخوابند که هر چه خورده اند گوارا شود و شیطان و برادران او و هر دیوانه و مبتلائی برو در افتاده
میخوابد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که آدمی برو نخوابد و هرگاه ببیند که برو خوابیده است او را
بیدار کنید و مگذاریدش بران حال و فرمود که هرگاه کسی اراده خواب کند باید که دست راست را
بزیر جانب راست بگذارد چه نمیداند که از این خواب بیدار خواهد شد یا نه و احادیث در فضیلت
خوابیدن بر دست راست و منع خوابیدن بر دست چپ بسیار وارد شده است فصل پنجم
در آیات و ادعیه که پیش از خواب باید که خوانده شود و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول
است که هرگاه کسی دست را در زیر سر گذاشته بخوابد و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْلَمْتُ نَفْسِیْ
اِلَیْكَ وَ وَجَّهْتُ وَجْهِیَ اِلَیْكَ وَ فَوَّضْتُ اَمْرِیْ اِلَیْكَ وَ اَلْجَأْتُ ظَهْرِیْ اِلَیْكَ وَ تَوَكَّلْتُ
عَلَیْكَ رَهْبَةً مِنْكَ وَ رَغْبَةً اِلَیْكَ لَا مَلْجَأَ وَ لَا مَنْجَا مِنْكَ اِلَّا اِلَیْكَ اٰمَنْتُ بِكِتَابِكَ
الَّذِیْ اَنْزَلْتَ وَ بِرَسُوْلِكَ الَّذِیْ اَرْسَلْتَ بعد از ان تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بخواند
و در حدیث صحیح دیگر فرمود که ترک مکنید در وقت خواب اینکه بگوئید اُعِیْذُ نَفْسِیْ وَ ذُرِّیَّتِیْ
وَ اَهْلَ بَیْتِیْ وَ مَالِیْ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ مِنْ كُلِّ شَیْطَانٍ وَ هَامَّةٍ وَ مِنْ كُلِّ عَیْنٍ
لَامَّةٍ که باین دعا تعویذ میفرمود حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم امام حسن و امام حسین
صلوات الله علیهما را و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سوره قل هو الله

و سوره قل یا ایها الکافرون را پیش از خواب بخوان که قل یا ایها الکافرون بیزاری از شرکست
و قل هو الله احد نسبت به پروردگار است و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که بعد از خوابیدن
در رخت خواب سه مرتبه بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ عَلَا فَقَهَرَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ بَطَنَ فَخَبَرَ
وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ مَلَکَ فَقَدَرَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ یُحْیِی الْمَوْتٰی وَ یُمِیْتُ الْاَحْیَاءَ وَ هُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ از گناه
بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است
که هر که آیة الکرسی در وقت خواب بخواند از فالج ایمن گردد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقول است که هر که سوره آیین پیش از خواب بخواند حقتعالی هزار ملک با و موکل گرداند که او را از
شیطان و هر بلا محفوظ کنند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر که سوره یس و
اذا وقعت الواقعه هر شب پیش از خواب بخواند در قیامت روی او مانند ماه شب چارده باشد
و در حدیث دیگر فرمود که هر که سورهائی که در اول شان سبح لله و یسبح لله است پیش از خواب
بخواند نمیرد تا بخدمت حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه برسد و اگر بمیرد در همسائگی رسول
خدا صلی الله علیه و سلم جا دهند او را و در حدیث دیگر فرمود که هر که هر شب این دعا بخواند تا صبح
او را عقرب و سیج گزنده نگزد بِکَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ الَّتِیْ لَا یُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَّ لَا فَاجِرٌ
مِنْ شَرِّ مَا ذَرَاَ وَ مِنْ شَرِّ مَا بَرَءَ وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّةٍ هُوَ اٰخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا اِنَّ رَبِّیْ
عَلٰی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیْمٍ و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که در وقت خواب
این آیه بخواند خانه بسرش خراب نشود اِنَّ اللّٰهَ یُمْسِکُ السَّمٰوَاتِ وَ الْاَرْضَ اَنْ تَزُوْلَا
وَ لَئِنْ زَالَتَا اِنْ اَمْسَکَهُمَا مِنْ اَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهٖ اِنَّهٗ کَانَ حَلِیْمًا غَفُوْرًا و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که چون کسی برخت خواب رود بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَحْتَبَسْتُ
نَفْسِیْ عِنْدَکَ فَاحْتَبِسْهَا فِیْ مَحَلِّ رِضْوَانِکَ وَ مَغْفِرَتِکَ وَ اِنْ رَدَدْتَهَا فَارْدُدْهَا
مُؤْمِنَةً عَارِفَةً بِحَقِّ اَوْلِیَائِکَ حَتّٰی تَتَوَفَّهَا عَلٰی ذٰلِکَ و در حدیث دیگر فرمود که
رسول صلی الله علیه و آله و سلم در این وقت آیة الکرسی میخواندند و بعد از ان می گفتند بسم الله آمنت
بِاللّٰهِ وَ کَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوْتِ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِیْ فِیْ مَنَامِیْ وَ فِیْ یَقْظَتِیْ و بهتر آنست
که آیة الکرسی را تا هم فیها خالدون بخوانند و در حدیث دیگر فرمود که چون برخت خواب رود تسبیح حضرت

فاطمه علیها السلام بخوان و آیة الکرسی و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و ده آیه از
اول سوره والصافات و ده آیه آخر سوره والصافات بخوان و در حدیث صحیح منقول است
که آنحضرت بفرزند خود فرمود که این دعا را در وقت خواب بخوان أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ
وَأَنَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ
وَأَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِجَلَالِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِسُلْطَانِ اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ عَلَى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَعُوذُ بِعَفْوِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِغُفْرَانِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِرَحْمَةِ اللّٰهِ مِنْ شَرِّ
السَّامَّةِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ بِلَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ
وَالْإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَمِنْ شَرِّ الصَّوَاعِقِ وَالْبَرَدِ اللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که صد
نوبت سوره قل هو الله احد در وقت خواب بخواند گناه پنجاه ساله اش آمرزیده شود و در
حدیث دیگر فرمود که هر که در وقت خواب سه مرتبه آیة الکرسی و یک مرتبه آیه شهد الله و آیه
سخره و آیه آخر سوره حم سجده را بخواند حقتعالی دو ملک را موکل گرداند که شیاطین را از او دور
گردانند و آن ملک را امر فرماید که تحمید و تسبیح و تکبیر و تهلیل خدا بگویند و استغفار کنند تا بیدار شدن
ثواب همه از او باشد و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که کسی که
از خواب ترسیده باشد پهلوی راست بر زمین بگذارد و این دعا بخواند أُعِيذُ نَفْسِي وَدِينِي وَأَهْلِي
وَمَالِي وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي وَخَوَّلَنِي بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَعَظَمَةِ اللّٰهِ وَجَبَرُوتِ
اللّٰهِ وَسُلْطَانِ اللّٰهِ وَرَحْمَةِ اللّٰهِ وَرَأْفَةِ اللّٰهِ وَقُدْرَةِ اللّٰهِ وَغُفْرَانِ اللّٰهِ وَقُوَّةِ
اللّٰهِ وَجَلَالِ اللّٰهِ وَبِصُنْعِ اللّٰهِ وَأَرْكَانِ اللّٰهِ وَبِجَمْعِ اللّٰهِ وَبِرَسُولِ اللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
بِقُدْرَةِ اللّٰهِ عَلَى مَا يَشَاءُ مِنْ شَرِّ السَّامَّةِ وَالْهَامَّةِ وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ
وَمِنْ شَرِّ مَا يَدِبُّ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا
وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ بدرستیکه این تعویذیست که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم از برای حسنین صلوات الله علیهما میخواندند و میفرمودند که چون کسی

حقتعالی پنجاه هزار ملک بر و موکل گرداند که در آن شب او را پاسبانی کنند و از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که هر که پیش از خواب صد مرتبه لا اله الا الله بگوید حق تعالی خانه در بهشت از
برای او بنا کند و هر که صد مرتبه استغفار کند گناهانش بریزد چنانکه برگ از درختان بریزند
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که سورهٔ اَلْهٰکُمُ التَّکَاثُر در وقت
خواب بخواند از عذاب قبر ایمن گردد و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که
یازده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد پیش از خواب بخواند گناهانش آمرزیده شود و او و همسایگانش
از بلا محفوظ مانند و اگر صد مرتبه بخواند گناه پنجاه سال از آیندهٔ عمرش آمرزیده شود و در حدیث
معتبر دیگر فرمود که هر که در وقت خواب بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُشْهِدُكَ اَنَّكَ افْتَرَضْتَ عَلَیَّ طَاعَةَ
عَلِیِّ بْنِ اَبِیْ طَالِبٍ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَعَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ
وَمُوْسَی بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِیِّ بْنِ مُوْسٰی وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ وَعَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ
بْنِ عَلِیٍّ وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِمْ اَجْمَعِیْنَ اگر در آن شب بمیرد داخل بهشت بشود
و در روایت معتبر دیگر فرمود که هر که در وقت خواب یازده مرتبه سورهٔ اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ بخواند حقتعالی
یازده ملک بر و موکل گرداند که او را از شر شیطان حفظ کنند تا صبح و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه و آله منقول است که هر که در وقت خواب این آیات را بخواند از درد ایمن گردد
قُلِ ادْعُوا اللهَ اَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ اَیًّا مَا تَدْعُوْا فَلَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰی وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا
تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَیْنَ ذٰلِكَ سَبِیْلًا وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ یَكُنْ لَهُ شَرِیْكٌ
فِی الْمُلْكِ وَلَمْ یَكُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِیْرًا و در حدیث معتبر از حضرت علی بن الحسین
صلوات الله علیهما منقول است که هر که در وقت خواب این دعا را بخواند فقر و پریشانی از و دور گردد
و هیچ گزنده باو ضرر نرساند اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَوَّلُ فَلَا شَیْءَ قَبْلَكَ وَاَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَا شَیْءَ

فَوْقَكَ وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَا شَيْءَ دُونَكَ وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَا شَيْءَ بَعْدَكَ اللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَرَبَّ التَّوْرٰيةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ الْعَظِيمِ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّكَ عَلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هر که در وقت رفتن بر جهت خواب سورهٔ تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ بخواند پس بگوید چهار مرتبه اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ وَالْبَلَدِ الْحَرَامِ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنِّي تَحِيَّةً وَسَلَامًا حقتعالی دو ملک را بر او موکل گرداند که بنزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم بروند و بگویند که فلان شخص ترا سلام میرساند پس حضرت فرماید بر او باد سلام و رحمت و برکات الهی **فصل ششم** در دفع ترسیدن خواب و خواب پریشان دیدن و محتلم شدن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که در خواب ترسد پیش از خواب ده مرتبه بگوید لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ پس تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها بخواند و در طب الائمه زیاده کرده است که آیة الکرسی و قل هو الله احد نیز بخواند و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که چون کسی در خواب ترسد یا از وردی یا خوابی بر او مستولی شود این آیه بخواند فَضَرَبْنَا عَلٰى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصٰى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا و اگر طفل بسیار گریه کند این آیه را بر او بخواند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر که در خواب ترسد در وقت خوابیدن سورهٔ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ و سورهٔ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و آیة الکرسی بخواند و در روایت دیگر منقول است که برای ترسیدن شب ده مرتبه ایضا بخواند أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ مِنْ غَضَبِهِ وَمِنْ عِقَابِهِ وَمِنْ شَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يَحْضُرُونِ و آیة الکرسی بخواند و بگوید إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا و در حدیث معتبر منقول است که شهاب بن عبد الله بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرده که زنی در خواب من می آید و مرا می ترساند حضرت فرمود که با خود بردار تسبیحی و در وقت خواب وسی و چهار مرتبه الله اکبر و سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله بگو و ده مرتبه لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ

وَيُمِيتُ وَيُحْيِي بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ دهبار
در تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها مجرب است در وقت خواب میان اکبر سبحان الله را
پیش از الحمد لله بگوید یا بعد از ان و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که هر که ترسد که محتلم شود چون
برخت خواب رود باید دعا را بخواند اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الِاحْتِلَامِ وَمِنْ سُوءِ الْأَحْلَامِ
وَمِنْ أَنْ يَتَلَاعَبَ بِيَ الشَّيْطَانُ فِي الْيَقَظَةِ وَالْمَنَامِ و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقول است که اگر کسی خواب پریشانی به بیند از ان پهلو که خوابیده است
به پهلوی دیگر بگردد و بگوید إِنَّمَا النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ
شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ پس بگوید عُذْتُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ وَأَنْبِيَاؤُهُ
الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُهُ الصَّالِحُونَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ و در روایت
معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که چون خواب پریشانی به بیند و بیدار شود بگوید أَعُوذُ بِمَا
عَاذَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ وَأَنْبِيَاءُ اللَّهِ الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُ اللَّهِ الصَّالِحُونَ
وَالْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ مِنْ رُؤْيَايَ أَنْ تَضُرَّنِي مِنَ
الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ پس بجانب چپ خود سه نوبت آب دهان خود را بیندازد و در روایت دیگر
وارد شده است که شخصی بآن حضرت شکایت کرد که دختری دارم و در شب و روز بسیار می ترسید
فرمود که فصدش کن و در روایت دیگر منقول است که شخصی شکایت کرد که دخترم بسیار در خواب
میترسد و گاهی بسیار حالش صعب می شود و اعضایش سست و بی حس می شود و میگویند که
از تصرف جن است فرمود که فصدش کن و آب شبت را با عسل به پز و سه روز با و بده که بخورد
چنین کرد و شفا یافت و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد
که زنی در خواب من می آید و مرا می ترساند حضرت فرمود که مگر زکوة نمیدهی گفت میدهم فرمود که
بمستحق نمیدهی بعد از ان زکوة را بجد مستحق حضرت می فرستاد و آن حال از و برطرف شد فصل هفتم
در دعا برای دفع بیداری و برای بیدار شدن در آخر شب در حدیث معتبر از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که هر که در وقت خوابیدن این آیه را بخواند قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ
يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ

بِعِبَادَتِي رَبِّهِ احد اهر وقت از شب که خواهد بیدار شود و در روایت دیگر منقول است
از آنحضرت که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که هرکه خواهد در آخر شب بیدار شود چون
بر رخت خواب رود بگوید اَللّٰهُمَّ لَا تُؤْمِنِّي مَكْرَكَ وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ
اَقُومُ سَاعَةَ كَذَا وَكَذَا یعنی در فلان ساعت بیدار شوم چون این دعا بخواند حقتعالی ملکی
موکل سازد که او را در آن ساعت بیدار کند و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام منقول است که هرکه خواهد که در شب بیدار شود در وقت خواب رفتن بگوید اَللّٰهُمَّ
لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تُؤْمِنِّي مَكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ وَانْبِهْنِي لِاَحَبِّ السَّاعَاتِ
اِلَيْكَ اَدْعُوكَ فِيهَا فَتَسْتَجِيبَ لِي وَاَسْئَلُكَ فَتُعْطِيَنِي وَاَسْتَغْفِرُكَ فَتَغْفِرَ لِي اِنَّهُ
لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ که چون این دعا بخواند حقتعالی دو ملک
بفرستد که او را بیدار کنند و اگر بیدار شود امر کند آن دو ملک را که از برای او استغفار کنند
و اگر در آن شب بمیرد شهید مرده باشد و اگر بیدار شود هر حاجتی که طلبد خدا باو عطا فرماید
و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هرکه جزم کند که در ساعتی
از ساعات شب برای عبادت برخیزد و خدا تعالی داند که اراده او در آن صادق است
البته دو ملک را بفرستد که در آن ساعت او را حرکت دهند تا بیدار شود و در حدیث معتبر
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرکه بی خوابی او را عارض شود و خواهش نبرد این دعا
بخواند سُبْحَانَ اللهِ ذِي الشَّأْنِ دَائِمِ السُّلْطَانِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ و در روایت معتبر
دیگر منقول است که حضرت فاطمه صلوات الله علیها شکایت فرمود برسول خدا صلی الله علیه و
آله وسلم از بی خوابی فرمود که این دعا بخوان يَا مُشْبِعَ الْبُطُونِ الْجَائِعَةِ وَيَا كَاسِيَ الْجُسُومِ
الْعَارِيَةِ وَيَا مُسَكِّنَ الْعُرُوقِ الضَّارِبَةِ وَيَا مُنَوِّمَ الْعُيُونِ السَّاهِرَةِ سَكِّنْ عُرُوقِيَ
الضَّارِبَةَ وَاْذَنْ لِعَيْنِي نَوْمًا عَاجِلًا **فصل هشتم** در بیان نماز و دعا از برای خوابهای
نیک دیدن و آداب بیدار شدن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هرکه خواهد
که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم را در خواب ببیند بعد از نماز خفتن غسل نیکوی بعمل آورد
و چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی بعد از حمد صد مرتبه آیة الکرسی بخواند و بعد از نماز هزار مرتبه

صلوات بر محمد وآل محمد بفرستد و بر جامهٔ پاکیزه بخوابد که بر روی آن جامه با حلال و حرام جماع نکرده باشد و دست راست را در زیر جانب راست روی بگذارد و صد نوبت بگوید سُبحانَ اللّٰهِ وَالحَمدُ لِلّٰهِ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکبَرُ وَلا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ پس صد مرتبه بگوید ماشاءَ اللّٰه چون چنین کند حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم را در خواب بیند و در روایت دیگر منقول است که اگر خواهد که حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه و آله را در خواب بیند چون بخوابد این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ یا مَن لَهُ لُطفٌ خَفِیٌّ وَاَیادیهِ باسِطَةٌ لا تَنقَضی اَسئَلُکَ بِلُطفِکَ الخَفِیِّ الَّذی ما لَطَفتَ بِهِ لِعَبدٍ اِلَّا کَفی اَن تُرِیَنی مَولایَ اَمیرَ المُؤمِنینَ عَلِیَّ بنَ اَبی طالِبٍ عَلَیهِ السَّلامُ فی مَنامی و در روایت دیگر منقول است که اگر کسی خواهد که یکی از مردگان را بخواب بیند با وضو بر جانب راست بخوابد و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بخواند پس بگوید اَللّٰهُمَّ اَنتَ الحَیُّ الَّذی لا یوصَفُ وَالاِیمانُ یُعرَفُ مِنهُ مِنکَ بَدَتِ الاَشیاءُ وَاِلَیکَ تَعودُ فَما اَقبَلَ مِنها کُنتَ مَلجَأَهُ وَمَنجاهُ وَما اَدبَرَ مِنها لَم یَکُن لَهُ مَلجَأً وَلا مَنجاً مِنکَ اِلَّا اِلَیکَ فَاَسئَلُکَ بِلا اِلٰهَ اِلَّا اَنتَ وَاَسئَلُکَ بِبِسمِ اللّٰهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ وَبِحَقِّ حَبیبِکَ مُحَمَّدٍ صلعم سَیِّدِ النَّبِیّینَ وَبِحَقِّ عَلِیٍّ خَیرِ الوَصِیّینَ وَبِحَقِّ فاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِساءِ العالَمینَ وَبِحَقِّ الحَسَنِ وَالحُسَینِ اللَّذَینِ جَعَلتَهُما سَیِّدَی شَبابِ اَهلِ الجَنَّةِ عَلَیهِم اَجمَعینَ السَّلامُ اَن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَن تُرِیَنی مَیِّتی فِی الحالِ الَّتی هُوَ فیها منقول است که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم بر رخت خواب میرفتند میفرمودند که بِاسمِکَ اَللّٰهُمَّ اَحیا وَبِاسمِکَ اَموتُ و چون بیدار میشدند میفرمودند اَلحَمدُ لِلّٰهِ الَّذی اَحیانی بَعدَ ما اَماتَنی وَاِلَیهِ النُّشورُ و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون از خواب برخیزد بگوید سُبحانَ اللّٰهِ رَبِّ النَّبِیّینَ وَاِلٰهِ المُرسَلینَ وَرَبِّ المُستَضعَفینَ وَالحَمدُ لِلّٰهِ الَّذی یُحیِی المَوتیٰ وَهُوَ عَلیٰ کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ چون این را بگوید حقتعالی میفرماید که راست گفت بندهٔ من و شکر کرد مرا و در حدیث دیگر منقول است که چون آنحضرت در آخر شب برمیخاستند بصدای بلند می گفتند اَللّٰهُمَّ اَعِنّی عَلیٰ هَولِ المُطَّلَعِ وَوَسِّع عَلَیَّ المَضجَعَ

وَارْزُقْنِی خَیْرَ مَا قَبْلَ الْمَوْتِ وَارْزُقْنِی خَیْرَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ و در حدیث دیگر منقول
است که چون از خواب بیدار شوی بگو سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلٰئِکَةِ وَالرُّوحِ سَبَقَتْ
رَحْمَتُکَ غَضَبَکَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اِنِّی ظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی وَارْحَمْنِی اِنَّکَ اَنْتَ التَّوَّابُ
الرَّحِیمُ الْغَفُورُ و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر وقت که از پهلو به پهلوی
دیگر بگردد بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ و از حضرت امام علی نقی علیه السلام منقول است که چون
در میان شب بیدار شود از پهلو به پهلوی دیگر بگردد بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَهُوَ عَلٰی
کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَاِلٰهِ الْمُرْسَلِینَ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ
السَّبْعِ وَمَا فِیهِنَّ وَرَبِّ الْاَرَضِینَ السَّبْعِ وَمَا فِیهِنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وَسَلَامٌ عَلَی
الْمُرْسَلِینَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ و در روایت دیگر وارد شده است که چون از
خواب بیدار شود بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی رَدَّ عَلَیَّ رُوحِی لِاَحْمَدَهُ وَاَعْبُدَهُ و دعای
نظر کردن در عقیق در آداب انگشتری بدست کردن گذشت و سائر دعاهای این باب چون از
مقدمات نماز شب است انشاء الله در کتاب عبادات بیان خواهد شد با سائر دعاهای وقت
خواب و این رساله گنجایش زیاده ازین نداشت **فصل نهم** در سبب خواب راست و دروغ و تعبیر
خواب و در حدیث معتبر منقول است که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که چه سبب دارد
که مومن گاهی خواب می بیند و چنان میشود که دیده است و گاهی خواب می بیند و اثری از آن
ظاهر نمیشود فرمود که چون مومن بخواب میرود روحش بجانب آسمان حرکت میکند پس آنچه
روح مومن در ملکوت آسمان می بیند در محل تقدیر و تدبیر آن حق است و اثرش ظاهر میشود و آنچه
در زمین و هوا می بیند خواب پریشان است راوی پرسید که آیا روحش به آسمان میرود و هیچ
در بدن نمی ماند فرمود که اگر چنین باشد خواهد مرد بلکه از بابت آفتاب است که در آسمان است
و روشنی و شعاعش بر زمین است هم چنین روح اصلش در بدن است و پرتوی از و بآسمان
حرکت میکند و در روایت دیگر از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که هر
مومنی که بخواب میرود روح او را بنزد عرش پروردگار می برند پس آنچه در آنجا می بیند حق است
و آنچه در وقت برگردانیدن در هوا می بیند خواب پریشان است و برین مضمون احادیث

بسیار است و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که شیطانی هست
که او را هزع میگویند هر شب از مشرق تا مغرب سیر میکند از بدن خود و بخواب مردم می آید باین سبب
مردم خوابهائی پریشان می بینند و در روایت دیگر مرویست که دو نصرانی بنزد ابوبکر آمدند و
چند مسئله سوال کردند او عاجز شد پس حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله ایشانرا جواب
گفت از جمله آنها آن بود که خواب راست و دروغ چه سبب دارد فرمود که حقتعالی روح را خلق
کرده است و برای او سلطانی مقرر ساخته و سلطان او نفس است چون آدمی بخواب میرود
روح بیرون میرود و سلطان در بدن میماند پس روح میگذرد بر گروهی چند از ملائکه و گروهی چند
از جن پس هر چه خواب راست است از ملائکه است و هرچه خواب دروغ است از جن است و در روایت
دیگر منقول است که خوابهائی مومن صحیح میباشد زیرا که نفسش پاکیزه و یقینش درست است
و چون روحش بدر میرود با ملائکه ملاقات میکند پس خواب او بمنزلهٔ وحی است و در حدیث دیگر
منقول است که وحی بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقطع شد اما خوابهائی بشارت
دهنده است و در حدیث دیگر وارد است که خوابهائی راست یک جزو از هفتاد جزو پیغمبریست
و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که رویائی مومن و خواب او در آخر
زمان بر هفتاد جزو از اجزای پیغمبری است و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است
که چون صبح میشد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم باصحاب خود میگفت که آیا کسی خواب بشارت
دهنده دیده است و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که شخصی از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم سوال کرد از تفسیر این آیهٔ کریمه الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا
يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ یعنی آنکسانیکه ایمان آوردند و پرهیزگار
بودند ایشانرا بشارت هست در زندگانی دنیا و آخرت حضرت فرمود که بشارت زندگانی دنیا خوابهای
نیکو است که مومن در دنیا می بیند و بآن بشارت می یابد و شاد میشود و در حدیث حسن از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که خواب بر سه قسم است اول بشارت خدا از برای مومن دوم
ترسانیدن شیطان سوم خوابهائی پریشان و در حدیث معتبر دیگر فرمود که خوابهائی دروغ که اثرش
ظاهر نمیشود آن خوابهائی است که در اول شب دیده میشود که وقت سلطنت و استیلائی شیطان

متمرد است و آنها خیالی چند است که نزد او صورت میدهند شیاطین و اصلی ندارند و اما خوابها
راست و آن خوابی چند است که در ثلث آخر شب دیده میشود که آن وقت نزول ملائکه است
وقت سحر و آن خواب راست میباشد و تخلف نمیکند مگر آنکه جنب خوابیده باشد یا بی وضو یا آنچه
سزاوار است از ذکر و یاد خدا بجا نیاورده باشد پیش از خواب که اگر با این حالت خوابیده باشد خوابش
بعمل نمی آید یا دیر بعمل می آید و از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام منقول است که رسول خدا
صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که مرا در خواب ببیند چنان است که مرا دیده است در بیداری
زیرا که شیطان متمثل نمیتواند شد بصورت من و نه بصورت یکی از اوصیای من و نه بصورت
یکی از شیعیان خالص ایشان بدرستیکه خوابهای راست یک جزو از هفتاد جزو پیغمبری است و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که در آخر زمان خواب مؤمن دروغ نمی شود
هر که راست گوتر است خوابش درست تر است و تحقیق این مقال آنست که چون حق سبحانه و تعالی
روح مؤمن را از عالم قدس خلق کرده است و او را ارتباطی بارواح انبیا و اوصیا داده است
و در عالم ارواح با ایشان محشور بوده است چنانچه در احادیث بسیار وارد شده است که ارواح
لشکرهای مجتمع بودند فوج فوج در عالم ارواح پس ارواحی که در آن عالم آشنائی بیکدیگر بوده اند
در عالم بدن هم آشنا میشوند و اگر در آن عالم جدائی و نفرت داشته اند درین عالم نیز یکدیگر را نمی شناسند
و از یکدیگر نفرت مینمایند و چون بحسب مصالح غیر متناهیه آن ارواح مقدسه را در زندان بدنهای
کثیف ظلمانی محبوس گردانیده اند بانواع تعلقات جسمانی و شهوات نفسانی و خیالات
شیطانی مبتلا ساخته اند بسبب این او را از عالم قدس بعدی و غفلتی رو داده اما اشخاص را درین
باب اختلاف بسیار است جمعی که مقربان درگاه الهی اند ارواح ایشان بملأ اعلی آمیخته و این تعلقات
جسمانی ایشان را از آن عالم دور نینداخته است بلکه با بدن با مردم محشوراند و ارواح ایشان پیوسته
با قدسیان ملأ اعلی مشغول مکالمه و محادثه اند و پیوسته روح القدس با ایشان مشغول راز و نیاز است
و افاضات ربانی علی الدوام بر ارواح ایشان فائض است و جمعی هستند از اشقیا که بالکلیه آن عالم را
فراموش کرده اند و بغیر این نشأه فانیه و لذات دنیویه چیزی بخاطر نمی گذرانند حتی جمعی از ایشان از
کثرت شقاوت و ضلالت نشأه دیگر را غیر از این نشأه باور نمی کنند و پیغمبران را در امر معاد تکذیب مینمایند

وایشانرا مُهر بر دیده و گوش و دل ایشان زده اند و راههای خیر و سعادت را بر ایشان بسته اند
و جمعی دیگر هستند که با وجود نسبت باین علائق دنیویه دست از تحصیل مراتب علیه بر نداشته اند
و در مقام نفس لوامه خود را دانسته اند گاهی گوش دل بشیطان میدهند و گاهی از ملک نصیحت
می‌شنوند زمانی با واعظان و راه نمایان بشر محشور اند و زمانی با شیاطین انس مشغول فسق و فجور اند گاه بلوث گناه
خود را می‌آلایند و گاه بآب تضرع و توبه خود را تطهیر مینمایند این جماعت چون روح ایشانرا باعتبار
اشغال و تعلقات و خطایات و سیآت بُعدی عظیم از قاضی الحاجات و انبیا و ائمه و ملائکه
سموات بهم رسیده در وقت خواب که نفس را از اشغال بدنی فی الجمله فراغی حاصل شد و خیالات
فاسده که از راه روزنهای مشاعر بدنی بر او داخل میشد مسدود گردید فی الجمله او را با آشنایان قدیم
یاد می‌آید و با دوستان روحانی طرح اختلاط می‌اندازد و با همان صورت و معنی عروج مینماید
و با روحانیان و قدسیان همزبان میگردد اما در اول شب چون پارهٔ از خیالات بیداری
در ضمیرش حاضر است هنوز در هوای تعلقات خود پرواز میکند و رابطش با آن عالم ناقص است
پس باین سبب شیاطین بر او مستولی میشوند و خیالات و علائق باطله او را بصورتهای گوناگون
در نظر او در می‌آورند هر چند از اول شب دورتر میشود و نقش و خیالات بیداری بیشتر محو میشود
پرواز او بعالم بالا رساتر میشود تا آنکه چون وقت سحر میشود از مابین آسمان و زمین و هواها و
خواهشهای رنگین بدر رفته بزیر عرش الهی بصحبت مقربان فائز گردیده استیلای شیاطین
ضعیف میشود و لطف ربانی ملائکه آسمانی را برای تنبیه غافلان و بیدار کردن از خواب غفلت
و دور کردن عساکر شیاطین و جنیان فرو میفرستد لهذا در آنوقت خواهشهای رحمانی
و افاضات سبحانی بر ارواح مؤمنان فائض میشود و ایشانرا برای نماز و تضرع و زاری و توبه
و پشیمانی آنچه در روز غفلت کرده اند بیدار می‌کنند و باین سبب نماز شب را در آن وقت
مقرر ساخته اند و آیهٔ کریمهٔ إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا در شانش فرستاده اند
که حاصل مضمونش آنست که عبادتی که در شب کرده میشود موافقت دل با زبان در آن بیشتر است
و گفتار در آن درست تر است پس هیچ سعادتمندی که قدر آنوقت را بداند و اندازهٔ آن نعمتهای
بی اندازه را بشناسد و آنکه روحانی را بر دفع وساوس شیطانی یاور خود گرداند و روح مقدس

خود را از آلودگیهائی تعلقات ذمیمه پاک گردانیده بساحت قرب پروردگار خود رساند و در آن
وقت مبارک که هنگام راز و نیاز مقربان است با خداوند بی نیاز خود را هم آواز ایشان گرداند
و قدر قدر خود را بداند و اندکی اصل خود را بیاد آورد و آن جوهر قدسی خود را بیهائی کم نفروشد
و آن طائر عرشی را در قفس علائق محبوس نگرداند وَفَّقَنَا اللّٰهُ تَعَالٰی وَسَائِرَ الْمُؤْمِنِیْنَ لِسُلُوْکِ
مَسَالِکِ الْمُقَرَّبِیْنَ وَلِلتَّنْبِیْهِ عَنْ نَوْمِ الْغَافِلِیْنَ و بدانکه چون این پردهای زنگارنگ تعلقات
جسمانی و شبهای الوان رنگهای دنیوی در وقت خواب در پیش دیده دل آویخته است
و با وجود عروج بمراتب علیه باز بصیرتش باین خیالات آمیخته است لهذا در خواب چیزها بصورتهائی
دیگر دیده میشود و هر چیزی را باعتبار مناسبات شکلها و صورتها هست که در کلام الهی و سخنان
انبیاء و اوصیا برای عقلهائی ضعیف و بصیرتهای مؤف محبوسان سرائی غرور آنها مثل زده اند
چون ایشان خود را از معقولات معزول ساخته مدار ایشان بر محسوسات است لهذا معقولات را
در لباس محسوسات بایشان مینمایند چنانچه فرموده اند که دنیا مانند ماری است که خط و خال نیکو
دارد و طفل نادان بآن فریفته می شود و در میانش زهر کشنده است و چنانچه علم که باعث حیات
دلها است تشبیه کرده اند بآب که باعث حیات بدنها است و چنانچه سبزی زمین بآب است
سبزی دلها بعلم است و چنانچه علم را بار دیگر بنور آفتاب و چراغ تشبیه کرده اند زیرا که نور تاریکیهائی
ظاهر را برطرف میسکند علم ظلمتهائی شکوک و شبهات و حیرتهائی جهالت و ضلالت را زائل میکند
و کلام حقتعالی و انبیاء و اوصیا باین امثال مشحون است و سرش همان است که مذکور شد لهذا در
عالم خواب باعتبار ضعف بصیرت ایشان هر چیزی بصورتی نموده میشود و باین سبب خواب محتاج
بتعبیر میباشد و کار تعبیر کننده نیست که از آن صورتها بذی صورت منتقل شود چنانچه
کسی در خواب بیند که در میان فضله افتاده است یا دستش بفضله آلوده شده است
معبر میداند که این صورت دنیا است که در پیش مردم آگاه از فضله و جیفه گندیده تر
است میداند که مال بدست اومی آید یا می بیند که در میان آبی است علمی ادرا
رومیدهد و این علمی است عظیم و مخصوص انبیاء و اوصیاء است و معجزه حضرت
یوسف علیه السلام تعبیر خواب بود و تحقیق این مقام محتاج بسطی هست که این رساله گنجائش آن ندارد و انشاء الله

در کتاب دیگر در خاطر است اگر خدا خواهد بر وجه کامل مذکور شود و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا
علیه السلام منقول است که فرمود که بسیار است که خوابی می بینیم و تعبیر خواب برای خود میکنیم و خواب
بهمان نحو که تعبیر آن میکنیم واقع میشود و در حدیث معتبر دیگر فرمود که زنی در زمان حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم شوهرش در سفر بود بخواب دید که ستون خانه اش شکست بحضرت عرض
کرد حضرت فرمود که شوهرت می آید بسلامت پس چنان شد بار دیگر شوهرش بسفر رفت و او چنین
خوابی دید حضرت چنین تعبیر فرمود و شوهرش آمد باز مرتبه دیگر شوهرش بسفر رفت و او چنین خوابی
دید و بمرد شومی برخورد و این خواب را نقل کرد او گفت که شوهرش میمیرد چنان شد این خبر
بآن حضرت رسید فرمود که چرا تعبیر خواب خوب برای او نکرد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم میفرمودند که خواب مومن در میان زمین و
آسمان بر بالای سرش پرواز میکند تا آنکه خود از برای خود تعبیر کند یا دیگری برای او تعبیر کند پس بآن نحو
که تعبیر کرده اند واقع می شود پس خواب خود را نقل مکنید مگر برای شخصی که عاقل باشد و در حدیث معتبر
دیگر از آنحضرت منقول است که خواب را نقل نباید کرد مگر برای مومنی که خالی باشد از حسد و عداوت
و طغیان و در حدیث حسن منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و گفت که
خواب دیدم که آفتاب بر سرم تابیده بود و بر بدنم حضرت فرمود که نور ساطعی و دین کاملی بتو خواهد
رسید اگر همه ترا فرا میگرفت در دین حق غوطه میخوردی آن شخص گفت دیگران پادشاهی
را دعوی میکنند حضرت فرمود که کدام یک از پدران تو پادشاه بودند که تو این خیال میکنی و کدام پادشاهی
بهتر است از دین حق که بآن امید بهشت بهم میرسانی و در روایت دیگر منقول است که محمد بن
مسلم بخدمت آنحضرت عرض کرد که خواب دیدم که داخل خانه شدم زنم آمد و گردگان بسیاری
شکست و بر سرم ریخت حضرت فرمود که متعه خواهی کرد و زنت مطلع خواهد شد و رختهای نو
که بر بدنت پوشیده باشی پاره پاره خواهد کرد زیرا که پوست گردگان بمنزله جامه است محمد بن
مسلم گفت که چون صبح جمعه شد رختهای نو که در عیدها میپوشیدم در بر کردم و بر در خانه نشستم
دختری گذشت او را طلبیدم و بخانه بردم و با او متعه کردم زنم مطلع شد و آمد بسر من و آن دختر
گریخت و من در خانه ماندم رختهای نو مرا پاره پاره کرد و منقول است که شخصی دیگر بآن حضرت

عرض کرد که خوابی دیدم و بسیار میترسم داماوی داشتم که مرده است خواب دیده ام که دست در گردن من کرده و میترسم که بمیرم حضرت فرمود که انتظار مرگ بکش هر صبح و شام و از مرگ گریزان مباش اما معانقه با مردگان علامت طول عمر است بگو که داماد تو چه نام داشت گفت حسین فرمود که زیارت حضرت امام حسین علیه السلام نصیب تو خواهد شد زیرا که هر که معانقه با همنام آن حضرت در خواب میکند توفیق زیارت آنحضرت می یابد و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که هر که در خواب بیند که در حرم است اگر ترسان باشد ایمن گردد و شخصی گفت در خواب دیدم که چوب نیزه در دست داشتم فرمود که آهنی بر سرش بود گفت نه فرمود که اگر آهن در سر میداشت خدا ترا پسرے میداد چون آهن نداشته است خدا تو دختری خواهد داد پس ساعتی صبر کردند بعد از آن پرسیدند که آن نیزه چند بند داشت گفت دوازده بند فرمود دوازده دختر هم خواهی رسانید محمد بن یحیی میگوید که من این حدیث را بشخصی نقل کردم او گفت که فرزندی یکی از آن دخترهایم دوازده خاله دارم و در حدیث صحیح منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که من دیشب مولای علی ابن یقطین را در خواب دیدم که در میان چشمش سفیدی بود چنین تعبیر کرده ام که بدین حق در خواهد آمد و در حدیث دیگر منقول است که یاسر خادم بخدمت امام رضا علیه السلام عرض کرد که در خواب دیدم که هفده شیشه در میان قفصی افتاد ناگاه آن قفص افتاد و شیشها شکست حضرت فرمود که اگر خوابت راست است شخصی میاید از اهل بیت و خویشان من هفده روز پادشاه شود بعد از آن بمیرد پس محمد بن ابراهیم در کوفه با ابوالسرایا خروج کرد و بعد از هفده روز بمرد و در روایت دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که در خواب دیدم که قدحی از شیر بدست من دادند آنقدر خوردم دیدم که از میان ناخنهایم بیرون می آید پرسیدند که بچه چیز تعبیر کردید فرمود که بعلم و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که خواب دیدم که از شهر کوفه بیرون رفتم و بموضع معروفی در آنجا شخصی از چوب دیدم که بر اسپ چوبی سوار بود و شمشیری در دست داشت و حرکت میداد و من آنرا مشاهده میکردم و میترسیدم حضرت فرمود که دلالت میکند برین که تو میخواهی بفریب شخصی را از روزی خود بر آوری از خدا بترس و بر گرد بیاد آور چنین کمن آن شخص گفت که گواهی میدهم که خدا اعلم عظیم بتو داده است و علم را از معدنش

اخذ کرده بدرستیکه شخصی از همسایگان من بنزد من آمد و گفت که مزرعه دارم و بتو میخواهم بفروشم
من چون دیدم که مشتری دیگر بغیر از من ندارد در خاطر گذرانیدم و عزم کردم که بقیمت بسیار
ارزانی بخرم **فصل دهم** در آداب بیداری و مذمت خواب بسیار از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم منقول است که سخن گفتن و صحبت داشتن بعد از نماز خفتن مکروه است و در حدیث
معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که شب بیداری داشتن خوب نیست مگر در سه چیز در نماز شب
کردن و قرآن خواندن در آن و در طلب علم و برای عروسی که بخانهٔ شوهرش برند و از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که پنج کس اند که بخواب نمیروند کسیکه قصد کشتن کسی داشته باشد و کسیکه
مال بسیار داشته باشد و امینی نداشته باشد که بر او اعتماد کند و کسیکه در میان مردم دروغ و بهتان
بسیار گفته باشد و کسیکه مال بسیاری از و خواهند و مال نداشته باشد و کسیکه محبوبی را خواهد که تر
عمرانه از و جدا شود و پدرم علیه الرحمه والرضوان میفرمود که ممکن است که این تنبیهی باشد مردمی را که
خواب غفلت بسیار میکنند زیرا که همه کس میباید که در پی کشتن نفس اماره خود باشد که دشمن
اندرونی است و پیوسته در کشتن این کس است و سرمایهٔ ایمان و طاعات که این کس دارد
امینی ندارد و نفس و شیطان و هواها و شهوات همه اتفاق کرده اند بر غارت آنها و دروغ و بهتان
بسیار گفته است هر کس را و از همه کس طاعات و بندگی بسیار میخواهند و آنچه باید تحصیل
نکرده اند و چون خدا محبوبی دارند و بخواب غفلت قرب او را از دست میدهند پس کسیکه این
همه اسباب بیداری در و باشد چگونه خواب کند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که عجب دارم از کسیکه دعوی محبت الهی میکند و شبها خواب میکند و از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه و آله منقول است که هر که از شبیخون عذاب خدا بترسد باید که کم خواب کند
و منقول است که چهار چیز است که کمش بسیار است آتش و خواب بیماری و دشمنی و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که مادر حضرت سلیمان علیه السلام باو میگفت که زنهار
در شب خواب بسیار مکن که بسیاری خواب شب آدمی را در قیامت فقیر میگرداند و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که سه چیز را خدا دشمن میدارد خواب کردن بی آنکه بیداری کشیده باشد و خنده
کردن بی تعجبی و بسیار چیزی خوردن و فرمود که اول معصیتی که خدا را کردند شش چیز بود محبت دنیا

و محبت ریاست و محبت طعام و محبت زنان و محبت خواب و محبت راحت و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقول است که شیطان را سرمه ایست که در دیدهای مردم میکشد و لعوقی
هست که در حلق مردم میکند و سعوطی هست که در بینی مردم میچکاند سرمه اش پینکی است
و لعوقش دروغ است و سعوطش تکبر است و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله فرمود
که مستی چهار است مستی خواب و مستی مال و مستی شراب و مستی پادشاهی و از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقول است که حضرت موسی مناجات کرد که پروردگارا کدام یک از بندگان
خود را دشمنتر میداری خطاب رسید که آن کسیکه شب تا صباح مانند مردار افتاده است و روز را
ببطالت بسر میرساند و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که دیدهٔ خود را بخواب
عادت مده که هیچ عضوی در بدن شکر خدا کمتر از دیده نمیکند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که
خدا دشمن میدارد بسیار خواب کردن و بسیاری فارغ بودن را و فرمود که بسیار خواب دنیا
و آخرت را میبرد بدانکه بسیار بیداری کشیدن هم مذموم است در غیر شبهائی که بخصوص
احیای آنها وارد شده است تمام شب بیدار بودن کراهیت دارد و در اخبار وارد شده
است که دیده را بر آدمی حقی هست و بسیاری بیداری حق آنرا ضایع نباید کرد و بدانکه در خواب
و بیداری رو بآفتاب خوابیدن و نشستن کراهیت دارد چنانچه از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه و آله منقول است که کسیکه در آفتاب نشیند پشت را بآفتاب بکند که رو بآفتاب نشستن دردهای
پنهانی را ظاهر میکند و در حدیث دیگر فرمود که رو بآفتاب منشینید که مورث هیجان بخار است و
رو را متغیر میکند و جامه را کهنه میکند و دردهائی اندرونی از ان بظهور می آید و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم بسند معتبر منقول است که در آفتاب چهار خصلت است رنگ را متغیر
میکند و جامهٔ آنکس را بد بو میکند و جامه را کهنه میکند و باعث دردها میشود فصل یازدهم در آداب
بیت الخلا چون خواهد که داخل بیت الخلا شود سر را بپوشاند و اگر بالائی عمامه چیزی دیگر بر سر گیرد
بهتر است و بسم الله بگوید و دعا بخواند باین عنوان بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِکَ مِنَ الْخَبیثِ
الْمُخْبِثِ الرِّجْسِ النَّجِسِ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ و دیگر بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ رَبَّنا اَخْرِجْ
عَنّی الْاَذی سُرُحاً بِغَیْرِ حِسابٍ وَاجْعَلْنی لَکَ مِنَ الشّاکِرینَ فیما تَصْرِفُهُ عَنّی مِنَ الْاَذی

وَالْغَمِّ الَّذِی لَوْ حَبَسْتَهُ عَنِّی هَلَکْتُ لَکَ الْحَمْدُ اَعْصِمْنِی مِنْ شَرِّ مَا فِی هٰذِهِ الْبُقْعَةِ
وَاَخْرِجْنِی مِنْهَا سَالِمًا وَحُلْ بَیْنِی وَبَیْنَ طَاعَةِ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ و چون داخل شود پای چپ را
مقدم دارد بنا بر مشهور و حدیثش بنظر نرسیده است و چون عورتش باز شود بِسْمِ اللّٰهِ بگوید
تا شیطان چشم بر هم نهد و نظر بعورت او نیفکند و چون در نشیند بگوید اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ
عَنِّی الْقَذٰی وَالْاَذٰی وَاجْعَلْنِی مِنَ الْمُتَطَهِّرِیْنَ و جمعی گفته اند که سنت است که تکیه بر پای
چپ کند و پای راست را گشاده گذارد و سندش بنظر نرسیده است و چون غائط یا بول بدشواری
بیرون آید و بعضی گفته اند که مطلقا آید این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ کَمَا اَطْعَمْتَنِیْهِ طَیِّبًا فِی عَافِیَةٍ فَاَخْرِجْهُ
مِنِّی خَبِیْثًا فِی عَافِیَةٍ و در حدیث است که هر بنده را فرشته موکل است که سر او را بزیر می اندازد
در بیت الخلا که نظر بحدث خود کند پس آن فرشته میگوید که ای فرزند آدم این عاقبت خوردنیهای
تست که سعی بسیار در خوبی و پاکیزگی او میکردی پس فکر کن که از کجا بهم رسانیدی و عاقبت بکجا
رسید پس سزاوار آنست که دران حال بنده این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی الْحَلَالَ وَجَنِّبْنِی
الْحَرَامَ و چون نظرش بآب استنجا افتد بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی جَعَلَ الْمَاءَ طَهُوْرًا وَلَمْ
یَجْعَلْهُ نَجِسًا و چون خواهد که استنجا کند بگوید اَللّٰهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِی وَاسْتُرْ عَوْرَتِی وَحَرِّمْهُمَا
عَلَی النَّارِ وَوَفِّقْنِی لِمَا یُقَرِّبُنِی مِنْکَ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ و چون برخیزد دست بر شکمش
بمالد و بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی هَنَّانِی طَعَامِی وَشَرَابِی وَعَافَانِی مِنَ الْبَلْوٰی و چون خواهد
که بیرون آید پای راست را مقدم دارد بنا بر مشهور و دست بر شکمش بمالد و بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی
عَرَّفَنِی لَذَّتَهُ وَاَبْقٰی فِی جَسَدِی قُوَّتَهُ وَاَخْرَجَ عَنِّی اَذَاهُ یَا لَهَا مِنْ نِعْمَةٍ لَا یَقْدِرُ
الْقَادِرُوْنَ قَدْرَهَا و در بعضی از کتب حدیث یَا لَهَا مِنْ نِعْمَةٍ سه مرتبه وارد شده است
و سنت است که بعد از انقطاع قطرات بول استبرا کند و بعضی استبرا را واجب میدانند و طریق استبرا آنست
که انگشت میان دست چپ را از نزدیک مقعد گذاشته بقوت بکشد تا زیر خصیتین سه مرتبه
و انگشت شهادت بزیر ذکر بگذارد و انگشت مهین را بر بالای آن بقوت بکشد تا سر ذکر سه مرتبه
و اکثر علما گفته اند که سر ذکر را بفشارد سه مرتبه و این سندی ندارد و سنت است استنجا بآب سرد
کردن که دفع بواسیر میکند و بسیار نشستن در بیت الخلا مکروه است و منقول است که حضرت

لقمان فرمود که بر در بیت الخلا نوشتند که بسیار نشستن در بیت الخلا باعث بواسیری شود
و استنجا باستخوان و سرگین کردن مکروه است زیراکه اجنه بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه
و آله وسلم آمدند و از برائی خود و حیوانات خود طعامی طلبیدند حضرت استخوان برائی ایشان
و سرگین برائے حیوانات ایشان قرار داد باین سبب استخوان را پاک کردن خوب نیست و
هم چنین استنجا بسائر مطعومات کردن خصوصاً نان که حرمت شدید دارد و استنجا بچیزهای محترمه
مثل تربت حضرت امام حسین ع و نوشته که در آن قرآن یا نام خدا یا نام پیغمبران یا نام ائمه صلوات الله
علیهم اجمعین یا حدیث یا فقه بوده باشد حرام است و اگر بر وجه استخفاف کند کافر میشود و استنجا بدست
راست کردن مطلقا مکروه است و بدست چپ هم مکروه است درصورتیکه در ان انگشتری باشد که
در آن اسم خدا باشد و الحاق کرده اند علما اسماء انبیاء و ائمه صلوات الله علیهم اجمعین را
هرگاه بقصد نام ایشان کنده باشد و مکروه است با خود بردن به بیت الخلا چنین انگشتری را هرچند
در انگشت نباشد و هم چنین با خود بردن قرآن و تعویذ و دعا و همچنین با خود بردن نقره سکه دار مگر آنکه
در کیسه باشد و مکروه است مسواک کردن در بیت الخلا که باعث گند دهانی شود و مکروه است
حرف گفتن در آن حال مگر ذکر خدا و دعاهای قدر و آیة الکرسی و حمد الهی کردن و آنچه موذن میگوید
از پی او گفتن چنانچه منقول است که حضرت موسی علیه السلام در مناجات با خداوند خود گفت
که حالتی چند بر من میگذرد که ترا از ان بزرگتر میدانم که در ان احوال ترا یاد کنم فرمود که ای موسی
در همه حال مرا یاد کن که یاد من در همه حال نیکوست و واجب است رد سلام و اگر اسم حضرت
رسول را بشنود صلوات بفرستد بنا بر قول جمعی و سنت است که اگر عطسه کند حمد بگوید و صلوات
بفرستد و جائز است که اگر کاری با کسی داشته باشد و ترسد که تا بیرون آمدن فوت شود و باشاره
و دست زدن اعلام نتوان کرد سخن بگوید و منقول است که هر که در بیت الخلا حرف بگوید حاجتش
بر آورده نشود و مکروه است خوردن و آشامیدن در حال بول و غایط و استنجا بآبی کردن که
بوش متغیر شده باشد بغیر نجاست مگر آنکه آب دیگر یافته نشود فصل دوازدهم در بیان احوال
و اوضاع و مکانهائی که نهی از آنها وارد شده است واجب است که عورت خود را از ناظر
محترم بپوشاند از زن و منعه خود و از کنیزی که وطی آن تواند کرد و نه از اطفالی که تمیز نداشته

باشند و سائر حیوانات و عورت ذکر است و خصیتین و دُبُر و فرج زن و سنت است که تمام بدن را بپوشاند
یا آنکه پنهان شود در کوی یا در خانه و اگر در صحرا باشد دور شود که کسی جثهٔ او را نبیند و اکثر علما بر آنند که
حرام است رو بقبله کردن و پشت بقبله کردن در حال بول و غایط خواه در صحرا باشد و خواه در پناه و احوط
اجتناب است چنانچه از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که برابر قبله بول کند از روی
فراموشی پس بخاطرش آید از برای تعظیم و اجلال قبله برگردد و بجانب دیگر از انجا برخیزد مگر آنکه حق تعالی
او را بیامرزد و احوط آنست که در حالت استنجا نیز رو و پشت بقبله نکند و سنت است که رو و پشت
بمشرق یا بمغرب کند و این احکام نسبت ببلادی است که قبله آن مابین مشرق و مغرب باشد و احوط
آنست که از مابین مشرق و مغرب نیز اجتناب کند و احوط آنست که اگر قبله نداند سعی کند در معرفت
قبله تا خاطر جمع کند که رو و پشت بقبله نکرده باشد و اگر متعذر باشد باکی نیست و درین صورت اگر پشت
بقبله کند بهتر است و سنت است که از جهت بول بر جای بلندی و یا جائی که خاک بسیار داشته باشد
برود که تا خاطر جمع باشد که باد ترشح نمیکند چنانچه منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
از همه کس بیشتر احتراز از بول میکردند تا آنکه هرگاه ارادهٔ بول میکردند بجائی بلندی میرفتند یا جائی که
خاک نرم بسیاری بود که مبادا بول ترشح کند و در احادیث بسیار وارد شده است که بیشتر عذاب قبر
از سهل شمردن بول و از کج خلقی است و در آب بول کردن مکروه است و در آب ایستاده بول کردن
بدتر است و در احادیث معتبره وارد شده است تجویز بول کردن در آب روان و وارد شده است
که در آب ایستاده بول کردن باعث تسلط اجنه و شیاطین است و مورث دیوانگی و غلبه فراموشی
است و بهتر آنست که غایط را هم در میان آب نکند و ایستاده بول کردن مکروه است بلکه غایط
را هم ایستاده کردن مکروه است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که ایستاده بول
کند بیم آنست که دیوانه شود و از جای بسیار بلند بول بزیر کردن مکروه است و مکروه است بول
کردن در سوراخ جانوران و بول و غائط کردن در مجرای آب هرچند آب بسته باشد و همچنین
در میان راهها و کنار آبها و در در مسجدها و نزدیک بدیوارهای مسجدها و در در خانه‌ها و در جاهائی که
بسبب آن مردم دشنام دهند و لعنت کنند و در زیر درختان میوه دار در وقتیکه میوه داشته
باشد نیز زیرا که ملائکه در آن وقت بآن درختان می‌باشند که نگاه میدارند میوه را از ضرر جانوران و بعضی

گفته اند که در غیر وقت میوه هم مکروه است و در جاهائی که مردم قافله فرود می آیند و جاهائی که مردمان
دران متاذی میشوند حتی از بوی آن و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقولست که حقتعالی لعنت کرده است کسیرا که غایط کند در سایه که قافله در آنجا منزل می کنند
و کسیکه منع میکند مردم را از آب مباحی که در چاهها و چشمه ها مردم بنوبت بران واردی شوند
یا آبی که ملک جماعتی باشد و هر روز یا هر شب بنوبت شخصی باشد که صاحب نوبت را منع کند و کسیکه راه شارع
مردم را سد کند بدیوار کشیدن یا راهزنی کردن یا عشور گرفتن باب نهم در آداب حجامت و تنقیه و
خواص بعضی ادویه و دعاها که از امراض و ذکر بعضی از ادعیه و سحر از فصل اول در ثواب بیماری و صبر کردن
بران و بیان شدت ابتلای مؤمنان در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سر بجانب آسمان بلند کردند و تبسم
فرمودند صحابه از سبب آن سوال کردند حضرت فرمود که تعجب کردم از دو ملک که از آسمان به
زمین فرود آمدند و بنده مؤمن صالحی را در جای نمازش طلب کردند که عمل روز و شب او را بنویسند
و او را در جای نمازش نیافتند بآسمان رفتند و گفتند پروردگارا فلان بنده ترا در جای نمازش
طلب کردیم و او را نیافتیم و او در بند بیماری است حقتعالی فرمود که بنویسید برای بنده من مثل آنچه
در حال صحت از افعال خیر در شب و روز میکرده است مادام که در بند من است و در حدیث معتبر
دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که چون بر مؤمن ضعف پیری غالب شود
حقتعالی امر میفرماید که آنچه در قوت و جوانی میکرده است برای او بنویسند و همچنین ملکی را موکل
میگرداند که برای مؤمن بیمار بنویسید آنچه در حال صحت میکرده است از کارهای خیر و از برای کافر
بیمار بنویسید آنچه در صحت از کارهای بد میکرده است و در حدیث حسن و غیر آن از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقولست که بیداری یکشب از بیماری و درد بهتر است از عبادت یکسال و در حدیث
دیگر منقولست که حقتعالی ملک دست چپ را امر میفرماید که در ایام بیماری گناه بر مؤمن منویسد
و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که بدنی که بیمار نگردد طغیان میکند و هیچ
خیری نیست در چنین بدنی و در حدیث دیگر فرمود که یکشب تپ برابر است با عبادت یکسال و دو شب
تپ برابر است با عبادت دو سال و سه شب تپ برابر است با عبادت هفتاد سال و از حضرت صادق مرویست

که یکشب تپ کفارهٔ گناهان گذشته و آینده است و در چند حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقول است که حقتعالی میفرماید که هر که سه شب بیماری بکشد و به احدی از عیادت
کنندگانش شکایت نکند بدل میکنم از برای او گوشتی بهتر از گوشت او و خونی بهتر از خون او پس
اگر او را عافیت دهم از گناهان پاک میکنم او را و اگر بمیرانم بسوی رحمت خود می برم او را و در احادیث
معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که یکشب بیماری بکشد و قبول کند آنرا آنچه
شرط قبول کردن است با آنکه کسی را خبر ندهد از آنچه کشیده و چون صبح شود خدا را شکر کند حق تعالی
بفضل خود ثواب عبادت شصت ساله باو عطا فرماید و در حدیث حسن از آنحضرت منقول است
که حد شکایت نه آنست که بگوید که دیشب از خواب نبردیا تپ داشتم بلکه آنست که بگوید ببلائی
مبتلا شدم که هیچکس بآن مبتلا نشده است و آنچه بمن رسیده است بهیچکس نرسیده است
و مثل اینها و در حدیث دیگر فرمود که تپ رسول مرگ است و زندان خدا است در زمین و گرمیش
از جهنم است و بهرهٔ مؤمن از جهنم همین است و از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما منقول
است که نیکو دردی است تپ بهر عضوی میرساند بهره از بلا و خیری نیست در کسی که ببلا مبتلا نشود
و در روایت دیگر وارد شده است که مؤمن چون تپ میکند گناهان از و میریزد مانند برگ از درخت
و اگر بر تخت خواب بغلتد نالهاش ثواب سُبحانَ اللهِ دارد و فریادش ثواب لآ اِلٰهَ اِلَّا اللهُ دارد و از
پهلو به پهلو که میگردد مانند کسی است که در راه خدا شمشیر زند و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقول است که بیماری برای مؤمن پاک کننده او است از گناهان و رحمت الهی است نسبت باو
و از برای کافر عذاب و لعنت است و فرمود که یکشب دردسر هر گناهی را برطرف میکند مگر گناهان کبیره
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون حقتعالی بنده را دوست دارد یکی از سه تحفه
برای او میفرستد تپ یا دردسر یا درد چشم و در احادیث معتبره بسیار وارد شده که بلای پیغمبران
از همه کس شدیدتر است پس از بعد از ایشان اوصیای ایشان پس بعد از اوصیا هر که نیکوتر و فاضلتر
است و مؤمن بقدر ایمان و اعمال نیکش بلا باو میرسد پس هر که ایمانش صحیح تر و عملش نیکوتر است
بلایش بیشتر است پس هر که ایمانش ضعیف تر و عمل نیکش کمتر است بلایش کمتر است و در احادیث
معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ثواب عظیم با بلای عظیم میباشد و هیچ گروهی را

خدا دوست نمیدارد مگر آنکه ایشان را مبتلا ببلا میگرداند و فرمود که حقتعالی را بندگان خالص هست که از آسمان هیچ تحفه بر زمین نمیفرستد مگر آنکه از ایشان میگرداند بسوی غیر ایشان و هیچ بلائی نمیفرستد مگر آنکه میگرداند از دیگران بسوی ایشان و در روایت معتبرهٔ دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون حقتعالی بنده را دوست میدارد غوطه میدهد او را در بلا غوطه دادنی و میریزد بر او بلا را ریختنی پس اگر خدا را برای دفع آن بلا بخواند حقتعالی میفرماید لبیک ای بنده من اگر زود بتو بدهم آنچه طلبیدی قادرم بر آن و اگر ذخیره کنم برای روز جزا بهتر است از برای تو و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مؤمن چهل شب بر او نمیگذرد مگر آنکه او را امری رو میدهد که اندوهگین میشود که بسبب آن متذکر و آگاه گردد و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که در بهشت منزلی است که هیچکس بآن منزل نمیرسد مگر آنکه بلائی بدن او برسد و فرمود که اگر مؤمن بداند که در مصیبتها چه ثواب برای او هست هر آینه آرزو کند که بدنش را از مقراض پاره پاره کنند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که خداوند عالمیان یاد میکند مومن را به تحفه بلا چنانچه کسی از سفر تحفه برای اهل خود بفرستد و او را پرهیز میفرماید از دنیا چنانچه طبیب بیمار را پرهیز میفرماید از چیزی که او را ضرر میرساند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که شخصی حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم را بخانه خود طلبید حضرت چون داخل خانهٔ او شدند دیدند که مرغی بر بالای دیوار تخم کرد و آن تخم افتاد بر روی میخی که در میان دیوار بود بند شد و نیفتاد و نشکست حضرت تعجب فرمودند آن شخص گفت که از این تعجب میفرمائید بحق آنخداوندی که ترا براستی فرستاده است که هرگز نقصان بمن نرسیده است حضرت برخاستند و طعام او را تناول نفرمودند گفتند که هر که نقصانی باو نرسد امید خیر در او نیست و در حدیث دیگر فرمود که خدا مؤمن را بهر بلائی مبتلا میکند و بهر مرگی او را میمیراند اما عقلش را برطرف نمیکند نمی بینی که شیطان بر مال و فرزندان و اهل حضرت ایوب مسلط شد و بر عقلش مسلط نشد که بآن عقل خدا را بیگانگی بشناسد و در حدیث حسن دیگر فرمود که حقتعالی میفرماید که اگر نه این بود که مومن در دل خود چیزی می یافت هر آینه عصابه بر سر کافر می بستم که هرگز درد سر باو نرسد فصل دوم در فضیلت و آداب حجامت بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دوا چهار چیز است حجامت کردن و دوا ریختن

چکانیدن و حقنه و قی کردن و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت گذشتند بر جماعتی که حجامت
میکردند فرمودند که چه میشد شما را اگر تأخیر میکردید تا پسین روز یکشنبه که درد را بیشتر از بدن می کشید
و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم در روز دوشنبه حجامت میکردند
و اجرت حجام گندم میدادند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
در روز دوشنبه بعد از عصر حجامت میکردند و فرمود که حجامت کردن در چهار روز دوشنبه درد را
از بدن میکشد کشیدنی و در روایت دیگر منقولست که شخصی دید که حضرت امام موسی علیه السلام
در روز جمعه حجامت میکردند گفت فدایت شوم در روز جمعه حجامت میکنی حضرت فرمود که هرگاه
خون زیادتی کند بر تو خواه در شب خواه در روز آیة الکرسی بخوان و حجامت بکن و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هر که حجامت کند در روز سه شنبه هفدهم یا چهاردهم
یا بیست و یکم ماه او را شفا دهد از دردهای همه سال و شفا بخشد او را از درد سر و درد دندان و
دیوانگی و خوره و پیسی و در روایت دیگر منقول است که شخصی دید که حضرت امام علی النقی علیه السلام
در روز چهارشنبه حجامت میکردند گفت که اهل مکه و مدینه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
روایت میکنند که هر که در روز چهارشنبه حجامت کند و پیس شود ملامت نکند مگر خود را فرمود
که دروغ میگویند کسی پیس شود که مادرش در حیض باو حامله شده باشد و از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که هر که خواهد که حجامت کند باید که در روز پنجشنبه حجامت کند بدرستیکه در هر پسین جمعه
خون از جائی خود حرکت میکند از ترس قیامت و بجای خود بر نمیگردد تا صبح روز پنجشنبه و فرمود که
هر که حجامت کند در پنجشنبه آخر ماه در اول روز درد را از بدنش بکشد و در حدیث دیگر فرمود که چون
حجامت کنی و خون از محل حجامت بیرون آید پس بگو پیش از آنکه محجمه را بریزند بِسْمِ اللهِ أَعُوذُ
بِاللهِ الْکَرِیمِ فِی حِجَامَتِی هٰذِهِ مِنَ الْعَیْنِ فِی الدَّمِ وَمِنْ کُلِّ سُوءٍ و در حدیث دیگر فرمود
حضرت رسول صلی الله علیه و آله حجامت در سر و در میان هر دو کتف و در پشت گردن میکردند
یکی را نافعه مینامیدند و دیگری را مغیثه یعنی بفریاد رسنده و سیوم را منقذه یعنی خلاص کننده از
بلایا و در روایت دیگر فرمود که منقذه آنست که از سر یعنی شروع کنی بجانب بالا و هر جا که برسد در آنجا
حجامت کنی و در روایت معتبر منقول است که حضرت امام موسی علیه السلام در روز چهارشنبه

حجامت کردند و تپ برطرف نشد پس در روز جمعه حجامت کردند و تپ برطرف شد و از حضرت
امام رضا علیه السلام منقول است که هر که در چهارشنبه آخر ماه حجامت کند برای رو برابل طیره
عافیت یابد از هر بلائی و محفوظ ماند از هر دردی و محل حجامتش سیه نشود و در روایت دیگر منقول
است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بعد از عصر حجامت کردند و از حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه و آله منقول است که حجامت کردن بدن را صحیح میکند و عقل را محکم میکند و فرمود که
حجامت مکنید در روز چهارشنبه که روز نحسی است و در روز جمعه ساعتی هست که هر که در آن
ساعت حجامت کند بمیرد و در حدیث دیگر فرمود که روز سه شنبه روز خون گرفتن است و در
روایت دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نهی وارد شده است از حجامت کردن
در روز چهارشنبه و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که در روز پنجشنبه حجامت
مکنید و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که اگر در چیزی شفا هست
در شیشه حجام و در خوردن عسل است و فرمود که نیکو عادتی است حجامت دیده را جلا میدهد
و درد را می برد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که جبرئیل علیه السلام برای حضرت رسول خدا
صلی الله علیه و آله وسلم سواک و خلال و حجامت را آورده و در فقه الرضا مذکور است که چون
اراده حجامت کنی چهار زانو در پیش حجام بنشین و بگو بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ
الْكَرِيْمِ فِيْ حِجَامَتِيْ مِنَ الْعَيْنِ فِي الدَّمِ وَمِنْ كُلِّ سُوْءٍ وَاَعْلَالٍ وَاَمْرَاضٍ وَاَسْقَامٍ وَاَوْجَاعٍ
وَاَسْئَلُكَ الْعَافِيَةَ وَالْمُعَافَاةَ وَالشِّفَاءَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ و در حدیث دیگر منقول است که بحضرت
صادق علیه السلام عرض کردند که مردم بد میدانند حجامت در روز شنبه و چهارشنبه را فرمود
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که هرگاه کسی زیادتی خون در خود یابد البته حجامت
کند که مبادا او را بکشد و فرمود که اول سه شنبه که از آذر ماه رومی که ماه اول بهار است حجامت کند
باعث صحت بدن آدمی شود و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله وسلم را هیچ آزاری بهم نرسید مگر آنکه پناه بحجامت می بردند و در حدیث دیگر فرمود
که حجامت سر شفای همه درد است بغیر از مرگ و در حدیث دیگر فرمود که هر که نظر کند باول محجمه
از خون او که بریزند امان یابد از درد چشم تا حجامت دیگر و در روایتی از حضرت صادق علیه السلام

منقول است که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم حجامت میکردند بآب سرد غسل میکردند
تا حرارت خون فرو نشیند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم حجامت
اول در پشت گردن میکردند پس جبرئیل آمد و امر کرد آنحضرت را حجامت میان دو کتف و در
حدیث دیگر فرمود که حضرت صادق علیه السلام حجامت کردند و بعد از حجامت سه پاره قند
یا نبات طلبیدند و تناول نمودند و فرمودند که خون صافی را متولد میکند و حرارت را قطع میکند
و از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه منقول است که انار شیرین بعد از حجامت خون را ساکن
و خون اندرون را صاف میکند و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که حجامت روز شنبه باعث ضعف میشود
و در روایت دیگر منقولست که بسیار بود که حضرت امام رضا علیه السلام در شب زیادتی خون می یافتند
در آنوقت حجامت میکردند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در ماه مبارک رمضان
بهتر آنست که در شب حجامت کند و فرمود که حجامت در روز یکشنبه است و حجامت شیعیان ما در روز دوشنبه است و فرمود که
نهار حجامت بی ناشتا مکن تا اندک چیزی بخوری که بیشتر باعث بیرون آمدن خون و قوت بدن میشود
و فرمود که چون بعد از اکل حجامت کنند خون جمع میشود و خون فاسد را بیرون میکند و اگر پیش از
اکل باشد خون صالح بیرون میرود و خون فاسد در بدن میماند و زید شحام میگوید که در خدمت
حضرت صادق علیه السلام بودم که حجام را طلبیدند و فرمودند که محجمه خود را بشو و بند کن پس انار
طلبیدند و تناول فرمودند و چون از حجامت فارغ شدند انار دیگر طلبیدند و تناول فرمودند
گفتند که خوردن انار درین وقت صفرا را فرو می نشاند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام از ابو بصیر
پرسیدند که مردم بعد از حجامت چه چیز می خورند گفت برگ کاسنی و سرکه فرمود که باکی نیست
و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است کسیکه خواهد حجامت کند در روز شنبه کند و فرمود
حجامت کردن در روز یکشنبه شفائی همه دردها است و در روایت دیگر وارد شده است
نباید کرد حجامت در روز چهارشنبه هرگاه قمر در عقرب باشد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول
است که در روز پنجشنبه خون در موضع حجامت جمع میشود پس چون ظهر شد در بدن متفرق میشود
پس بهتر است پیش از ظهر بکنید و در حدیث دیگر نهی وارد شده است از حجامت کردن در وقت
روز جمعه و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که در هفتم ماه حزیران رومی که در اول

تابستان است حجامت بکن واگر نشود در چهاردهم بکن و حضرت صادق علیه السلام فرمود
که حجامت را در آخر روز بجا آرید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است
که حجامت در گودی پشت سر موجب غلبهٔ فراموشی است و حضرت صادق علیه السلام فرمود
که حجامت سر بفریاد رسنده است و برائی هر دردی نافع است بغیر از مرگ پس از هر دو طرف
ابرو شبر کردند بجانب پشت و آنجا که انگشت ابهام رسید نشان دادند که در اینجا حجامت میباید کرد
و در روایت دیگر منقول است که در روز سه شنبه ساعتی هست که اگر حجامت در آن ساعت
اتفاق افتد خون در بدن بند نمی شود تا بمیرد و فرمود که هر که در وقت ظهر روز جمعه حجامت کند
و ببلائی باو برسد ملامت نکند مگر خود را و در حدیث دیگر فرمود که آیة الکرسی بخوان و در هر روز که خواهی
حجامت بکن و فرمود که حجامت سر نافع است برائی دیوانگی و خوره و پیسی و درد دندان و در
حدیث دیگر تاریکی چشم و درد سر و غلبهٔ خواب و فرمود که چون طفل چهار ماهه شود هر ماه او را یکبار
حجامت کنید در گودی پشت سر که لعابش را خشک میکند و حرارت را از سر و بدنش میکشد و منقول
است که حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه طبیبی را طلبیدند و فرمودند که رگ کف دست را
بگشاید و منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد جگر حضرت
او را فصد پا فرمودند و شخصی دیگر از خارش بدن شکایت کرد فرمودند که سه مرتبه هر دو پا را حجامت
کن در پشت پا و در میان کعب و بند پا و شخصی بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام شکایت کرد
از جرب فرمود که فصد پائی راست بکن و بقدر دو درهم روغن بادام شیرین بر روی آب کشک
بریز و بخور و ماهی و سرکه مخور و شخصی دیگر بخدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از جرب
فرمود که رگ اکحل را بگشا فصل سیوم در بیان انواع تداوی که از ائمه علیهم السلام وارد شده است
و بیان جواز رجوع به اطبا از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که درد سه است
و دوا سه است پس درد مرّه است یعنی صفرا و سودا و بلغم و خون و دوای خون حجامت است و دوای
مره مسهل است و دوای بلغم حمام است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دوائی
پیغمبران است حجامت کردن و نوره کشیدن و دوا در دماغ چکانیدن و از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقول است که بهترین دواهائیکه شما حقنه است و دوا در بینی چکانیدن و حجامت کردن

و حمام رفتن و در حدیث دیگر فرمود که طبابت عرب در حجامت و حقنه است و آخر دوائی
ایشان داغ کردن است و در حدیث دیگر فرمود که طبابت عرب در هفت چیز است
حجامت و حقنه و دوا ریختن در بینی و چکانیدن و حمام رفتن و قی و خوردن عسل و آخر دوای ایشان داغ
است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که حقنه از جملهٔ دواهای عظیم است
و شکم را بزرگ میکند و فرمود که دوا چهار چیز است حجامت و دارو مالیدن و قی کردن و حقنه
کردن و فرمود که طب عرب از حجامت و حقنه و حمام و قی و دارو در بینی چکانیدن و آخر دوا
داغ و سوختن است و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول است که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که بهترین چیزهائی که بآن مداومت کنید حقنه است شکم را
فربه میکند و دردهای اندرونی را پاک میکند و بدن را قوت میدهد و فرمود که روغن بنفشه در بینی
بچکانید و در فقه الرضا مذکور است که حمیه و امساک سر همه دواهاست و معده خانهٔ همه دردهاست
و هر بدنی را بده آنچه او را عادت فرموده و فرمود که اجتناب کن از دوا خوردن تا بدنت تاب
درد دارد و فرمود که هرگاه گرسنه شوی طعام بخور و هرگاه تشنه شوی آب بخور و هرگاه که بول آید
بول بکن و تا مضطر نشوی جماع مکن و هرگاه ترا خواب گیرد خواب کن چون چنین کنی بدنت صحیح
باشد همیشه و فرمود که حقتعالی دوا را مانع میشود از تاثیر کردن تا وقتیکه مقدر شده است
که آن مرض تا آنوقت باشد و چون آن مدت منقضی شود او را رخصت اثر میدهد و بآن دوا
شفا می یابد مگر آنکه پیش از آن مدت دعا یا تصدق یا کارهای خیر بکند که خدا پیشتر از آن مدت دوا را
رخصت تاثیر بدهد و فرمود که در عسل شفائی هر دردی است هر که یک انگشت عسل ناشتا بخورد
بلغم را دفع میکند و سودا را برطرف میکند و ذهن را صاف میکند و قوت میدهد حافظه را هرگاه
با کندر خورده شود و آب سرد حرارت و صفرا را فرو می نشاند و طعام را هضم میکند و اخلاطی که
در فم معده است میگدازد و تب را برطرف میکند و فرمود که اگر چیزی بدن را فربه میکند مالیدن
بدن است و جامهٔ نازک نرم پوشیدن و بوی خوش کردن و حمام رفتن و اگر مرده را ماالنگی کنند
و زنده شود بعید نیست و تصدق بلاهای آسمانی را دفع میکند و قضاهای محکم را برطرف میکند و
بیماری را می برد چیزی مثل دعا و تصدق و آب سرد و فرمود که منتهای پرهیز و امساک

چهارده روز است و پرهیز نه آنست که چیزی نخورد بلکه آنست که کمتر بخورد و فرمود که صحت و
مرض در بدن آدمی با یکدیگر در مقام معارضه و مقاتله اند پس هر وقت که صحت غالب آید بیمار
بشعور می آید و اشتهای طعام بهم میرساند پس هرگاه طعام بطلبد بدهید شاید شفایش در آن
باشد و فرمود که شفای هر درد در قرآن هست پس بیماران خود را دوا کنید بتصدق و طلب شفا
کنید بقرآن که هر کرا قرآن شفا ندهد هیچ چیز شفای او نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
مروی است که هر که درد یا آزار در بدن خود یابد و حرارت بر مزاج خود غالب یابد با زنان جماع کند
که حرارت را فرو می نشاند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که عامه دردها و بیماریها
از غلبه سودا و صفرا و خون سوخته شده و بلغم زیاده میباشد پس باید که آدمی تعهد احوال خود بکند
پیش از آنکه اینها برو غالب شود و او را هلاک کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
باسانید معتبره منقول است که دوا کنید بیماران خود را بتصدق و فرمود که تصدق بلاهای محکم را
دفع میکند و فرمود که تصدق مرگهای بد را از صاحبش دفع میکند و در روایت دیگر منقول است
که شخصی بحضرت امام موسی علیه السلام عرض کرد که من با ده نفر از عیالم همه بیماریم فرمود که ایشان را دوا
کنید بتصدق که هیچ چیز بیشتر و زودتر از تصدق نفع نمیکند و به سند معتبر از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که شخصی بیمار شد حضرت امیر المؤمنین ع باو فرمود که از زن خود یک درهم
از مهری که باو داده بطلب که بتو ببخشد و عسل بخر و با آب باران بخور آنشخص چنین کرد و شفا یافت
از سبب آن پرسیدند از آنحضرت فرمود که حقتعالی میفرماید که اگر زنان از مهر خود بشما بطیب خاطر
چیزی ببخشند بخورید گوارا و با عافیت نیک و در باب عسل میفرماید که در آن شفاست از همه دردها
از برای مردمان و در آب باران میفرماید که فرستادیم از آسمان آبی مبارک پس در اینجا گوارائی و
حسن عافیت و برکت و شفا همه جمع شد و در حدیث دیگر منقولست که مردی پیری بخدمت حضرت
صادق علیه السلام آمد و عرض کرد که دردی دارم و برای آن اطبا شرابی گفته اند که بخورم حضرت
فرمود که چرا دوا از خود نمیکنی آبی را که خدا فرموده است که همه چیز بآن زنده است گفت با من موافقت
نمیکند فرمود که چرا عسل نمیخوری که خدا شفای مردمان گردانیده است گفت بدستم نمی آید فرمود که چرا
شیر نمیخوری که گوشت و استخوان بدنت از شیر پرورده است گفت با طبعم موافقت نمیکند فرمود

بخواهی که ترا رخصت بدهم که شراب بخوری والله که هرگز چنین نکنم و در حدیث معتبر از آنحضرت
منقول است که راه رفتن بیمار باعث نکس مرض و زیادتی آن میشود و در حدیث معتبر دیگر منقول
است که شخصی بخدمت آنحضرت عرض کرد که بیماران که نزد ما بیمار میشوند اطبا ایشانرا امر با امساک
و پرهیز می کنند فرمود که ما اهلبیت امساک نمیکنیم مگر از خرما و خود را مداوا میکنیم بسیب و آب سرد
پرسید که چرا امساک از خرما می کنید فرمود برای آنکه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و آله را در بیماری از آن امساک فرمود و در روایت
دیگر از آنحضرت پرسیدند که تا چند روز میباید پرهیز و امساک بیمار را فرمود که تا ده روز و در روایت
دیگر یازده روز و در حدیث دیگر فرمود که امساک و پرهیز بعد از هفت روز دیگر نفعی ندارد
و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که پرهیز آن نیست که در اصل چیزی نخوری بلکه
آنست که بخوری و کمتر بخوری و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که حضرت موسی بن عمران علیه السلام مناجات کرد که پروردگارا درد از که میرسد خطاب رسید
که از من پرسید که دوا از کیست خطاب رسید که از من پرسید که پس چه می کنند مردم این حکیمان را
خطاب رسید که دلهای مردم را خوش میکنند و در حدیث صحیح منقول است که علی بن جعفر از
امام موسی علیه السلام سوال کرد از داغ کردن بیماران و تعویذها و افسانه ها بر ایشان خواندن فرمود
که باکی نیست در داغ کردن و افسانه که معنیش را دانی و در حدیث صحیح دیگر منقول است که شخصی
از آنحضرت پرسید که من محتاج میشوم بطبیب نصرانی و بنزد او بمعالجه میروم و بر او سلام میکنم
و او را دعا میکنم فرمود که باکی نیست دعا و سلام تو با او نفعی نمیرساند و در حدیث دیگر فرمود که
تا ممکن است رجوع بمعالجه طبیبان مکنید که این مانند عمارت کردن است که اندکش بسیار
میکشد و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که مسلمانرا باید که دوا نکند
تا غالب نشود بیماری او بر صحتش و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که صحتش بر بیماریش غالب
باشد و معالجه کند و بمیرد من از او بیزارم و در حدیث دیگر فرمود که هر که با این حال دوا بخورد
اعانت بر کشتن خود کرده است و در حدیث دیگر منقول است که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
پرسیدند که بمعالجه طبیب یهودی و نصرانی عمل میتوان کرد فرمود که باکی نیست شفا بدست خداست

و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که شخصی دوا میخورد و گاه هست که او را
میکشد و گاه هست که شفا می‌یابد اما بیشتر آنست که شفا می‌یابد فرمود که حقتعالی دوا را فرستاده
است و شفا میفرستد و هیچ دردی خلق نکرده است مگر آنکه دوائی برای آن آفریده است بخور و
نام خدا ببر در وقت خوردن و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند که زنی یا مردی چشمش
آب سیاه می‌آورد و اطبا میگویند که چشم ترا میل میزنیم میباید که یکماه یا چهل روز بر پشت
بخوابی و حرکت نکنی و با این حال نماز با ایما میباید بکنی حضرت فرمود که چون مضطر است باکی
نیست و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که پیغمبری از پیغمبران بیمار شد پس گفت که
دوا نمیکنم تا آنکسیکه اورا داده است شفا بدهد حقتعالی باو وحی فرستاد که تا دوا نکنی من شفا
نمیدهم و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بآنحضرت عرض کرد که من جستهای می‌برم و داغ میکنم
بآتش فرمود که باکی نیست گفت که دواهای تلخ که سمیت دارد بمردم میدهیم مثل غاریقون فرمود
که باکی نیست گفت که گاه هست که میمیرد حضرت فرمود هرچند که بمیرد باکی نیست گفت که گاه هست
که شراب و بوزه میدهیم که بخورند فرمود که در حرام شفائی نباشد و در حدیث معتبر دیگر منقول است
که شخصی بآن حضرت عرض کرد که شخصی دوا میخورد و رگهای بدنش را میبرند گاه منتفع میشود و بسیار است
که او را میکشد فرمود که بکنید و در حدیث دیگر عرض کردند که کسیکه داغ میسوزاند بر بدن و گاه هست
که میکشد فرمود که شخصی در زمان پیغمبر داغ میسوزانید و حضرت بالای سرش ایستاده بودند و در
حدیث معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیهما منقول است که هیچ دوائی نیست مگر آنکه در
بدن دردی را برمی‌انگیزد و هیچ چیز در بدن نافع‌تر از این نیست که تا محتاج نشوی تصرف در بدن نکنی
فصل چهارم در معالجهٔ انواع تپ در احادیث بسیار وارد شده است که ما مداوا نمیکنیم تپ را
مگر بریختن آب سرد بر بدن و خوردن سیب و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که تپ از بوی جهنم است فرو
نشانید حرارت آنرا بآب سرد و در حدیث دیگر فرمود که برای دفع تپ هیچ چیز نافع‌تر از دعا و آب
سرد نیست و از مفضل منقول است که بخدمت آنحضرت رفت در ایام تابستان دید آنحضرت تپ
داشتند و دید که طبقی گذاشته است پر از سیب سبز عرض کرد که مردم این را خوب نمیدانند برای
تپ فرمود که این تپ را برطرف میکند و حرارت را فرومی‌نشاند و در حدیث دیگر فرمود که معده

ده درهم قند با آب سرد ناشتا خوردن برای دفع تپ نافع است و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقول است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نزد حضرت امیر المومنین صلوات الله
علیه آمدند و آنحضرت تپ داشت فرمودند که سنجد تناول فرمائید و از حضرت امام موسی علیه
السلام منقول است که خارش بدن و غلبه خواب و دنبلها و دملها علامت زیادتی خون است
و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول است که بشکنید گرمی تپ را به بنفشه و آب سرد
و در تابستان بر بدن صاحب تپ آب سرد بریزند و فرمود که یاد ما اهل بیت کردن شفا است
از تپ و از هیچ و درد و وسواس شیطانی و فرمود که بخورید آب باران که بدن شما را پاک میکند
و درد را دفع میکند و در حدیث معتبر منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از شخصی پرسیدند
که شما بیماران خود را بچه چیز دوا میکنید گفت بادواهای تلخ فرمود که هرگاه کسی از شما بیمار شود قند سفید را
بکوبید و آب سرد بر رویش بریزید و باو بخورانید که آن خداوندی که تلخ شفا میدهد قادر است که بشیرین
شفا بدهد و در حدیث دیگر فرمود که کباب دفع تپ میکند و در حدیث دیگر فرمود که آب دفع تپ میکند و فرمود
که دو ماه بیماری کشیدم خدا مرا الهام کرد که برنج را گفتم که شستند و اندکی بر روی آتش بو دادند و در آسیا
خورد کردند و پاره را سفوف کردم و پاره را در میان آب کردم و خوردم بر طرف گردید و فرمود که تپ ما و اولاد پیغمبران
دو برابر دیگران میباشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که علاج تپ بسه چیز
میباشد بقی و عرق و سهل و از ابراهیم جعفی منقول است که بخدمت حضرت صادق علیه السلام
رفت و شکایت کرد از تپ ربع فرمود که نبات یا قند را بسائی و در میان آب بریز و ناشتا و
هر وقت که احتیاج بآب خوردن شود بخور چنان کرد بزودی شفا یافت و حضرت امام موسی
علیه السلام فرمود که در معالجه تپ غب کهنه عسل و سیاه دانه را باهم ممزوج کن و سه انگشت
از آن بخور که این هردو مبارک است و خدا عسل را فرموده که شفا است و حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم فرمود که در سیاه دانه شفای همه درد است مگر مرگ و از حضرت امام علی نقی
صلوات الله علیه و آله منقول است که بهترین چیزها برای تپ ربع آنست که در روز نوبت پالوده
عسل بسازی و زعفران بسیار در آن بکنی و در آن روز غیر آن چیزی نخوری و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقول است که این تعویذیست برای شیعیان از رسل یا الله یا رب الارباب و یا سید السادات

وَيَا اِلٰهَ الْاٰلِهَةِ وَيَا مَالِكَ الْمُلُوْكِ وَيَا جَبَّارَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ اِشْفِنِيْ وَعَافِنِيْ مِنْ دَائِيْ هٰذَا فَاِنِّيْ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ اَتَقَلَّبُ فِيْ قَبْضَتِكَ وَنَاصِيَتِيْ بِيَدِكَ سه مرتبه این دعا را میخوانی تا خدا ترا شفا دهد بحول و قوت خود و در روایت معتبر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم را تب شدیدی عارض شد جبرئیل آمد و این عوذه را بآنحضرت خواند در ساعت تب زائل شد بِسْمِ اللّٰهِ اَرْقِيْكَ بِسْمِ اللّٰهِ اَشْفِيْكَ بِسْمِ اللّٰهِ مِنْ كُلِّ دَاءٍ يُعْنِيْكَ بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ شَافِيْكَ بِسْمِ اللّٰهِ خُذْهَا فَلْتُهَنِّئْكَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ فَلَا اُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُوْمِ لَتَبْرَاَنَّ بِاِذْنِ اللّٰهِ و در چند حدیث معتبر منقول است که بر هیچ بیماری و صاحب دردی هفتاد مرتبه سورهٔ حمد خوانده نمیشود مگر آنکه آن درد ساکن میشود و در روایت دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و عرض کرد که یک ماه است که تب میکنم و آنچه اطبا گفتند بعمل آوردم و برطرف نشد حضرت فرمود که بند های پیراهن خود را بگشا و سر را در گریبان پیراهن داخل کن و اذان و اقامت بگو و هفت مرتبه سورهٔ حمد بخوان آن شخص گفت که چنان کردم گویا که از بندی رها شدم و در حدیث دیگر منقول است که یکی از فرزندان آن حضرت بیمار شد فرمود که ده مرتبه یا الله بگو که هیچ مومنی نگوید مگر آنکه حقتعالی میفرماید که لبیک حاجت خود را بگو و در حدیث دیگر فرمود که هر کرا علتی عارض شود هفت مرتبه سورهٔ حمد بخواند و اگر برطرف نشود هفتاد مرتبه بخواند که من ضامنم که آن علت برطرف شود و در حدیث معتبر منقول است از داود بن زربی که گفت بیمار شدم در مدینه بیماری شدیدی چون این خبر بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام رسید بمن نوشتند که یک صاع گندم بخر و بر پشت بخواب و آن گندم را بر سینهٔ خود بریز و بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِيْ اِذَا سَئَلَكَ بِهِ الْمُضْطَرُّ كَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَمَكَّنْتَ لَهٗ فِي الْاَرْضِ وَجَعَلْتَهٗ خَلِيْفَتَكَ عَلٰى خَلْقِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّاَهْلِ بَيْتِهٖ وَاَنْ تُعَافِيَنِيْ مِنْ عِلَّتِيْ پس درست بنشین و گندم را جمع کن و باز آن دعا را بخوان و آن گندم را چهار حصه کن هر حصه بیک فقیر بده و باز دعا بخوان داود گفت که من چنین کردم گویا از بندی رها شدم و بسیار کسان کردند شفا یافتند و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که چون نزد بیماری روی هفت مرتبه بگوئی اُعِيْذُكَ بِاللّٰهِ الْعَظِيْمِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ عِرْقٍ

نقاثات و من شر حاسد اذا حسد و در حدیث دیگر فرمود که سورهٔ حمد و قل هو الله احد و انا انزلناه فی ليلة القدر و آية الكرسی بخوان پس با انگشت شهادت بر پهلوی بیمار بنویس اللهم ارحم جلده الرقيق و عظمه الدقيق من سورة الحريق يا ام ملدم ان كنت امنت بالله واليوم الاخر فلا تاكل اللحم و لا تشربي الدم و لا تنهكي الجسم و لا تصدعي الرأس و انتقلي عن فلان بن فلان و نام او و نام مادرش را بنویس الى من يجعل مع الله الها اخر لا اله الا الله تعالى عما يشركون علوا كبيرا و در روایت دیگر فرمود که بیمار سر را در گریبان خود داخل کند و اذان و اقامت بگوید و سورهٔ حمد و معوذتین و سه مرتبه قل هو الله بخواند و بگوید اعيذ نفسي بعزة الله و قدرة الله و عظمة الله و سلطان الله و جمال الله و بجمع الله و برسول الله و بعترته صلى الله عليه و عليهم و بولاة امر الله من شر ما اخاف و احذر و اشهد ان الله على كل شيء قدير و لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم و صلى الله على محمد و آله اللهم اشفني بشفائك و داوني بدوائك و عافني من بلائك و در روایت دیگر منقول است که شخصی بآن حضرت شکایت کرد که پیش بسیار بطول انجامیده است فرمود که آية الكرسی را در ظرفی بنویس و بآب حل کن و بخور و در بعضی از کتب معتبره منقول است که برای تب این تعویذ را بنویسد و بر بازوی راست ببندد و سورهٔ حمد را تا آخر بنویسد و بعد از آن بنویسد بسم الله و بالله اعوذ بكلمات الله التامات كلها التي لا يجاوزهن بر و لا فاجر من شر ما خلق و ذرأ و برأ و من شر الهامة و السامة و العامة و اللامة و من شر طوارق الليل و النهار و من شر فسقة العرب و العجم و من شر فسقة الجن و الانس و من شر الشيطان و شركه و من شر كل ذي شر و من شر كل دابة هو آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم ربنا عليك توكلنا و اليك انبنا و اليك المصير يا نار كوني بردا و سلاما على ابراهيم و ارادوا به كيدا فجعلناهم الاخسرين بردا و سلاما على فلان بن فلانة نام بیمار و مادرش را ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطأنا ربنا و لا تحمل علينا اصرا كما حملته على الذين من قبلنا ربنا و لا تحملنا ما لا طاقة لنا به و اعف عنا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولانا

صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین و از سلمان فارسی رضی الله عنه منقول است
که گفت بعد از وفات حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله بده روز از خانه بیرون آمدم در راه
حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله را ملاقات کردم فرمود که برو بنزد حضرت فاطمه صلوات
الله علیها که تحفه از بهشت برای او آمده میخواهد که بتو عطا فرماید بتعجیل بخدمت آنحضرت شتافتم
فرمود که دیروز در همین موضع نشسته بودم و در خانه بسته بود و غمگین بودم و فکر میکردم در منقطع
شدن وحی الهی از ما و نیامدن ملائکه بسوی ما ناگاه دیدم که در گشوده شد و سه دختر به اندرون
آمدند که کسی بحسن و جمال و طراوت و نزاکت و خوشبوئی ایشان هرگز ندیده است چون ایشانرا
دیدم برخاستم و سوال کردم که شما از اهل مکه اید یا از اهل مدینه گفتند ای دختر حضرت رسول خدا
صلی الله علیه و آله و سلم ما از اهل زمین نیستیم ما را پروردگار عزت از اهل بهشت جاوید بسوی
تو فرستاده و بسیار مشتاق تو بودیم از یکی که بزرگتر مینمود پرسیدم که چه نام داری گفت
مقدوده گفتم بچه سبب ترا این نام کردند گفت بجهت آنکه از برای مقداد بن اسود خلق شده ام
پس از دیگری پرسیدم که چه نام داری گفت ذره از سبب نام پرسیدم گفت زیرا که از برای
ابوذر غفاری خلق شده ام از سوم پرسیدم چه نام داری گفت سلمی از سبب نام پرسیدم گفت زیرا که از برای سلمان
فارسی آزاد کرده پدر تو خلق شده ام حضرت فاطمه علیها السلام فرمود که پس از برای من رطبی چند بیرون آوردند
مانند گرده های نانهای بزرگ از برف سفید تر و از مشک خوشبوتر پس سلمان گفت که حضرت
فاطمه علیها السلام یکی از آن رطبها بمن دادند و فرمودند که امشب باین رطب افطار کن و فردا
هسته اش را برای من بیاور پس آن رطب را گرفتم و بیرون آمدم بهر جمعی که از اصحاب رسول خدا
صلی الله علیه و آله و سلم میگذشتم می پرسیدند که ای سلمان مگر مشک همراه داری میگفتم بلی

ای سیده من لمن دعا را تعلیم من فرما فرمود که اگر خواهی که تا در دنیا باشی آزار تب نیابی بر این
دعا مواظبت کن این است بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ بِسْمِ اللّٰهِ النُّورِ بِسْمِ اللّٰهِ نُورِ النُّورِ
بِسْمِ اللّٰهِ نُورٌ عَلٰی نُورٍ بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِی هُوَ مُدَبِّرُ الْاُمُورِ بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِی خَلَقَ النُّورَ
مِنَ النُّورِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ وَاَنْزَلَ النُّورَ عَلٰی
الطُّورِ فِی کِتَابٍ مَسْطُورٍ فِی رَقٍّ مَنْشُورٍ بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ عَلٰی نَبِیٍّ مَحْبُورٍ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی هُوَ
بِالْعِزِّ مَذْکُورٌ وَبِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ وَعَلَی السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ مَشْکُورٌ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی سَیِّدِنَا
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِینَ سلمان گفت که این دعا را به زیاده از هزار نفر اهل مکه و مدینه که تب داشتند
تعلیم کردم همه از تب نجات یافتند و در حدیث حسن منقول است که بعضی فرزندان حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام بیمار شد حضرت فرمود که این دعا را بخوان اَللّٰهُمَّ اشْفِنِی بِشِفَائِکَ
وَدَاوِنِی بِدَوَائِکَ وَعَافِنِی مِنْ بَلَائِکَ فَاِنِّی عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ و از برای تب ربع
منقول است که این آیه را بنویسند و بر او ببندند یَا نَارُ کُونِی بَرْدًا وَسَلَامًا عَلٰی اِبْرَاهِیمَ
و در روایت دیگر این دعا را بر بازوی راست ببندند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ وَلَوْ اَنَّ قُرْآنًا
سُیِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ اَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْاَرْضُ اَوْ کُلِّمَ بِهِ الْمَوْتٰی بَلْ لِلّٰهِ الْاَمْرُ جَمِیعًا یَا شَافِی یَا کَافِی
یَا مُعَافِی وَبِالْحَقِّ اَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ اسم فلان بن فلان و نام او و پدرش را بنویسند
بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَمِنَ اللّٰهِ وَاِلَی اللّٰهِ وَلَا غَالِبَ اِلَّا اللّٰهُ و از برای تب لرزه این آیات را
بنویسند و بر بازوی بیمار ببندند بِسْمِ اللّٰهِ مَرَجَ الْبَحْرَیْنِ یَلْتَقِیَانِ بَیْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا یَبْغِیَانِ
وَجَعَلَ بَیْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَحْجُورًا یَا نَارُ کُونِی بَرْدًا وَسَلَامًا عَلٰی اِبْرَاهِیمَ اَلَا اِنَّ حِزْبَ اللّٰهِ
هُمُ الْغَالِبُونَ وَلَقَدْ سَبَقَتْ کَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِینَ اِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ
وَاِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ فصل پنجم در ادعیه جامعه و ادویه مرکبه نافعه در حدیث معتبر از حضرت

وَمِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي هفت مرتبه میگوئی و در روایت دیگر فرمود که دست را
بر موضع درد میگذاری و میگوئی بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ اَللّٰهُمَّ امْسَحْ عَنِّي مَا أَجِدُ سه مرتبه بر آن موضع میکشی و در
روایت دیگر فرمود که دیگری دست بر موضع درد میگذارد و هفت نوبت و اقلش سه مرتبه
میگوید أَيُّهَا الْوَجَعُ اسْكُنْ بِسَكِينَةِ اللهِ وَقِرَّ بِوَقَارِ اللهِ وَانْحَجِزْ بِحَاجِزِ اللهِ وَاهْدَأْ
بِهُدُوِّ اللهِ أُعِيذُكَ أَيُّهَا الْإِنْسَانُ بِمَا أَعَاذَ اللهُ بِهِ عَرْشَهُ وَمَلَائِكَتَهُ يَوْمَ الرَّجْفَةِ
وَالزَّلَازِلِ و در روایت معتبر فرمود که برای هر آزاری این دعا بخواند يَا مُنْزِلَ الشِّفَاءِ وَمُذْهِبَ
الدَّاءِ أَنْزِلْ عَلَى مَا بِي مِنْ دَاءٍ شِفَاءً و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله
منقول است که هر که را برسد المی در بدنش این دعا بخواند تا هیچ المی و دردی باو ضرر نرساند
أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَقُدْرَتِهِ عَلَى الْأَشْيَاءِ أُعِيذُ نَفْسِي بِجَبَّارِ السَّمَاءِ أُعِيذُ نَفْسِي بِمَنْ
لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دَاءٌ أُعِيذُ نَفْسِي بِالَّذِي اسْمُهُ بَرَكَةٌ وَشِفَاءٌ و از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که هر که دردی بهم رساند و دست را بر موضع درد بگذارد و باخلاص
نیت بگوید وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ
إِلَّا خَسَاراً البته عافیت یابد از هر علتی و در حدیث دیگر فرمود که هر کرا سوره حمد و قل هو الله
احد شفا نبخشد هیچ چیز او را شفا نبخشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
که هرگاه کسی آزاری در خود بیابد بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَصَلَّى اللهُ عَلَى رَسُولِ اللهِ وَ
أَهْلِ بَيْتِهِ وَأَعُوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَقُدْرَتِهِ عَلَى مَا يَشَاءُ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ و در حدیث دیگر
منقول است که شخصی بخدمت آنحضرت آمد و شکایت کرد از بسیاری بیماری و پریشانی فرمود که

بلیله و آمله را بسایند و با عسل خمیر کنند و بخورند حضرت فرمود که این است که شما اطریفل میگوئید
و در طب الائمه روایت کرده است که شخصی بحضرت امام علی نقی صلوات الله علیه عرض کرد
که در همسایگی ما شخصی را عقرب گزیده است و بیم آن است که هلاک شود فرمود که بخورانید
باو دوای جامع را که از حضرت امام رضا علیه السلام بما رسیده است پس فرمود که سنبل
و زعفران و قاقله و قسط و عاقرقرحا و خربق سفید و بذر البنج و فلفل سفید همه مساوی یکدیگر و فرفیون
دو برابر هر یک از اینها بسیار نرم بکوبند و از حریر بیرون کنند و با عسلی که کفش گرفته باشند
خمیر کنند و کسی را که مار یا عقرب گزیده باشد یک حب آنرا به آب حلتیت باو بخورانند که در
ساعت شفا می یابد و از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که از برای
فالج و لقوه یک حب آنرا با آب مرزنگوش در بینی بچکانند و از حضرت امام محمد تقی صلوات الله
علیه نقل کرده است که از برای سردی معده و خفقان قلب نافع است که یک حب آنرا با آب
زیره پخته بخورند و در روایت دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که از برای
آزار سپرز یک حب آنرا با آب سرد و اندک سرکه بخورند و از حضرت امام رضا علیه السلام
نقل کرده است که از برای درد پهلوی راست یک حب آنرا با آب زیره پخته بخورند و از برای
درد پهلوی چپ یک حب آنرا با آب ریشه کرفس که پخته باشند بخورند و در حدیث دیگر فرمود
که از برای اسهال یک حبش را با آب مورد پخته بخورند و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام روایت
کرده است که یک حبش با آب سداب یا آب ترب پخته بخورند و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقول است که اگر مردم بدانند که در سنا چه منفعتها است هر جزو سنا قیمتش هر مثقالی
دو مثقال طلا شود و بدرستیکه امان می بخشد از بهق و پیسی و خوره و دیوانگی و فالج و لقوه و اگر با مویز
سرخ بی دانه و هلیله کابلی و هلیله زرد و هلیله سیاه همه اجزا مساوی بعمل آورند و هر روز ناشتا

سبزی با شیشه کنند و در وقت حاجت در سه روز هر روز دو مثقال از آن ناشتا بخورند از برای
غلبهٔ سودا و صفرا و بلغم و درد معده و ترکیدن دست و پا و قی و تپ و زحیر و درد شکم و درد جگر
و سپرز و سلّت و سر و یرقان و تپهای شدید و درد مثانه و ذکر نافع باشد و بعد از آن باید که از غرما
دنبهای سرگه و سنبر سهله بپزند و کنند و عنا آتش تا چاشد با روغن کنجد و دوائی دیگر نقل کرده است که از
هلیلهٔ سیاه و هلیلهٔ زرد و سقمونیا از هر یک شش مثقال و از فلفل و دار فلفل و زنجبیل خشک
و زنجبیان و خشخاش سرخ و نمک هندی از هر یک چهار مثقال و از انار مشک و قاقله و سنبل
و شقاقل و چوب بلسان و دانهٔ بلسان و سلیخه مقشر و علک ساروی و عاقرقرحا و دارچینی از هر یک
دو مثقال جمع دواها را نیک بکوبند و بپزند و سقمونیا جدا بکوبند و بپزند و هشتاد و پنج مثقال شکر را در پاتیل آب کنند
و قدری از عسل نیز در آن بریزند و آن اجزا را با آنها معجون سازند و در وقت حاجت دو مثقال
را از آن تا هشتاد و دو مثقال را در وقت خواب بخورند نافع است برای قوت جماع و سردی را
از مفاصل بدن می برد و فائده می بخشد برای درد تهیگاه و بادهای شکم و درد مفاصل و سلسل بول و
طپیدن دل و تواتر نفس و امتلای معده و کرم معده و دل را جلا میدهد و اشتهای طعام می آورد
و درد سینه و زردی چشم و زردی رنگ و یرقان و غلبهٔ تشنگی را می برد و برای تپ لرزه و دردهای
کهنه و درد سر و بیماعی نافع است و بسند دیگر روایت کرده است که روزی فرعون بنی اسرائیل را
همگی ضیافت کرد و زهر در طعام ایشان داخل کرد که ایشان را هلاک کند حقتعالی این دوا را بحضرت
موسی علی نبینا و علیه السلام فرستاد و چون خوردند از زهر ایشان آسیبی نرسید جبرئیل گفت
که قدری سیر مقشر بگیر و بشکن و نرم بکوب و در پاتیل بپزند و از روغن گاو آنقدر بر آن بریز

کهنه تر می شود نیکوتر می شود و فرمود که نافع است برائے دفع القوه کهنه و تازه و درد اندرون و سرفه
کهنه و تازه و کسیرا که سر مازده باشد و برای سیل چشم و درد پا و ضعف معده و صرع و غش اطفال و
ترسیدن زنان در خواب و زرد آب و خوره و زیادتی بلغم و دفع سم گزیدن مار و عقرب و فرمود
که چون یک ماه برین دوا بگذرد برائے درد دندان و امراض بلغمی بقدر نصف گردگان ناشتا بخورد
و چون دو ماه بران بگذرد برائی تپ لرزه و آزارهای چشم نافع است و چون سه ماه بران بگذرد
برای صفرا و بلغم سوخته و جمیع مرضهای صفراوی ناشتا خوردن نافع است و چون چهار ماه بران بگذرد
برائی تاریکی چشم و تنگی نفس نافع است و چون پنج ماه بران بگذرد و کسیکه درد سر داشته باشد
بقدر نیم عدس ازین دوا با روغن بنفشه ممزوج گردانیده در بینی بچکاند و چون شش ماه بران بگذرد
کسیکه درد شقیقه داشته باشد بقدری که عدس ازان با روغن بنفشه مخلوط گردانیده در بینی
بچکاند ازان جانبی که درد میکند در اول روز و چون هفت ماه بران بگذرد برائی دفع بادی که در
گوش بهم رسد بقدر یک عدس با روغن گل سرخ ممزوج ساخته در گوش بچکاند در اول روز و
هنگام خواب و چون هشت ماه بران بگذرد آنرا با آب خوردن برائے دفع خوره نافع است
و چون نه ماه بگذرد نافع است برائے غلبهٔ خواب و هزیان گفتن در خواب و ترس و بیم باید که با روغن
تخم ترب ناشتا و وقت خواب بقدر یک عدس خورده شود و چون ده ماه بگذرد برائے
غلبهٔ صفرا و پیچهای اندرونی و اختلاط عقل بقدر یک عدس با سرکه بخورند و برائے سفیدی چشم
ناشتا و وقت خواب بخورد و چون یازده ماه بران بگذرد برائے سودائیکه اینکس را بهم رسد
دو سه کس [illegible] بخورد با روغن گل سرخ ناشتا و بقدر یک نخودی با روغن در هنگام

خوابیدن بخورد و چون دوازده ماه بگذرد برای فالج کهنه و تازه با آب مرزنگوش بقدر یک نخود بخورد و با روغن زیت و نمک بر پا بمالد و در وقت خواب دار بسرکه و شیر و ماست و سبزیها و ماهی اجتناب نماید و چون سیزده ماه بگذرد یک نخود از آن با آب سداب حل کند و در اول شب بخورد نافع است برای درد اندرون و خندیدن بی سبب و بازی کردن و اگر چهارده ماه بگذرد برای دفع زهرها نافع است و اگر زهری باو خورانیده باشند تخم بادنجان را بکوبند و بجوشانند و صاف کنند و با یک نخود از این دوا در سحر بخورند و آب نیم گرم از عقبش بخورند سه شب یا چهار شب و چون پانزده ماه بگذرد برای دفع سحر و بادها نافع است و چون شانزده ماه بگذرد بقدر نیم عدس آنرا با آب باران تازه حل کرده بدیده کسی بکشند که بینائیش کم شده باشد و در بامداد و شام و وقت خواب تا چهار روز و اگر برطرف نشود تا هشت روز و چون هفده ماه بگذرد برای دفع خوره یک گلوله از آن با روغن پارچه گاو ناشتا و در وقت خواب بخورند و بقدر یک حبه اش به بدن بمالند و اندکی را با روغن زیت یا روغن گل سرخ در بینی بچکانند بعد آخر سه روز در حمام و چون هیجده ماه بگذرد برای دفع بهق آنموضع را سوزن بزنند که خون در آید بقدر یک نخود با روغن بادام تلخ یا روغن صنوبر بخورند و اندکی را در بینی بچکانند و با نمک بر آنموضع بمالند و چون نوزده ماه بگذرد و اگر آب انار شیرین را گرفته با قدر یکدانه جو از حنظل و با یک نخود از این دوا ناشتا بخورند برای دفع سهو و فراموشی و بلغم سوخته و تپ کهنه نافع است و چون بیست ماه بگذرد بقدر یک عدس از آن گرفته با آب گندنا حل کنند و برای سنگینی گوش در گوش بچکانند و اگر نفع ظاهر نشود در روز دیگر باز بچکانند و اندکی بر کله و سرش بریزند و از برائی صاحب مرض سرسام با آب انار ترش نافع است و در حدیث دیگر روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام که مثل این دوا را جبرئیل برائی حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم آورده و فرمود که چهار رطل از سیر مقشر بگیرند و در پاتیل کنند و چهار رطل شیر گاو بر آن بریزند و بپزند تا آنقدر که شیر نماند باز چهار رطل روغن گاو بر آن بریزند و آنقدر بجوشانند که روغن نماند پس بقدر ده درهم با بونه بر آن بپاشند و برهم بزنند تا خوب بقوام آید و در کوزه کرده سرش را به بندند و در میان جو یا خاک پنهان کنند در مدت ایام تابستان

و در زمستان بیرون آورند و در بامداد بقدر یک گردگان بخورند برای هر دردی نافع است
و کلینی در حدیث معتبر روایت کرده است که اسماعیل بن الفضل شکایت کرد بخدمت حضرت
صادق علیه السلام از قراقر معده و اینکه طعام در معده اش هضم نمی شود حضرت فرمود که چرا
نمیگیری آن نبیذی را که ما میخوریم و باعث هضم طعام می شود و قراقر و بادهای شکم را دفع میکند
پس فرمود که یک صاع از مویز بگیر و دانه اش را بیرون کن و پاک بشو و در ظرفی کن و آنقدر آب
بر آن بریز که همه را بپوشاند در زمستان سه شبانه روز و در تابستان یک شبانه روز پس صاف
کن و آب صافش را در دیگ کن و آنقدر بجوشان که دو حصه برود و یک حصه بماند پس نیم رطل
عسل در دیگ بریز و آنقدر بجوشان که آنقدر بشود که پیش از عسل بختن شده بود پس زنجبیل و
خولنجان و دارچینی و زعفران و قرنفل و مصطکی را بگیر و همه را بکوب و در میان پارچه کهنه نازکی
کن و در دیگ بینداز که چند جوشی بزند پس دیگ را پائین بگذار تا سرد شود پس صاف کن و هر صبح
و شام پس بیش قدری از آن بخور راوی گفت که چنان کردم آزارم برطرف شد فصل ششم در معالجه
درد سر و شقیقه و زکام و صرع و اختلال دماغ و تصرف جن از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
که برای دفع درد سر و نصف سر این دعا بنویسند و بدان جانب سر که درد میکند بیاویزند اَللّٰهُمَّ اَنْتَ
لَسْتَ بِاِلٰهٍ اسْتَحْدَثْنَاهُ وَلَا بِرَبٍّ يَبِيدُ ذِكْرُهُ وَلَا مَعَكَ شُرَكَاءُ يَقْضُونَ مَعَكَ وَلَا كَانَ
قَبْلَكَ اِلٰهٌ نَدْعُوهُ وَنَعُوذُ بِهِ وَنَتَضَرَّعُ اِلَيْهِ وَنَدَعُكَ وَلَا اَعَانَكَ عَلَى خَلْقِنَا مِنْ اَحَدٍ
فَنَشُكَّ فِيكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ عَافِ فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ وَصَلَّى اللّٰهُ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ و در روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در
سرد اشته باشد یا بولش بند شده باشد دست بر موضع درد بگذارد و بگوید اُسْكُنْ سَكَنْتُكَ
بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ و از حضرت امام علی نقی صلوات الله
علیه منقول است که از برای درد سر این آیه را بر قدح آبی بخواند و بخورد اَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا
اَنَّ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ اَفَلَا يُؤْمِنُونَ
و در حدیث معتبر منقول است که حبیب سجستانی شکایت کرد بحضرت امام محمد باقر علیه السلام که
هفته دو مرتبه او را شقیقه میگیرد فرمود که بگذار دست را بر آن جانب که درد میکند و سه مرتبه بگو

يا ظاهراً موجوداً و يا باطناً غير مفقود يا رادّ على عبدك الضعيف أياديك
الجميلة و اذهب عنه ما به من أذى إنك رحيم ودود و در حديث ديگر فرموده
كه براى دفع درد دست بر سر بمالد و هفت نوبت بگويد أعوذ بالله الذي سكن له
ما في البرّ والبحر وما في السموات والأرض وهو السميع العليم و در روايت ديگر
منقول است كه براى دفع درد گوش دست بر گوش بمالد و هفت مرتبه اين دعا بخواند و در روايت
ديگر فرموده كه براى دفع درد سر دست را بر بالاى سر بگذارد و بگويد لو كان معه آلهة كما
يقولون إذاً لابتغوا إلى ذي العرش سبيلا و إذا قيل لهم تعالوا إلى ما أنزل الله
وإلى الرسول رأيت المنافقين يصدّون عنك صدوداً و در حديث معتبر منقول
است كه شخصى بخدمت حضرت صادق عليه السلام آمد و گفت كه من سفر بسيار ميكنم و در مواضع
هولناك بسيار ميترسم چيزى بمن تعليم فرما كه نترسم حضرت فرمود كه چون در چنين جائى واقع شوى
دست را بر بالاى سر بگذار و با آواز بلند بگو أفغير دين الله يبغون وله أسلم من في
السموات والأرض طوعاً وكرهاً وإليه يرجعون آن شخص گفت كه در بيابانى داخل
شدم كه مى گفتند كه جن در آنجا بسيار است شنيدم كه كسى ميگفت كه بگيريدش اين آيه را خواندم
شنيدم كه ديگرى جواب گفت كه چگونه بگيريمش و حال آنكه پناه بآيه طيبه برد و در حديث
ديگر منقول است كه شخصى بآن حضرت شكايت كرد كه پسرى دارم گاهى از جن و ام الصبيان
ميگيرد بحدى كه از و نا اميد مى شوم فرمود كه هفت مرتبه سوره حمد را با مشك و زعفران
بر ظرفى بنويس و بآب بشو و تا يك ماه از آن آب بده تا بخورد راوى گفت كه يكمرتبه كه خورد
برطرف شد و در حديث ديگر فرمود كه كسيرا كه صرع بگيرد بر او بخوانيد اين دعا را عزمت عليك
يا ريح بالعزيمة التي عزم بها علي بن أبي طالب عليه السلام رسول الله
صلى الله عليه وآله على جن وادي الصبرة فأجابوا وأطاعوا لما أجبت وأطعت
وخرجت عن فلان بن فلانة الساعة الساعة و در روايت ديگر منقول است كه شخصى را اختلال
دماغ بهم رسيده بود حضرت او فرمود كه هر شب در هنگام خواب اين دعا بخوان بسم الله
وبالله آمنت بالله وكفرت بالطاغوت اللهم احفظني في منامي وفي يقظتي أعوذ

بعزة الله وجلاله مما اجد واحذر و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که کسیرا
که باد جن گیرد برو سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق هر یک را ده مرتبه
بخوانند و این سه سوره را در جامی با مشک و زعفران بنویسند و باو بخورانند و در آب وضو
و غسلش داخل کنند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام شخصی را
دیدند که صرع گرفته است قدح آبی طلبیدند و سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ
برب الفلق بر آن آب خواندند و بر سر و روی او پاشیدند بهوش باز آمد و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که در خانه که جنیان سنگ اندازند صاحب خانه
آن سنگ را بردارد و بگوید حَسْبِيَ اللّٰهُ وَكَفٰى سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ دَعَا لَيْسَ وَرَاءَ اللّٰهِ مُنْتَهًى
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که برای درد سر روغن شونیز را در بینی بچکانند
و شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد سر فرمود که بحمام برو و پیش
از آنکه داخل شوی هفت جام آب گرم بر سر بریز و در هر مرتبه بسم الله بگو و منقول است که شخصی
بخدمت امام رضا علیه السلام شکایت کرد که سردی عظیم در سر خود می یابم بحدی که اگر باد بوزد
بیم آنست که غش کنم فرمود که روغن عنبر و روغن زنبق بعد از طعام خوردن بدماغ بچکان و در حدیث
صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هیچ یک از فرزندان آدم نیست مگر آنکه در او
دو رگ هست یک رگ در سرش که خوره را بحرکت می آورد و دیگری در بدنش که پیسی را بحرکت
می آورد پس چون آن رگ سر بحرکت می آید خدا زکام را بر آن مسلط میگرداند که دردهای سر را
میکشد و اگر آن رگ بدن بحرکت می آید حقتعالی دمل را بر آن مسلط میگرداند که دردهای بدن را
میکشد پس کسیکه زکام و دمل را بهم رساند خدا را شکر کند و در روایت معتبر دیگر فرمود
که زکام لشکری است از لشکرهای خدایتعالی میفرستد که دردهای بدن را برطرف میکند و در چند روایت
وارد شده است که زکام را علاج نمی باید کرد و در یک روایت از آنحضرت وارد شده است
که در معالجه زکام پنبه بروغن بنفشه آلوده کند و در وقت خواب بر مقعد خود بگذارد و در
روایت دیگر فرمود که یک دانگ سیاه دانه و نیم دانگ کندش را نرم بکوبند و در دماغ بدمند
زکام را برطرف میکند **فصل هفتم** در معالجه سایر امراض سر و درد گلو و در حدیث معتبر از حضرت

امیر المومنین صلوات اللہ علیہ و آلہ منقول است کہ ہر گاہ چشم کسی آزردہ باشد باید کہ آیۃ الکرسی بخواند باعتقاد درست کہ البتہ شفا می یابد و در روایت معتبر دیگر منقول است کہ حضرت صادق علیہ السلام بشخصی فرمود کہ میخواہی دعائی تعلیم نمایم ترا کہ برای دنیا و آخرت تو نافع باشد و درد چشم ترا زائل کند گفت بلی فرمود کہ بعد از نماز صبح و نماز شام مداومت نما بر این دعا اللھم
اِنِّی اَسْئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ
وَ اَنْ تَجْعَلَ النُّوْرَ فِیْ بَصَرِیْ وَ الْبَصِیْرَۃَ فِیْ دِیْنِیْ وَ الْیَقِیْنَ فِیْ قَلْبِیْ وَ الْاِخْلَاصَ فِیْ
عَمَلِیْ وَ السَّلَامَۃَ فِیْ نَفْسِیْ وَ السَّعَۃَ فِیْ رِزْقِیْ وَ الشُّکْرَ لَکَ اَبَدًا مَا اَبْقَیْتَنِیْ
و در حدیث دیگر منقول است کہ حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم برای درد چشم این دعا را فرمود کہ بخوانند اَللّٰھُمَّ مَتِّعْنِیْ بِسَمْعِیْ وَ بَصَرِیْ وَ اجْعَلْھُمَا الْوَارِثَیْنِ مِنِّیْ وَ انْصُرْنِیْ
عَلٰی مَنْ ظَلَمَنِیْ وَ اَرِنِیْ فِیْہِ ثَارِیْ و در روایت دیگر منقول است کہ شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام آمد و دید کہ چشم آن حضرت آزار عظیم دارد روز دیگر بخدمت آن حضرت رفت و دید کہ ہیچ آزار نماندہ است از سبب آن پرسید فرمود کہ این تعویذ را خواندم اَعُوْذُ
بِعِزَّۃِ اللّٰہِ اَعُوْذُ بِقُدْرَۃِ اللّٰہِ اَعُوْذُ بِعَظَمَۃِ اللّٰہِ اَعُوْذُ بِجَلَالِ اللّٰہِ اَعُوْذُ بِجَمَالِ اللّٰہِ
اَعُوْذُ بِکَرَمِ اللّٰہِ اَعُوْذُ بِبَھَاءِ اللّٰہِ اَعُوْذُ بِغُفْرَانِ اللّٰہِ اَعُوْذُ بِحِلْمِ اللّٰہِ اَعُوْذُ
بِذِکْرِ اللّٰہِ اَعُوْذُ بِرَسُوْلِ اللّٰہِ اَعُوْذُ بِاٰلِ رَسُوْلِ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَ عَلَیْھِمْ
عَلٰی مَا اَجِدُ فِیْ عَیْنِیْ وَ مَا اَخَافُ وَ مَا اَحْذَرُ اَللّٰھُمَّ رَبَّ الطَّیِّبِیْنَ اَذْھِبْ ذٰلِکَ
عَنِّیْ بِحَوْلِکَ وَ قُدْرَتِکَ ابن شہر آشوب روایت کردہ است کہ مرد کوری شنید کہ حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیہ و آلہ این دعا را میخواند آن شخص بخانہ رفت و وضو ساخت و نماز کرد و بعد از نماز این دعا را خواند و چون باین موضع رسید اَنْ تَجْعَلَ النُّوْرَ فِیْ بَصَرِیْ دیدہ اش بینا شد دعا این است اَللّٰھُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ یَا رَبَّ الْاَرْوَاحِ الْفَانِیَۃِ وَ رَبَّ الْاَجْسَادِ الْبَالِیَۃِ
اَسْئَلُکَ بِطَاعَۃِ الْاَرْوَاحِ الرَّاجِعَۃِ اِلٰی اَجْسَادِھَا وَ بِطَاعَۃِ الْاَجْسَادِ الْمُلْتَئِمَۃِ اِلٰی
اَعْضَائِھَا وَ بِانْشِقَاقِ الْقُبُوْرِ عَنْ اَھْلِھَا وَ بِدَعْوَتِکَ الصَّادِقَۃِ فِیْھِمْ وَ اَخْذِکَ
بِالْحَقِّ بَیْنَھُمْ اِذَا بَرَزَ الْخَلَائِقُ یَنْتَظِرُوْنَ قَضَائَکَ وَ یَرَوْنَ سُلْطَانَکَ وَ یَخَافُوْنَ

بطلبتك ويرجون رحمتك يوم لا يغني مولى عن مولى شيئا ولا هم ينصرون إلا
من رحم الله إنه هو العزيز الرحيم أسألك يا رحمان أن تجعل النور في بصري واليقين
في قلبي وذكرك بالليل والنهار على لساني أبدا ما أبقيتني إنك على كل شيء قدير و در روایت
دیگر از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که شخصی آن حضرت شکایت کرد از ضعف باصره
گفت که نزدیک رسیده است که شبکور شدم فرمود که آیه الله نور السموات والارض تا آخر را
بگو و در جامی بنویس و آب را محو کن و آب را در شیشه کن و از میل بچشم بکش راوی گفت که کمتر از
صد میل کشیدم که بینا شدم و در حدیث معتبر منقول است از حضرت امام رضا علیه السلام
که شفای درد چشم خواندن سوره حمد است و قل أعوذ برب الناس و قل أعوذ برب الفلق و
آیة الکرسی و کشیدن قسط و مرو کندر است و دعای درد گوش در دعاهای درد سر گذشت
و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از سنگینی
گوش فرمود که دست بر گوش بکش و این آیات را بخوان لو أنزلنا هذا القرآن على جبل
لرأيته خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك الأمثال نضربها للناس لعلهم
يتفكرون هو الله الذي لا إله إلا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم
هو الله الذي لا إله إلا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار
المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور له الأسماء
الحسنى يسبح له ما في السموات والأرض وهو العزيز الحكيم و در روایت دیگر
وارد شده است که برای درد گوش بر روغن یاسمین یا روغن بنفشه هفت مرتبه این دعا بخواند
كأن لم يسمعها كأن في أذنيه وقرا إن السمع والبصر والفؤاد كل أولئك كان
عنه مسئولا پس آن روغن را در گوش بچکاند و از برای قطع رعاف منقول است که بر پیشانی او
بنویسد وقيل يا أرض ابلعي ماءك ويا سماء أقلعي وغيض الماء وقضي الأمر
واستوت على الجودي وقيل بعدا للقوم الظالمين و در روایت دیگر این آیات را
بخواند منها خلقناكم وفيها نعيدكم ومنها نخرجكم تارة أخرى يومئذ يتبعون
الداعي لا عوج له وخشعت الأصوات للرحمن فلا تسمع إلا همسا يا أرض ابلعي

ماءكِ وَيا سَماءُ اَقْلِعي وَغيضَ الماءُ وَقُضِيَ الاَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الجُودِيِّ وَقيلَ
بُعْداً لِلْقَومِ الظّالِمينَ وَمَنْ يَتَّقِ اللهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لا يَحْتَسِبُ
وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ اِنَّ اللهَ بالِغُ اَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللهُ لِكُلِّ شَيْءٍ
قَدْراً وَجَعَلْنا مِنْ بَيْنِ اَيْديهِمْ سَدّاً وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدّاً فَاَغْشَيْناهُمْ فَهُمْ
لا يُبْصِرُونَ منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد دندان فرمود
که دست بر دهان بگذار و بگو بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الذی لا یضر مع اسمه
داءٌ اَعوذُ بِكَلِماتِ اللهِ الَّتي لا يَضُرُّ مَعَها شَيْءٌ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ بِاسْمِكَ
يا رَبِّ الطّاهِرِ المُقَدَّسِ المُبارَكِ الَّذي مَنْ سَأَلَكَ بِهِ اَعْطَيْتَهُ وَمَنْ دَعاكَ بِهِ
اَجَبْتَهُ اَسْأَلُكَ يا اللهُ يا اللهُ يا اللهُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَاَهْلِ بَيْتِهِ وَاَنْ
تُعافِيَني مِمّا اَجِدُ في فَمي وَفي رَأْسي وَفي بَصَري وَفي بَطْني وَفي ظَهْري وَفي يَدَيَّ
وَفي رِجْلي وَفي جَميعِ جَوارِحي كُلِّها ابو بصیر شکایت کرد بخدمت حضرت امام محمد باقر
علیه السلام از درد دندان گفت شبها از این درد بیدار میباشم فرمود که هرگاه اثر آن ظاهر
شود دست بر موضع درد بگذار و سوره حمد و قل هو الله احد بخوان پس این آیه را بخوان وَتَرَى
الجِبالَ تَحْسَبُها جامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحابِ صُنْعَ اللهِ الَّذي اَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ اِنَّهُ
خَبيرٌ بِما تَفْعَلُونَ و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که اینها را بخوان با سوره انا انزلناه
في ليلة القدر و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که برای رفع درد دندان
دست بر موضع سجود بمالد و بر موضعی که درد میکند بمالد و بگوید بسم الله والشافی الله ولا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم و در روایت دیگر منقول است که برای رفع درد دندان سوره
حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد بخوان پس بگو بسم الله الرحمن
الرحيم وَلَهُ ما سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهارِ وَهُوَ السَّميعُ العَليمُ قُلْنا يا نارُ كُوني بَرْداً
وَسَلاماً عَلى اِبْراهيمَ وَاَرادُوا بِهِ كَيْداً فَجَعَلْناهُمُ الاَخْسَرينَ نُودِيَ اَنْ بُورِكَ
مَنْ فِي النّارِ وَمَنْ حَوْلَها وَسُبْحانَ اللهِ رَبِّ العالَمينَ اَللّهُمَّ يا كافِياً مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلا
يَكْفي مِنْكَ شَيْءٌ اِكْفِ عَبْدَكَ وَابْنَ اَمَتِكَ مِنْ شَرِّ ما يَخافُ وَيَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ الوَجَعِ

الَّذِي يَشْكُوهُ إِلَيْكَ و در روایت دیگر منقول است که جبرئیل تعویذی را برای حضرت امام
حسین علیه السلام آورد بجهت درد دندان که دست را بر دندانی که کرم خورده است بگذارند و
هفت مرتبه بخوانند الْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ لِدَابَّةٍ تَكُونُ فِي الْفَمِ تَأْكُلُ الْعَظْمَ وَتَتْرُكُ اللَّحْمَ
أَنَا أُدَاوِي وَاللهُ الشَّافِي الْكَافِي لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا
فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللهُ
الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ و در روایت دیگر میخی بگیرد و سوره حمد و قل اعوذ
برب الناس و قل اعوذ برب الفلق هر یک را سه مرتبه بخواند پس بگوید مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ
رَمِيمٌ يَا ضِرْسُ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ و نام صاحب درد و پدرش را بگوید أَكَلْتَ الْحَارَّ وَالْبَارِدَ
فَبِالْحَارِّ تَسْكُنِينَ أَمْ بِالْبَارِدِ تَسْكُنِينَ وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
وَسَكَنَتْ دَاءُ هَذَا الضِّرْسِ مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ بِسْمِ اللهِ الْعَظِيمِ پس میخ را در دیوار
بکوبد و بگوید اَللهُ اَللهُ اَللهُ و در روایت دیگر منقول است که شخصی بخدمت امام موسی علیه السلام
شکایت کرد از گنده دهان حضرت فرمود که در سجده بگو يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَبَّ
الْأَرْبَابِ يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ يَا إِلَهَ الْآلِهَةِ يَا مَالِكَ الْمُلْكِ يَا مَلِكَ الْمُلُوكِ اشْفِنِي بِشِفَائِكَ
مِنْ هَذَا الدَّاءِ وَاصْرِفْهُ عَنِّي فَإِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَأَتَقَلَّبُ فِي قَبْضَتِكَ
راوی گفت که یک مرتبه این دعا را در سجود خواندم شفا یافتم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقول است که دسیلان از گیاه بهشت است و آبش از برای درد چشم نافع است و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که مسواک کردن آب جستن چشم را زائل میکند و چشم را جلا میدهد
و در حدیث صحیح منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از آزار چشم فرمود
که دارویی بساز از صبر و ار و کافور و همه اجزا را مساوی یکدیگر و در روایت دیگر فرمود که ضعف
چشم و خیالات دیگر را برطرف میکند و در روایت دیگر فرمود که دهنه فرنگ برای دفع سفیدی
که بر روی باصره بهم رسد نافع است و در روایت معتبر از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست
که صبر سقوطری و کافور ریاحی را مساوی یکدیگر بسایند و از حریر بیرون کنند و ماهی یک مرتبه
در چشم بکشند که دردهای سر و چشم را میکشد و از حضرت امام حسین صلوات الله علیه منقول است

که شخصی از اصحاب خود فرمود که هلیله زرد را با هفت دانه فلفل بسائی و بپز و در دیده بکش و در روایت
دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از سفیدی
که در چشمش بهم رسیده بود و از درد دندان و درد مفاصل فرمود که فلفل و دار فلفل از هر یک دو درهم
و نوشادر پاکیزه صاف یکدرهم هر سه را خوب بسائی و از حریر بیرون کن و در هر چشمی سه میل بکش و
ساعتی صبر کن که سفیدی روی دیده را قطع میکند و گوشت چشم را پاک میکند و درد را ساکن میکند
پس چشم را بآب سرد بشوی و بعد از آن سرمه سنگ بکش و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه و آله السلام با بو ذر فرمود که تا درد چشم دارید بر پهلوی چپ مخوابید
و خرما مخورید و حضرت صادق علیه السلام فرمود که ماهی خوردن برای دیده چشم زیان دارد و
دست بر چشم مالیدن بعد از دست شستن بعد از طعام از درد چشم امان میدهد و در پنجشنبه
و جمعه شارب و ناخن گرفتن از درد چشم امان میدهد و در روایت دیگر منقول است که شخصی
شکایت کرد از درد گوش و گفت که چرک و خون از گوشم بسیار می آید فرمود که پنیر بسیار کهنه را
قدری بگیر و نرم بکوب و با شیر زن ممزوج کن و بر روی آتش نرم گرم کن و چند قطره در گوش که درد میکند
بریز و در روایت دیگر از برای درد گوش منقول است که یک کف کنجد پوست نکنده و یک
کف خردل هر یک را علیحده بکوبند و با یکدیگر مخلوط کرده روغن بگیرند و روغن را در
شیشه بکنند و سرش را با انگشتر آهن مهر کنند و هر وقت که خواهند دو قطره از آن در گوش
چکانند و پنبه در گوش بگذارند و سه روز چنین کنند تا شفا یابد و در روایت دیگر وارد شده
است که سداب را با روغن زیت بپزند و چند قطره در گوش چکانند و از حضرت رسول صلی
الله علیه و آله و سلم منقول است که سداب برای درد گوش نافع است و از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که برای درد گلو چیزی نافعتر از خوردن شیر نیست و بسند معتبر از حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که حضرت عیسی علیه السلام بشهری گذشتند
دیدند که مردم آن شهر رویهای ایشان زرد و چشمهای ایشان کبود است و از بسیاری مرض با آن
حضرت شکایت کردند فرمود که مگر شما گوشت را ناشسته می پزید و هیچ حیوانی از دنیا بدر نمیرود
مگر آنکه جنابت با او هست بعد از آن گوشت را پیش از پختن شستند بیماری شما برطرف شد و حضرت

عیسی بشهری دیگر گذشتند دیدند که دندانهای ایشان ریخته بود و روهای ایشان باد کرده بود فرمود
که در وقت خواب دهانرا باز نمیدوختید و بهم نمیگذاشتید چنان کردند آن علت از ایشان زائل
شد و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که برای درد دندان سعد را بران بگذارند
فرمود که سرکه که از شراب بعمل آورده باشند بن دندانرا محکم میکند و در حدیث معتبر منقول است
که حمزة بن طیار بخدمت آنحضرت آمد آه می کشید حضرت پرسیدند که چه میشود ترا گفت که دندانم
درد میکند فرمود که حجامت بکن ساکن شد بعد از آن حضرت فرمود که هیچ دوائی بحجامت و خوردن
عسل نمیرسد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که برای درد دندان حنظل را بگیرد و پوستش را بکند پس روغنش را
بگیرد و اگر دندانش را کرم خالی کرده باشد در میان آن دندان چند قطره از آن روغن بچکاند و پنبه را
بآن روغن آلوده کرده در میان آن دندان بگذارد و بر پشت بخوابد تا سه شب چنین کند و اگر بن
دندان درد کند در آن گوشی که در جانب آن دندان واقع است در چند شب هر شب دو قطره یا سه
قطره بچکاند و باز فرمود که هر کس که درد دهان داشته باشد یا خون از بن دندان آید یا درد کند
یا دهانش جوشیده باشد و گوشت بسرخی مبتلا گشته باشد یک حنظل تازه که رسیده باشد و زرد
شده باشد بگیرد و تمامش را بگل بگیرد و سرش را سوراخ کند و کاردی از آن سوراخ داخل کند و مغزش را
بتراشد بهمواری که سوراخ نشود پس سرکه بسیار تندی که از شراب بعمل آورده باشند در آن سوراخ
بریزد و بر روی آتش بگذارد که بسیار بجوشد پس برآورد و هر وقت که احتیاج شود بقدر ناخنی
بگیرد و بر دندانها و دهان بمالد و بعد از آن بسرکه مضمضه کند و اگر خواهد آنچه در میان حنظل است
در شیشه یا ظرف دیگر خالی کند و هر چند آتش برطرف شود سرکه بر رویش بریزد و هر چند کهنه تر شود
نفعش بیشتر است و در حدیث معتبر منقول است از ابراهیم بن نظام که گفت دزدان مرا در راه گرفتند
و پالوده گرم در دهانم کردند بعد از آن دهانم را پر از برف کردند پس دندانهایم تمام ریخت پس حضرت
امام رضا علیه السلام را در خواب دیدم که فرمود که سعد در دهان بکن تا دندانهایت بروید بعد از
چند گاه شنیدم که حضرت امام رضا علیه السلام بخراسان وارد شده است و بخراسان میرود بخدمت
آنحضرت رفتم و حال خود را عرض کردم همان را فرمود که در خواب فرموده بود چنان کردم دندانهایم روئید
فصل هفتم در معالجه تنازیر و جرب و قروح و ثآلیل و بثور و خوره و پیسی و بهق و امثال آنها

از علی بن نعمان منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام را عرض کردم که ثالول بسیاری
در بدنم بهم رسیده است و باین سبب غمگینم حضرت فرمود که از برائی هر ثالولی هفت جو بگیرد
بر هر جوی هفت نوبت بخوان اِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا و هفت نوبت
بخوان وَيَسْئَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا لَا تَرَى
فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا پس هر جوی را یکنوبت بر ثالولی بمال و مجموع جوها را در پارچه نو ببند
و سنگی بران ببند و در چاهی بینداز و بهتر آنست که این کار را در تحت الشعاع بکنی راوی گفت
چنین کردم بعد از یک هفته همه برطرف شده بود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دست بر
ثالول بمال و سه نوبت این دعا بخوان بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَمُحَمَّدٌ
رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اَللّٰهُمَّ امْحُ
عَنِّي مَا أَجِدُ و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که فرمود که دختری
در خانه ما خنازیر در گردنش بهم رسید شخصی در خواب بمن گفت که بگو که این دعا را مکرر بخواند یا رؤف
یا رحیم یا ربّ یا سیدی و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام
عرض کرد که گنده ماده در بدن من ظاهر شده است فرمود که سه روز روزه بدار و در روز چهارم
در وقت زوال غسل بکن و بصحرا یا بام بلندی برو و چهار رکعت نماز بگذار بهر سوره که خواهی
و تا توانی سعی کن در گریه و تضرع و حضور قلب و چون از نماز فارغ شوی جامهائی خود را بینداز
و جامه کهنه پاکیزه بطریق لنگ بر خود ببند و بر خاک سجده برو و پهلوی راست روی خود را
بر خاک بگذار و بزاری و خشوع بگو یَا وَاحِدُ یَا اَحَدُ یَا کَرِیمُ یَا جَبَّارُ یَا حَنَّانُ یَا قَرِیبُ
یَا مُجِیبُ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاکْشِفْ مَا بِی مِنْ مَرَضٍ وَأَلْبِسْنِي
الْعَافِيَةَ الْكَافِيَةَ الشَّافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَامْنُنْ عَلَيَّ بِتَمَامِ النِّعْمَةِ وَأَذْهِبْ مَا بِي
فَقَدْ آذَانِي وَغَمَّنِي و فرمود که وقتی نفع میکند که خاطرت مطمئن باشد و صاحب یقین باشی
و تأثیر میکند آن شخص چنین کرد بزودی عافیت یافت و در حدیث دیگر فرمود که هر ورمی که
در بدنت بهم رسد و ترسی که بحال بدی منتهی شود در وقتیکه وضو بسازی برای نماز واجب پیش از نماز
برائی آن ورم بخوان این آیات را لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْآنَ عَلٰی جَبَلٍ الی آیة تا آخر سوره که اگر

چنین کنی آن ورم بزودی برطرف شود و در کتاب مکارم الاخلاق این شکل را برای دفع آلم

۱۳	۲	۳	۱۶
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۲	۷	۶	۹
۱	۱۴	۱۵	۴

دمل بیرون آوردن نقل کرده است و بهتر است که بترتیب عدد بنویسد
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که برای بثور و دملهای ریزه
که در بدن بیرون می آید و در اول که اثرش ظاهر شود انگشت شهادت بر دورش بگرداند و هفت
مرتبه بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ و در مرتبه هفتم انگشت را بر روی آن بقوت بگذارد
و در روایت دیگر فرمود که این دملها و بثورها اکثرش از خون فاسدی است که در وقت طغیان
آن از بدن بیرون نمی کنند پس هر که در او اینها حادث شود چون برخت خواب رود بگوید
أَعُوذُ بِوَجْهِ اللهِ الْعَظِيمِ وَكَلِمَاتِهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ
شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ تا از جمیع دملها و سایر دردها عافیت یابد و در روایت دیگر منقولست که برای
گرمی و دمل و قوبا این آیات را بخواند و بنویسد و با خود نگاه دارد بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ مِنْهَا
خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى اللهُ أَكْبَرُ وَأَنْتَ لَا تَكْبُرُ
اللهُ يَبْقَى وَأَنْتَ لَا تَبْقَى وَاللهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و در حدیث صحیح منقول است که یونس
بن عمار شکایت کرد بحضرت صادق علیه السلام از پیسی که در روی او بهم رسیده بود حضرت فرمود
که چون ثلث آخر شب شود وضو بساز و بنماز شب برخیز و در سجدهٔ آخر در رکعت اول نماز شب
این دعا بخوان يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ يَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَاصْرِفْ
عَنِّي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَأَذْهِبْ عَنِّي هٰذَا الْوَجَعَ و نام آن آزار را
ببر فَإِنَّهُ قَدْ غَاظَنِي وَأَحْزَنَنِي و مبالغه در تضرع و دعا بکن راوی گفت چنان کردم هنوز
بکوفه نرسیده بودم که آن پیسی از من برطرف شده بود و در روایت دیگر منقول است که اسحق بن
اسماعیل و غیر او از همین علت بآنحضرت شکایت کردند فرمود که وضو بسازید و دو رکعت نماز بکنید
و حمد و ثنای الهی بجا آورید و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستید و بگوئید يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ
يَا رَحْمٰنُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا وَاحِدُ يَا وَاحِدُ

يَا اَحَدُ يَا اَحَدُ يَا صَمَدُ يَا صَمَدُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ يَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِيْنَ يَا اَقْدَرَ الْقَادِرِيْنَ يَا اَقْدَرَ الْقَادِرِيْنَ يَا اَقْدَرَ الْقَادِرِيْنَ يَا رَبَّ
الْعَالَمِيْنَ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ يَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ يَا مُنْزِلَ الْبَرَكَاتِ
يَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ اَعْطِنِيْ خَيْرَ الدُّنْيَا وَخَيْرَ الْاٰخِرَةِ
وَاصْرِفْ عَنِّيْ شَرَّ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاَذْهِبْ مَا بِيْ فَقَدْ غَاظَنِيَ الْاَمْرُ وَاَحْزَنَنِيْ
و در روایت دیگر فرمود که سورهٔ انعام را با عسل در ظرفی بنویسد و با آب بشوید و بخورد تا برطرف
شود و در روایت دیگر فرمود که سورهٔ یس با عسل بنویسد و بشوید و بخورد و در مکارم الاخلاق مذکور است
که برای پیسی و خوره این آیات را بخواند و بنویسد و با خود نگاه دارد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
يَمْحُو اللّٰهُ مَا يَشَاۤءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهٗۤ اُمُّ الْكِتٰبِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فَاطِرِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ
جَاعِلِ الْمَلٰۤئِكَةِ رُسُلًا اُولِيْۤ اَجْنِحَةٍ مَّثْنٰى وَثُلٰثَ وَرُبٰعَ بِاسْمِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ و نام او
و مادرش را بنویسد و از برای بهق بر آن موضع بنویسد وَاِنْ مِّنْ شَيْءٍ اِلَّا عِنْدَنَا خَزَاۤئِنُهٗ وَمَا
نُنَزِّلُهٗۤ اِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُوْمٍ هَلْ يَسْمَعُوْنَكُمْ اِذْ تَدْعُوْنَ اَوْ يَنْفَعُوْنَكُمْ اَوْ يَضُرُّوْنَ و در
روایتی دیگر منقول است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام برای صاحب جراحتی فرمود که قدری
از قیر تازه بگیر و همان قدر از پیه بز نر و هر دو را بر سبوی تازه بمال و بر روی آتش نرم بگذار از اول وقت نماز
ظهر تا وقت عصر پس پارهٔ کتان کهنه بگیر و آن قیر را بر آن طلا کن و بر روی جراحت بگذار
و اگر جراحت سوراخی داشته باشد کتان را فتیله کن و بقیر آلوده کن و در میان جراحت بگذار و در
حدیث معتبر منقول است که جراحتی در بدن متوکل بیرون آمد که مشرف بر هلاک شد و اطبا جرأت
نمیکردند که نیشتر بزنند فتح ابن خاقان وزیر متوکل بخدمت حضرت امام علی نقی صلوات الله
علیه فرستاد و حال متوکل را عرض نمود حضرت فرمود که سرگین گوسفند که در زیر دست و پای
گوسفندان پی سپر شده باشد بگیرید و با گلاب مخلوط کنید و بر آن جراحت بگذارید چون این خبر رسید
اطبا خندیدند که این چه فایده میکند وزیر گفت که آنحضرت داناترین خلق است آنچه فرموده
است باید کرد پس آنچه فرموده بود بعمل آوردند درد ش ساکن شد و بخواب رفت پس آن جراحت
گشوده شد و چرک بسیار دفع شد و شفا یافت و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که

چغندر را با گوشت گاو پختن و خوردن پیسی را برطرف میکند و در حدیث دیگر منقول است که
شخصی شکایت کرد بآنحضرت از بهق و پیسی فرمود که بحمام رو و حنا را با نوره مخلوط کن و بران
موضع بمال که دیگر نخواهی دید اثر آنرا و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که گوشت
گاو خوره و پیسی را زائل میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هیچ چیزی نافع تر
نیست برای پیسی از تربت امام حسین صلوات الله علیه با آب باران بخورد و بر آن موضع بمالد
و فرمود که کندن موی بینی امانست از خوره و تربت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
خوره را زائل میکند و فرمود که از کسیکه خوره و پیسی داشته باشد بگریزید و بر نظر با ایشان کنید
و با ایشان معاشرت منمائید که سرایت میکند و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود
که در هر جمعه شارب گرفتن امان میدهد از خوره و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست
هیچکس نیست مگر آنکه رگ خوره در بدن او هست و آنرگ را میگدازد خوردن شلغم و در حدیث
دیگر منقول است که شخصی بآنحضرت عرض کرده که مادهٔ طاعون در بدن من ظاهر شده است فرمود
که سیب بخور آن شخص خورد عافیت یافت فصل نهم در معالجهٔ امراض اندرونی و قولنج و بادها
و آزار معده و سرفه منقول است که شخصی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از درد سینه
حضرت فرمود که طلب شفا کن از قرآن زیرا که حقتعالی میفرماید که فِيهِ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ یعنی
در قرآن شفاهست برای آنچه در سینه ها است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت برادرم از درد شکم آزار دارد
فرمود که بگو اندکی از عسل با آب گرم بخورد روز دیگر آمد و گفت که خورد و نفع نکرد فرمود که برو و باز
عسل بده بخورد و هفت مرتبه سورهٔ حمد نزد او بخوان چون آن شخص رفت فرمود که برادر این منافق
است باین سبب خوردن عسل او را نفع نبخشید و در روایت دیگر منقول است که شخصی بحضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه و آله شکایت کرد از درد شکم فرمود که آب گرم بخور و این دعا را
بخوان يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ يَا إِلٰهَ الْآلِهَةِ يَا مَلِكَ الْمُلُوكِ
يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ اشْفِنِي بِشِفَائِكَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ أَتَقَلَّبُ
فِي قَبْضَتِكَ و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت

کرد از درد ناف فرمود که دست بر آنموضع بگذار و سه مرتبه بگو اِنَّهُ لَکِتابٌ عَزِیزٌ لا یَأْتِیهِ
الْباطِلُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَلا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِیلٌ مِنْ حَکِیمٍ حَمِیدٍ و در چند روایت وارد شده
است که برای قولنج و درد شکم سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد را برجامی
با مشک و زعفران بنویسد و اینها را نیز بنویسد اَعُوذُ بِوَجْهِ اللهِ الْعَظِیمِ وَبِعِزَّتِهِ الَّتِی
لا تُرامُ وَبِقُدْرَتِهِ الَّتِی لا یَمْتَنِعُ مِنْها شَیْءٌ مِنْ شَرِّ هذَا الْوَجَعِ وَشَرِّ ما فِیهِ وَشَرِّ ما اَحْذَرُ
مِنْهُ و با آب باران بشوید و بخورد و ناشتا در وقت خواب و در روایت دیگر منقول است که برای
فالج و جمیع بادها نافع است و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام
شکایت کرد از درد تهیگاه فرمود که چون از نماز فارغ شوی بر موضع سجود بمال و بعد از آن بر موضع
درد بمال و این آیات را بخوان اَفَحَسِبْتُمْ اَنَّما خَلَقْناکُمْ عَبَثاً وَاَنَّکُمْ اِلَیْنا لا تُرْجَعُونَ فَتَعالَی اللهُ
الْمَلِکُ الْحَقُّ لا اِلهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْکَرِیمِ وَمَنْ یَدْعُ مَعَ اللهِ اِلهاً آخَرَ لا بُرْهانَ
لَهُ بِهِ فَاِنَّما حِسابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ اِنَّهُ لا یُفْلِحُ الْکافِرُونَ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَاَنْتَ خَیْرُ
الرَّاحِمِینَ راوی گفت چون چنین کردم بزودی برطرف شد و در روایت دیگر از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که دست بر تهیگاه بمالد و سه مرتبه این دعا بخواند بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ
مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ اَللّهُمَّ
امْسَحْ عَنِّی ما اَجِدُ فِی خاصِرَتِی و در هر مرتبه دست بر آنموضع کشد و از حضرت علی بن الحسین
صلوات الله علیه منقول است که از برای دفع الم سپرز این آیات را بزعفران بنویسد و با آب زمزم
بشوید و بخورد قُلِ ادْعُوا اللهَ اَوِ ادْعُوا الرَّحْمنَ اَیّاً ما تَدْعُوا فَلَهُ الْاَسْماءُ الْحُسْنی وَلا
تَجْهَرْ بِصَلاتِکَ وَلا تُخافِتْ بِها وَابْتَغِ بَیْنَ ذلِکَ سَبِیلاً وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ
وَلَداً وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیراً و منقولست که
شخصی بحضرت امام موسی کاظم علیه السلام شکایت کرد از قراقر و صداهای شکم و گفت بمرتبه آزار میکشم
که با کسیکه سخن میگویم شرمنده میشوم حضرت فرمود که چون از نماز شب فارغ شوی این دعا بخوان
اَللّهُمَّ ما عَمِلْتُ مِنْ خَیْرٍ فَهُوَ مِنْکَ لا حَمْدَ لِی فِیهِ وَما عَمِلْتُ مِنْ سُوءٍ فَقَدْ حَذَّرْتَنِیهِ
فَلا عُذْرَ لِی فِیهِ اَللّهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ اَنْ اَتَّکِلَ عَلی ما لا حَمْدَ لِی فِیهِ اَوْ آمَنَ ما لا عُذْرَ لِی فِیهِ

رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که خرما ناشتا خوردن کرم معده را میکشد و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که هر که هفت دانه خرمای عجوه در وقت خواب بخورد کرمهای
معده اش را می کشد و در چند حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است برای
دفع اسهال که قدری از برنج بگیرند و بشویند و در سایه بخشکانند و بر روی آتش بو بدهند و نرم
بکوبند و هر بامداد یک کف از آن بخورند و در روایت دیگر از آنحضرت منقول است که برای
دفع اسهال که برنج را در دیگ کن و با آب بجوشان و چهار یا پنج پارچه سنگ در زیر آتش بگذار
تا سرخ شوند و پیه تازه قلوه را بگیر و با آن سنگها در میان کاسه بینداز و کاسه دیگر بر سرش
بگذار که بخارش بیرون نرود و حرکت ده تا آن پیه آب شود چون برنج پخته شود این روغن را
بر رویش بریز و بخور و در روایت دیگر منقول است که شخصی از زحیر شکایت کرد بحضرت امام
محمد باقر علیه السلام فرمود که گل ارمنی را بگیر و بر روی آتش ملائم بوی بده و سفوف کن و بخور
و در حدیث دیگر فرمود که بزرقطونا و صمغ عربی و گل ارمنی را بوی بده و سفوف کرده
بخور که زحیر را برطرف میکند و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام رضا علیه السلام
شکایت کرد از درد و پیچش شکم فرمود که گردگان را بگیر و بر روی آتش بگذار و چون مغزش بریان
شود پوستش را بکن و بخور و در حدیث دیگر مرویست که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت
کرد از قراقر شکم فرمود که سیاه دانه بخور با عسل و در حدیث معتبر منقول است که شخصی بحضرت
صادق علیه السلام شکایت کرد از ضعف معده فرمود که جزاه را با آب سرد بخور و جز گیاهی
شبیه بکرفس است آنرا ایسوه را میگویند فصل دهم در معالجه اوجاع مفاصل فالج و بواسیر و امراض
مثانه و سائر امراض در حدیث معتبر منقول است که معلی بن خنیس بحضرت صادق علیه السلام
شکایت کرد از درد فرج فرمود که عورت خود را در موضعی گشوده که سزاوار بوده و باین
سبب این درد بران بهم رسیده است دست چپ را بر فرج خود بگذار و این دعا بخوان
بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ بَلٰى مَنْ اَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ اَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ
وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْلَمْتُ وَجْهِيْ اِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ اَمْرِيْ اِلَيْكَ لَا مَلْجَاَ وَلَا مَنْجَا
مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امیر المؤمنین شکایت کرد از درد

را نہا فرمود کہ آب گرمی در طشت بکن و در میان آب بنشین و دست بر آنموضع کہ درد وارد بگذار و این آیہ را بخوان اَوَلَمْ یَرَ الَّذِیْنَ کَفَرُوْٓا اَنَّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ کَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنٰهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَآءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ اَفَلَا یُؤْمِنُوْنَ و در حدیث دیگر منقول است کہ شخصی بخدمت حضرت امام حسین صلوات اللہ علیہ شکایت کرد از درد پا فرمود کہ از اول سورۂ انا فتحنا بخوان تا وَکَانَ اللّٰهُ عَزِیْزًا حَکِیْمًا و در روایت معتبرہ وارد شدہ است کہ ابو حمزہ بحضرت امام محمد باقر علیہ السلام شکایت کرد از درد زانو فرمود کہ بعد از نماز این دعا بخوان یَا اَجْوَدَ مَنْ اَعْطٰی وَیَا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ وَیَا اَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ اِرْحَمْ ضَعْفِیْ وَقِلَّةَ حِیْلَتِیْ وَاعْفِنِیْ مِنْ وَجَعِیْ چنان کرد بزودی عافیت یافت و در روایت دیگر منقول است کہ سالم بن محمد شکایت کرد بحضرت صادق علیہ السلام از درد ساق و بند پا و گفت کہ این درد مرا از ہمہ کارہا باز داشتہ است فرمود کہ این آیہ را ہفت مرتبہ بر آنموضع بخوان وَاتْلُ مَآ اُوْحِیَ اِلَیْکَ مِنْ کِتَابِ رَبِّکَ لَا مُبَدِّلَ لِکَلِمٰتِهٖ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُوْنِهٖ مُلْتَحَدًا و در حدیث دیگر منقول است کہ شخصی بحضرت امام حسین علیہ السلام شکایت کرد از درد بند پا فرمود کہ دست بر آنموضع بگذار و بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَالسَّلَامُ عَلٰی رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهٖ وَالْاَرْضُ جَمِیْعًا قَبْضَتُهٗ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ وَالسَّمٰوٰتُ مَطْوِیّٰتٌۢ بِیَمِیْنِهٖ سُبْحٰنَهٗ وَتَعَالٰی عَمَّا یُشْرِکُوْنَ و در روایت دیگر منقول است کہ شخصی بحضرت صادق علیہ السلام شکایت کرد از درد شانہ فرمود کہ این آیات را در وقت خواب سہ مرتبہ و بعد از بیدار شدن یک مرتبہ بخوان اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ لَهٗ مُلْکُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا لَکُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ وَّلِیٍّ وَّلَا نَصِیْرٍ و در حدیث دیگر منقول است کہ شخصی بخدمت حضرت امام علی نقی صلوات اللہ علیہ نوشت کہ شخصی از شیعیان شما بولش بند شدہ است حضرت در جواب نوشتند کہ آیات قرآن بسیار براو بخوان تا شفا یابد و از حضرت امام محمد باقر علیہ السلام منقول است کہ بر ہر دردی آیات آخر سورۂ حشر لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْاٰنَ عَلٰی جَبَلٍ تا آخر سورہ سہ مرتبہ بخوان و در ہر مرتبہ آب دہان بر آنموضع بیندازد و در روایت دیگر منقول است کہ شخصی بآن حضرت شکایت کرد از درد مفاصل فرمود کہ این دعا بخوان اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

اَسْئَلُكَ بِاَسْمَائِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَدَعْوَةِ نَبِيِّكَ الطَّيِّبِ الْمُبَارَكِ الْمَكِيْنِ عِنْدَكَ وَبِحَقِّهٖ وَبِحَقِّ ابْنَتِهٖ فَاطِمَةَ بِحَقِّهِمِ الْمُبَارَكَةِ وَبِحَقِّ وَصِيِّهٖ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَبِحَقِّ سَيِّدَيْ شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ اِلَّا اَذْهَبْتَ عَنِّيْ شَرَّ مَا اَجِدُ بِحَقِّهِمْ وَبِحَقِّكَ يَا اِلٰهَ الْعَالَمِيْنَ چون اینرعا را خواندیها نساعت درد ساکن شود و در حدیث دیگر مرویست که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از عرق النسا فرمود که هرگاه اثرش ظاهر شود دست بر آنموضع بگذار و بگو بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَعُوْذُ بِسْمِ اللّٰهِ الْكَبِيْرِ وَاَعُوْذُ بِسْمِ اللّٰهِ الْعَظِيْمِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ عِرْقٍ نَعَّارٍ وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ آن شخص سه مرتبه اینرعا را خواند و از ان مرض نجات یافت و در روایت دیگر وارد شده است که شخصی را القوه در رو عارض شده بود بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد حضرت فرمود که برو بروضه رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و دو رکعت نماز بکن و دست بر رو بگذار و بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ بِهٰذَا اُخْرُجْ اَقْسَمْتُ عَلَيْكَ مِنْ عَيْنِ اِنْسٍ اَوْ عَيْنِ جِنٍّ اَوْ وَجَعٍ اُخْرُجْ اَقْسَمْتُ عَلَيْكَ بِالَّذِيْ اتَّخَذَ اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلًا وَكَلَّمَ مُوْسٰى تَكْلِيْمًا وَخَلَقَ عِيْسٰى مِنْ رُوْحِ الْقُدُسِ لَمَّا هَدَأْتَ وَطَفِئْتَ كَمَا طَفِئَتْ نَارُ اِبْرَاهِيْمَ اِطْفِئْ بِاِذْنِ اللّٰهِ دو مرتبه چنین کرد عافیت یافت و در مکارم الاخلاق مذکورست که برای عرق مدنی که بفارسی رشته میگویند پشم شتر را بدست بکند بی کارد و بیمقراض و باید هفت گره بران بزند و بر هر گرهی سه مرتبه سوره حمد را بخواند پس مرتبه بران رشته یا بر آن شخص اینرعا را بخواند بِسْمِ اللّٰهِ الْاَبَدِ الْاَبَدِ الْمُحْصِي الْعَدَدِ الْقَرِيْبِ لِمَا بَعُدَ الطَّاهِرِ عَنِ الْوَلَدِ الْعَالِيْ عَنْ اَنْ يُوْلَدَ الْمُنْجِزِ لِمَا وَعَدَ الْعَزِيْزِ بِلَا عَدَدٍ الْقَوِيِّ بِلَا مَدَدٍ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوْلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهٗ كُفُوًا اَحَدٌ يَا خَالِقَ الْخَلِيْقَةِ يَا عَالِمَ السِّرِّ وَالْخَفِيَّةِ يَا مَنِ السَّمٰوَاتُ بِقُدْرَتِهٖ مُرْخَاةٌ يَا مَنِ الْاَرْضُ بِعِزَّتِهٖ مَدْحُوَّةٌ يَا مَنِ الْجِبَالُ بِاِرَادَتِهٖ مُرْسَاةٌ يَا مَنْ نَجَّا بِهٖ صَاحِبَ الْغَرَقِ مِنْ كُلِّ اٰفَةٍ وَبَلِيَّةٍ صَلِّ اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ خَيْرِ خَلْقِكَ وَاشْفِ اللّٰهُمَّ فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ بِشِفَائِكَ وَدَائِكَ وَبِيَدِكَ وَآلِكَ وَعَافِهٖ مِنْ بَلَائِكَ اِنَّكَ قَادِرٌ عَلٰى مَا تَشَاءُ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهٖ و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله

منقول است که خواندن این دعا برای دفع بواسیر نافع است یَا جَوَادُ یَا مَاجِدُ یَا رَحِیْمُ
یَا قَرِیْبُ یَا مُجِیْبُ یَا بَارِئُ یَا رَاحِمُ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ وَارْدُدْ عَلَیَّ نِعْمَتَکَ وَاکْفِنِیْ
اَمْرَ وَجَعِیْ و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام رضا علیه السلام شکایت کرد
از بواسیر فرمود که سوره یس را با عسل بنویس و بشوی و بخور و در حدیث صحیح از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که هر کرا ورمی یا جراحتی بهم رسد کاردی بگیرد و بر آن موضع بمالد و بگوید
بِسْمِ اللّٰهِ اَرْقِیْکَ مِنَ الْحَدِّ وَالْحَدِیْدِ وَالْحَدِّ وَمِنْ اَثَرِ الْعُوْدِ وَمِنَ الْحَجَرِ الْمَلْبُوْبِ
وَمِنَ الْعِرْقِ الْغَاتِرِ وَمِنَ الْوَرَمِ الْاٰخِرِ وَمِنَ الطَّعَامِ وَحَرِّهٖ وَمِنَ الشَّرَابِ وَبَرْدِهٖ اِمْضِ
اِلَیْکَ بِاِذْنِ اللّٰهِ اِلٰی اَجَلٍ مُسَمًّی فِی الْاِنْسِ وَالْاَنْعَامِ بِسْمِ اللّٰهِ فَتَحْتُ وَبِسْمِ اللّٰهِ
خَتَمْتُ پس آن کارد را در زمین فرو برد و در حدیث دیگر فرمود که چون حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم را واماندگی یا درد سری عارض میشد دست میگشودند و سوره حمد و
قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق میخواندند و دست را بسر میکشیدند
و در حدیث معتبر منقول است از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام که برای قولنج و باد و درد
مفاصل و سستی بدن و برودت اندرون یک کف سنبل را با یک کف انجیر خشک بگیرند
و آنقدر آب بر آن بریزند که پوشیده شود و در دیگ پاکیزه بپزند و صاف کنند و یک روز
بخورند و یکروز نخورند تا آنکه در مجموع ٤ روز بقدر یک قدح بزرگ خورده شود و در حدیث
دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که بادی از سر تا پای
مرا گرفته است فرمود که عنبر در روغن زنبق را ناشتا بدماغ بچکان و در روایت دیگر
منقول است که صحاب بن محارب بحضرت امام موسی علیه السلام عرض کرد که شخصی را بادلقوه
درد و بهم رسیده است و رو و چشمش را برگردانیده است فرمود که پنج مثقال از حب نفل بگیرد
و در شیشه بکند و سرش را محکم به بندد و گل بمالد و در آفتاب بگذارد بقدر یک روز در تابستان
و دو روز در زمستان پس از شیشه بیرون آورد و نرم بکوبد و با آب باران مخلوط سازد
و بر پشت بخوابد و بر آن طرف بدن که برگشته است بمالد و بر آنحال خوابیده باشد تا آن حب نفل
خشک شود و چون چنین کند آن مرض از او برطرف شود و در حدیث دیگر منقول است که شخصی

بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از آنکه بولش قطع نمیشود و همیشه قطرات بول از و
می آید فرمود که اسفند را بگیر و شش نوبت با آب سرد و یکنوبت با آب گرم بشوی و در سایه خشک کن پس با روغن گل
چرب کن و سعوف کن و بخور و در روایت دیگر منقول است که برای ریگ مثانه هلیله و بلیله
و آمله و فلفل و دار فلفل و دار چینی و زنجبیل و شقاقل و انیسون و خولنجان اجزا را مساوی گرفته
بکوبند و بپزند و با روغن گاو تازه ممزوج کنند و دو برابر تمام اجزا را عسل صاف کرده یا شکر
بینز داخلش کنند و در هر مرتبه بقدر فندقی بخورند و در چند روایت وارد شده است که خوردن
تره برطرف میکند بواسیر را و در روایت دیگر فرمود که برنج خرمائی بارس بواسیر را زائل
میکند و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام این دوا را برای دفع بواسیر
فرمود که هلیله سیاه و بلیله و آمله اجزا را مساوی گرفته بکوبند و از حریر بیرون کنند پس قدری
از مقل ازرق گرفته در آب تره بخیسانند سی شب پس این دواها را در میان آن ریخته خمیر
کنند و دست را بروغن بنفشه چرب کرده آنرا بقدر عدس حب کنند و در سایه بخشکانند و اگر
در تابستان باشد بقدر یک مثقال بخورد و اگر در زمستان باشد بقدر دو مثقال بخورد و در آن
ایام که این را میخورد از ماهی و سرکه و سبزیها اجتناب کند و در حدیث دیگر منقول است
که شخصی بحضرت امام علی نقی شکایت کرد از گند دهان فرمود که خرمائی برنی بخور و دیگری شکایت
کرد از یبوست مزاج فرمود که خرمائی برنی را ناشتا بخورد و آب بر بالایش بخور چنان کرد فربه شد و
رطوبت بر مزاجش غالب شد باز از رطوبت شکایت کرد فرمود که خرمائی برنی را ناشتا بخور
و آب بعد از آن مخور چنان کرد مزاجش مستقیم شد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که برای دفع زیادتی بلغم بگیر قند ران رومی و کندر و ابریشم و سیاه دانه اجزا مساوی
یکدیگر و همه را نرم بکوب و بپز و با عسل خمیر کن و هر شب در وقت خواب بقدر یک فندق
بخور و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که بگیر از هلیله زرد یک مثقال و از خردل
دو مثقال و از عاقرقرحا یک مثقال بسیار نرم بکوب و ناشتا بر دندانها بمال که بلغم را دفع
میکند و دهن را خوشبو میکند و دندانها را محکم میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که ناشتا بحمام رفتن بلغم را دفع میکند و بعد از طعام بحمام رفتن سودا و صفرا را دفع میکند و حضرت

امام محمد باقر علیه السلام فرمود که بسیار شانه کردن بلغم را کم میکند فصل یازدهم در بیان قلیلی

از تعویذات برائی دفع سحر و سموم و گزندگان و سائر بلاها و در حدیث معتبر منقول است که حضرت

امیر المومنین علیه السلام فرمود که برائی دفع سحر این تعویذ را بر پوست آهو بنویسد و با خود

نگاهدارد بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ وَمَاشَاءَ اللّٰهُ بِسْمِ اللّٰهِ وَلَاحَوْلَ وَلَاقُوَّةَ اِلَّا

بِاللّٰهِ قَالَ مُوْسٰی مَاجِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ اِنَّ اللّٰهَ سَيُبْطِلُهٗ اِنَّ اللّٰهَ لَايُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِيْنَ

فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَاكَانُوْا يَعْمَلُوْنَ فَغُلِبُوْا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوْا صَاغِرِيْنَ و در روایت

دیگر فرمود که اگر از ساحری یا ظالمی ترسی بعد از نماز شب قبل از شروع در نماز رو بجانب خانهٔ او

بکن و هفت مرتبه بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِاَخِيْكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا

فَلَا يَصِلُوْنَ اِلَيْكُمَا بِاٰيٰتِنَا اَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُوْنَ و در روایت دیگر منقول است

که جبرئیل علیه السلام خبر داد بحضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم را که لبید بن عاصم یهودی

سحر برائی آنحضرت کرده است پس حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم حضرت امیر المومنین صلوات اللہ

علیه وآله را طلب فرمود که برو در فلان چاه و سحر را بیرون آور حضرت امیر المومنین علیه السلام

بآنموضع رفتند و در آن چاه داخل شدند و از زیر آب حقه بدر آوردند و بنزد حضرت رسول صلی اللہ

علیه وآله وسلم آوردند در ان حقه کمانی بود که یازده گره بر زده بودند پس جبرئیل علیه السلام

قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را از آسمان آورد حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ

وسلم فرمود که یا علی این دو سوره را بر این گرهها بخوان پس هر آیه که حضرت میخواندند یک گره

گشوده می شد چون هر دو سوره تمام شد گرهها گشوده شد و سحر برطرف شد و احادیث معتبره

وارد شده است که چشم بد را تاثیر میباشد و فرمودند که بسیار باشد که چشم آدمی را بقبر و شتر را

بدیگ داخل کنند پس کسیکه خوشش آید او را چیزی از کسی اللہ اکبر بگوید و در روایت دیگر نام خدا

ببرد و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون ترسد که چشم او و از کسی

یا چشم کسی در او تاثیر کند سه مرتبه بگوید مَاشَاءَ اللّٰهُ لَاحَوْلَ وَلَاقُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ

و فرمود که هرگاه کسی با هیات نیکو خواهد که از خانه بیرون رود سورهٔ قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ

برب الفلق را بخواند بیرون رود تا چشم بد در او تاثیر نکند و در روایت دیگر فرمود که هر کرا اثر

چشم باو رسیده باشد دستها را برابر رو بلند کند و سورهٔ حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس
و قل اعوذ برب الفلق بخواند و دست برپیش سر بکشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقول است که هر که از شیاطین و جادوگران بترسد آیهٔ سخره را بخواند اِنَّ رَبَّکُمُ اللّٰهُ الَّذِی خَلَقَ
السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضَ فِی سِتَّةِ اَیَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰی عَلَی الْعَرْشِ یُغْشِی اللَّیْلَ النَّهَارَ یَطْلُبُهُ
حَثِیْثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُوْمَ مُسَخَّرٰاتٍ بِاَمْرِهٖ اَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْاَمْرُ تَبٰارَکَ اللّٰهُ
رَبُّ الْعٰالَمِیْنَ اُدْعُوْا رَبَّکُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْیَةً اِنَّهُ لَا یُحِبُّ الْمُعْتَدِیْنَ وَلَا تُفْسِدُوْا فِی الْاَرْضِ
بَعْدَ اِصْلَاحِهَا وَادْعُوْهُ خَوْفًا وَطَمَعًا اِنَّ رَحْمَتَ اللّٰهِ قَرِیْبٌ مِنَ الْمُحْسِنِیْنَ و در روایت
دیگر منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از بسیاری خیالات فاسده و
وساوس شیطانی که بر دست یافته فرمود که دست بر دل بگذار و سه مرتبه بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ
اَللّٰهُمَّ مَنَنْتَ عَلَیَّ بِالْاِیْمٰانِ وَاَوْدَعْتَنِی الْقُرْاٰنَ وَرَزَقْتَنِی صِیٰامَ شَهْرِ رَمَضٰانَ
فَامْنُنْ عَلَیَّ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوٰانِ وَالرَّاْفَةِ وَالْغُفْرٰانِ وَتَمٰامِ مٰا اَوْلَیْتَنِی مِنَ النِّعَمِ وَ
الْاِحْسٰانِ یٰا حَنّٰانُ یٰا مَنّٰانُ یٰا دٰائِمُ یٰا رَحْمٰانُ سُبْحٰانَکَ وَلَیْسَ لِی اَحَدٌ سِوٰاکَ سُبْحٰانَکَ
اَعُوْذُ بِکَ بَعْدَ هٰذِهِ الْکَرٰامٰاتِ مِنَ الْهَوٰانِ وَاَسْئَلُکَ اَنْ تُجْلِیَ عَنْ قَلْبِی الْاَحْزٰانَ
پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرست و در روایت دیگر منقول است که شخصی بآن حضرت شکایت
کرد که چون تنها میشوم میترسم و چون میان مردم میروم برطرف میشود فرمود که دست بر دل بگذار
و بگو بِسْمِ اللّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ پس دست بر دل بمال و بگو اَعُوْذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَاَعُوْذُ
بِقُدْرَةِ اللّٰهِ وَاَعُوْذُ بِجَلَالِ اللّٰهِ وَاَعُوْذُ بِعَظَمَةِ اللّٰهِ وَاَعُوْذُ بِجَمْعِ اللّٰهِ وَاَعُوْذُ بِرَسُوْلِ
اللّٰهِ وَاَعُوْذُ بِاَسْمٰاءِ اللّٰهِ مِنْ شَرِّ مٰا اَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ مٰا اَخٰافُ عَلٰی نَفْسِی هفت مرتبه
این دعا بخوان و در روایت دیگر وارد شده است که شخصی بآن حضرت شکایت کرد از آرزوی
بسیار کردن و وسوسهای سینه فرمود که دست بر سینه بکش و بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ مُحَمَّدٌ
رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ اَللّٰهُمَّ
امْسَحْ عَنِّی مٰا اَجِدُ پس دست بر شکم بمال و سه مرتبه بخوان این دعا را آن شخص چنین کرد آن حالت
از ان زائل شد و شیخ احمد در کتاب عدة الداعی از برای گشودن گسیکه او بسته باشند بر نشر

این دعا را نقل کرده است که بنویسد و با خود نگاه دارند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اِنَّا فَتَحْنَا
لَكَ فَتْحًا مُّبِيْنًا لِّيَغْفِرَ لَكَ اللّٰهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَاَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهٗ عَلَيْكَ
وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُّسْتَقِيْمًا بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ اِذَا جَآءَ نَصْرُ اللّٰهِ وَالْفَتْحُ
وَرَاَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُوْنَ فِيْ دِيْنِ اللّٰهِ اَفْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ اِنَّهٗ
كَانَ تَوَّابًا وَمِنْ اٰيٰتِهٖ خَلَقَ لَكُمْ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِّتَسْكُنُوْا اِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ
مَّوَدَّةً وَّرَحْمَةً اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ اُدْخُلُوْا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَاِذَا
دَخَلْتُمُوْهُ فَاِنَّكُمْ غٰلِبُوْنَ فَفَتَحْنَا اَبْوَابَ السَّمَآءِ بِمَآءٍ مُّنْهَمِرٍ وَّفَجَّرْنَا الْاَرْضَ عُيُوْنًا فَالْتَقَى
الْمَآءُ عَلٰى اَمْرٍ قَدْ قُدِرَ رَبِّ اشْرَحْ لِيْ صَدْرِيْ وَيَسِّرْ لِيْ اَمْرِيْ وَاحْلُلْ عُقْدَةً
مِّنْ لِّسَانِيْ يَفْقَهُوْا قَوْلِيْ وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَّمُوْجُ فِيْ بَعْضٍ وَّنُفِخَ فِي الصُّوْرِ
فَجَمَعْنٰهُمْ جَمْعًا كَذٰلِكَ حَالَتْ فُلَانُ بْنُ فُلَانَةَ عَلٰى فُلَانَةِ بِنْتِ فُلَانَةَ لَقَدْ جَآءَكُمْ
رَسُوْلٌ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ عَزِيْزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيْصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِيْنَ رَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ
فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ

و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که چون زن یهودیه
گوسفند زهر آلوده نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورد و گوسفند بریان بسخن آمد بامر الهی
و گفت یا رسول الله مخور از من که مرا زهر آلوده اند جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت پروردگار
سلامت میرساند و میگوید که این دعا بخوان و بخور که زهر بتو ضرر نمیرساند پس حضرت امر
فرمود اصحاب خود را که همگی این دعا خواندند و از آن گوسفند خوردند و ایشان تناول کردند پس امر فرمود
ایشان را که حجامت کنند دعا این است بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِيْ يُسَمِّيْهِ بِهٖ كُلُّ مُؤْمِنٍ وَبِهٖ عَزَّ
كُلُّ مُؤْمِنٍ وَبِنُوْرِهِ الَّذِيْ اَضَآءَ بِهِ السَّمٰوٰتُ وَالْاَرْضُ وَبِقُدْرَتِهِ الَّتِيْ خَضَعَ
لَهَا كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيْدٍ وَانْتَكَسَ كُلُّ شَيْطَانٍ مَّرِيْدٍ مِنْ شَرِّ السَّمِّ وَالسِّحْرِ وَاللَّمَمِ بِسْمِ
الْعَلِيِّ الْمَلِكِ الْفَرْدِ الَّذِيْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْاٰنِ مَا هُوَ شِفَآءٌ وَّرَحْمَةٌ
لِّلْمُؤْمِنِيْنَ وَلَا يَزِيْدُ الظّٰلِمِيْنَ اِلَّا خَسَارًا و در حدیث دیگر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه و آله منقول است که هرکه از شر حیوانات درنده بر خود و از گوسفندان خود ترسد بنویسد و

و آنها خطی بکش و بگوید اللّهمّ ربّ دانیال و الجبّ و ربّ کلّ اسد مستأسد احفظنی
واحفظ علی غنمی و فرمود که کسیکه از عقرب بترسد این آیات را بخواند سلام علی نوح فی
العالمین انّا کذلک نجزی المحسنین انّه من عبادنا المؤمنین و در حدیث معتبر منقولست
که حضرت صادق علیه السلام بشخصی گفت که چون شیر را ببینی در روی او آیة الکرسی بخوان و بگو عزمت
علیک بعزیمة الله و عزیمة محمّد رسول الله و عزیمة سلیمان بن داود علیهما
السلام و عزیمة امیر المؤمنین علیه السلام و الائمة من بعده الّا تنحّیت عن
طریقنا و لم تؤذنا فانّا لا نؤذیک راوی گفت که بشیر برخوردم و این دعا خواندم شیر
سر بزیر انداخت و دم را در میان پاهای خود کشیده برگشت و در حدیث معتبر منقول است که
شخصی بحضرت امام موسی علیه السلام عرض کرد که من جانوران درنده را شکار میکنم و شب در بعضی صحراها گاهی
و جاهای هولناک بسر میبرم فرمود که چون داخل خرابه شوی پای راست را پیش بگذار و بسم الله
بگو و چون بیرون آئی پای چپ را پیش بگذار و بسم الله بگو که آسیبی بتو نمیرسد و از حضرت امام
رضا علیه السلام منقول است که چون شیر را ببینی در برابرش سه مرتبه الله اکبر بگو و بگو الله اعزّ
و اکبر و اجلّ من کلّ شیء و اعوذ بالله ممّا اخاف و احذر و چون سگ بر روی تو
فریاد کند و حمله کند این آیه را بخوان یا معشر الجنّ و الانس ان استطعتم ان تنفذوا
من اقطار السموات و الارض فانفذوا لا تنفذون الّا بسلطان و از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقول است که برای دفع ضرر جانوران زمین این دعا بخواند بسم الله
الرحمن الرحیم بسم الله و بالله محمد رسول الله صلی الله علیه و آله اعوذ
بعزّة الله اعوذ بقدرة الله علی ما یشاء من شرّ کلّ هامة تدبّ باللیل و النهار
انّ ربّی علی صراط مستقیم و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگاه از عقرب
ترسی نظر کن در شب بستاره سها که نزدیک ستاره دوم بنات النعش است و سه مرتبه بگو اللهم
یا ربّ اسلم صلّ علی محمد و آل محمد و عجّل فرجهم و سلّمنا من شرّ کلّ ذی حمة راوی
گفت که تا سال یکشب نخواندم و در آن شب مرا عقرب گزید و در حدیث دیگر فرمود که کسیکه
از مار و عقرب ترسد در اول شب این دعا بخواند بسم الله و بالله و صلّی الله علی محمّد و آله

آخذ ذَنْ العَقارِبِ وَالحَيّاتِ كُلّها بِإذْنِ اللهِ تَبارَكَ وَتَعالى بِأفْواهِها وَأذْنابِها وَأسْماعِها وَأبْصارِها وَقُواها عَنّي وَعَمَّنْ أحْبَبْتُ إلى ضَحْوَةِ النَّهارِ إنْ شاءَ اللهُ و در روایت دیگر فرمود که این دعا بخوانند بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إنَّ اللهَ بالِغُ أمْرِهِ اللّهُمَّ اجْعَلْني في كَنَفِكَ وَفي جِوارِكَ وَاجْعَلْني في حِفْظِكَ وَاجْعَلْني في أمْنِكَ و در روایت معتبر از حضرت موسی علیه السلام منقول است که اصحاب حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم در بعضی از جنگها بآنحضرت شکایت کردند از بسیاری کیک فرمود که در وقت خواب این دعا بخوانید أيُّهَا الأسْوَدُ الوَثّابُ الّذي لا يُبالي غَلَقاً وَلا باباً عَزَمْتُ عَلَيْكَ بِأُمِّ الكِتابِ أنْ لا تُؤْذِيَني وَلا أصْحابي إلى أنْ يَذْهَبَ اللَّيْلُ وَيَجيءَ الصُّبْحُ بِما جاءَ بِهِ و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که غضب بر او مستولی شود اگر ایستاده باشد بنشیند تا ساکن شود غضب او و اگر بر خویش خود غضبناک شده باشد بدن خود را ببدن او برساند تا ساکن شود و در حدیث دیگر فرمود که در هنگام غضب این دعا بخواند اللّهُمَّ أذْهِبْ عَنّي غَيْظَ قَلْبي وَاغْفِرْ لي ذَنْبي وَأجِرْني مِنْ مُضِلّاتِ الفِتَنِ أسْألُكَ رِضاكَ وَأعُوذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَأسْألُكَ جَنَّتَكَ وَأعُوذُ بِكَ مِنْ نارِكَ وَأسْألُكَ الخَيْرَ كُلَّهُ وَأعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ اللّهُمَّ ثَبِّتْني عَلَى الهُدى وَالصَّوابِ وَاجْعَلْني راضِياً مَرْضِيّاً غَيْرَ ضالٍّ وَلا مُضِلٍّ و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون چیزی را شیطان از خاطر تو محو کرده باشد و خواهی بیاد آوری دست بر پیشانی بگذار و بگو اللّهُمَّ إنّي أسْألُكَ يا مُذَكِّرَ الخَيْرِ وَفاعِلَهُ وَالآمِرَ بِهِ أنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتُذَكِّرَني ما أنْسانيهِ الشَّيْطانُ و در احادیث معتبره وارد شده است که از برای ادای قرض این دعا بخوانند اللّهُمَّ أغْنِني بِحَلالِكَ عَنْ حَرامِكَ وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِواكَ شخصی بخدمت حضرت امام محمد تقی علیه السلام نوشت که قرض بسیار دارم حضرت نوشتند که استغفار بسیار بکن و زبان را تر دار بخواندن سوره انا انزلناه و در روایت دیگر ... برای رفع پریشانی هر روز صد مرتبه انا انزلناه بخوان و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که برای دفع فقر و پریشانی بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید سُبْحانَ اللهِ العَظيمِ وَبِحَمْدِهِ

اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَاَسْئَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم منقول است که هر که فقر برو بسیار زور آورد بسیار بگوید لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ
بدرستیکه این کلمه گنجیست از گنجهای بهشت و در ان شفا از هفتاد و دو درد است که کمترش اندوه است و در
حدیث بسیار معتبر وارد شده است که هر که هر روز صد مرتبه لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ
بگوید هفتاد نوع از بلا را از دور گرداند که سهل ترش اندوه و غم باشد و در حدیث معتبر دیگر منقول
است که هر که هزار مرتبه مَاشَاءَ اللهُ یک دفعه بگوید در آن سال او را حج نصیب شود
و اگر در آن سال نشود زنده بماند تا توفیق حج بیابد و در احادیث بسیار وارد شده است
لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ دفع اندوه میکند و در احادیث معتبره از حضرت
علی بن الحسین صلوات الله علیهما منقول است که هرگاه من این دعا را میخوانم پروا ندارم اگر
جن و انس جمع شوند برای ضرر رسانیدن بمن بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَمِنَ اللهِ وَاِلَی اللهِ وَفِیْ
سَبِیْلِ اللهِ اَللّٰهُمَّ اِلَیْکَ اَسْلَمْتُ نَفْسِیْ وَاِلَیْکَ وَجَّهْتُ وَجْهِیْ وَاِلَیْکَ فَوَّضْتُ
اَمْرِیْ فَاحْفَظْنِیْ بِحِفْظِ الْاِیْمَانِ مِنْ بَیْنِ یَدَیَّ وَمِنْ خَلْفِیْ وَعَنْ یَمِیْنِیْ وَعَنْ شِمَالِیْ
وَمِنْ فَوْقِیْ وَمِنْ تَحْتِیْ وَادْفَعْ عَنِّیْ بِحَوْلِکَ وَقُوَّتِکَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِیِّ
الْعَظِیْمِ و در روایت دیگر منقول است که حضرت صادق علیه السلام روزی نزد منصور
دوانقی رفتند و او در نهایت شدت غضب بود حضرت در وقت داخل شدن این
دعا خواندند غضب او ساکن شد یَا عُدَّتِیْ عِنْدَ شِدَّتِیْ وَیَا غَوْثِیْ عِنْدَ کُرْبَتِیْ اُحْرُسْنِیْ
بِعَیْنِکَ الَّتِیْ لَا تَنَامُ وَاکْفِنِیْ بِرُکْنِکَ الَّذِیْ لَا یُرَامُ و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که برای برگشتن غلام گریخته بر کاغذی آیة الکرسی را مدور بنویسد و در میان آن بنویسد
اَللّٰهُمَّ السَّمَاءُ لَکَ وَالْاَرْضُ لَکَ وَمَا بَیْنَهُمَا لَکَ فَاجْعَلْ مَا بَیْنَهُمَا اَضْیَقَ عَلٰی فُلَانٍ
و نام غلام را بنویسد مِنْ جِلْدِ جَمَلٍ حَتّٰی تَرُدَّهُ عَلَیَّ وَتُظْفِرَنِیْ بِهِ و این دعا را نیز بخواند
و این کاغذ را در آن موضعی که شبها در آنجا آن گریخته میخوابیده است دفن کند و چیزی سنگین
بر بالایش بگذارد و در حدیث دیگر فرمود که هر گاه مالی یا حیوانی گم شود این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ
اِنَّکَ اللهُ مَنْ فِی السَّمَاءِ وَاللهُ مَنْ فِی الْاَرْضِ وَعَدْلٌ فِیْهِمَا وَاَنْتَ الْهَادِیْ مِنَ الضَّلَالَةِ

تَرُدُّ الضَّالَّةَ فَرُدَّ عَلَيَّ ضَالَّتِي فَإِنَّهَا مِنْ رِزْقِكَ وَعَطِيَّتِكَ اللَّهُمَّ لَا تَفْتِنِّي بِهَا مُؤْمِناً وَلَا
تُغْنِ بِهَا كَافِراً اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ و از حضرت
امام رضا علیه السلام منقول است که برای گم شده بگوید وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا
إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ
الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَهْدِي مِنَ الضَّلَالَةِ
وَتُنْجِي مِنَ الْعَمَى وَتَرُدُّ الضَّالَّةَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْ لِي وَرُدَّ ضَالَّتِي وَصَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ و در حدیث دیگر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است
که برای رد گم شده دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس بخواند و بعد از
نماز دست بسوی آسمان بردارد و بگوید اللَّهُمَّ رَادَّ الضَّالَّةِ وَالْهَادِيَ مِنَ الضَّلَالَةِ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْ عَلَيَّ ضَالَّتِي وَارْدُدْهَا إِلَيَّ سَالِمَةً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
فَإِنَّهَا مِنْ فَضْلِكَ وَعَطَائِكَ يَا عِبَادَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَيَا سَيَّارَةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ
رُدُّوا عَلَيَّ ضَالَّتِي فَإِنَّهَا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَعَطَائِهِ و در روایتی منقولست که از حضرت
صادق علیه السلام پرسیدند که تعویذی با خود میداریم و جنب می شویم چونست فرمود که
باکی نیست اما چون زن حائض شود باید که تعویذی که با خود نگاه دارد در میان پوست
باشد و فرمود که هر چه از دعا و قرآن و تعویذ که خواهید برای کوفتها و دردها بخوانید
اما افسونها که معنیش معلوم نباشد مخوانید و فرمود که بسیاری از تعویذها و افسونها کفر است
فصل دوازدهم در فوائد تربت شریف حضرت امام حسین علیه السلام و خواص بعضی از ادعیه
مفرده و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که در خاک قبر حضرت امام حسین
علیه السلام شفای هر دردی هست و آنست دوای بزرگ و در حدیث دیگر از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که هر کرا علتی حادث شود و بتربت آنحضرت مداوا کند البته شفا یابد
مگر آنکه علت مرگ باشد و در حدیث دیگر فرمود که تربت آنحضرت شفا می بخشد از همه دردی
و امان میدهد از هر ترسی و در حدیث دیگر فرمود که کام فرزندان خود را بتربت آنحضرت
بردارید که امان میدهد از بلاها و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام

هیچ متاعی بجائی نمیفرستادند مگر آنکه قدری از تربت آنحضرت در میانش میگذاشتند
که برکت آن محفوظ باشد و در حدیث معتبر منقولست که ابن ابی یعفور از حضرت صادق
علیه السلام سوال کرد که بعضی از مردم از تربت امام حسین صلوات الله علیه میگیرند و منتفع
میشوند و بعضی نفع نمی یابند فرمود که والله هر کس که اعتقاد نفع داشته باشد البته نفع می یابد و در
حدیث دیگر منقول است که شخصی بآنحضرت عرض کرد که زنی رشته بمن داده است که بحجبه کعبه
معظمه بدهم که جامه کعبه را بآن بدوزند حضرت فرمودند که آنرا بده و عسل و زعفران بخر و خاک
قبر حضرت امام حسین علیه السلام بگیر و با آب باران نرم کن و در میان عسل و زعفران بریز و
بشیعیان بده که بیماران خود را بآن دوا کنند و در روایت دیگر فرمود که خاک قبر امام حسین
صلوات الله علیه شفای هر دردی است برخی ثلث فرسخ دور تر از قبر بردارند و در روایت
دیگر فرمود که تا هفتاد ذراع از قبر تربت شفا میتوان برداشت و در روایت معتبر دیگر فرمود
که تربت شفائی را تا یک فرسخ و ثلث فرسخ از اطراف قبر میتوان برداشت و فرمود که هیچ چیز
مثل آن نیست در شفا بخشیدن مگر دعا و چیزی که برکت آنرا کم میکند در جاهای نامناسب
گذاشتن است و کم اعتقادی آن کسی است که میخورد اما کسیکه یقین داند که آن شفاست هر وقت
که بآن معالجه کند البته او را بس است و دیگر محتاج نمیشود و فاسد و کم میکنند نفع تربت را شیاطین
و جنیان کافر که خود را بآن میمالند و هر چیزی که میگذرد آنرا میبویند و شیاطین و کافران
جن رشک می برند بر فرزندان آدم پس خود را بآن میمالند که خوشبوی و نفعش را کم کنند و هیچ
تربتی که از حائر بیرون می آورند آنقدر که نتوان شمرد از شیاطین که از بیم ملائکه داخل حائر نمیشوند
در بیرون مهیا میباشند که تا از حائر بیرون می آورند خود را بآن بمالند و اگر تربت از ایشان سالم
ماند هر بیماری که بخورد در ساعت شفا یابد پس چون تربت را برداری ببند و پنهان کن و نام خدا
بر آن بسیار بخوان و من شنیده ام که بعضی تربت را بر میدارند و آنرا سبک می شمارند حتی آنکه
در میان توبره چارپایان یا در میان ظرف طعام می اندازند از چنین تربتی چون شفا یابد
کسی که صاحب یقین نیست باستخفاف بامری که موجب صلاح اوست اعمال خود را فاسد
میگرداند و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بآنحضرت عرض کرد که مرا درد و مرض بسیار میباشد

و هر چه که خوردم نفع نکرد فرمود که چرا تربت امام حسین علیه السلام را نمی‌خوری که در آن شفای هر درد

است و امان از هر بیم است و هرگاه بر میداری تربت را بگو اللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِحَقِّ هٰذِهِ

الطِّینَةِ وَ بِحَقِّ الْمَلَکِ الَّذِی اَخَذَهَا وَ بِحَقِّ النَّبِیِّ الَّذِی قَبَضَهَا وَ بِحَقِّ الْوَصِیِّ الَّذِی

حَلَّ فِیهَا صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ وَ اجْعَلْ لِی فِیهَا شِفَاءً مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَ اَمَاناً مِنْ کُلِّ

خَوْفٍ پرسید که شفائی هر درد را دانستم چگونه امان است از هر خوفی فرمود که هرگاه از سلطانی یا از بلائی اندیشه

داشته باشی از خانه بیرون میا مگر آنکه خاک قبر آنحضرت با تو باشد و در آن وقت که خاک را با خود

برمیداری بگو اللّٰهُمَّ هٰذِهِ طِینَةُ قَبْرِ الْحُسَیْنِ وَلِیِّکَ وَ ابْنِ وَلِیِّکَ اِتَّخَذْتُهَا حِرْزاً

لِمَا اَخَافُ وَ مَا لَا اَخَافُ و از ابوحمزه ثمالی منقول است که حضرت صادق علیه السلام فرمود که

چون خواهی تربت قبر را برداری سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و

قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه فی لیلة القدر و یس و آیة الکرسی بخوان و

بگو اللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ حَبِیبِکَ وَ نَبِیِّکَ وَ رَسُولِکَ وَ اَمِینِکَ وَ بِحَقِّ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ

عَلِیِّ بْنِ اَبِی طَالِبٍ عَبْدِکَ وَ اَخِی رَسُولِکَ وَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِیِّکَ وَ زَوْجَةِ وَلِیِّکَ

وَ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ بِحَقِّ الْاَئِمَّةِ الرَّاشِدِینَ وَ بِحَقِّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ وَ بِحَقِّ

الْمَلَکِ الْمُوَکَّلِ بِهَا وَ بِحَقِّ الْوَصِیِّ الَّذِی هُوَ فِیهَا وَ بِحَقِّ الْجَسَدِ الَّذِی تَضَمَّنَتْ وَ بِحَقِّ السِّبْطِ الَّذِی ضُمِّنَتْ وَ بِحَقِّ

جَمِیعِ مَلَائِکَتِکَ وَ اَنْبِیَائِکَ وَ رُسُلِکَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْ هٰذَا الطِّینَ شِفَاءً لِی

وَ لِمَنْ یَسْتَشْفِی بِهِ مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ وَ مَرَضٍ وَ اَمَاناً مِنْ کُلِّ خَوْفٍ اللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ

وَ اَهْلِ بَیْتِهِ اجْعَلْهُ عِلْماً نَافِعاً وَ رِزْقاً وَاسِعاً وَ شِفَاءً مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ وَ آفَةٍ وَ عَاهَةٍ

وَ جَمِیعِ الْاَوْجَاعِ کُلِّهَا اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ پس بگو اللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ

الْمُبَارَکَةِ الْمَیْمُونَةِ وَ الْمَلَکِ الَّذِی هَبَطَ بِهَا وَ الْوَصِیِّ الَّذِی هُوَ فِیهَا صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ

مُحَمَّدٍ وَ انْفَعْنِی بِهَا اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ و در روایت دیگر فرمود که در وقتیکه

تربت بخوری اول ببوس و بر دو دیده بگذار و زیاده از یک نخود مخور که هر که زیاده بخورد چنانست

که گوشت و خون ما را خورده است و در وقتیکه از قبر برمیداری بگو اللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِحَقِّ

الْمَلَکِ الَّذِی قَبَضَهَا وَ اَسْئَلُکَ بِحَقِّ النَّبِیِّ الَّذِی خَزَنَهَا وَ اَسْئَلُکَ بِحَقِّ الْوَصِیِّ الَّذِی

حَلَّ فیها اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَها شِفاءً مِنْ کُلِّ داءٍ وَاَماناً مِنْ کُلِّ
خَوْفٍ وَحِفْظاً مِنْ کُلِّ سُوءٍ پس تربت را بر پارچه به بندد و سوره انا انزلناه را بخوان و در حدیث
معتبر دیگر فرمود که هر که تربت را بقصد شفا نخورد چنان است که گوشت ما را خورده است
و چون بقصد شفا بخورد بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبارَکَةِ
الطّاهِرَةِ وَرَبَّ النُّورِ الَّذی اُنْزِلَ فیهِ وَرَبَّ الْجَسَدِ الَّذی سَکَنَ فیهِ وَرَبَّ الْمَلٰئِکَةِ
الْمُوَکَّلینَ بِهِ اِجْعَلْهُ شِفاءً مِنْ داءِ کَذا وَکَذا و آن آزار را ذکر کند پس تربت را بخورد و
یک جرعه آب بعد از آن بخورد و بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقاً واسِعاً وَعِلْماً نافِعاً وَشِفاءً
مِنْ کُلِّ داءٍ وَسُقْمٍ چون چنین کنی دفع می شود آنچه در خود می یابی از درد و بیماری و غم و اندوه
و در روایت دیگر فرمود که در وقت خوردن ابتدا بخوان بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ
رِزْقاً واسِعاً وَعِلْماً نافِعاً وَشِفاءً مِنْ کُلِّ داءٍ اِنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ اَللّٰهُمَّ رَبَّ التُّرْبَةِ الْمُبارَکَةِ
وَرَبَّ الْوَصِیِّ الَّذی وارَتْهُ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ هٰذَا الطّینَ شِفاءً مِنْ
کُلِّ داءٍ وَاَماناً مِنْ کُلِّ خَوْفٍ و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که چون میت را
دفن کنند در برابر رویش مهری از خاک حضرت امام حسین صلوات الله علیه بگذارند و در حدیث
دیگر فرمود که مومن میباید که از پنج چیز خالی نباشد مسواک و جانماز و شانه و تسبیحی از تربت که
سی و چهار دانه باشد و انگشتر عقیقی و از حضرت امام جعفر صادق منقول است که هر که تسبیح خاک آنحضرت را بگرداند
بهر استغفاری هفتاد استغفار برای او نوشته میشود و اگر تسبیح را در دست نگهدارد و چیزی
نگوید بعدد هر دانه هفت استغفار برای او نوشته میشود و در حدیث دیگر فرمود که هر که خاک قبر
حضرت امام حسین علیه السلام بفروشد و بخرد چنانست که گوشت حضرت امام حسین
صلوات الله علیه فروخته است و خریده است بدانکه مشهور میان علماء آنست که بقدر نخود
میتوان خورد و چون از بعضی احادیث بقدر عدس ظاهر میشود بهتر آنست که زیاده از عدس
نخورد اما خواص ادویه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که تب کند در شب اول
بوزن دو درهم یا سه درهم بزر قطونا بخورد و در آن مرض ایمن گردد از سرسام و فواید عجیب و در حدیث
دیگر فرمود که فضیلت عناب بر سایر میوه مانند فضیلت ماست بر سایر مردم و از حضرت

امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که عناب تب را زائل میکند و در روایتی منقول
است که ابن ابو الحصیب گفت دیده من سفید شده بود چیزی نمیدیدم شبی حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه را در خواب دیدم فرمود که عناب را بکوب و در دیده بکش چون بیدار شدم
عناب را با هسته اش سائیدم و در دیده کشیدم دیده ام صحیح و بینا شد و در حدیث صحیح معتبر
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که مداوا کنید به سنا که اگر چیزی مرگ را
رد میکند آن سنا است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چهار چیز است که
طبیعت را بحال می آورد انار سورانی و خرمائی نارس پخته و بنفشه و کاسنی و از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که سیاهدانه شفای هر دردیست بغیر از مرگ و در بعضی از روایات وارد
شده است که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرسیدند که چگونه استعمال کنیم فرمود که
بیست و یکدانه اش را در کیسه بکنید و یکشب در آب بخیسانید و چون صبح شود در بینی راست
دو قطره و در بینی چپ یک قطره بچکانید و در روز دوم نیز چنین کنید و در روز سیوم در بینی
راست یکقطره و در بینی چپ دو قطره بچکانید و در هر شب دانها را تازه کنید و در روایت دیگر
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که شخصی بآنحضرت شکایت کرد که از بسیار آمدن بول
آزار می کشم فرمود که سیاهدانه در آخر شب بخور و فرمود که من آنرا میخورم برای تب و درد سر
و آزار چشم و درد شکم و جمیع دردها و خدا مرا بآن شفا میدهد و از حضرت رسول صلی الله علیه و
آله وسلم منقول است که فرمود که بر هر یک از برگ و دانه و درخت اسفند ملکی موکل است
که با نها هست تا آنکه بپوسد و در ریشه آن و شاخش غم و سحر را برطرف میکند و در دانه اش شفاء
هفتاد و دو درد است پس مداوا کنید به اسفند و کندر و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که خانه که در آن اسفند است شیطان تا هفتاد خانه از آنخانه دوری میکند و آن
شفا است از هفتاد مرض که آسان تر آنها خوره است و در روایت دیگر منقول است
که پیغمبری بخدا شکایت کرد از جبن امت خود وحی بر او نازل شد که امر کن امت خود را که اسفند
بخورند که باعث شجاعت می شود و فرمود که کندر برگزیده پیغمبرانست و هیچ دودی زودتر از دود
آن بآسمان بالا نمیرود و آن دور کننده شیاطین و دفع کننده بلاها است و از حضرت امام

حسین صلوات الله علیه منقول است که اگر مردم بدانند که چه منافع در هلیلهٔ زرد است
هر آینه بوزن آن طلا بخرند و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که بخورید انجیر که برای
دفع قولنج نافع است و فرمود که گند دهانرا برطرف و استخوانرا محکم میکند و مو در بدن میرویاند
و دردها را میبرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که خوردن انجیر تر و خشک
بواسیر را قطع میکند و نقرس و غلبهٔ برودت باطن را نفع میدهد و حضرت صادق علیه السلام فرمود
که برگ خرفه عقل را زیاده میکند و هیچ گیاهی از آن شریفتر و نافعتر نیست و حضرت امام
رضا علیه السلام فرمود که بادروج از ماست و تره تیزک از بنی امیه است و حضرت صادق علیه السلام
فرمود که کاهو خونرا فرو می نشاند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خوراک حضرت
خضر و الیاس کرفس و دنبلانست و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مرویست که هر که
سداب بخورد و در شب بخوابد در آن شب ایمن باشد از دردهای بیرونی و اندرونی و ذات الجنب
و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت زنیان با سیاهدانه و ابشم را سفوف میکردند و بعد از
طعام گرم چربی که از آن بود تناول میفرمودند گاهی با نمک سائیده ممزوج ساخته پیش از
طعام میخوردند و میفرمودند که چون بامداد این را بخورم از خوردن هیچ چیز پروا نمیکنم و تقویت
معده میکند و بلغم را می برد و امان می بخشد از لقوه و فرمود که حقتعالی برکت قرار داده است
در عسل و در آن شفا از جمیع دردها است و بر آن هفتاد پیغمبر برکت فرستاده است و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که سرکهٔ شراب بن دندانرا محکم میکند و کرمهای شکم را میکشد و عقل را محکم میکند
و فرمود که خوردن اشنان زانوها را سست میکند و آب پشت را فاسد میکند و فرمود که هر که
زنیان و گردکان باهم بخورد بواسیر را میسوزاند و بادها را دفع میکند و معده را زبر میکند و گرده ها را
گرم میکند و فرمود که ابشم و نمک با یکدیگر بادها را دفع میکند و سدها را میگشاید و بلغم را میسوزاند
و موجب ادرار بول میشود و دهن را خوشبو میکند و لقوه را دفع میکند و معده را نرم میکند و قوت جماع را زیاده میکند
و در چند حدیث دیگر وارد شده است که مالیدن نمک بر زهر عقرب و گزندگان را دفع میکند

باب دهم در آداب معاشرت با مردم و حقوق اصناف ایشان فصل اول در بیان حقوق

خویشان و غلامان و کنیزکان در احادیث معتبر بسیار وارد شده است که رحم در روز قیامت

چنگ در عرش الهی میزند و میگوید پروردگارا هر که مرا در دنیا صله کرده است تو امروز او را برحمت خود وصل کن و هر که مرا قطع کرده است در دنیا تو امروز او را از رحمت خود قطع کن و در احادیث بسیار وارد شده است که نیکی با خویشان کردن باعث قبول اعمال است و مال را زیاده میکند و بلاها را دفع میکند و عمر را دراز میکند و حساب قیامت را آسان میکند و در حدیث حسن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که دو طرف صراط امانت و صله رحم است پس کسیکه در امانت مردم خیانت نکرده است و با خویشان خود نیکی کرده است از طرف صراط بآسانی میگذرد و به بهشت میرود و کسیکه خیانت در امانتها کرده است و قطع رحم کرده است عمل دیگر او را نفع نمیدهد و صراط او را در آتش می افگند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که صله رحم کردن و با همسایگان نیکو سلوک کردن خانها را آبادان میکند و عمرها را دراز میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هیچ عملی ثوابش زودتر از صله رحم نمیرسد و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ما چیزی را نمیدانیم که عمر را زیاده میکند مانند صله رحم تا آنکه گاه هست که شخصی را سه سال از عمر او مانده است و بسبب صله رحم عمرش سی و سه سال میشود و گاه هست که کسی که از عمرش سی و سه سال مانده است و بسبب قطع رحم سه سال میشود و در حدیث موثق منقول است که شخصی از آنحضرت سوال کرد که خویشان دارم که شیعه نیستند آیا ایشانرا بر من حقی هست فرمود که بلی حق رحم را هیچ چیز قطع نمیکند اگر شیعه باشند دو حق دارند حق رحم و حق اسلام و فرمود که صله رحم و نیکی با برادران مؤمن حساب قیامت را آسان میکند و از گناهان نگاه میدارد پس صله رحم و نیکی با برادران ترک مکنید اگرچه بسلام کردن و نیکو جواب سلام دادن باشد و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که هرگاه خویشان با یکدیگر بدی کنند مال ایشان بدست بدکاران می افتد و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که سه چیز است که هر که مرتکب آنها میشود پیش از مردن عقوبت آنها را می یابد ظلم و قطع رحم و قسم دروغ و بسیار است که جماعتی بد کردار و بسبب صله رحم مال و فرزندان ایشان بسیار میشود و قسم دروغ و قطع رحم خانها را از اهل خالی میکند و نسل را منقطع میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که بیائی

نمود بخانه خویشان برود بدیدن ایشان یا از برای آنکه مالی ببرد که بایشان برساند حقتعالی ثواب
صد شهید او را کرامت فرماید و بعدد هر گامی که بردارد چهل هزار حسنه در نامه عملش نوشته
می شود و چهل هزار گناه محو شود و چهل هزار درجه از برای او در بهشت بلند شود و چنان
باشد که صد سال عبادت خدا باخلاص کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که سه کس اند که
داخل بهشت نمی شوند کسیکه همیشه شراب خورد یا همیشه سحر کند یا قطع رحم کند و فرمود که هر
رعایت حق خویشان خود کند حقتعالی در بهشت باو هزار هزار درجه کرامت کند که از هر درجه
تا درجه دیگر صد ساله راه باشد یک درجه از نقره و دیگری از مروارید و دیگری از زمرد و دیگری
از زبرجد و دیگری از مشک و دیگری از عنبر و دیگری از کافور و هم چنین از سائر چیزهائی که
خدا در بهشت خلق کرده است و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که در شب معراج
دیدم رحمی بعرش در آویخته از رحم دیگر شکایت میکند پروردگار خود پرسیدم در چند پشت
نسب تو با او بهم میرسد گفت که در چهل پشت و در حدیث معتبر دیگر فرمود که ضامنم برائی کسی که
صله رحم کند آنکه خدا او را دوست دارد و روزیش فراخ کند و عمر را زیاد کند و او را داخل بهشت
کند و فرمود که بوی بهشت از هزار ساله راه شنیده میشود و آنرا نمی شنود عاق پدر و مادر
و قطع کننده رحم و مرد پیر زناکار و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که هر که بنده خود را حدی از حدود الهی بزند بی آنکه جرمی از او صادر شده باشد که بحسب شرع
مستحق آن شده باشد کفاره نیست گناه او را غیر از آزاد کردن او و در حدیث معتبر منقولست
که از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه پرسیدند که بنده که فرمان صاحبش نبرد آیا حلال است
زدن او فرمود که اگر موافق طبیعت باشد نگاهدار و گرنه بفروشش یا رها کن و در حدیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در تادیب اطفال و غلامان و کنیزان
پنج تازیانه یا شش تازیانه بیشتر نزنند و آنرا هم برفق و همواری بزنند و در حدیث معتبر دیگر
منقول است که زراره از آنحضرت سوال کرد از زدن بنده فرمود که هر چیز که در دست او
تلف شود بی تقصیر او بعهده او چیزی نیست اما اگر دانسته نافرمانی تو کند میتوانی زدن او گفت
چه مقدار بزنم او را فرمود که سه یا چهار یا پنج تازیانه و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست

که فرمود که پیوسته جبرئیل مرا وصیت میکرد در باب غلام و کنیز تا آنکه گمان کردم که برائی ایشان
حدی مقرر خواهد کرد که چون بآنحد برسند آزاد شوند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که بنده که مؤمن باشد چون هفت سال خدمت کند آزاد می شود و بعد از آن خدمت کردن او
حلال نیست و جمعی حمل کرده اند این حدیث را بر آنکه سنت مؤکده است که بعد از هفت سال او را آزاد
کنند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چهار صفت است که در
هر که باشد حقتعالی او را می آمرزد و ساکن میگرداند در اعلائی علیین و در اعلائی غرفهائی شرف
کسیکه پناه دهد یتیمی را و متوجه احوال او گردد و از برائی او بمنزله پدر مهربان باشد و کسیکه رحم کند
بر ضعیفان و اعانت ایشان نماید و کسیکه مال خود را صرف پدر و مادر نماید و با ایشان مدارا کند
و احسان نماید و ایشانرا آزرده نکند و کسیکه تندی و سفاهت با بندهٔ خود نکند و او را یاری نماید
بر خدماتیکه باو می فرماید و کاریکه براو دشوار باشد باو نفرماید و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقولست که به بندگان خود بخورانید آنچه خود میخورید و با ایشان بپوشانید آنچه خود
میپوشید و در روایت دیگر منقول است که آنحضرت باصحاب خود فرمودند که میخواهید خبر دهم
شما را به بدترین مردم گفتند بلی یا رسول الله فرمود که کسیکه تنها سفر کند و عطای خود را از مردم
منع کند و غلام خود را بزند و در حدیث دیگر فرمود که بس اند که اگر بر ایشان ظلم نکنی ایشان بر تو
ظلم میکنند و نان و زن تو و خادمان تو و در حدیث دیگر فرمود که بندگان خود را بقدر عقل
ایشان مورد عتاب سازید و در حدیث دیگر منقول است که روزی غلامی از حضرت صادق علیه السلام
ناپیدا شده بود حضرت او را می طلبیدند تا آنکه دیدند که در جائی خوابیده است بر بالین او نشستند
و او را باد میزدند تا او بیدار شد پس فرمودند که ترا نیست که شب و روز همه خواب کنی شب خواب
کن و روز خدمت کن و در احادیث معتبره از آنحضرت منقولست که کس اند که نماز ایشان مقبول
نیست غلامی که از آقائی خود گریخته باشد تا آنکه برگردد و خود را تسلیم آقا نماید و شخصی که پیش نماز گروهی
کند که باو راضی نباشند و زنی که شوهر از او خشمناک بخواب رود و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقول است که اول کسیکه داخل بهشت شود شهید است و غلامی که نیکو عبادت
کند پروردگار خود را و خیر خواه آقائی خود باشد و مرد عیالواری که از حرام و شبهه عفت ورزد و در اتقا میش

معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هر که بندهٔ آزاد کند حقتعالی
بهر عضوی از آن بنده عضوی از او را از آتش جهنم آزاد گرداند و حضرت صادق علیه السلام
فرمود که مستحب است که در شب عرفه و روز عرفه بخدا تقرب بجویند بآزاد کردن و تصدق نمودن

فصل دوم در حقوق همسایگان و یتیمان و عشیره و قبیله از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
وسلم منقولست که پیوسته مرا جبرئیل وصیت مینمود برعایت همسایه تا آنکه گمان کردم
که برای او میراثی قرار خواهد داد و فرمود که هر که همسایهٔ خود را آزار کند حقتعالی بوی بهشت را برو
حرام گرداند و ماوای او جهنم باشد و فرمود که هر که از همسایهٔ خود بقدر یک شبر زمین خیانت کند خدا
آن زمین را تا طبقهٔ هفتم طوقی گرداند در گردن او تا چون او را بمقام حساب آورند آن طوق
در گردن او باشد مگر آنکه توبه کند و آن زمین را پس دهد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هر که آزار خود را از همسایه باز دارد حقتعالی در قیامت از گناهان او درگذرد و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که سه چیز است که بدترین بلاهاست پادشاهی یا صاحب حکمی
که اگر احسان باو کنی شکر نکنند و اگر بدی کنی نگذارند و همسایه که چشمش ترا ببیند و دلش مرگ ترا
خواهد و اگر نیکی ببیند بپوشاند و مذکور نسازد و اگر بدی ببیند ظاهر کند و منتشر گرداند و زنی که
اگر حاضر باشی ترا شاد نگرداند و اگر غائب باشی خاطرت بآن مطمئن نباشد و در حدیث دیگر فرمود
که هر که آزار همسایه کند برای طمع در خانهٔ او خدا خانهٔ او را بهمسایه برساند و در حدیث معتبر منقولست
که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرسیدند که آیا در مال حقی بغیر از زکوة هست فرمود بلی
نیکی و احسان کردن بخویشان که با تو بدی کنند و احسان کردن بهمسایگان مسلمان بدرستیکه
ایمان بمن ندارد کسیکه شب سیر میخورد و همسایهٔ مسلمانش گرسنه است و در چند حدیث معتبر از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که چهل خانه از هر طرف همسایه اند و در حدیث دیگر فرمود
که از جملهٔ حقوق مال از حق ماعون است که حقتعالی وعید جهنم فرموده است برای کسیکه منع آن نماید
و آن قرضی است که بهمسایه دهد یا نیکی که با ایشان کند یا ضروریات خانه که بایشان عاریت دهد
راوی عرض کرد که همسایگان داریم که اگر چیزی بایشان بعاریت میدهیم می شکنند و ضایع میکنند
در اینصورت بر ما گناهی هست اگر بایشان ندهیم فرمود که هرگاه چنین باشد گناهی بر شما نیست

اگر با ایشان حسد و در حدیث دیگر فرمود که حلال نیست منع کردن نمک و آتش از همسایگان
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که ماعون را منع نماید از همسایگان
حق تعالی منع نماید از و خیر و احسان خود را در حسرت و او را بخود واگذارد و وای بر حال او و از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که زنهار متوجه حقوق مشوید که بر خود لازم کنید آنچه
از خرجها که بر قبیله واقع میشود حسد و مضایقه مکنید و اگر از قبیله شما کسی شما را تکلیفی کند
که ضررش بر شما زیاده از نفعی باشد که با و میرسد قبول کنید و در حدیث دیگر منقول است که حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه و آله در بیماری بدیدن صعصعه بن صوحان که از اصحاب بزرگ آنحضرت بود
تشریف آوردند پس فرمودند باینکه من بعیادت تو آمدم فخر مکنی بر قوم خود و اگر ایشان از در امری
خود را از آن امر بکنار مگیر که آدمی بی نیاز نیست از قوم و قبیله خود و با ایشان محتاج است و اگر یاری
ایشان منع کرده و یاریهای بسیار ایشان از خود گردانیده پس اگر ایشان را در حال خوبی بهبینی یاری
ایشان بکن بر آن امر و اگر در بلائی باشند ایشان را واگذار و باید که یاری کردن شما یکدیگر در طاعت
خدا باشد بدرستیکه همیشه با رفاهیت و نعمت خواهید بود و اگر یاری یکدیگر کنید در طاعت
خدا و باز ایستید از معصیت خدا و در حدیث معتبر منقول است که اسیر چند را بنزد حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم آوردند از کافران پس یکی از ایشان را پیش آوردند که گردن بزنند در آنحال
حضرت جبرئیل نازل شد و گفت یا محمد این اسیر که میخواهی که گردنش را بزنی بمردم طعام میخورانید
و مهمانداری میکرد و خرجهائی که در میان قبیله واقع می شد میداد و بکار گران اهل قبیله را بر دوش
خود میداشت پس حضرت بآن اسیر فرمودند که حقتعالی چنین وحی فرستاده است او من ترا آزاد کردم
از کشتن باین خصلتها آن اسیر گفت که پروردگار تو این خصلتها را دوست میدارد فرمود که بلی اسیر
گفت شهادت میدهم بوحدانیت خدا و پیغمبری تو بحق آن خداوندی که ترا براستی فرستاده است که هرگز
از مال خود کسیرا بر نگردانیدم و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که خوردن مال یتیم
بناحق از جمله گناهان کبیره است و در حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود که هر که نگاهداری کند یتیمی را و او را نفقه دهد من و او در بهشت مانند این دو انگشت با هم
باشیم و اشاره بانگشت شهادت و میانه فرمودند و در حدیث دیگر فرمود که هر که یتیمی را در عیال خود

داخل بکند و خرج او را بدهد تا او مستغنی شود از خدا بهشت را برای او واجب گرداند چنانچه برای خورنده مال یتیم جهنم را واجب گردانیده است و در روایت معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که هر مرد مومن و زن مومنه که دست بر سر یتیم بکشد از روی ترحم حقتعالی بعدد هر موئی که دستش بر آن بگردد حسنه برای او بنویسد و در روایت دیگر منقول است که بهر موئی حقتعالی نوری با و کرامت فرماید در قیامت و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که هر که از سنگینی دل خود آزرده باشد و خواهد دلش نرم شود یتیمی را نزدیک خود بخواند و با و مهربانی کند و بر سر خوان خود بنشاند و از روی شفقت دست بر سر روی او بمالد بدرستیکه یتیم را بر مردم حق عظیم است و در حدیث دیگر فرمود که چون یتیم بگرید عرش الهی برای او بلرزد پس پروردگار عالم فرماید که کیست آنکه بگریه آورده است این بنده مرا که پدر و مادرش را گرفته ام بعزت و جلال خود سوگند میخورم که هیچ بنده او را ساکن نگرداند مگر آنکه بهشت را برای او واجب گردانم و در احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حقتعالی در قرآن مجید برای کسیکه مال یتیم را بناحق بخورد دو عقاب مقرر فرموده یکی عذاب جهنم در آخرت و دیگری آنکه در دنیا بعد از و با یتیمان او بکنند آنچه او با یتیمان دیگران کرده باشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حقتعالی جماعتی را در قیامت از قبر با محشور گرداند که از دهنهای ایشان آتش شعله ور باشد و آنها جماعتی باشند که مال یتیمان را خورده باشند چنانچه حقتعالی می فرماید بدرستیکه آنجماعتی که مال یتیمان را بظلم میخورند نمیخورند در شکم خود مگر آتش و بزودی آتش افروز جهنم گردند بدانکه ولی یتیم که تصرف در مال او تواند شود پدر است و جد پدری و وصی که ایشان تعین کرده باشند و اگر اینها نباشند حاکم شرع یعنی امام علیه السلام و کسیکه آنحضرت تعین کرده باشد و اگر امام حاضر نباشد اکثر علما را اعتقاد آنست که مجتهد جامع الشرائط میکند یا کسیکه او نصب کرده باشد و از احادیث معتبره ظاهر میشود که مومنان صالح از برائی خدا متکفل احوال ایشان و ضبط اموال ایشان میتوانند شد که آنچه صرفه و غبطه ایشان باشد رعایت کنند و اگر پریشان باشند و سعی در مال یتیم مانع کسب ایشان باشد بقدر خرج ضروری خود از مال ایشان خرج میتوانند کرد و بهتر آنست که رعایت کنند

اگر زیاده از اجرت متعارفه آن عمل برندارند و هم چنین پدر و جد پدری و وصی باید که نهایت رعایت
در صرفهٔ ایشان بکنند و اگر آنقدر مال نداشته باشند که وفا بقرض کند از مال ایشان قرض برندارند
و اگر پدر و جد پدری پریشان باشند بقدر نفقهٔ ضروری خود از مال ایشان میتوانند برداشت و اگر
مادر هم پریشان باشد نفقهٔ او را ولی از مال یتیم میتواند داد و اگر قدر خرج طفل را حساب کنند
و با نفقهٔ خود ضم کنند و باهم چیزی بخورند باکی نیست فصل سیوم در حقوق صداقت و اخوت
در حدیث معتبر منقول است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله در وقت فوت
وصیت نمود بحضرت امام حسن علیه السلام که برادری کن با برادران از برای خدا و دوست دار
صالحان را برای صلاح ایشان و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که برادر مؤمنی را
برای خدا دوستی نماید خانه در بهشت یافته باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقولست که کسی که بعد از اسلام فائده نیافته است که بهتر باشد از برادری که از برای خدا
گرفته باشد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد
که بسیار است که اندوهگین میشوم بی سببی که اهل و یاران من اثر آنرا از روی من
مشاهده میکنند فرمود که حقتعالی مؤمنان را از طینت بهشت آفریده است و از نسیم رحمت
خود روح در ایشان جاری گردانیده پس از این سبب مؤمنان برادران پدر و مادری یکدیگرند
پس چون بروح یکی از مؤمنان اندوهی رسید مؤمنان دیگر برای اندوه او محزون میشوند و در حدیث
معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که نظر کردن بسوی امام عادل عبادت
است و نظر کردن بسوی عالم عبادت است و نظر کردن بر روی پدر و مادر از روی
شفقت و مهربانی عبادت است و نظر کردن بروی برادری که دوست داری او را برای
خدا عبادت است و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که
برادران دو نوع اند یکی برادرانی که محل اعتماد باشند در دوستی و یاری و دیگری برادران
خندیدن و صحبت داشتن اما اول پس ایشان بمنزلهٔ دست اند و بال اند و اهل اند و مال اند پس چون
برادری چنین اعتماد داشته باشی از برای او صرف کن مال و بدن خود را و با دوستانش
دوستی کن و با دشمنانش دشمنی کن و رازش را بپوشان و عیبش را مخفی دار و نیکیهایش را افشا کن

و با آنکه این قسم برادران کمتر از گوگرد سرخ که اکسیر است و اعدم پس تو لذت صحبت
ایشان را می یابی این را از ایشان قطع مکن و توقع زیاده از ایشان مدار و در احادیث معتبره
وارد شده است که اخوت و برادری و آشنائی در عالم ارواح در میان مومنان بهم رسیده
و در این نشاء چون یکدیگر را دیدند آنرا بیاد می آورند و در احادیث معتبره وارد شده است که مومن
برادر مومن است و دیده اوست و راه نمائی اوست با او خیانت نمیکند و بر او ظلم نمیکند و
او را فریب نمیدهد و با او وعده که میکند خلف نمیکند و با او دروغ نمیگوید و غیبت او نمیکند و در
حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که صداقت و یاری و دوستی حدی چند دارد
که هر که همه آنها در او باشد او را بکمال صداقت نسبت مده و کسیکه هیچیک از آنها در او نباشد
باو هیچ چیز از صداقت او نسبت مده اوّل آنکه آشکار او و پنهانش با تو یکی باشد دوّم آن که
زینت ترا زینت خود داند و عیب ترا عیب خود داند سیّوم آنکه بهم رسانیدن مالی یا حکومتی
سلوک او را با تو تغیر ندهد چهارم آنکه آنچه توانائی او بآن رسد از تو منع نکند پنجم آنکه در وقت
نکبتها و بلاها ترا وا نگذارد و ترک یاری تو نکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که از برادران
مومن تو سه مرتبه با تو غضب آید و در هیچ مرتبه حرف بدی در حق تو نگوید او را بدوستی و یاری
خود بگیر و در حدیث صحیح دیگر فرمود که اعتماد بسیار بر برادر و دوست خود مکن که رازهای خود را
باو بسپاری که در وقتی که او از تو برگردد چاره نتوانی کرد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول
است که صحبت بیست ساله خویشاوندی است و علم الهش را بایکدیگر بیشتر جمع میکند و رابطه میدهد
از پدران و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون دوستی داشته باشی و حکومتی بهم رسا
ند ده یک آنچه با تو دوستی میکرد بکند دوست بدی نیست از برائی تو و از حضرت امیر المومنین صلوات الله
علیه و آله منقولست که دوستی با دوستان خود هموار کن و خود را پرده با ایشان بلکه روزی دشمن
تو شوند و دشمنی را با دشمنان خود هموار کن شاید که روزی دوست تو شوند و از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که مطلع مگردان دوستان خود را بر راز خود مگر رازی که اگر دشمن تو بداند بتو
ضرری نرسد زیرا که گاه هست که دوست دیگری دشمن میشود و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول
است که بهترین عیش دنیا فراخی خانه و بسیاری دوستان است و حضرت لقمان به پسر خود را گفت

که با سه کس مصاحبت مکن و با یک کس دشمنی مکن و راضی باش که غلام نیکان باشی و راضی مشو که فرزندان بدان باشی و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که پنج چیز است که در هر که نباشد زندگی بر او گوارا نیست صحت بدن و امنیت و توانگری و قناعت و مونس موافق و در حدیث دیگر فرمود که هر کرا پند دهنده از دلش و خبر کننده از نفسش و مصاحبی که او را براه خیر بدارد نباشد شیطان بر گردنش سوار میشود و در حدیث دیگر فرمود که قطع آشنائی از دوستان پدر خود مکن که روشنی احوالت بتاریکی مبدل میشود و فرمود که هر که محبت خود را بغیر محلش بگذارد خود متعرض قطع محبت خود شده است و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که هر که خود را در محل تهمت در آورد و ملامت نکند کسی را که گمان بد باو ببرد و هر که راز خود را پنهان دارد اختیار با خودش است و هر سخنیکه از دو کس گذشت فاش میشود و چون با کسی برادری کنی آنچه از دینی بر محمل نیک حمل کنی تا آنکه بحدی برسد که دیگر محمل نیک نیابی و زنهار گمان بد مبر بسخنی که از برادرت صادر میشود تا محمل نیکی برای آن یابی و بسیار بگیر از برادران نیک که ایشان در وقت رفاهیت تهیه اند برای وقت بلا و در وقت بلا سپرند برای دفع اعدا و مشورت با جماعتی بکن که از خدا ترسند و برادران مومن را بقدر پرهیزگاری ایشان دوست دار و پرهیز از زنان بد و از نیکان ایشان در حذر باش و از حضرت امام رضا علیه التحیة و الثنا منقولست که اگر خواهی که تمام شود برائی تو نعمت و کامل شود برائی تو مردی و مروت و باصلاح آید برائی تو امور معیشت پس شریک مگردان غلام و مردم دون را در کارهائی خود که اگر ایشان را امین گردانی خیانت میکنند و اگر سخنی با تو گویند دروغ میگویند و اگر بلائی پیش آید ترا یاری نمیکنند و با عاقل مصاحبت بکن هر چند کریم نباشد و از عقلش بهره ور شو و از خلق بدش حذر بکن و با کریم مصاحبت کن هر چند عاقل نباشد که بعقل خود از کرم او منتفع میشوی و بگریز نهایت گریختن از احمقی که بخیل باشد

فصل چهارم در بیان حقوق مومنان بر یکدیگر و حسن معاشرت با خلق بسند معتبر منقولست که معلی بن خنیس از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسید که حق مسلمان بر مسلمان چیست فرمود که هفت حق است که هر یک از آنها واجب است و اگر یکی از آنها ترک کند از دوستی و طاعت خدا بدر میرود پرسید که آنها چیست فرمود که میترسم که بدانی و عمل بآن ننمائی و رعایت آنها نکنی

آسان ترین آنها آن است که آنچه از برائی خود دوست میداری از برائی او دوست
داری و آنچه از برائی خود نمیخواهی از برائی او نخواهی دوم آنکه بپرهیزی از غضب او و پیروی
خوشنودی او بکنی و آنچه فرماید اطاعت کنی سیوم آنکه او را یاری کنی بجان و بمال و بزبان
و بدست و پا چهارم آنکه دیده و رهنما و آئینه او باشی پنجم آنکه تو سیر نباشی و او گرسنه باشد
و تو سیراب نباشی و او تشنه باشد و تو پوشیده نباشی و او عریان باشد ششم آنکه اگر تو
خدمتکار داشته باشی و او نداشته باشد واجب است که خادم خود را بفرستی که جامهٔ او بشوید
و طعامش را بسازد و رخت خوابش را بگستراند هفتم آنکه ترا اگر قسم دهد بعمل آوری و اگر ترا بخانه
دعوت کند قبول کنی و اگر بیمار شود بعیادتش بروی و اگر بمیرد بجنازه اش حاضر شوی و اگر
دانی که حاجتی دارد پیشی گیری به برآوردن آن پیش از آنکه از تو سوال کند چون چنین کنی پیوند کردهٔ
محبت خود را بمحبت او و محبت او را بمحبت خود و در حدیث دیگر فرمود که هیچ عبادتی
نزد خدا بهتر از ادا کردن حق مؤمن نیست و بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که وعده کردن مؤمن برادر مؤمن خود را نذریست که کفاره ندارد و هر که خلف وعده کند
اول بخدا خلف وعده کرده است و متعرض غضب الهی شده است و در حدیث
حسن دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که ایمان بخدا و روز
قیامت دارد باید که وفا کند بوعدهٔ خود و بسندهای معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقولست که مؤمن را بر مؤمن هفت حق واجب است اول آنکه در حضور او را تعظیم نماید و
محبتش در سینهٔ او باشد و مال خود را به او صرف نماید و غیبت او را بر خود حرام داند و چون بیمار شود
بعیادت او برود و چون بمیرد بجنازه اش حاضر شود و بعد از مردنش بغیر از نیکی او چیزی نگوید و
بسند حسن از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که دوست دار برادر مسلمان خود را
و بخواه از برائی او آنچه از برائی خود میخواهی و مخواه از برائی او آنچه از برائی خود نمیخواهی و چون تو
محتاج شوی از او سوال کن و هرگاه از تو سوال کند با او عطا کن و نیکی را از او ذخیره مکن تا او هم
از تو ذخیره نکند و یاور او باش که او یاور تو باشد و اگر غایب شود حرمت او را در غیابش نگاهدار و چون بیاید بدیدنش
برو و او را اکرامی دار [illegible] که او از تست و تو از وئی و اگر با تو در مقام عتاب باشد از و جدا مشو

تا کینه را از سینه او ببری و اگر نعمتی باو رسد خدا را شکر کن و اگر بلائی او را پیش آید یاور او باش
و با او محبت زیاده کن و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که مسلمان را
بر برادر مسلمان شش حق هست هرگاه باو برسد برو سلام کند و هرگاه بیمار شود بعیادتش
برود و هرگاه که عطسه کند در او دعا کند و چون بمیرد بجنازه او حاضر شود و هرگاه او را بضیافت
بطلبد قبول کند و از برای او دوست نماید آنچه از برای خود دوست میدارد و از برای او دشمن دارد آنچه
از برای خود دشمن میدارد و بسندهای معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست
که هر که صبح کند و اهتمام بامور مسلمانان نداشته باشد او مسلمان نیست و کسی که بشنود که کسی فریاد
میکند که ای مسلمانان بفریاد من رسید و یاری او نکند او مسلمان نیست و فرمود که محبوب ترین مردم
کسی است که نفعش بمردم بیشتر رسد و فرمود که هر که گروه از مسلمانان ضرر آبی یا آتشی را دفع کند
بهشت او را واجب شود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حق مؤمن بر
مؤمن آنست که او را اهل دوست دارد و مال خود را از و دریغ ندارد و اگر بسفری رود با خوان اهل
او بپردازد و اگر کسی بر او ظلم کند او را یاری نماید و اگر عطائی بمسلمانان دهند و او غائب باشد بهرهٔ او را
از برای او بگیرد و چون بمیرد بزیارت قبرش برود و بر او ظلم نکند و او را فریب ندهد و با او خیانت
نکند و برروی او اف نگوید و اگر اف بگوید دوستی از میان ایشان برطرف شود و اگر گوید تو دشمن
منی یکی از ایشان کافر باشد زیرا که اگر دروغ گفته است خود کافر است و اگر راست گفته این
دیگری کافر است یعنی صاحب کبیره است و چون او را بتهمتی متهم سازد ایمان در دلش بگدازد چنانچه نمک در آب
و در حدیث دیگر فرمود که باید برای برادر مسلمان خود بخواهد آنچه از برای عزیزترین اهل خود میخواهد و نخواهد از برای او آنچه از
برای عزیزترین اهل خود نمیخواهد و دوستی او را خالص گرداند از شوائب تا آنکه از شادی او شاد باشد و در
اندوه او اندوهگین باشد و اگر تواند سعی کند که غم او را زائل گرداند و الا دعا کند که خدا اندوهش را
بردارد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت آن حضرت آمد از و پرسیدند که برادران خود را
بر چه حال گذاشتی گفت که بر نیکو حالی گذاشتم ایشان را فرمود که توانگران ایشان چگونه باحوال
فقیران میرسند گفت کمتر فرمود که توانگران چه قدر بعیادت بیماران میروند گفت کم فرمود که توانگران
چه مقدار احسان بفقیران میکنند گفت چیزی چند میفرمائید که در پیش ما اینها نمی باشد فرمود که

پس چگونه ایشان دعوای تشیع می کنند و در حدیث دیگر فرمود که برادران نیکوکار باشید
و از برای خدا با یکدیگر دوستی کنید و بدین یکدیگر بروید و با یکدیگر نشینید و دین ما و احادیث
ما را یاد کنید و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که واجب است از برای مومن
بر مومن که هفتاد کبیرهٔ او را بپوشاند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که واجب است
از برای مومن بر مومن که خیرخواه او باشد در حضور و غیبت و در حدیث دیگر فرمود که بر شما باد
بخیرخواهی خلائق که هیچ عملی نزد خدا ازین بهتر نیست

فصل پنجم در قضای حاجت مومنان

و سعی نمودن در کارهای ایشان و شاد گردانیدن ایشان در حدیث صحیح از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقول است که هر که مومنی را شاد گرداند مرا شاد گردانیده است و هر که مرا شاد
گرداند خدا را شاد گردانیده است و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
که تبسم کردن در روی برادر مومن حسنه است و خاشاکی از او برداشتن حسنه است و هیچ عبادتی را
خدا دوست تر نمیدارد از شاد گردانیدن مومن و در حدیث دیگر فرمود که حقتعالی خطاب فرمود
با حضرت موسی علیه السلام که بدرستیکه مرا بندگانی هست که بهشت را برای ایشان مباح میکنم
و ایشان را حاکم میگردانم در بهشت حضرت موسی گفت پروردگارا کیستند ایشان فرمود که کسی که
سروری بمومن داخل کند پس حضرت فرمود که مومنی در مملکت پادشاه جباری بود و آن پادشاه
در مقام آزار او بود از او گریخت و بشهر کفار رفت و پناه بکافری برد آن کافر او را جا داد و مهربانی
و ضیافت کرد چون وقت مرگ آن کافر شد حقتعالی باو وحی فرستاد که بعزت و جلال خود
سوگند میخورم که اگر ترا در بهشت جای میبود هر آینه ترا به بهشت در می آوردم ولیکن بهشت حرام
است بر کسیکه کافر بمیرد پس خطاب نمود بآتش جهنم که او را بترسان اما مسوزان و امر فرمود
که در اول و آخر روز بسوی او روزی ببرند و بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که
حقتعالی وحی نمود بحضرت داود که بنده از بندگان من حسنه نزد من می آورد که من بهشت را
برای او مباح میگردانم حضرت داود پرسید که آن حسنه کدام است فرمود که بر بنده مومن خوشحالی داخل
گرداند اگرچه بیک دانه خرما باشد داود گفت که پروردگارا سزاوار است که کسیکه ترا بشناسد
قطع امید خود از تو نکند و در حدیث دیگر فرمود که کسیکه مومنی را شاد گرداند نه او را شاد گردانیده

است و بس بلکه ما را شاد گردانیده است بلکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را شاد
گردانیده است و در احادیث معتبره از آنحضرت منقولست که چون مؤمن از قبر بیرون می آید
با او شخصی بیرون می آید و می گوید بشارت باد مر ترا بکرامت از جانب خدا
و خوشحالی پس مؤمن با او میگوید که خدا ترا بشارت به نیکی بدهد پس با او می باشد و بهر هولی که
میگذرد میگوید که این از تو نیست و بهر نیکی که میگذرد میگوید که این از تست و پیوسته او را
چنین بشارت میدهد تا آنکه بمقام حساب آید پس چون امر کنند که او را به بهشت برند باو میگوید
که بشارت باد که خدا فرمود که ترا به بهشت برند مؤمن گوید که تو کیستی که از قبر تا اینجا مرا بشارت
دادی و مونس من بودی و از جانب خدا بمن خبر رسانیدی گوید که منم آن شادی که در دل
برادر مؤمن خود داخل کردی در دنیا خدا مرا از آن خلق کرده است که بشارت دهنده تو و در
تنهائی مونس تو باشم و در حدیث دیگر فرمود که هر که مؤمنی را شاد گرداند حقتعالی هزار هزار حسنه
برای او بنویسد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که یک حاجت برای برادر مؤمن خود برآورد حقتعالی
در قیامت صد هزار حاجت او را برآورد که یکی از آنها بهشت باشد و دیگری آنکه خویشان
و آشنایان خود را داخل بهشت گرداند اگر ناصبی نباشند و در حدیث دیگر فرمود که برآوردن
حاجت مؤمن بهتر است از هزار بندگان آزاد کردن و هزار اسپ در راه خدا بجنگ فرستادن
و در حدیث دیگر فرمود که بهتر است از بیست حج که در هر حجی صاحبش صد هزار درهم صرف کند
و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که یک حج بهتر است از هفتاد بنده
آزاد کردن و خرج کشیدن و نفقه دادن اهل یک خانه از مسلمانان که ایشان را سیر کند و بپوشاند
و روی ایشان را از سوال کردن حفظ کند بهتر است از هفتاد حج و در حدیث حسن از حضرت امام
جعفر صادق منقولست که هر که هفت شوط طواف دور خانه کعبه بکند حقتعالی برای او شش هزار حسنه بنویسد
و شش هزار گناه محو کند و شش هزار درجه برای او بلند کند و شش هزار حاجت او را برآورد
و برآوردن حاجت مؤمن بهتر است از ده طواف و در حدیث دیگر فرمود که هر مسلمانی که
حاجت مسلمانی برآورد حقتعالی او را ندا کند که ثواب تو بر من است و راضی نمیشوم برای تو
بغیر از بهشت و در حدیث دیگر فرمود که چون کسی از برای برآوردن حاجت مؤمن راه رود حقتعالی

دو ملک را موکل گرداند از جانب راست و چپش که برائی او استغفار کنند و دعا کنند که
حاجتش برآورده شود و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقولست که هر که
برادر مؤمن او نزد او بیاید برائی حاجتی او رحمتی است که خدا تعالی بسوئی او فرستاده است
اگر قبول کند پس پیوند کرده است دوستی او را بدوستی ما و دوستی ما بدوستی حق تعالی
موصولست و اگر او را رد کرده و قادر بود که حاجتش را برآورد حقتعالی بر او مسلط گرداند در قبر ماری
از آتش که او را بگزد تا روز قیامت خواه در روز قیامت او را خدا بیامرزد و خواه عذاب کند
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که مؤمنی که برادر مؤمنش حاجتی نزد او بیاید
و او قادر نباشد بر برآوردن حاجت او و دلش غمگین شود بسبب این غم البته بهشت را
برائی او واجب گرداند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مؤمنی که در حاجت برادر
مؤمن خود راه رود ده حسنه برائی او نوشته شود و ده گناه از او محو شود و ده درجه در بهشت برای
او بلند شود و برابر ده بنده آزاد کردن باشد و بهتر باشد از اعتکاف یکماه در مسجد الحرام و از حضرت امام
رضا علیه التحیة والثناء منقولست که خدا را بندگان است که سعی میکنند در حاجت مردم
ایشان ایمنانند در روز قیامت و هر که دل مؤمنی را شاد کند حقتعالی دل او را در قیامت
شاد گرداند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هر که راه رود برائی برآوردن حاجت
برادر مسلمان خدا هفتاد و پنج هزار ملک را بفرستد که او را سایه کنند و بهر قدمی برائی او
حسنه بنویسند و گناهی محو کنند و درجه بلند کنند و چون از کار سازی او فارغ شود ثواب
حج و عمره در نامه عملش بنویسند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که چون راه روم در حاجت
برادر مسلمان دوست تر میدارم از آزاد کردن هزار بنده و هزار کس را بر اسپان زین و لجام
کرده سوار کنم و بجهاد بفرستم و در حدیث دیگر فرمود که هر که سعی کند و راه رود در حاجت برادر
مسلمان خود از برائی رضائی خدا تعالی برائی او هزار هزار حسنه بنویسد که بسبب آنها خویشان
و همسایگان و آشنایان او را بیامرزد و هر که با او نیکی کرده باشد در قیامت باو خطاب برسد
که داخل جهنم شو و هر که در دنیا با تو نیکی کرده است او را بیرون آور و داخل بهشت کن مگر آنکه
دشمن اهلبیت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم باشد و فرمود که حقتعالی فرموده است

که خلائق

که خلائق عیال من اند و محبوب‌ترین ایشان نزد من کسی است که با ایشان مهربان‌تر باشد
و سعی در برآوردن حاجت ایشان بیشتر کند و فرمود که هر که بفریاد رسد برادر مؤمن غمگین مضطر خود را
در هنگام شدت و سختی از غم و اندوه پس او را بردارد حاجت او را برآورد حق تعالی واجب گرداند برای
او هفتاد و دو رحمت که یکی را در دنیا باو بدهد که کارهای دنیای او باو ساخته شود و هفتاد و یک
رحمت دیگر برای او ذخیره کند برای ترسها و شدتهای روز قیامت و فرمود که هر که غمی از مؤمنی
بردارد حق تعالی غمهای آخرت را از او بردارد و چون از قبر بیرون آید دلش مطمئن و شاد باشد
و هر که مؤمنی را طعام دهد حق تعالی از میوه‌های بهشت او را طعام دهد و هر که مؤمنی را آب دهد
حق تعالی از شراب سر بمهر بهشت او را آب دهد و در حدیث دیگر فرمود که هر که غمی از مؤمنی بردارد
حق تعالی حاجات دنیا و آخرت او را برآورد و هر که عیب مؤمنی را بپوشاند حق تعالی هفتاد
عیب از عیبهای دنیا و آخرت او را بپوشاند و تا مؤمن در یاری برادر مؤمن است خدا یاور
اوست و در حدیث معتبر از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما منقول است که هر که
حاجت برادر مؤمن خود را برآورد حق تعالی صد حاجت او را برآورد که یکی بهشت باشد و هر که
غمی از مؤمنی بردارد حق تعالی غمهای او را در قیامت بردارد و هر که اعانت کند مؤمنی را بر
ظالمی خدا او را یاری کند در گذشتن بر صراط در وقتیکه قدمها بلغزد و هر که حاجت مؤمنی را برآورد
که او شاد شود چنان باشد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را شاد کرده باشد و هر که مؤمنی
را آب دهد در وقت تشنگی حق تعالی او را از شراب بهشت سیراب گرداند و هر که مؤمنی را سیر کند
حق تعالی از میوه‌های بهشت او را سیر کند و هر که بر مؤمنی جامه بپوشاند در وقتیکه عریان باشد
خدا او را از دیبا و حریر بهشت بپوشاند و هر که جامه بر او بپوشاند در غیر عریانی پیوسته در ضمان
خدا باشد از بلاها تا از آن جامه بر آن مؤمن تاری باقی باشد و هر که خادمی باو بدهد خدا او را از حور
بهشت خادم بدهد و هر که او را از پیاده بودن سوار کند حق تعالی او را بر ناقه‌ای از ناقه‌های بهشت سوار
کند که در قیامت با ملائکه مباهات کند و هر که بعد از مردن کفن بپوشاند بر مؤمنی چنان باشد که او را
جامه داده باشد از هنگام ولادت تا وقت مردن و هر که زنی بمؤمنی بدهد که با او انس گیرد حق تعالی
در قبر ملکی مونس او گرداند بصورت محبوب‌ترین اهل و فرزند او و هر که در بیماری عیادت مؤمنی کند

ملائکه او را از همه جهت فرو گیرند و گویند خوشا حال تو و گوارا باد بهشت از برای تو و الله که قضای حاجت مؤمن بهتر است نزد خدا از روزه داشتن و اعتکاف کردن دو ماه از ماههای حرام و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که خدا در قیامت سایه مقرر ساخته است که در زیر آن سایه نیست مگر پیغمبری یا وصی پیغمبری یا مؤمنی که بنده مؤمن را آزاد کند یا مؤمنی که قرض مؤمن را ادا کند یا مؤمنی که مؤمنی را کدخدا کند و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مؤمنی در روز قیامت بگذرد بر شخصی که حقتعالی امر فرموده باشد که او را بجهنم برند و ملک او را برد بجهنم خطاب کند مؤمن را که بفریادم برس که در دنیا من بتو نیکی میکردم و حاجت ترا بر می آوردم مؤمن بملک گوید که دست از او بردار حقتعالی فرماید که چون بنده مؤمن شفاعت او کرد او را بگذارد و در حدیث معتبر از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما منقولست که گردان مسلمانانرا نزد خود بمنزله اهل خانه خود پیران ایشانرا بمنزله پدر خود بدان و خوردان ایشانرا بمنزله فرزندان خود بدان و آنها که هم سن تو باشند بمنزله برادر خود بدان هر کدام یک از ینها را نخواهی که ستم کنی یا نفرین کنی یا عیب ایشانرا فاش کنی و اگر شیطان خواهد که ترا فریب دهد که خود را از دیگران بهتر دانی اگر پیری ببینی که از تو بزرگتر است بگو که او در ایمان و اعمال شایسته بر من پیشی گرفته است پس از من بهتر است و اگر خورد تر از خود را ببینی بگو که من بیشتر از او گناهان کرده ام پس او از من بهتر است و اگر هم سال خود را ببینی بگو که یقین بگناه خود دارم و در گناه او شک دارم پس یقین خود را برای شک بگذارم و اگر ببینی که مردم ترا تعظیم و تکریم می کنند بگو این نیکی از ایشان است که بجا می آورند و اگر عمل می کنند اگر ایشان از تو دوری کنند و ترا حرمت ندارند بگو که این از گناهی است که من کرده ام چون چنین کنی زندگانی بر تو آسان شود و دوستانت بسیار شوند و دشمنانت کم شوند و از نیکی ایشان شاد شوی و از بدی ایشان دلتنگ نشوی و بدانکه گرامی ترین مردم بر مردم کسی است که خیرش بایشان رسد و از ایشان مستغنی باشد و سوال نکند از ایشان و بعد از آن گرامی تر کسی است که محتاج باشد و سوال نکند از ایشان زیرا که اهل دنیا همگی از پی مال میروند هر که با ایشان در مال مزاحمت نرساند عزیز است نزد ایشان و هر که مزاحمت نرساند و از مال خود

هم پاره بایشان میرساند عزیزتر و گرامی تر است و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
عیسی علیه السلام بیکی از اصحاب خود فرمود که آنچه نمیخواهی که با تو بکنند با هیچکس مکن و اگر
کسی طپانچه بر جانب راست رویت بزند جانب چپ را پیش کن و در حدیث معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هر مسلمانی که مسلمان دیگر نزد او بیاید برای حاجتی و او قادر
باشد بر برآوردن آن حاجت و بر نیاورد حقتعالی او را در قیامت سرزنش کند و تعییر بلیغ
و بگوید که برادر تو برای حاجتی نزد تو آمده که من ترا قادر گردانیده بودم بر برآوردن آن
و بر نیاوردی برای آنکه ثواب آنرا نخواستی بعزت خود سوگند میخورم که در هیچ حاجت
نظر رحمت بسوی تو نکنم خواه ترا بیامرزم و خواه عذاب کنم و در حدیث دیگر فرمود که هر مؤمنی که
منع کند از مؤمنی چیزیرا که او بآن محتاج باشد و او قادر باشد که آنرا از نزد خود یا از نزد دیگران
باو برساند حقتعالی او را در روز قیامت بازدارد روسیاه و دیده کبود و دستهایش در گردن غل کرده بازدارد پس
بگوید که اینست خائنی که با خدا و رسول خیانت کرده است پس امر میفرماید که او را بجهنم برند
و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که در قیامت سه کس در سایه عرش الهی باشند
در روزی که سایه بغیر آن نباشد کسیکه برادر مسلمان خود را زنی بدهد و کسیکه خادمی باو دهد
و کسیکه راز او را پنهان دارد **فصل ششم** در دیدن مؤمنان و عیادت بیماران ایشان
در احادیث معتبر بسیار وارد شده است از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلوات الله
علیهما که هر که بدیدن برادر مؤمن خود برود از برای رضای خدا حقتعالی هفتاد هزار ملک باو
موکل گرداند که او را ندا کنند تا بخانه خود برگردد که خوشحال بود گوارا باد بهشت از برای تو
و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که جبرئیل مرا خبر داد
که حقتعالی ملکی را بزمین فرستاد آن ملک رسید بمردی که بر در خانه ایستاده بود و از صاحب
خانه رخصت می طلبید که داخل خانه شود ملک پرسید که با صاحب این خانه چه کار داری
گفت برادر مسلمان من است از برای خدا بدیدن او آمده ام ملک گفت که هیچ مطلب دیگر
بغیر از این نداری گفت نه ملک گفت من رسول پروردگارم بسوی تو آمده ام ترا سلام میرساند
و میگوید که بهشت را واجب گردانیدم برای تو و می فرماید که هر مسلمانی که بدیدن مسلمانی

برود چنان است که بزیارت من آمده است و ثوابش بر من بهشت است و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که هر که بدیدن برادر مؤمن خود برود سبحانه او حقتعالی او را خطاب نماید که تو مهمان منی و بزیارت من آمده و مهمانداری تو بر من است و بهشت را بر تو واجب گردانیدم بسبب آنکه دوست داشتی برادر مؤمن خود را و در حدیث دیگر از امام محمد باقر علیه السلام منقول است که مؤمنی که بیرون می آید بعزم دیدن برادر مؤمن خود خداوند عالمیان ملکی با او موکل میگرداند که یک بالش را بر زمین میگذارد و یک بال دیگر بر سرش سایه می افگند پس چون داخل خانه مؤمن شود خداوند جبار او را ندا میکند که ای بنده که تعظیم حق من کردی و متابعت آثار پیغمبر من نمودی لازم است بر من که ترا تعظیم کنم از من سوال کن تا بتو عطا کنم و مرا بخوان تا ترا اجابت دعائی تو بکنم و اگر خواهی ساکت باش تا من ابتدا برحمت بکنم پس چون برگردد ملک او را مشایعت کند و بال بسر او داشته باشد تا بخانه خود برگردد پس حقتعالی او را ندا کند که ای بنده که حق مرا بزرگ شمردی لازم است بر من که ترا گرامی دارم بتحقیق که بهشت را برائی تو واجب گردانیدم و ترا در حق بندگان خود شفاعت دادم و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بدیدن برادر مؤمن رفتن از برائی خدا بهتر است از ده بنده مومن آزاد کردن و هر که بنده مؤمن را آزاد کند حق تعالی بهر عضوی از آن بنده عضوی از آتش جهنم آزاد گرداند و در حدیث معتبر منقولست که آن حضرت به داود بن سرحان فرمود که شیعیان مرا از من سلام برسان و بگو خدا رحمت کند بنده را که با دیگری بنشیند و یاد کند احادیث ما را که سوم ایشان ملکی است که از برائی ایشان استغفار میکند و هرگاه که با یکدیگر بنشینید یاد ما و احادیث ما کنید که بسبب نشستن و مذاکره مذهب و دین ما زنده میشود و بهترین مردم بعد از ما کسی است که مذاکره احادیث ما بکند و ما را یاد کند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که بدیدن یکدیگر بروید در خانها و گفتگو کنید که باین زنده میشود دین ما خدا رحمت کند کسی را که مذهب ما را زنده بدارد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که خوشا حال آنها که دوستی می کنند با یکدیگر برائے خدا بدرستیکه حقتعالی در بهشت عمودی خلق کرده است از یاقوت سرخ و بر آن عمود هفتاد هزار

قصر است و در هر قصری هفتاد هزار غرفه است که خدا خلق کرده است انهار را از برای کسانی
که دوستی با یکدیگر کنند و بدیدن یکدیگر بروند از برای خدا و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر که قادر نباشد که با احسانی بکند بصالحان شیعیان ما احسان کند تا ثواب
احسان کردن بما در نامه عملش نوشته شود و هر که قدرت بر دیدن ما نداشته باشد بدیدن
صالحان شیعیان ما برود تا ثواب دیدن ما برای او نوشته شود و در حدیث معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هر که عیادت کند مسلمان بیماری را در آمدن هفتاد هزار ملک
بر او صلوات فرستند اگر صبح باشد تا شام و اگر شام باشد تا صبح و در حدیث دیگر فرمود
که هر که بیماری را عیادت کند هفتاد هزار ملک او را مشایعت کنند و برای او استغفار
کنند تا بخانه خود برگردد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که مؤمنی را
عیادت کند در رحمت الهی فرو رود پس چون نزد او بنشیند رحمت او را احاطه کند پس چون
برگردد حقتعالی هفتاد هزار ملک را باو موکل گرداند که از برای او طلب آمرزش کنند و برو
ترحم کنند و بگویند که خوشا حال تو و گوارا باد بهشت از برای تو تا روز دیگر بآن وقت و باو
عطا فرماید زاویه در بهشت که سواره در آن چهل سال براند و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر مؤمنی که مؤمنی را در بیماری عیادت کند از برای خدا حقتعالی باو موکل سازد
ملکی را که در قبر او را عیادت کند و برای او استغفار کند تا روز قیامت و در حدیث دیگر
فرمود که هر که عیادت کند بیماری را حق تعالی باو موکل سازد هفتاد هزار ملک را که همیشه
بخانه او آیند و در آنخانه تسبیح و تهلیل و تکبیر و تقدیس الهی گویند تا روز قیامت و نصف ثواب
ایشان از برای او باشد و در حدیث دیگر فرمود که سزاوار آنست که کسیکه بیمار شود برادران
مؤمن را اعلام کند که بعیادت او بیایند که آنها ثواب برند و او ثواب بیابد بجز کردن آنها که
چنین کنند ده حسنه برای او نوشته شود و ده گناه از او محو شود و ده درجه از برای او بلند شود و در
حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که چون کسی بیمار شود مردم را رخصت
دهد که بعیادت او بیایند بدرستیکه هیچکس نیست مگر آنکه او را دعائی مستجابی هست و از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسیکه بعیادت برادر مؤمن برود و از برای بیمار خود

طلب دعا کند که دعائی او مانند دعائی ملائکه است و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که سه در چشم عیادت نمی باشد و در اول بیماری سه روز متوالی او را باید دید و بعد از ان
یکروز نه یکروز پس چون بیماری بسیار بطول کشد او را با عیالش میباید گذاشت و
عیادت نمیباید کرد و در حدیث دیگر فرمود که چون بدیدن بیمار روید سیبی یا اناری یا بهی
یا ترنجی یا بوی خوشی یا عودی با خود برید که بیمار بان استراحت مییابد و در حدیث دیگر
فرمود که از تمامی عیادت آنست که دست بر ذراع بیمار بگذارد و در وقت دعا کردن
و زود برخیزی که عیادت احمقان دشوارتر است بر بیمار از بیماری او و از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه و آله منقولست که از عیادت کنندگان کسی ثوابش بیشتر است که زود
تر برخیزد مگر آنکه بیمار نشستن او را خواهد و از و سوال کند که بنشیند

فصل هفتم در طعام دادن مؤمنان و آب دادن بایشان و جامه پوشانیدن و سائر اعانتهای ایشان

و یاری کردن مظلومان از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که مؤمنی را سیر کند
بهشت بر و واجب شود و هر که کافری را سیر کند بر خدا لازم است که شکم او را پر از زقوم جهنم
کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که سه نفر از مسلمانان را سیر گرداند حقتعالی او را از سه بهشت
طعام دهد جنت الفردوس و جنت العدن و جنت طوبی و در حدیث دیگر فرمود که هر که
مؤمنی را طعام دهد تا او سیر شود هیچیک از خلق خدا نداند که او را چه ثواب است نه ملک
مقرب و نه پیغمبر مرسل مگر خداوند عالمیان پس فرمود که از جمله چیزهائیکه آمرزش را واجب
میگرداند طعام دادن مسلمان گرسنه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقولست که هر که شربت آبی بمسلمانی بدهد در جائیکه آب بهم رسد حقتعالی بهر شربتی هفتاد
هزار حسنه با و عطا فرماید و اگر او را آب دهد در جائی که آب کمیاب باشد چنان باشد که ده
بنده از فرزندان اسماعیل آزاد کرده باشد و در حدیث حسن منقولست که هر که طعام دهد
برادر مؤمن خود را از برای خدا چنان است که صد هزار کس از دیگران را طعام داده باشد و در حدیث
حسن دیگر فرمود که بسدیر صراف که چه مانع میشود ترا که هر روز یک بنده آزاد کنی گفت مال من
وفا نمی کند باین فرمود که هر روز یک مسلمانرا طعام بده که این ثواب از برائی تو باشد پرسید

که مالداریا پریشانرا فرمود که مالدار هم گاه هست که خواهش طعام دارد و در حدیث صحیح
دیگر فرمود که یک لقمه که برادر مسلمان بخورد نزد من بهتر است نزد من از یک بنده آزاد
کردن و در حدیث دیگر فرمود که هر که مؤمنی مالداری را طعام دهد برابر است با یک بنده
از فرزندان اسماعیل که او را از کشتن آزاد کند و هر که مؤمن محتاجی را طعام بخوراند برابر است
با صد بنده از فرزندان اسماعیل که از کشتن آزاد کند و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز
است که هر که یکی از آنها بجا آورد داخل بهشت شود کسی که تشنه را سیراب گرداند یا گرسنه را
سیر کند یا عریانی را بپوشاند و یا بندهٔ را که در مشقت باشد آزاد کند و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقول است که بهترین اعمال نزد حقتعالی سه چیز است سیر کردن مسلمان
گرسنه یا قرض مسلمانرا ادا کردن یا غمی از دل او برداشتن و فرمود که خیر و برکت بخانهٔ که در آن
طعام داده میشود زودتر میرود از فرو رفتن کارد بکوهان شتر و از حضرت علی بن الحسین
صلوات الله علیهما منقول است که هر که جامهٔ زیادتی داشته باشد و داند که برادر مؤمنش
بآن محتاج است و باو ندهد حقتعالی او را سرنگون در آتش جهنم اندازد و هر که سیر بخوابد
و نزدیک او مؤمنی گرسنه باشد حق تعالی بملائکه فرماید که شما را گواه میگیرم برین بنده
که من او را امر کردم و نافرمانی من کرد و اطاعت دیگران کرد بدانید که او را بعمل خود گذاشتم
و هرگز او را نیامرزم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که ایمان نیاورده
است بمن کسیکه سیر بخوابد و برادر مسلمانش گرسنه باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که هر که خانه داشته باشد و مؤمنی محتاج شود که در خانه ساکن شود و او راضی نشود
حق تعالی بملائکه فرماید که بندهٔ من بخل ورزید بر بندهٔ من بساکن شدن در خانهٔ او در
دنیا بعزت خود سوگند میخورم که هرگز او را در بهشت ساکن نگردانم و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقول است که هر که دور کند از راه مسلمانان چیزی را که باعث آزار ایشان
باشد حقتعالی ثواب خواندن چهار صد آیه برای او بنویسد که هر حرفی ده حسنه برای او بنویسد
و در روایت دیگر فرمود که بندهٔ داخل بهشت شد بیک خاری که از راه مسلمانان برداشت
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که نیکو چیزی است هدیه فرستادن پیش از آنکه حاجت

بگوید و فرمود که هدیه بیکدیگر بفرستید که هدیه کینه ها را از سینه ها میبرد و فرمود که و آثم گردانید
هدیه را پس فرستادن نظر بهای هدیه و فرمود که هدیه بر سه قسم است هدیه که در برابرش
توقع نفعی داشته باشی و هدیه که بعنوان رشوت فرستی و هدیه که از برای خدا فرستی و غرض
دنیوی نداشته باشی **فصل هشتم در حقوق فقرا و ضعیفان و مظلومان و پیران و اصحاب بلا
و آداب معاشرت ایشان** در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که فقرای
مؤمنان چهل سال پیش از توانگران ایشان در بهشت متنعم می شوند پس فرمود که مثلی برای تو بزنم مثل
فقیر و غنی دو کشتی است که بعشار بگذرند کشتی خالی را زود روانه میکند و نگاه نمیدارد و کشتی پر از بار را از برای
حساب نگاه میدارد و در حدیث دیگر فرمود که هر چند ایمان بنده زیاده می شود تنگی روزیش بیشتر میشود و
فرمود که اگر نه این بود که مؤمنان الحاح و مبالغه در دعای طلب روزی میکردند هر آینه
ایشانرا بحالی تنگتر از آنچه دارند می انداخت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقولست که فقر و درویشی امانتی است از خدا نزد خلقش پس هر که آنرا پنهان دارد حقتعالی
او را مثل ثواب کسی بدهد که روزها روزه باشد و شبها بنماز ایستاده باشد و هر که آنرا اظهار
کند پیش کسیکه قادر باشد بر برآوردن حاجت او و نکند بتحقیق که آن فقیر را کشته است
نه بشمشیر و نیزه بلکه بآن جراحتی که بر دل او کرده است و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که حق تعالی در روز قیامت خطاب فرماید بفقرای مؤمنان مانند کسیکه معذرت
طلبد و میگوید که بعزت و جلال خود سوگند میخورم که شما را در دنیا فقیر نگردانیده ام برای
خواری شما نزد من و امروز خواهید دید که با شما چه خواهم کرد و هر که در دنیا با شما نیکی کرده
است دستش را بگیرید و داخل بهشت کنید پس یکی از ایشان گوید که پروردگارا اهل دنیا
خوش خواستند و جامه های نرم پوشیدند و طعامهای نیکو خوردند و در خانه های نیکو سکنی
کردند و بر اسبان نفیس سوار شدند پس امروز بما هم مثل آنها عطا فرما پس حقتعالی فرماید که بهر کس از شما
ما هم مثل هفتاد برابر آنچه بجمیع اهل دنیا داده ام از اول دنیا تا آخر دنیا و در حدیث دیگر فرمود
که مرد مالداری که جامه های پاکیزه پوشیده بود نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
آمد نشست پس مرد پریشانی که جامه های چرکین پوشیده بود آمد و در پهلوی او نشست

آن مالدار جامه خود را از زیر ران او کشید حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود
که آیا ترسیدی که از فقر او چیزی بتو برسد گفت نه فرمود که ترسیدی که از توانگری تو چیزی به
او برسد گفت نه فرمود که ترسیدی که جامهایت چرکین شود گفت نه فرمود که پس چرا چنین
کردی گفت یا رسول الله مرا همنشینی هست از نفس و شیطان که هر بدی را برای من
زینت میدهد و هر نیکی را در نظر من بد میکند و من بتدارک آنچه کردم نصف مال خود را
باین مسلم میبخشم حضرت بمرد پریشان خطاب فرمود که قبول میکنی گفت نه توانگر گفت که چرا قبول
نمیکنی گفت میترسم که مثل تو شوم و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت بشخص پریشانی
فرمود که آیا بیازار میروی و میوه یا چیزهای نفیس میبینی که قادر بر خریدن آنها نباشی گفت
بلی فرمود که بهر چه که میبینی و قدرت بر خریدن آن نداشته باشی حسنه برای تو نوشته
میشود و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که در روز قیامت گروهی از مردم برخیزند
و بیایند تا در بهشت پس ملائکه بایشان گویند که شما کیستید گویند فقیرانیم ملائکه گویند که پیش
از حساب آمده اید که به بهشت روید جواب گویند که چیزی بما نداده اید که ما را بآن حساب
کنید حق تعالی فرماید که راست میگویند بروند به بهشت و از حضرت امام موسی علیه السلام
منقولست که حقتعالی میفرماید که من غنیان را توانگر نگردانیده ام برای آنکه ایشان گرامی بودند نزد من
و فقیران را بی چیز نکرده ام برای خواری ایشان نزد من ولیکن توانگران را امتحان کرده ام بفقیران
و اگر فقیران نمیبودند توانگران هرگز مستوجب بهشت نمی شدند و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر که ذلیل و خوار شمارد مومنی را برای پریشانی او حقتعالی او را رسوا کند در میان جمیع
خلائق در قیامت رسوا کند و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که حقتعالی فرموده اعلام جنگ با من کند
کسیکه آزار کند بنده مومن مرا و باید که ایمن باشد از غضب من کسیکه گرامی دارد بنده مومن
مرا و اگر از میان مشرق تا مغرب نباشد مگر یک مومن با یک امام عادل هر آینه بعبادت ایشان
مستغنی شوم از جمیع آنچه خلق کرده ام در زمین و هر آینه هفت آسمان و هفت زمین را بپای ایشان پاینده
دیگر دارم از برای ایشان از ایمان ایشان مونسی که محتاج بمونس دیگر نباشند و در احادیث
معتبره بسیار منقولست که حقتعالی میفرماید که هر که دوستی از دوستان مرا خوار گرداند بجنگ من

که بر روی من بجنگ ایستاده است و من بسیار زود یاری میکنم دوستان خود را و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که ذلیل ترین مردم کسی است که مردم را
خوار کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که مؤمنی را ذلیل کند خدا او را ذلیل کند و فرمود که حق تعالی
مؤمن را از عظمت و جلال و قدرت خود آفریده است پس کسی که بر او طعن کند یا سخن او را
رد کند بر خدا رد کرده است و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است
که حقیر مشمارید ضعیفان برادران خود را که هر که مؤمنی را حقیر شمارد خدا او را با مؤمن در بهشت
جمع نکند مگر آنکه توبه کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که بسیار
ژولیده موی گرد آلوده که دو جامه کهنه پوشیده باشد اگر بر خدا قسم دهد قسمش را رد نکند و از
حضرت صادق علیه السلام فرمود که کسیکه با مردم استهزا کند در محبت ایشان طمع نداشته
باشد و فرمود که حقیر مشمارید مؤمن فقیر را که هر که حقیر شمارد مؤمن فقیر را یا استخفاف او کند
خدا او را حقیر شمارد و پیوسته با او در غضب باشد تا توبه کند و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه و آله منقولست که حلال نیست مسلمانرا که مسلمانی را بترساند و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر که اعانت کند بر آزار مؤمنی به نیم کلمه در روز قیامت در میان دو چشمش
نوشته باشد که نا امید است از رحمت الهی و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقولست که هر که گرامی دارد برادر مؤمن خود را بیک کلمه از روی لطف یا حاجت او را
برآورد یا غمی از او بردارد پیوسته رحمت الهی بر سر او سایه انداخته باشد تا در کار سازی و
مهربانی برادر مؤمن باشد پس فرمود که مؤمن را برای این مؤمن میگویند که مردم در جان و مال
خود از او ایمن اند و مسلمان کسی است که مردمان از دست و زبان او سالم باشند و مهاجر کسی است
که از گناهان هجرت کند و هر که مؤمنی را دستی بزند که او را بآن سبب ذلیل کند یا طپانچه بر روی
او بزند یا چیزی که نخواهد نسبت باو بجا آورد ملائکه پیوسته او را لعنت کنند تا او را راضی کند
و توبه کند پس زنهار که تعجیل مکنید در آزار مردم که شاید او مؤمن باشد شما ندانید و صبر
و آهستگی و همواری بکنید که هیچ چیز نزد خدا بهتر از نرمی و آهستگی نیست و در حدیث دیگر فرمود
که هر که طپانچه بر روی مسلمانی بزند حق تعالی در قیامت استخوانهایش را از هم بپاشد و دست

در گردن غل کرده محشور شود تا داخل جهنم شود مگر آنکه توبه کند و در حدیث معتبر دیگر فرمود
که دشنام دادن مومن گناه بزرگ است و با او جنگ کردن کفر است و غیبت او
کردن نافرمانی خدا است و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که
هر که بترساند مؤمنی را بصاحب حکمی که آزاری باو برساند و نرساند او در آتش است و اگر برساند
و آزار باو برساند با فرعون و آل فرعون باشد در آتش و در احادیث معتبره از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که بکشد کسی را که قصد کشتن او نداشته باشد و بزند کسی را
که قصد زدن او نداشته باشد ملعون است بلعنت خدا و در حدیث دیگر فرمود که بحق آن خداوندی
که جانم در قبضهٔ قدرت اوست که اگر اهل آسمانها و زمینها همه جمع شوند بر کشتن مؤمنی یا راضی
شوند بکشته شدن او همه را داخل جهنم کند و بحق آن پروردگاری که جانم بدست قدرت
اوست که هیچکس کسی را بناحق تازیانه نمی زند مگر آنکه در جهنم مثل آن تازیانه را میخورد و فرمود
که هر که نظری کند بمؤمنی که او را بآن نظر کردن بترساند خدا او را بترساند روزی که بجز او پناهی
نباشد و او را بصورت مورچه محشور گرداند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که لعنتی که از دهان شخصی بیرون می آید میگردد اگر صاحبش را می یابد در آنجا قرار میگیرد و اگر نه
بگوینده اش بر میگردد و در حدیث دیگر فرمود که هر که طعنی کند بر روی مؤمنی بمیرد به بدترین
مردنها و سزاوار است که عاقبتش بخیر نباشد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بآن حضرت
عرض کرد که چه میفرمائید در امر مسلمانی که مسلمان دیگر بدیدن او بیاید و او در خانه باشد پس
رخصت بطلبد و او رخصت ندهد که داخل شود و خود بیرون نیاید فرمود که هر مسلمانیکه بدیدن
مسلمانی بیاید یا پی کاری بیاید و او در خانه باشد و او را رخصت ندهد و خود بیرون نیاید پیوسته
در لعنت خدا باشد تا بیکدیگر ملاقات کنند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
هر مؤمنی که میان او و مؤمنی حجابی باشد که باو نتواند رسید حقتعالی میان او و بهشت در
قیامت هفتاد هزار حصار قرار دهد که غلظت هر حصاری هزار ساله راه باشد و از هر حصاری
تا حصار دیگر هفتاد ساله راه باشد و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست
که در زمان بنی اسرائیل چهار نفر از مؤمنان بودند پس سه نفر از ایشان در خانهٔ جمع بودند بجهت امری

گفتگوی روز چهارم آمد بر آنخانه و در زد غلام بیرون آمد او پرسید که مولای تو کجاست گفت
در خانه نیست آن شخص برگشت و غلام رفت و بمولای خود گفت که فلان شخص آمد و من باو
چنین گفتم و برگشت او ساکت شد و پروائی نکرد و غلام را ملامت نکرد که چرا چنین گفتی و از
برگشتن آنمرد آزرده نشدند هیچیک از ایشان و مشغول سخن خود شدند روز دیگر آنمرد بامداد
بنزد ایشان آمد دید که ایشان از خانه بیرون آمده اند و بمزرعهٔ خود میروند بر ایشان سلام کرد
و گفت من با شما بیایم گفتند بلی و عذر روز گذشته را از و نخواستند زیرا که آنمرد پریشان و
محتاج بود در اثنائی راه ناگاه ابری ظاهر شد گمان کردند که باران خواهد آمد تند رفتند چون
ابر محاذی سر ایشان شد منادی از میان ابر ندا کرد که ای آتش ایشان را بگیر و منم جبرئیل رسول
از جانب خدا پس ناگاه آتشی آمد و آن سه نفر را ربود و آنمرد محتاج ترسان و حیران و متعجب ماند
پس بشهر برگشت و بخدمت حضرت یوشع آمد و آن خبر را نقل کرد حضرت یوشع فرمود که خدا
بر ایشان غضب کرد بعد از آنکه از ایشان راضی بود بسبب آنچه نسبت بتو عمل آوردند و آن قصه را
برای او نقل فرمود آنمرد گفت من ایشان را حلال کردم و در گذشتم از کردهٔ ایشان یوشع گفت
که اگر پیش از آمدن عذاب میبود نفع میکرد و اما الحال نفع نمیکند و شاید در قیامت ایشان را
نفع دهد حلال کردن تو و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که یاری
نکند برادر مؤمن خود را و قادر بر یاری کردن او باشد خدا او را در دنیا و آخرت یاری نکند
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حاضر نشود احدی از شما در وقتیکه حاکم ظالمی
کسی را زند یا کشد یا ستم بر او کند هرگاه یاری او نکند زیرا که یاری مؤمن بر مؤمن واجب است
هرگاه حاضر باشد و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که شخصی از نیکان را
در قبرش نشاندند پس باو گفتند که ما صد تازیانه از عذاب الهی بتو میزنیم گفت طاقت ندارم
پس یکی کم کردند گفت طاقت ندارم تا آنکه بیک تازیانه رسید گفت طاقت ندارم گفتند
چاره نیست از یکی پرسید که بچه سبب این تازیانه را بر من میزنید گفتند باین سبب که روزی
بی وضو نماز کردی و بر ضعیفی گذشتی که بر او ظلم می شد و او را یاری نکردی پس تازیانه از عذاب
خدا بر او زدند که قبرش پر از آتش شد و در حدیث دیگر فرمود که چهار کس اند که حق تعالی در قیامت

نظر رحمت بسوی ایشان می افگند شخصی که کسیکه چیزی از و خریده باشد و پشیمان شود و پس دهد
و او قبول کند و کسیکه بفریاد مضطری برسد و کسی که بنده آزاد کند و کسیکه عزبی را کدخدا کند و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که کسی که بفریاد برادر مؤمن خود برسد که او را
از ورطهٔ یا غمی یا اندوهی بیرون آورد حق تعالی برای او ده حسنه بنویسد و ده درجه بلند کند و ثواب
ده بنده آزاد کردن باو کرامت فرماید و ده عذاب را ازو بردارد و ده شفاعت برای او
در قیامت مهیا گرداند و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقولست که هرکه ببیند بیچاره
را در راهی که چهارپایش افتاده است و کسی بفریاد او نمیرسد پس بفریاد او برسد و او را بر چهار
پای خود سوار کند و بارش را بردارد حقتعالی باو خطاب فرماید که خود را بمشقت انداختی و نهایت
سعی کردی در فریادرسی برادر مؤمن خود برای تو موکل سازم ملکی چند که عددشان زیاده باشد
از جمیع آدمیان از اول دنیا تا آخر دنیا و هریک را آنقدر قوت باشد که آسان باشد بر او
برداشتن آسمانها و زمینها تا بنا کنند برای تو در بهشت قصرها و خانهها و بلند کنند برای تو
درجهها و چون در بهشت درآئی از پادشاهان بهشت باشی و کسیکه دفع کند از مظلومی ضرر ظالمی را
که خواهد ضرر ببدن او یا بمال او برساند حقتعالی خلق کند بعدد هر حرفی از گفتهای او و بعدد هر حرکتی
از حرکات او و درنگی از درنگهای او صد هزار ملک که دفع کنند از و شیاطین را که قصد کنند
که او را گمراه کنند و بازای هر ضرر قلیلی که از و دافع کرده باشد صد هزار از خدمتگاران بهشت
و صد هزار از حوریان باو عطا فرماید که او را خدمت کنند و گرامی دارند و گویند که اینها همه در برابر
آن دفع کردن ضرر است از مال و بدن برادر مؤمن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول
است که هرکه حرمت مرد پیری را بشناسد پس او را تعظیم کند برای سنش خدا او را ایمن گرداند از ترس
روز قیامت و فرمود که از تعظیم خداست تعظیم کردن مومن ریش سفید و فرمود که از ما نیست هرکه
خردان ما را رحم نکند و پیران ما را تعظیم نکند و در حدیث دیگر فرمود که هرکه کفایت کند برای کوری
حاجتی از حاجات دنیا را و برای او در آن حاجت راه رود و سعی کند تا خدا آنرا برآورد حقتعالی
او را بیزاری دهد از نفاق و از آتش جهنم و هفتاد حاجت از حاجات دنیائی او را برآورد و پیوسته
در رحمت الهی باشد تا برگردد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بکری چیزی را شنوانیدن

بلی آنکه البته تنگ شوی تصدق است آسان و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقول
است که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که هرکه قاید کوری شود چهل گام
بر زمین هموار و فائی کند بقدر سر سوزنی ازان اگر تمام زمین را پر کنند از طلا و اگر بر سر راهش
مهلکه باشد و او را ازان نجات دهد و بگذارند او را در ترازوی حسناتش گشاده تر از دنیا بیاید صد
هزار مرتبه و بریه گناهانش زیادتی کند و همه را محو کند و او را با علای غرفهای بهشت برساند و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که بسیار نظر مکنید بسوی اصحاب بلا و آنها
که خوره دارند که اندوهناک میشوند و در حدیث دیگر فرمود که از کسی که خوره داشته باشد بگریزید
چنانچه از شیر میگریزید و با او سخن مگوئید مگر آنکه بقدر یک ذراع از او دور باشید و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که چون ایشانرا ببینید از خدا عافیت بطلبید و از مرض
ایشان غافل مشوید که مبادا اثر سرایت کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست
که پنج کس اند که بهمه حال از ایشان اجتناب میباید کرد کسی که خوره داشته باشد و پیس و دیوانه
و ولد الزنا و عرب بادیه نشین و در حدیث دیگر فرمود که کم نظر کنید باهل بلا و نزد ایشان
مروید و چون بایشان بگذرید تند بگذرید که بشما نرسد آنچه بایشان رسیده است و در حدیث
موثق از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون کسی را ببینی که ببلائی مبتلا است
بگو الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ وَفَضَّلَنِي عَلَيْكَ وَعَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ آهسته
بگو که او نشنود و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که چون کسی از صاحبان بلا را ببینی سه مرتبه
آهسته بگو که او نشنود الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ وَلَوْ شَاءَ فَعَلَ که هرکه چنین کند
هرگز بلا باو نرسد و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هرکه مبتلائی
را ببیند و این دعا بخواند هرگز بآن مبتلا نشود الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَدَلَ عَنِّي مَا ابْتَلَاكَ بِهِ
وَفَضَّلَنِي عَلَيْكَ بِالْعَافِيَةِ اَللّٰهُمَّ عَافِنِي مِمَّا ابْتَلَيْتَهُ بِهِ و در روایت دیگر فرمود که این دعا بخواند
اَللّٰهُمَّ اِنِّي لَا اَسْخَرُ وَلَا اَفْخَرُ وَلٰكِنْ اَحْمَدُكَ عَلَى عَظِيمِ نَعْمَائِكَ عَلَيَّ و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقولست که چون اصحاب بلا را ببینید حمد خدا بکنید و بایشان مشنوانید که باعث
اندوه ایشان میشود فصل نهم در رعایت حقوق مؤمنان در غیبت ایشان در حدیث معتبر منقولست

که شخصی بحضرت امام زین العابدین علیه السلام عرض کرد که فلان شخص شما را گمراه و مبتدع میداند
حضرت فرمود که حق همنشینی او را رعایت نکردی که سخن او را بمن نقل کردی و حق مرا رعایت
نکردی که چیزی که من نمیدانستم از و بمن رسانیدی همه را مرگ در پیش است و محشور خواهیم شد
و وعده همه قیامت است و خدا میان ما حکم خواهد کرد زنهار که غیبت مکن که نانخورش سگان
جهنم است و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که ایمان
بخدا و رسول دارد ننشیند در مجلسی که بامامی دشنام دهند یا غیبت مسلمانی کنند و در حدیث
دیگر فرمود که هر که غیبت کند مسلمانی را ثواب روزه و وضویش بر طرف میشود و در روز قیامت
از و بوی آید گنده تر از بوی مردار که اهل محشر همه در آزار باشند و اگر پیش از توبه بمیرد حلال کرده
باشد چیزی را که خدا حرام کرده است و هر که احسان کند ببرادر مومن در مجلسی که غیبت او
کنند و نگذارد که او را غیبت کنند حقتعالی هزار نوع بدی را در دنیا و آخرت از و دور کند و اگر رد نکند و قدرت
بر رد غیبت او داشته باشد مثل گناه آن غیبت کننده هفتاد برابر داشته باشد و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هر کرا بدیدهٔ خود بهبینی که گناهی کند و دو گواه عادل بر و گواهی
ندهند که گناهی کرده است او از اهل عدالت است و گواهیش مقبول است هر چند در واقع
گناهکار باشد و هر که غیبت کند او را بگناهی که در و باشد او از دوستی و یاری خدا بیرون است
و در دوستی و یاری شیطان داخل است و بتحقیق که خبر داد مرا پدرم از پدرانش از رسول خدا صلی الله
علیه و آله و سلم که هر که غیبت کند مومنی را بچیزی که در و باشد خدا در میان ایشان در بهشت جمع
نمیکند ابدا و هر که غیبت کند مومنی را بچیزی که در و نباشد عصمت میان ایشان بریده شود و غیبت
کننده در جهنم باشد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که در حق برادر مومن خود بگوید آنچه چشمش دیده
و گوشش شنیده باشد از آنها خواهد بود که حق تعالی میفرماید که بدرستیکه آنانکه میخواهند که
شایع شود گناهان بد در مومنان برای ایشان است عذابی دردناک در دنیا و آخرت و در حدیث دیگر
فرمود که غیبت آنست که در برابر مومن بگوئی عیبی و گناهی را که خدا بر و پوشانیده است و بهتان آنست
که در و چیزی بگوئی که در و نباشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که غیبت کند برادر مومن خود را بی آنکه
دشمنی در میان ایشان باشد شیطان در نطفهٔ او شریک شده خواهد بود و در حدیث دیگر فرمود

که سه خصلت است که در هر که باشد چهار چیز برای او لازم میشود کسیکه چون سخن گوید دروغ نگوید
و چون با مردم خلطه کند بر ایشان ظلم کند و چون وعده کند بوعدهٔ خود وفا کند واجب است که
عدالت او در میان مردم ظاهر باشد و مروت او در میان ایشان هویدا باشد و غیبت او بر ایشان
حرام باشد و اخوت او بر ایشان واجب باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست
که غیبت بدتر است از زنا زیرا که زناکار توبه میکند و خدا توبه اش را قبول میکند و غیبت کننده
توبه اش مقبول نیست تا آن شخص او را حلال نکند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که برادران خود را یاد کنید هرگاه غایب باشند از شما بهتر از آنچه دوست میدارید که شما را غائبانه یاد کنند
و در حدیث دیگر فرمود که چون فاسق علانیه گناه کند و پروا نکند او را حرمت نیست و غیبت
او حرام نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که سه کس اند که ایشان را حرمتی نیست
کسی که صاحب بدعت باشد و امام و پیشوائی ظلم کننده و فاسقی که علانیه فسق کند و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که رد کند حرف بدی را که در عرض برادر مسلمانش گویند برای او
بنویسند بهشت را البته و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر که نزد
او غیبت کنند برادر مؤمنش را پس او را نصرت و یاری کند خداتعالی او را در دنیا و آخرت
و اگر قادر باشد که دفع آن غیبت از و بکند و یاری او در آن باب نکند و نکند خدا پست کند
او را در دنیا و آخرت و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقول است که هر که حاضر باشد
در مجلسی که در آن مجلس سنگی در عرض برادران مؤمن افتاده باشد و صاحب جاه و اعتبار باشد و او
رد کند بر آن ظالم عرض برادر مؤمن را نگاه دارد حقتعالی برانگیزد ملائکه را جمع میشوند نزد بیت
المعمور برای حج و آنها نصف ملائکه آسمانهایند و ملائکه کرسی و عرش را و ایشان نصف ملائکه حجب اند
که ایشان همه نزد خدا او را مدح و ستایش میکنند و از برای او از خدا رفعت و منزلت و بلندی مرتبه
او را سوال کنند پس حقتعالی فرماید که من واجب گردانیدم برای او بعدد هر یک از شما که مدح او می کنید
مثل عدد جمیع شما از درجات بهشت و قصرها و باغها و بوستانها و درختان از آنچه خواهم که عقل مخلوق
آن احاطه نکرده باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که نقل کند در مذمت
مؤمنی برای آنکه عیب او را ظاهر کند و مروت او را در هم شکند و او را از دیدهای مردم بیندازد

خدا او را از دوستی و یاری خود بیرون کند و در دوستی و یاری شیطان داخل کند و در احادیث
معتبره منقولست که هر که دو رو و دو زبان داشته باشد که در حضور مردم مدح ایشان کند و در غایب
غیبت ایشان را گوید چون در قیامت محشور شود دو زبان از آتش داشته باشد یکی در پیش رو و دیگری
در پشت سر و در محشر ندا کنند که این بود که در دنیا دو رو و دو زبان داشت و در روایت دیگر منقول
است که محمد بن فضیل بحضرت امام موسی کاظم علیه السلام عرض کرد که شخصی از برادران مؤمن من
چیزی از و بمن میرسد که خوشم نمی آید پس از و سوال میکنم و او انکار میکند و حال آنکه جمعی از مردم ثقه
این خبر را بمن نقل کرده اند آنحضرت فرمود که چشم و گوش خود را تکذیب کن در حق برادر مؤمن خود
اگر پنجاه کس شهادت بدهند و سوگند یاد کنند و او خلاف آنها بگوید سخن او را تصدیق کن و
آنها را تکذیب کن و برای او چیزی را فاش مکن که موجب نقص و عیب او باشد و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که کسی را رسوا کند در گناهی چنان است که آن گناه را خود
کرده است و هر که مؤمنی را بچیزی سرزنش کند از دنیا نرود تا آنرا خود نکند و از حضرت علی بن
الحسین علیه السلام منقولست که هر که خود را از بدگوئی در عرض مسلمانان نگاه دارد خداتعالی
گناهانش را در قیامت بیامرزد و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که هر که بهتانی بگوید برای مرد مؤمن یا زن مؤمنه بچیزی که در و نباشد خداتعالی او را در میان چرک
فروج زناکاران که در درکهای جهنم جوشد نگاه دارد تا آنکه از عهدهٔ گفتهٔ خود برآید و از حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که هر که برای کسی چیزی بگوید که مردم آنرا دانند غیبت نیست
و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که اظهار شماتت و شادی مکن
در بلائی که برادر مؤمن تو نازل شود که خداتعالی او را رحم میکند و از و دفع میکند و بر تو میفرستد
آن بلا را و فرمود که هر که شماتت کند بر مصیبت برادر مؤمن خود از دنیا بیرون نرود تا بآن بلا مبتلا
نشود و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که نزدیکترین احوال بنده بکفر آن است
که کسی با مؤمنی برادری بکند و لغزشها و گناهانش را در خاطر نگاه دارد که یک روزی آنرا با نها سرزنش
کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که فرمود که ای جماعتی که بزبان مسلمان
شده اید و ایمان بدل شما نرسیده است مذمت مسلمانان مکنید و تفحص عیبهای ایشان مکنید که هر کس

تفحص عیبهای مردم کند خدا او را رسوا کند اگرچه گناه را در میان خانهٔ خود کرده باشد و حضرت امام
امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که سرزنش مؤمنی کند خدا او را در دنیا و آخرت سرزنش کند
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که بدترین دروغها گمان بد بمردم بردن
است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که متهم سازد برادر مؤمنش را ایمان
در دلش گداخته می شود چنانچه نمک در میان آب گداخته میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم منقولست که فرمود که میخواهید خبر دهم شما را از بدترین شما گفتند بلی یا رسول الله
فرمود که آنها که در میان مردم بسخن چینی راه میروند و در میان دوستان جدائی می اندازند و از
برای بی عیبان عیب میجویند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که بهشت حرام است بر سخن
چینان و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که دو شخص با آزردگی از هم جدا
نمی شوند مگر آنکه یکی مستحق بیزاری و لعنت الهی میشود و بسیار باشد که هر دو مستحق شوند شخصی گفت
که اگر یکی مظلوم باشد چرا مستحق لعنت شود فرمود که برای آنکه چرا نمی آید بنزد آن دیگری که او را بدارد
بصله و احسان و از عیب او درگذرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است
که آزردگی و جدائی زیاده از سه روز نمی باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که پیوسته شیطان در فرح و شادی است تا دو مسلمان از یکدیگر آزرده اند و دوری می کنند
و چون با هم ملاقات کنند زانوهایش بر هم میخورد و بندهایش جدا می شود و فریاد می کند که وا ویلا
چه بلا بود که بسر من آمد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر دو مسلمان که از
هم دوری کنند و سه روز بگذرد که صلح نکنند از اسلام بدر میروند و میان ایشان دوستی ایمانی
برطرف می شود پس هر یک که زودتر با دیگری سخن بگوید در قیامت زودتر به بهشت خواهد رفت

فصل دهم در آداب معاشرت ظالمان و قلیلی از احوال ایشان بسند معتبر از حضرت امام موسی
کاظم علیه السلام منقولست که بشیعیان خود فرمود که ای گروه شیعه گردنهای خود را ذلیل مکنید
بترک اطاعت پادشاه خود پس اگر عادل باشد از خدا طلبید که او را از شما باقی دارد و اگر ظالم و
ستمکار باشد از خدا طلبید که او را باصلاح آورد که صلاح شما در صلاح پادشاه شماست
و پادشاه عادل بمنزلهٔ پدر مهربانست از برای او بخواهید آنچه از برای خود میخواهید و از برای او نخواهید

آنچه از برای خود میخواهید و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که خدا رحمت
کند کسی را که یاری کند پادشاه خود را بر نیکی کردن با مردم و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که هر که متعرض پادشاه ظالمی شود و از او آزاری بیابد خدا او را بر آن آزار ثواب ندهد و صبر او را نصیب
نکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که هر که مدح کند پادشاه ظالمی را و نزد او اظهار
شکستگی و تذلل کند برای طمع دنیا قرین او باشد در جهنم زیرا که حقتعالی فرموده است وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ
ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ یعنی میل مکنید بسوی آنها که ظلم میکنند پس مس میکند شما را آتش و
فرمود که هر که رهنمائی کند ظالمی را بر ظلم در جهنم با هامان و فرعون باشد و هر که از جانب ظالمی خصومت
کند یا یاوری آن نماید در آن خصومت چون ملک موت بنزد او آید بگوید بشارت باد ترا بلعنت خدا
و آتش جهنم و هر که تازیانه در دست گرفته نزد پادشاه یا حاکم جابری بایستد حق تعالی آن تازیانه را
در قیامت اژدهائی گرداند از آتش که درازی آن هفتاد ذراع باشد و مسلط گرداند آنرا بر او در جهنم
و نهی فرمود از حاضر شدن بر سفرهٔ فاسقان و حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در وقت فوت
وصیت فرمود بحضرت امام حسن که دوست دار صالحان را برای اصلاح ایشان و مدارا کن بظاهر با فاسقان
و در دل دشمن ایشان باش و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که دوست دارد بقای
ظالمان را دوست داشته است که خدا تعالی را معصیت کنند و هر که دوست دارد که خدا را معصیت
کنند با خدا تعالی دشمنی کرده است علانیه و در حدیث دیگر فرموده که حضرت عیسی علی نبینا و علیه السلام
با بنی اسرائیل میگفت که یاری مکنید ظالم را بر ظلمش که فضل شما باطل میشود و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله وسلم منقولست که چهار چیز است که دل را فاسد میکند و نفاق را در دل میرویاند چنانچه
آب درخت را میرویاند شنیدن سازها و خوانندگیها و فحش گفتن و بدر خانه پادشاه رفتن و از پی
شکار رفتن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که نگاه دارید و حفظ کنید دین خود را
به پرهیزگاری از محرمات و قوت دهید دین خود را به تقیه کردن از مخالفان و مستغنی شدن بخدا از
طلب کردن حوائج از پادشاهان و بدانید که هر مؤمنی که خضوع و شکستگی کند نزد صاحب سلطنتی یا کسی که
مخالف او باشد در دین از برای طلب آن دنیائی که در دست اوست خدا او را گمنام کند و دشمن
دارد او را و او را بخود بگذارد و اگر چیزی از دنیا بدست او بیاید خدا برکت را از آن بردارد و او را ثواب ندهد

اگر هیچ کنند هیچ یا سره یا بنده انکار کردن و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقولست که چون روز قیامت شود منادی از جانب خدا تعالی ندا کند که کجایند ظالمان و
مددکاران ایشان و آنانکه دوات ایشانرا لیقه گذاشته اند یا سر کیسه برای ایشان بسته اند یا مد قلمی بایشان
داده اند آنها را هم با ظالمان محشور کنید و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هیچ بنده بپادشاهی نزدیک
نمی شود مگر آنکه از خدا دور میشود و هیچ بنده مالش زیاده نمی شود مگر آنکه حسابش دشوارتر میشود و هیچ بنده
اتباعش زیاده نمیشود مگر آنکه شیاطین او بیشتر می شوند و فرمود که زنهار احتراز کنید از درخانه
پادشاهان و آنها که با پادشاهان میباشند که نزدیکترین شما بآنها دورترین شمایند از خدا و هر که
پادشاه را بر حقتعالی اختیار کند خدا پرهیزگاری را از و بر دارد و او را حیران کند و در حدیث صحیح
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که معذور دارد ظالمی را در ظلم او خدا مسلط گرداند
بر او کسی را که ظلم بر او کند پس اگر دعا کند دعایش مستجاب نشود و خدا او را بر آن ستم که میکشد ثواب
ندهد و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که یاری دهد ظالمی را بر مظلومی پیوسته حقتعالی بر او خشمناک باشد
تا دست از آن یاری بر دارد و در حدیث دیگر فرمود که در زمان حضرت موسی علیه السلام پادشاه
ظالمی بود که حاجت مؤمنی را بشفاعت بنده صالحی بر آورد پس آن پادشاه و آن مرد صالح
هر دو در یکروز مردند و مردم همگی بر جنازه آن پادشاه جمع شدند و درها و بازارها بستند برای مردن
آن تا سه روز و آن مرد صالح در خانه خود ماند تا کرمهای زمین رویش را خوردند پس حضرت موسی بعد از سه
روز آن مرد صالح را با آنحال مشاهده فرمود و گفت پروردگارا آن دشمن تو بود که با آن اعزاز و اکرام
او را برداشتند و این دوست تست و باین حال مانده است حقتعالی وحی فرستاد با و که یا موسی
این دوست من از آن جبار حاجتی سوال کرد و او بر آورد و او را مکافات دادم برای بر آوردن حاجت
آن مؤمن و کرمهائی زمین را بر روی این مسلط گردانیدم برای سوالی که از آن جبار کرد و در حدیث
دیگر منقول است که سلیمان جعفری بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد که چه میفرمائید
در کارهای که مردم متکفل می شوند از جانب پادشاهان حضرت فرمود که داخل شدن در اعمال ایشان
و یاری ایشان کردن و سعی در حوائج ایشان نمودن معادل کفر است و عمدا نظر بسوی ایشان کردن گناه
کبیره است و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که هر که برود بنزد توانگری و نزد او شکستگی کند

برای توانگران او دو ثلث و نیش میرود و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که هر که برود بنزد پادشاه ظالمی و او را امر به پرهیزگاری کند و پند و نصیحت بگوید او را
ثواب جن و انس بوده باشد و از علی بن ابی حمزه منقولست که گفت من دوستی داشتم از نویسندگان
بنی امیه با من بخدمت حضرت جعفر صادق علیه السلام آمد و عرض کرد که من در دیوان بنی امیه کار
میکردم و مال بسیاری بهم رسانیده ام حضرت فرمود که اگر نه این بود که مردم برای بنی امیه کتابت
می کنند و غنیمت برای ایشان جمع می کنند و از برای ایشان جنگ می کنند و بنزد ایشان
حاضر میشوند هرآینه حق ما را غصب نمیکردند آن شخص گفت که آیا مرا چاره هست حضرت فرمود که اگر
بگویم خواهی کرد گفت میکنم فرمود که هر چه کسب کرده در دیوان ایشان آنچه صاحبش را می شناسی
پس ده و آنچه نمی شناسی تصدق کن و اگر چنین کنی من ضامن بهشت میشوم برای تو پس آن شخص
ساعتی سر در پیش افگند پس گفت چنین میکنم علی بن حمزه گفت که آن جوان با ما بکوفه آمد و تمام مال خود را
داد حتی آن جامهائی که پوشیده بود و ما در میان خود مالی جمع کردیم و جامها برای او خریدیم و خرجی
برای او فرستادیم بعد از چند ماهی بیمار شد چون من بدیدنش رفتم در حالت جان کندن بود
پس چشم گشود و گفت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بضامنی خود وفا کرد این را گفت و مرد
پس او را دفن کردیم و در سال دیگر بخدمت آنحضرت رفتم چون نظر آنحضرت بر من افتاد فرمود که
والله که برای رفیق تو وفا بضامنی خود کردیم و از مفضل بن مزید که نویسنده خلفا بود و شیعه
منقولست که بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم و عرض کردم که میدانید خدائی
که من نزد این خلفا میکنم حضرت فرمود که آنچه بهم میرسانی بشیعیان بده حقتعالی میفرماید که حسنات
گناهان و سیئات را می برد و در حدیث معتبر منقولست که صفوان شتردار آمد بخدمت حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام حضرت فرمود که همه چیز تو خوبست بغیر از آنکه شترهای خود را به هارون
رشید کرایه میدهی صفوان گفت که والله که من شتر خود را باو کرایه نداده ام برای کاری بدی
یا شکاری یا لهوی ولیکن از برای راه مکه معظمه باو کرایه داده ام و من خود باو نمیروم نوکران و
غلامان خود را میفرستم فرمود که آیا میخواهی که اینقدر زنده باشند که کرایه ترا بدهد گفت بلی
فرمود که هر که زندگی ایشان را خواهد از ایشان است و هر که از ایشان است از اهل جهنم است و

حدیث دیگر منقولست کہ عبد الغفار بن قاسم از حضرت امام محمد باقر علیہ السلام پرسید کہ چہ میفرمائید
در باب رفتن نزد پادشاہ فرمود کہ خوب نمیدانم برائی تو گفت بسیار است کہ بشام میروم و مرا نزد
ابراہیم پسر ولید میبرند حضرت فرمود کہ رفتن نزد پادشاہ و حکام باعث سہ چیز می شود اول
محبت دنیا دوم فراموشی مرگ سیوم راضی نبودن بانچہ خدا تراروزی کردہ است گفت
یا ابن رسول اللہ من مرد عیال دارم و بتجارت میروم بانجا برای منفعت حضرت تجویز آں فرمود
و از حضرت امیر المومنین علیہ السلام منقولست کہ ہر کہ راضی باشد بحکم پادشاہ ظالمی و اعانت او
کند از دوستان او خواہد بود و از حضرت رسول صلوات اللہ علیہ و آلہ وسلم منقول است کہ
دو صنف اند از امت من کہ صلاح ایشان موجب صلاح تمام امت است و فساد ایشان
موجب فساد جمیع امت فقیہان و پادشاہان و حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام فرمود امید
نجات دارم برای ہر کسیکہ اعتقاد بامامت داشتہ باشد از این امت مگر سہ کس صاحب سلطنت
کہ ظلم کند بر رعیت خود و کسیکہ در دین بدعت کند و کسی کہ علانیہ فسق کند و فرمود کہ سہ کس اند کہ ہر کہ
با ایشان منازعت کند ذلیل و بیمقدار می شود پدر و پادشاہ و قرض خواہ و از حضرت رسول صلی اللہ
علیہ و آلہ وسلم منقولست کہ بیوفاتر و کم دوست تر از ہمہ کس پادشاہانند و در حدیث حسن از
آں حضرت منقولست کہ ہر کہ حکومت اختیار کند و عدالت کند و در خانہ خود را بگشاید و پردہ بردار
کہ ہمہ کس را باو دسترس باشند و باحوال ہمہ مردم برسد بر خدا لازم است کہ ترس او را در قیامت
بایمنی مبدل گرداند و او را داخل بہشت گرداند و در حدیث دیگر فرمود کہ چون حقتعالی خیر رعیتی خواہد
پادشاہ مہربان بر ایشان مسلط گردانید و برای او وزیر عادل میسر میگرداند و بسند معتبر از
حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم منقولست کہ خداوند عالمیان فرماید کہ منم پروردگاری کہ
بجز من خدائی نیست آفریدہ ام پادشاہان را و دلہای ایشان بدست من است پس ہر گروہی کہ
اطاعت من کنند دلہای پادشاہان را بر ایشان رحمت میگردانم و ہر گروہی کہ معصیت من کنند
دلہای پادشاہان را بر ایشان غضب میگردانم پس مشغول مگردانید خود را بدشنام دادن پادشاہان و
توبہ کنید بسوی من تا دلہای ایشان را بر شما مہربان گردانم و در حدیث دیگر فرمود کہ چون حقتعالی
بہشت را خلق نمود فرمود کہ بہ بزرگواری خود سوگند میخورم کہ داخل بہشت نمیکنم کسی را کہ ہمیشہ شراب

خورد و سخن چینانرا و دیوث را و چوبکیان ظالمانرا و شگافندگان قبرها را و تمغاچیان را
که عشور از مردم میگیرند و قطع کننده رحم را و کسیکه بجبر قائل باشد و در حدیث دیگر فرمود
که هر که بناحق سرکرده جماعتی شود و بر ایشان استیلا یابد حق تعالی او را در کنار جهنم بازدارد برای هر روزی
هزار سال بدارد و چون محشور شود دستهایش در گردنش بسته باشد پس اگر بامر خدا در میان ایشان عمل کرده باشد
خدا او را رها کند و اگر ظلم بر ایشان کرده باشد او را بجهنم اندازد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که هر که والی مسلمانان شود و ایشانرا ضایع گذارد و باحوال ایشان نپردازد خدا او را
ضایع بگذارد و رحمت خود را ازو بازگیرد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول
است که هر والی که مردم را ممنوع سازد از انکه کارهای خود را باو عرض کنند حقتعالی در قیامت
حاجات او را بر نیارد و اگر چیزی برسم هدیه بگیرد چنان است که از غنیمت دزدی کرده است
که بدترین دزدیهاست و اگر رشوت گیرد چنان است که بخدا شرک آورده باشد و در حدیث معتبر
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که حقتعالی وحی فرمود بسوی پیغمبری از پیغمبران
که در مملکت پادشاه جباری بود که برو و بآن پادشاه بگو که من ترا پادشاه نکرده ام که خون مردم را
بریزی و مالهای ایشانرا بگیری برای این ترا پادشاه کرده ام که صداهای مظلومانرا از من بازگیری
بدرستیکه من ترک بازخواست ستمهای که بر ایشان میشود نمیکنم هر چند کافر باشند و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که در جهنم کوهی است که آنرا صعده میگویند و در آن کوه
وادی هست که آنرا سقر میگویند و در آن وادی چاهی است که آنرا هبهب میگویند هر گاه که پرده
آن چاه را بر میدارند اهل جهنم از گرمی آن بفریاد می آیند و آن چاه جای جباران است و در
روایت دیگر منقولست از محمد بن اسمعیل بن بزیع که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که خدا را
در در خانه پادشاهان جماعتی هست که خدا دین خود را بایشان عطا فرموده است و ایشانرا استیلا
بر شهرها داده است که بسبب ایشان از دوستانش ضررها و ستمها را دفع کند و ببرکت ایشان
صلاح آورد امور مسلمانان و مؤمنان در حالهائی که بایشان پناه میبرند و محتاجان شیعیان ما
بایشان متوسل میشوند و بایشان خدا ترس مؤمنانرا بایمنی مبدل میکند در مملکت ظالمان
ایشانند مؤمنان بحق و براستی و ایشانند امینان خدا در زمین و نور ایشان روشنی میدهد اهل آسمانرا

چنانچه ستاره با روشنی میدهد اهل زمین را و در قیامت نور ایشان عرصه محشر را روشن میکند
و الیشان برای بهشت خلق شده اند اگر خواهی که از ایشان باشی شاد گردان مومنان از شیعیان
ما را و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله وسلم منقولست که هر که برساند بپادشاهی حاجت کسی را که نتواند حاجت خود را باو
رسانیدن حقتعالی پاهایش را در قیامت بر صراط ثابت گرداند و در حدیث معتبر منقول است
که حمیری عرضه نوشت بخدمت حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه که شخصی هست که متصدی
اوقافست و حلال میداند تصرف انها را و بی پروا میگیرد و صرف میکند و من گاهی در راه او
وارد میشوم و اگر طعام او را نخورم با من عداوت میکند و گاهی هدیه هم برای من میفرستد حضرت
در جواب نوشتند که اگر آن مرد مالی و معاشی بغیر از آنچه در دست اوست از وقف دارد طعامش را
بخور و احسانش را قبول کن و اگر بغیر آن مال حرام چیزی دیگر ندارد طعامش را مخور و مالش را قبول مکن
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سه دعاست که از درگاه خدا رد نمی شود
دعای پدر برای فرزند نیکوکار و نفرین او بر فرزند بدکار و نفرین مظلوم بر ظالم و دعای بد
مظلوم برای کسیکه انتقام از ظالم برای او بکشند و دعای مومن برای مومنی که از برای
دوستی اهلبیت او را بمال خود اعانت کند و نفرین مومن بر کسیکه اعانت او نکند با قدرت
و احتیاج آن مومن باو و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که حق تعالی
میفرماید که غضب من سخت و شدید است بر ظالمی که ظلم کند بر کسیکه یاوری بجز من نیابد
و در حدیث دیگر منقول است که حقتعالی میفرماید که من مستجاب نمیکنم دعای کسیرا که مظلمه از
کسی نزد او باشد و از حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که ظلم کننده و یاری
کننده او بر ظلم و کسیکه راضی بآن ظلم باشد هر سه در گناه شریک اند و از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقولست که هر که ظلمی بر کسی بکند حقتعالی برانگیزد کسیرا که مثل آن ظلم را نسبت
باو یا فرزندان یا فرزندان فرزندان او بکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که حق مومنی را حبس
کند حقتعالی در قیامت او را پانصد سال برپا بدارد تا آنکه از عرقش رودخانها جاری شود و منادی
ندا کند که این است ظالمی که حق خدا را حبس کرده است پس چهل روز او را سرزنش کنند پس

بفرماید که او را به جهنم برند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که بهترین جهادها آنست که چون کسی صبح کند ظلم بر کسی در خاطر نداشته باشد

فصل یازدهم در آداب معاشرت با کافران و مخالفان

در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سزاوار نیست مومن را که با کافران اهل ذمه شراکت کند یا امتعه بایشان بدهد که برایشان چیزی بخرند یا چیزی بایشان بسپارد یا دوستی با ایشان بکند و در حدیث صحیح دیگر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که مسلمان را نباید که با گبر در یک کاسه چیزی بخورد یا با او در یک فرش بنشیند یا با او مصاحبت کند و در حدیث دیگر فرمود که اگر محتاج شوی بطبیب ترسا باکی نیست که بر او سلام کنی و او را دعا کنی که دعای تو نفعی باو نمیرساند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که ابتدا مکنید اهل کتاب را بالسلام و چون ایشان بر شما سلام کنند علیکم بگوئید در جواب ایشان و با ایشان مصافحه مکنید و ایشان را بکنیت نام مبرید مگر آنکه بآنها مضطر شوید و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کرد که من ببلاد کافران میروم و مردم میگویند که اگر آنجا بمیری با آنها محشور خواهی شد حضرت فرمود که اگر آنجا بمیری تنها آنجا محشور خواهی شد و نور تو در قیامت پیش رویت خواهد بود و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که پرسیدند که دعا برای جهودان و ترسایان چگونه بکنیم فرمود که بگوئید بَارَكَ اللّٰهُ لَكَ فِي دُنْيَاكَ یعنی برکت دهد خدا از برای تو در دنیای تو و در حدیث دیگر فرمود که اگر با ایشان مصافحه کنی از زیر جامه مصافحه کن و اگر دستش بدست تو برسد دست را بشوی و در حدیث دیگر فرمود که اگر با اهل ذمه یعنی جهودان و ترسایان و گبران مصافحه کنی دست را بخاک یا بدیوار بمال و اگر با دشمن اهل بیت مصافحه کنی دست را بشوی و مشهور میان علماء آنست که آن دست را بخاک یا بدیوار مالیدن بصورتیست که دست مسلمان و ایشان هیچیک تر نباشد و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که اگر کسی با گبری مصافحه کند دستش را بشوید و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که جهود یا ترسا یا گبری را ببیند بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي فَضَّلَنِي عَلَيْكَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِعَلِيٍّ إِمَامًا وَبِالْمُؤْمِنِينَ إِخْوَانًا وَبِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً

خدای تعالی میان او و آن کافران در جهنم جمع نکند و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقول است که تقیه سپر ایمان است و ایمان ندارد کسیکه تقیه نمی کند فرمود که نه عشر دین در تقیه
است و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که تقیه در بلاد مخالفان کردن
واجب است و کسیکه از روی قسم بخورد از برای آنکه دفع ضرر از خود بکند بر او گناه و کفاره نیست
و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که گرامی ترین شما نزد خدا کسی است که تقیه بیشتر کند
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که دین خود را حفظ کنید و پنهان دارید بتقیه
کردن از مخالفان بدرستیکه شما در میان سنیان از بابت مگس عسلید در میان پرندگان اگر مرغان
بدانند که عسل در شکم آنها است یکی را زنده نمیگذارند و اگر سنیان بدانند که محبت ما در سینه
شما است هر آینه همه شما را هلاک کنند و حضرت امام رضا علیه التحیة والثناء فرمود که کسیکه
تقیه را ترک کند چنان است که نماز را ترک کرده است بدانکه تقیه در بلاد مخالفان
و سنیان واجب است هرگاه بیم ضرری باشد بآنکه اظهار دین خود نکنند بلکه دین ایشان را ظاهر کنند
و در وقتیکه ایشان مطلع باشند وضو و نماز و سائر عبادات را بطریقه خود مخفی واقع نتوان ساخت
وضو و نماز و سائر عبادات را بطریق ایشان بعمل آرند و آدمی خود بهتر میداند که در چه وقت خوف
ضرر است و تقیه لازم است و تقیه در بلاد شیعه و سنی در هر امری که آدمی ظن ضرر داشته باشد لازم
است مگر در خون که در آن تقیه نمی باشد مثل آنکه گویند کسی را بکش و گرنه ترا میکشیم باید که خود کشته شود
و او را نکشد فصل دوازدهم در بیان حقوق مردگان بر زندگان بدانکه چون بر کسی آثار موت ظاهر
شود اول کسیکه باید باحوال او بپردازد آن شخص خودش است که سفر ابدی آخرت در پیش دارد و در خور
آن سفر او را توشه میباید پس اول چیزی که او را ضرور است اقرار بگناه و اعتراف بتقصیر و ندامت از
گذشتها و توبه کامل کردن است و تضرع و زاری بجناب مقدس ایزدی کردن که از گناهان گذشته
او در گذرد و در احوال و اموالی که در پیش دارد او را بخود واگذارد پس متوجه وصیت شود و حقوق
خدا و خلق آنچه در ذمه او باشد ادا کند و بدیگران نگذارد که بعد از مردن اختیار از دستش بدر رود و
بحسرت در اموال خود نگرد و شیاطین جن و انس وسوسه ها کنند و اوصیا و وارثان او مانع شوند
که ذمه او را بری سازند و او را چاره نباشد و گوید برگردانید مرا که آنقدر آنچه از اعمال شایسته خواهم

در مال خود بکنم وانرا نشنوند و حسرت و ندامت سود نبخشد پس بقدر ثلث مال خود از برای
خویشان و تصدقات و خیرات و آنچه که مناسب احوال خود داند وصیت کند که زیاده از ثلث را
اختیار ندارد و پس اگر ذمه از برادران مؤمن خود بطلبد و هر کرا غیبت کرده باشد یا اهانتی یا
آزاری باو رسانیده باشد اگر حاضر باشند از ایشان التماس کند که او را حلال کنند و اگر حاضر
نباشند از برادران مؤمن التماس کند که برای او ابرای ذمه بخواهند پس امور اطفال و عیال خود را
بعد از توکل بر جناب مقدس الهی بامینی بگذارد و وصی برای اولاد صغیر خود تعیین نماید پس کفن خود را
مهیا کند و از شهادتین و عقائد حق و اذکار و ادعیه و آیات آنچه در کتب مبسوطه مذکور است و این
رساله گنجایش آنها ندارد و تربت حضرت امام حسین صلوات الله علیه نیز باید که بنویسد و این
در صورتیست که پیشتر غافل شده باشد و کفن را مهیا نکرده باشد و اگر نه مؤمن میباید که همیشه
کفنش مهیا باشد و نزد او حاضر باشد چنانچه از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که
کفنش با او باشد در خانه اش او را از غافلان ننویسند و هر گاه که نظر کند بآن کفن ثواب یابد و باید که بعد از آن
در فکر زن و فرزند و مال نباشد و متوجه جناب مقدس ایزدی شود و بیاد او باشد و تفکر کند که این امور
فانی بکار او نمی آید و بغیر لطف و رحمت پروردگار در دنیا و آخرت چیزی بفریاد او نمیرسد و بداند که
چون توکل بر حق تعالی کند امور بازماندگان او باحسن وجوه صورت خواهد یافت و بداند که اگر خود باقی
ماند بدون مشیت الهی نفعی بایشان نمیتواند رساند و ضرری از ایشان دفع نمیتواند کرد و آنخداوندی
که ایشانرا آفریده است از او بایشان مهربانتر است و باید که در آنحال در مقام رجا و امید باشد
و از رحمت الهی بسیار امیدوار باشد و از شفاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت
ائمه معصومین علیهم السلام امید عظیم داشته باشد و منتظر قدوم شریف ایشان باشد و بداند که همگی در
آنوقت حاضر میشوند و شیعیان خود را بشارت میدهند و ملک الموت را سفارش ایشان میکنند
و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که در وقت مرگ وصیت نیکو
نکند علامت نقصان عقل و مروت اوست گفتند که یا رسول الله چگونه نیکو وصیت کند فرمود که
چون نزدیک وفات او شود و مردم نزد او جمع شوند بگوید اَللّٰهُمَّ فاطِرَ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ
عالِمَ الْغَیْبِ وَالشَّهادَةِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ اِنّی اَعْهَدُ اِلَیْکَ اَنّی اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ

وَحْدَكَ لَاشَرِيكَ لَكَ وَاَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاَنَّ
السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَارَيْبَ فِيهَا وَاَنَّكَ تَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَاَنَّ الْحِسَابَ حَقٌّ وَاَنَّ الْجَنَّةَ
حَقٌّ وَمَا وَعَدَ اللهُ فِيهَا مِنَ النَّعِيمِ مِنَ الْمَأكَلِ وَالْمَشْرَبِ وَالنِّكَاحِ حَقٌّ وَاَنَّ النَّارَ حَقٌّ
وَاَنَّ الْاِيمَانَ حَقٌّ وَاَنَّ الدِّينَ كَمَا وَصَفْتَ وَاَنَّ الْاِسْلَامَ كَمَا شَرَعْتَ وَاَنَّ الْقَوْلَ
كَمَا قُلْتَ وَاَنَّ الْقُرْآنَ كَمَا اَنْزَلْتَ وَاَنَّكَ اَنْتَ اللهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ وَاَنِّي اَعْهَدُ اِلَيْكَ
فِي دَارِ الدُّنْيَا اَنِّي رَضِيتُ بِكَ رَبًّا وَبِالْاِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا
وَبِعَلِيٍّ اِمَامًا وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَاَنَّ اَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ اَئِمَّتِي
اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتِي عِنْدَ شِدَّتِي وَرَجَائِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَعُدَّتِي عِنْدَ الْاُمُورِ الَّتِي
تَنْزِلُ بِي وَاَنْتَ وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي وَاِلٰهِي وَاِلٰهُ آبَائِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَاتَكِلْنِي
اِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَدًا وَآنِسْ فِي قَبْرِي وَحْشَتِي وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا يَوْمَ
اَلْقَاكَ مَنْشُورًا پس حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که این عهد و پیمان میت است
با خدا روزی که میخواهد که وصیت کند و وصیت لازم و واجب است بر هر مسلمانی پس حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام بعد از نقل این حدیث فرمودند که تصدیق این سخن در سوره مریم است
که حقتعالی میفرماید لَايَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ اِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمٰنِ عَهْدًا یعنی در قیامت
مالک شفاعت نیستند مگر کسی که گرفته باشد نزد پروردگار بخشنده عهدی و این آن عهد است
و حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم بحضرت امیرالمومنین علیه السلام فرمود که این وصیت را
تو یاد گیر و یاد اهلبیت خود و شیعیان خود بده چنانچه جبرئیل تعلیم من نمود اگر صحیفه خود را پیشتر
درست نکرده باشد جمعی از مؤمنان را حاضر کند و بر اعتقادات خود ایشانرا گواه بگیرد باین نحو که
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَاشَرِيكَ لَهُ وَاَنَّ
مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَاَنَّ النَّارَ حَقٌّ
وَاَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَارَيْبَ فِيهَا وَاَنَّ اللهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ پس بنویسد بر پارچه
کافنی بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ شَهِدَ الشُّهُودُ الْمُسَمَّوْنَ فِي هٰذَا الْكِتَابِ اَنَّ اَخَاهُمْ
فِي اللهِ عَزَّ وَجَلَّ فلان بن فلان و نام خود و پدر خود بنویسد اَشْهَدَهُمْ وَاسْتَوْدَعَهُمْ وَاَقَرَّ

عِنْدَهُمْ اَنَّهُ يَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ
رَسُوْلُهُ وَاَنَّهُ مُقِرٌّ بِجَمِيْعِ الْاَنْبِيَاءِ وَالرُّسُلِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَاَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللّٰهِ وَاِمَامُهُ
وَاَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهٖ اَئِمَّةٌ وَاَنَّ اَوَّلَهُمُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدُ
بْنُ عَلِيٍّ وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَمُوْسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَعَلِيُّ بْنُ مُوْسٰى وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَعَلِيُّ
بْنُ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَالْقَائِمُ الْحُجَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَاَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ
حَقٌّ وَاَنَّ السَّاعَةَ اٰتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيْهَا وَاَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُوْرِ وَاَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ رَسُوْلُهُ جَاءَ بِالْحَقِّ وَاَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللّٰهِ وَالْخَلِيْفَةُ مِنْ بَعْدِ رَسُوْلِ اللّٰهِ
وَمُسْتَخْلَفُهُ فِيْ اُمَّتِهٖ مُؤَدِّيًا لِاَمْرِ رَبِّهٖ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى وَاَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ وَابْنَيْهَا
الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ اِبْنَا رَسُوْلِ اللّٰهِ وَسِبْطَاهُ اِمَامَا الْهُدٰى وَقَائِدَا الرَّحْمَةِ وَاَنَّ
عَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعْفَرًا وَمُوْسٰى وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَحَسَنًا وَالْحُجَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اَئِمَّةٌ وَقَادَةٌ
وَدُعَاةٌ اِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَحُجَّةٌ عَلٰى عِبَادِهٖ پس گوید بگواہان کہ نام شان در آن صحیفہ
نوشتہ خواہد شد یا فلان یا فلان و نام شان را بگوید اَثْبِتُوْا عَلٰى هٰذِهِ الشَّهَادَةِ عِنْدَكُمْ
حَتّٰى تَلْقَوْنِيْ بِهَا عِنْدَ الْحَوْضِ پس گواہان او بگویند یا فلان نَسْتَوْدِعُكَ اللّٰهَ وَ
الشَّهَادَةُ وَالْاِقْرَارُ وَالْاِخَاءُ مَوْدُوْعَةٌ عِنْدَ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَ
نَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ پس صحیفہ را بپیچند و مہر کنند بمہر آن شخص خود
و بمہر گواہان و از جانب راست میت با جریدہ بگذارند و از حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ
وسلم منقولست کہ بر سر شخصی از انصار در وقت جان کندن حاضر شدند و از او پرسیدند کہ
خود را چون مییابی گفت کہ امید رحمت الٰہی دارم و از گناہان خود میترسم فرمود کہ این دو
حالت در ینوقت در دل کسی نمیباشد مگر آنکہ خدا امیدش را بدہد و از آنچہ میترسد او را
ایمن میگرداند و در حدیث دیگر منقولست کہ حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم حاضر شدند
بر شخصی کہ در حال احتضار بود فرمود کہ بگو اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الْكَثِيْرَ مِنْ مَعْصِيَتِكَ
وَاقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيْرَ مِنْ طَاعَتِكَ و اما آنچہ متعلق بخویشان و برادران مؤمن است باید کہ او را
در چنین حالی تنہا نگذارند و نزد او قرآن و دعا بخوانند و سورہ یٰس و الصافات نزد او بخوانند

واعتقاد بوحدانیت خدا و رسالت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم و امامت ائمه
معصومین صلوات الله علیهم اجمعین و سائر اعتقادات حق را از بهشت و دوزخ و صفات
کمالیه الهی و تنزیه خدا از نقائص مکرر بگویند که او بگوید و اگر نتواند گفت بر او بخوانند و دعای عدیله را
بر او بخوانند و متعش را اگر عرق کرده اند مر او القاء کنند و پایش را بسوی قبله کنند و در آن وقت
حائض و جنب نزد او نیایند که ملائکه از ایشان نفرت می کنند و اگر کسی دیگر حاضر نباشد برای
اضطرار نزد او باشند و چون نزدیک شود که جانش بیرون رود آنها بیرون روند و در احادیث
معتبره وارد شده است که اگر جان کندن بر او دشوار شود آنرا ببرند بآنجائی که همیشه نماز میکرده
است یا بر روی جانمازی که بر او نماز میکرده است او را بخوابانند که اگر امید شفا هست
شفا می یابد و اگر نه جانش بآسانی بیرون می آید و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول
صلی الله علیه وآله وسلم داخل شدند بر شخصی از فرزندان عبد المطلب و او در حال احتضار بود
فرمودند که پای او را بسوی قبله کنید تا ملائکه بر او رو آورند و رحمت الهی متوجه او گردد و از
حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که زینهار در حالت احتضار دست بر او مگذارید
و اگر دست و پا زند ناخوش مشوید چنانچه جاهلان می کنند و نزد او قرآن بخوانید و یاد خدا کنید
و صلوات بر رسول و آل او بفرستید و در حدیث دیگر منقولست که فرزندی از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام در احتضار بود و حضرت امام محمد باقر علیه السلام در کنارش نشسته
بودند و هرگاه کسی نزدیک او میرفت منع میکردند و میفرمودند که دست بر او مگذارید که او
درین حالت در نهایت ناتوانی است و هر که دست بر او میگذارد چنان است که او را کشته است
و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که تلقین کنید مردگان
خود را که لا اله الا الله بگویند که هر که آخر سخنش کلمه لا اله الا الله باشد داخل بهشت شود و در
حدیث دیگر فرمود که لا اله الا الله تلقین ایشان بکنید که گناهان را درهم می شکند و در حدیث
صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هرگاه کسی را در وقت جان کندن بیابند
این کلمات فرج را تلقین کنند که او بگوید لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا
الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع و ما

فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و در حدیث دیگر
منقولست که هر گاه اهل خانه حضرت امیر المؤمنین محتضر میشد آن حضرت کلمات فرج را تلقین
ایشان می فرمودند که بخوانند چون میخواندند می فرمود که برو که دیگر بر تو باکی نیست و در حدیث
حسن دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نزد شخصی از بنی هاشم حاضر شدند
در حالت جان کندن و فرمودند که این کلمات را بخوان چون خواند گفتند الحمد لله که خدا
او را از آتش جهنم نجات داد و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق منقولست که هیچکس
نیست مگر آنکه شیطان جمعی از شیاطین را موکل میگرداند بر او در وقت مردن که او را بشک اندازد
در دین خود تا جانش مفارقت کند و اگر کسی مؤمن کامل باشد نمیتوانند او را بشک انداخت
پس در آنحال تلقین ایشان بکنید کلمات فرج و شهادتین و اقرار بائمه علیهم السلام یکیک را
تا او از سخن گفتن باز ماند و در حدیث دیگر فرمود که اگر بت پرستی در وقت مردن اقرار با مامت
ایمه معصومین علیهم السلام بکند و دین تشیع را اعتقاد کند آتش جهنم بهیچ عضو او نرسد و در حدیث
دیگر فرمود که شخصی را مرگ در رسید حضرت رسول نزد او حاضر شدند با جماعتی از صحابه و او بیهوش
بود پس حضرت فرمودند که ای ملک الموت دست از و بردار تا از و سوال کنم پس آن شخص
بهوش آمد حضرت فرمود که چه چیز می بینی گفت سفیدی بسیار و سیاهی بسیار می بینم حضرت فرمود
که کدام یک بتو نزدیکتر است گفت سیاهی پس حضرت فرمود که بگو اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الْكَثِيرَ
مِنْ مَعَاصِيكَ وَاقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ پس آن شخص بیهوش شد باز بملک الموت فرمود
که دست از و بردار پس او بهوش آمد حضرت فرمود که چه چیز می بینی گفت که سفیدی بسیار و
سیاهی بسیار فرمود که کدام یک بتو نزدیکتر است گفت که سفیدی حضرت فرمود که او را آمرزیدند
پس حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که نزد هر که حاضر شوید در این حال بگوئید که این دعا را
بخواند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نزد جوانی حاضر شدند
در وقت مردن و باو گفتند که بگو لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ زبانش بند شده بود و نتوانست گفت
حضرت پرسیدند از زنی که بر بالین او نشسته بود که این مادر دارد گفت که من مادر اویم فرمود
که از و خوشنودی یا بر او غضبناکی گفت شش سال است که با و سخن نگفته ام فرمود که از و راضی

پس حضرت بآنجوان گفت که بگو لا اله الا الله زبانش گشوده شد و گفت پس حضرت ازو
پرسیدند که چه چیزی بینی گفت که مرد سیاهی بدروی بدبوی جامه چرکین را می بینم که نزدیک من
است و گلوی مرا گرفته بود حضرت فرمود که بگو یا من یقبل الیسیر و یعفو عن الکثیر اقبل
منی الیسیر واعف عنی الکثیر انک انت الغفور الرحیم چون آنجوان این دعا را بخواند
حضرت فرمود که چه چیزی بینی گفت که مرد سفید روی خوشبوی خوش جامه را می بینم که نزدیک
من است و آن مرد سیاه میرود فرمود که بار دیگر این دعا بخوان چون خواند فرمود که چه چیزی بینی
گفت که آن سیاه را نمی بینم و سفید را می بینم که نزدیک من است این را گفت و فوت شد پس چون
فوت شود سنت است که دهانش را بهم گذارند و چانه اش را ببندند و چشمش را برهم گذارند
و دستهایش را بر پهلوهایش بکشند و جامه بر رویش بیندازند و قرآن نزد او بخوانند و زود
پردازندش و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سزاوار آنست که برادرانرا
خبر کنند بمردن او تا بجنازه او حاضر شوند و برو نماز کنند و برای او استغفار کنند و میت
ثواب برد و ایشان ثواب ببرند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که چون مؤمن را بقبر میگذارند ندا می کنند او را که اول عطائی که ترا دادیم بهشت است و اول
عطائی که دادیم آنها را که بجنازه تو آمده بودند آمرزش گناهان است و در حدیث دیگر فرمود که اول
تحفه که بمؤمن میدهند در قبر آن است که می آمرزند هر کس را که همراه جنازه او بوده است و در
حدیث دیگر فرمود که هر که همراهی جنازه مؤمنی بکند تا او را دفن کنند حقتعالی در قیامت هفتاد ملک
بر او بگمارد که همراهی او کنند و استغفار برای او کنند از قبر تا بموقف حساب و فرمود که هر که
یکطرف جنازه را بگیرد و بیست و پنج گناه کبیره اش آمرزیده شود و اگر چهار طرف را بگیرد از گناهان
بیرون آید و بهتر آنست که اول دست راست میت را که جانب چپ جنازه است بدوش
راست خود بردارد پس پای راست میت را بدوش راست خود بردارد پس پای چپ میت را
بدوش چپ بردارد پس دست چپ میت را بدوش چپ بردارد پس چون خواهد که دیگر تربیع
کند از پیش روی جنازه نرود بلکه از جانب پشت جنازه برگردد و باز بهمان روش تربیع بجا آورد و بهتر
آنست که از پشت جنازه یا پهلوی جنازه راه رود و پیش جنازه نرود و ظاهر احادیث آنست

و اگر جنازه مومن باشد پیش آن راه رفتن خوب است و در جنازه مخالف مذهب پیش آن نباید رفت زیرا که ملائکه او را استقبال بعذاب می کنند و با جنازه سواره رفتن مکروهست و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که هر که جنازه را به بیند و این دعا بخواند هیچ ملکی در آسمان نماند مگر آنکه گریه کند از برای ترحم بر آواز او اَللّٰهُ اَکْبَرُ هٰذَا مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗ وَصَدَقَ اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗ اَللّٰهُمَّ زِدْنَا اِیْمَانًا وَتَسْلِیْمًا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ وَقَهَرَ الْعِبَادَ بِالْمَوْتِ و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که هر که تشییع جنازه بکند بهر قدمی که بردارد صد هزار حسنه برای او نوشته شود و صد هزار گناه از و محو شود و صد هزار درجه برای او بلند شود و اگر بر جنازه اش نماز کند حقتعالی بعد از فوت او صد هزار ملک را بفرستد که بر جنازه او نماز کنند و از برای او استغفار کنند تا وقتیکه دفن شود و اگر بماند تا وقت دفن همان صد هزار ملک را حقتعالی مقرر فرماید که از برائی او استغفار کنند تا از قبرش بیرون آید در قیامت و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر مومنی که مومنی را غسل دهد و چون او را از پهلو به پهلوئی بگرداند و این دعا بخواند گناهان یکساله او آمرزیده شود مگر گناهان کبیره اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا بَدَنُ عَبْدِكَ الْمُؤْمِنِ وَقَدْ اَخْرَجْتَ رُوْحَهٗ مِنْهُ وَفَرَّقْتَ بَیْنَهُمَا فَعَفْوَكَ عَفْوَكَ و در حدیث دیگر فرمود که هر که میتی را غسل دهد و آنچه از عیبهای آن میت بر او ظاهر شود بکسی نقل نکند گناهانش آمرزیده شود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت موسی علی نبینا و علیه السلام از پروردگار خود پرسید که چه ثواب دارد کسیکه میتی را غسل بدهد وحی باو رسید که او را از گناهان می شویم مانند روزی که از مادر متولد شده و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر مومنی که مومنی را غسل دهد و در وقت غسل دادن مکرر بگوید رَبِّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ خدا او را بیامرزد و در فقه الرضا مذکور است که در وقتیکه دست بر کفنش بمالد این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ حُبَّ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِمْ فِیْ بَطْنِهَا فَاَسْئَلُكَ بِهٖ سَبِیْلَ رَحْمَتِكَ و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که کفن کند مومنی را چنانست که ضامن پوشش او شده باشد تا روز قیامت و هر که بکند از برائی مومنی قبری که چنان باشد که او را در خانه موافقی جا داده باشد تا روز قیامت و از حضرت

رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که هر که بر جنازه نماز کند هفتاد هزار ملک بر او نماز
کنند و گناهان گذشته اش آمرزیده شود پس اگر همراهی کند تا او را دفن کنند بهر قدمی که بردارد
قیراطی از ثواب باو بدهند که آن قیراط مانند کوه احد باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر مؤمنی که بر
جنازه نماز کند بهشت او را واجب گردد مگر آنکه منافق یا عاق پدر و مادر باشد و بسند معتبر
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون مؤمنی بمیرد بر جنازه او چهل نفر از
مؤمنان حاضر شوند و بگویند اللّهُمَّ اِنّا لا نَعْلَمُ مِنْهُ اِلّا خَیْراً وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنّا یعنی
خداوندا ما از و بغیر از نیکی نمیدانیم و تو داناتری باحوال او از ما چون این را بگویند حقتعالی فرماید
که من شهادت شما را قبول کردم و آمرزیدم آن گناهانی را که من میدانم و شما نمیدانید و در حدیث
معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که اول چیزی که در عنوان نامه مؤمن
مینویسند بعد از مرگش آن چیزیست که مردم در حق او میگویند اگر نیک میگویند نیک مینویسند
و اگر بد میگویند بد مینویسند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که چون میت را بقبر رسانی او را از پیش پای قبر داخل کن پس چون در قبر گذاری آیة الکرسی
بخوان و بگو بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَفی سَبیلِ اللهِ وَعَلی مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ
وَآلِهِ اللّهُمَّ افْسَحْ لَهُ فی قَبْرِهِ وَاَلْحِقْهُ بِنَبِیِّهِ اللّهُمَّ اِنْ کانَ مُحْسِناً فَزِدْ
فی اِحْسانِهِ وَاِنْ کانَ مُسیئاً فَاغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ وَتَجاوَزْ عَنْهُ و استغفار از برایش
بسیار بگو و حضرت علی بن الحسین علیه السلام چون میت را داخل قبر میکردند این دعا میخواندند
اللّهُمَّ جافِ الاَرْضَ عَنْ جَنْبَیْهِ وَصاعِدْ عَمَلَهُ وَلَقِّهِ مِنْکَ رِضْواناً و در حدیث دیگر
فرمود که چون میت را بقبر در گذارند باید که اولای مردم باو نزدیک سرش باشد و نام خدای تعالی
برد و صلوات بر حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم بفرستد و پناه برد بخدا از شر شیطان
و سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد و آیة الکرسی بخواند
و اگر تواند رویش را برهنه کند و بر خاک بگذارد و در آنجا تلقین کند او را بشهادتین و اقرار
بائمه معصومین علیهم السلام و سائر اعتقادات حق و در حدیث دیگر فرمود که چون خاک بر
میت بریزی بگو اِیماناً بِکَ وَتَصْدیقاً بِبَعْثِکَ هذا ما وَعَدَنَا اللهُ وَرَسُولُهُ

تا آنکه بعد و هر ذره از انخاک حسنه در نامه آن نوشته شود و چون قبر را پر کنند و مردم برگردند
نزدیک ترین مردم باو نزدیک سر قبر بنشیند و بآواز بلند او را تلقین کند که این تلقین باعث
این میشود که منکر و نکیر از و سوال نکنند و سنت مؤکده است که در نزد قبر بعد از دفن میت
اہل او را تعزیت بگویند و پیش از دفن میت نیز مستحب است و در حدیث معتبر از حضرت
رسول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم منقولست کہ ہر کہ اندوہگین را تعزیت بگوید در قیامت
حلہ اعلی بپوشانند و مثل ثواب آن صاحب مصیبت او را باشد بی آنکہ از ثواب او چیزے کم شود
و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام منقولست کہ مردگان از زیارت کنید
گان ایشان خبر میشوند بعد از رفتن ثما و شادمی شوند و ثما انس میگیرند و چون نزدیک قبر
روید بگوئید اَللّٰهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ عَنْ جُنُوْبِهِمْ وَصَاعِدْ اِلَيْكَ اَرْوَاحَهُمْ وَلَقِّهِمْ
مِنْكَ رِضْوَانًا وَاَسْكِنْ اِلَيْهِمْ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تَصِلُ بِهٖ وَحْدَتَهُمْ وَتُوْنِسُ بِهٖ وَحْشَتَهُمْ
اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ و در احادیث معتبرہ وارد شدہ است کہ ہر کہ نزد قبر برادر مومن
خود برود و رو بقبلہ دست بر قبرش بگذارد و ہفت مرتبہ سورۂ انا انزلناہ فی لیلۃ القدر بخواند
از ترس بزرگ روز قیامت ایمن گردد و در روایت دیگر منقولست کہ حقتعالی او را و صاحب
قبر را ہر دو بیامرزد و در روایت معتبر منقولست کہ حضرت امام محمد باقر علیہ السلام نزد قبر یکی
از شیعیان ایستادند و این دعا خواندند اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتَهٗ وَصِلْ وَحْدَتَهٗ وَاٰنِسْ وَحْشَتَهٗ
وَاٰمِنْ رَوْعَتَهٗ وَاَسْكِنْ اِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا يَسْتَغْنِيْ بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَاَلْحِقْهُ
بِمَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ و در روایت دیگر منقولست کہ ہر کہ سورہ انا انزلناہ نزد قبر مومنی بخواند
ہفت مرتبہ حقتعالی ملکی را بفرستد کہ عبادت الہی کند نزد قبر او و ثواب عبادت آن ملک را
برای میت بنویسد و چون از قبرش محشور شود بہر ہولی از اہوال قیامت کہ برسد حقتعالی
بسبب آن ملک آن ہول را از و دفع کند تا داخل بہشت شود و منقولست کہ مستحب است
کہ نزد قبر مومنی سورۂ حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل ہو اللہ احد و آیۃ
الکرسی ہر یک را سہ مرتبہ و سورۂ انا انزلناہ را ہفت مرتبہ بخواند و از حضرت رسول صلی اللہ
علیہ و آلہ وسلم منقولست کہ ہر کہ بر قبرستان بگذرد و یازدہ مرتبہ سورۂ قل ہو اللہ احد

بخوانند و ثوابش را بمردگان آن قبرستان بخشد بعدد آن مردگان اجر و ثواب یابد بدانکه چون این رساله محل
ذکر احکام احتضار و غسل و کفن و نماز و دفن نبود قلیلی از آداب در اینجا مذکور شد که این رساله از این فوائد
خالی نباشد و مفصل همگی در کتاب بحار الانوار مذکور است باب یازدهم در آداب مجالس از

سلام و مصافحه و معانقه و بوسیدن و آداب عطسه کردن و آداب نشستن و برخاستن
و صحبت داشتن و امثال اینها فصل اول در فضیلت سلام و آداب آن در حدیث معتبر
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم اصحاب خود را امر فرمود بهفت
خصلت عیادت بیماران و متابعت جنازه مردگان و قبول کردن گفته کسی که این کس را
قسم دهد و دعا کردن برای کسیکه عطسه کند و یاری کردن مظلوم و بهر کس سلام کردن و قبول
ضیافت کردن و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که در بهشت غرفه چند هست که از
اندرونش بیرون مینماید و بیرونش اندرون مینماید کسی از امت من در آنها ساکن میشود
که بزبان نیک با مردم سخن گوید و طعام بمردم بخوراند و افشای سلام بکند و نماز کند در شب
در وقتیکه مردم همه در خواب باشند پس فرمود که افشای سلام آنست که بخل نورزد بسلام
کردن بر احدی از مسلمانان و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که جمله تواضع و
شکستگی آنست که با هر که برخوری سلام بکنی و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقولست که هر که ابتدا کند بسخن گفتن پیش از سلام جوابش بگوئید و کسیرا بطعام خود مطلبید
پیش از آنکه سلام کند و در حدیث دیگر فرمود که عاجزترین مردم کسی است که از دعا عاجز باشد
و بخیل ترین مردم کسی است که بسلام کردن بخل کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که بده نفر
از مسلمانان برخورد و بر ایشان سلام کند ثواب یک بنده آزاد کردن در نامه عملش نوشته
می شود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که بجماعتی از مؤمنان
سلام کند ملائکه در جواب سلام او میگویند سَلامٌ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ ابداً
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که سلام کردن سنت است و
جواب سلام گفتن واجب است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون
کسی سلام کند بلند سلام کند که بشنوند تا نگوید که سلام کردم و جواب سلام من نگفتند

وچون کسی جواب سلام بگوید بلند بگوید که آن سلام کننده نگوید که من سلام کردم و جواب سلام
من نگفتند و در حدیث دیگر فرمود که هر که اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ بگوید ده حسنه برای او باشد و اگر
سَلَامٌ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ بگوید سی حسنه برای او بنویسند و در حدیث دیگر فرمود
که سه کس اند که بصیغه جمع با ایشان سخن میباید گفت هر چند که تنها باشند کسیکه عطسه کند میگوید
یَرْحَمُکُمُ اللهُ هر چند دیگری با او نباشد و کسی که سلام بر کسی کند میگوید اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ
و کسی که برای او دعا کند میگوید عَافَاکُمُ اللهُ هر چند که یکی باشد زیرا که با او ملائکه میباشند
و در قصد مؤمنان غائب را هم داخل ایشان کرد و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست
که مکروه است که کسی بگوید حَیَّاکَ اللهُ مگر آنکه بگوید حَیَّاکَ اللهُ بِالسَّلَامِ و از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقولست که سه کس اند که بر ایشان سلام نمیباید کرد کسی که با جنازه را
رود و کسیکه بنماز جمعه برود و کسی که در حمام باشد و حمل کرده اند بر صورتیکه لنگ نبسته باشد
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون داخل مسجد شوی و مردم نشسته باشند
بر ایشان سلام بکن و بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم سلام کن و متوجه نماز شو و اگر
بمجلسی داخل شوی که مردم سخن گویند بر ایشان سلام بکن و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و
آله منقولست که کسیکه داخل خانه خود شود بر اهل خانه سلام کند و اگر اهلی نداشته باشد و خانه
خالی باشد بگوید اَلسَّلَامُ عَلَیْنَا مِنْ رَبِّنَا و فرمود که اگر کسی بتو بگوید حَیَّاکَ اللهُ بِالسَّلَامِ
در جواب بگو اَنْتَ فَحَیَّاکَ اللهُ بِالسَّلَامِ وَاَحَلَّکَ دَارَ الْمُقَامِ و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که چون یکدیگر را ملاقات کنید بسلام و مصافحه
و چون از یکدیگر جدا شوید بطلب آمرزش از برای یکدیگر بکنید و در حدیث دیگر فرمود که کسی
داخل خانه شود و سلام بکند که باعث برکت میشود و ملائکه انس میگیرند در آن خانه و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون زن بر جماعتی داخل شود بگوید عَلَیْکُمُ السَّلَامُ
و چون مرد داخل شود بگوید که اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ و در بعضی از اخبار وارد شده است که جمعی اند
که بر ایشان سلام نمیباید کرد یهود و گبر و ترسا و بت پرست و کسی که در بیت الخلا باشد
و کسیکه بر سر خوان شراب نشسته باشد و شاعری که بزنان محصنه عفیفه فحش گوید و بر بازی

خوش طبعی ایشان و دشنام یا درست و بر کسیکه نرد یا شطرنج یا سایر انواع قمار بازی کنند و بر
کسی که طنبور یا عود نوازد و مردی که مردم با او عمل لواطت کنند و کسی که در اثنای نماز باشد
و کسیکه سود خورد و فاسقی که علانیه فسق کند و پروا نکند و در روایت دیگر وارد شده است
که سلام کردن بر کسیکه شطرنج بازی کند گناه کبیره است و هم چنین نهی وارد شده است از سلام
کردن بر کسیکه شراب خورد و دور نیست که اکثر اینها محمول باشد بر اینکه سلام کردن بر اینها فضیلت
بسیار ندارد یا بر آنکه از روی مهربانی و محبت و راضی بودن بگناه ایشان سلام بر ایشان
نباید کرد زیرا که اخبار بسیار وارد شده است که بر همه کس سلام کردن خوب است و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که چون کسی از مجلسی برخیزد و وداع کند اهل
آن مجلس را به سلام کردن که اگر بعد از حرف خیری بگویند در ثواب شریک ایشان خواهد بود
و اگر حرف بدی گویند گناهش بر ایشان خواهد بود و بر او گناهی نخواهد بود و از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقولست که کوچک بر بزرگتر سلام میکند و کسی که گذرد بر کسی که نشسته باشد
سلام میکند و جماعت کمتر بر جماعت بیشتر سلام می کنند و در حدیث دیگر فرمود که سواره
باید که بر پیاده سلام بکند و استر سوار بر خر سوار سلام کند و اسپ سوار بر استر سوار سلام بکند
و ایستاده بر نشسته سلام کند و در چند حدیث معتبر از آنحضرت منقولست که چون جماعتی بر جماعتی
بگذرند یکی از ایشان که سلام کند از دیگران مجزیست و اگر کسی بر جماعتی سلام کند و یکی از اینها که جواب
بگوید از دیگران مجزیست و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم بر زنان سلام کردند و ایشان جواب می گفتند و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بر زنان
پیر سلام میکردند و کراهت داشتند از سلام کردن بر زنان جوان و می فرمودند که میترسم
خوشم آید آواز او و گناه بر من داخل شود زیاده از ثوابی که بسلام کردن طلب میکنم و امثال اینها
برای تعلیم دیگران می فرمودند و خود از امثال اینها معصوم و منزه بودند و از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقولست است که ابتدا مکنید اهل کتاب یعنی یهود و نصاری و مجوس را
بسلام و چون ایشان سلام کنند بگوئید علیکم و در روایت دیگر فرمود که چون یهودی یا
نصرانی یا مشرک و بت پرست بر تو سلام کنند بگو علیک و بدانکه از جمله سلامها سلام

رخصت است که چون خواهند داخل خانهٔ کسی شوند بشیر سنت است که در بیرون خانه سه مرتبه سلام
کنند اگر جواب سلام بشنوند داخل شوند و اگر نه برگردند و جواب این سلام واجب نیست و از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که رخصت طلبیدن سه مرتبه است در مرتبهٔ اول می‌شنوند
در مرتبهٔ دوم حذر می‌کنند در مرتبهٔ سوم اگر میخواهند رخصت میدهند و اگر نمیخواهند ساکت
میشوند که او برگردد و حقتعالی فرموده است که داخل مشوید در خانه غیر خانه‌های خود تا استیناس
نکنید و سلام بر اهلش نکنید حضرت صادق علیه السلام فرمود که استیناس کفش بر زمین زدنست و
سلام کردن است که ایشان خبر شوند فصل دوم در فضیلت مصافحه یعنی دست یکدیگر گرفتن
و معانقه یعنی دست در گردن یکدیگر کردن و بوسیدن و آداب هر یک در حدیث صحیح از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که از تمامی تحیت و سلام کسی که در حضر باشد مصافحه کردنست
و تمامی سلام کردن کسی که از سفر آمده باشد دست در گردن یکدیگر کردنست و در حدیث
معتبر از ابو عبیده منقولست که گفت من هم در کجاوهٔ حضرت امام محمد باقر علیه السلام بودم و من
اول بکجاوه میرفتم پس آنحضرت بکجاوه میرفتند و چون هر دو در کجاوه درست می‌نشستیم حضرت
بر من سلام میکردند و احوال از من میگرفتند مانند دو کس که مدتی باشد که یکدیگر را ندیده باشند
و با من مصافحه میکردند و چون از کجاوه فرود می‌آمدیم اول آنحضرت فرود می‌آمدند پس چون هر دو در
زمین قرار میگرفتند سلام میکردند و احوال میگرفتند مانند دو کس که مدتها یکدیگر را ندیده باشند
من گفتم که یا ابن رسول الله شما کاری چند می‌کنید که مردمی که نزد ما هستند چنین نمی‌کنند حضرت
فرمود که مگر نمیدانی که مصافحه کردن چه ثواب دارد بدرستیکه دو مؤمن که با یکدیگر ملاقات
کنند و مصافحه کنند پیوسته گناهان ایشان میریزد چنانچه برگ از درخت میریزد و حقتعالی
نظر رحمت بسوی ایشان میکند تا از یکدیگر جدا شوند و در حدیث دیگر از ابو حمزه منقولست
که گفت من هم کجاوه بودم با حضرت امام محمد باقر علیه السلام پس چون بار را فرود آوردیم حضرت
اندک راهی رفتند پس آمدند و دست مرا گرفتند و فشار سختی دادند گفتم فدایت شوم من با شما
بودم در کجاوه حضرت فرمود که مگر نمیدانی که مؤمن چون اندک حرکتی بکند و بعد از آن دست
برادر مؤمن خود را بگیرد و با او مصافحه کند حقتعالی نظر لطف بسوی ایشان میکند و سعی

رحمت خود را بجانب ایشان میگرداند و گناهان میفرماید که فرو ریزند از ایشان تا آنکه چون
از یکدیگر جدا می شوند دیگر هیچ گناه بر ایشان نمانده است و در حدیث حسن از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که حد مصافحه آنست که دو دور دور درخت خرما بگردند پس بعد از آن باز
مصافحه سنت است و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که سزاوار آنست که دو مومن که از
یکدیگر پنهان شوند اگر چه بدرختی باشد که در میان ایشان فاصله شود پس چون ملاقات کنند باید
که مصافحه کنند و در حدیث دیگر فرمود که هر که دست را دیرتر بر میدارد ثوابش بیشتر است
و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم هرگز با کسی
مصافحه نکردند که دست را از دست او بکشند تا آنکه آن شخص دست را می کشید و در حدیث
دیگر فرمود که با یکدیگر مصافحه کنید که کینه ها را از سینه ها میبرد و فرمود که مصافحه کردن با مومن بهتر
است از مصافحه کردن با ملائکه و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله و سلم منقول
است که چون با برادران مومن ملاقات نمایید با ایشان مصافحه کنید و بشاشت و خوشحالی
نزد ایشان ظاهر کنید تا آنکه چون جدا شوید هیچ گناه بر شما نمانده باشد و با دشمن خود نیز
مصافحه کنید هر چند نخواهد که حقتعالی چنین امر فرموده است و باعث رفع دشمنی او میشود
و در حدیث دیگر از اسحق صراف منقولست که گفت من در کوفه میبودم و شیعیان بسیار بنزد
من می آمدند من از شهرت ترسیدم و غلام خود را امر کردم که هر که مرا خواهد بگو که اینجا نیست پس
در آن سال بحج رفتم و چون بخدمت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم آن حضرت را از خود متغیر یافتم
گفتم فدایت شوم چه چیز باعث تغیر شما شده است از من فرمود که آنچه باعث تغیر تو شده است
از مومنان گفتم فدایت شوم از شهرت ترسیدم و خدا میداند که چه مقدار ایشان را دوست
میدارم حضرت فرمود که ای اسحاق ملال بهم مرسان از بسیار آمدن برادر مومن بدیدن تو
که چون مومن با برادر مومن خود بر میخورد و با او مرحبا میگوید خدا از برای او تا قیامت مرحبا
میگوید پس چون با یکدیگر ملاقات مینمایند و مصافحه می کنند حقتعالی میان دو ابهام
ایشان صد رحمت میفرستد که نود و نه تای آنها از آنست که دیگری را بیشتر دوست میدارد
پس حقتعالی روی رحمت را بسوی ایشان میگرداند و هر یک که دیگری را بیشتر دوست میدارد حق

روی رحمت بسوی او بیشتر است پس چون دست در گردن یکدیگر کنند رحمت ایشانرا فرو میگیرد پس چون از برای خدا با یکدیگر بایستند و غرض دنیوی نداشته باشند بایشان خطاب میرسد که آمرزیده شدید عمل را از سر گیرید پس چون از یکدیگر احوال گیرند و سخن گویند ملائکه با یکدیگر میگویند که دور شوید که ایشان میخواهند که با یکدیگر رازی بگویند و خدا بر ایشان پوشانیده است اسحاق گفت که پس گفتم فدای تو شوم میگویم ملائکه نمینویسند حضرت شاهی بلند کشیدند و گریستند آنقدر که آب دیده مبارک ایشان بر محاسن و رویش روان شد فرمودند که ای اسحاق حقتعالی ملائکه را امر فرموده است که چون دو مؤمن با یکدیگر ملاقات کنند از ایشان دور شوند برای تعظیم ایشان و اگرچه ملائکه نمینویسند اما خداوندی که مطلع است بر احوال ایشان و راز پنهان و آنچه در سینها نهان است نزد او آشکار است میداند که چه میگویند پس ای اسحق از خدا بترس چنانچه گویا او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی او ترا می بیند و اگر گمان میکنی که او ترا نمی بیند کافر می شوی و اگر میدانی که او ترا می بیند و گناه را از مخلوقین پنهان میکنی و نزد او هویدا میکنی پس او را از همه کس سهلتر شمرده و در حدیث دیگر فرمود که شما را در مصافحه کردن مثل ثواب آنها هست که در راه خدا جهاد می کنند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر مؤمنیکه از خانه بیرون رود بقصد دیدن برادر مؤمن خود و حق او را شناسد حقتعالی بهر گامی حسنه در نامه عملش بنویسد و گناهی را از او محو کند و درجه برای او بلند کند پس چون در خانه آن مؤمن را بکوبد درهای آسمان برای او گشوده شود پس چون با یکدیگر ملاقات کنند و مصافحه کنند و دست در گردن یکدیگر کنند حقتعالی روی رحمت خود را بسوی ایشان بگرداند پس حقتعالی با ایشان با ملائکه مباهات کند و فرماید که نظر کنید بسوی این دو بنده من که بدیدن یکدیگر رفتند و از برای رضای من با یکدیگر دوستی کردند بر من لازم است که بعد از این ایشانرا عذاب نکنم پس چون برگردد او را مشایعت کنند ملکی چند بعدد نفسهای او و گامهای او و سخنهای او که او را حفظ کنند از بلاهای دنیا و آخرت تا روز دیگر آن وقت و اگر در بین میان بمیرد از حساب قیامت نجات یابد و اگر آن مؤمن دیگر هم حق او را شناسد و حرمت او را داند همین ثواب او هم داشته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که شما شیعیان از نوری ... بیافریده

هست که بآن نور شمارا در دنیای شناسند چون بیک دیگر برخورید آنموضع نور را از پیشانی
یکدیگر ببوسید و در حدیث حسن دیگر فرمود که نمی باید بوسید سر و دست کسی را مگر رسول خدا
صلی الله علیه و آله و سلم یا کسی که مراد از بوسیدن سر و دست او حضرت رسول باشد و محتمل است
که مخصوص ائمه معصومین علیهم السلام باشد و اظهر آنست که شامل سادات و علما نیز باشد زیرا که
تعظیم ایشان برای آن می کنند که فرزندان آنحضرت یا حافظ علوم و مروج دین آنحضرت اند و احوط
آنست که بغیر دست پیغمبر و امام را نبوسند چنانچه در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که شایسته نیست دست بوسیدن مگر پیغمبر یا وصی پیغمبر را و در حدیث صحیح از حضرت
امام موسی علیه السلام منقولست کسی که خویش خود را برای خویشی ببوسد بر او چیزی نیست و برادر مؤمن را
پهلوهای روی ایشان را ببوسند و امام را میان دو چشم ببوسند و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که دهان را بوسیدن نمی باشد مگر از برای زن و فرزند خورد فصل سیوم در آداب
نشستن مجالس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که وصیت فرموده
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله که هشت کس اند که اگر خوار شوند ملامت نکنند
مگر خود را کسیکه حاضر شود بر سر سفره که او را نخوانده باشند و کسیکه تحکم کند بر صاحب خانه و
کسیکه طلب خیر کند از دشمنان خود و کسیکه توقع احسان کند از لئیمان و بخیلان و کسیکه خود
را در آورد در رازی که میان دو کس باشد بی رخصت ایشان و کسیکه استخفاف نماید بپادشاه و کسیکه
در مجالس در جائی نشیند که او سزاوار آن نباشد و کسیکه سخن با کسی گوید که گوش بسخن او ندهد و از
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که کسی که مجموع این سه خصلت یا یکی
از آنها در او نباشد در صدر مجلس نشیند احمق است اول آنکه هرچه پرسند جواب تواند گفت
دوم آنکه چون دیگران عاجز شوند او حق را بیان تواند کرد و سیوم آنکه راه نمائی برائی که صلاح
اهلش در آن باشد تواند کرد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سزاوار نیست مؤمن را
که بنشیند مگر بعد از آن جماعتی که نشسته اند زیرا که پا بگردن مردم گذاشتن و بالا رفتن علامت
سبکی عقل است و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که از علامات
تواضع و شکستگی آن است که آدمی راضی شود بمجلسیکه پست تر باشد از مجلسی که سزاوار او است

دبهر که برسد سلام کند و ترک مجادله بکند هرچند حق با او باشد و نخواهد که او را به پرهیزگاری ستایش
کنند و در حدیث دیگر فرمود که چون مردم در جای خود نشینند و دیگری در آید اگر کسی از ایشان
او را طلبد و جا از برایش بگشاید برود که آن کرامتی است که نسبت باو کرده است برادر مؤمن
او، و اگر کسی جا از برای او نگشاید هرجا که گشاده تر است آنجا بنشیند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که
چون کسی بخانه شخصی بیاید هرجا که صاحب خانه بفرماید بنشیند که صاحب خانه نیک و بد خانه خود
را بهتر میداند و حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و آله فرمود که زنهار که بر سر راهها منشینید
و در حدیث دیگر فرمود که نباید کسی در میان جماعتی بنشیند و جامه را از ران خود دور کند و از حضرت
امام حسن عسکری علیه السلام منقولست که هر که راضی باشد بنشستن در جائی که مناسب شرف او
بالاتر از آن باشد پیوسته خدا و ملائکه بر او صلوات میفرستند تا برخیزد و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داخل مجلسی میشدند هرجا که بدرگاه نزدیکتر
بود می‌نشستند و در روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در اکثر اوقات
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رو بقبله می‌نشستند و در حدیث حسن منقولست که حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام در خانه خود نزدیک درگاه می‌نشستند رو بقبله و در حدیث دیگر منقول
است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم سه روش می‌نشستند گاهی زانوها را از زمین بر میداشتند
و دستها را بر پا بین زانوها گذاشته ساعد یکدست را بدست دیگر میگرفتند و گاهی دو زانو
می‌نشستند و گاهی یکپا را بر روی پای دیگر میگذاشتند و هرگز چهار زانو نمی‌نشستند و در
حدیث حسن از ابوحمزه منقولست که گفت دیدم حضرت امام زین العابدین علیه السلام نشسته
بودند و یکپا را بالای ران پای دیگر گذاشته بودند گفتم که مردم این نشستن را خوب نمیدانند
و میگویند که این نشستن پروردگار است حضرت فرمود که من از برائی واماندگی چنین نشسته ام
و خدا را واماندگی نمیباشد و او را پینکی و خواب نمیباشد و جسم نیست و نشستن او دائمی باشد
و در روایت دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام چنین نشسته بودند و پای راست را
بر روی ران چپ گذاشته بودند و در حدیث معتبر منقولست که رسول خدا صلی الله علیه و آله
و سلم فرمود که سزاوار نیست که جماعتی که با یکدیگر نشینند در تابستان بقدر استخوان ذراع که

تقریبا یک شبر باشد از هر طرف میان خود و دیگری فاصله بگذارند که از گرما آزار نکشند و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که آدم شمار کسیرا که در جائی تنگ چهار زانو نشیند و در چند
حدیث وارد شده است که احتبا دیوار عربانست و احتبا آنست که پاها را با پشت به جامه
به بندند بروشی کمند و حدت یا دست را قفل کنند بزانوها چنانچه گذشت یعنی ایشان در صحراها
در جاها که نزدیک بدیوار نباشد این بعوض تکیه بدیوار کردن است و در حدیث موثق از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که پرسیدند که احتبا چونست فرمود که اگر عورت نمایان نشود
باکی نیست و در حدیث دیگر فرمود که جائز نیست مرد را که احتبا کند در برابر کعبه **فصل چهارم**
در آداب ملاقات صاحب خانه با کسیکه بخانه او می آید در حدیث معتبر از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که برخاستن از برای تعظیم مکروه است مگر از برای کسیکه بجهت دین مانند
علم و صلاح و نیکی او تعظیم کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که حق کسی
داخل خانه می شود بر اهل آنخانه آنست که در وقت داخل شدن و بیرون رفتن پاره با او راه
روند و فرمود که چون کسی داخل خانه شود بر صاحب خانه حاکم است تا که بیرون رود و آنچه گوید
میباید که صاحب خانه اطاعت او کند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسی که
تحفه برای مؤمنی بیاورد مثل بالشی یا متکائی یا طعامی یا پوششی یا سلامی کند بر و بهشت لازم
شود که او را مکافات دهد پس حقتعالی با دوحی فرماید که من طعام اهل بهشت را بر اهل دنیا حرام
کرده ام مگر پیغمبری یا وصی پیغمبری پس چون روز قیامت شود به بهشت خطاب رسد که امروز
مکافات تحفهای ایشانرا بده پس غلامان و کنیزان از بهشت بیرون آیند با طبقهائی که بر روی
آنها دستمالها از مروارید انداخته باشند و بنزد ایشان بیایند چون ایشان نظر کنند بجهنم
و اهوال آن و به بهشت و آنچه در آن هست عقل ایشان پرواز کند و از آن طبقها نخورند پس
منادی از زیر عرش ایشانرا ندا کند که حقتعالی حرام کرده جهنم را بر کسیکه از طعام بهشت بخورد
پس دست دراز کنند و بخورند و در حدیث معتبر منقولست که دو شخص بخانه حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام آمدند حضرت از برای هر یکی از ایشان بالشی انداختند یکی بر روی بالش
نشست و دیگری ابا کرد حضرت فرمود که بنشین که ابا نمیکند از کرامت مگر خر بعد از آن فرمود

که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هرگاه بیاید بسوی شما کسی که نزد قوم خود گرامی باشد شما او را گرامی دارید و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سه کس اند که کسی جاهل بحق ایشان نیست مگر منافقی کسی که در اسلام ریشش سفید شده باشد و کسی که حامل لفظ با معنی قرآن باشد و امام عادل و فرمود که از تعظیم خداست تعظیم پیران کردن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که کسی را که اکرام کنند او را گرامی دارند باید که او قبول کند و رد نکند که رد نمیکند کرامت را مگر خر و در چند حدیث منقولست که از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند که کدام است این کرامت که رد نمی باید کرد فرمود که مثل آنکه جای از برای او بگشایند یا بوی خوش برای او بیاورند یا بالشی برای او بگذارند یا مثل اینها از کرامتها و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقولست که اکرام مکن کسی را بچیزی که برو دشوار باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که خدمت کند گروهی از مسلمانان را حقتعالی مثل عدد ایشان خدمتکاران در بهشت باو کرامت فرماید و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که برادر مؤمن او بسوی او بیاید و او را گرامی دارد چنان است که خدا را گرامی داشته است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر ملاطفتی که کسی با برادر مؤمن خود بکند حقتعالی او را از خدمه بهشت کرامت فرماید و در حدیث دیگر فرمود که هر که اکرام کند برادر مؤمنش را بیک کلمه که از روی لطف با او بگوید و غمی از او بردارد پیوسته در سایه رحمت الهی باشد تا مشغول این اکرام باشد

فصل پنجم در بیان مجالسی که در آنجا داخل شدن روا است و جماعتی که همنشینی و مصاحبت ایشان سزاوار است از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که متابعت کن کسی را که ترا میگریاند و خیرخواه تست و متابعت مکن کسی را که ترا میخندانند و در مقام فریب دادن تست و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که نظر کنید که با که سخن میگوئید و مصاحبت می کنید که هر که هست در وقت مرگ مصاحبانش را باو مینمایند که اگر حال ایشان نیک است از مصاحبت ایشان شاد می شود و اگر حال شان بد است غمگین می شود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که بهترین برادران من نزد من کسی است که عیبهای مرا بمن بگوید و فرمود که بر تو باد بمصاحبان کهنه و حذر کن از مصاحبت مصاحبان تازه که ایشان را عهدی

و امانتی و وفائی نیست و پرحذر باش از همه کس هرچند اعتماد بسیار داشته باشی و حضرت امیر
المومنین علیه السلام در وقت وفات وصیت فرمود که زنهار اجتناب کن از جاهائی که محل
تهمت اند از مجلسی که گمان بد باو میبرند که همنشین بد فریب میدهد مصاحب خود را و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که سزاوارترین مردم بتهمت کسی است که با اهل
تهمت هم نشین باشد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که هرکه خود را
در محل تهمت انداز د ملامت نکند کسیرا که گمان بد باو میبرد و از حضرت امام موسی علیه السلام
منقولست که بپرهیزید از مواضع شک و تهمت و باید که کسی با مادر خود در میان راه نایستد
زیرا که هیچکس نمیدانند که مادر اوست و در حدیث معتبر منقولست که حضرت عیسی علیه السلام فرمود
که مصاحب بد اخلاقش سرایت میکند باین کس و همنشین بد اینکس را هلاک میکند پس نظر کن
که با که هم نشینی میکنی و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دوستی نیکان با نیکان ثوابیست
برای نیکان و دوستی بدان با نیکان فضیلتی است با نیکان و دشمنی بدان با نیکان زینتی است برای
نیکان و دشمنی نیکان با بدان خواری است برای بدان و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام
منقولست که با هیچکس مصاحبت و هم زبانی و رفاقت مکن زنهار که با دروغگو مصاحبت مکن
که او از بابت سرابست بدروغهای خود ترا فریب میدهد و دور را برای تو نزدیک مینماید و نزدیک
را برای تو دور میگرداند و زنهار که مصاحبت مکن با فاسق که او ترا بیک طعام خوردن یا کمتر بد
دیگران میفروشد و با بخیل مصاحبت مکن که او ترا بمال خود یاری نمیکند در هنگامی که نهایت
احتیاج بهم رسانی و با احمق مصاحبت مکن که او اگر خواهد که بتو نفع برساند ضرر میرساند و با کسیکه
قطع رحم کند مصاحبت مکن که حقتعالی در سه موضع از قرآن مجید او را لعن کرده است و حضرت
صادق علیه السلام فرموده که سزاوار نیست مسلمانرا که با فاجر و احمق و دروغگو برادری کند و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که سه کس اند که همنشینی ایشان دل را میمیراند نشستن با مردم
دنی و سخن گفتن با زنان و نشستن با توانگران و حضرت لقمان با پسر خود گفت که بسیار با آشنایان
نزدیک چسپیان مشو که باعث جدائی میشود و از ایشان دوری هم مکن که خوار میشوی و نیکی با کسی کن
که خواهان آن باشد و هم چنانچه میان گرگ و میش دوستی نیست میان نیکوکار و بدکار دوستی

نصیب باشد هرکه نزدیک قیر میرود البته باو میچسپد همچنین هرکه با بدکردار مصاحبت میکند از بدیهای
او چیزی آموزد و هرکه مجادله با مردم میکند دشنام می‌شنود و هرکه در مجالس بد داخل می‌شود تهمت
زده می‌شود و هرکه با همنشین بد می‌نشیند از بدی سالم نمی‌ماند و هرکه زبان خود را نگاه نمیدارد
همیشه پشیمانی میبرد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مصاحبت و همنشینی با اصحاب
بدعت مکنید که نزد مردم مثل آنها خواهید بود و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود که آدمی بدین دوست و مصاحب خود میباشد و فرمود زنهار با احمق مصاحبت مکن
که در هنگامی که از او راضی تری نزدیکتر است با آنکه ترا برنجاند و از حضرت رسول صلی الله علیه و
آله و سلم منقولست که حکیم‌ترین مردم کسی است که از صحبت جاهلان بگریزد و از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که کسیکه برادر مؤمنش را بر امری که مکروه باشد ببیند و تواند که او را
برگرداند از آن امر و برنگرداند خیانت کرده است در برادری او و کسی که اجتناب نکند از
مصاحبت احمق نزدیک است که اخلاق او را بردارد و حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و
آله فرمود که بدترین مصاحبان تو کسی است که معصیت خدا را در چشم تو زینت دهد و فرمود که
همنشینی با بدان مورث گمان بد بردن است در حق نیکان و در حدیث صحیح از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که نظر کن بهر که نفع دینی بتو نمی‌بخشد مصاحبت او و اعتنا بشان او مکن و
در صحبت او رغبت مکن و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که ضایع می‌شود محبتی که با
کسی داشته باشی که بیوفا باشد و نیکی که با کسی بکنی که شکر تو نکند و علمی که به کسی بیاموزی که گوش
ندهد و رازی که بکسی بسپاری که نگاهداری راز نکند و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست
که در مزبلها با عالم صحبت داشتن بهتر است از صحبت داشتن با جاهل بر روی فرشهای نیکو
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که حواریان بحضرت عیسی علیه السلام
گفتند که با که همنشینی کنیم فرمود با کسی که خدا را بیاد شما آورد دیدن او و در علم شما بیفزاید سخن
گفتن او و شما را بسوی آخرت رغبت بفرماید کردار او و در حدیث دیگر فرمود که با اهل دین نشستن
شرف دنیا و آخرت است و حضرت امام محمد تقی علیه السلام فرمود که یک نشستن با کسی که برو
اعتماد داشته باشم نزد من بهتر است از عبادت یکساله و در حدیث دیگر فرمود که با توانگران منشینید

کنند که اول با ایشان می نشینند چنان میداند که خدا برو نعمت بسیار دارد و هنوز بر نخاسته است
که چنان گمان میکند که خدا هیچ نعمت برو ندارد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول
است که چهار چیز است که دل را میمیراند گناه بعد از گناه کردن و با زنان بسیار سخن گفتن و با
احمقان مجادله کردن که تو گوئی و او گوید و بحق برنگردد و همنشینی با مردگان کردن گفتند یا
رسول الله مردگان کیستند فرمود که هر توانگری که خدا را فراموش کرده باشد و از حضرت امام
زین العابدین علیه السلام منقولست که بفرزندان خود میفرمودند که با اهل دین و معرفت همنشینی
کنید و اگر نیابید تنهائی مونس تر و سالمتر است از مصاحبت غیر ایشان و اگر ناچار
باشد از همنشینی مردم پس با صاحبان مروت بنشیند که ایشان در مجالس حرف فحش نمیگویند
و از حضرت موسی علیه السلام منقولست که سزاوار آنست که آدمی مصاحبان پدر خود را نگاه
دارد که نیکی او با ایشان مانند نیکی با پدر است و در حدیث دیگر منقولست که حضرت لقمان بپسر
خود فرمود که ای پسر بدیدهٔ بصیرت نظر کن در مجالس اگر جماعتی را ببینی که یاد خدا می کنند با ایشان
بنشین زیرا که اگر تو عالمی علم تو نفع میدهد بتو و از همنشینی با ایشان علم تو زیاده می شود و اگر
جاهلی ترا علم بیاموزند و شاید که خدا رحمتی بر ایشان بفرستد و ترا هم با ایشان فرو گیرد و اگر
ببینی جماعتی را که یاد خدا نمی کنند با ایشان منشین که اگر تو عالمی علمت بتو نفع نمیرساند و اگر جاهلی
جهلت زیاده میشود و شاید که عذابی از خدا بر ایشان نازل شود و ترا هم با ایشان فرو گیرد و از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که بر تو باد بحاضر شدن در مجالسی که آنجا یاد خدا
کنند و در حدیث دیگر فرمود که دانایان در زمان گذشته می گفتند که سزاوار آنست که
تردد کردن بخانها یکی از ده وجه باشد اول رفتن بخانهٔ خدا از برای ادای حج و عمره دوم در خانهٔ
پادشاهان دین که طاعت ایشان بطاعت خدا متصل است و حق ایشان واجب است
و نفع شان عظیم و ضرر مخالفت ایشان سخت سوم در خانهٔ علما که از ایشان استفادهٔ علوم
دین و دنیا نمایند چهارم در خانهٔ اهل جود و بخشش که مال خود را بامید ثواب آخرت میدهند پنجم
در خانهٔ سفیهانیکه مردم در حوادث دهر بایشان محتاج می شوند و در حاجتها بایشان پناه میبرند
ششم در خانهٔ اشراف و بزرگان برای طلب عزت و احتیاج بایشان هفتم در کافهٔ جمعی که

نزد ایشان امید منفعت دارند جهت رای مستقیم ایشان و لقوت عزم ایشان در امور و مشورت
کردن با ایشان هشتم در خانه برادران مؤمن بسبب آنکه صلت ایشان واجب و حق ایشان لازم
است نهم در خانه دشمنانی که بمواصلت و مدارا کردن ساکن میشود ضررهای ایشان و برفق و مدارا
و دیدن عداوت ایشان دفع میشود دهم در خانه جمعی که از دیدن ایشان آداب حسنه استفاده میتوان
کرد و انس بهمرائی ایشان میتوان گرفت

فصل ششم در آداب عطسه و آروغ و آب دهان انداختن

از حضرت صادق منقولست که مسلمان بر برادرش حق لازم است که چون او را ملاقات کند برو
سلام کند و چون بیمار شود او را عیادت کند و در غایبانه خیرخواه او باشد و چون عطسه کند او را دعا کند باید
آنکه عطسه میکند بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ لَا شَرِیکَ لَهُ و دیگران او را بگویند یَرْحَمُکَ
اللّٰهُ و او در جواب بگوید یَهْدِیکُمُ اللّٰهُ وَ یُصْلِحُ بَالَکُمْ و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم منقولست که چون کسی عطسه کند او را دعا کنید اگرچه دریا در میان فاصله باشد و در
حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه التحیة و الثنا منقول است که خمیازه از شیطانست
و عطسه از جانب خداوند عالمیان و در حدیث دیگر منقولست که حقتعالی نعمتهای بسیار بر بنده
هست در هنگام صحت بدن و سلامتی اعضا و جوارح و بنده فراموش میکند که خدا را بر آن
نعمتها شکر کند پس باین سبب خدا امر میفرماید بادی که در بدنش جولان میکند و از بینیش بیرون می‌آید
پس از این جهت مقرر کرده اند که در این حال خدا را حمد بگوید که این حمد تلافی شکر آن نعمتها باشد
که فراموش کرده است و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که نیکو چیزی است عطسه نفع
میرساند ببدن و خدا را بیاد می آورد و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که چون کسی عطسه کند بگوید اَلْحَمْدُ
لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ و در حدیث دیگر فرمود که چون کسی
عطسه کند او را بگویند یَرْحَمُکَ اللّٰهُ و او در جواب بگوید یَغْفِرُ اللّٰهُ لَکُمْ وَ یَرْحَمُکُمْ و در حدیث
دیگر فرمود که کسیکه عطسه کند بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ لَا شَرِیکَ لَهُ و دیگران او را بگویند یَرْحَمُکَ اللّٰهُ
او در جواب بگوید یَغْفِرُ اللّٰهُ لَکَ وَ لَنَا و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که [illegible]
نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم عطسه کرد و گفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ حضرت با [illegible] فرمود
بَارَکَ اللّٰهُ فِیکَ و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام عطسه کرد نفس

فرمودند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ پس انگشت را بر بینی گذاشتند و فرمودند رَغِمَ اَنْفِی
لِلّٰهِ رَغْماً دَاخِراً و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که هر که بعد از عطسه
بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ عَلٰی کُلِّ حَالٍ هرگز درد دندان نیابد و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر که عطسه کسی را بشنود و حمد الهی بکند و صلوات بر پیغمبر و اهل بیتش بفرستد درد چشم
و درد دندان باو نرسد و فرمود که اگر بشنوی عطسه را حمد خدا بگو اگرچه دریا در میان تو و او فاصله باشد و در حدیث
دیگر فرمود که ایمنی دفع درد گوش و درد دندان که چون کسی عطسه کند حمد خدا بکند و در حدیث دیگر
منقولست که ترسائی عطسه کرد و آنحضرت گفتند یَرْحَمُکَ اللّٰهُ و در حدیث دیگر از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که چون مسلمانی عطسه کند و ساکت بماند از برائی علتی
ملائکه از جانب او میگویند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ و اگر او بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ
ملائکه میگویند یَغْفِرُ اللّٰهُ لَکَ و فرمود که عطسه کردن بیمار علامت عافیت اوست و
راحت بدن است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که عطسه نفع می بخشد ببدن مادام
که زیاده از سه نشود و چون زیاده از سه شود درد و بیماریست و در حدیث دیگر فرمود که هر که عطسه
کند و دست را بر روی بینی گذارد و بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ کَثِیْراً کَمَا هُوَ اَهْلُهُ
وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ از سوراخ چپ بینی او مرغی بیرون می آید از ملخ
کوچکتر و از مگس بزرگتر تا برود بزیر عرش و استغفار کند از برائی او تا روز قیامت و در
حدیث دیگر فرمود که کسیکه عطسه کند تا هفت روز از مردن ایمن است و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم در چند روایت منقولست که عطسه تصدیق میکند سخنی را که مقارن واقع میشود
و علامت راستی آن سخن است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که عطسه را
سه مرتبه دعا بگو و چون زیاده از سه شود او را واگذار و در روایت دیگر منقولست که چون
کسی عطسه کند سزاوار آنست که انگشت شهادت را بر روی بینی بگذارد و بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
رَبِّ الْعَالَمِینَ وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِینَ رَغِمَ اَنْفِی لِلّٰهِ رَغْماً دَاخِراً
صَاغِراً غَیْرَ مُسْتَنْکِفٍ وَ لَا مُسْتَحْسِرٍ و هرگاه دیگری عطسه کند تا سه مرتبه بگوید یَرْحَمُکَ اللّٰهُ
و چون زیاده شود بگوید شَفَاکَ اللّٰهُ و چون مرد مؤمن عطسه کند بگوید یَرْحَمُکَ اللّٰهُ و اگر زن

باشد بگوید عافاک الله و اگر طفل باشد بگوید زرعک الله و اگر بیمار باشد بگوید شفاک الله و اگر کافر ذمی باشد بگوید هداک الله و اگر پیغمبر یا امام باشد بگوید صلی الله علیک و در جواب بگوید یغفر الله لنا و لکم و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بسیار عطسه کردن ایمن میگرداند از پنج درد اول خوره دوم لقوه سوم نزول آب در چشم چهارم صلابت و خشونت پرده های بینی پنجم بر دن آمدن مو در چشم و اگر خواهی که کم شود در بعضی چیزها گوش در بینی بچکان بقدر یک دانگ را آدمی گفت که بنجر و در چکانیدم طبرقند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هرکه در بیت الخلا عطسه کند حمد الهی را در خاطر خود بگذراند و سنت است که مراد همه گفتن باشد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه آنچه منقول است که چون کسی عطسه کند با و بگویند یرحمک الله او در جواب بگوید یغفر الله لکم و یرحمکم و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که صلوات بر حضرت رسول و آل آنحضرت وجب است نزد عطسه کردن و نزد کشتن حیوانات و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که کسیکه آروق زند بجانب آسمان بلند نکند و قی شود که آروق نعمت خداست بعد از آن حمد الهی کند و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که مومن آب دهان را بجانب قبله نیندازد و اگر از روی فراموشی بیندازد استغفار بکند و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرگاه کسی در نماز عطسه کند بگوید الحمد لله و در حدیث دیگر فرمود که اگر بشنوی که کسی عطسه میکند و تو در نماز باشی بگو الحمد لله و صلی الله علی محمد و آله اگرچه در میان تو و آن شخص که عطسه کرده است دریا در میان باشد فصل هفتم در مزاح کردن و خندیدن و سرگوشی کردن و آداب صحبت و راز مجالس اینها نگاهداشتن در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام و در حدیث دیگر از امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که چون سه نفر در مجلسی باشند دو نفر ایشان با یکدیگر سرگوشی نکنند که موجب اندوه و ایذای آن رفیق دیگر است و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هر که در میان سخن برادر مسلمان خود سخن بگوید چنان است که خدشه و خراشی در روی او کرده است و در احادیث بسیار منقول

است که مجالس بامانت است یعنی آنچه گذشت باید که در جای دیگر مذکور نشود مگر آنکه دانند که ایشان
راضی اند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که احدی را نیست که سخنی را که
صاحبش پنهان دارد او نقل کند مگر آنکه علمی باشد که اظهار آن لازم است یا ذکر نیکیهای آن
شخص باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که مجالس بامانت است مگر
مجلسی که دران خون حرامی ریخته شود یا فرج حرامی را که حلال کنند یا مالی را که بناحق ببرند و از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که هیچ مؤمنی نیست مگر آنکه دروی مزاح و خوشطبعی میباشد
و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت از شخصی پرسیدند که خوشطبعی کردن شما با یکدیگر چون
است گفت کم است حضرت فرمود که بکنید که مزاح کردن از نیکی خلق است و موجب
خوشحالی برادر مؤمن میشود و بسیار بود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم مزاح میکردند
با شخصی که او را شاد گردانند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که خدا دوست میدارد
کسی را که خوشطبعی کند در میان مردم مادام که فحش نگوید و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که خندیدن مؤمن میباید که تبسم باشد و صدا نداشته باشد و در حدیث دیگر فرمود
که بسیار خندیدن دل را میمیراند و دین را میگدازد چنانچه آب نمک را میگدازد و فرمود
که از نادانیست خندیدن بی آنکه تعجبی باعث آن شود و در حدیث حسن فرمود که زنهار مزاح
بسیار مکنید که آبرو را می برد و فرمود که چون کسیرا دوست داری با او مزاح مکن و مجادله
مکن و در حدیث حسن دیگر فرمود که قهقهه کردن از شیطانست و فرمود که بسیار خندیدن
آبرو را می برد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که زنهار مزاح مکنید
که کینه با هم میرسد و دشنام کوچک است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که چون خنده قهقهه بکنی بعد از فارغ شدن بگو اللهم لا تمقتنی و از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که مزاح کردن آبرو را می برد و مهابت مردانرا برطرف میکند و
در حدیث دیگر فرمود که مجادله مکن که هیبت را می برد و خوشطبعی مکن که باعث جرات مردم
می شود بر تو و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که مزاح مکن
که نور ایمانت را می برد و مروت را سبک میکند و در حدیث دیگر فرمود که حضر

یحیی علیه السلام میگریست و نمیخندید و حضرت عیسی علیه السلام میگریست و میخندید و آنچه که حضرت عیسی میکرد بهتر بود از آنچه که یحیی میکرد و در حدیث دیگر منقول است که حضرت داؤد علیه السلام بحضرت سلیمان علیه السلام میگفت که ای فرزند زنهار که بسیار خنده مکن که بسیار خندیدن آدمی را فقیر کند در روز قیامت و حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که عجب دارم از کسیکه ایمان بجهنم دارد چرا میخندد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که چه بسیار کسیکه بسیار خندد از روی لعب در قیامت گریه اش بسیار باشد و چه بسیار کسیکه بسیار گرید بر گناه خود در بهشت خوشحالی و خنده اش بسیار باشد پس ازین اخبار و اخبار دیگر چنین ظاهر می شود که مومن میباید که عبوس و گرفته نباشد و گشاده رو و خندان باشد و قدری از مزاح مطلوب است اما بسیار خندیدن و بسیار خوش طبعی کردن مذموم است و فعل مسخره گان و سفیهان است فصل هشتم در سایر آداب مجالست و حقوق اصحاب مجلس بر یکدیگر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که نیکو مجاورت کن با کسیکه با تو مجاورت کند تا مؤمن باشی و نیکو مصاحبت کن با مصاحبان خود تا مسلمان باشی و از مفضل منقولست که بخدمت حضرت صادق علیه السلام رفتم فرمود که مصاحب تو که بود در راه گفتم که شخصی از برادران مؤمن فرمود چه شد گفتم که تا داخل مدینه شده ام جایش را نمیدانم فرمود که مگر نمیدانی که کسیکه چهل گام با کسی مصاحبت کرد حق تعالی از حق او سوال میکند در قیامت و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که همین عیب بس است آدمی را که از عیب مردم چیزی چند بیند که از خود چشم را پوشیده و مردم را سرزنش کند بر چیزی که خود ترک آن نمیتواند کرد و آزار کند همنشین خود را بچیزی که نفعی باو ندهد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که مردم یا مؤمن اند یا جاهل پس مؤمن را آزار نباید کرد و با جاهل مسخرگی نباید کرد و اگر مثل او خواهی بود و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که از ما نیست کسی که نیکو مصاحبت نکند با مصاحبان خود و نیکو رفاقت نکند با رفیقان خود و نیکو نمک خوارگی نکند با کسی که نمک خورد با او و نیکو مهربانی نکند با کسی که با او مهربانی کند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که با منافق بزبان خوش سازکاری بکن و محبت قلبی را خالص گردان برای مؤمنان و اگر یهودی با تو همنشینی کند نیکو مجالست کن با او و حضرت

رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود که مهربانی کن با مردم تا ترا دوست دارند و در حدیث دیگر
فرمود که سه چیز است که محبت آدمی را برای برادر مسلمانش صاف و خالص میگرداند اوّل آنکه چون
باو برخورد بخوشروئی و خوشحالی او را ملاقات کند دوّم آنکه جا از برائی او بگشاید چون نزد او بنشیند
سوّم آنکه بهتر نامی که دوست میدارد او را بخواند و فرمود که اظهار دوستی و مهربانی با مردم کردن نصف
عقل است و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون کسی را دوست داری
دوستی خود را با او اظهار کن که بیشتر باعث ثبات محبت میشود میان شما و در حدیث صحیح دیگر فرمود
که حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم قسمت میکردند نظر کردنهائی خود را در میان اصحاب
خود که یکی بیشتر از دیگری نظر نمیکردند و هرگز در حضور اصحاب خود پا دراز نمیکردند و در حدیث صحیح
از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که چون کسی حاضر باشد او را بکنیت بخوان و چون
غائب باشد نامش بگو و در میان عجم القاب بجای کنیت است مثل آخوند و آقا و میرزا و
نواب و امثال آنها و از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقولست که چون کسی برادر
مسلمان خود را دوست دارد باید که نامش را و نام پدر و نام قبیله و خویشانش را بپرسد از و
که این از جمله حقوق لازمه برادری و دوستی است و اگر نه آن آشنائی احمقان خواهد بود و در
حدیث دیگر فرمود که عجز سه چیز است یکی آنکه شخصی برای کسی طعامی مهیا کند و او خلف وعده کند
و نرود که طعام او را بخورد دوّم آنکه شخصی با کسی مصاحبت و همنشینی کند و معلوم نکند که کیست
و از کجاست تا از و جدا شود سوّم آنکه با زن خود جماع کند پیش از آنکه زن آب بدهد
او آب بدهد بلکه میباید که تانی بکند و مکث کند تا هر دو بهم آب بدهند و از حضرت امام موسی
منقولست که بسیار پرده از میان خود و برادر مؤمن خود بر مدار که باعث برطرف شدن
حیاست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که از روی برادر مؤمن خود کاسه
یا خاشاکی یا کثافتی بردارد حق تعالی ده حسنه در نامه عملش بنویسد و هر که تبسم کند در روی
برادر مؤمن خود حقتعالی برای او حسنه بنویسد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات اللہ علیه وآله
منقولست که هر خاشاکی یا مانند آن از برادر مؤمن بردارد ا و دو برابر عمل او بگوید اماط الله
عنك ما تكره یعنی خدا دور کند از تو آنچه را نمیخواهی و در حدیث دیگر منقولست که حضرت

رسول صلی الله علیه وآله وسلم نهی فرمود از آنکه کسی بگوید کسی که لا وحیوتک وحیوة فلان چنانچه
در فارسی میگویند که بجان تو و جان فلان و در حدیث دیگر فرمود که بدترین امت من جماعتی
اند که مردم ایشان را گرامی میدارند از ترس بدی ایشان بدرستیکه از من نیست که هر که چنین باشد
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ولد الزنا را چند علامت است اوّل دشمنی
اهل بیت رسالت دوم آنکه مایل است بآن حرامی که از و خلق شده است سوم آنکه دین را خفیف
و سبک شمارد چهارم آنکه مردم را در حضور ایشان آزار میکند و هیچکس با مردم بد نمیخورد
و آزار ایشان نمیکند مگر آنکه ولد الزنا است یا در حیض یا در شش ماه حامله شده است و از
حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که زنهار با مردم منازعت مکنید که
گرامت را می برد و مروت را برطرف میکند و پیوسته جبرئیل علیه السلام مرا نهی کرد از
مجادله با مردم کردن چنانچه نهی میکرد از شراب خوردن و بت پرستیدن و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که کینه مؤمن در همان محل میباشد که نشسته است چون
از برادرش جدا شود دیگر در دلش کینه نماند و کینه کافر در تمام عمر میباشد و از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم آمده
گفت که مرا وصیتی فرما حضرت فرمود که ملاقات کن برادر خود را با روی گشاده و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که حد نیکی خلق آنست که مهربانی کنی و سخن را نیکو کنی و با مردم با روی
خوش برخوری و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که خوشحال و خوش زد
با مردم برخوردن کینه را میبرد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که سه چیزی است که از مکارم
دنیا و آخرت است آنکه عفو کنی از کسیکه بر تو ظلم کند و پیوند کنی با کسیکه از تو ببرد و حلم کنی با
کسیکه با تو بیخردی کند و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که خشم فرو خورد خدا عزت او را در
دنیا و آخرت زیاده گرداند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که خشمی فرو
خورد و قادر باشد که آنرا بعمل آورد حقتعالی دلش را از ایمنی و ایمان پر کند در روز قیامت فصل نهم
در فضیلت ذکر خدا در مجالس کردن از حضرت رسول صلی الله علیه وسلم منقولست که مبادرت کنید
بسوی باغهای بهشت پرسیدند که کدام است باغهای بهشت فرمود حلقهای مجمعها یاد خدا کنند و حضرت

امیر المؤمنین صلوات اللہ علیہ و آلہ فرمود کہ در ہمہ جا خدا را یاد کنید کہ او ہمہ جا با شماست و
در حدیث معتبر منقولست کہ حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم از ہیچ مجلس بر نمیخاستند ہر چند اندکے
نشستہ باشند تا آنکہ بیست و پنج مرتبہ استغفار میکردند و در احادیث معتبرہ منقولست از
حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم کہ یاد کنندہ خدا در میان غافلان مانند کسی است
کہ جہاد کند در راہ خدا در ہنگام گریختن دیگران و چنین کسی ثواب او بہشت است و در
حدیث صحیح از حضرت صادق علیہ السلام منقولست کہ ہر مجلسی کہ در ان جمع شوند نیکوکاران
و بدکاران و برخیزند و یاد خدا در ان نکردہ باشند در قیامت باعث حسرت و ندامت ایشان
خواہد بود و از حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم منقول است کہ ہر گروہی کہ در مجلسی جمع شوند
و در ان مجلس یاد خدا نکنند و صلوات بر پیغمبر خود نفرستند آن مجلس حسرت و وبال است
بر ایشان در روز قیامت و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیہ السلام منقول است
کہ نوشتہ است در توراتی کہ تغیر نیافتہ است کہ حضرت موسی علیہ السلام از پروردگار خود
سوال کرد کہ خداوندا مجلسی چند بر من وارد می شود کہ ترا عزیز تر و جلیل تر میدانم از انکہ
ترا دران مجلس یاد کنم حقتعالی در جواب فرمود کہ یا موسی نام من بردن و یاد من کردن در
ہمہ حال نیکوست و از حضرت صادق علیہ السلام منقول است کہ حقتعالی فرمود کہ ای فرزند
آدم مرا یاد کن در مجمع مردم تا ترا یاد کنم در مجمعی کہ بہتر از مجمع تو باشد و در حدیث دیگر فرمود
کہ ای فرزند آدم مرا یاد کن در مجمع مردم تا ترا یاد کنم در مجمعی کہ بہتر از مجمع تو باشد و در حدیث
دیگر فرمود کہ حقتعالی می فرماید کہ ہر کہ مرا یاد کند در میان جمعی از مؤمنان من او را یاد کنم در
میان مجمع ملائکہ و از حضرت امام محمد باقر علیہ السلام منقولست کہ ہر کہ خواہد کہ در قیامت
ثواب کامل بیابد و قسیکہ میخواہد کہ از مجلس برخیزد بگوید سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و در حدیث دیگر منقول است کہ این کفارہ
گناہان مجلس است فصل دہم در فضیلت ذکر حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم و ائمہ
علیہم السلام در مجالس و مباحثہ علمہای ایشان کردن و احادیث فضائل ایشانرا یاد کردن
از حضرت صادق علیہ السلام منقولست کہ ہر قومی کہ در مجلسی جمع شوند و خدا را یاد نکنند

و مارا یاد نکنند آن مجلس بر ایشان وبال و حسرت خواهد بود در قیامت و حضرت امام محمد باقر
علیه السلام فرمود که یاد ما کردن از یاد خداست و یاد دشمن ما کردن از یاد شیطان است و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که حقتعالی را ملکی چند هست که ایشان میگردند در زمین و هر گاه که
میگذرند بر جماعتی که یاد محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله می کنند بیکدیگر میگویند بایستید که
مطالب خود را یافتید پس می نشینند و با ایشان شریک می شوند در آن امر پس چون برمیخیزند
اگر بیمار شوند بعیادت ایشان میروند و اگر بمیرند بجنازه ایشان حاضر میشوند و اگر غائب می شوند
جستجوی ایشان می کنند و در حدیث دیگر فرمود که ملائکه در آسمانها نظر می کنند بسوی
یک و دو و سه از شیعیان که فضیلت آل محمد صلوات الله علیهم را ذکر می کنند پس بیکدیگر
میگویند که نمی بینید این جماعت را با کمی ایشان و بسیاری دشمنان ایشان فضیلت آل محمد
صلی الله علیه و آله و سلم را ذکر می کنند پس طائفه دیگر از ملائکه در جواب ایشان میگویند که این
فضل خداست بهر که میخواهد میدهد و خدا صاحب فضل بزرگ است و در حدیث معتبر منقولست
که حضرت امام محمد باقر علیه السلام از میسر پرسید که آیا شما شیعیان با یکدیگر خلوت می کنید
و از علوم اهلبیت و فضائل ایشان آنچه خواهید میگوئید گفت بلی والله حضرت فرمود که والله
من دوست میدارم که با شما باشم در آن مجالس والله که من بوی شما و نفس شما دوست
میدارم بدرستیکه شما بر دین خدا و ملائکه اید پس یاری کنید ما را در شفاعت خود به پرهیزگاری
از محرمات و سعی در طاعات و در حدیث دیگر فرمود که جمع نمیشوند سه نفر از مؤمنان یا زیاده
مگر آنکه از ملائکه بمثل ایشان جمع میشوند و اگر چیزی از خدا می طلبند ملائکه آمین میگویند و اگر پناه بخدا
میبرند از شری دعا می کنند ملائکه که خدا آن بدی را از ایشان بگرداند و اگر حاجتی میطلبند ملائکه
از خدا سوال می کنند که حاجت ایشان را برآورد و جمع نمی شوند سه نفر یا زیاده از انکار کنندگان
حق اهل بیت علیهم السلام مگر آنکه ده برابر ایشان از شیاطین حاضر میشوند و چون سخن میگویند
شیاطین هم بمثل سخن ایشان سخن میگویند و اگر میخندند با ایشان میخندند و اگر مذمت دوستان
خدا می کنند با ایشان رفاقت می کنند پس اگر کسی از مؤمنان مبتلا شود بهمنشینی ایشان
چون شروع کنند بمذمت دوستان خدا برخیزد و شریک و همنشین شیاطین نباشد که هیچ

تا سبب عداوت غضب خدا اند و لعنت خدا را هیچ چیز دفع نمیکند و اگر نتواند که برخیزد بدل انکار
کند و اندک ساعتی برنشیند و باز گردد و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که هیچ چیز
شیطان و لشکرهای او را مجروح نمیکند مثل رفتن برادران مؤمن بدیدن یکدیگر از برای
خدا بدرستیکه دو مؤمن که با یکدیگر برمیخورند و یاد خدا میکنند پس فضیلت ما اهل بیت را یاد میکنند
بر روی شیطان هیچ پاره گوشت نمیماند مگر آنکه فرو میریزد تا آنکه روحش با استغاثه می آید از
شدت الم که از این امر میکشد پس ملائکه آسمانها و خازنان بهشت بر این معنی مطلع می شوند و
او را لعنت میکنند و هیچ ملک مقربی نمیماند مگر آنکه او را لعنت میکند پس ناامید و محروم و مطرود
بر زمین می افتد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که زینت دهید مجالس خود را
بذکر فضائل علی بن ابیطالب علیه السلام که دو هفتاد خصلت از خصلتهای پیغمبران هست و در
حدیث دیگر فرمود که حقتعالی برای برادرم علی بن ابیطالب علیه السلام فضیلتی چند قرار داده
که از بسیاری احصای آنها نمیتوان کرد پس هر که یک فضیلت از فضائل او ذکر کند از روی
اقرار او گناهان گذشته و آینده او آمرزیده شود هر چند در قیامت با گناه انس و جن بیاید
و هر که یک فضیلت از فضائل او بنویسد تا علامتی از آن کتاب باقی باشد ملائکه از برای او استغفار
کنند و هر که گوش دهد بفضیلتی از فضائل آنحضرت خدا بیامرزد گناهانی را که بگوش واقع کرده باشد
و هر که نظر کند بنوشته که فضیلتی از فضائل آنحضرت در آن نوشته باشد خدا از او بیامرزد گناهانی را
که بچشم کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که براهی برود برای طلب علم خدا تعالی برای او راهی
بگشاید بسوی بهشت بدرستیکه ملائکه بالهای خود را میگذارند از برای طلب کننده علم با رضا
و خوشنودی و استغفار میکنند از برای طلب کننده علم هر که در آسمان و هر که در زمین است حتی
ماهیان دریا و فضل عالم بر عابد مانند فضل ماه است در شب چهارده بر سایر ستارگان و در
حدیث دیگر فرمود که اف باد بر مردی که در هر جمعه خود را از کارهای دنیا فارغ نسازد برای یاد
گرفتن مسائل دین خود و در حدیث دیگر فرمود که حقتعالی می فرماید که مذاکره علم در میان بندگان
من دلهای مرده را زنده میکند و در حدیث دیگر فرمود که با یکدیگر مذاکره کنید و ملاقات کنید
و حدیث نقل کنید که حدیث جلا میدهد دلها را بدرستیکه دلها زنگ میگیرد چنانچه شمشیر

زنگ میگیرد و جلا کی دلها بحدیث است از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که مذاکره
علم ثواب نماز مقبول دارد فصل یازدهم در مشورت کردن با برادران مؤمن و آداب آن از حضرت
امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که نفس خود را بمخاطره می اندازد کسیکه مستغنی شود
برأی خود از رأی دیگران و در حدیث دیگر فرمود که مشورت کن با جماعتی که از خدا ترسند و دوست
دار برادران مؤمن را بقدر پرهیزگاری ایشان و بپرهیز از زنان بد و از نیکان ایشان در حذر باش
اگر ترا بنیکی امر کنند مخالفت کن تا ترا طمع نکنند در آنکه موافقت ایشان کنی در بدیها و در
حدیث دیگر فرمود که من بیزارم از کسیکه مسلمانی با او مشوره کند و آنچه خیر او را داند نگوید و
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر گروهی که با یکدیگر مشوره کنند و در
میان ایشان کسی باشد که نامش محمد یا حامد یا محمود یا احمد باشد و در مشوره ایشان داخل
باشد البته آنچه خیر ایشان است برای ایشان ظاهر میشود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که بعمار ساباطی فرمود که اگر خواهی نعمت الهی بر تو مستقیم باشد و مروت تو کامل و زندگانی
تو نیکو باشد در امور خود مشوره مکن با بندگان و با مردم دون و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که مشوره مکن با جبانان و ترسانان که راه بدر شدن را بر تو تنگ می کنند و مشوره مکن
با بخیل که مانع می شود ترا از رسیدن بغایت مقصود خود و مشوره مکن با کسیکه حرص دنیا داشته
باشد که زینت میدهد برای تو بد راهی را که بدتر است و در حدیث دیگر فرمود که یا علی کسی که طلب
خیر از خدا تعالی میکند حیران نمی شود و کسیکه در کارها با مردم مشوره میکند پشیمان نمی شود
و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که هلاک نمی شود کسیکه مشوره کند و در حدیث دیگر
منقولست که بسیار بود که حضرت امام موسی رضا علیه السلام با آن عقل کامل مشوره میکردند با
سیاهی از غلامان خود و میفرمودند که بسا باشد که خدا خیر را بر زبان او جاری کند و در احادیث
معتبره منقولست که با عاقل دیندار پرهیزگار مشوره کن و چون چیزی بگوید خلاف آن مکن که
موجب فساد دنیا و آخرت تو می شود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که
هر که برادر مؤمنش با او مشوره کند و آنچه محض خیر او باشد نگوید خدا عقل و رأیش را بر طرف میکند
و در حدیث دیگر فرمود که مشوره کردن حدی چند دارد که هر که آنها را نداند مضرت مشوره برای او

پیش از شفقت است اول آنکه آن کسیکه برای او مشوره می کنند عاقل باشد دوم آنکه آزاد و متدین
باشد سیوم آنکه برادر و دوست و یار او باشد چهارم آنکه او را بر تمام سر خود مطلع گردانی که چنانچه
خود جهات آن امر را میدانی او هم بداند اما پنهان دارد و بکسی نقل نکند زیرا که اگر عاقل است منتفع
میشوی بمشوره او و اگر آزاد و دیندار است آنچه حق سعی است میکند در خیر خواهی تو و اگر برادر و دوست
تست چون راز خود را گفتی افشا نمیکند بدانکه از برای فضیلت مشوره و اهتمام در آن همین کافی است
که حق سبحانه تعالی پیغمبر خود را که عقل کل کائنات بود در قرآن مجید امر بمشوره فرموده است قوله
تعالی وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ یعنی مشوره کن با اصحاب خود
در امور پس چون عزم کردی پس توکل کن بر خدای عز و جل

فصل دوازدهم در آداب نامه نوشتن

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که مهربانی و مواصلت در میان
برادران مؤمن در حضر باین است که بدیدن یکدیگر بروند و در سفر باین است که نامه بیکدیگر
بنویسند و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که جواب کتابت نوشتن واجب است مانند
جواب سلام گفتن و در حدیث دیگر فرمود که ترک مکن نوشتن بسم الله الرحمن الرحیم را
اگر چه بعد از آن شعر نویسی و فرمود که میباید که بسم الله الرحمن الرحیم بهتر از سایر چیزها
که مینویسی بنویسی و در حدیث موثق از آنحضرت پرسیدند که در نامه ابتدا باسم آن شخص که
نامه باو مینویسند پیش از نام خود کردن چون است فرمود که باکی نیست این گرامی است
که او را می کنند و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت امر فرمود که نامه بجائی بنویسند
و چون بدست آنحضرت دادند فرمود که چگونه امیدوارید که آنچه در نامه نوشته اید بعمل آید و حال
آنکه انشاء الله تعالی در جاهائی که مناسب است نه نوشته اید پس فرمود که به بین که هر جا که
انشاء الله تعالی ندارد بنویسید و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه التحیة والثناء منقول است
که چون نامه را نوشتید خاک را بر سر نامه بپاشید که حاجت بهتر روا می شود و در حدیث
منقولست که حضرت امام علی نقی علیه السلام در اول نامه می نوشتند بسم الله الرحمن الرحیم
اُذْكُرْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى وَالْأَمْرُ بِيَدِ اللَّهِ و فرمودند که اگر بگویم که کسیکه ترک میکند
گفتن و نوشتن بسم الله را در کارها و نوشته ها مثل کسی است که نماز را ترک کند هر آینه راست گفتم

و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از نامه نوشتن هر کس استدلال بر عقل و بینائی او
میتوان کرد و از رسول و ایلچی استدلال بر فهم و زیرکی او میتوان کرد و در حدیث دیگر فرمود
که چون رقعه یا نامه برای حاجتی بنویسی و خواهی که آن حاجت بر آید بقلم بعد او بر سر رقعه بنویس که
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اِنَّ اللّٰهَ وَعَدَ الصَّابِرِیْنَ الْمَخْرَجَ مِمَّا یَکْرَهُوْنَ وَالرِّزْقَ
مِنْ حَیْثُ لَا یَحْتَسِبُوْنَ جَعَلَنَا اللّٰهُ وَاِیَّاکُمْ مِنَ الَّذِیْنَ لَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُوْنَ
راوی گفت که هرگاه چنین میکردم حاجتم بر آورده می شد و در حدیث صحیح منقولست که از حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام پرسیدند که کاغذها نزد ما جمع می شوند آیا بآتش میتوان سوزانید هرگاه
در آنها نام خدا باشد فرمودند نه بلکه بآب اول بشوئید و در حدیث صحیح دیگر منقول است از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که کاغذها را مسوزانید ولیکن محو کنید و بدرید و در حدیث
حسن از آنحضرت پرسیدند که نامی از نامهای خدا را آب دهن محو میتوان کرد فرمود که بپاک تر
چیزی که بیابید محو کنید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که کتاب خدا و
نام خدا بپاکترین آنچه میبابید محو کنید و نهی فرمود از انکه بسوزانند قرآنرا و از آنکه بقلم محو کنند
و در بعضی نسخها بجای قلم قدم است باب دوازدهم در آداب خانه و داخل شدن و بیرون رفتن
فصل اول در گشادگی خانه در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است
که از سعادت آدمی آنست که خانه او گشاده باشد و در حدیث صحیح منقولست که حضرت امام
موسی کاظم علیه السلام خانه خریدند و یکی از موالیان خود را فرمودند که در آنخانه ساکن شو که خانه
تو تنگ است آن شخص گفت این خانه آنست که پدرم احداث کرده است بدر نمیتوانم رفت حضرت
فرمود که هرگاه پدر تو احمق باشد تو نیز باید که احمق باشی و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که سه چیز اند که موجب راحت مؤمن اند خانه گشاده که عیبها و امور مخفی او را از مردم پنهان
دارد و زن صالحه که در امور دنیا و آخرت او را یاری نماید و دختری یا خواهری که او را از خانه
بیرون کند یا بمردن یا بشوهر دادن و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که نیکی
زندگانی در گشادگی خانه و بسیاری خدمتگاران است و در حدیث دیگر فرمود که زیادتی لذت
دنیا در فراخی خانه و بسیاری دوستان است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست

کرد از مشقت زندگانی هست خانهٔ تنگ و در روایت دیگر منقولست که شخصی از انصار از تنگی
خانه شکایت کرد بحضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم حضرت فرمود که بآواز بسیار بلند از خدا طلب
گشادگی در خانهٔ تو بدهد و در حدیث دیگر فرمود که از سعادت آدمی آنست که فرزندش باو
شبیه باشد و زن خوشروی دیندار داشته باشد و چهارپای رهوار داشته باشد و
خانهٔ گشاده داشته باشد و در حدیث دیگر فرمود که شومی خانه در تنگی ساحت است و بدی
همسایگان و بسیاری عیبهای آنست و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که از سعادت
است زن صالحه و خانهٔ فراخ و همسایهٔ شایسته و مرکب نیکو و چهار چیز است که از شقاوت
است زن بد و خانهٔ تنگ و همسایهٔ بد و مرکب بد و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که از تلخی زندگانی است از خانه بخانه نقل کردن و نان از بازار خریدن فصل دوم
در مذمت تکلف بسیار در خانه کردن و بلند بسیار ساختن و در حدیث صحیح از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که هر که مالی را از غیر حلال کسب کند حق تعالی بر او مسلط میگرداند عمارت
کردن و خاک و آب را که آن مال حرام را در آنجا ضایع کند و در حدیث دیگر فرمود که هر بنائی که زیاده
بر قدر احتیاج باشد در قیامت وبال است بر صاحبش و در حدیث دیگر فرمود که هر که
عمارت کند زیاده از آنچه در و سکنی نماید و در قیامت او را تکلیف میکند که آنرا بردارد و از
حضرت امام علی نقی علیه السلام منقولست که خدا تعالی در زمین خود بقعه چند قرار داده است
که آنها را مرحومات میشامند و دوست میدارد که نام او را در آن بقعه ها ببرند و او را بخوانند
و اجابت دعای ایشان بکند و خداوند تعالی در زمین بقعه چند قرار داده است که آنها را منتقمات
میشامند پس چون کسی مالی را غیر حلال کسب کند خدا یک زمین از آنها میشامند را برو
مسلط میگرداند که آن مال را در آنجا صرف نماید و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام از در خانهٔ شخصی گذشتند که از آجر ساخته بود حضرت پرسیدند که این در خانه کیست
شخصی گفت که از فلان مرد غافل است و پس بدر خانه دیگر گذشتند که صاحبش از آجر ساخته
بود حضرت فرمود که این خانه از مغرور و غافل دیگر است و از حضرت رسول صلی الله علیه و
آله وسلم منقولست که هر که خانه بنا کند از برای ریا و سمعه که مردم ببینند و بشنوند در روز

قیامت آن خانه را تا طبقه هفتم زمین آتشی کنند و در گردن او اندازند پس او را در جهنم اندازند
و هیچ چیز او را نگاه ندارد تا قعر جهنم مگر آنکه توبه کند پرسیدند که یا رسول الله بنای ریا و سمعه
چه معنی دارد فرمود که یعنی زیاده از قدر حاجت بسیار و برای آنکه زیادتی کند بر همسایگانش و فخر
و مباهات کند با برادرانش و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حقتعالی ملکی را موکل
گردانیده است بعمارت که هر که سقف خانه اش را زیاده از هشت ذرع بلند کند باو میگوید که
تا کجا میخواهی بروی ای فاسق و در روایت دیگر ای فاسق ترین فاسقان و در چند روایت دیگر
وارد شده است که هر که سقف خانه را زیاده از هشت ذرع بلند کند جنیان و شیاطین
در آنخانه جا می کنند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی شکایت کرد بحضرت صادق علیه السلام
که جنیان آزار اهل خانه و عیال من می کنند حضرت فرمودند که ارتفاع سقف تو چه مقدار
است گفت ده ذراع حضرت فرمود که از زمین تا هشت ذرع به پیما و از ما بین هشت ذرع تا بالا آیة الکرسی
بنویس بر دور خانه زیرا که هر خانه که ارتفاع آن زیاده از هشت ذرع باشد جنیان در آنخانه
حاضر میباشند و در آنجا مسکن می کنند و در چند حدیث دیگر منقول است که هر خانه که
ارتفاعش زیاده از هشت ذرع باشد بر سر هشت ذرع آیة الکرسی بنویس و در حدیث دیگر
منقولست که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از جنیان که ما را از خانه
بدر کرده اند حضرت فرمودند که سقف خانهای خود را هفت ذرع کنید و کبوتر در اطراف
خانه جا دهید راوی میگفت که چنین کردیم دیگر بدی ندیدیم و در حدیث معتبر از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که بالای خانه خود را هفت ذرع که آنچه زیاده از هفت ذرع است
شیطان در آنجا ساکن میشود زیرا که شیطان در آسمان و زمین نمیباشد بلکه در میان
هوا میباشد و در روایت معتبره منقول است که ابو خدیجه گفت در خانه حضرت صادق
علیه السلام دیدم که آیة الکرسی بر دور حجره نوشته بودند و در جانب قبله نمازگاه آنحضرت
نیز آیة الکرسی نوشته بود فصل سیوم در نقاشی کردن و تصویر کشیدن و صورت صاحب
روحی را ساختن که سایه داشته باشد مشهور میان علما آنست که حرام است چنین صورتی
را ساختن بر دیوارها و جامه‌ها و نقش کردن مکروه است و بعضی بحرمت قائل شده اند و احوط

آنست که طلا کاری نکنند و مطلقا صورت نکشند حتی صورت درخت و امثال آن خصوصا
صورت انسان که تمام و کمال باشد و اگر صورتی کشیده باشند بهتر آنست که آنرا ناقص کنند مثل آنکه
چشمش را کور کنند یا عضوی را از آن محو کنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقولست که جبرئیل علیه السلام گفت که یا محمد پروردگارت سلام میرساند و ترا نهی میکند از تمثالها
و صورتها کشیدن در خانها و در احادیث معتبره از آنحضرت منقول است که جبرئیل گفت که ما
گروه ملائکه داخل خانه نمی شویم که در آنخانه سگ باشد یا صورت بدنی باشد یا ظرفی باشد که در ان
بول کنند و در احادیث معتبره وارد شده است که هر صورتی که بسازد او را در قیامت عذاب کنند
که جان در آنصورت بدمد و نتواند دمید و در حدیث موثق منقولست که از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام پرسیدند از بالش و فرشی که صورت داشته باشد فرمود که باکی نیست که در خانه صورتی
باشد که پامال شود و بر روی آن نشینند و راه روند و در حدیث حسن از حضرت امام محمد باقر علیه
السلام منقولست که باکی نیست که صورتها در خانها باشد اگر سرش را تغییر دهند و سائر بدنش
بحال خود باشد و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که نماز مکن در خانه که صورتی
در برابر تو باشد مگر آنکه چاره نداشته باشی پس آن صورت را قطع کن و نماز بکن و در چند حدیث معتبر
از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مرا بمدینه
فرستادند که هر صورتیکه باشد محو کنم و قبرهای بلند را هموار کنم و سگها را بکشم و در حدیث دیگر از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که عمارت بر بالای قبر بکنید و صورت در سقف خانه نکشید که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم ازین دو چیز کراهت داشتند و در حدیث دیگر از آنحضرت پرسیدند
از کشیدن صورت درخت و آفتاب و ماهتاب فرمود که باکی نیست اگر صاحب حیات نباشد فصل
چهارم در آداب فرش خانه از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که سه چیز است که از مروت است
چهارپائی نیکو و غلام خوش رو و فرش نفیس و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که آدمی را فرشی برای
خود و فرشی برای زوجه خود و فرشی برائی مهمان در کار است و زیاده ازین از شیطان است
و در روایت دیگر منقولست که در خانه حضرت امام زین العابدین علیه السلام بساطها و نمدها بود
و در آن تمثالها و شکلها و صورتها بود و بر روی آنها می نشستند و در حدیث دیگر منقول

است که جمعی بخانهٔ آنحضرت آمدند بالشها و فرشهای نفیس دیدند عرض کردند که ما در منزل شما چیزی
چند می بینیم که خوش نمی آید ما را حضرت فرمودند که ما زنان میخواهیم و مهر ایشان را میدهیم ایشان
آنچه میخواهند از برای خود میخرند آنها از ما نیست و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت
حضرت امام محمد باقر علیه السلام رفت دید که آنحضرت در خانهٔ مزیّنی نشسته اند که فرشهای نیکو
در آن گسترده اند پس چند روز دیگر رفت دید که در خانه نشسته اند که بغیر از حصیری چیزی در آن نیست
و خود پیراهن گنده پوشیده اند پس حضرت فرمود که آنچه دیروز دیدی آن خانهٔ زن من بود از زوجهٔ
من بود دیروز نوبت او بود و در حدیث صحیح منقولست که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام
عرض کرد که شخصی می نشیند بر فرشیکه در آن صورتها است فرمود که عجمان تعظیم می کنند
چنین فرشی را و ما آنرا دشمن میداریم و در حدیث صحیح دیگر منقولست که از حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام پرسیدند از فرش حریر و دیبا آیا بر روی آن توان خوابید و تکیه کرد و نماز کرد حضرت
فرمود در زیر می اندازی و بر رویش می ایستی اما سجده بر آن نمیکنی و در حدیث دیگر منقولست
که حضرت امام رضا علیه السلام در تابستان بر روی حصیری می نشستند و در زمستان بر روی پلاسی
و در خانه جامهای گنده می پوشیدند و چون بیرون می آمدند برای مردم زینت میکردند و در
روایت معتبر منقولست که چون حضرت امیر المؤمنین علیه السلام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را
تزویج کردند پوشش ایشان عبائی بود و فرش ایشان پوست گوسفندی و بالش ایشان
پوستی بود که در میانش لیف خرما پر کرده بودند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت صادق
علیه السلام فرمود که بسیار است که نماز میکنم و در پیش روی من بالشی است که در آن صورت
مرغان است پس جامه بر روی آن بالش می اندازم و نماز میکنم و فرشی چند از شام برای من هدیه
آوردند و در آنها صورت مرغان نقش کرده بودند فرمودم که سرهای ایشان را تغییر دادند بصورت
درخت کردند و در حدیث دیگر منقول است که از آنحضرت پرسیدند که گاه است که فرشها نزد ما
می آورند که در آنها صورتها است حضرت فرمود که چیزی را که فرش کنند و پهن کنند و بر
رویش راه روند باکی نیست اما صورتهائی که بر دیوار و کرسی نصب کنند خوب نیست

فصل پنجم

در آداب عبادت کردن بخانه در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام حجره در خانه مقرر فرموده بودند که در آنجا بغیر از فرشی و مصحفی و
شمشیری چیزی دیگر نبود و در آن حجره نماز میکردند و در حدیث موثق دیگر منقول است
که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله حجره در خانه قرار داده بودند که نه بسیار کوچک
بود و نه بسیار بزرگ از برای نمازگاه خود و چون شب میشد طفلی را با خود بآن حجره میبردند
و در آنجا نماز میکردند و در حدیث موثق دیگر منقول است که آنحضرت نوشتند بسمع که دوست
میدارم از برای تو که در خانه خود نمازگاهی قرار دهی و در جامه کهنه بپوشی و بآن موضع
بروی و از خدا سؤال کنی که ترا از آتش جهنم آزاد کند و ترا داخل بهشت کند و دعائی نامشروع
مکن و نفرین بر کسی مکن و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است
که منور گردانید خانهای خود را بتلاوت قرآن و خانهای خود را مثل گور خود مکنید چنانچه
یهود و نصاری کردند که نماز را در معبدهای خود میکردند و خانهای خود را معطل میگذاشتند
بدرستیکه خانه که در آن تلاوت قرآن بسیار شود خیر آن خانه بسیار میشود و اهلش برفاهیت
و نعمت میباشند و آن خانه روشنی میدهد اهل آسمان را چنانچه ستارها روشنی میدهند اهل زمین را
و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خانه که مسلمانی در آن قرآن خواند
اهل آسمان آنخانه را بیکدیگر مینمایند چنانچه کواکب آسمان را اهل زمین بیکدیگر مینمایند
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که خانه که در آن قرآن خوانده میشود
و یاد خدا در آنخانه کرده میشود برکت آنخانه بسیار میشود و ملائکه حاضر میباشند و شیاطین
دور میشوند و روشنی میدهد اهل آسمان را چنانچه ستارها اهل زمین را روشنی میدهند و خانه که در آن
قرآن خوانده نشود و یاد خدا در آن نکنند برکت آنخانه کم میباشد و ملائکه دوری میکنند و
شیاطین در آنخانه حاضر میباشند فصل ششم در نگاه داشتن حیوانات در خانه خصوصاً کبوتر
و خروس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که حیوانات را در خانه بسیار نگاه
دارید که شیاطین بآنها مشغول شوند و باطفال شما ضرر نرسانند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقول است که نیکو است حیوانات در خانه داشتن مثل کبوتر و مرغ و بزغاله تا آنکه اطفال
جنیان با ایشان بازی کنند و با اطفال شما بازی نکنند و در حدیث معتبر منقول است

شخصی بحضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم شکایت کرد از تنهائی حضرت فرمودند که یک جفت
کبوتر در خانه نگهدار و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کبوتر از مرغان
پیغمبران است و در حدیث حسن دیگر فرمود که کبوتران حرم از نسل کبوتری چندند که حضرت
اسماعیل علیه السلام نگاهداشته بودند و با آنها انس میگرفتند پس مستحب است که در خانه کبوتری
چند نگاهدارند که بال ایشان را چیده باشند که با آنها انس بگیرند و در حدیث دیگر فرمود که هر خانه که در آنجا
کبوتر باشد آفتی از جن باهل آن خانه نرسد زیرا که سفیهان جن بازی میکنند در خانه چون کبوتر در خانه است
مشغول آن میشوند و متوجه آدمی نمیشوند و در حدیث دیگر فرمود که کبوتر در خانه نگهدارید که
دوست داشتنی است و دعا کرده حضرت نوح علیه السلام است و هیچ چیز در خانه مثل آن
باعث انس نمیشود و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست هر بالی که کبوتر میزند
باعث نفرت و گریختن شیاطین میشود و در روایت دیگر از داود بن فرقد منقولست
که گفت در خانه حضرت صادق علیه السلام کبوتر راعبی دیدم که بسیار میخواند حضرت فرمود
که میدانی که این کبوتر چه میگوید گفتم نه فرمود که نفرین میکند بر قاتلان حضرت امام حسین
علیه السلام پس ایشانرا در خانه خود نگهدارید و در حدیث دیگر منقول است که راوی گفت
که آنحضرت را دیدم که از برای کبوتری چند که در خانه آن حضرت بود نان ریزه میکردند و در
حدیث دیگر از عبدالکریم منقول است که گفت رفتم بخانه آن حضرت و دیدم که سه کبوتر سبز
در خانه آن حضرت بود عرض کردم اینها خانه را کثیف میکنند حضرت فرمودند که مستحب
است نگاهداشتن اینها در خانه و در حدیث دیگر فرمود که در خانه حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم یک جفت کبوتر سرخ بود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه و آله چاهی کنده بودند خبر دادند آن حضرت که حبشیان بان چاه سنگ می اندازند
حضرت آمدند و بر سر آنچاه ایستادند و فرمودند که دست ازین عمل بردارید و اگر نه کبوتر را
در اینجا جا میدهم پس فرمود که صدای بال کبوتر شیاطین را دفع میکند و از محمد بن [illegible] منقول
است که گفت بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام رفتم یک جفت کبوتر در منزل حضرت
دیدم که کبوتر نر سبز بود و [illegible] کبوتر ماده سیاه بود و حضرت نان [illegible]

آنهارا پرنده میکردند و تفسیر نمودند که اینها در شب حرکت می‌کنند و مونس من اند و هر مرتبه که در شب
بال بهم میزنند جنیان و شیاطین را که داخل شده اند دفع می‌کنند و در چند حدیث از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که کبوتر را که بجائی دور میفرستند تا سی فرسخ راه از روی دانائی
میرود و بر میگردد و آنچه زیاده از این است از سعی دانائی نیست بلکه بان خورش تقدیر الهی می‌آورد
و در چند حدیث منقولست که کبوتر خانگی یا کبوتر راهوی را خدا بسیار می‌کند و اهل بیت را دوست
میدارند و صاحبخانه را دعا میکنند که خداوند تعالی شما را برکت دهد و در حدیث معتبر از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که خروس بال گشاده سفیدی که در خانه باشد آنخانه و هفت
خانه دور آن خانه را از بلا نگاه میدارد و یک بال زدن کبوتر ده رنگ بهتر است از هفت
خروس سفید و در حدیث دیگر فرمود که خروس سفید یار من و یار هر مؤمنی است و از حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که در خروس پنج خصلت است از خصلتهای پیغمبران
سخاوت و شجاعت و شناختن وقت نمازها و بسیار جماع کردن و غیرت و از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقولست که فریاد کردن خروس نماز اوست و بال زدنش رکوع و سجود اوست
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که دشنام مدهید خروس را که از برای
نماز مردم را بیدار میکند فصل در فضیلت نگاه داشتن گوسفند در خانه در حدیث موثق از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هر اهل خانه که یک گوسفند شیردار داشته باشند خدا روزی آن گوسفند را بایشان
میدهد و روزی ایشان را زیاده میکند و فقر از ایشان یک منزل دور می‌شود و اگر دو گوسفند
نگاه دارند خدا روزی آنها را میدهد و روزی ایشان را زیاده میکند و پریشانی از ایشان دو منزل
دور می‌شود و اگر سه گوسفند نگاه دارند حق تعالی روزی آنها را میرساند و روزی ایشان را زیاده کند
و پریشانی از ایشان بالکل برطرف شود و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر
اهل خانه که نزد ایشان گوسفند شیرده باشد هر روز دو مرتبه ملائکه بر ایشان میگویند که خدا شما را
برکت دهد و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که در خانه
او یک بز شیرده باشد هر روز یک مرتبه ملکی در طرف صبح ایشان را دعا کند که مطهر و پاک باشید شما
و خدا برکت دهد شما را و نیکو باد احوال شما و نیکو باد نان خورش شما و اگر دو بز شیرده باشد هر روز

دو مرتبه ملک چنین دعا کند و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
با عمهٔ خود فرمود که چه مانع است ترا از آنکه در خانهٔ خود برکتی نگاه داری گفت یا رسول الله برکت
کدام است فرمود که گوسفندی که شیر دهد پس فرمود که هر که در خانهٔ او گوسفند شیرده یا بز شیرده
یا گاو شیرده باشد باعث برکت خانهٔ او می شود و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی سه چیز
برکت فرستاده است آب و آتش و گوسفند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که هر اهل خانه که سی گوسفند هر صبح داخل خانهٔ او شوند ملائکه نگاهبانی ایشان می کنند
تا صبح و در حدیث دیگر فرمود که گوسفند نگهدار و شیر نگاه مدار و حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم فرمود که نیکو مالی است گوسفند و در حدیث دیگر فرمود که چون گوسفند نگهدارید
خوابگاه ایشان را نیکو و پاکیزه کنید و خاک از بدن شان پاک کنید **فصل هشتم در بیان احوال سایر
طیور و ذکر بعضی از حیوانات که کشتن ایشان روا است یا روا نیست** در حدیث معتبر منقول
است که فاخته در خانهٔ حضرت امام محمد باقر علیه السلام بود آنحضرت روزی شنیدند که او خوانندگی
میکرد فرمود که میدانید که چه میگوید گفتند نه فرمود که میگوید فَقَدتُکُم فَقَدتُکُم یعنی نیست
شوید نیست شوید پس فرمود که من آنرا دفع میکنم پیش از آنکه او ما را دفع کند پس فرمود که آنرا
کشتند و در حدیث دیگر منقول است که روزی حضرت صادق علیه السلام بخانهٔ اسماعیل فرزند
خود آمدند دیدند که فاخته را در قفس کرده است و فریاد میکند حضرت فرمود که ای فرزند چه باعث
شده است ترا که این فاخته را نگاه داشته مگر نمیدانی که این شوم است و مگر نمیدانی که نفرین
میکند صاحب خانه را پس آنرا نیست کنید پیش از آنکه او شما را نیست کند و در حدیث معتبر
منقول است که روزی حضرت صادق علیه السلام نشسته بودند شخصی گذشت و پرستکی کشته
در دست داشت حضرت برجستند و آنرا از دست او گرفته بر زمین زدند و فرمودند که آیا
عالم شما امر کرده است شما را که این مرغ را بکشید یا فقیه شما بدرستیکه مرا خبر داد پدرم از جدش
که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از کشتن شش جانور مگس عسل و مورچه
و ضفدع و صرد و هدهد و پرستک اما مگس عسل زیرا که پاکیزه میخورد و پاکیزه از او جدا می شود و آنست
چیزی که خدا باو وحی کرده است که نه از جن است و نه از انس در آنجا که فرموده است

و اذ اوحی ربک الی النحل و اما مورچه زیرا که قحطی در زمان حضرت سلیمان پیغمبر علیه السلام
بهم رسید و آن حضرت بطلب باران با اصحاب خود بیرون رفتند ناگاه مورچه را دیدند آن
حضرت که برپا ایستاده دست بآسمان دراز کرده و میگوید که پروردگارا ما از جمله آفریدهای
توئیم و از روزی تو بی نیاز نیستیم پس روزی بده بما از نزد خود و ما را بگناهان بیخبران از فرزندان
آدم علیه السلام پس حضرت سلیمان علیه السلام فرمود که برگردید که حقتعالی شما را بدعای دیگران
باران داد و اما وزغ زیرا که چون نمرود آتش برای حضرت ابراهیم علیه السلام برافروخت
جانوران زمین از خدا رخصت طلبیدند که آب بر آن آتش ریزند حقتعالی هیچیک را رخصت
نفرمود بغیر از وزغ پس دو ثلث او از آتش سوخت و یک ثلث او باقی ماند و اما هدهد زیرا که آن
دلیل حضرت سلیمان بود بسوی ملک بلقیس و اما صرد که آن مرغی است که سر بزرگی دارد و گنجشک را
شکار میکند زیرا که راهنمای حضرت آدم علیه السلام بود از بلاد سراندیب تا بلاد جده یک ماه
و اما پرستک زیرا که گردیدن آن در هوا برای تأسف و اندوهی است که بر مظلومیت اهلبیت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله وسلم دارد و تسبیحش خواندن سوره حمد است مگر نمی بینی که در
آخر خواندنگی خود میگوید و لا الضالین و در حدیث صحیح منقول است که از حضرت امام موسی
علیه السلام پرسیدند از کشتن مورچه حضرت فرمود که مکش مگر آنکه ترا آزار کند و پرسیدند
از کشتن هدهد فرمودند که آزارش مکن و مکش و ذبح مکن که نیکو مرغی است و در حدیث
دیگر از حضرت امام رضا علیه التحیة والثناء منقول است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه
و آله وسلم نهی فرمود از کشتن پنج جانور صرد و صوام که مرغی است در میان نخلستان میباشد
و معروف است و مگس عسل و هدهد و مورچه و وزغ و امر فرمود بکشتن پنج جانور کلاغ و گور
ثوره و مار و عقرب و سگ درنده و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
وسلم فرمود که هر که ماری را بکشد چنان است که کافری را کشته است و در حدیث موثق
منقول است از حضرت امام موسی علیه السلام پرسیدند از کشتن مار حضرت فرمود که حضرت
رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که هر که مار را برای این نکشد که کشتن آن گناه است
از من نیست اما اگر از برای این نکشی که حیوانی است و بتو آزار نمیرساند باکی نیست و در حدیث

دیگر منقول است که حضرت رسول صلّی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از انکه حیوانی را بآتش بسوزانند
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حقتعالی عذاب فرمود زنی را از برای آنکه گربه بسته
بود تا از تشنگی مرده بود و در حدیث معتبر منقول است که باکی نیست بکشتن مورچه خواه آزار
بکنند و خواه نکنند و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که پرستکها را
حرمت بدارید که زیاده از همه مرغان انس بمردم میگیرد و در ذکری که میکند سورهٔ حمد میخواند و در
حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که در هر بال هدهد بزبان سریانی نوشته
است که آل محمّد خیر البریّة یعنی آل محمّد صلی الله علیه و آله و سلم بهترین خلایق اند و در حدیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مخورید هدهد را و دشنام مدهید و مدهید
باطفال که بازی کنند که تسبیح خدا بسیار میکند و تسبیحش اینست که لعن الله مبغضی آل محمّد
علیهم السلام یعنی لعنت کند خدا دشمنان آل محمد را و در حدیث دیگر از حضرت علی بن
الحسین علیهما السلام منقولست که آن کاکلی که بر سر هدهد است از دست مالیدن حضرت
سلیمان علیه السلام بهم رسیده است زیرا که روزی نر با ماده خود خواست که جمع شود
و ماده مضائقه میکرد نر گفت میخواهم که فرزندی بهم رسد که خدا را یاد کند پس ماده راضی شد
چون خواست که تخم بگذارد گفت که تخم را کجا میگذاری گفت میخواهم که دور از راه بگذارم
نر گفت اگر نزد راه بگذاری بهتر است که اگر کسی ببیند گمان کند که برای دانه چیدن باینجا آمده
است آن چنین کرد چون نزدیک شد که جوجه بیرون آورند ناگاه دیدند که حضرت سلیمان
علیه السلام با لشکرش می آیند و مرغان بر سر سایه کرده اند ماده گفت اینک سلیمان
با لشکرش رسید و میترسم ما را و تخم ما را پامال کنند نر گفت که حضرت سلیمان مرد رحیم
و مهربان است آیا نزد تو چیزی هست که برای جوجه خود پنهان کرده باشی گفت بلی ملخی دارم
که از تو پنهان کرده ام برای جوجه خود آیا تو چیزی برای جوجه خود ذخیره کرده نر گفت بلی
خرمائی دارم که از تو پنهان کرده ام برای جوجه خود ماده گفت که پس تو خرمای خود را بردار
و من ملخ خود را برمیدارم و هر دو بخدمت حضرت سلیمان میرویم و هدیهٔ خود را میگذاریم
و حاجت خود را عرض میکنیم سلیمان هدیه را دوست میدارد پس نر خرما را در منقار گرفت

و داده ملخ را بچنگال گرفت و هر دو پرواز کردند و بخدمت حضرت سلیمان ع آمدند و آنحضرت بر روی تخت خود نشسته بود چون ایشانرا دید دست بهار اکشود نر بر دست راست آنحضرت نشست و ماده بر دست چپ آنحضرت و حضرت از حال ایشان سوال نمود قصه خود را نقل کردند سلیمان ع هدیه ایشانرا قبول نمود و لشکر خود را از جانب تخم ایشان بجانب دیگر گردانید و دست بر سر ایشان مالید و دعا کرد برای ایشان برکت پس بان سبب این کاکل بر سر ایشان بهم رسید و در چند حدیث معتبر وارد شده است که جوجه را از آشیان شکار مکنید بلکه بگذارید که پرواز کنند بعد از ان ایشانرا شکار کنید و شب بر سر آشیانه مرغان مروید که ایشانرا شکار کنید که شب در امانند و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که باکی نیست شب مرغانرا از آشیانها گرفتن لهذا علما گفته اند که مکروه است شب مرغانرا شکار کردن و جوجه را از آشیان گرفتن و هم چنین حیوانات را در شب کشتن مکروه است و در حدیث دیگر منقول است که در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام تعریف حسن طاؤس میکردند حضرت فرمود که هیچ حیوانی حسنش زیاده از خروس سفید نیست و خروس خوش آوازتر از آنست و برکتش بیشتر است و ترا آگاه میگرداند در وقت نمازها و طاؤس نفرین و ویل و عذاب بر خود میکند بآن گناهی که کرده است و بآن سبب مسخ شده است و در حدیث دیگر منقول است که طاؤس یمانی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد حضرت از و پرسیدند که ... گفت بلی حضرت فرمود که طاؤس مرغ شومی است که بساحت هیچ گروهی داخل نمیشود مگر آنکه ایشانرا آواره میکند و در حدیث دیگر منقول است که سالم بخدمت آنحضرت رفت چون نشست جمعی از گنجشکها فریاد میکردند حضرت فرمود که میدانی که چه میگویند گفت نه فرمود که میگویند که خداوندا ما آفریده چندیم از آفریدهای تو و چاره نیست ما را از روزی تو پس طعام و آب بده ما را و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در چنین حالی فرمودند که ایشان تسبیح پروردگار خود میگویند و طلب روزی خود از خدا تعالی میکنند و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که چند در زمان سابق در خانها جا میکرد و در وقت طعام خوردن نزدیک خوان می آمد

و طعام بر دوش میریختند و میخوردند و چون حضرت امام حسین علیه السلام را شهید کردند از آبادانی
بیرون رفت و در خرابها و کوهها و صحراها جا گرفت و گفت بد امتی هستید شما فرزند پیغمبر خود
را می کشید من ایمن نیستم از شما که مرا بکشید و در چند حدیث از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که تا حضرت امام حسین علیه السلام را شهید کردند چند روز ناپیدا می شود و همین
در شب پیدا می شود از آنروز قسم خورده که در آبادانی جا نگیرد و پیوسته روزها روزه میباشد
و اندوهناک و چون شب می شود افطار میکند و پیوسته ناله و گریه میکند بر حضرت امام حسین
علیه السلام تا صبح و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که اگر نه این بود که مگس بر طعام مردم
می نشیند هر آینه همه کس بخوره مبتلا میشدند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم منقول است که چون مگس در ظرف طعام یا آب بیفتد آنرا غوطه دهید و بیندازید
که در یک بالش زهر است و در بال دیگر شفاست و آن بال زهر آلوده را در آب و طعام فرو
میبرد و شما آن بال دیگر را هم فرو برید که ضرر نرساند فصل نهم در منع از نگاهداشتن سگ
در خانه در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مکروه است که در
خانه مسلمان سگ بوده باشد و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که هیچ کس نیست که سگی در
خانه نگاهدارد مگر آنکه هر روز از ثواب اعمالش یک قیراط کم می شود و در حدیث صحیح از حضرت
امیر المومنین علیه السلام منقولست که خیری نیست در سگها مگر سگ شکاری یا سگ گله
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است در دو حدیث موثق که نگاه بدار سگ
شکاری را در خانه مگر آنکه در میان تو و او دری باشد که بر روی آن بسته شود و در حدیث موثق
دیگر فرمود که سگهائی که تمام بدن ایشان سیاه است از جن اند و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقول است که سگها از ضعیفان جن اند هر گاه طعام خورید و سگی حاضر باشد
یا طعامش بدهید یا دورش کنید که نفسهائی بد دارند و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که سگ که سیاه یکرنگ یا سفید یکرنگ یا سرخ یکرنگ بوده باشد اینها همه از جن اند و
سگهای ابلق مسخ شده اند از جن و انس و در حدیث صحیح از ابوحمزه منقول است که گفت
در خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بودم در میان مکه و مدینه ناگاه آنحضرت

ملتفت شدند بجانب چپ سگ سیاه یکرنگی را دیدند فرمودند که چیست ترا خدا قبیح گرداند ترا
چه بسیار تند میروی ناگاه دیدم که شبیه بمرغی شد و پرواز کرد پرسیدم که این چه چیز بود
فرمود که این عثیم نام دارد و پیک جنیان است درین ساعت هشام مرده است او
پرواز میکند بهر شهری و خبر مرگ او را میرساند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله وسلم رخصت دادند جماعتی را که خانهای ایشان دور باشد از آبادانی که سگ
نگهدارند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که از پی
شکاری بسیار مروید که بهم ضرر است بشما و چون صدای سگ و فریاد خر را بشنوید پناه برید
بخدا از شر شیطان رجیم زیرا که آنها می بینند چیزی چند که شما نمی بینید و در حدیث
موثق منقول است که حیوانات را بایکدیگر بجنگ انداختن خوب نیست مگر سگ را
که بتازند بر حیوانات برای شکار کردن و در احادیث معتبره بسیار وارد شده که هر حیوانی
را که سگ تعلیم کرده شکار کند اگر برسی و جان داشته باشد آنرا ذبح کن و اگر جان نداشته
باشد حلال است اگر در وقت فرستادن سگ بسم الله گفته باشی و هر چه را حیوانات دیگر
شکار کنند یا سگی شکار کند که آنرا شکار کردن نیاموخته باشند اگر برسی وقتیکه جان داشته
باشد و آنرا بکشی حلال است و اگر نه حرام است و هر حیوانی را که شکار کنی به تیر پیکان دار یا به تیر
بی پیکان که در بدنش فرو رود و آنرا بکشد و اگر برسی و جان داشته باشد آنرا ذبح کن و اگر
جان نداشته باشد حرام است و اگر نام خدا برده در وقت انداختن حلال است و هم چنین اگر
بشمشیر و نیزه و حربهای دیگر شکار کنی این حکم دارد و اگر بسنگ یا تفنگ یا کمان گلوله و
سایر چیزها که آهنی ندارد و بسنگینی میکشد شکار کنی اگر وقتی برسی که جان داشته باشد ذبح کنی
حلال است و اگر نه حرام است و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول
است که شکاری که سگ سیاه یکرنگ کند مخورید زیرا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
وسلم امر فرموده که چنین سگی را بکشند و علما اکثر کراهت کرده اند و هم چنین نهی
وارد شده است از خوردن شکاری که سگی بکند که یهودی یا نصرانی یا مجوسی آنرا تعلیم
کرده باشد و این را اکثر نیز بر کراهت کرده اند و همچنین مکروه است ماهی را شکار کردن

در روز جمعه پیش از نماز و در شکار ماهی شرط است که آن را زنده از آب بدر آورند و در بیرون آب بمیرد و اگر در میان آب بمیرد حرام است و باید که مسلمان بدر آورد و اگر کافر بدر آورد و مسلمان از دست او بگیرد و در دست مسلمان بمیرد حلال است و هم چنین اگر ماهی خود در کنار بجهد و مسلمان او را بگیرد و زنده باشد حلال است و اگر ببیند که زنده است و دست نگرفته بمیرد خلاف است و احوط اجتناب است و شکار ملخ بآن میشود که مسلمان آن را بدست خود یا آلت شکار بگیرد و ملخی که بپرواز نیامده باشد حلال نیست و بدانکه شکار لهو و لعب کردن که مطلب از آن سیر کردن باشد باین نحو که زنند و اندازند جائز نیست و نماز را در چنین سفری تمام میباید کرد و روزه را میباید گرفت و اگر مطلب روزی عیال یا تجارت باشد حلال است و نماز را قصر میکند و روزه میخورد و این رساله گنجایش ذکر مفصل احکام شکار ندارد و از محالش طلب باید کرد فصل دهم

در آداب چراغ افروختن و خانه خریدن و در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که چراغها را در شب خاموش کنید که ان فاسقک یعنی موش فتیله را میکشد که آتش در خانه بیندازد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چهار چیز است که ضائع میشوند و کسی از آنها منتفع نمی شود یکی چراغ در ماهتاب روشن کردن و در حدیث دیگر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که پنج چیز است که ضائع میشوند چراغی که در آفتاب روشن کنند روغن ضائع میشود و از روشنائیش منتفع نمیتوان شد و بارانی که بر زمین شوره زار ببارد باران ضائع میشود و از زمین نفعی عائد نمی شود و طعامی که شخصی بران تکلف کند و نزد کسی بیاورد که او سیر باشد منتفع نمی شود و زن خوشروئی را که عروس کنند و برای شوهر عنین ببرند و نیکی که بشخصی کنند که شکر نکند و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چراغ روشن کردن پیش از غروب آفتاب پریشانی را برطرف میکند و روزی را زیاده میکند و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که کراهت دارد که شخصی داخل خانهٔ تاریک شود مگر آنکه در پیش روی او چراغی یا آتشی فروخته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون چراغ را به اندرون خانه بیاورند این دعا بخوانند اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لَنَا نُوراً نَمْشِی بِهِ فِی النَّاسِ

وَلَا تَحْرِمْنَا نُورَكَ یَوْمَ نَلْقَاكَ وَاجْعَلْ لَنَا نُوراً إِنَّكَ نُورٌ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ و چون چراغ خاموش
کنند اید عا بخوانند اَللّٰهُمَّ أَخْرِجْنَا مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَی النُّورِ و در احادیث معتبره از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که خانه بخرد سنت است که ولیمه مهمانی بکند
و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که هر که خانه بسازد پس گوسفندی فربهی بکشد
و گوشتش را بمردم پریشان بخوراند پس بگوید اَللّٰهُمَّ ادْحَرْ عَنِّی مَرَدَةَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ
وَالشَّيَاطِينِ وَبَارِكْ لِي فِي بِنَائِي حقتعالی دفع ضرر متمردان جن و انس و شیاطین از و بکند و آن
خانه ساختن را از برای او مبارک گرداند فصل یازدهم در بیان سائر آداب خانه در حدیث
معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که کراهت دارد که آدمی در خانه
شب بروز آورد که دری و پرده نداشته باشد و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم منقول است که کسانند که حقتعالی حفظ و حمایت خود را از ایشان بر میدارد کسیکه
در خانه شکسته نازل شود و سکنی نماید و کسیکه در میان راه نماز کند و کسیکه چارپای خود را
سر دهد و بندی بر آن نگذارد و کسی بر آن نگمارد و در حدیث معتبر صحیح از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که ساحتهای خانه خود را جاروب کنید و شبیه مشوید به یهودان که ایشان جاروب
نمی کنند و در روایت معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که خاکروبه خانه
را شب در خانه مگذارید و بیرون برید که شیطان در آن جا میگیرد و حضرت امام محمد باقر
علیه السلام فرمود که خانه را جاروب کردن پریشانی را برطرف میکند و حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم فرمود که خانه شیطان در خانهای شما جائی است که عنکبوت می تند و در حدیث
موثق از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دهان ظرفهای آب و طعام را به بندید و در
خانه را به بندید که شیطان بسته و ظرف سربسته را نمی گشاید و چراغ را خاموش کنید که موش
آتش در خانه شما نیندازد و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و
سلم در تابستان که از خانه بیرون می آمدند برای خوابیدن در روز پنجشنبه بیرون می آمدند و چون
هوا سرد می شد داخل خانها می شدند برای خوابیدن در روز جمعه داخل میشدند و در حدیث
صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر که بر روی [illegible]

بول کند یا در آب ایستاده بول کند یا در خانه تنها بخوابد یا دست آلوده بطعام بخوابد و شیطان او را
بگیرد و دیوانه بکند دست از او برندارد و در هیچ حالی شیطان بر آدمی استیلا ندارد و الا مانند این احوال
بدرستیکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم بجنگی میرفتند و بوادی رسیدند که در آن جن
بسیار بود و در میان اصحاب خود ندا کردند که هر دو تا دست یکدیگر را بگیرید و داخل این وادی
شوید و هیچکس تنها نرود و یک شخص تنها رفت او را صرع گرفت بحضرت خبر دادند حضرت انگشت
ابهام او را گرفتند و فشردند و گفتند بسم الله اخرج خبیث انا رسول الله پس آن شخص
صرعش زائل شد و برخاست و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت از شخصی پرسیدند که در کجا
فرود آمده گفت در فلان موضع حضرت فرمود که آیا در آنجا کسی هست با تو گفت نه حضرت فرمودند
که در خانه تنها مباش و از انجا بخانه دیگر نقل کن که شیطان در هیچ وقت بر آدمی جرأت ندارد
مثل آنکه در خانه تنها باشد و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست
که دستمال گوشت را شب در پوست مگذارید که آن خوابگاه شیطان است و خاکروبه را
در پشت در حجره مکنید که آن جائگاه شیطان است و چون بحجره خود برسید بسم الله
بگوئید که شیطان میگریزد و چون داخل حجره شوید سلام بکنید که برکت نازل میشود
و ملائکه انس میگیرند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که خاکروبه را
شب در خانها مگذارید و بروز بیرون برید که آن جای نشستن شیطان است و از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که پاک کنید خانهای خود را از تار عنکبوت که گذاشتن
آن در خانه باعث فقر و پریشانی میشود و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که شستن ظرفها و جاروب کردن خانها و ساحت اندرون و بیرون خانه روزی را زیاده
میکند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که تنیده عنکبوت را و خاکروبه را
در خانه گذاشتن باعث پریشانی میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست
که دستمالی که از ان دست را پاک کرده اند و آلوده بطعام و چربی است شب در پوست
مگذارید که آن خوابگاه شیطان است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که ظرفهای خود را بی سرپوش مگذارید که ظرفی را که سرپوش نباشد شیطان در آن آب

و همسایه اندازد و آنچه در آن هست آنچه میخواهد بردارد و از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم منقول است که چارپایان اطفال و یاران خود را محافظت نمایید بعد از فرو رفتن
آفتاب تا وقت خفتن که در این ما بین شیاطین بر ایشان مستولی میشوند و در حدیث معتبر منقول
است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از آنکه کسی در خانه همسایه نظر کند
و در حدیث دیگر فرمود که حقتعالی شش خصلت برای من نخواسته است و من نمیخواهم برای امامان
از فرزندان من و شیعیان ایشان با دست و ریش و جامهٔ خود بازی کردن در نماز و فحش گفتن
در روزه و منت گذاشتن بعد از تصدق و جنب بمسجدها رفتن و در قبرستانها خندیدن
و بر خانهای مردم مشرف شدن و در حدیث صحیح منقولست که روزی حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم در حجره بعضی از زنان بودند شخصی از رخنه درگاه آن حجره نظر کرد حضرت فرمود
اگر نزدیک می‌بودم چشمش را کور میکردم

فصل دوازدهم در آداب خانه داخل شدن و بیرون رفتن

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که بعد از یک خواب اول شب از خانه
بیرون مروید که خدا را خلقی چند هست که در این وقت پهن میشوند در زمین و آنچه می فرماید می کنند
و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که چون از خانه بیرون روی بگو
بِسْمِ اللّٰهِ آمَنْتُ بِاللّٰهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ که چون
این را بگوئی ملائکه بر روی شیاطین میزنند و ایشان را از تو دور می کنند و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هرگاه کسی از خانه بیرون آید و بگوید بسم الله ملائکه با و
میگویند که سلامت ماندی پس چون بگوید لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ ملائکه با و میگویند
که کارهایت ساخته شد پس چون بگوید تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ ملائکه با و میگویند که از بلاها نگاهداشته
شدی و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که چون پدرم از خانه بیرون
می آمد این دعا میخواند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ خَرَجْتُ بِحَوْلِ اللّٰهِ وَقُوَّتِهِ لَا بِحَوْلِيْ
وَقُوَّتِيْ بَلْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ يَا رَبِّ مُتَعَرِّضًا لِرِزْقِكَ فَاْتِنِيْ بِهِ فِيْ عَافِيَةٍ و در حدیث
معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که چون کسی داخل خانهٔ خود شود بر اهلش
سلام کند و اگر اهلی نداشته باشد بگوید اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا مِنْ رَبِّنَا و چون داخل خانه می شود

سورهٔ قل هو الله احد بخواند که فقر و پریشانی را برطرف میکند و چون کسی خواهد که بی حاجتی روز بامداد روز پنجشنبه برود و آیات سورهٔ آل عمران را که پیش گذشت إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ تا إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ بخواند و آیة الکرسی و سورهٔ انا انزلناه و سورهٔ حمد بخواند و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون از خانه بیرون روی بگو بِسْمِ اللّٰهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا خَرَجْتُ لَهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا خَرَجْتُ عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَأَتْمِمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَاجْعَلْنِي رَاغِباً فِيمَا عِنْدَكَ وَتَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ وَعَلَى مِلَّتِكَ وَمِلَّةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و در حدیث صحیح دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که در وقت بیرون آمدن از خانه این دعا بخواند خدا گناهانش را بیامرزد و توبه‌اش قبول کند و کارهایش را بسازد و او را از بدیها و شر نگاه دارد و دعا اینست أَعُوذُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللّٰهِ وَرُسُلُهُ مِنْ شَرِّ هٰذَا الْيَوْمِ الْجَدِيدِ الَّذِي إِذَا غَابَتْ شَمْسُهُ لَمْ تَعُدْ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ غَيْرِي وَمِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ وَمِنْ شَرِّ مَنْ نَصَبَ لِأَوْلِيَاءِ اللّٰهِ وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ السِّبَاعِ وَالْهَوَامِّ وَمِنْ شَرِّ رُكُوبِ الْمَحَارِمِ كُلِّهَا أُجِيرُ نَفْسِي بِاللّٰهِ مِنْ كُلِّ سُوءٍ و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در وقت بیرون رفتن از خانه ده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند در حفظ و حمایت الهی باشد تا بخانهٔ خود برگردد و در حدیث معتبر دیگر منقولست که آنحضرت در وقت بیرون رفتن از خانه این دعا میخواندند اَللّٰهُمَّ بِكَ خَرَجْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِي فِي يَوْمِي هٰذَا وَارْزُقْنِي فَوْزَهُ وَفَتْحَهُ وَنَصْرَهُ وَطَهُورَهُ وَهُدَاهُ وَبَرَكَتَهُ وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُ وَشَرَّ مَا فِيهِ بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ فَبَارِكْ لِي فِي خُرُوجِي وَانْفَعْنِي بِهِ و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که چون آدمی از خانه بیرون آید الله اکبر بگوید سه مرتبه پس بگوید بِاللّٰهِ أَخْرُجُ وَبِاللّٰهِ أَدْخُلُ وَعَلَى اللّٰهِ أَتَوَكَّلُ سه مرتبه پس بگوید اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِي فِي وَجْهِي هٰذَا بِخَيْرٍ وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ وَقِنِي شَرَّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ چون این دعا بخواند پیوسته

در ضمان حقتعالی باشد تا بر گرداند او را بآن مکان که در آنجا بوده است و در حدیث موثق از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که در وقت بیرون آمدن از خانه این دعا بخواند حقتعالی کارهای دنیا و آخرت او را بر آورد بِسْمِ اللّٰهِ حَسْبِيَ اللّٰهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ خَيْرَ اُمُورِي كُلِّهَا وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْاٰخِرَةِ و در روایت دیگر منقولست که چون آنحضرت از حجره بیرون می آمدند این دعا میخواندند بِسْمِ اللّٰهِ خَرَجْتُ وَعَلَى اللّٰهِ تَوَكَّلْتُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر که در وقت بیرون آمدن از خانه نگین انگشتر خود را بکف دست بگرداند و در آن نظر کند و سورهٔ انا انزلناه بخواند پس بگوید اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ اٰمَنْتُ بِسِرِّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَانِيَتِهِمْ در آن روز نه بیند چیزیکه مکروه او باشد و در روایت دیگر منقولست که در وقت بیرون آمدن از خانه بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ پس سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد و آیة الکرسی هر یک را از جانب پیش رو و پشت و سر و جانب راست و جانب چپ و بالای سر و پائین پا بخواند و در وقت داخل شدن خانه بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَاَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ پس سلام بر اهل خانه بکند و اگر کسی در خانه نباشد بعد از آن دعا بگوید اَلسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ اَلسَّلَامُ عَلَى الْاَئِمَّةِ الْهَادِينَ الْمَهْدِيِّينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِينَ و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ضامنم برای کسیکه تحت الحنک بسته از خانه بیرون رود آنکه بسلامت بخانه برگردد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون بطلب حاجتی بیرون روید در روز بروید که در شب حاجت بر آورده نمی شود

باب سیزدهم در آداب پیاده رفتن و سوار شدن و بازار رفتن و تجارت و زراعت نمودن و چهار پایان نگاهداشتن

فصل اول در سوار شدن اسپ و استر و الاغ و انواع هر یک از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که از سعادت آدمی است که چهار پای راهواری او داشته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چهار پا نگاهدارید

که زینت شماست و کارهای شما بآن ساخته می شود و روزیش بر خداست و از حضرت امام محمد
باقر علیه السلام منقولست که از بدی زندگانی است چهارپائی بد داشتن و حضرت صادق علیه
السلام فرمود که هر که چهارپائی بخرد سواریش ازوست و روزیش بر خداست و در حدیث
دیگر فرمود که از سعادت مؤمن است که چهارپای داشته باشد که برائی حوائج خود و کارسازی
برادران مؤمن بران سوار شود و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت فرمود بیونس بن
یعقوب که الاغی نگاهدار که بارت را بردارد بدرستیکه روزیش بر خداست راوی گفت که
الاغی خریدیم و چون هر سال حساب خرج خود کردیم هیچ زیاده نشده بود و در روایت دیگر
منقول است که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام از ابی سیفور پرسیدند بر چه چیز سوار میشوی
گفت بر الاغی فرمود که بچند خریده گفت بسیزده اشرفی حضرت فرمود که این اسراف است
که الاغی بخری باین قیمت و یابوی نخری گفت خرج یابوی بیشتر است فرمود که آنکسیکه خرج
الاغ را میرساند خرج یابو را هم میرساند مگر نمیدانی که هر که اسپی نگاهدارد و انتظار خروج ما
اهلبیت بکشد و دشمن ما را بخشم آورد به نگاهداشتن آن اسپ حقتعالی روزیش را برساند
سینه اش را گشاده گرداند و آرزوهایش را برآورد و یاور او است بر حوائج او و در روایت دیگر
منقولست که روزی حضرت امام موسی علیه السلام بر استری سوار شدند شخصی از مخالفان گفت
که این چه چهارپاست که سوار شده که از پی دشمن نمیتوان دوانید و بر روی آن جنگ نمیتوان
کرد حضرت فرمود که رفعت و سرافرازی اسپ را ندارد و مذلت الاغ را ندارد و بهترین امور
وسط آنهاست و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که هر که بندد اسپ پدر و مادر عربی را
هر روز از نامه عمل او سه گناه محو شود و یازده حسنه نوشته شود و هر که اسپی بربندد که یکی از مادر
و پدرش غیر عربی باشد هر روز دو گناه از نامهٔ عملش محو شود و هفت حسنه برائی او نوشته
شود و هر که یابوئی ببندد برای زینت خود و برآوردن کارهائی خود یا دفع دشمن خود هر روز یک
گناه از نامهٔ عملش محو شود و شش حسنه برای او نوشته شود و در روایت معتبره از حضرت
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که خیر و نیکی به پیشانی اسپان بسته است
تا روز قیامت و در حدیث دیگر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که هر که

نگاه دارد اسپ سرخ موئی که در پیشانیش سفیدی بسیار کمی بوده باشد و اگر سفیدی پیشانیش بسینه
آمده باشد و چهار دست و پایش سفید باشد بهتر است نزد من پس جائی که در آن چنین اسپ
باشد فقر و پریشانی داخل آنخانه نمی شود و مادام که آن اسپ در ملک آنشخص داخل است ظلم
در آنخانه داخل نمیشود و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که هر که از خانه خود یا از
خانه دیگری بیرون آید در اول روز و اسپ اگر پیشانی سفیدی را به بیند که در دست و پایش
هم سفیدی باشد در آنروز بغیر از خوشحالی نمی بیند و اگر سفیدی پیشانیش تا پایین آمده باشد پس
نهایت خوشحالی در آنروز او را رو دهد و اگر پی کاری رود و چنین اسپی را به بیند آن حاجتش
بر آورده شود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله چهار اسپ
از یمن بهدیه آوردند برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم پرسیدند که در میان آنها
اسپی است که نشان سفیدی داشته باشد حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که بلی اسپ
آل نشان دار است فرمود که آنرا برای من نگاهدار باز فرمود که دو کهر نشان دار است فرمود که
آنرا برای امام حسن و امام حسین علیه السلام نگاهدار پس فرمود که چهارم اسپ سیاه یکرنگ است
فرمود که آنرا بفروش و قیمتش را صرف عیال خود کن که مبارکی و میمنت اسپ در نشانهای
سفید است و گویا درین حدیث مراد نشان سفید دست و پا باشد و حضرت امام موسی علیه السلام
فرمود که در چهارپایان بکرنگ بودن کراهت دارد مگر الاغ و استر و نشانهای سفید در الاغ
و استر کراهت دارد و نشان سفید در پیشانی استر کراهت دارد مگر آنکه سفیدیش تا بینی
کشیده باشد و آن هم بسیار خوب نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که بهترین
چهارپایان نزد من الاغ است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که میمنت
اسپ در سرخ و در سیاه پیشانی سفیدی است که دست و پایش سفید باشد و دست
راستش سفیدی نداشته باشد و از طرخان دلال چهارپا منقولست که حضرت صادق علیه السلام
از من طلب نمودند استر سیاهی که زیر شکم و میان پاهایش و دهانش سفید باشد فصل دوم در آداب
نگاهداشتن و رعایت حقوق چهارپایان در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
وسلم منقولست که چهارپا را بر صاحبش شش حق است باید که ابتدا کند بعلف دادن آن

چون فرود آید و هرگاه که بآب رسد آب را بر او عرض کند که اگر خواهد بخورد و بر رویش چیزی نزنند
که تسبیح پروردگار خود میکند و بر روی آن سواره نایستد مگر در وقتی که جهاد کنند در راه خدا و
زیاده از توانائی آن بارش نکنند و تکلیف رفتار آنقدر نکنند که طاقت داشته باشد و از حضرت
صادق علیه السلام مثل این منقولست و زیاده از این فرمود که بر رویش داغ نکنند و از حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که هر که چارپائی را بسفر برد چون فرود آید اول
او را آب و علف دهد پیش از آنکه خود چیزی بخورد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود که سه کس بر یک چارپا سوار نشوند که یکی از ایشان ملعونست یعنی آنکه پیش نشسته است
و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت شتری را دیدند که بارش بسته است و پایش بسته
است فرمودند که صاحب این شتر را بگوئید که مستعد باشد که این شتر با او در قیامت خصومت
خواهد کرد و در حدیث معتبر منقولست که قطار شتری از پیش حضرت صادق علیه السلام گذشت
دیدند که بار یک شتری کج شده است بصاحب شتر گفتند که عدالت کن بر این شتر که خدا عدالت را
دوست میدارد و در احادیث معتبره منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام
بیست حج کردند بر شتری و یک تازیانه بر آن نزدند و در احادیث معتبره منقول است که هیچ
صاحب روحی را چیزی بر رویش مزنید که تسبیح پروردگار میگوید و هر چیز را حرمتی است و حرمت
حیوانات در روی ایشان است و از ابوذر غفاری رضی الله عنه منقولست که چارپایان میگویند
که خداوندا مالک نکوئی بما کرامت فرما که رفق و مدارا کند با ما و نیکی کند با ما و آب و علف بما بخوراند
و عنف و تعدی بر ما نکند و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و امام موسی کاظم
علیه السلام منقولست که هر دابه که صاحبش خواهد که بر او سوار شود در آنوقت میگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ
لِی رَحِیماً خداوندا او را بمن مهربان گردان و در روایت معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که شخصی دید ابوذر رضی الله عنه را که در ربذه الاغ خود را آب میداد از او پرسید که مگر
کسی نداری که برای تو این الاغ را آب دهد گفت شنیدم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
که فرمود هیچ دابه نیست مگر آنکه هر صبح از خدا سوال میکند که خداوندا روزی کن مرا صاحب شایسته
نکوئی که مرا از علف سیر و از آب سیراب گرداند و زیاده از توانائی مرا تکلیف نکند [illegible]

میخواهم که خود آنرا آب دهم و در حدیث موثق از صفوان شتردار منقولست که گفت شتری
برای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام خریدم بهشتاد درهم چون بخدمت آنحضرت بردم فرمود
که آیا کجاوه میتواند برداشت پس من کجاوه بران بار کردم و بحضرت عرض کردم حضرت فرمود که
اگر مردم بدانند که حقتعالی چهارپایان ضعیف را چگونه توانائی بار برداشتن میدهد هرآینه هرگز
چهارپائی گران نخرند و در حدیث دیگر از ابن ابی یعفور منقولست که حضرت صادق علیه السلام دیدند
که من پیاده راه میروم فرمودند که چرا سوار نمی شوی گفتم شتر من ضعیف است میخواهم که بارش سبک
باشد فرمود که مگر نمیدانی که شتر ضعیف و قوی هر دو را خدا تاب و توانائی برداشتن میدهد و در چند
حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بر کوهان هر شتری شیطانی نشسته
است آنرا بکار فرمائید و نرم کنید و نام خدا بران ببرید در وقت سوار شدن و بار کردن و در
حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که شتری که هفت مرتبه آنرا بحج برند و در موقف عرفات حاضر
شود البته حقتعالی آنرا از چهارپایان بهشت گرداند و در حدیث دیگر پنج و در حدیث دیگر سه هم
وارد شده است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که بر شتر بازیچه دار سوار شود
و خود را از آن بیندازد در وقت پائین آمدن و بمیرد داخل جهنم شود و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه
چهارپا در زیر کسی بسر درآید و صاحبش باو بگوید که تعست یعنی هلاک شوی چهارپا میگوید تعس اعصانا
للرب یعنی هلاک شود هر که نافرمانی پروردگار خود بیشتر کرده است و در دو حدیث معتبر از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که اگر دابه رم کند او را بزنید و در بسر آمدن مزنید او را
و در حدیث دیگر فرمود بر روی چهارپا پا بیکرو پای دیگر مگذارید یا آنکه بیک جانب میل کنید
و پشتش را مجلس مکنید که ایستاده بر روی آن صحبت بدارید بلکه وقتیکه راه نروید فرود آئید
و چون خواهید براه روید سوار شوید و از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام منقولست که حیوانات
از چهار چیز غافل نمی باشند پروردگار خود را می شناسند و مرگ را میدانند و نر و ماده را می شناسند
و چراگاه خوب را میدانند و از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که در چه وقت دابه را بزنیم
برای راه رفتن فرمود که اگر آن روشی که در وقت جو طلبیدن برود نرود آنرا بزن

فصل سوم

در آداب زین و لجام بدانکه احوط و اولی آنست که زین و لجام هیچ یک طلا و نقره نباشد و سنت

استکه بالش میان زین واز کوک که بر روی اسپ اندازند وقطیفه که بر روی شتر اندازند وسوار شوند
حریر نباشد وسرخ نباشد وزنان را بر زین سوار شدن کراهت شدید دارد ودر احادیث معتبره
وارد شده است که از جمله علامات بدی که در آخر الزمان ظاهر شود آنست که زنان بر زین سوار شوند
ودر روایت حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که زین مرکب ملعونست برای زنان و
بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که جایز نیست زن را سوار شدن بر
زین مگر از برای ضرورت یا در سفر ودر حدیث صحیح منقول است که علی بن جعفر از حضرت امام موسی
علیه السلام پرسید که آیا سوار میتوان شد بر اسپی که زین یا لجام آن از نقره باشد فرمود که اگر
روکش باشد که از آن جدا نمیتوان کرد باکی نیست واگر چنین نباشد سوار نمیتوان شد ودر
حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حلقهٔ بینی ناقهٔ حضرت رسول خدا صلی الله
علیه وآله وسلم از نقره بود ودر احادیث معتبره بسیار وارد شده است که حضرت رسول صلی الله
علیه وآله وسلم بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که زنهار سوار مشو بر میثرهٔ سرخ که آن از
چیزهای است که شیطان بر آن سوار می شود ومیثره بالش زین است وبالشی است که بر روی
جهاز شتر میگذارند وبر رویش سوار میشوند ودر روایت دیگر منقول است که حضرت امام زین
العابدین علیه السلام بر روی قطیفهٔ سرخ سوار می شدند ودر حدیث دیگر منقولست که از حضرت
صادق علیه السلام پرسیدند از پوست حیوانات درنده مانند پوست ببر وپلنگ وشیر
حضرت فرمود که بر روی آنها سوار میتوان شد اما در وقت نماز نمیتوان پوشید ودر احادیث
معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که فرمود پنج چیز است که تا مردن ترک
نمیکنم یکی سوار شدن بر الاغ جل کرده واز حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که در بینی هر
چهار پائی شیطانی است چون خواهید که آنرا لجام کنید بسم الله بگوئید ودر حدیث صحیح از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که چهارپائی که چموشی کند در وقت لجام کردن وغیر آن
یا رم کند در گوشش اگر بگذارد واگر نه بر رو بخوانند این آیه را أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ
مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ فصل چهارم در ادعیه وآداب
سواری بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که چون کسی بر چهارپای

سوار شود و بسم الله بگوید ملکی ردیف او می شود و او را نگاه میدارد تا فرود آید و اگر در وقت سوار
شدن بسم الله نگوید شیطان ردیف او می شود و باو میگوید که خوانندگی بکن اگر نتواند خواند
گوید باو میگوید که آرزوئی باطل محال بکن پس او پیوسته در آرزوست تا پائین آید و فرموده که هر که
در وقت سواری بگوید بِسْمِ اللّٰهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ هَدَانَا
لِهٰذَا وَمَا کُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلَا اَنْ هَدَانَا اللّٰهُ سُبْحَانَ الَّذِیْ سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا کُنَّا لَهُ
مُقْرِنِیْنَ البته محفوظ باشد خود و چهارپایش تا فرود آید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم منقولست که هر که سوار شود و آیة الکرسی بخواند پس بگوید اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِیْ لَا اِلٰهَ اِلَّا
هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ وَاَتُوْبُ اِلَیْهِ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیْ ذُنُوْبِیْ فَاِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ
حقتعالی بملائکه خطاب فرماید که بنده من میداند که گناهان را بغیر از من نمی آمرزد کسی پس گواه باشید
که گناهانش را آمرزیدم و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که چون سوار شوید
بر چهارپایان خدا را یاد کنید و بگوئید سُبْحَانَ الَّذِیْ سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا کُنَّا لَهُ مُقْرِنِیْنَ وَاِنَّا
اِلٰی رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُوْنَ و از علی ابن ربیعه منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام چون پا در
رکاب گذاشتند گفتند بسم الله پس چون درست سوار شدند این دعا خواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِیْ کَرَّمَنَا وَحَمَلَنَا فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقَنَا مِنَ الطَّیِّبَاتِ وَفَضَّلَنَا عَلٰی کَثِیْرٍ مِمَّنْ خَلَقَ
تَفْضِیْلًا سُبْحَانَ الَّذِیْ سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا کُنَّا لَهُ مُقْرِنِیْنَ پس سه مرتبه سبحان الله و
سه مرتبه الحمد لله و سه مرتبه الله اکبر فرمودند پس این دعا خواندند رَبِّ اغْفِرْ لِیْ ذُنُوْبِیْ فَاِنَّهُ
لَا یَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ و در روایت دیگر منقولست که چون حضرت صادق علیه السلام
پا در رکاب میگذاشتند میفرمودند سُبْحَانَ الَّذِیْ سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا کُنَّا لَهُ مُقْرِنِیْنَ و هفت
مرتبه سبحان الله و هفت مرتبه الحمد لله و هفت مرتبه لا اله الا الله میگفتند و در روایت دیگر
منقولست که چون آنحضرت سوار شتری شدند این دعا میخواندند بِسْمِ اللّٰهِ لَا حَوْلَ وَلَا
قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ سُبْحَانَ الَّذِیْ سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا کُنَّا لَهُ مُقْرِنِیْنَ وَاِنَّا اِلٰی رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُوْنَ
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که بر کوهان هر شتری شیطانی هست
چون سوار آن شوید چنانچه خدا فرموده است بگوئید سُبْحَانَ الَّذِیْ سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا کُنَّا

که مُقْرِنِینَ و در حدیث معتبر منقولست که چون چهارپایی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بسر درمی آمد
یا پایش می لغزید این دعا میخواندند اَللّٰهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ زَوالِ نِعْمَتِکَ وَمِنْ تَحْوِیلِ عافِیَتِکَ
وَمِنْ فُجاءَةِ نِقْمَتِکَ و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت
کرد که دابه من کهگیر است و در هنگام رفتار یکدفعه می ایستد حضرت فرمود که این آیت را در گوش
او بخوان اَوَلَمْ یَرَوْا اَنّا خَلَقْنا لَهُمْ مِمّا عَمِلَتْ اَیْدِینا اَنْعاماً فَهُمْ لَها مالِکُونَ وَذَلَّلْناها
لَهُمْ فَمِنْها رَکُوبُهُمْ وَمِنْها یَأْکُلُونَ و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که لازم است که سواره خبر کند پیادگان را که باایشان ضرر نرساند چهارپایی او و فرمود که
روزی حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام سوار شدند جمعی پیاده با حضرت روان شدند
فرمود که آیا کاری دارید گفتند ولیکن میخواهیم که در رکاب تو راه رویم فرمود که برگردید که راه
رفتن پیاده با سواره باعث غرور و فساد سواره و موجب مذلت و خواری پیاده است و
در حدیث دیگر از عبدالله بن عطا منقولست که گفت روزی بخدمت حضرت امام محمد باقر
علیه السلام رفتم فرمود که دو چهارپا برای ما زین کن رفتم الاغی و استری را زین کردم و استر را
پیش بردم که آنحضرت سوار شوند فرمود که الاغ را پیش بیار که بهترین چهارپایان نزد من الاغ است
و استر را خود سوار شو پس الاغ را آوردم و رکاب گرفتم چون سوار شدند گفتند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی
هَدانا لِلْاِسْلامِ وَعَلَّمَنا الْقُرْآنَ وَمَنَّ عَلَیْنا بِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی
سَخَّرَ لَنا هٰذا وَما کُنّا لَهُ مُقْرِنِینَ وَاِنّا اِلیٰ رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِینَ
پس روانه شدند و در اثنای راه دیدم که الاغ شوخی در رفتار میکرد حضرت خود را به پیش زین
چسپانیدند عرض کردم که یا ابن رسول الله شما را آزاری هست فرمودند رسول خدا صلی الله علیه
وآله وسلم الاغی داشت که او را یعفور مینامیدند و چون سوار آن می شدند از شادی آن که
حضرت بر آن سوار شده است شوخی در رفتار میکرد که دستهای مبارک آنحضرت را حرکت
می آورد و آنحضرت خود را به پیش زین میچسپانیدند و میفرمودند اَللّٰهُمَّ لَیْسَ مِنّی وَلٰکِنْ ذا مِنْ
عُفَیْرٍ یعنی خداوندا این از من نیست ولیکن این خیلا و تبختر از عفیر است من نیز چنین کردم ای
عزیزان تفکر کنید که آن بزرگوار آن از خیلا و نخوت رفتار الاغ اندیشه داشتند و به درگاه خدا

عذر می طلبید پس آنانکه بر اسپهای تازی نژاد خوش رفتار با آن نخوت و تبختر و دلال سوار میشوند
و بر آسمان و زمین برفتار خود منت می نهند و غیر خود کسیرا موجود نمی شمارند چگونه عذر خواهند
خواست و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که آیا شرم نمی کنید که شما بر روی
چهارپائی خود خوانندگی می کنید و آن در زیر شما تسبیح پروردگار خود میگوید و از حضرت امیرالمؤمنین
علیه السلام منقولست که فرمود که چهارپائی من هرگز به درنیامد زیرا که هرگز من بر روی زراعت
کسی نرانده‌ام و کشت زار کسی را پامال نکردم فصل پنجم در آداب پیاده رفتن بعضی از احادیث این
فصل در آداب کفش و جامه پوشیدن گذشت و در حدیث معتبر از حضرت موسی ابن جعفر
علیهما السلام منقول است که تند راه رفتن حسن مؤمن را می برد و در حدیث حسن از حضرت
رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که زنان باید که در کنار راه بروند و مردان در میان بروند
و در حدیث دیگر فرمود که سواره احق است بمیان جاده راه رفتن از پیاده و پای برهنه احق
است بمیان راه رفتن از کسیکه کفش پوشیده است و در حدیث معتبر منقول است که
حضرت امام زین العابدین علیه السلام چنان هموار راه میرفتند که گویا مرغ بر سر آنحضرت
نشسته است و می ترسند که پرواز کند و دست راست آنحضرت بر دست چپ پیشی
نمیگرفت و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که هرگاه راه
رود کسی بر روی زمین به تکبر و خیلا لعنت کند او را زمین و آنچه در زیر زمین است و آنچه در بالای
زمین است و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه که کرکوشی کنند امت من از سائلان وقتیکه
از ایشان چیزی طلبند و از روی تبختر راه روند پروردگار من بعزت خود سوگند خورده
است که ایشان را بیکدیگر عذاب کند و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه امت من در رفتار
تبختر کنند و دستها را کشند و خدمت ایشان کنند غلامان فارس و روم در میان ایشان
فتنه و فساد باشد و بر یکدیگر شمشیر کشند و در حدیث دیگر فرمود که هر که با عصا راه رود
از روی تواضع و شکستگی در سفر و حضر هر گامی برای او هزار حسنه نوشته شود و هزار گناه از او محو
شود و هزار درجه برای او بلند شود و در حدیث دیگر فرمود که عصا بدست بگیرید که او سنتهای
پیغمبرانست و بنی اسرائیل صغیر و کبیر و پیر و جوان ایشان عصا در دست میگرفتند تا آنکه خیا

و تکبر بکنند و در راه رفتن قصد نمود که بر کشتن عصا فقر و پریشانی را بر طرف میکند و شیطان نزدیک
او نمی آید و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که اگر عاقلی میباید که بهر جانب که متوجه شوی
اول نیت خود را درست کنی و غرض صحیحی برای حرکت خود قرار دهی و نهی کنی نفس را از آنکه امر نامشروعی
منظور داشته باشد و باید که در راه رفتن پیوسته در فکر و اندیشه باشی و در هر قدمی از عجائب صنع
الهی عبرتی بگیری و در رفتار تجبر نکنی و دیده خود را بپوشی از چیزی که در دین خدا پسندیده نیست و
پیوسته مشغول ذکر خدا باشی بدرستیکه مواضعی که در آن ذکر خدا کرده شود شهادت میدهند
برای او در قیامت و استغفار می کنند برای او تا داخل بهشت شود و در راه با مردم سخن
بسیار مگو که خلاف ادبست و اکثر راهها کمین گاه شیطان است از مکر او غافل مباش
و چنان کن که رفتن و برگشتن در طاعت خدا باشد و رفتارت برای چیزی باشد که موجب
خوشنودی خداست بدرستیکه هیچ حرکات تو در نامه عملت نوشته می شود فصل ششم
در نگاهداشتن شتر و گاو و گوسفند در حدیث معتبر منقولست که از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم پرسیدند که کدام مال بهتر است فرمود که زراعتی که آدمی بکارد و در وقت
درو کردن حق خود را بردارد و حق خدا را بدهد گفتند بعد از زراعت دیگر کدام مال بهتر است
فرمود که شخصی که گوسفندی چند داشته باشد و در هر جا که آب و علفی باشد آنها را بچراند و نماز را
بجا آورد و زکوة مال خود را بدهد گفتند بعد از گوسفند کدام مال بهتر است فرمود که گاوی که
در بامداد و پسین شیر میدهد گفتند که بعد از گاو کدام مال بهتر است فرمود که آنها که پا در گل فرو
برده اند و در خشک سال میوه میدهند یعنی درختان خرما پس فرمود که نیکو مالی است درخت
خرما که هر که آنرا بفروشد قیمتش از بابت خاکستری است که بر سر کوه بلندی در باد تند رها
کنی مگر آنکه بعوض آن درخت خرمای دیگر بخری پرسیدند که بعد از درخت خرما کدام مال بهتر است
حضرت جواب نفرمودند شخصی گفت که چرا شتر را نفرمودید فرمود که در شتر مشقت و تعب
و دوری از منزل هست و صبح خرج میخواهد و شام خرج میخواهد و در حدیث دیگر فرمود که گوسفند
وقتیکه رو میکند رو کرده است و وقتی که پشت میکند رو کرده است یعنی وقتیکه در میان
شان مرگ می افتد هم میکشی و میخوری و نقصان نمی کند و گاو وقتیکه رو میکند رو کرده است

و وقتی که پشت میکند پشت کرده است و شتر همسایه شیطانست اگر رو میکند پشت کرده
است و اگر پشت میکند پشت کرده است یعنی وقتیکه خوب است هم برای صاحبش ضرر دارد
و نفع ندارد گفتند یا رسول الله بعد از آنچه شما در باب شتر فرموده اید که نگاه خواهد داشت فرمود
گاومیش بدبختان و فاجران هستند که آنرا نگاه میدارند و در حدیث دیگر فرمود که نه عشر روزی
در تجارت است و یک عشر آن در نگاهداشتن گوسفندان و در حدیث دیگر فرمود که بر شما باد
بنگاهداشتن گوسفندان که هر بامداد و پسین نفع شان بشما میرسد و در حدیث معتبر دیگر منقول
است که شتر باعث عزت اهلش هست و در حدیث صحیح منقول است که حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام بصفوان شتردار فرمود که شتری برای من بخر و باید که بدصورت باشد
که عمرش درازتر است و در حدیث دیگر منقولست که فرمود که شتران سیاه بدصورت بخرید
که عمر شان درازتر میباشد و در حدیث معتبر دیگر منقولست که فرمود که شتران سرخ مو
مخرید که عمر شان کوتاه تر میباشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست
که از میان قطار شتر بدر مروید زیرا که هیچ قطار شتری نیست مگر آنکه در میان هر دو شتر
شیطانی هست و در حدیث حسن منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام برای
اکرام خود شتری بصد اشرفی میخریدند و سوار میشدند و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقولست که یکی از حاملان عرش بصورت گاو است و گاو سید و بهترین
حیوانات است و در میان حیوانات خوش رو تر و سرفرازتر از گاو نبود تا آنکه بنی اسرائیل
گوساله پرستیدند آن ملکی که بصورت گاو است از شرم سر در زیر افکند و از آن سبب هر
گاوی چنین شد و از شرم نگاه بجانب آسمان نمیکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقولست که نخورید گوشت و شیر شتری را که فضله آدمی را خورده و سوار آن مشوید تا آنکه چهل
روز او را علف بدهید و علما خوردن گوشت و شیرش را حرام میدانند و سوارش را مکروه میدانند
و این حکم در سایر حیوانات دیگر هم و پاک کردن آنها بآن می شود که علف پاک بخورانند
آنها در مدتی چند که برای هر یک مقرر شده است و در کتابهای علما مذکور است فصل هفتم
در آداب سایر نگاهداشتن حیوانات در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام

منقولست که هر که چهارپائی بخرد و بر جانب چپ او بایستد و موی پیشانیش را بدست راست بگیرد و بر سرش بخواند سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آخر سوره حشر لو انزلنا هذا القرآن الخ و آخر سوره بنی اسرائیل قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن تا آخر و آیة الکرسی پس چون چنین کند آن چهارپا امان یابد از جمیع آفتها و در حدیث موثق از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون کنیزی خواهی بخری بگو اللّهمّ انّی استشیرک واستخیرک چون حیوانی خواهی بخری بگو اللّهمّ قدّر لی اطولهنّ حیوة واکثرهنّ منفعة وخیرهنّ عاقبة و در حدیث صحیح منقولست که علی بن جعفر از حضرت امام موسی علیه السلام سوال کرد که آیا دابه را بر روش میتوان زد و بر رویش داغ میتوان کرد فرمود که باکی نیست یعنی حرام نیست اما کراهت است چنانچه در حدیث موثق منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند از داغ کردن حیوانات فرمود که در غیر روی شان داغ میباید کرد و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نهی فرمود از آنکه حیوانات را در روی شان داغ بکنند یا چیزی بر روی ایشان بزنند زیرا که تسبیح پروردگار میگویند و در حدیث دیگر از آن حضرت پرسیدند از داغ کردن در روی گوسفندان فرمود که داغ را بر گوش ایشان بکنید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که در وقت دوشیدن شیر حیوانات اندکی شیر در پستان بگذارید تا زود شیر جمع شود در پستان که اگر تمام را بدوشید شیر دیرتر می آید و در حدیث دیگر فرمود که خوابگاه گوسفندان را پاک کنید و آنچه از بینی آنها بیرون می آید پاک کنید و نماز در طویله آنها بکنید که گوسفند از حیوانات بهشت است و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که صفیر بکشید برای گوسفندان در وقت رفتن و صدا بزنید ایشانرا بوقت برگشتن و در حدیث معتبر منقولست که از آن حضرت پرسیدند از خصی کردن حیوانات فرمود که باکی نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که کراهت دارد خصی کردن حیوانات و بجنگ انداختن آنها با یکدیگر و در حدیث دیگر فرمود که روزی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در راهی گذشتند که حیوان نری را بر ماده می کشیدند در میان راه حضرت رو گردانیدند فرمودند که سزاوار نیست که چنین کنید که این منکر و قبیح است بلکه باید این را در جائی واقع سازند که

مردی و زنی ذبح بسیند و در حدیث معتبر منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که
ذبح گوسفند زنده را میتوان برید فرمود که اگر غرض تو این باشد که مال خود را باصلاح آوری
باکی نیست اما آن ذبیحه میته است و از آن منتفع نمی توان شد و بدانکه مشهور میان علما موافق
احادیث معتبره آنست که اگر بره یا بزغاله شیر خوک را بخورد آنقدر که گوشت و استخوانش
از آن پرورده شود گوشت آن حرام است و هرچه از گوسفندان معلوم باشد که از نسل او بینه
حرام است و هرچه معلوم نباشد حلال است و اگر چند شیری خورده باشد و باین حد نرسیده
باشد گوشت و شیر آن مکروه است و کراهتش باین برطرف می شود که اگر هنوز شیر خورد هفت روز
شیر گوسفندی را بخورد و اگر از شیر باز کرده باشد آنرا هفت روز علف و دانه حلال بآن
بخورانند و در حدیث صحیح منقول است که شخصی عرضه بخدمت حضرت امام علی نقی علیه السلام نوشت
که زنی بزغاله ماده را شیر داده است تا بحدیکه او شیر باز گرفته است آنرا و الحال از آن بزغاله
فرزندی بهم رسیده است و شیر بسیده شیرش را می توان خورد در جواب نوشتند که فعل مکروهی
کرده است و باکی نیست بخوردن شیر آن **فصل هشتم در بیان مجملی از احوال و اقسام حیوانات**
بدانکه در احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هیچ مرغی و حیوانی در دریا و صحرا
شکار کرده نمی شود مگر آنکه آن تسبیحی که دارند ضایع کنند و در حدیث دیگر فرمود که جمیع مرغان
و وحشیان و درندگان با یک دیگر مخلوط بودند تا آنکه فرزند آدم علیه السلام برادرش را کشت
پس از یکدیگر نفرت کردند و گریختند و هر حیوانی بشکل خود میل کرد و در حدیث دیگر منقولست
که حضرت یعقوب علیه السلام بفرزند خود گفت که زنا مکن که مرغی که زنا میکند پرهایش می ریزد
و از حضرت امام حسین صلوات الله علیه منقولست که چون کرکس فریاد میکند میگوید که ای فرزند
آدم هر روش که زندگانی میکنی آخرش مرگست و باز صدا میکند و میگوید که ای دانای پنهانها و
ای دفع کننده بلاها و طاوس میگوید که بر خود ظلم کردم و مغرور بزینت خود شدم پس بیامرز
مرا و دراج میگوید اَلرَّحْمٰنُ عَلَی الْعَرْشِ اسْتَوٰی و خروس میگوید که هر که خدا را شناخت یاد
او را فراموش نمیکند و مرغ خانگی میگوید که ای خداوند حق توئی حق و گفته تو حق است و باشه
میگوید که ایمان آوردم بخداوندی تو و بروز قیامت و کور کوره میگوید که توکل کن بر خدا تا ترا

روزی دیده و عقاب میگوید که هر که اطاعت خدا کند بدبخت نمی شود و شاهین میگوید سبحان الله
حقاً حقاً و چغد میگوید که دوری از مردم انس شیر است و کلاغ میگوید که ای روزی دهنده بفرست روزی حلال
و کلنگ میگوید که خداوندا نگاهدار مرا از شر دشمن من و لک لک میگوید که هر که از مردم تنها شد
از آزار ایشان نجات یافت و اردک میگوید که آمرزش ترا میخواهم ای خداوند و تیهو میگوید چه بسیار
شقی است کسی که معصیت خدا کند و قمری میگوید ای دانای پنهان و راز ای خداوند و دیگری شبیه
بقمری و سرخ رنگ است میگوید توئی خداوند خداوندی غیر از تو نیست ای خداوند و گنجشک میگوید
که طلب آمرزش میکنم از خدا از هر چیز که خدا را بخشم آورده و بلبل میگوید لا اله الا الله حقاً حقاً و کبک
میگوید نزدیک است حق و سمانا میگوید ای فرزند آدم چه غافلی از مرگ
و فاخته میگوید که یا واحد یا احد یا صمد یا فرد و سبزه قبا میگوید که ای مولای من آزاد کن مرا از
آتش جهنم و سموجه میگوید که مولای من قبول کن توبه جمیع گناه کاران و کبوتر خانگی میگوید که اگر
گناه مرا نیامرزی شقی و بدبخت خواهم بود و شترمرغ میگوید که معبودی غیر از خدا نیست و پرستک
سوره حمد میخواند و میگوید ای قبول کننده توبه جمیع گنه کاران ای خدا ترا است حمد و قبره میگوید
که مرگ بس است برای پند گرفتن و بزغاله میگوید که مرگ نزد من رسید و گناهم سنگین بسیار شد
و شیر میگوید که در امر بندگی خدا بسیار اهتمام می باید کرد و گاو میگوید که دست از گناه بدار که تو در
پیش خداوندی هستی که او را نمی بینی و او همه را می بیند او خداوند عالمیان است و فیل میگوید که
برای دفع مرگ قوت و چاره سودی نمیدهد و یوز میگوید که یا عزیز یا جبار یا متکبر یا الله و شتر
میگوید که منزه است پروردگاری که ذلیل کننده جباران است تنزیه میکنم او را و اسپ
میگوید منزه است پروردگار منزه است او و گرگ میگوید که چیزی را که خدا حفظ کند ضایع نمی شود
هرگز و شغال میگوید که عذاب و ویل برای گناه کاریست که بر گناه خود مصر شده و سگ
میگوید بس است معصیتها برای خواری و خرگوش میگوید هلاک مکن مرا ای خدا ترا است
حمد و روباه میگوید که دنیا خانه فریب است و آهو میگوید که نجات ده مرا از آزار و کرگدن میگوید
بفریادم برس و گرنه هلاک می شوم و پلنگ میگوید منزه است پروردگاری که بسیار عزیز است ترا
بعز قدرت خود و تنزیه میکنم او را و مار میگوید چه بسیار بدبخت است کسی که ترا نافرمانی کند ای خداوند

بخشنده و عقرب میگویند که بدی چیزی موحشی است پس حضرت فرمود که هیچ خلقی نیست
مگر آنکه او را تسبیحی هست چنانکه خدا فرموده است وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَٰكِن لَّا
تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ یعنی هیچ چیزی نیست مگر آنکه خدا را تسبیح میگوید و بحمد و ثنای او متلبس است
ولیکن شما نمی فهمید تسبیح ایشان را و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که حیواناتی که
مسخ شده اند دوازده صنف اند اما فیل پس آن پادشاهی بود که زنا و لواطه میکرد و خرس
اعرابی بادیه نشینی بود که دیوثی میکرد و خرگوش زنی بود که با شوهر خود خیانت میکرد و غسل
حیض نمیکرد و شپره خرمای مردم را میدزدید و سهیل مرد عشاری بود در یمن عشاری میکرد و زهره
زنی بود که مردم میگویند که هاروت و ماروت از او فریب خوردند و بوزینه و خوک جماعتی بودند
از بنی اسرائیل که در روز شنبه شکار کردند و اما سوسمار و چلپاسه گروهی بودند از بنی اسرائیل
که در زمان حضرت عیسی علیه السلام چون مائده از آسمان نازل شد ایمان نیاوردند و مسخ شدند
پس یک گروه ایشان بدریا رفتند و دیگری بصحرا و اما عقرب مرد سخن چینی بود و اما زنبور
قصابی بود که ترازو دزدی میکرد و در روایت دیگر منقولست که خرس مردی بود که مردم
با او عمل قبیح میکردند و سوسمار اعرابی بود که مال حاجیان را میدزدید و عنکبوت زنی بود که از
برای شوهر خود سحر میکرد و غموس مرد سخن چینی بود که در میان دوستان جدائی می انداخت
و اما ماهی ولوث بود و شپره خرما از درخت میدزدید و بوزینه و خوک یهودیانند که ماهی را در شنبه
شکار میکردند و خوک جماعتی اند که ترسایان مائده آسمان نیاوردند و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقولست که موش گروهی از یهود بودند که خدا بر ایشان غضب کرد و پشه شخصی بود که استهزاء به
پیغمبران میکرد و پیش از حسد مسخ شد و روزی پیغمبری از پیغمبران بنی اسرائیل نماز میکرد یکی از
بیخردان بنی اسرائیل آمد در برابر او و استهزا باو میکرد و بصورت پشه مسخ شد و چلپاسه
جماعتی از بنی اسرائیل بودند که فرزندان پیغمبر را دشنام میدادند و با ایشان دشمنی میکردند و
در حدیث دیگر منقولست که خارپشت مرد بدخلقی بود و در بعضی از روایات وارد شده است
که زهره و سهیل که مسخ شده اند این دو ستاره نیستند بلکه دو جانورند در دریای محیط و در روایات
معتبر وارد شده است که هر یک از بنی امیه که میمیرند بصورت چلپاسه مسخ میشوند و

که هرگاه چلپاسه را بکشی غسل بکن و در روایت معتبره منقولست که آنها که مسخ شدند زیاده از سه روز
نماندند و مردند حقتعالی بصورت آنها حیوانی چند خلق فرمود و گوشت آنها را حرام کرد تا دیگران
عبرت بگیرند از دیدن اینها و مثل اعمال آنها نکنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقولست که حقتعالی هفتصد امت را مسخ کرد برای آنکه بعد از پیغمبران اطاعت اوصیای
ایشان نکردند پس چهارصد صنف ایشان بصحرا رفتند و سه صد صنف بدریا رفتند فصل نهم
در فضیلت تجارت کردن و طلب حلال نمودن در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم منقولست که نیکو یاوریست پرهیزکاری از معاصی خدا توانگری و از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقولست که خیری نیست در کسیکه نخواهد که مالی از حلال جمع کند تا بآن مال
روی خود را از سوال حفظ کند و قرض خود را ادا کند و با خویشان خود احسان کند و در حدیث دیگر فرمود که استعانت
بجوئید بدنیا بر آخرت و بار مردم مشوید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست
که ملعونست کسی که بار عیال خود را بر مردم بیندازد و در حدیث حسن منقولست که شخصی از
حضرت صادق علیه السلام پرسید که ما طلب دنیا میکنیم و دوست میداریم که مال دنیا بما رو کند
فرمود که برای چه میخواهی آنرا گفت برای آنکه خرج خود و عیال خود بکنم و صله رحم بکنم و تصدق و حج
و عمره بکنم فرمود که مال برای اینها کسب کردن طلب دنیا نیست طلب آخرت است و در حدیث
دیگر فرمود که توانگری که ترا از ظلم منع نماید بهتر است از پریشانی که ترا بر گناه بدارد و در حدیث
معتبر منقولست که شخصی از علمای اهل سنت بحضرت امام محمد باقر علیه السلام رسید در روز
بسیار گرمی دید که آنحضرت بر دو غلام تکیه کرده براه میروند گفت که شما مردی هستید از
بزرگان اهل قریش مناسب نیست که درینوقت از برای طلب دنیا بیرون آئید اگر مرگ
درین حال برسد چه خواهید کرد حضرت فرمود که اگر مرگ درینحال برسد در وقتی رسیده
خواهد بود که مشغول طاعت خداوند عالمیانم و کاری میکنم که خود را و عیال خود را باز دارم از
سوال کردن از تو و از دیگران من از آن میترسم که مرگ برسد و در معصیت خدا باشم گفت
راست گفتی میخواستم ترا پند گویم تو مرا پند گفتی و در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
منقولست که حقتعالی خطاب فرمود بحضرت داود علیه السلام که نیکو بنده بودی تو اگر از بیت

المال نمیخوردی و بدست خود کسب میکردی چون این خطاب بحضرت داؤد رسید چهل روز گریست
پس حق تعالی به آهن وحی فرمود که نرم شو برای بنده من داؤد پس در دست آنحضرت نرم شد
مانند موم پس هر روز یک زره بدست خود میساخت و بهزار درم میفروخت تا آنکه سیصد و
شصت زره ساخت و از بیت المال مستغنی شد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق
علیه السلام احوال عمرو بن مسلم را پرسید گفتند ترک تجارت کرده است حضرت سه مرتبه
فرمود که عمل شیطان است مگر نمیدانی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم تجارت
فرمود حق تعالی مدح میفرماید جماعتی را که مردانی چند اند که غافل نمیگرداند ایشانرا تجارت و فروختن
از یاد خدا ایشان جماعتی بودند که تجارت میکردند و چون وقت نماز میشد مشغول نماز می شدند
و این بهتر است از کسیکه تجارت نکند و نماز را در وقت خود بکند و در حدیث موثق منقول
است که با آنحضرت عرض کردند که شخصی هست میگوید که در خانه می نشینم و نماز میکنم و روزه میدارم
و عبادت پروردگار خود میکنم و روزی من البته برای من میرسد حضرت فرمود که این مردیکی از
کسانست که دعای ایشان مستجاب نیست و در حدیث دیگر منقولست که شخصی با آنحضرت
عرض کرد که میخواهم دعا کنید که خدا مرا روزی دهد با رحمت فرمود که طلب روزی نکنی چنانچه خدا
امر کرده است من دعا نمیکنم از برای تو و در حدیث معتبر دیگر منقولست که آنحضرت احوال شخصی را
پرسید شخصی گفت که او پریشان گشته است حضرت پرسید که بچه کار مشغول است گفت که
در خانه نشسته است و عبادت الهی میکند فرمود که معاشش بچه نحو میگذرد گفت که بعضی از
برادران مؤمن به احوال او میرسند حضرت فرمود که آن کسیکه روزی او را میدهد عبادتش
بهتر است از عبادت او و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست کسی که
طلب دنیا کند برای آنکه از مردم سؤال نکند و روزی عیال خود را فراخ گرداند و بهمسایگان خود
احسان کند در روز قیامت روی او مانند ماه شب چارده باشد و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقول است که عبادت هفتاد جزو است و بهترین آنها طلب حلال است
و در روایت معتبر منقول است که چون در دکان خود را گشودی متاع خود را پهن کردی آنچه بر تو
بود کردی دیگر بخدا توکل کن و در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم

منقولست که در حجة الوداع فرمود بدرستیکه جبرئیل علیه السلام در دل من دمید که هیچ
صاحب جانی نمیمیرد مگر آنکه روزی مقدر خود را تمام میخورد پس از خدا بترسید و مبالغه در طلب
روزی مکنید و دیر رسیدن روزی نه دارد شما را برآنکه طلب چیزی از روزی را بمعصیت
خدا بکنید زیرا که حق تعالی روزی را در میان خلق حلال قسمت کرده است و حرام قسمت نکرده است
پس کسیکه از معصیت خدا بپرهیزد و صبر کند روزی او از حلال میرسد و هر که پرده دری کند
و تعجیل نماید و از حرام بگیرد از روزی حلال او همان مقدار کم شود و در قیامت حساب او خواهند
کرد بر آن روزی حرام و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که اگر بنده در سوراخی
باشد خدا روزی او را میرساند پس مبالغه در طلب روزی مکنید و در احادیث معتبره از آن
حضرت منقول است که خدا روزی مؤمنان را از جائی چند مقرر فرموده است که گمان ندارند
باشد برای آنکه چون نمیدانند که روزی ایشان از کجا می آید دعا بسیار میکنند و در احادیث
دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که تجارت کردن عقل را زیاده میکند و ترک
تجارت کردن عقل را کم میکند و حضرت امام موسی علیه السلام بتاجری فرمود که بامداد برو
بسوی چیزیکه موجب عزت تست یعنی بازار و در احادیث دیگر منقولست که بامداد بطلب
روزی بروید و تحقیق این مطلب با احادیث دیگر در کتاب عین الحیات مذکور است فصل دهم
در بیان آداب تجارت از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که بر منبر میفرمود
که ای گروه سوداگران اول یاد گیرید مسائل تجارت را بعد از آن مشغول تجارت شوید والله
که ربا در این امت خفی تر است از جای پای مورچه بر روی سنگ سخت و قسم دروغ نخورید بدرستیکه
تاجر فاجر است و فاجر در جهنم است مگر کسیکه حق بگیرد و حق بدهد و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقولست که هر که خرید و فروش کند از پنج چیز اجتناب کند از سود خوردن
و قسم خوردن و عیب متاع را پوشانیدن و مدح کردن چیزی که فروشد و مذمت کردن چیزی
که بخرد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام هر روز بامداد دُرّه را
بر دوش میگذاشتند و در بازارهای کوفه میگشتند و میفرمودند که چون مشغول خرید و فروش
می شوید اول خیر خود را از خدا طلب کنید و خرید و فروش را سهولت بکنید و کار را تنگ

بگیرید تا برکت بیابید و نزدیکی و مهربانی کنید با مشتریها و بردباری را زینت خود گردانید
و از قسم خوردن و دروغ گفتن کناره گیرید و ستم بر مردم مکنید و با مظلومان انصاف از خود
مدهید و نزدیک ربا و سود مروید و کیل و وزن را تمام بدهید و ترازو دزدی مکنید و در حدیث
دیگر فرمود که منشیند در بازار مگر کسیکه مسائل خرید و فروش میداند و هر که با نادانی تجارت کند
در ربا خوردن فرو میرود و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که
در بامداد و پسین که بازار رود چون پا در بازار گذارد بگوید اللّهمّ انّی اسئلک من خیرها و
خیر اهلها حق تعالی با او ملکی موکل گرداند که او را و متاعش را محافظت نماید تا بخانه برگردد پس
باو میگوید که امروز امان یافتی از شر این بازار و اهل این بازار امروز روزی تو شد خیر این بازار
و اهل این بازار بامر خدا پس چون در دکان بنشیند بگوید اشهد ان لا اله الّا اللّه وحده
لا شریک له و اشهد انّ محمّدا عبده و رسوله اللّهمّ انّی اسئلک من فضلک
رزقا حلالا طیّبا و اعوذ بک من ان اظلم او اُظلم و اعوذ بک من صفقة خاسرة
و یمین کاذبة چون این دعا بخواند ملکی که با و موکل است میگوید که بشارت باد ترا که امروز
درین بازار کسی از تو بهره اش فراوان تر نیست تعجیل کردی در جمع آوردن ثوابها و محو کردی
از خود گناهان او بزودی می آید بسوی تو آنچه خدا روزی تو گردانیده است حلال طیّب مبارک
و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون داخل بازار شوی
این دعا بخوان اللّهمّ انّی اسئلک من خیرها و خیر اهلها و اعوذ بک من شرّها و
شرّ اهلها اللّهمّ انّی اعوذ بک من ان اَظلم او اُظلم و ابغی او یُبغی علیّ و اعتدی
او یُعتدی علیّ اللّهمّ انّی اعوذ بک من شرّ ابلیس و جنوده و شرّ فسقة العرب
و العجم و حسبی اللّه لا اله الّا هو علیه توکّلت و هو ربّ العرش العظیم و در حدیث
صحیح دیگر منقولست از آنحضرت که هر که داخل بازاری یا مسجدی بشود و یک مرتبه بگوید اشهد
ان لا اله الّا اللّه وحده لا شریک له و اللّه اکبر کبیرا و الحمد للّه کثیرا و سبحان
اللّه بکرة و اصیلا و لا حول و لا قوّة الّا باللّه العلیّ العظیم و صلّی اللّه علی محمّد و آله
برابر است با یک حجّ مقبول و در حدیث معتبر دیگر منقولست که هر که در بازار بگوید اشهد

اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِیْکَ لَهٗ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَ رَسُوْلُهٗ حقتعالی
هزار هزار حسنه برای او بنویسد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که هر که داخل بازار شود و نظر کند به شیرین و ترش و تلخ آن بگوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ
لَا شَرِیْکَ لَهٗ وَ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَ رَسُوْلُهٗ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ مِنْ فَضْلِکَ وَ اَسْتَجِیْرُکَ
مِنَ الظُّلْمِ وَ الْمَغْرَمِ وَ الْمَاْثَمِ و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که هر که داخل بازار شود بگوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِیْکَ لَهٗ وَ اَنَّ مُحَمَّدًا
عَبْدُهٗ وَ رَسُوْلُهٗ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ مِنَ الظُّلْمِ وَ الْمَاْثَمِ وَ الْمَغْرَمِ حقتعالی بعدد آنچه در آن
بازار هست از سخن گو و غیر سخن گو ثواب برای او بنویسد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقولست که یاد خدا در بازار بسیار کنید در وقتی که مردم مشغول دنیا باشند که کفارهٔ
گناهان شما باشد و باعث زیادتی حسنات شما شود و شما را از غافلان ننویسند و چون خواهید
احتیاج خود را از بازار بخرید در وقت داخل شدن بازار بگوئید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا
اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِیْکَ لَهٗ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَ رَسُوْلُهٗ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ اٰلِهٖ
اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ صَفْقَةٍ خَاسِرَةٍ وَ یَمِیْنٍ فَاجِرَةٍ وَ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ بَوَارِ الْاَیِّمِ
و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که در وقت داخل
شدن بازار بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِیْکَ لَهٗ لَهُ
الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ یُحْیِیْ وَ یُمِیْتُ وَ هُوَ حَیٌّ لَا یَمُوْتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ
بعدد آنچه خدا خلق کرده است تا قیامت باو ثواب کرامت فرماید و در حدیث صحیح از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که چون خواهی متاعی یا غیر آن بخری سه مرتبه الله اکبر بگو پس سه مرتبه
این دعا بخوان اَللّٰهُمَّ اِنِّی اشْتَرَیْتُهٗ اَلْتَمِسُ فِیْهِ مِنْ خَیْرِکَ فَاجْعَلْ لِیْ فِیْهِ خَیْرًا اَللّٰهُمَّ
اِنِّی اشْتَرَیْتُهٗ اَلْتَمِسُ فِیْهِ مِنْ فَضْلِکَ فَاجْعَلْ لِیْ فِیْهِ فَضْلًا اَللّٰهُمَّ اِنِّی اشْتَرَیْتُهٗ اَلْتَمِسُ
فِیْهِ مِنْ رِزْقِکَ فَاجْعَلْ لِیْ فِیْهِ رِزْقًا و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام رضا
علیه السلام بر روی متاعی که میخریدند مینوشتند مُبَارَکَةً لَنَا و محتمل است که مراد نوشتن بانگشت
باشد و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون خواهی که چیزی بخری بگو

سه مرتبه این دعا بخوان یا حیّ یا قیّوم یا دائم یا رؤوف یا رحیم اسئلك بعزّتك وقدرتك
وما احاط به علمك ان تقسم لی من تجارة الیوم اعظمها رزقاً واوسعها فضلاً وخیرها
عاقبة فانّه لا خیر فیما لا عاقبة له وفرمود که چون حیوانی یا بنده خواهی بخری بگو اللهم قدّر
لی اطولها حیوةً واکثرها منفعةً وخیرها عاقبةً ودر حدیث حسن از آنحضرت منقول
است که چون خواهی که چهارپایی بخری سه مرتبه این دعا بخوان اللهم ان کانت عظیمة
البرکة فاضلة المنفعة میمونة الناصیة فیسّر لی شراءها وان کانت غیر ذلك فاصرفنی
عنها الی الذی هو خیر لی منها فانّك تعلم ولا اعلم وتقدر ولا اقدر وانت علّام
الغیوب ودر روایت دیگر منقول است که چون خواهی پی کاری بروی وآفتاب اندکی بلند
شده باشد که سرخی شعاعش برطرف شده باشد دو رکعت نماز بکن در رکعت اول بعد از حمد
قل هو الله احد ودر رکعت دوم قل یا ایها الکافرون بخوان پس چون سلام بگوئی این دعا
بخوان اللهم انّی غدوت التمس من فضلك کما امرتنی فارزقنی من فضلك رزقاً
واسعاً حلالاً طیّباً واعطنی فیما رزقتنی العافیة غدوت بحول الله وقوّته غدوت
بغیر حول منّی ولا قوّة ولکن بحولك وقوّتك وابرء الیك من الحول والقوّة
اللهم انّی اسئلك برکة هذا الیوم فبارك لی فی جمیع اموری یا ارحم الراحمین
وصلّی الله علی محمّد وآله الطیّبین الطاهرین ودر فقه الرضا مذکور است که چون خواهی
که متاعی را ببندی ونگاهداری آیة الکرسی بخوان وبنویس ودر میان متاع بگذار واین دعا
را نیز بنویس وجعلنا من بین ایدیهم سدّاً ومن خلفهم سدّاً فاغشیناهم فهم
لا یبصرون لا ضیعة علی ما حفظه الله فان تولّوا فقل حسبی الله لا اله الّا هو
علیه توکّلت وهو ربّ العرش العظیم چون چنین کنی آن متاع از هر بلائی محفوظ ماند
وفرمود که اگر مالت تلف شود این دعا بخوان اللهم انّی عبدك وابن عبدك
وابن امتك وفی قبضتك ناصیتی بیدك تحکم فیّ ما تشاء وتفعل ما ترید اللهم
فلك الحمد علی حسن قضائك وبلائك اللهم هو مالك ورزقك وانا عبدك
خوّلتنی حین رزقتنی اللهم فالهمنی شکرك فیه والصبر علیه حین اصبت واخذت

اللهمّ انت اعطيت وانت اصبت اللهمّ لا تحرمني ثوابه ولا تنسني من خلفه في دنياي وآخرتي انك على ذلك قدير اللهمّ انا لك وبك واليك ومنك لا املك لنفسي ضرّاً ولا نفعاً و در حديث معتبر از حضرت رسول صلى الله عليه وآله وسلم منقولست كه بدترين بقعهاى زمين بازارهاست وآنها ميدان شيطانند هر روز بامداد علم خود را در بازارهاى زند وكرسى خود را ميگذارد و بران مى نشيند و فرزندان خود را پهن ميكند كه يكى را فريب ميدهند كه ترازو كم ميكشد و ديگرى كيل را كم ميكند و ديگرى گز ميدزد و ديگر در پس المال دروغ ميگويد پس ميگويد بفرزندان خود كه بر شما باد بجماعتى كه پدر ايشان مرده است يعنى حضرت آدم عليه السلام و پدر شما زنده است پس با اول كسيكه داخل بازار مى شود شيطان داخل ميشود و با آخر كسيكه بيرون ميرود بيرون ميرود و بهترين بقعهاى زمين نزد خدا مسجدهاست و محبوب ترين مردم نزد خدا كسى است كه زودتر بمسجد رود و ديرتر بيرون آيد و در حديث ديگر فرمود كه دشمن ترين مردم نزد خدا كسى است كه زودتر ببازار رود و ديرتر بيرون آيد و از حضرت صادق عليه السلام منقولست كه مخر چيزى از مردى كه كار بر ايشان بسته شده است كه سودا با ايشان بركت نميدارد و در حديث ديگر فرمود كه با كردان مخالطه مكنيد كه ايشان گروهى اند از جنيان كه حقتعالى پرده از ايشان برداشته است و در احاديث معتبره وارد شده است كه معامله مكنيد با جماعتى كه مرضهاى مشرسے وارند مانند پيسى و خوره و در احاديث ديگر فرمود كه با نوكيسه سودا مكنيد و باكسى سودا كنيد كه در مال و نعمت نشو و نما يافته باشد و در حديث ديگر فرمود كه با مردم دون كه از دشنام دادن و شنيدن پروا ندارند سودا مكنيد و در حديث ديگر فرمود كه از ما نيست كسيكه فريب دهد مؤمنى را و فرمود كه حضرت رسول صلى الله عليه وآله وسلم نهى فرمود از آب در شير كردن و در حديث حسن منقولست كه حضرت امام موسى عليه السلام بهشام فرمود كه در تاريكى در زير سقف متاع مفروش كه متاع خوش قماش مينمايد و آن غش است و غش كردن حلال نيست و فرمود كه كسيكه نخرد مگر بقسم و نفروشد مگر بقسم حقتعالى در قيامت نظر رحمت بسوى او نفرمايد و از حضرت امير المؤمنين صلوات الله عليه وآله منقولست كه زنهار قسم مخوريد كه اگر

متاع را روا میکند اما گرفتنش را بسیار بد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست
که کسیکه میفروشد و میخرد روزی می یابد و کسیکه نگاه میدارد برای آنکه گران شود ملعونست
و فرمود که قافله که متاع آورد کسی آنرا در بیرون شهر استقبال نکند بگذارید که داخل شهر شوند
و شهری وکیل نشود در خرید و فروخت برای بادیه نشینان خدا تعالی بعضی از مسلمانان را
بسبب بعضی دیگر روزی میدهد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلام
با اسحاق بن عمار فرمود که فرزند خود را بصرافی مده که صراف از ربا سالم نمیماند و بکفن فروشی
مده که کفن فروش آرزوی مرگ مردم میکند و بسیار مردن مردم او را خوش می آید و به
گندم فروشی مده که سالم نمیماند از جمع کردن و نگاه داشتن برای گرانی و بسلاخی مده که رحم
از دلش برطرف میکند و کسی که سنگین دل است از خدا دور است و ببرده فروشی مده که
بدترین مردم کسی است که مردم را فروشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول
است که فرمود که بخاله خود غلامی بخشیدم و نهی کردم او را از آنکه بقصابی یا حجامت کردن
یا زرگری کردن بدهد و در احادیث دیگر منقولست که اگر مزد حجامت را اول شرط نکند
و آنچه بعد از حجامت بدهند قبول کند باکی نیست و در بعضی از اخبار مذمت جولاهی وارد شده
است و در حدیث دیگر منقول است که شخصی از حضرت صادق علیه السلام پرسید از
تعلیم کردن اطفال فرمود که مزد بر آن بگیر گفت که کتابهای شعر و رسالها و مانند آن
میخوانند اول شرط مزد خود با ایشان بکنم فرمود که بلی اما بشرطیکه اطفال نزد تو برابر باشند
و بعضی را بر بعضی زیادتی ندهی و در حدیث دیگر منقولست که بآن حضرت عرض کردند که
سنیان میگویند که کسب معلم حرام است فرمود که دروغ میگویند این دشمنان خدا میخواهند
که اطفال مردم قرآن یاد نگیرند اگر کسی دیت فرزند خود را بمعلم بدهد برد حلال است و بهتر آن
است که اول شرط مزد نکند و آنچه میدهند بگیرد و در احادیث معتبر وارد شده است که چون قرآن را فروشید
کاغذ و جلد آنرا بفروشید قصد فروختن نوشته نکنید و در حدیث صحیح از حضرت امام
موسی علیه السلام منقولست که باکی نیست در مزد گرفتن برای نوشتن قرآن و در حدیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که تمام شب بیدار باشد برای

کسب کردن و بهره دیده خود را از خواب منع کردن آن کسبش حرام است و اکثر علما حمل
بر کراهت شدید کرده‌اند و در چند حدیث معتبر از آنحضرت منقولست که هر که خود را بعنوان نوکری
بمردم باجاره بدهد روزی را بر خود حرام کرده است و خود را از روزی خدا محروم گردانیده است

فصل یازدهم در فضیلت زراعت کردن و درخت کشتن از علی بن ابی حمزه منقول است
که حضرت امام موسی علیه السلام را دیدم که در زمین خود کار میکردند و پاهای آنحضرت در عرق
فرو رفته بود گفتم فدایت شوم خدمتگاران کجا رفته‌اند که شما خود این کار می‌کنید فرمود که با بیل
در زمین کار کرده است کسیکه بهتر از من و پدر من بوده است پرسیدم فرمود که حضرت رسول خدا
صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله و تمام پدران من در
زمین بدست خود کار کرده‌اند و این کار پیغمبران و اوصیای ایشان و صالحان ایشانست
و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حقتعالی برای پیغمبران
تخم زراعت کردن اختیار کرده است که از آمدن باران کراهت نداشته باشند و در حدیث
دیگر فرمود که حقتعالی روزی پیغمبران را در زراعت و پستان حیوانات قرار داده است
تا از قطره از باران آسمان کراهت نداشته باشند و در حدیث دیگر فرمود که زراعت کنید
و درخت بنشانید والله که مردم کاری از این حلال‌تر و پاکیزه‌تر نمیکنند والله که زراعت
خواهید کرد و درخت خواهید کشت بعد از بیرون آمدن دجال هم و در حدیث معتبر از حضرت
امام زین العابدین علیه السلام منقولست که بهترین اعمال زراعت است که از آن نیکوکار و بد
کردار میخورند اما نیکوکار آنچه میخورد برای او استغفار میکند و اما بدکردار آنچه میخورد او را لعنت
میکند و حیوانات و مرغان نیز از آن میخورند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کیمیای
بزرگ زراعت کردن است و در حدیث دیگر فرمود که زراعت کنندگان گنجهای مردم‌اند
میکارند روزی نیکوی پاکیزه که خدا کرامت میفرماید و جایگاه ایشان در قیامت از سایر مردم
نیکوتر است و منزلت ایشان از دیگران نزدیکتر است و ایشانرا در آسمانها مبارکین میخوانند
و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت بر جماعتی گذشتند که تخم میکردند فرمودند که زراعت
کنید که حقتعالی بباد میرویاند زراعت را چنانچه بباران میرویاند و در احادیث معتبره منقولست

که آنحضرت بر جماعتی گذشتند که شخم میکردند فرمود که زراعت کنید که حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام با بیل در زمین کار میکردند و مزرعها آبادان میکردند و حضرت رسول صلی الله علیه
و آله هسته خرما را آب دهان مبارک خود تر میکردند و در زمین فرو میبردند و در ساعت
سبز میشد و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام هزار غلام از کدّ ید خود خریدند و آزاد کردند و
در حدیث موثق منقولست که شخصی رسید بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام دید که زیاده از سی
من شاه هسته خرما بار کرده اند و میبرند پرسید که اینها چیست فرمود که صد هزار درخت خرماست
ان شاء الله تعالی پس آنها را در باغستان خود کشتند یکی از آنها خطا نشد و در حدیث معتبر از ابی
عمرو منقولست که گفت دیدم حضرت صادق علیه السلام جامه گنده پوشیده بودند و بیلی
بدست داشتند و در باغ خود کار میکردند و عرق از پشت مبارکش میریخت گفتم فدای تو شوم
بده بمن بکنم فرمود که دوست میدارم که آدمی آزار بکشد از آفتاب برای طلب معیشت و در حدیث
معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که شش خصلت است که مؤمن از آنها منتفع میشود بعد از
مردن فرزند صالحی که برای او استغفار کند و مصحفی که از او بماند و تلاوت کنند و چاهی که
بکند و درختی که بکارد و تصدق آبی که جاری کند و سنت نیکی که در میان مردم بگذارد که بعد از او
مردم بآن عمل کنند و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که هیچ چیز را آدمی بعد از مرگ
خود نمیگذارد که بر او دشوارتر باشد از زر راوی گفت چه کند فرمود که باغ و خانه بخرد و در حدیث
دیگر فرمود که در توریت نوشته است که هر که زمین یا آب بفروشد و بعوض آن زمین یا آب
دیگر نخرد قیمتش باطل شود و منتفع نگردد از آن فصل دوازدهم در آداب زراعت کردن
و درخت کشتن بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون حضرت
آدم علیه السلام بزمین آمد محتاج بخوردن و آشامیدن شد پس بجبرئیل علیه السلام شکایت
کرد جبرئیل علیه السلام گفت که زراعت بکن آدم علیه السلام گفت دعائی مرا تعلیم کن جبرئیل
گفت که بگو اَللّٰهُمَّ اکْفِنِی مَؤُونَةَ الدُّنْیَا وَ کُلَّ هَوْلٍ دُونَ الْجَنَّةِ وَ الْبِسْنِی الْعَافِیَةَ
حَتّٰی تُهَنِّئَنِی الْمَعِیشَةُ و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون
خواهی زراعت کنی یک کف از تخم بگیر و رو بقبله بایست و بگو سه مرتبه اَفَرَأَیْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ

ءَاَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ اَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ پس بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ حَبًّا مُبَارَكًا وَارْزُقْنَا فِيهِ السَّلَامَةَ پس آنچه در کف داری بپاش و در روایت دیگر منقول است که چون دانه را بپاشی بگو اَللّٰهُمَّ قَدْ بَذَرْتُ وَاَنْتَ الزَّارِعُ فَاجْعَلْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا و در حدیث دیگر فرمود که در وقت درخت نشانیدن و دانه پاشیدن بر هر درختی و دانه بخوان که سُبْحَانَ الْبَاعِثِ الْوَارِثِ که انشاء الله خطا نمیکند و در روایت دیگر فرمود که در وقت درخت کشتن و زرعت کردن این آیه را بخوان وَمَثَلُ كَلِمَةٍ طَيِّبَةٍ كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ اَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي اُكُلَهَا كُلَّ حِينٍ بِاِذْنِ رَبِّهَا و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که یک قبضه از تخم بگیر و رو بقبله بایست و بگو سه مرتبه ءَاَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ اَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ پس بگو اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ حَرْثًا مُبَارَكًا وَارْزُقْنَا فِيهِ السَّلَامَةَ وَالتَّمَامَةَ وَاجْعَلْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَلَا تَحْرِمْنِي خَيْرَ مَا اَبْتَغِي وَلَا تَفْتِنِّي بِمَا مَنَعْتَنِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ پس آن قبضه را بپاش و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که خواهد که درخت خرما خوب بار بردارد و خرمایش نیکو شود ماهیهای کوچک خشک را بگیرد و نیم کوب کند و در هر شگوفه اندکی بپاشد و باقیش را در کیسهٔ پاکیزه کند و در میان درخت خرما جا دهد و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که درخت خرما را مبرید که عذاب بر شما نازل میشود و در روایت دیگر فرمود که بریدن درخت خرما مکروه است پرسیدند درختهای دیگر را بریدن چونست فرمود که باکی نیست پرسیدند که درخت سدر را بریدن چونست فرمود که درخت سدر که در بادیه باشد بریدن خوب نیست زیرا که در آنجا کم است اما در شهر باکی نیست و از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند که چون است بریدن درخت سدر فرمود که پدرم درخت سدر را برید و بجای آن درخت انگور کشت و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که باکی نیست عذرهٔ آدمی را در مزرعها بریزند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که حضرت عیسی علیه السلام بشهری گذشتند که میوه‌های ایشان کرم بسیار بود در این باب از آن حضرت شکایت کردند فرمود که شما چون درختها می‌کارید اول خاک میریزید و بعد از آن آب میریزید بآن سبب کرم در میوه‌ها بهم میرسد بنشانید اول آب بریزید و بعد از آن خاک بریزید چنین

گردند کرم در میوه‌های ایشان بر طرف شد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که درخت
سدر را آب بدهد چنان است که مؤمنی را در وقت تشنگی آب داده باشد و فرمود که حقتعالی
هیچ درختی را خلق نکرده است مگر آنکه میوه داشت که میتوانست خورد چون مردم از برائی
خدا بفرزند قائل شدند میوهٔ نصف درختان برطرف شد پس چون با خدا شریک قرار دادند
درختان خار بهم رسانیدند باب چهاردهم در آداب سفر فصل اوّل در بیان سفرهائے نیک و بد و ایام
و ساعات نیک و بد از برائی سفر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در حکمت آل داود
نوشته است که نباید کسی سفر کند مگر از برائی سه چیز سفری که توشهٔ آخرت در آن حاصل شود
یا سفری که باعث مرمت امور معاش گردد یا سفری که از برائی سیر و لذتی باشد که حرام نباشد
و در حدیث دیگر فرمود که سفر کنید تا بدنهائی شما صحیح شود و جهاد کنید تا غنیمت دنیا و
آخرت بیابید و حج کنید تا مالدار و بی نیاز شوید و در حدیث دیگر فرمود که سفر قطعه ایست
از عذاب چون کار شما در سفر ساخته شود زود به اهل خود برگردید و در حدیث صحیح منقول است
که محمد بن مسلم از حضرت صادق علیه السلام پرسید که بزمینی میروم که در آنجا غیر از برف هیچ چیزے
نیست فرمود که چون مضطر است تیمم کند و دیگر به چنین زمینی نرود که دینش در آنجا هلاک شود
و در حدیث صحیح منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام آمد و گفت میخواهم
بسفر روم برائی من دعا کنید فرمود که در چه روزے میروی گفت در روز دوشنبه از برائے
برکت آن روز زیرا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در روز دوشنبه متولد شده است
حضرت فرمود که دروغ میگویند حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در روز جمعه متولد شد هیچ
روزی شوم تر از روز دوشنبه نیست حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در آنروز وفات
کردند و وحی از آسمان از ما منقطع شد و در آنروز حق ما را غصب کردند میخواهی که خبر دهم ترا و دلالت
کنم بر روز سهل آسانی که خدا نرم کرد در آن روز آهن را برائی حضرت داود گفت بلی فرمود
که آنروز سه شنبه است و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که
ارادهٔ سفری داشته باشد باید که در روز سه شنبه سفر کند که اگر سنگی از کوهی بگردد و در روز
سه شنبه البته آنرا حق تعالی بجائی خود برگرداند و هرگاه که کارها بر او دشوار شود در روز سه شنبه

طلب کند که آن روزی است که آهن برائی حضرت داؤد علیه السلام نرم شده است و در حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم در روز پنجشنبه بسفر میرفتند و میفرمودند که روز پنجشنبه را خدا و رسول و ملائکه دوست میدارند و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مکروه است سفر کردن و سعی در حوائج کردن در بامداد روز جمعه از برائی آنکه مبادا از نماز باز ماند اما بعد از نماز از برائی تبرک خوب است و در حدیث دیگر فرمود که باکی نیست سفر کردن در شب جمعه و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که در چهارشنبه آخر ماه سفر کند برد آنجا حتی که بفال بد میدانند از هر بلائی نگاهداشته شود و حاجتش را خدا برآورد و در بعضی از روایات وارد شده است که سفر مکن در روز سوم ماه و در روز چهارم و روز پنجم و روز سیزدهم و روز شانزدهم و روز بیستم و روز بیست و یکم و روز بیست و چهارم و روز بیست پنجم و روز بیست و ششم و در روایت دیگر منقول است که روز چهارم و بیست و یکم برائی سفر خوب است و در روایت دیگر منقول است که هشتم ماه و بیست و سوم ماه برائی سفر خوب نیست و اگر روزهائی ماه یا روزهای هفته معارض شود رعایت کردن روزهای هفته اولی است زیرا که احادیث معتبره در ایام هفته بیشتر است و در روایت معتبر دیگر منقول است که هر که سفر کند یا زن بخواهد و ماه در عقرب باشد عاقبت نیکو نبیند

فصل دوم در دفع نحوستهای سفر بتصدق و دعا

در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که تصدق کن و در هر روز که خواهی برو بسفر و در حدیث صحیح دیگر منقول است که از آنحضرت پرسیدند که آیا کراهت دارد سفر کردن در روزی از روزها مثل چهارشنبه و غیر آن فرمود که افتتاح سفر خود بتصدق بکن و در هر وقت که خواهی بدر رو و در حدیث صحیح دیگر منقول است که ابن ابی عمیر گفت که من در علم نجوم نظر میکردم و طالع را می شناختم و در خاطرم میخلید در بعضی از ساعات بعضی از کارها را اختیار کردن در این باب بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام شکایت کردم فرمود که هرگاه در دل تو چیزی بهم رسد تصدق کن بر اول مسکینی که می بینی و برو که حقتعالی ضرر آنرا از تو دفع میکند و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در اول روز تصدق کند حقتعالی نحوست آن روز را از او دفع میکند و در حدیث دیگر منقول است که چون حضرت امام زین العابدین علیه السلام ببعضی از [illegible]

خود میخواستند بروند میخریدند سلامتی خود را از خدا بآنچه میسر می شد از تصدق و این تصدق را در وقتی میدادند که پا در رکاب میگذاشتند و چون خدا آنحضرت را بسلامت برمیگردانید شکر و حمد الهی میکردند و تصدق میکردند بآنچه میسر میشد و در حدیث حسن منقولست که عبد الملک بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که من مبتلا بعلم نجوم شده ام و گاهی میخواهم پی کاری بروم و بطالع نظر میکنم می بینم که در طالع شری هست می نشینم و ترک رفتن میکنم و اگر در طالع نیکی می بینم میروم حضرت فرمود که آن حاجت برآورده نمیشود تا حکم بنجوم میکنی گفت بلی فرمود که کتابهای نجومت را بسوزان و سید ابن طاوس علیه الرحمة روایت کرده است که چون خواهی که متوجه سفر شوی در وقتی چند که سفر کردن دران اوقات کراهت دارد پیش از متوجه شدن سورۀ حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی و انا انزلناه فی لیلة القدر و آخر سورۀ آل عمران اِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ تا آخر سوره بخوان پس بگو اَللّٰهُمَّ بِكَ يَصُولُ الصَّائِلُ وَبِكَ يَطُولُ الطَّائِلُ وَلَا حَوْلَ لِكُلِّ ذِي حَوْلٍ اِلَّا بِكَ وَلَا قُوَّةَ يَمْتَازُهَا ذُو قُوَّةٍ اِلَّا مِنْكَ اَسْئَلُكَ بِصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعِتْرَتِهِ وَسُلَالَتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَاكْفِنِي شَرَّ هٰذَا الْيَوْمِ وَضُرَّهُ وَارْزُقْنِي خَيْرَهُ وَيُمْنَهُ وَبَرَكَاتِهِ وَاقْضِ لِي فِي مُتَصَرَّفَاتِي بِحُسْنِ الْعَاقِبَةِ وَبُلُوغِ الْمَحَبَّةِ وَالظَّفَرِ بِالْاُمْنِيَّةِ وَكِفَايَةِ الطَّاغِيَةِ الْمُغْوِيَةِ وَكُلِّ ذِي قُدْرَةٍ لِي عَلَى اَذِيَّةٍ حَتّٰى اَكُونَ فِي جُنَّةٍ وَعِصْمَةٍ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَنِقْمَةٍ وَاَبْدِلْنِي فِيهِ مِنَ الْمَخَاوِفِ اَمْنًا وَمِنَ الْعَوَائِقِ فِيهِ يُسْرًا حَتّٰى لَا يَصُدَّنِي صَادٌّ عَنِ الْمُرَادِ وَلَا يَحُلَّ بِي طَارِقٌ مِنْ اَذَى الْعِبَادِ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَالْاُمُورُ اِلَيْكَ تَصِيرُ يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که هفت چیز است که اگر در برابر مسافر ظاهر شود برای او شوم است کلاغی که فریاد کند از جانب راست او و سگی که دم را علم کرده باشد و گرگی که بر دم خود نشسته باشد و برروی او فریاد کند پس سه مرتبه بلند شود و پست شود و آهوی که از جانب راست او بیاید بجانب چپ او برود و جغدی که فریاد کند و زن پیر سفید موئی که روبروی او بیاید و ماده الاغی که گوشش را بریده باشند پس کسیکه از دیدن اینها ترسی در خاطرش بیاید بگوید

اِعْتَصَمْتُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ شَرِّ مَا اَجِدُ فِي نَفْسِي فَاَعْصِمْنِي مِنْ ذٰلِكَ چون این را بگوید ضرری باو نرسد و در روایتی منقولست که چون پیش از سفر تصدق کند در وقت تصدق این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّي اشْتَرَيْتُ بِهٰذِهِ الصَّدَقَةِ سَلَامَتِي وَسَلَامَةَ سَفَرِي وَمَا مَعِي فَسَلِّمْنِي وَسَلِّمْ مَا مَعِي وَبَلِّغْنِي وَبَلِّغْ مَا مَعِي بِبَلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ و بعد از تصدق بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ اَللّٰهُمَّ كُنْ لِي جَارًا مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَمِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ بِسْمِ اللّٰهِ دَخَلْتُ وَبِسْمِ اللّٰهِ خَرَجْتُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اُقَدِّمُ بَيْنَ يَدَيْ نِسْيَانِي وَعَجَلَتِي بِسْمِ اللّٰهِ وَمَا شَاءَ اللّٰهُ فِي سَفَرِي هٰذَا ذَكَرْتُهُ اَمْ نَسِيتُهُ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى الْاُمُورِ كُلِّهَا وَاَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَالْخَلِيفَةُ فِي الْاَهْلِ اَللّٰهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا وَاطْوِ لَنَا الْاَرْضَ وَسَيِّرْنَا فِيهَا بِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ لَنَا ظَهْرَنَا وَبَارِكْ لَنَا فِيمَا رَزَقْتَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَكَآبَةِ الْمُنْقَلَبِ وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْاَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ عَضُدِي وَنَاصِرِي اَللّٰهُمَّ اقْطَعْ عَنِّي بُعْدَهُ وَمَشَقَّتَهُ وَاَصْحِبْنِي فِيهِ وَاخْلُفْنِي فِي اَهْلِي بِخَيْرٍ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

فصل سیوم در آداب غسل و نماز و دعا در وقت بیرون رفتن

سید ابن طاوس علیه الرحمه روایت کرده است که چون کسی اراده سفر نماید سنت است که غسل کند پیش از بیرون رفتن و در وقت غسل بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَعَلٰى مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالصَّادِقِينَ عَنِ اللّٰهِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَاشْرَحْ بِهِ صَدْرِي وَنَوِّرْ بِهِ قَبْرِي اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَطَهُورًا وَحِرْزًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَآفَةٍ وَعَاهَةٍ وَسُوءٍ مِمَّا اَخَافُ وَاَحْذَرُ وَطَهِّرْ قَلْبِي وَجَوَارِحِي وَعِظَامِي وَ

دمی وشعری وبشری ولحمی وعصبی وما اقلّت الارض منّی اللّهمّ اجعله لی
شاهدا یوم حاجتی وفقری وفاقتی الیک یا ربّ العالمین انّک علی کلّ شیءٍ قدیر
ودر حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که هیچ خلیفه آدمی در اهلش
نیگذارد بهتر از آنکه در وقت بیرون رفتن دو رکعت نماز بگذارد وپس بگوید اللّهمّ انّی
استودعک نفسی واهلی ومالی وذرّیّتی ودنیای وآخرتی وامانتی وخاتمة عملی
وابن طاوس علیه الرحمه گفته است که در رکعت اول قل هو الله احد ودر رکعت دوم انّا انزلناه
فی لیلة القدر بخواند ودر حدیث معتبر منقولست که چون حضرت امام محمد باقر علیه السلام اراده
سفری میکردند عیال خود را در حجره جمع میکردند واین دعا میخواندند اللّهمّ انّی استودعک الغداة
نفسی ومالی واهلی وولدی والشّاهد منّا والغائب اللّهمّ احفظنا واحفظ علینا
اللّهمّ اجعلنا فی جوارک اللّهمّ لا تسلبنا نعمتک ولا تغیّر ما بنا من عافیتک و
فضلک وسید ابن طاوس علیه الرحمه روایت نموده که بعد از نماز این دعا بخوانند اللّهمّ
انّی استودعک الیوم نفسی واهلی ومالی وولدی ومن کان منّی بسبیل الشّاهد
منهم والغائب اللّهمّ احفظنا بحفظ الایمان واحفظ علینا اللّهمّ اجعلنا فی رحمتک
ولا تسلبنا فضلک انّا الیک راغبون اللّهمّ انّا نعوذ بک من وعثاء السّفر وکآبة
المنقلب وسوء المنظر فی الاهل والمال والولد فی الدّنیا والآخرة اللّهمّ انّی اتوجّه
الیک هذا التّوجّه طلبا لمرضاتک وتقرّبا الیک اللّهمّ فبلّغنی ما اؤمّله وارجوه
فیک وفی اولیائک یا ارحم الرّاحمین واگر خواهی این دعا هم بخوان اللّهمّ خرجت
فی وجهی هذا بلا ثقة منّی لغیرک ولا رجاء یاوی بی الّا الیک ولا قوّة اتّکل
علیها ولا حیلة الجأ الیها الّا طلب رضاک وابتغاء رحمتک وتعرّضا لثوابک وسکونا
الی حسن عائدتک وانت اعلم بما سبق لی فی علمک فی وجهی ممّا احبّ واکره
اللّهمّ فاصرف عنّی مقادیر کلّ بلاء ومقضیّ کلّ لأواء وابسط علیّ کنفا من
رحمتک ولطفا من عفوک وسعة من رزقک وتماما من نعمتک وجماعا من معافاتک
ووفّق لی فیه یا ربّ جمیع قضائک علی موافقة هوای وحقیقة املی وادفع عنّی

احذر و ما لا احذر و علی نفسی مما انت اعلم به منی فاجعل ذلک خیرا لی و لآخرتی
و دنیای مع ما اسئلک ان تخلفنی فیمن خلفت و رائی من ولدی و اهلی و مالی
و اخوانی و جمیع حزانتی بافضل ما تخلف فیه غائبا من المؤمنین فی تحصین کل عورة
و حفظ کل مضیعة و تمام کل نعمة و دفاع کل سیئة و کفایة کل محذور و صرف کل مکروه
و کمال ما یجمع لی به الرضا و السرور فی الدنیا و الآخرة ثم ارزقنی ذکرک و شکرک
و طاعتک و عبادتک حتی ترضی و بعد الرضا اللهم انی استودعک الیوم دینی
و نفسی و مالی و اهلی و ذریتی و جمیع اخوانی اللهم احفظ الشاهد منا و الغائب اللهم
احفظنا و احفظ علینا اللهم اجعلنا فی جوارک و لا تسلبنا نعمتک و لا تغیر ما بنا
من نعمة و عافیة و فضل و در حدیث معتبر منقولست که چون حضرت صادق علیه السلام
اراده سفر میکردند این دعا میخواندند اللهم خل سبیلنا و احسن تسییرنا و اعظم عافیتنا
و در روایت دیگر منقول است که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم اراده سفر
مینمودند این دعا میخواندند و در وقتیکه بر میخواستند که متوجه شوند اللهم بک انتشرت
و الیک توجهت و بک اعتصمت انت ثقتی و رجائی اللهم اکفنی ما اهمنی و ما
لا اهتم له و ما انت اعلم به منی اللهم زودنی التقوی و اغفر لی و وجهنی الی الخیر
حیثما توجهت و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام منقولست
که هر که اراده سفری نماید و در خانه خود بایستد رو بجانبی که اراده دارد که متوجه شود پس سوره
حمد از پیش رو بجانب راست و جانب چپ بخواند و آیة الکرسی را نیز از پیش رو و جانب
راست و از جانب چپ بخواند پس بگوید اللهم احفظنی و احفظ ما معی و سلمنی و
سلم ما معی و بلغنی و بلغ ما معی ببلاغک الحسن الجمیل حق تعالی حفظ کند او را و آنچه با او
است و سلامت دارد او را و آنچه با او ست و سید بن طاوس علیه الرحمه روایت کرده است
که چون بر در خانه بایستد تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بخواند و سوره حمد و آیة الکرسی را
بنحوی که گذشت بخواند پس بگوید اللهم الیک وجهت وجهی و علیک خلفت اهلی و مالی
و ما خولتنی فقد وثقت بک فلا تخیبنی یا من لا یخیب من اراده و لا یضیع من

حفظه اللهم صل على محمد وآل محمد واحفظني فيما غبت عنه ولا تكلني الى نفسي
يا ارحم الراحمين اللهم بلغني ما توجهت له وسبب لي المراد وسخر لي عبادك
وبلادك وارزقني زيارة نبيك ووليك امير المؤمنين والائمة من ولده وجميع
اهل بيته عليه وعليهم السلام ومدني منك بالمعونة في جميع احوالي ولا تكلني
الى نفسي ولا الى غيري فاكل واعطب وزودني التقوى واغفر لي في الآخرة و
الاولى اللهم اجعلني اوجه من توجه اليك واين دعا را نيز بخواند بسم الله وبالله
وتوكلت على الله واستعنت بالله والجأت ظهري الى الله وفوضت امري الى الله
رب آمنت بكتابك الذي انزلت ونبيك الذي ارسلت لانه لا ياتي بالخير الا
انت ولا يصرف السوء الا انت عز جارك وجل ثناؤك وتقدست اسماؤك و
عظمت آلاؤك ولا اله غيرك بدرستيكه در روايتي وارد شده است كه هر كه صبح از خانه بيرون
آيد واين دعا بخواند بلائي باو نرسد تا شام كه بخانه برگردد وهر كه در شام بخواند واز خانه بيرون رود بلائي
باو نرسد تا صبح كه بخانه برگردد ودر روايت ديگر وارد شده است كه چون حضرت صادق عليه السلام
بسفري ميرفتند اين دعا ميخواندند اللهم احفظني واحفظ ما معي وبلغني وبلغ ما
معي ببلاغك الحسن بالله استفتح وبالله استنجح وبمحمد صلى الله عليه واله اتوجه
اللهم سهل لي كل حزونة وذلل لي كل صعوبة واعطني من الخير كله اكثر مما ارجو
واصرف عني من الشر اكثر مما احذر في عافية يا ارحم الراحمين واين دعا نيز بخواند
اسئل الله الذي بيده ما دق وجل وبيده اقوات الملائكة ان يهب لنا في
سفرنا امنا وايمانا وسلامة واسلاما وفقها وتوفيقا وبركة وهدى وشكرا و
عافية ومغفرة وعزما لا تغادر ذنبا واز حضرت امير المؤمنين صلوات الله عليه وآله
منقولست كه چون كسي بسفري بيرون رود بگويد اللهم انت الصاحب في السفر والحامل
على الظهر والخليفة في الاهل والمال والولد پس بايد كه اين دعاها كه از براي خانه بيرون
آمدن وسوار شدن در فصلهاي سابق گذشت بخواند پس چون سوار شود بگويد الحمد لله الذي
هدانا للاسلام ومن علينا بمحمد واله سبحان الذي سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين

وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَامِلُ عَلَى الظَّهْرِ وَ
الْمُسْتَعَانُ عَلَى الْأَمْرِ اللَّهُمَّ بَلِّغْنَا بَلَاغاً يَبْلُغُ بِهِ إِلَى خَيْرٍ بَلَاغاً يَبْلُغُ بِهِ إِلَى رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ
وَمَغْفِرَتِكَ اللَّهُمَّ لَا ضَيْرَ إِلَّا ضَيْرُكَ وَلَا خَيْرَ إِلَّا خَيْرُكَ وَلَا حَافِظَ غَيْرُكَ

فصل چهارم

در سایر آداب بیرون رفتن و بیان چیزی چند که باید با خود بردن در حدیث معتبر از حضرت
امیر المومنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که هر که
بسفری رود و با خود بردارد عصائی از چوب بادام تلخ و این آیات را بخواند حقتعالی او را ایمن
گرداند از هر سبع درنده و هر دزدی و هر صاحب زهری تا باهل خود برگردد و با او هفتاد و هفت
ملک باشند که از برای او استغفار کنند تا برگردد و عصا را بگذارد و این است آیات وَلَمَّا
تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ
وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا
خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى
الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ
أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ
نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ
الْقَوِيُّ الْأَمِينُ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَ
حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْراً فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ
الصَّالِحِينَ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَى
مَا نَقُولُ وَكِيلٌ و در روایت دیگر از آنحضرت منقولست که هر که خواهد که زمین در زیر پای او
پیچیده شود با خود عصائی درخت بادام تلخ بردارد و در حدیث دیگر فرمود که حضرت آدم
علیه السلام مرض شدیدی بهم رسانید و او را وحشتی عارض شد جبرئیل فرمود که چوبی از درخت
بادام تلخ جدا کن و بسینه خود بچسبان چنین کرد حقتعالی وحشت را از او دفع کرد و بدانکه
از جمله چیزهائی که باید در سفر با خود داشته باشد تسبیح تربت حضرت امام حسین علیه السلام
است چنانچه منقولست که چون حضرت صادق علیه السلام بعراق تشریف آوردند مردم

نزد آنحضرت گرد آمدند و پرسیدند که میدانیم که تربت حضرت امام حسین علیه السلام شفای هر درد
است آیا باعث ایمنی از خوف و بیم میشود فرمود که هرگاه کسی خواهد که او را از بیمی امان بخشد
تسبیحی از تربت آنحضرت گیرد و سه مرتبه این دعا بخواند اَصْبَحْتُ اللّٰهُمَّ مُعْتَصِمًا بِذِمَامِكَ
وَجِوَارِكَ الْمَنِيعِ الَّذِي لَا يُطَاوَلُ وَلَا يُحَاوَلُ مِنْ شَرِّ كُلِّ طَارِقٍ وَغَاشِمٍ مِنْ سَائِرِ مَنْ
خَلَقْتَ وَمَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَالنَّاطِقِ فِي جُنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ بِلِبَاسٍ
سَابِغَةٍ حَصِينَةٍ وَهِيَ وِلَاءُ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مُحْتَجِزًا مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ
لِي إِلَى أَذِيَّةٍ بِجِدَارٍ حَصِينٍ الْإِخْلَاصِ فِي الْاِعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ وَالتَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ
جَمِيعًا مُوقِنًا أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَمِنْهُمْ وَفِيهِمْ وَلَهُمْ أُوَالِي مَنْ وَالَوْا وَأُعَادِي
مَنْ عَادَوْا وَأُجَانِبُ مَنْ جَانَبُوا فَأَعِذْنِي اللّٰهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا أَتَّقِيهِ يَا عَظِيمُ
حَجَزْتُ الْأَعَادِيَ عَنِّي بِبَدِيعِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّا جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ
مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ پس تسبیح را ببوسد و بر هر دو چشم بگذارد
و بگوید اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ وَبِحَقِّ صَاحِبِهَا وَبِحَقِّ
جَدِّهِ وَبِحَقِّ أَبِيهِ وَبِحَقِّ أُمِّهِ وَبِحَقِّ أَخِيهِ وَبِحَقِّ وُلْدِهِ الطَّاهِرِينَ اجْعَلْهَا شِفَاءً
مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ اگر در صبح چنین کند در امان
خدا باشد تا شام و در روایت دیگر منقولست که هر که از پادشاهی یا غیر او ترسد چون
از خانه بیرون آید چنین کند حرزی باشد برای او از شر ایشان و در فصول خواتیم گذشت
انگشترها که مناسب است که در سفر با خود داشته باشد و در حدیث معتبر از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که ضامنم برای کسیکه عمامه بر سر بسته از خانه بیرون آید آنکه سالم
با اهل خود برگردد و در روایت معتبر دیگر از حضرت موسی علیه السلام منقولست که من ضامنم
برای کسیکه اراده سفری داشته باشد و عمامه بر سر به بندد و سر عمامه را در زیر حنک
به بندد آنکه او را دزد و غرق شدن و سوختن بر نخورد و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا
علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که روز شنبه
از خانه بیرون رود و عمامه سفیدی بر سر داشته باشد که تحت الحنک داشته باشد و اگر برود و با

لوهی که آنرا از جا بکند هر آینه بعمل آید و در حدیث معتبر منقول است که حضرت لقمان با پسر خود
گفت که ای فرزند چون بسفر روی شمشیر و کمان و اسپ و موزه و عمامه و رسنهائی که فرو
میشود و مشک آب و سوزن و خیاط با خود بردار و از دوایا انچه تو و اصحاب تو بآن محتاج
باشند بردار و در حدیث دیگر منقولست که چون حضرت رسول بسفر میرفتند شیشه روغن
و سرمه دان و مقراض و آیینه و مسواک و شانه و سوزن و ریسمان و چیزیکه بآن کفش اپسینه
دوزند و تسمه های نعل را بر میداشتند و از جمله تعویذهائی که در سفر مناسب است تعویذی
است که مرویست که در دسته شمشیر حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله وسلم تعبیه
شده بود و آن این تعویذ است بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ اَسْئَلُكَ
يَا مَالِكَ الْمُلُوكِ الْاَوَّلُ الْقَدِيمُ الْاَبَدِيُّ الَّذِي لَا يَزُولُ وَلَا يَحُولُ اَنْتَ اللهُ الْحَلِيمُ
الْكَافِي لِكُلِّ شَيْءٍ الْمُحِيطُ بِكُلِّ شَيْءٍ اَللّٰهُمَّ اكْفِنِي بِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَجَلِّ الْوَاحِدِ الْاَحَدِ
الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ وَاحْجُبْ شَرَّ ذَوِي هِمَمٍ وَشُرُورَ
الْاَعْدَاءِ كُلِّهِمْ وَسُيُوفَهُمْ وَبَلَاسَهُمْ وَاللهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ اَللّٰهُمَّ احْجُبْ عَنِّي شَرَّ
مَنْ اَرَادَنِي بِسُوءٍ بِحِجَابِكَ الَّذِي احْتَجَبْتَ بِهِ فَلَمْ يَنْظُرْ اِلَيْكَ اَحَدٌ مِنْ شَرِّ مَسَقَةِ الْجِنِّ
وَالْاِنْسِ وَمِنْ شَرِّ سِلَاحِهِمْ وَمِنَ الْحَدِيدِ وَمِنْ كُلِّ مَا يُتَخَوَّفُ وَيُحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ
شِدَّةٍ وَبَلِيَّةٍ وَمِنْ شَرِّ مَا اَنْتَ بِهِ اَعْلَمُ وَعَلَيْهِ اَقْدَرُ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللهُ
عَلٰى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا عوذه که در میان عمامه گذارند اَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ اِنَّكَ مِنَ
الْاٰمِنِينَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ لَا تَخَفْ اِنَّكَ اَنْتَ الْاَعْلٰى لَا تَخَافَا اِنَّنِي
مَعَكُمَا اَسْمَعُ وَاَرٰى لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشٰى الَّذِي اَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَاٰمَنَهُمْ مِنْ
خَوْفٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ فَاللهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ اَرْحَمُ
الرَّاحِمِينَ اُدْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَاِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَاِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللهِ فَتَوَكَّلُوا
اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ عوذه که بر چهارپائی سواری بندند اَللّٰهُمَّ احْفَظْ عَلَيَّ مَا لَوْ حَفِظَهُ
غَيْرُكَ لَضَاعَ وَاسْتُرْ عَلَيَّ مَا لَوْ سَتَرَهُ غَيْرُكَ لَشَاعَ وَاحْمِلْ عَنِّي مَا لَوْ حَمَلَهُ غَيْرُكَ لَكَاعَ
وَاجْعَلْ عَلَيَّ ظِلًّا ظَلِيلًا تَوَقّٰى بِهِ كُلَّ مَنْ رَامَنِي بِسُوءٍ اَوْ نَصَبَ لِي مَكْرًا اَوْ هَيَّأَ لِي

مکروها حتی یعود وهو غیر ظافر لی ولا قادر علی اللهم احفظنی کما حفظت
به کتابک المنزل علی قلب نبیک المرسل اللهم انک قلت وقولک الحق انا نحن
نزلنا الذکر وانا له لحافظون واز حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که سوره
عبس را در کاغذ سفیدی بنویسد و بهر راهی که رود با خود نگاهدارد در آن راه بغیر از نیکی نه بیند
واز مفاسد آن راه محفوظ بماند فصل پنجم در آداب توشه برداشتن در سفر و آداب سفره کردن آن
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون بسفر روید سفره با خود بردارید و طعامهای نفیس
دران سفره بگذارید واز حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که از شرف آدمی
آنست که توشه خود را نیکو گرداند هرگاه بسفری رود ودر حدیث دیگر منقولست که حضرت امام
زین العابدین علیه السلام چون بسفر حج یا عمره میرفتند از بهترین توشها بر میداشتند مانند
لوز و شکر و قاووت ترش و شیرین واز حضرت صادق علیه السلام منقولست که نان در میان
توشه خود بسیار که باعث برکت میشود ودر حدیث دیگر منقولست که حضرت امام موسی
علیه السلام نظر کردند بسفره که دران حلقها از برنج بود فرمود که این حلقهارا بکنید و حلقهای
آهن بگذارید تا جانوران داخل سفره نشوند ودر حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام
از بعضی از اصحاب خود پرسیدند که بزیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام میروید گفت بلی
فرمودند که سفره با خود بر میدارید گفت بلی فرمودند که اگر بزیارت قبر پدران یا مادران خود بروید
چنین نخواهید کرد گفت پس چه چیز تجویز کنیم فرمود که نان با شیر یا ماست ودر حدیث دیگر فرمود
که شنیده ام که جمعی هستند که چون بزیارت قبر حضرت امام حسین صلوات الله علیه میروند
با خود سفره بر میدارند که در میان آن بزغاله بریان و حلوا است واگر بزیارت قبر دوستان
خود بروند چنین نمی کنند واز حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که بهترین
خرج کردنها خرج میانه روی است وخدا اسراف را دشمن میدارد مگر در راه حج یا عمره
ودر حدیث حسن منقول است که صفوان از حضرت صادق علیه السلام پرسید که من اهل خود را
با خود بحج می برم خرجی خود را در کمر خود به بندم حضرت فرمود که بلی پدرم میگفت که از قوت
مسافر آنست که نفقه خود را حفظ کند ودر حدیث دیگر منقولست که دیگری بآنحضرت عرض

کرد که درهمی که صورتها در اینها نقش کرده اند با خود دارم و اینها را در همیان میکنم و بر کمر می بندم
در حالت احرام فرمود باکی نیست خرجی تست و اعتماد تو بعد از خدا بر آنست فصل
ششم در رفیق با خود بردن در سفر و آداب معاشرت ایشان در احادیث معتبر بسیار
وارد شده است که شخصیکه تنها بسفر رود ملعون است و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام وصیت نمود که یا علی هرگز تنها
بسفر مرو که شیطان با یک کس است و از دو تا دورتر است یا علی شخصی که تنها بسفر رود
گمراه است و دو کس که میروند دو گمراه اند و سه کس که میروند مسافرانند و در روایت دیگر منقولست
که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد حضرت پرسید که در راه که مصاحب تو بود
گفت تنها بودم فرمود که اگر من پیشتر ترا میدیدم ترا تادیب میکردم که چگونه باید بسفر رفت
پس فرمود که یک کس شیطانست و دو تا دو شیطانند و سه نفر مصاحبانند و چهار نفر رفیقانند
و بسند معتبر از حضرت موسی ابن جعفر علیهما السلام منقولست که هر که تنها بسفر رود بگوید ما شاء الله لا حول و لا
قوة الا بالله اللهم آنس وحشتی و اعنی علی وحدتی و ادّ غیبتی و در حدیث معتبر از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که اول رفیق بهم رسان پس بسفر برو فرمود که دو کس با هم
رفیق نمیشوند مگر آنکه محبوب ترین ایشان نزد خدا آنکه ثوابش بیشتر است آنست که مدارا با رفیقش
بیشتر کند و در حدیث دیگر فرمود که بهترین رفیقان و مصاحبان نزد خدا چهار نفرند و هیچ گروهی
زیاده از هفت کس نمیشوند مگر آنکه صداهای ایشان بسیار میباشد پس از این احادیث معلوم شد
که اقل رفیقان سه اند و اکثر ایشان هفت و آنکه زیاده از هفت خوب نیست و در رفیقان
هم توشه و هم سفر و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که سنت است
که رفیقان هم توشه اول خرجهای خود را بدر آورند و بر روی یکدیگر بگذارند که این بیشتر باعث
خوشنودی خاطر و نیکی اخلاق ایشان میشود و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست
که مصاحبت مکن در سفر با کسیکه فضیلت ترا بر خود نداند آن قدر که تو فضیلت او بر خود میدانی
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مصاحبت و رفاقت مکن با کسی که تو با او زینت
یابی و مصاحبت مکن با کسی که او بتو زینت یابد یعنی تو کسب علم و کمالات از او توانی نمود

و در حدیث دیگر از شهاب منقولست که گفت بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم که شما میدانید حال توانگری مرا و احسانی که با برادران خود میکنم پس با جماعتی از ایشان رفیق می شوم در راه مکه و بر ایشان توسعه میکنم و بسیار خرج میکنم فرمود که ای شهاب چنین مکن اگر تو دست بخرج کردن بگشائی و ایشان هم بگشایند با ایشان ضرر میرسد و پریشان می شوند و اگر تو بکنی و ایشان نکنند باعث مذلت ایشانست پس رفاقت با جماعتی کن که مثل تو باشند در توانگری و دانائی و در روایت دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که اگر مصاحبت یکنی با مثل و مانند خود مصاحبت و رفاقت بکن و با کسی رفیق مشو که خرج تر کشد که این موجب خواری مؤمن است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق مسافر بر رفیقان آنست که چون بیمار شود سه روز برای او توقف کنند و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند که جماعتی با یکدیگر رفیق می شوند و در میان ایشان مالدار و پریشان است آیا آن مالدار خرج آنها را میتواند کشید فرمود که اگر آنها بطیب خاطر راضی باشند باکی نیست و در روایت دیگر منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که شخصی رفیق می شود با جماعتی مالدار و از آنها مالش کمتر است و آنها خرج خود را بیرون می آورند و او مثل آنها نمیتواند خرج کردن فرمود که من دوست نمیدارم که خود را ذلیل کند با کسی رفیق شود که مثل او باشد و در احادیث معتبره منقولست که از ما نیست کسی که با مصاحبانش نیکو مصاحبت نکند و با رفیقانش نیکو رفاقت نکند و با کسی که نمک خورد و حق نمک رعایت نکند **فصل هفتم** در بیان سائر آداب سفر در حدیث منقولست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت لقمان پسر خود را نصیحت فرمود که چون سفر کنی با گروهی مشوره با ایشان بسیار بکن در کارهای خود و کارهای ایشان و برروی ایشان تبسم بسیار بکن و در توشه خود صاحب کرم باش و میان ایشان و چون ترا بضیافت بطلبند قبول کن و اگر از تو مدد طلبند یاری ایشان بکن و به چیز بر ایشان غلبه کن به بسیاری خاموشی و بسیاری نماز و سخاوت و جوانمردی در هر چه با خود داری از چهارپا و مال و توشه و اگر گواهی از تو طلبند یاری برا مر حقی خواهند ترا گواه کنند اطاعت بکن و چون با تو مشوره کنند تا توانی سعی کن که رائی نیکو برای ایشان

اختیار کنی و نه عزم بکن و رای خود را با ایشان بگو تا تأمل کنی و فکر کنی و جواب ایشان
مگو در مشورهٔ ایشان تا آنکه در آن فکر کنی و برخیزی و بنشینی و بخوابی و چیزی بخوری و نماز کنی
و در اثنای این احوال فکر خود و حکمت خود را در مشورهٔ ایشان بکار فرمائی زیرا که هر که خیر
خواهی خود را برای کسیکه با او مشوره کند خالص نگرداند حقتعالی رای و عقل او را از او سلب
میکند و امانت را از او بر میدارد و هرگاه بینی که رفیقان تو پیاده میروند با ایشان پیاده برو
و هرگاه بینی که کاری میکنند با ایشان بکن و اگر تصدق کنند یا قرضی دهند تو نیز با ایشان
بده و بشنو سخن کسی را که از بزرگتر باشد و هرگاه رفیقان کاری بتو فرمایند یا چیزی از تو
سوال کنند بگو بلی و نه مگو که نگفتن موجب عجز و ملامت است و چون راه را گم کنید و
حیران شوید فرود آئید و اگر در راه مقصود شک کنید بایستید و با یکدیگر مشوره کنید
و مصلحت ببینید و اگر یک کس را ببینید خبر راه از او مپرسید و مصلحت از او مبینید که یک
شخص در بیابان این بسر اشتباه می اندازد که شاید جاسوس دزدان باشد یا شیطان باشد
که خواهد شما را حیران کند و از دو شخص نیز حذر کنید مگر آنکه چیزی چند از علامتها و قرینها
ببینید که من نمی بینم زیرا که عاقل بدیدهٔ خود که نظر میکند بسوی چیزی آنچه حق است
از آن می شناسد و حاضر چیزی چند می بیند که غائب نمی بیند ای فرزند چون وقت
نماز در آید از برای امری او را تاخیر مینداز و نماز را بجا آور و راحت بیاب که نماز فرضی است
هر چند بیشتر ادا میکنی سبکبار میشوی و نماز را با جماعت بکن هر چند بر سر نیزه باشی و بر روی
چهارپا خواب مکن که زود باعث زخم پشت آن می شود و این از کردار دانایان نیست مگر
آنکه در میان کجاوه باشی که ممکنت باشد که بخوابی برای سستی مفاصل و چون نزدیک شوی
بمنزل از چهارپائی خود فرود آئی که آن چهارپا یاور تست ابتدا کن بعلف دادن آن پیش
از آنکه خود چیزی بخوری و چون خواهید که فرود آئید پس اختیار کنید از بقعهائی زمین
مکانی را که خوش رنگ تر و خاکش نرم تر و پر گیاه تر باشد و چون فرود آئی پیش از آنکه بنشینی
دو رکعت نماز بکن و چون خواهی بقضای حاجت بروی بسیار دور برو پس چون خواهی که
بار کنی دو رکعت نماز بکن پس آن زمین را وداع کن و سلام بر آن زمین و اهل آن زمین بکن که

هر بقعه از زمین را اهلی چند از ملائکه هست و اگر توانی مخور هیچ طعامی را مگر آنکه قدری از آن
تصدق کنی و بر تو باد بخواندن قرآن مادام که سواره باشی و بر تو باد بتنزیه و یاد خدا کردن تا مشغول
کاری باشی و بر تو باد بدعا کردن در وقتیکه تنها و بیکار باشی و زنهار که در اول شب راه مرو
بلکه در اول شب فرود آی و در نصف آخر شب راه رو و زنهار که در راه رفتن صدا بلند مکن
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که مروت و مردی در حضر خواندن
قرآن است و همنشینی با علما کردن و تفکر در فقه و علوم کردن و محافظت بر نمازهای جماعت
کردن و اما مروت سفر پس توشه خود را صرف کردن و مخالفت رفیقان نکردن و خدا را در
هر بلندی و پستی فرود آمدن و ایستادن و نشستن بسیار یاد کردن است و در روایت دیگر
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مروت سفر توشه بسیار برداشتن است و پاکیزه
گردانیدن توشه است و عطا کردن آن بجمعی که رفیق تواند و آنکه بعد از مفارقت از رفیقان
رازهای ایشان را که بر آنها مطلع شده بپوشانی و مزاح و خوش طبعی بسیار بکنی در چیزی که
خدا بخشم نیاورد و در حدیث دیگر فرمود که از مروت نیست که نقل کند آدمی چیزی چند را
که در سفر دیده است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که توشه مسافر
حدی خواندن است و خواندن شعری چند که در آن حرامی و باطلی نباشد و از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که چون با جماعتی رفیق شوی بگو اینجا فرود آئید یا آنجا فرود میائید
که در میان ایشان کسی هست که این کار را بکند اگر تو با ایشان بگذاری و در احادیث معتبره
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که اعانت کند مؤمن مسافری را
حقتعالی از او هفتاد و سه شدت از شدتهای دنیا را بردارد و او را امان دهد از غم و اندوه و
هفتاد شدت و غم در آخرت از او بردارد در وقتیکه از شدت اهوال قیامت نفسهای مردم
گرفته باشد فصل هشتم در آداب راه رفتن و فرود آمدن در احادیث معتبره از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که چون از پیاده رفتن مانده شوید استعانت
جوئید به تند رفتن که ماندگی را برطرف میکند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که کمرها را محکم ببندید و بر روی شکم ببندید
تا آنکه پیاده رفتن بر شما آسان شود و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست

که در طرف بامداد و پسین راه روید و در روایت معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
منقولست که بر شما باد براه رفتن در شب که زمین در شب پیچیده می شود و از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که زمین در آخر شب پیچیده میشود و منقولست که چون حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه و آله سفر میکردند در آخر شب حرکت میکردند و از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله وسلم منقولست که چون در شب فرود آئید بر سر راه فرود میائید و در شکم رودخانها
فرود میائید که محل درندگان و مار است و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که در میان رودخانه فرود میائید که مبادا سیلابی بیاید و شما ضرر برساند و در حدیث
معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که حقتعالی مدارا کردن را دوست
میدارد و یاری میکند بران پس چون بر حیوانات لاغر سوار باشید و در منزلها فرود آئید پس اگر
زمین خشک باشد و گیاه نداشته باشد تند بروید و اگر گیاه باشد منزل بمنزل فرود آئید و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که اگر در زمین خشک بی گیاه سفر کنید تند بروید و اگر در زمین
پر آب و علف روید بتانی و مدارا بروید از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست
که چون راه غلط کنید بجانب راست میل کنید و از حضرت امیر المومنین صلوات الله
علیه و آله منقول است که هر که در سفر راه گم کند فریاد کند که یا صَالِحُ أَغِثْنِي بدرستیکه از برادران
مؤمن شما از جنیان شخصی هست که صالح نام دارد و از برای خدا در صحراها میگردد و چون
صدای شما را می شنود جواب میگوید و راه نمائی میکند و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقولست که چون راه گم کنی فریاد کن یَا صَالِحُ یَا أَبَا صَالِحٍ أَرْشِدُونَا إِلَى الطَّرِيقِ
رَحِمَكُمُ اللهُ راوی حدیث گفت که ما در سفری راه گم کردیم شخصی گفتیم که از ما دور شده
فریاد کرد باین نحو که مذکور شد پس برگشت و گفت که صدای آهسته شنیدم که گفت راه
از جانب راست است اندک مسافتی که رفتیم راه را یافتیم و از عمر بن یزید که از ثقات
اصحاب ائمه است روایت کرده اند که گفت ما در یک سالی در سفر مکه معظمه راه گم کردیم پس سه روز
ماندیم و راه طلب میکردیم نیافتیم پس چون روز سوم شد آبی که همراه داشته بودیم آخر شد پس جامه های
احرام پوشیدیم بعنوان کفن و حنوط کردیم دران حال شخصی از رفیقان ما برخاست و فریاد

آورد که یا صالح یا ابا الحسن پس کسی از دور جواب گفت پرسیدم که کیستی خدا ترا رحم کند گفت من از آن گروهم از جن که بحضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم ایمان آوردند و کسی بغیر از من از ایشان نمانده است و کار من این است که گم شده را براه میرسانم با همه جا از پی صدای او رفتیم تا براه رسیدیم

فصل نهم

در بیان دعاها که در راه و در منازل باید خواند در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم در سفر با سر اشیب میرفتند سُبْحَانَ اللهِ می گفتند و چون سر بالا میرفتند الله اکبر می گفتند و در حدیث صحیح دیگر فرمود که چون در سفر باشی بگو اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَسِيرِي عِبَرًا وَصَمْتِي تَفَكُّرًا وَكَلَامِي ذِكْرًا و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که هر که بر دو خانه پائین رود پس بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ پر کند آن دو خانه را از برای او از حسنات و در حدیث دیگر فرمود که هر که لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ بگوید در بلندیها آنچه در پیش روی اوست تا منتهای زمین همه لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ بگویند و در حدیث معتبر دیگر منقول است که دو کس آمدند بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم وگفتند ما میخواهیم برای تجارت بشام برویم حرزی تعلیم ما فرما که در راه بخوانیم فرمود که چون در منزل فرود آئید و نماز خفتن بکنید بعد از نماز پهلو را بر رخت خواب بگذارید و تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها بخوانید پس آیة الکرسی بخوانید چون چنین کنید تا صبح محفوظ میمانید چون ایشان روانه شدند جمعی از دزدان در عقب ایشان رفتند چون فرود آمدند و نماز خفتن کردند خوابیدند و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام و آیة الکرسی را خواندند پس دزدان غلام خود را فرستادند که از ایشان خبر بگیرد چون نزد ایشان آمد دو دیوار دید و از ایشان اثری نیافت چون بدزدان خبر داد ایشان نیز آمدند و همین حال را مشاهده کردند چون صبح شد نزد ایشان آمدند و پرسیدند که شما دیشب کجا بسر بردید گفتند در همین موضع گفتند ما آمدیم بتفحص شما و بغیر از دو دیوار چیزی ندیدیم شما قصه خود را نقل کنید ایشان گفتند که ما در وقت خوابیدن بتعلیم حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام و آیة الکرسی خواندیم دزدان گفتند که بروید که دزدی بر شما دست نخواهد

یافت و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که هر که در منزلی فرود آید که از درندگان ترسد این دعا
بخواند اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ
وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ سَبُعٍ چون این دعا بخواند ایمن گردد
از شر درندگان تا از آن منزل بار کند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که کسیکه خواهد که داخل شود بموضعی که خوفی داشته باشد این آیت را بخواند رَبِّ اَدْخِلْنِيْ
مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِيْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيْرًا
پس چون ببیند آن شخص یا آنچیزی را که از و بیم دارد آیت الکرسی بخواند و در حدیث دیگر
فرمود که هرگاه در سفری باشی یا بیابانی باشی و از جنیان یا غیر ایشان ترسی دست راست خود را بر سر
بگذار و باواز بلند بگو اَفَغَيْرَ دِيْنِ اللّٰهِ يَبْغُوْنَ وَلَهُ اَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ
طَوْعًا وَكَرْهًا وَاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ و در روایت دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله
علیه وآله وسلم بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که یا علی چون در منزل فرود آئی بگو
اَللّٰهُمَّ اَنْزِلْنِيْ مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَاَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِيْنَ تا آنکه نیکی آن منزل ترا روزی شود و شر آن
از تو دفع شود و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم بحضرت
امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که چون اراده داخل شدن شهری یا دهی داشته باشی چون نظرت
بر آن افتد بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ خَيْرَهَا وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا اَللّٰهُمَّ اَطْعِمْنَا مِنْ
جَنَاهَا وَاَعِذْنَا مِنْ وَبَاهَا وَحَبِّبْنَا اِلٰى اَهْلِهَا وَحَبِّبْ صَالِحِيْ اَهْلِهَا اِلَيْنَا و در روایت دیگر
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون بر شهری مشرف شوی و نظرت بران بیفتد
بگو اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوٰتِ السَّبْعِ وَمَا اَظَلَّتْ وَرَبَّ الْاَرَضِيْنَ السَّبْعِ وَمَا اَقَلَّتْ وَرَبَّ
الرِّيَاحِ وَمَا ذَرَتْ وَرَبَّ الشَّيَاطِيْنِ وَمَا اَضَلَّتْ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ
اَسْئَلُكَ مِنْ خَيْرِ هٰذِهِ الْقَرْيَةِ وَمَا فِيْهَا وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيْهَا و در حدیث
دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که شیاطین در میان محملها و کجاوه ها بدر می آیند و
شتران را رم میدهند پس از برای دفع ایشان آیة الکرسی بخوانید و از حضرت امام موسی علیه السلام
منقول است که هر که در سفری باشد و از دزدان یا درندگان ترسد بر یال اسپش بنویسد

لا تخاف درکاً ولا تخشی تا ضرر آنها باذن الهی از و برطرف شود راوی گفت که من بسفر حج رفتم
درمیان بیابان جمعی از عربان آمدند و قافله را زدند و من میان ایشان بودم این آیه را بر یال اسپ
نوشتم پس بحق آن خداوندی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را برسالت فرستاده و
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را بامامت مشرف گردانیده است که حق تعالی ایشان را
از من کور گردانید و ضرری از ایشان بمن نرسید و در روایت دیگر مرویست که چون حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم بسفری میرفتند و شب می شد این دعا می خواندند
یا ارض ربی و ربک الله و اعوذ بالله من شرک و من شر ما فیک و سوء ما یدب
علیک و اعوذ بالله من اسد و اسود و من شر الحیة و العقرب و من شر ساکن البلد
و من والد و ما ولد اللهم رب السموات السبع و ما اظللن و رب الارضین السبع
و ما اقللن و رب الریاح و ما ذرین و رب الشیاطین و ما اضللن اسئلک ان تصلی
علی محمد و آل محمد و اسئلک خیر هذه اللیلة و خیر هذا الیوم و خیر هذا الشهر
و خیر هذه السنة و خیر هذا البلد و اهله و خیر هذه القریة و اهلها و خیر
ما فیها و اعوذ بالله من شرها و شر ما فیها و من شر کل دابة ربی آخذ بناصیتها
ان ربی علی صراط مستقیم و سید ابن طاوس علیه الرحمه روایت کرده است که هرگاه
کسی بر تلی یا بلندی بالا رود بگوید الله اکبر و الله اکبر و الله اکبر و لا اله الا الله و الله
اکبر و الحمد لله رب العالمین اللهم لک الشرف علی کل شرف و در ادعیه نیز منقول است
که هر که در راه از دشمنان و دزدان ترسد این دعا بخواند یا آخذاً بنواصی خلقه و السابق بها
الی قدرته و المنفذ فیها حکمه و خالقها و جاعل قضائه لها غالباً انی مکیده
لضعفی و لقوتک علی من کادنی تعرضت فان حلت بینی و بینهم فذلک ما ارجو
و ان اسلمتنی الیهم غیروا ما بی نعمتک یا خیر المنعمین لا تجعل احداً مغیراً نعمک
التی انعمت بها علی سواک و لا تغیرها انت ربی و قد تری الذی نزل بی فحل
بینی و بین شرهم بحق ما به تستجیب الدعاء یا الله رب العالمین و از برای
دفع دشمنان از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست این دعا بخواند اللهم انی

اَعُوذُ بِكَ اَنْ اَنَامَ فِي سُلْطَانِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ اَنْ اَضِلَّ فِي هُدَاكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ اَنْ اَفْتَقِرَ
فِي عِبَادِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ اَنْ اُضَيَّعَ فِي سَلَامَتِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ اَنْ اُغْلَبَ وَالْاَمْرُ لَكَ
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون غولان بشما ظاهر شوند در راه اذان نماز گوئید
و سید ابن طاوس علیه الرحمه روایت کرده است که چون در منزلی فرود آئید بگوئید اَللّٰهُمَّ
اَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَاَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ پس دو رکعت نماز بگذار و بسوره حمد و هر سوره
که خواهد از سورهای کوچک پس بگوید اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا خَيْرَ هٰذِهِ الْبُقْعَةِ وَاَعِذْنَا مِنْ
شَرِّهَا اَللّٰهُمَّ اَطْعِمْنَا مِنْ جَنَاهَا وَاَعِذْنَا مِنْ وَبَاهَا وَحَبِّبْ صَالِحِي اَهْلِهَا اِلَيْنَا پس بگوید
اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
وَاَنَّ عَلِيًّا اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْاَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ اَئِمَّةٌ اَتَوَلَّاهُمْ وَاَتَبَرَّءُ مِنْ اَعْدَائِهِمْ
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ خَيْرَ هٰذِهِ الْبُقْعَةِ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ اَوَّلَ
دُخُولِنَا هٰذَا صَلَاحًا وَاَوْسَطَهُ فَلَاحًا وَاٰخِرَهُ نَجَاحًا و گفته است که هرگاه در منزل خود
از جانوران زمین ترسی این دعا بخوان که از جمله دعاهای سر است يَا ذَارِئَ مَنْ فِي الْاَرْضِ
كُلِّهَا لِعِلْمِكَ بِمَا يَكُونُ مِمَّا ذَرَاْتَ لَكَ السُّلْطَانُ عَلٰى كُلِّ مَنْ دُونَكَ اِنِّي اَعُوذُ
بِقُدْرَتِكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ وَمِنَ الضُّرِّ فِي بَدَنِي مِنْ سَبُعٍ اَوْ هَامَّةٍ اَوْ عَارِضٍ مِنْ سَائِرِ
الدَّوَابِّ يَا خَالِقَهَا بِفِطْرَتِهِ اِدْرَاْهَا عَنِّي وَاحْجُزْهَا وَلَا تُسَلِّطْهَا عَلَيَّ وَعَافِنِي مِنْ شَرِّهَا
وَبَاْسِهَا يَا اللّٰهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ احْفَظْنِي بِحِفْظِكَ وَاَجِرْنِي بِسِتْرِكَ الْوَاقِي فِي مَخَافَتِي يَا رَحِيمُ
و شیخ طبرسی رحمه الله ذکر کرده است که چون خواهی بار کنی دو رکعت نماز بگذار و از خدا
بطلب حفظ و حمایت الهی را و آن موضع و اهل آن موضع را وداع کن که هر موضع را اهلی از ملائکه
هست پس بگو اَلسَّلَامُ عَلٰى مَلَائِكَةِ اللّٰهِ الْحَافِظِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلٰى عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِينَ
وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ فصل دوم در آداب سفر دریا و گذشتن از نهرها و جسرها در حدیث
صحیح از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلوات الله علیهما منقولست که مکروه است
بدریا سوار شدن از برای تجارت و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که نیکو
طلب روزی نکرده است کسیکه بدریا سوار شود برای تجارت و در حدیث صحیح از حضرت

امام محمد باقر علیه السلام منقولست که کسیکه بکشتی سوار می شود برای تجارت دین خود را در معرض تلف در آورده است و در اخبار معتبره وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نهی فرمود از سوار شدن دریا در وقت طلاطم و هیجان آن و در حدیث حسن از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چون بکشتی سوار شوی بگو بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرٖیهَا وَمُرْسٰیهَا اِنَّ رَبِّیْ لَغَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ و چون دریا بموج آید بر جانب چپ تکیه کن و بدست راست بسوی موج اشاره کن و بگو قِرِّیْ بِقَرَارِ اللّٰهِ وَاسْکُنِیْ بِسَکِیْنَةِ اللّٰهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ و در بعضی از روایات وارد شده است که در وقت اضطراب و تلاطم دریا بگو بِسْمِ اللّٰهِ اُسْکُنْ بِسَکِیْنَةِ اللّٰهِ وَقِرِّیْ بِقَرَارِ اللّٰهِ وَاهْدَاِیْ بِاِذْنِ اللّٰهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ راوی گفت که من بکرّات بکشتی سوار شدم و در وقت تلاطم امواج دریا آنچه حضرت فرموده بودند خواندم پس در ساعت ساکن شد چنانچه گویا هرگز نبوده است و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که هر که از غرق شدن ترسد بگوید بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرٖیهَا وَمُرْسٰیهَا اِنَّ رَبِّیْ لَغَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ بِسْمِ اللّٰهِ الْمَلِکِ الْحَقِّ وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهٖ وَالْاَرْضُ جَمِیْعًا قَبْضَتُهٗ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ وَالسَّمٰوٰتُ مَطْوِیّٰتٌ بِیَمِیْنِهٖ سُبْحَانَهٗ وَتَعَالٰی عَمَّا یُشْرِکُوْنَ و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که چون از غرق شدن ترسد بگوید اَللّٰهُ الَّذِیْ نَزَّلَ الْکِتَابَ بِالْحَقِّ وَهُوَ یَتَوَلَّی الصَّالِحِیْنَ وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ تا آخر آیه و در روایت دیگر منقول است که چون خواهد بکشتی سوار شود صد مرتبه الله اکبر بگوید و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و صد مرتبه بر ظالمان آل محمد لعنت کند باین نحو که اَللّٰهُمَّ الْعَنْ مَنْ ظَلَمَ اٰلَ مُحَمَّدٍ پس بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَالصَّلٰوةُ عَلٰی رَسُوْلِ اللّٰهِ وَعَلَی الصَّادِقِیْنَ مِنْ اٰلِهٖ اَللّٰهُمَّ اَحْسِنْ مَسِیْرَنَا وَعَظِّمْ اُجُوْرَنَا اَللّٰهُمَّ بِکَ انْتَشَرْنَا وَاِلَیْکَ تَوَجَّهْنَا وَبِکَ اٰمَنَّا وَبِحَبْلِکَ اعْتَصَمْنَا وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْنَا اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتُنَا وَرَجَاؤُنَا وَنَاصِرُنَا وَلَا تُحَمِّلْ بِنَا مَا لَا نُحِبُّ اَللّٰهُمَّ بِکَ نَحُلُّ وَبِکَ نَسِیْرُ اَللّٰهُمَّ خَلِّ سَبِیْلَنَا وَاَعْظِمْ عَافِیَتَنَا اَنْتَ الْخَلِیْفَةُ فِی الْاَهْلِ وَالْمَالِ وَاَنْتَ الْحَامِلُ فِی الْمَاءِ وَعَلَی الظَّهْرِ وَقَالَ ارْکَبُوْا فِیْهَا بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرٖیهَا وَمُرْسٰیهَا

إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ وَمَا قَدَرُوا اللهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعاً قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيمَةِ
وَالسَّمٰوٰتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ اللّٰهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَنْ وَفَدَ
إِلَيْهِ الرِّجَالُ وَشُدَّتْ إِلَيْهِ الرِّحَالُ فَأَنْتَ سَيِّدِي أَكْرَمُ مَزُورٍ وَأَكْرَمُ مَقْصُودٍ قَدْ
جَعَلْتَ لِكُلِّ زَائِرٍ كَرَامَةً وَلِكُلِّ وَافِدٍ تُحْفَةً فَأَسْئَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيَّايَ فَكَاكَ
رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَاشْكُرْ سَعْيِي وَارْحَمْ مَسِيرِي مِنْ أَهْلِي بِغَيْرِ مَنٍّ مِنِّي عَلَيْكَ بَلْ
لَكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ إِذَا جَعَلْتَ لِي سَبِيلاً إِلَىٰ زِيَارَةِ وَلِيِّكَ وَعَرَّفْتَنِي فَضْلَهُ وَحَفِظْتَنِي
فِي لَيْلِي وَنَهَارِي حَتَّىٰ بَلَّغْتَنِي هٰذَا الْمَكَانَ وَقَدْ رَجَوْتُكَ فَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي وَأَمَّلْتُكَ
فَلَا تُخَيِّبْ أَمَلِي وَاجْعَلْ مَسِيرِي هٰذَا كَفَّارَةً لِذُنُوبِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
سید ابن طاوس رحمه الله گفته است که اگر مطلبش از گشتن غیر از زیارت باشد
عبارات را تغییر بدهد بنحوی که مناسب مقصود او باشد و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقولست که بر بلندی هر جسری و پلی شیطانی هست چون بانجا برسید
بسم الله بگوئید تا از شما دور شود و در حدیث دیگر منقول است که چون قدم خود را بر جسری
یا بر پلی بگذاری بگو بِسْمِ اللهِ اللّٰهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ فصل یازدهم
در آداب مشایعت و استقبال مسافر و آداب برگشتن او در حدیث صحیح از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم موسی را وداع میکردند
می‌فرمودند رَحِمَكُمُ اللهُ وَزَوَّدَكُمُ التَّقْوَىٰ وَوَجَّهَكُمْ إِلَىٰ كُلِّ خَيْرٍ وَقَضَىٰ لَكُمْ كُلَّ
حَاجَةٍ وَسَلَّمَ لَكُمْ دِينَكُمْ وَدُنْيَاكُمْ وَرَدَّكُمْ سَالِمِينَ یعنی خدا شما را رحمت کند پرهیزکاری را
توشهٔ شما گرداند و شما را بسوی هر خیری متوجه گرداند و جمیع حاجات شما را برآورد و دین و دنیای
شما را سالم دارد و شما را بسلامت برگرداند بسوی جمعی که ایشان بسلامت باشند و در حدیث
معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و
آله و سلم مسافری را وداع میکردند دست او را میگرفتند و میگفتند أَحْسَنَ اللهُ
لَكَ الصَّحَابَةَ وَأَكْمَلَ لَكَ الْمَعُونَةَ وَسَهَّلَ لَكَ الْحُزُونَةَ وَقَرَّبَ لَكَ الْبَعِيدَ وَكَفَاكَ
الْمُهِمَّ وَحَفِظَ لَكَ دِينَكَ وَأَمَانَتَكَ وَخَوَاتِيمَ عَمَلِكَ وَوَجَّهَكَ لِكُلِّ خَيْرٍ

عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللّٰهِ اَسْتَوْدِعُكَ اللّٰهَ سِرْ عَلٰی بَرَکَةِ اللّٰهِ و در روایت دیگر منقول است
که در این وقت می فرمود که اَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ دِیْنَکَ وَ اَمَانَتَکَ وَ خَوَاتِیْمَ عَمَلِکَ وَ
وَجَّهَکَ لِلْخَیْرِ حَیْثُ مَا تَوَجَّهْتَ وَ زَوَّدَکَ التَّقْوٰی وَ غَفَرَ لَکَ الذُّنُوْبَ و در روایت
دیگر منقولست که جمعی از اصحاب بخدمت حضرت صادق علیه السلام رفتند که آنحضرت را
وداع کنند فرمود که اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنَا مَا اَذْنَبْنَا وَ هَا نَحْنُ مُذْنِبُوْنَ وَ ثَبِّتْنَا وَ اِیَّاهُمْ
بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِی الْاٰخِرَةِ وَ الدُّنْیَا وَ عَافِنَا وَ اِیَّاهُمْ مِنْ شَرِّ مَا قَضَیْتَ فِیْ عِبَادِکَ وَ
بِلَادِکَ فِیْ سَنَتِنَا هٰذِهِ الْمُسْتَقْبِلَةِ وَ عَجِّلْ نَصْرَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ وَلِیِّهِمْ وَ اَخْزِ عَدُوَّهُمْ
عَاجِلاً و در حدیث معتبر منقول است که مسافر را سنت است که چون از سفر برگردد برادران
مؤمن خود را الضیافت بطلبد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که چون کسی از سفر آید برای اہل خود تحفه بیاورد اگرچه سنگی باشد و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که حضرت رسول صلی اللہ علیه وآله وسلم میفرمود بکسیکه از مکه می آمد قَبِلَ اللّٰهُ
مِنْکَ وَ اَخْلَفَ عَلَیْکَ نَفَقَتَکَ وَ غَفَرَ ذَنْبَکَ و در حدیث دیگر منقول است که هرکه دست
در گردن حاجی بکند در وقتیکه با گرد راه برسد چنانست که حجر الاسود را بوسیده است
و در روایت دیگر منقول است که چون کسی از سفر برگردد سزاوار آنست که مشغول کاری نشود
تا غسل کند و دو رکعت کند و سجده رود و صد مرتبه شکر الٰہی بگوید و چون جعفر طیار از حبشه آمد حضرت رسول
صلی اللہ علیه وآله وسلم او را بسینهٔ خود چسپانید و میان دو چشمش را بوسید و اصحاب حضرت
رسول چون بیک دیگر میرسیدند مصافحه میکردند و چون یکی از ایشان از سفر می آمد دیگران
دست در گردن او میکردند و در احادیث معتبره وارد شده است که مشایعت و استقبال
مؤمنان مستحب است و از برائی مشایعت و استقبال مؤمنان نماز را قصر میتوان کرد
در روزهٔ ماه مبارک رمضان را میتوان خورد فصل دوازدهم در آداب اسپ تاختن و
تیر انداختن در احادیث معتبره وارد شده است که مسابقت و گروبندی جائز نیست مگر
در اسپ و استر و الاغ و شتر و فیل و در تیراندازی و در احادیث معتبره وارد شده است
که حضرت رسول صلی اللہ علیه وآله وسلم اسپ را بگرو تاختند و گرو را بر چند اوقیه نقره بستند

که هر اوقیه تخمیناً بیست و یک مثقال نقره باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقولست که سواری بکنید و تیراندازی کردن را دوست تر میدارم از سواری کردن و فرمود
که هر لهو و بازی که مؤمن کند باطل است مگر در سه چیز در تادیب و تعلیم اسپ کردن و تیرانداختن
و با زن خود بازی کردن که اینها حق است و بدرستیکه یک تیر که در راه خدا بیندازد حقتعالی
سه کس را می آمرزد آن کسیکه آن تیر را ساخته است و آن کسیکه آن تیر را بجهاد کننده بخشیده
است و آن کسی که آن تیر را بجهاد انداخته است و در حدیث معتبر منقول است که ملائکه میگریزند
در هنگام گروبندی و لعنت می کنند کسی را که این کار میکند مگر در شتر و فیل دوانیدن
یا اسپ و استر و الاغ دوانیدن و تیراندازی یا شمشیر و نیزه بازی و بدانکه گرو دوانیدن در اسپ
و استر و الاغ و شتر و فیل جائز است و گرو بستن بر کبوتر پرانی که کدام یک دورتر بروند
یا بر کشتی راندن که دو کشتی را بر روی آب بدوانند یا آنکه دو کس گرو به بندند که بدوند که کدام
یک پیشتر بروند یا در کشتی گرفتن که کدام یک دیگری را بر زمین بزنند یا در برداشتن
چیزهائی گران جائز نیست اما آنکه گرو به بندند خلاف است و جائز بودن اینها قوی تر است
خصوصاً در کشتی گرفتن که بعضی از احادیث دلالت بر جواز میکند چنانچه در حدیث معتبر منقول
است که شبی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بخانه حضرت فاطمه علیها السلام آمدند و
حضرت امام حسن و حضرت امام حسین صلوات الله علیهما با آنحضرت بودند پس حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم با آن دو نور دیده خود فرمودند که برخیزید و با یکدیگر کشتی بگیرید پس
ایشان مشغول کشتی گرفتن شدند و حضرت فاطمه علیها السلام پی کاری بیرون رفتند
چون برگشتند شنیدند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم میفرمایند که ای حسن بگیر حسین را
و بر زمین انداز حضرت فاطمه علیها السلام فرمود که ای پدر چه عجب است که بزرگتر را ترغیب
می فرمائی که کوچک را بر زمین افگند حضرت فرمود که ای دختر اینک جبرئیل میگوید که ای
حسین حسن را بر زمین انداز و من هم برابر او چنین میگویم و در فقه الرضا منقول است که
زنهار چوگان بازی مکن که در آنحال شیطان با تو می تازد و فرشتگان از تو نفرت
میکنند و اگر کسی در آنحال چهارپایش بسر در آید و او بمیرد بجهنم میرود و بدانکه در گرو بستن

مطلقاً شرط است که آنمالی را که قرار می کنند برای کسی قرار کنند که پیشی گیرد پس اگر
از برائی آنکسی قرار کنند که پس مانده است جائز نیست و هم چنین اگر از برائی کسی قرار کنند
که با ایشان در عمل شریک نباشد جائز نیست چنانچه متعارف است که دو کس با یک دیگر
گرو می بندند و دو کس تیری اندازند یا اسپ می تازند و اگر امام از بیت المال مسلمانان
قرار کند که هر که بیشتر میبرد و یا بیشتر میزند این قدر میدهم جائز است و هم چنین اگر کسی
مالی بدر آورد و بگوید که این مال از کسی است که بیشتر میبرد ازین دو کس که میتازند جائز
است و هم چنین جائز است که آن دو کس که اسپ میتازند هر یک مالی بدر آورند و بگویند
که این هر دو مال از انست که بیشتر برده و مشروط است گرو دوانیدن موافق مشهور میان
علما بچند شرط اول آنکه تعیین کنند ابتدا و انتهائی مسافتی را که دران میتازند که اسپ
هر یک که درین مسافت پیشی گیرد او برده است دوم آنکه مالی را که گرو بر آن مال می بندند
مقدار و جنس آن معلوم باشد که چند است و از چه جنس است نقره است یا طلا یا غیر آن
سیوم آنکه حیوانی را که بران هر یک سوار میشوند معین کنند بدیدن و بعضی را اعتقاد آنست
که اگر تعیین آن باوصاف بکنند جائز است چهارم آنکه هر یک از انها محتمل باشد
بحسب عادت که بر دیگری پیشی گیرد پس اگر حیوان بسیار کم راه لاغری را بتازند با حیوان
بسیار تند رو فربهی که معلوم باشد عادت که بران پیشی نمیتواند گرفت جائز نیست پنجم
آنکه دو حیوان که می تازند از یک جنس باشند که هر دو اسپ باشند یا استر پس اگر اسپ را با
استر یا الاغ یا شتر یا فیل بتازند جائز نیست که درین شرط خلاف است و نزد فقیر
ثابت نیست ششم آنکه هر دو را یک مرتبه بتازند پس اگر شرط کنند که یکی زودتر از دیگری
بتازد جائز نیست مشهور میان علماء هفتم آنکه سوار شوند و بدوانند اگر اسپها را بی
آنکه سوار شوند بدوانند جائز نیست براین گرو بستن هشتم آنکه مسافتی تعیین کنند
که پیش از رسیدن بمنتهای آن مسافت آن چهار پایان مانده نشوند نهم آنکه آنها که باهم
میتازند مردان باشند نه زنان دهم آنکه هر دو در وقت تاختن برابر یک دیگر ایستاده
باشند و درین شرط خلاف است و اظهر آنست که اگر یکی پیشتر از دیگری ایستاده باشد

جائز است وده اسپ را که با یک دیگر بتازند در میان عرب هر یک نامی دارد وآن که از همه پیشتر رود آنرا مجلی میگویند وآنکه ازان پس مانده است و بر دیگران پیشی گرفته است آنرا مصلی میگویند و بعد ازانرا تالی میگویند و بعد ازانرا بارع میگویند و بعد ازانرا مرتاح میگویند و بعد ازانرا حظی میگویند و بعد ازانرا عاطف میگویند و بعد ازانرا موتل میگویند و بعد ازانرا لطیم میگویند و دهم را سکل میگویند که از همه پس مانده است و از برائی همه جائز است چیزی قرار دهند بغیر از آخر پس اگر این ده اسپ همه یک بار با آخر میدان برسند از برائی هیچ یک چیزی نخواهد بود و بدانکه گرو بر شمشیر و نیزه و تیر جائز است و در تیر انداختن چند چیز شرط است بحسب مشهور میان علما اوّل آنکه تعیین کنند که چند تیر که بزند برده است دوّم آنکه تعیین کنند که این چند تیر را در میان چند تیر بزند سوّم آنکه تعیین کنند که چه نحو بخورد بنشانه یکی ازانها که بعد از این بیان خواهم کرد چهارم آنکه تعیین کنند که از نشانه چه مقدار دور باشند پنجم آنکه تعیین کنند بزرگی نشانه را و موضع آنرا از اماج نشانه ششم آنکه کمان هر دو تیر هر دو یک جنس باشد و درین شرط خلاف کرده اند و اقوی آنست که شرط نیست اما اتفاقی است که درکار نیست که کمان و تیر معینی اشتراط کنند بلکه بعض گفته اند که اگر شرط تعیین بکنند باطل است هفتم آنکه یا بمبادره باشد یا بمحاطه و مبادره آنست که شرط کنند که هر که در عرض بیست تیر پنج تیر را مثلا پیشتر بزند برده است پس اگر هر یک ده تیر انداختند و یکی از ده تا پنج را زد بر نشانه و دیگری چهار تا را زد آنکه پنج زد برده است و اگر هر یک پنج تیر زدند هیچ یک از دیگری نبرده است و محاطه آنست که شرط کنند که در عرض بیست تیر مثلا آنچه زده اند از کم هم بدر روند اگر یکی پنج تیر مثلا بیشتر از دیگری زده باشد او برده است پس اگر هر یک بیست تیر بیندازند یکی پانزده تیر را بر نشانه زده باشد و یکی ده تیر را زده باشد آنکه پانزده زده است برده است و اگر یکی چهارده تیر را زد و دیگری ده تیر هیچیک نبرده اند و احوط آنست که در اوّل یکی ازین دو صورت تعیین کنند تا بی خلاف صحیح باشد و باید دانست که زدن نشانه بچند قسم میباشد اوّل جائی یعنی در اول بر زمین خورد و از زمین بجهد و بر نشانه خورد دوّم حاضر یعنی بر یکی از دو جانب نشانه متصل باشد سوّم خارق که نشانه را زخم کند و در آن فرو نرود چهارم خاسق که نشانه را سوراخ کند

و بند شود پنجم مارق که بر نشانه بخورد و از طرف دیگر بدر رود ششم خارم که پهلوی نشانه را
بدرد و در میان نشانه فرو نرود پس باید که در اول شرط کنند که بکدام نحو که بزند برده است
و اگر شرط کنند که اگر بر پهلوی نشان بزند برده باشد و اگر بر میان نشانه بزند باز برده است و اگر شرط کنند
که بر نشانه فرو رود و چنان بزند که از جانب دیگر بدر رود برده است دهم چنین هر که پست تر شرط کند و نیکو تر بزند
برده است و اگر نیکو تر شرط کند و پست تر بزند نبرده است و باید دانست که در تیر اندازی و
گرو دوانی محلل میباشد یعنی کسیکه با ایشان شریک میشود که اگر ببرد حصه بگیرد و اگر ببازد
چیزی ندهد و بهتر آنست که اگر هر دو مال بیرون آورند برای گرو بندی چنین کسی را با خود شریک
کنند و احوط آنست که در اول صیغه بگویند که یکی از آنها این عقد را با این شرطها که
مذکور شد بلفظ در آورد و دیگری قبول کند و سنت آنست که در هنگام تیر انداختن و
اسپ تاختن غرض ایشان محض لهو نباشد بلکه مطلب ایشان ورزش جهاد در راه خدا و تقویت
دین و ایمان و حمایت شیعیان از شر مخالفان بوده باشد تا ثواب عظیم بیابند و در حدیث
معتبر منقولست که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم اصحاب خود فرموده اند
که اسپ تاخته اند و آنچه بران گرو بسته اند از مال خود میدادند و در روایت دیگر منقولست
که بر صد و پنجاه و چهار مثقال نقره گرو بستند و چون از جنگ تبوک برگشتند با اسامه
بن زید شتر گرو دوانیدند و جناب مقدس نبوی صلوات الله علیه و آله و سلم از لعب و بازی
منزه و مبرا بودند بلکه از برائی تقویت دین اسلام و تحریص مردم بر جهاد فی سبیل الله بود
تا کافران بر مسلمانان و مخالفان بر شیعیان مستولی نشوند و جان و مال و عرض مردم از شر
اشرار محفوظ باشد و جهادی که در زمان غیبت امام علیه السلام میباشد آن است که دفع
ضرر کافران و مخالفان از شیعیان بکنند و اگر جمعی از مخالفان با کافران بر سر گروهی از
شیعیان بیایند بر آن جماعت واجب است که جهاد بکنند در دفع آنها و اگر کشته شوند
شهیدند اگر آنها حاضر باشند بر جمیع مؤمنان واجب است که مدد ایشان بکنند و در دفع
آن کافران بکوشند و در احادیث معتبره وارد شده است که کسیکه برائی دفع از عرض خود
یا مال خود کشته شود شهید است و در حدیث معتبر از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله

منقول است که تمام خیرات در شمشیر و زیر سایه شمشیر است و شمشیر اهل حق کلید بهشت است و شمشیر
اهل باطل کلید جهنم است و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که بهشت را دری است
که آنرا درگاه جهادکنندگان میگویند آنها که در راه خدا جهاد کرده اند بسوی آن در میروند و می بینند
که برای ایشان گشوده اند و ملائکه ایشان را مرحبا میگویند و فرمود که حقتعالی آنحضرت را عزیز گردانیده است
بسم اسپان ایشان و سنان نیزه های ایشان و فرمود که جبرئیل مرا خبر داد که هر که از امت تو
در راه خدا جهاد کند و یک قطره باران یا درد سر باو برسد ثواب شهادت در نامه عملش نوشته
شود و در حدیث معتبر منقول است که لشکر معاویه علیه اللعنة والعذاب الشدید در زمان حضرت
امیرالمومنین صلوات الله علیه وآله بر انبار که محلی است در حوالی کوفه غارت کردند آنحضرت
خطبه خواندند که بعضی از فقرات خطبه ترجمه می شود بدرستیکه جهاد کردن از برای خدا دریست
از درهای بهشت که حقتعالی برای مخصوصان و دوستانش گشوده است و نعمتی است که برای
ایشان ذخیره گردانیده است و جهاد زره حفظ نماینده خدا و سپر محکم الهی است پس هر که ترک
کند جهاد را با قدرت بران حقتعالی بر وجامه مذلت و خواری بپوشاند و بلا او را فرا گیرد
خشنودی از و دوری کند و در دیدها حقیر و بیقدار شود و در راه اندیشه بر دلش بسته شود و مغلوب
حق گردد باد بانصاف و عدالت سلوک نکنند بدرستیکه من شمارا اکثر خوانده ام بجهاد ملک
گروه در شب و روز آشکار و پنهان و گفتم که با ایشان جهاد کنید پیش از آنکه ایشان بجنگ شما
آیند قبول نکرده اید والله که گروهی که در میان دیار و مملکت ایشان با ایشان جنگ کنند
البته ایشان ذلیل و خوار و بیقدار می شوند در نظرها پس سستی ورزیدید و بیکدیگر حواله کردید
تا آنکه غارتها بر شما آوردند و وطنهای شما را مالک شدند اینک سردار معویه لشکرش بانبار آمده
و حسان را کشته و حرمهای لشکری شما را گرفتند و شنیده ام که شخصی از ایشان بخانه زن مسلمانی
یا کافری که جزیه میدهد می آمد و دست برنج و خلخال و زر این او را میکنده است و او چاره بجز
تضرع و عجز کردن و انا لله وانا الیه راجعون گفتن نداشته است پس برگشته اند آن طاغیان
با مال فراوان و هیچیک از ایشان جراحتی برنداشته و خونی از ایشان بر زمین نریخته است
پس اگر مرد مسلمانی بعد از چنین مصیبتی بمیرد از حزن و تاسف محل ملامت نخواهد بود بلکه نزد من

پسندیده خواهد بود پس بسی تعجب دارم که دلها را میمیراند و غمها را جمع میکند اجمعیت آن جماعت بر دین باطل خود و پراکندگی شما از دین حق خود پس بدا حال شما واندوه مهیا از برای شما که نشانهٔ تیر دشمنان گردیده اید بر شما غارت می آورند و شما بر ایشان غارت نمی برید و بجنگ شما می آیند و شما بجنگ ایشان نمیروید و این قسم نافرمانی خدا می کنند و شما راضی نمی شوید اگر در تابستان میگویم بجنگ بروید میگوئید که چنین شدت گرماست ما را مهلت ده تا گرما کم شود و اگر در زمستان میگویم که بروید میگوئید چنین شدت سرماست ما را مهلت ده تا سرما برطرف شود هرگاه شما از سرما میگریزید از شمشیر بیشتر خواهید گریخت ای مردنماها چند که مثل عقلهای طفلان و زنان دارید کاش شما را هرگز ندیده بودم و شما را نمی شناختم دلم را پر از چرک و سینه ام را پر از خشم گردید و بسکه نافرمانی کردید رائی مرا ضایع کردید قریش میگویند که پسر ابوطالب شجاع است اما علم جنگ را نمیداند که از من داناتر است بجنگ و که از من بیشتر جنگ کرده است هنوز بیست سال نداشتم که شروع بجهاد کردم و اکنون از شصت سال گذشتم اما کسی را که فرمان نبرند چه رائی بکار برد و در حدیث دیگر فرمود که حقتعالی جهاد را واجب ساخته و عظیم شمرده و آنرا موجب نصرت و یاری گردانیده والله که دین و دنیا باصلاح نمی آید مگر بجهاد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که هر که جهاد کننده را با الحش برساند چنان است که بنده آزاد کرده باشد و در ثواب جهاد شریک باشد و در حدیث دیگر فرمود که جهاد کنید که باعث عزت و بزرگواری فرزندان شما می شود **خاتمه** در بیان بعضی از آداب متفرقه و فوائد نافعه از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بسیار است که بعضی از شیعیان ما در افتتاح بعضی از کارها فراموش می کنند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم را پس حقتعالی ایشان را امتحان مینماید ببلائی تا متنبه شوند و بیاد آورند شکر الهی را و ثنائی او را و حقتعالی بسبب آن بلا محو می نماید از ایشان منقصت آن تقصیر را که از ایشان صادر شده است پس باید که آدمی در ابتدائی هر کاری افتتاح نماید بگفتن بسم الله و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون حقتعالی حضرت آدم را نهی فرمود از خوردن میوهٔ درخت بهشت گفت بلی پروردگارا و نگفت انشاء الله تعالی پس از آن درخت خورد و از بهشت بیرون آمد پس

حقتعالی فرمود بپیغمبرش اکرم وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ
وَاذْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ پس فرمود یعنی مگو چیزی را که این را میکنم فردا مگر آنکه مقید بمشیت الهی
گردانی که بگوئی مگر آنکه خدا خواهد که بکنم و یاد کن پروردگار خود را هرگاه که فراموش کنی یعنی هرگاه
که گفتن انشاء الله را فراموش کنی در هر وقت که بخاطرت بیاید بگو اگرچه بعد از یک سال باشد
و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی بن جعفر صلوات الله علیهما منقولست که نه چیز است که
گردن آنها موروث علت فراموشی است خوردن سیب ترش و گشنیز و پنیر و نیم خورده موش و بول
کردن در آب ایستاده و خواندن نوشته قبرها و راه رفتن در میان دو زن و شپش را زنده انداختن
و حجامت کردن در گودی گردن و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که
سه چیز است که حافظه را زیاده میکند مسواک کردن و روزه داشتن و قرآن خواندن و در حدیث
معتبر منقولست که روزی آنحضرت غمگین شدند فرمودند که نمیدانم بچه سبب غمگین شدم بر عتبه
نشستم و میان گله گوسفندان نگذشتم و زیر جامه را ایستاده نپوشیدم و دست و رو را
بدامن جامه پاک نکردم و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ده چیز است که اندوه را
برطرف میکند راه رفتن و سوار شدن و سر در آب فرو بردن و بسبزه نظر کردن و خوردن
و آشامیدن و جماع کردن و مسواک کردن و سر شستن با خطمی و نظر بر روی زن مقبول کردن
و با مردان سخن گفتن و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که چند چیز است
که باعث پریشانی می شوند و چند چیز است که باعث توانگری میشوند اما آنها که باعث پریشانی
و فقر می شوند تار عنکبوت را در خانه گذاشتن و در حمام بول کردن و در حالت جنابت چیزی
خوردن و با چوب گز خلال کردن و ایستاده شانه کردن و خاکروبه را در خانه گذاشتن و قسم
دروغ خوردن و زنا کردن و اظهار حرص کردن و خواب کردن در میان نماز شام و خفتن و
خواب کردن بعد از صبح پیش از طلوع آفتاب و دروغ بسیار گفتن و غنا خواندن و شنیدن
و مردی را که در شب سوال کند چیزی ندادن و خرج را زیاده از اندازه کردن و با خویشان
بدی کردن اما آنها که موجب توانگری و زیادتی مال می شوند نماز پیشین و پسین را و نماز شام و
خفتن را با یک دیگر کردن و بعد از نماز صبح و بعد از نماز عصر تعقیب خواندن و با خویشان نیکی

واحسان کردن وساحت خانه را جاروب کردن ومال خود را با برادران مؤمن قسمت کردن
و بامداد بطلب روزی رفتن واستغفار بسیار کردن وخیانت در مال مردم نکردن وسخن حق
ودرست گفتن وآنچه مؤذن در اذان گوید از پی او گفتن ودر بیت الخلا سخن نگفتن وحرص
وطلب دنیا نداشتن وشکر کسیکه نعمتی بر اینکس داشته باشد کردن واز قسم دروغ اجتناب
کردن وپیش از طعام دست شستن وریزها که در سفره ریزد خوردن وهر که هر روز سی مرتبه
سبحان الله بگوید حقتعالی هفتاد نوع بلا را از و دور گرداند که کمتر آنها پریشانی باشد ودر حدیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در مدح ما اهل بیت صلوات الله علیهم
اجمعین یک بیتی از شعر بگوید حق تعالی برائی او خانه در بهشت بنا کند ودر حدیث دیگر فرمود
که هر که در مدح ما بیتی از شعر بگوید موید بروح القدس گردد ودر حدیث دیگر از حضرت امام
رضا علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که یک بیت شعر در مدح ما اهل بیت بگوید حق تعالی
برائی او در بهشت شهری بنا کند بزرگتر از هفت برابر دنیا وچون در آن شهر در آید هر ملک
مقرب وهر پیغمبر مرسلی بدیدن او بیایند ودر حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله
وسلم منقولست که شکم کسی که پر از چرک وریم باشد بهتر است از آنکه پر از شعر باشد ودر حدیث
معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نهی فرمود از چیزی خوردن در حال
جنابت وفرمود که مورث پریشانی است ونهی فرمود از گرفتن ناخن بدندان واز مسواک
کردن در حمام واز آب بینی انداختن در مساجد واز خوردن نیم خورده موش فرمود که مسجدها
را راه مکنید که از دری در آئید واز در دیگر بدر روید مگر آنکه دو رکعت نماز بگذارید ونهی کرد
از آنکه بول کنند در زیر درخت میوه دار یا در میان راه ونهی فرمود از آنکه بدست چپ یا بر
پهلو تکیه کرده چیزی بخورند ونهی فرمود از گچ مالیدن قبرها ونماز کردن در قبرستان و
فرمود که هر که در فضائی غسل کند با خبر باشد که عورتش گشوده نشود ونهی فرمود از آب
خوردن از پیش دسته کوزه که در آنجا چرک جمع می شود ونهی فرمود از بول کردن در آب
ایستاده که باعث بر طرف شدن عقل می شود ونهی فرمود از آنکه کسی با یک پای نعل
راه رود یا ایستاده نعل بپوشد ونهی فرمود از آنکه کسی بول کند ودر حش محاذی آفتاب

یا مهتاب باشد و نهی فرمود که چون داخل بیت الخلا شود اجتناب کند از نشستن رو بقبله
و پشت بقبله و نهی فرمود از گریه بلند و نوحه بلند کردن در مصیبت و نهی فرمود از رفتن زنان
از پی جنازه و نهی فرمود از انکه محو کنند چیزی از قرآنرا با آب دهان یا آنکه چیزی از قرآن را
باب دهان بنویسند و نهی فرمود از خواب دروغ بستن و فرمود که هر که چنین کند حقتعالی
او را تکلیف میکند که بر جو گره بزند و او نتواند کرد و باین سبب معذب باشد و نهی فرمود از ساختن
صورتها و فرمود که هر که صورتی بسازد حقتعالی او را در قیامت تکلیف کند که جان در آن صورت
بدمد و نتواند و نهی فرمود از انکه حیوانی را بآتش بسوزانند و نهی فرمود از دشنام دادن خروس
زیرا که از برای نماز بیدار میکند و نهی فرمود از انکه مؤمنی خواهد که چیزی بفروشد و یا بخرد
و دیگری بیاید و بگوید که من متاع بهتر دارم از من بخر یا من این متاع را بیشتر میخرم و نهی
فرمود از بسیار سخن گفتن در وقت جماع و فرمود که از این سبب لال بودن فرزند و فرمود
که خاکروبه را شب در خانه مگذارید و روز بیرون برید که شیطان در ان جا میکند و نهی
فرمود از انکه در شب کسی بخوابد با دست آلوده بطعام پس اگر چنین کند و شیطان او را دیوانه
کند ملامت نکند مگر خود را و نهی فرمود از انکه کسی استنجا کند بسرگین و استخوان و نهی فرمود
از انکه زن بی رخصت شوهر از خانه بیرون رود پس اگر برود لعنت کنند او را ملائکه آسمانها
و هر که برو گذرد از جنیان و آدمیان تا بخانه برگردد و نهی فرمود از انکه زن برای غیر شوهر
خود زینت کند پس اگر بکند بر خدا لازم است که او را بآتش بسوزاند و نهی فرمود از انکه زن
نزد غیر شوهر خود و محرمانش زیاده از پنج کلمه ضروری سخن بگوید و نهی فرمود از انکه زنی
در پهلوی زن دیگر بخوابد و جامه در میان ایشان حائل نباشد و نهی فرمود از انکه زنی
با زن دیگر نقل کند انچه در خلوت میان او و شوهرش گذشته باشد و نهی فرمود از انکه کسی
با زن خود رو بقبله جماع کند و نهی کرد از انکه در میان راه با زن خود جماع کند پس اگر چنین کند
خدا و ملائکه و همه مردمان برو لعنت کنند و نهی فرمود از انکه بروند نزد جماعتی که خبرها از آینده
میگویند مانند منجمان و کاهنان و رمالان و صوفیان کذاب هر که نزد ایشان رود و تصدیق
کند ایشانرا پس او بیزار شده است از چیزهائی که بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم

نازل شده است و نهی فرمود از بازی کردن بنرد و شطرنج و طبل و تنبک و طنبور و عود
و نهی فرمود از غیبت کردن و گوش دادن بآن و از سخن چینی و گوش دادن بآن و فرمود
که سخن چین داخل بهشت نمی شود و نهی فرمود از رفتن بضیافت فاسقان و نهی فرمود از
قسم دروغ خوردن و فرمود که اهل خانه را از خانه بدر می اندازد و فرمود که هر که قسم دروغی بخورد
برای آنکه مال مسلمانی را ببرد خدا در قیامت با او در غضب باشد مگر آنکه توبه کند و مال آن شخص را
پس دهد و نهی فرمود از نشستن بر سر خوانی که در آن شراب خورند و نهی فرمود از آنکه کسی زن
خود را بحمام فرستد یعنی در بلادی که احتیاج بحمام نباشد و نهی فرمود از داخل شدن بحمام بی
لنگ و نهی فرمود از طپانچه بر رو زدن در وقت مصیبت و نهی فرمود از سخنی گفتن
که آدمی را از یاد خدا غافل گرداند و نهی فرمود از آشامیدن در ظرف طلا و نقره و نهی فرمود
از پوشیدن حریر و دیبا و نگینه مردان اما زنان را باکی نیست و نهی فرمود از فروختن خرما در
درخت پیش از آنکه سرخ یا زرد شود و نهی فرمود از آنکه رطب را در درخت بخرما بفروشند
و انگور را در درخت بمویز بفروشند و نهی فرمود از فروختن آلت نرد یا شطرنج و نهی فرمود
از خریدن و خورانیدن شراب و فرمود که حقتعالی لعنت کرده است شراب و آنرا که درخت انگور را
بقصد شراب بکارد و آنکه انگور را برای شراب می فشارد و آنکه میخورد و آنکه ساقی می شود
و آنکه میفروشد و آنکه میخرد و آنکه قیمتش را میخورد و آنکه بر میدارد و آنکه از برای او می برند
و همه ملعونند و فرمود که هر که شراب بخورد تا چهل روز نمازش مقبول نیست و اگر بمیرد و در
شکمش چیزی از شراب باشد بر خدا لازم است که بخوراند باو از آنچه از فرج زناکاران از
چرک و ریم بیرون آمده و سالها در دیگهای جهنم جوشیده است پس چون بخورد بگدازد احشا
و امعا و پوست ایشان را و نهی فرمود از خوردن سود و از شهادت ناحق دادن و از نوشتن
کاغذ سود و لعنت کرده است خدا گیرنده سود و دهنده سود و نویسنده سود و گواه سود
را و نهی فرمود از مصافحه کردن با کافران اهل ذمه و نهی کرد از خواندن شعر در مسجد و برای
گم شده فریاد کردن در مسجد و نهی فرمود از آنکه در مسجد شمشیر برهنه کنند و از آنکه چیزی بر روی
جانوران بزنند و نهی فرمود از آنکه کسی بعورت مسلمانی نظر کند و فرمود که هر که دانسته بعورت

مسلمانی

نظر کند هفتاد هزار ملک او را لعنت کنند و نهی فرمود از آنکه زنی بعورت زنی نظر کند
و نهی فرمود از آنکه بدمند در طعام یا در آب یا در موضع سجده و نهی فرمود از نماز کردن در قبرستان
و در میان راه و در آسیا و در رودخانه و در جائی که آنجا شتران را بندند و بر بام کعبه
معظمه و نهی فرمود از کشتن مگس عسل و از داغ کردن بر روی چارپایان و نهی فرمود از
آنکه کسی که بغیر از خدا قسم بخورد و فرمود که هر که بغیر از خدا قسم بخورد از رحمت خدا بری شده است و نهی
فرمود از قسم خوردن بسوره قرآن و فرمود که هر که بسوره قرآن قسم یاد کند بهر آیه یک کفاره بر ذمه او
است خواه راست قسم خورده باشد خواه دروغ و علما حمل بر استحباب کرده اند و نهی فرمود از آنکه کسی قسم بخورد بجان
تو یا بجان فلان و نهی فرمود از آنکه کسی جنب در مسجد بنشیند و نهی فرمود از برهنه شدن در
شب و روز و نهی فرمود از حجامت کردن در روز چهارشنبه و روز جمعه و نهی فرمود
از سخن گفتن در روز جمعه در هنگامی که پیش نماز خطبه خواند پس اگر چنین کند او را ثواب
جمعه کامل نیست و نهی فرمود از انگشتری برنج و آهن در انگشت کردن و نهی فرمود از آنکه
صورت حیوانی در نگین نقش کنند و نهی فرمود از نماز نافله کردن نزد بر آمدن و فرو رفتن
آفتاب و در نزدیک زوال و نهی فرمود از روزه گرفتن در عید رمضان و عید قربان و سه روز
بعد از عید قربان در منی و یوم الشک بقصد ماه رمضان و نهی فرمود از آنکه بروش چارپایان
دهن در آب گذارند و بیاشامند و فرمود که با دستهای خود آب بردارید و بیاشامید که بهترین ظرفهای
شماست و نهی فرمود از آب دهن انداختن در چاهی که آب از آن بخورند و نهی فرمود از آنکه
مزدوری را بکار فرمایند پیش از آنکه مزدش را اقرار دهند و نهی فرمود از آنکه دو کس از یکدیگر
بآزردگی دوری کنند و اگر ناچار باشند زیاده از سه روز نکنند که هر که چنین کند آتش جهنم
باو اولی است و نهی فرمود از آنکه طلا را بطلا و نقره را بنقره بفروشند با زیادتی بلکه میباید
برابر یکدیگر بفروشند و نهی فرمود از مدح کردن مردم در برابر ایشان و فرمود که خاک
بپاشید بر روی مدح کنندگان و فرمود که هر که مزد مزدوری را ظلم کند و باو ندهد حق تعالی
ثواب اعمالش را حبط کند و بوی بهشت را بر او حرام گرداند و فرمود که هر که قرآن را یاد گیرد
و از روی بی اعتنائی فراموش کند در قیامت دستهایش بگردنش بسته باشند و [illegible]

بهرآیت ماری بروی مسلط گرداند مگر آنکه خدا او را بیامرزد و فرمود که هرکه قرآنرا بیاموزد پس بعد
از آن حرام بخورد و یا محبت دنیا و زینت دنیا را بر عمل کردن بقرآن اختیار کند مستوجب
غضب الٰهی گردد مگر آنکه توبه کند و اگر بی توبه بمیرد قرآن با او خصمی کند و هرکه زنا کند با زن مسلمانی
یا بزن ترسائی یا جهودی یا گبری خواه آزاد باشد آن زن خواه بنده و بی توبه بمیرد حقتعالی در قبر او
سیصد در از جهنم بگشاید که از آنها مار و عقرب و اژدها بقبرش از جهنم درآیند و او در آتش بسوزد
تا روز قیامت پس چون از قبرش مبعوث شود مردم از گند او متاذی شوند و همه کس او را
باین عمل قبیح بشناسند امر بجهنم برده شود و فرمود که هرکه در خانهٔ مؤمنی نظر کند که بر امر مستور او
مطلع شود خدا او را محشور گرداند با منافقان که عیبهای مسلمانانرا تفحص میکردند و از دنیا بیرون
نرود تا آنکه خدا او را رسوا کند مگر آنکه توبه کند و فرمود که هرکه راضی نباشد بآنچه خدا روزی او
گردانیده است و شکایت کند و از برای خدا صبر بر تنگی روزی نکند هیچ حسنه از و بالا
نرود و در قیامت خدا از و در خشم باشد مگر آنکه توبه کند و فرمود که هرکه ظلم کند بر زنی که مهر او را
ندهد او نزد خدا زناکار است و حقتعالی در قیامت با و عتاب فرماید که من کنیز خود را بعقد تو
آوردم بر مهری و پیمانی و تو وفا به پیمان من نکردی و بر کنیز من ستم کردی پس از حسنات او
او بگیرند و در عوض آن مهر بآن زن بدهند و اگر حسنه اش تمام شود او را امر کنند که بجهنم برند
و نهی فرمود از پوشیدن گواهی و فرمود که هرکس که گواهی نزد او باشد و بپوشاند حقتعالی در قیامت
در حضور خلائق گوشت بدن او را بخورد او دهد و فرمود که پیوسته جبرئیل مرا وصیت میکرد در
حق همسایگان که من گمان کردم که میراثی برای او قرار خواهد داد و مرا وصیت میکرد در
باب غلامان و کنیزان که من گمان کردم که حدی مقرر خواهد کرد که چون آن قدر خدمت کنند
آزاد شوند و وصیت میکرد مرا بمسواک تا آنکه گمان کردم که واجب خواهد کرد و وصیت
میکرد مرا بنماز شب تا آنکه گمان کردم که نیکان امت من در هیچ شب نخواهند خوابید و
فرمود که هرکه سبک شمارد مسلمان فقیری را پس حقتعالی را سبک شمرده است و حقتعالی
او را در قیامت سبک شمارد مگر آنکه توبه کند و هرکه مسلمان بیچیزی را گرامی دارد در قیامت
خدا از و خشنود باشد و هرکه گناهی دلخواه خوش آمدی او را پیش آید و از ترس خدا آنرا ترک نماید

حقتعالی جهنم برو حرام گرداند و او را از ترس بزرگ قیامت ایمن گرداند و دو بهشت که در
قرآن او را وعده فرموده باو عطا فرماید و هر که در میان دنیا و آخرت متردد شود پس دنیا را
بر آخرت اختیار کند در قیامت او را حسنه نباشد که بسبب آن از جهنم نجات یابد و هر که آخرت
را اختیار کند بر دنیا خدا از و خشنود گردد و گناهانش را بیامرزد و هر که چشمش را پر کند از نظر
کردن بسوی کسیکه برو حرام باشد دیدن او حقتعالی دیدهٔ او را در قیامت از آتش پر کند مگر
آنکه توبه کند و هر که مصافحه کند با زنی که برو حرام باشد خدا از و خشمناک گردد و هر که زنی را
بحرام در برگیرد او را با شیطانی در یک زنجیر آتش ببندند و هر دو را بجهنم اندازند و هر که
فریب دهد مسلمانی را در خرید و فروش از ما نیست و در قیامت با یهودان محشور شود و فرمود
که هر زنی که شوهر خود را بزبان آزار دهد حقتعالی هیچ حسنه او را قبول نفرماید تا او را از خود
راضی گرداند هر چند روزها بروزه باشد و شبها بنماز ایستد و بندها آزاد کند و مردان را بر اسپان
سوار کرده بجهاد فرستد و هم چنین است حال مرد اگر بر زن خود ستم کند و هر که خشمی از
کسی فرو خورد که تواند از و انتقام بکشد حقتعالی باو ثواب شهیدی کرامت فرماید و نهی
فرمود از خیانت کردن در اموال مردم و فرمود که هر که خیانت کند امانتی را در دنیا و بازش
پس ندهد تا مرگ او را دریابد بر غیر ملت من مرده باشد و حقتعالی در قیامت از و در خشم
باشد و هر که شهادت ناحقی بر احدی از مردم بدهد حقتعالی او را بزبانش درآویزد
در درک اسفل جهنم با منافقان و هر که مال خیانتی بخرد و دانسته چنان است که خود خیانت
کرده باشد و هر که حق برادر مؤمنی را حبس کند حقتعالی برکت روزی را برو حرام گرداند
مگر آنکه توبه کند و هر که گناهی را از کسی بشنود و آنرا فاش کند چنانست که خود کرده باشد
و هر که برادر مسلمانش باو محتاج شود در قرضی و قادر باشد و ندهد حقتعالی بوی بهشت را
برو حرام گرداند و هر که صبر کند از برای خدا بر کج خلقی زن خود حقتعالی ثواب شکر کنندگان
باو کرامت فرماید و هر زنی که سازگاری و مدارا با شوهر خود نکند و او را بدارد بر چیزی چند
که بر آنها قادر نباشد حقتعالی هیچ حسنه او را قبول نفرماید و در قیامت از و در خشم باشد
و هر که گرامی دارد برادر مسلمان خود را چنانست که خدا را گرامی داشته است و نهی فرمود

از آنکه کسی پیش نمازی گروهی کند که ایشان با او راضی باشند و هر که پیش نمازی گروهی برضای
ایشان کند در وقت مناسب حاضر شود و نماز را نیکو بجا آورد مثل ثواب همه آن گروه داشته باشد
بی آنکه از ثواب آنها کم شود و هر که برود بنزدیکی از خویشان خود بدیدن او یا برای آنکه مالی از برای
او ببرد حقتعالی ثواب صد شهید او را کرامت فرماید و بهر گامی چهل هزار حسنه از برای او
نوشته شود و چهل هزار گناه از او محو شود و چهل هزار درجه برای او بلند شود و چنان باشد که صد
سال از برای خدا عبادت کرده باشد و هر که از برای کوری حاجتی از حوائج دنیای او برآورد
و از برای او در آن حاجت راه رود تا آن حاجت برآورده شود حقتعالی بیزاری از نفاق و بیزاری
از آتش جهنم باو عطا فرماید و هفتاد حاجت از حاجتهای دنیا او را برآورد و پیوسته در
رحمت الهی باشد تا برگردد و هر که یک شب و یکروز بیمار باشد و بعیادت کنندگان خود شکایت
نکند حقتعالی او را با حضرت ابراهیم خلیل الله مبعوث گرداند تا آنکه بر صراط بگذرد مانند برق
لامع و هر که سعی نماید از برای بیماری در حاجتی خواه برآورده شود و خواه نشود از گناهان بیرون
آید مانند روزی که از مادر متولد شده بود پس شخصی از انصار عرض کرد که اگر آن بیمار از اهل
خانهٔ او باشد آیا ثواب بیشتر هست فرمود که بلی و فرمود که هر که از مؤمنی شدتی و غمی از غمهای
دنیا بردارد حقتعالی هفتاد و دو غم از غمهای آخرت را از او بردارد و هفتاد و دو بلا از بلاهای
دنیا را از او دفع کند که آسان تر آنها درد شکم باشد و فرمود که هر که شخصی از او حقی طلبد و قادر
بر ادای آن باشد و تاخیر کند هر روز گناه تمغاچی بر او نوشته شود و هر که احسانی بر برادر مؤمن خود
بکند و بر او منت گذارد حقتعالی عملش را حبط کند و او را ثواب ندهد و حقتعالی میفرماید که
که من بهشت را حرام کرده ام بر منت نهنده و بر بخیل و بر سخن چین و هر که تصدقی بکند بوزن
هر درهمی برای او مثل کوه احد باشد از نعیم بهشت و هر که تصدق را ببرد برای محتاجی مثل ثواب
آنکس داشته باشد که آن تصدق را داده است بی آنکه از ثواب او چیزی کم شود و هر که از ترس
خدا آب از دیدهای او جاری شود بهر قطره که از دیدهٔ او بیرون آید حقتعالی قصری در بهشت
باو عطا فرماید که مزین باشد بمروارید و سائر جواهر و در آن قصر باشد آنچه چشمی ندیده و گوشی
نشنیده و بر خاطری خطور نکرده باشد و هر که بسوی مسجد برود برای نماز جماعت بهر گامی

که بردارد هفتاد هزار حسنه از برای او نوشته شود و هفتاد هزار درجه برای او بلند شود و اگر باینحال
مرگ او را برسد حقتعالی هفتاد هزار ملک با او موکل گرداند که در قبر او را عبادت کنند و مونس
او باشند در تنهائی و از برای او طلب آمرزش کنند تا مبعوث شود و هر که اذان بگوید از برای خدا
حقتعالی باو ثواب چهل هزار شهید و چهل هزار صدیق کرامت فرماید و بشفاعت
و چهل هزار گناهکار داخل بهشت شوند بدرستیکه چون مومن مؤذن اشهد ان لا اله
الا الله میگوید بروی هفتاد هزار ملک صلوات میفرستند و از برای او استغفار می کنند و در
قیامت در سایه عرش الهی باشد تا حقتعالی از حساب خلایق فارغ شود و ثواب گفتن او اشهد
ان محمدا رسول الله ثواب چهل هزار ملک باشد و اگر در نماز جماعت محافظت نماید بر صف
اول و تکبیر اول و آزار مسلمانی نکند حقتعالی ا مثل ثواب مؤذن در دنیا و حسنات او را کرامت
فرماید فرمود که هیچ بدی را از حسنات مشمارید هر چند در نظر شما کوچک نماید و هیچ کار نیکی را بزرگ
مشمارید هر چند در نظر شما بزرگ نماید بدرستیکه گناه کبیره نمیماند با استغفار و گناه صغیره نمیباشد با اصرار بلکه چون
بر گناه صغیره اصرار کردی و توبه نکردی کبیره می شود و در حدیث دیگر منقولست که نهی فرمود
از گشتن مارها که در خانها میباشند و نهی فرمود از آنکه کسی گوش دهد بسخن جماعتی که نخواهند
که او سخن ایشانرا بشنود و اگر چنین کند در قیامت در گوشش سرب خواهند ریخت و نهی فرمود
از خندیدن در قبرستانها و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسانند
که حقتعالی در قیامت نظر رحمت بسوی ایشان نمی افکند و اعمال ایشانرا قبول نمیفرماید و
بعذاب دردناک ایشانرا معذب میگرداند مردی که دیوث باشد و کسی که فحش گوید و شنود
و پروا نکند و کسی که چیزی داشته باشد و از مردم سوال کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است
که بهشت حرام است بر هر فحش گوینده کم حیائی که پروا نکند از آنچه خود گوید و از آنچه باو گویند
چنین کسی را اگر تفتیش کنی از حال او یا ولد الزناست یا شیطان در نطفه او شریک شده است
و در حدیث معتبر دیگر فرمود که بوی بهشت از پانصد سال راه میرسد و عاق پدر و مادر و دیوث
آنرا نمی شنود پرسیدند که دیوث کیست فرمود کسیکه زنش زنا کند و او داند و تغافل کند و در
حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که زنانی که با یکدیگر مساحقه می کنند

در قیامت ایشانرا می آورند و جامهائی از آتش و مقنعها از آتش و زیر جامها از آتش بر ایشان
می پوشانند و عمودی از آتش در شکم ایشان می کشند و در جهنم می اندازند ایشانرا اول کسیکه این
عمل کرد قوم لوط بودند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که کافر اند بخدای
عظیم ده کس از امت من کشنده مردم بنا حق و جادوگر و دیوث و کسی که در دبر زن حرام جماع
کند و کسیکه با حیوانی جماع کند و کسیکه با محرمان خود جماع کند مانند مادر و خواهر و کسیکه سعی در
فتنه و فساد کند و کسی که حربه با کافران فروشد و کسیکه زکوة مال خود ندهد و کسیکه توانائے
رفتن حج داشته باشد و برو واجب شده نرود و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است
که هر که مست شود از شراب و بعد از آن تا چهل روز بمیرد نزد خدا مانند بت پرست است و در حدیث
دیگر منقولست که هر که در خانهٔ او طنبور یا عود یا چیزی دیگر از آلتهائی ساز و نرد و شطرنج چهل روز
بماند مستوجب غضب الهی گردد و اگر درین چهل روز بمیرد فاجر و فاسق مرده باشد و جائی او جهنم
باشد و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که کبوتر در خوانندگی که می کنند نفرین میکنند
بر آنها که ساز را میزنند و کنیزان خوانندگان نگاه میدارند و نی و عود مینوازند و در حدیث معتبر از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که چهل روز در خانهٔ او طنبور بنوازند حقتعالی برو مسلط
میگرداند شیطانی را که او را قفندر میگویند پس هیچ عضوی از اعضائی او نماند مگر آنکه آن شیطان
بران نشیند پس چون چنین شود حیا از و برطرف شود و پروا نکند از انچه گویند یا شنود و غیرت از و
زائل شود تا آنکه اگر داند که باز نش زنا می کنند غیرت نورزد و از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند
از تفسیر این آیهٔ کریمه فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ که ترجمهٔ لفظش
اینست که اجتناب کنید از نجس و پلید که آن بتهاست و اجتناب نمائید از گفتار باطل فرمود که
آن بتها شطرنج است و گفتار باطل غنا و خوانندگی است و نرد بدتر از شطرنج است و اما شطرنج
پس نگاهداشتن آن کفر است و بازی کردن آن شرک است و یاد دادنش بکسی گناه است اما گناه
پس هلاک کننده است و سلام کردن بر کسی که بازی کند گناه است و کسیکه دست در
بازی آن گرداند چنان است که دست در میان گوشت خوک گرداند و کسیکه نظر کند
بسوئی آن چنانست که گویا نظر کرده است بفرج مادر خود پس در اینحالت بر و حد لازم است

وکسی که نرد بازی کند بقمار مثل کسی است که گوشت خوک خورده وکسیکه بقمار و گرد بندی
بازی کند چنانست که دست درمیان گوشت وخون خوک گذاشته باشد وجائز نیست انگشتری
بازی وتخته که برروی ش ریگهامی چینند وبازی میکنند اینها وامثال آن تمام قمار است حتی
بازی کردن اطفال بگردکان وزنهار چیز مزن که شیطان باو میرود وملائکه از تو بگریزند واز
حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هرکه با پسری لواطه کند حدش آنست که یا او را باتش
بسوزانند یا دیواری بر سرش بکنند یا شمشیری باو بزنند که کشته شود وخواهر ومادر آن پسر حرام
می شوند ودر روز قیامت او را بحلق بکشند ودر کنار جهنم تا حقتعالی از حساب خلایق
فارغ شود پس او را در آتش اندازد پس در هر طبقه از طبقهائی جهنم او را عذاب کنند تا باخر طبقات
جهنم برسد ولواطه بدتر از زنا است زیرا که امتی را حقتعالی بزنا هلاک نکرد وبلواطه شهری چند را
هلاک کرد واز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که لواطه آنست که در غیر دبر با پسری
عمل کند اما اگر در دبر فرو برد پس آن کفر است بخدا واز حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم
منقولست که هرکه مصر باشد بر وطی بر پسران نمیرد تا که مبتلا شود بآنکه مردم او را تکلیف کنند که
با او این عمل قبیح بکنند واز حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حقتعالی میفرماید که بعزت
وجلال خود قسم میخورم که بر استبرق وحریر بهشت ننشیند کسی که در دبر او وطی کنند ودر حدیث
موثق منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد وگفت مرا موعظه بگو فرمود
اگر حقتعالی متکفل روزی مردم شده است پس غم خوردن تو برای چیست واگر روزی از جانب
خدا قسمت شده است پس حرص از برای چیست واگر حساب قیامت حق است پس جمع کردن
مال از برای چیست واگر آنچه در راه خدا میدهی خدا عوض میدهد پس بخل ورزیدن از برای چیست
واگر عقوبت خدا جهنم است پس نافرمانی خدا از برای چیست واگر مرگ برحق است پس شادی از
برای چیست واگر همه چیز بر خدا عرض میشود پس مکر از برای چیست واگر همه کس را بر صراط باید گذشت
پس عجب وخودستائی از برای چیست پس اگر همه چیز بقضا وقدر الهی است پس اندوه برای چیست
واگر دنیا فانی است پس دل بدنیا بستن برای چیست ودر حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله
علیه وآله وسلم منقولست که عابدترین مردم کسی است که آنچه بر او واجب گردیده است بجا آورد وسخی ترین

مردم کسی است که زکوة مال خود را بدهد و زاهدترین مردم کسی است که آنچه خدا حرام کرده است
ترک نماید و پرهیزگارترین مردم کسی است که در همه جا حق بگوید خواه برای او نفع باشد
خواه برای او ضرر داشته باشد و عادل ترین مردم کسی است که برای مردم بپسندد آنچه برای
خود پسندد و از برای مردم نخواهد آنچه از برای خود نخواهد و بزرگترین مردم کسی است که یاد مرگ بیشتر کند
و محسودترین مردم کسی است که بزیر خاک خفته باشد و از عقاب الهی ایمن شده باشد و امید ثواب خدا داشته باشد
و غافل ترین مردم کسی است که از گردیدنهای دنیا از حالی بحالی پند نگیرد و صاحب قدرترین مردم کسی است
که دنیا را نزد او قدری نباشد و داناترین مردم کسی است که علم مردم را با علم خود جمع کند و شجاع ترین مردم
کسی است که بر خواهشهای نفس خود غالب باشد و گرانترین مردم کسی است که علمش فراوان باشد و کم بهاترین
مردم کسی است که علمش کمتر باشد و کم لذت ترین مردم کسی است که رشک بمردم برد و کم راحت ترین مردم
کسی است که بخیل است و بخیل ترین مردم کسی است که بخل ورزد در چیزیکه خدا بر او واجب گردانیده است و اولای
بحق مردم کسی است که عمل بحق بیشتر کند و بیحرمت ترین مردم کسی است که فاسق است و بیوفاترین مردم پادشاه
است و کم دوست ترین مردم پادشاه است و فقیرترین مردم صاحب طمع است و بی نیازترین مردم
کسی است که اسیر حرص نباشد و کسی ایمانش بیشتر است که خلقش نیکوتر باشد و گرامی ترین مردم
پرهیزگارترین ایشان است و کسی که قدرش عظیم است که چیزهائی که با او فائده نداشته باشد
متعرض نشود و پرهیزگارترین مردم کسی است که مجادله و منازعه نکند هرچند حق با او باشد
و بیمروت ترین مردم کسی است که دروغگو است و شقی ترین مردم پادشاهانند و دشمن ترین
مردم نزد خدا و خلق متکبرانند و کسیکه در طاعت الهی سعی بیشتر کرده است که ترک گناهان
کرده باشد و داناترین مردم کسی است که از جاهلان بگریزد و سعادتمندترین مردم کسی است که
به نیکان خلطه نماید و عاقل ترین مردم کسی است که با مردم مدارا بیشتر کند و سزاوارترین مردم به تهمت
کسی است که با اهل تهمت همنشینی کند و طاغی ترین مردم کسی است که بکشد کسیرا که قصد کشتن او
نداشته باشد و بزند کسیرا که او را نزند و سزاوارترین مردم بعفو کردن کسی است که قدرت بعقوبت
بیشتر داشته باشد و سزاوارترین بگناه گاری کسی است که در حضور مردم سفاهت کند و در
غائبانه غیبت کند و ذلیل ترین مردم کسی است که مردم خوار کند و دور اندیش مردم کسی است

که مردم را خوار کند و دور اندیش ترین مردم کسی است که خشم خود را بیشتر فرو خورد و شایسته ترین مردم
کسی است که برای مردم شایسته تر باشد و بهترین مردم کسی است که مردم از و منتفع شوند ؛

خاتمة الطبع

لله الحمد والمنة که درین زمان میمنت اقتران واوان برکت وسعادت نشان بفضل وتوفیق ایزد منان وخالق سبحان نقش بند کن فکان وتائید حضرت سرور وسردار عالمیان ودستگیر اوصیاء برحق وجانشینان مطلق آن فخر انبیاء وسید مرسلان صلی الله علیه وآله وسلم کتاب مستطاب هدایت انتساب جامع محاسن اخلاق ومحامد آداب که همه اش مستنبط ومستفاد از اخبار واحادیث ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین ومسمی ونام نهاده است بحلیة المتقین تصنیف عالم ربانی محدث عدیم النظیر وفقیه لاثانی حضرت خاتم المحدثین امام المتاهلین جناب آخوند ملا محمد باقر بن ملا محمد تقی المجلسی الاصفهانی طاب الله ثراهما وجعل الجنة مثواهما در مطبع فیض منبع معروف ومشهور نزدیک ودور مطبع جناب منشی نول کشور لازال الفرح والسرور دراوائل ماه ذی الحجه سنه ۱۳۰۱ هجری نبوی مطابق ماه اکتوبر سنه ۱۸۸۴ عیسوی زیور اختتام وحلیه انطباع پوشیده حمایل گلوی مؤمنان وتعویذ بازوی متقیان گردید فلله الحمد علی ذلک تعالی شانه وتبارک

غلطنامه حلیة المتقین

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۶	۵	اظهر	اظهر
۷	۱۹	درروبهه	وارد وبهه
۹	۲۳	بررسس	بروشس
۱۰	۳	درا	دوا
۱۶	۳	وَلَاتَنَزِعْ	وَلَاتُنَزِّعْ
۲۰	۱۰	جدث	جدت
۲۱	۱۱	لاتمذرنی	لاتذرنی
〃	۱۶	مرگاه	سیرگاه
۲۴	۱۱	خزیَ وشقیَ	خزیٌ وشقیٌ
〃	۱۶	الله	اللهُ
〃	۲۱	الملکُ	اَلْمُلْکُ
۲۹	۸	گوبر	گوید
〃	۱۸	رضیه	رضیاه
۳۰	۱	والمبابه	والمهابة
〃	۲۰	صلی الله صلی الله علیه وآله	صلی الله علیه وآله
۳۲	۱۰	وسن	وحسن
۳۷	۶	براتی بهشت	برای اهل بهشت
۴۲	۱۹	می بافزاید	می افزاید

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۴۳	۱۷	خودما	خودرا
۴۶	۱۸	خوزده	خورنده
۴۷	۷	مجرست	مجرنیست
۵۰	۲۳	لحمُ	ولحمُ
۵۱	۲	آان	آنا آن
〃	۱۳	علی نبیّنا	علی نبیّنا وعلیه السّلام
〃	۱۸	ابدشس	ازبدنش
۵۶	۶	باب نیان	بازبنیان
۵۸	۳	ازحضرت	حضرت
۵۹	۴	باهیشس	باپیش
۹۵	۷	واگر بعد از ظهر	واگر بعد از ظهر ببرد
		ببرد حقیقه ندارد	حقیقه دارد
۹۸	۴	بکنید	نکنید
۱۰۸	۲۱	وحضرت	حضرت
۱۰۹	۱۱	زینی بالتقی	زیّنی بالتقی
۱۱۱	۲۲	امام موسی رضا	امام موسی
۱۱۳	۲۳	اردگرفتن	ازگرفتن
۱۱۶	۶	رندانها	دندانها

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۳۶	۱۳	لرست	کرشب
//	۲۳	وورحدیث	وحدیث
۱۴۳	۱۲	سحر	سحره
۱۴۷	۴	ساخت	ساعت
۱۵۵	۱۳	یاسیر	پاسر
۱۵۶	۸	ایمنی داشته	ایمنی بداشته
۱۵۷	۲۱	الخبث	الخبیث
۱۶۱	۶	عشور کردن	عشور گرفتن
۱۶۲	۲۰	پس از بعد	پس بعد
۱۶۳	۱۲	کسی از سه	کسی از سفر
۱۶۴	۲۱	مغیثه	مغیثه
۱۷۱	۱۲	حسبز	سبز
۱۷۶	۹	لِی کِتَاب	فِیْ کِتَاب
//	۱۴	وَدَاوَالِیْ	وَدَاوِنِیْ
۱۸۲	۱۷	بِالِہٖ استعمد شاه	بِالِہٖ استعمدنا شاه
۱۸۳	۱	بارزذ	اُرْزُقْہ
//	۱۴	رسول الله	رسول رسول الله
۱۸۷	۲۳	یکفی	یَکْفِیْ
۱۸۸	۴	شافی	الشافی
//	۹	فیا لکاز	آقبا لکاز
۱۹۲	۴	بردوش	بردورش

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۹۳	۲۰	جراح	خراج
۱۹۵	۶	بخورودداشتا	بخورد داشت ایا
۱۹۶	۷	قُلْدِ قُلْ ما	قَدْ قُلْ ما
//	۱۱	وَیُصْنَعْ	وَیَصْنَعْ
۲۰۰	۷	وَمِنْ شَرِّ	مِنْ شَرِّ
۲۰۲	۴	وَالنَّهَارِ	اَلنَّهَارِ
۲۰۵	۸	اشْرُحْ	اِشْرَحْ
۲۰۷	۱۷	وَالْاَمْرُ	وَالْاَمْرِ
۲۱۱	۳	تَضَمَّنَتْ	تَضَمَّنَتْ
۲۱۸	۲۰	از حق	حق
۲۲۰	۸	جد	وجد
۲۲۱	۱۰	کہ کسیکه	کہ کسے
۲۲۵	۱۱	به اخوان	با حوال
//	۲۳	میباشد	نمی باشد
۲۲۹	۳	بردارد	برداردو
۲۳۳	۲	کمنه	بکمنه
۲۳۶	۲	امام	بامام
۲۴۷	۱۳	داود	دارد
۲۴۹	۳	ثواب جن وانس	مثل ثواب جن وانس
//	۱۴	بعاز	بعد از
۲۵۱	۵	رباکند	رها کند
//	۲۳	اهل آن را	اهل آسمانرا

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۵۲	۱۲	ودعاکے بہ	ودعای	״	۲	نمی کنند	میکنند
״	۱۳	بکھنند	بکشد	۳۰۶	۲۲	خانۂ خود	خانۂ
۲۵۴	۴	ازروی قسم	ازرو کلقیة قسم	۳۱۵	۱۹	یغعفور	یعفور
״	۲	اموالی	اہوالی	۳۲۲	۱۲	خروس	خرس
۲۶۰	۱۰	پروارندش	بروارندش	۳۲۳	۷	پرہیزگارے	بہ پرہیزگارے
۲۶۱	۲۱	فَاسْئَلُكَ بِہ	فَاسْئَلُكَ بِہ	۳۲۵	۱۷	کہ ربا	کہ ربا
		سَبِیلِی	سَبِیْلَ	۳۲۶	۱۱	اَظْلِمَ	اُظْلُمَ
۲۶۲	۱۴	اُفْتَحْ	اَمْتَحْ	۳۲۷	۱۳	بَوَادِرُ الْاَثِیمِ	بَوَادِرُ الْاٰثِمِ
۲۶۴	۱۰	ویرونش	وازبیرونش	۳۳۱	۶	ابیل	بابیل
״	۱۵	بگوئید	نگوئید	۳۳۴	۱۲	وبخ	دیخ
۲۶۵	۱۶	اَنْتَ فُهِیَاكَ	وَاَنْتَ مُحَیَّاكَ	״	۱۶	وحی ازآسمان	وحی آسمان
״	۱۷	مصافحہ	مصافحہ بکنید	۳۳۷	۱۶	وَاخْلُقْنِی فِی	وَاخْلُفْنِی فِی
۲۶۶	۳	سور	سود	۳۳۸	۱۸	وَلَا رَجَاءٍ	وَلَا رَجَاءٍ
۲۶۷	۱۱	ہم درکجاوہ	ہمکجاوہ	״	״	اَتِکُلُ	اَتَّکِلُ
۲۶۹	۱۶	محمد	مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ	״	۱۹	وَلَا حِیلَةٍ	وَلَا حِیلَةٍ
۲۸۴	۹	بفرستند	نفرستند	۳۳۹	۱	اَحْذَرُ	مَا اَحْذَرُ
۲۸۶	۲۳	میگویند	میگیرند	۳۴۱	۱۷	قَضَتْ	قَضَیْتُ
۲۸۷	۲	نیکے	بہ نیکے	۳۴۲	۹	جَانَبُوا	جَانَبُوا
״	۱۳	یامنیان ترسانان	باجبان وترسان	۳۴۷	۷	ازبزرگ تر	ازتو بزرگ تر
۲۹۰	۱۴	ودرقیامت	درقیامت	۳۵۰	۹	ہرودخانہ	بر رودخانہ
۲۹۲	۲	کشند	کسنند	۳۵۴	۴	فرودآیند بگوئید	فرودآید بگوید
۳۰۳	۱۸	تشنیعے محکنند	تشنیعی بکنند				

صفحہ	سطر	غلط	صحیح				
۳۵۴	۴و۵	مجرٖیہا و مرسٖہا	مجرٖیہا و مرسٰہا	۳۵۹	۳	تاسئے	تاسے
〃	۸	بوقار	بوقار	〃	۴	موتل	موئل
〃	۱۴	مجریہا	مجریہا	〃	۲۲	حاضر	خاضر
〃	۲۱	ولاتحل	لاتحل	۳۶۳	۷	ازسرما	ازسرمادگرما
۳۵۵	۲	وقد	وقد	۳۶۳	۱۰	برجستہ	برجستہ یا در
〃	۱۵	موسے را	مومنے را	۳۷۲	۱۹	ونزد بدبتر	ونزد بدتر
〃	۱۷	سالمین	سالمین	〃	۲۳	مادرخود	مادرخود
			الی سالمین			پس درایں حالت	
〃	۲۲	واساک	وکفاک			بروسعد لازم است	
〃	۲۳	لکل حسیر	لکل خیر				
۲۵۹	۱۹	مشہور	موافق مشہور				



عین البکا۔ معروف بہ مجالس۔ یہ کتاب مستطاب
مذہب امامیہ کی در بیان حالات شہدائے کربلا و
شہادت سید الشہدا جناب امام حسین علیہ السلام
نہایت عمدہ اور مستند ہو مجالس مین جس وقت اس
کتاب کے مضامین ذاکر پڑھتا ہو سامعین کو سینہ
کوبی سے حظ آتا ہو الغرض یہ کتاب نہایت عمدہ ہو

رسالہ وجیزہ۔ و تفویضیہ تصنیف اعلم العلما
افقہ الفقہا عالم ربانی مولانا آخوند محمد باقر مجلسی علیہ الرحمۃ
سے ہو قابل دید ارباب علم و ہنر ہو کہ اس درجہ اختصار
پر کیسے [illegible] ہین۔

طرد المعاندین تصنیف جناب مولوی سید حسین
صاحب المعروف بجناب میرن صاحب
مغفور یہ کتاب مذہب امامیہ کی نہایت عمدہ ہو۔

حلیۃ العرائس۔ یہ کتاب بزبان اردو فقہ مین
اسم بامسمے ہو اسمین عورات کے مسائل فقیہہ جو روزمرہ
کے کام آتے ہین صاف صاف شرح لکھے ہین اگرچہ
رسالہ مختصر ہو مگر فوائد عظیم مترتب ہین جامع عباسی
تذکرۃ الصلوٰۃ وغیرہ کتابین اکثر عورات کو پڑھائی
جاتی ہین لیکن بعض بعض باتین اسمین اُس سے
زیادہ ہین اور عبارت عام فہم نہایت سلیس ہو
اور مسائل بہت عمدہ عمدہ بہ اسانید صحیحہ اسمین
موجود ہین اسکا پڑھنا عورات کے لیے مثل
اکسیر اعظم ہو مصنف اسکے مولوی امداد علی صاحب
لکھنوی ہین۔

قواعد حمد ہندی۔ یہ کتاب مختصر روزمرہ کی بول چال

مسائل روزے کی نظم ہو اکثر اطفال خورد سال اور
عورات کے درس مین پڑھتی ہین انسان کا مرنا اور
قبر مین منکر و نکیر کا سوال و جواب کرنا قیامت کا
آنا نہایت عمدہ طور سے نظم ہو چھوٹے چھوٹے لڑکے
اور لڑکیان اکثر ازبر یاد کرتے ہین جس سے مسائل
مین بھی واقفیت ہوجاتی ہو اور روزہ و نماز جو کہ
اصول مذہب ہو اسمین صلاحیت کامل پیدا ہوتی ہو
اور عقائد بھی درست ہوجاتے ہین اسی سبب سے
ہر مقام پر مروج ہو اور ہر شخص اسکو تربیت اطفال
کے لیے خرید کرتا ہو۔

خلاصۃ المصائب۔ یہ کتاب مصائب اہلبیت
علیہم السلام مین مشہور و معروف ہو تالیفات سے محدث
مقبول ذاکر آل عبا جناب مولوی میرزا احمد ہادی صاحب
صلہا مرحوم کی ہو دو مرتبہ پہلے بھی اس مطبع مین طبع ہوئی
تھی اور کئی مطابع مین بھی چھپ چکی ہو اس مرتبہ نہایت
احتیاط سے بکمال صحت طبع ہوئی ہو مصائب سید الشہدا
امام حسین علیہ التحیۃ والثنا کو جناب مؤلف مرحوم نے اسکی
عمدگی اور ربط معقول سے ترتیب دیا ہو اور ایسا نادر
خلاصہ فرمایا ہو اور ایسے ایسے مضامین جگر خراش
مصائب امام ہمام اور اہلبیت علیہم السلام کے
لکھے ہین کہ جنکے سننے سے سامعین کو غش آتا ہو ایک
دریا آنسوون کا آنکھون سے بہ جاتا ہو الغرض یہ کتاب
فیض انتساب اس مرتبہ کاغذ عمدہ پر صاف وشفاف
چھاپی گئی ہو اعلی درجہ کے خوشنویس سے لکھائی گئی
اور قیمت بھی بغرض رفاہ عام نہایت ارزان ہو۔

مجموعۂ مرثیہ ہائے میر انیس۔ یہ مجموعہ تازہ کنندۂ
غم والم افزایندۂ رنج وماتم ذخیرۂ شیون وشین جامع مصائب
ابی عبد اللہ الحسین ہی تمام کوائف وحالات شہدائے
کربلا مبتلائے رنج وبلا کے نہایت موثر وگداز ہے
ہین اور سلام ورباعیات جنکے سننے سے اہل مجلس کو
سینہ کوبی سے غش آتا ہی ایک دریا اشک کا آنکھوں سے
بہ جاتا ہی مصنف اسکے نامی گرامی مشہور کافۂ انام
ممدوح خاص وعام بلاغت انکی ہمدوش فصاحت کی جلیس
میر ببر علی مرحوم متخلص بہ انیس ہین انکے کلام بلاغت
نظام مین وہ تاثیر ہی کہ اگر سنگ خارا کے گوش مین
صدا پہونچے تو اسکا بھی جگر پارہ پارہ ہوجاوے
نرالا انداز نیا عنوان ہی جسکا مداح سارا جہان ہی
آجتک فن مرثیہ گوئی مین ایسا نازک خیال خوش
مقال عدیم المثال باکمال پیدا نہین ہوا۔ اس مجموعہ
کی چار جلدین ہین جلد اول مین ۲۷ مرثیہ ہین جلد
ثانی مین ۳۰ مرثیہ ہین جلد ثالث مین ۳۰ مرثیہ جلد
رابع مین ۳۰ مرثیہ ہین۔

مجموعۂ مرثیۂ میر مونس۔ یہ مجموعہ نادر دُر گوہر
بے بہا رونق منبر عزا وسیلۂ نوحہ وبکا ذخیرۂ شیون
وشین جامع مصائب ابی عبد اللہ الحسین علیہ السلام
ہی مضمون جگر خراش جس سے دل انس وجان پاش
پاش ذکر حالات سوختگان آتش غم کشتگان خنجر الم
اصحاب واولاد امام ہمام ہی سلطان الذاکرین
ملاذ الشاعرین میر نواب صاحب مرحوم المتخلص بہ مونس
برادر میر انیس کا کلام بلاغت نظام ہی جسکا شہرہ
نازک خیالی وموشگافی وبلند مضمون نگاری مین شہرۂ
تا روم وشام ہی۔

مجموعۂ مرثیہ میرزا دبیر۔ یہ مجموعہ بے نظیر دلپذیر
مرغوب دلہائے ہر صغیر وکبیر رونق منبر عزا وسیلۂ
نوحہ وبکا جامع مصائب شہدائے کربلا حضرت
امام حسین علیہ السلام از تصنیف سلطان الذاکرین قدوۃ
الشاعرین بے نظیر مرتبہ خوش تقریر میرزا سلامت علی
متخلص بہ دبیر ہی یہ نادر مجموعہ دو جلد مین ہی جلد اول
مین (۵۰) مرثیہ اور جلد دوم مین (۵۰) مرثیہ ہین

مجموعۂ مرثیہ میر عشق کہ تمام تاریخی واقعات کا نظم
ہی یہ مجموعہ نایاب رونق مجلس عزا وسیلۂ نوحہ وبکا ہر
احوال شہدائے کربلا علی الترتیب بالتفصیلات
افصح الفصحا ابلغ البلغا ملک الشعرا جناب سید حسین مرزا صاحب
متخلص بہ عشق دام ظلہ العالی اس مجموعہ کی دو جلدین
ہین جلد اول مین نعت رباعیات اور سلام اور قصائد
اور نوحہ بین ابیات ہین اسکے حال جناب رسالت پناہ
صلے اللہ علیہ وآلہ وسلم سے تا حال جناب عباس علیہ السلام
علی الترتیب ہی دوسری جلد مسمی بہ بیان غم مین حال جناب
علی اکبر علیہ السلام سے تا داخلۂ اہل حرم مدینہ مین ہی ہر دو جلد
کا ہر مرثیہ علحدہ علحدہ طبع ہوا ہی۔

مسدس اوج۔ تالیف مرزا محمد جعفر صاحب متخلص
بہ اوج خلف الصدق جناب مرزا دبیر صاحب مرحوم ہی
اسمین جناب امیر المومنین علی مرتضی علیہ السلام کی نہایت
عمدگی سے مدح کی ہی قابل ملاحظۂ مومنین ارباب شوق ہی